

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات برگزیده
اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی
(جلد هشتم)

دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی
مرکز انتشارات راهبردی
بهار ۱۳۹۹

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآورنده: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی / مؤلف؛ ویراستاران معصومه اشتری ماهنی، معصومه مهدوی پور، اعظم اصلی، اعظم رضائی، رضیه کاظمی، ریحانه شیخ سفی، مینا نائیبه؛ ناظر ویراستار مرتضی چشمه‌نور

مشخصات نشر: تهران، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: تعداد صفحه

شابک:

فهرست نویسی: فیبا.

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی. انتشارات

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:



مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی

ناظر ویراستار: مرتضی چشمه‌نور

صفحه‌آرا: علی مهدی‌زاده

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۹

ناشر: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه -

قیمت: ریال

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

مرکز انتشارات راهبردی

نشانی انتشارات: تهران. ضلع شمالی بزرگراه شهید بابایی، بعد از اتوبان هنگام،

دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

تلفن ۲۲۹۷۰۳۴۳ نشانی اینترنتی: www.sndu.ac.ir



مسئولیت محتوای مقالات بر عهده نویسندگان است

سخن ناشر

دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی به‌عنوان سازوکاری علمی و سازمانی در توسعه ادبیات راهبردی و آموزش مدیران عالی کشور در حوزه مسائل راهبردی، دفاعی و امنیتی، با بهره‌گیری از بنیان‌ها و نظریه‌های بومی، در صدد تدوین راهبردهای تعالی‌بخش به منظور تحقق اهداف منبعث از رسالت و مأموریت علمی خویش است.

این دانشگاه و پژوهشگاه از مراکز علمی کلیدی و حساس در عرصه مسائل راهبردی است که از بدو تشکیل و راه‌اندازی آن پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در صحنه آموزش مسائل دفاعی - امنیتی به‌منظور کادرسازی متناسب با اهداف مقدس جمهوری اسلامی در سطوح مدیران عالی کشوری و لشکری پیش‌قدم بوده و وظیفه خطیر خود در جهت آموزش فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه کشور را سرلوحه تمامی برنامه‌ها قرار داده است.

این امر هنگامی مهم‌تر می‌نماید که نگاهی پژوهشی و عمیق به پیرامون کشور، منطقه و جهان داشته باشیم؛ چراکه با ظهور تهدیدات نوین در عرصه بین‌الملل، لزوم داشتن چنین کانونی برای به‌هنگام نگاه‌داشتن مدیران عالی و فرماندهان نظامی کاملاً ملموس خواهد بود. از سوی دیگر ایده ایجاد تمدنی بزرگ موجب می‌شود تا این تلاش و تعهد موجب توسعه همکاری‌ها و ترغیب سازمان‌هایی گردد که برای پیروی از این هدف متعالی و ایجاد تحول در برنامه‌ها و فعالیت‌ها تولید و توزیع ادبیات راهبردی را یاری نمایند.

با نگرش به این رویکرد و اهمیت موضوع، لزوم تولید و توزیع ادبیات راهبردی در دانشگاه و پژوهشگاه که ماحصل تلاش اساتید و فرهیختگان متخصص در علوم راهبردی و دانش‌آموختگانی است که با نهایت تلاش و کوشش مدت‌زمان مفیدی از دوران زندگی خود را جهت فراگیری مفاهیم و اصول علوم راهبردی و تدوین رساله دکتری در دانشگاه و پژوهشگاه طی نموده‌اند، نمایان می‌گردد.

در این راستا مرکز انتشارات راهبردی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی در سه حوزه مدیریت راهبردی، دفاع ملی و امنیت ملی با اهتمام به برنامه‌ها و در چارچوب اهداف و مفاهیم عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تدابیر رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا حضرت امام خامنه‌ای ^{ظله العالی}، سعی در انتقال مفاهیم و آموزه‌های خود به سطوح مختلف مدیران و ارکان جامعه داشته و در این بستر دست‌های پرتوانی که نیل به این اهداف را تسهیل می‌نمایند به گرمی می‌فشارد.

و ما توفیقی اِلَّا بالله علیه توکلت و الیه اُنیب
دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

اعضای هیئت علمی همایش:

دکتر احمد وحیدی

دکتر مهدی غضنفری

دکتر حبیب‌الله سیاری

دکتر علیرضا علی احمدی

دکتر محسن دانایی فرد

دکتر علی اصغر پور عزت

دکتر سید محمدحسین صنیعی

دکتر محمد مهدی نژاد نوری

دکتر ناصر پورصادق

دکتر سید شمس‌الدین حسینی

دکتر محمدرضا جمشیدی

دکتر خسرو بولحسنی

دکتر سید جواد امینی

دکتر حسین اصلی پور

دکتر مهدی عبدالحمید

دکتر محمدصادق امامیان

دکتر میرسامان پیشوایی

دکتر ابراهیم عزیزی

دکتر غلامرضا سلیمی

دکتر محمود صفری

دکتر ناصر عباس زاده

ابوالفضل انصاری

دکتر محمدرضا سنجری

مهندس منوچهر معصومی

دکتر زینب قربانی

دکتر محمدحسین صنیعی

دکتر مسعود باغستانی

دکتر فرزاد رستمی

دکتر محمدرضا موحدی

دکتر محمد شاه محمدی

دکتر محمدرضا صفری نژاد

اعضای کمیته اجرایی همایش:

دکتر محمدرضا جمشیدی؛ دبیر اجرایی همایش
سرهنگ موسی‌الرضا قائمی؛ رئیس دبیرخانه همایش
ابوالفضل انصاری؛ عضو دبیرخانه اجرایی
جواد قاصد نظامیان؛ عضو دبیرخانه اجرایی
دکتر رحمان نجفی سیار؛ عضو دبیرخانه اجرایی
مهندس محمدرضا زنگنه اینالو؛ عضو دبیرخانه اجرایی
مهندس داریوش زنگنه؛ عضو دبیرخانه اجرایی
مهدی سیاوشی؛ عضو دبیرخانه اجرایی
حسام‌الدین کنونی؛ عوامل اجرایی
رضا کریمی مقدم؛ عوامل اجرایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که
قطعاً آنها را حکمران روی زمین خواهد کرد. (سوره نور- آیه ۵۵)

فهرست مطالب

۱۸.....	تدوین الگوی حکمرانی بهینه در ورزش ایران
۳۸.....	الزامات حکمرانی متعالی در جمهوری اسلامی ایران از منظر دولت‌سازی
۵۸.....	الزامات تحقق حکمرانی سیاسی دولت تراز انقلاب در بیانیه گام دوم
۱۰۲.....	ارائه نوع‌شناسی خطاهای شناخت در فهم مسائل حکمرانی
۱۳۶.....	مروری بر مدل‌های بلوغ حکمرانی داده‌ها در بنگاه‌های اقتصادی
۱۶۰.....	بازخوانی تز و آنتی‌تزه‌های حکمرانی در اداره عمومی با نگاهی هرمنوتیک
۱۹۰.....	بررسی رابطه حکمرانی متعالی و رشد اقتصادی
۲۰۸.....	تأثیر ارتباط عالمان با عالمان بر حکمرانی اسلامی
۲۲۲.....	نقش و جایگاه حکمرانی خوب در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر
۲۶۰.....	نقش آموزه‌های اسلامی در تبیین الگوی تعامل بین شاخص‌های حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی
۲۷۸.....	سازوکار اثرگذاری هم‌زمان حکمرانی متعالی و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی
	دلالت‌های سیاست‌گذارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در خصوص ارتقای کارآمدی حکمرانی دفاعی -
۳۰۸.....	امنیتی کشور
۳۲۲.....	حکمرانی مطلوب و بهبود فضای کسب‌وکار
۳۵۴.....	واکاوی موانع خصوصی‌سازی ورزش ایران
۳۹۰.....	حکمرانی هوشمند و مدیریت منازعه جمهوری اسلامی ایران در قبال ایالات متحده
۴۱۲.....	تبیین مولفه‌های حکمرانی متعالی در اسلام
	مطالعه و تبیین جایگاه استراتژی سنگربندی برون‌مرزی در منظومه حکمرانی دفاعی - امنیتی جمهوری

پیشگفتار

مدرسه حکمرانی شهید بهشتی با پیشنهاد سردار ریاست محترم ستاد کل نیروهای مسلح و تصویب مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در روز عید غدیر سال ۱۳۹۶ هجری شمسی با اهداف شش‌گانه زیر راه‌اندازی و از همان تاریخ در راستای تحقق منویات مقام عظمای ولایت و فرماندهی معظم کل قوا با عزمی راسخ و با نیت تحول در نظام حکمرانی کشور، فعالیت‌های خود را با اتکال به الطاف بیکران حضرت باری تعالی و امید به مساعدت کلیه دستگاه‌ها در قوای سه‌گانه و به‌ویژه دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و اتاق‌های فکر و با تلاشی شبانه‌روزی آغاز نموده است.

- تولید و اشاعه دانش و فرهنگ حکمرانی اسلامی در کشور؛
 - مدیریت دانش حکم‌رانی (احصاء ادبیات حکم‌رانی از منابع اسلامی، روایت‌پژوهی با مستندسازی تجربیات مدیران عالی ۴۰ ساله گذشته نظام و...)
 - ارتقا دانش، نگرش، منش و کنش حکمرانان فعلی کشور از طریق دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت؛
 - تربیت حکمرانان آینده کشور؛
 - پیشبرد دانش حل مسائل و ارائه راه‌حل‌های عینی برای حل مشکلات حوزه‌های مختلف حکمرانی کشور همچون حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و امثال آن؛
 - تشکیل بانک اطلاعات مدیران کلیدی کشور برای انتصاب در مشاغل آتی.
- بی‌شک بهره‌گیری از تجارب گام اول انقلاب اسلامی «۴۰ سال گذشته» یکی از ارکان و اولویت‌های کاری مدرسه حکمرانی شهید بهشتی در تحقق اهداف مذکور است. همچنین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که با تدبیر حکیمانه رهبر عظیم‌الشأن انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) همانند چراغ راهنمایی هدایتگر کلیه نهادهای زیرمجموعه نظام در مسیر حرکت به سوی تحقق جامعه اسلامی و تحویل آن به صاحب اصلی آن امام موعود (حضرت بقیه‌الله اعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) است، تکلیف این مدرسه را دوچندان نموده و ضروری است که کلیه دست‌اندرکاران ضمن تلاش شبانه‌روزی برای جاه‌ عمل

پوشاندن به اهداف مصوب، نابسامانی‌های موجود و متصور در هر یک از نهادهای حکومتی را در یک آزمایشگاه سیاست‌گذاری تحلیل کرده و برای هر یک راهکاری درخور عرضه داشته و برنامه جامع تحقق مفاد این بیانیه مهم و سرنوشت‌ساز را تهیه و تدوین و به سهم خود اجرا نمایند.

همچنین بدیهی است که تحقق حکمرانی متعالی اسلامی در کشور مستلزم مشارکت و تعهد کلیه عناصر ذیربط «عامه مردم، نهادها و دستگاه‌های حکومتی» به این مهم می‌باشد و این مشارکت و همدلی نیازمند فرهنگ‌سازی، گفتمان‌سازی و ارتقا دانش و مهارت همه عناصر حکمرانی است. به این منظور مدرسه حکمرانی شهید بهشتی با همکاری برخی از اساتید دانشگاهی و علمای دینی در میان تعدد، تنوع، تفاوت و تکرر تعاریف ارائه‌شده از واژه حکمرانی، فرمایشات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در روز عید غدیر سال ۱۳۹۶ هجری شمسی در باب حکمرانی را برگزیده است؛ به‌ویژه در فرازی که ایشان فرمودند: «امامت یعنی یک فردی، یک گروهی بر یک جامعه‌ای حکمرانی می‌کنند و جهت حرکت آن‌ها را در امر دنیا و در امر معنویت و آخرت مشخص می‌کنند. این یک مسئله همگانی است برای همه‌ی جوامع بشری».

مدرسه حکمرانی شهید بهشتی بر اساس همین تفکر و با مشارکت و حضور تعداد زیادی از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور و جمعی از خبرگان، متخصصین و علمای دینی در تاریخ ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۸ هجری شمسی در محل دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی اقدام به برگزاری اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی نمود.

بخشی از فعالیت‌های این رویداد مهم شامل موارد زیر است:

- دعوت از کلیه دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی اجرای کشور جهت مشارکت در اجرای همایش و برگزاری ۲۰ نشست تخصصی در حوزه‌های مختلف در ماه‌های قبل از برگزاری همایش.
- فراخوان برگزاری همایش و دریافت مقاله از مراکز آموزشی و پژوهشی و دستگاه‌های اجرایی کشور که در مجموع تعداد ۱۶۰ مقاله در حوزه‌های «سیاسی، امنیتی،

دفاعی، اقتصادی و فرهنگی» به دبیرخانه همایش واصل گردید. پس از بررسی‌های لازم تعداد ۱۴۵ مقاله مورد پذیرش قرار گرفت و در این مجلدات چاپ می‌گردد.

• برگزاری ۱۵ نشست تخصصی (پنل) در روز همایش با موضوعات: حکمرانی اطلاعات مکانی، چالش‌ها و راهبردهای حکمرانی مطلوب در محیط زیست، حکمرانی و ورزش و جوانان، آموزش حکمرانی، حکمرانی دفاعی-امنیتی، حکمرانی و علم و فناوری، حکمرانی و مناطق آزاد و تجاری، مبانی نظری حکمرانی، حکمرانی و فرهنگ، نشست آزاد، حکمرانی و سلامت، حکمرانی و سیاست خارجی، حکمرانی و فضای مجازی و رسانه، حکمرانی و قانون و قضا، حکمرانی از منظر امامین انقلاب و ویژگی‌های رفتاری کارگزاران.

• در این همایش، آقایان دکتر علی لاریجانی (رئیس محترم مجلس شورای اسلامی)، سردار سرلشکر پاسدار دکتر محمد باقری (رئیس محترم ستاد کل)، سردار سرلشکر پاسدار دکتر محسن رضایی (دبیر محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام) و دکتر رحمانی فضلی (وزیر محترم کشور) سخنرانی داشتند.

• برابر نتایج نظرسنجی‌های انجام شده کیفیت برگزاری همایش در حد مطلوب و در تراز جمهوری اسلامی ایران بوده و رضایت خاطر جامعه علمی کشور و پوشش خبری رسانه‌های داخلی و خارجی حکایت از این امر دارد.

مدرسه حکمرانی شهید بهشتی در حد بضاعت خود، با برگزاری این همایش گامی هرچند کوچک اما با اهدافی بسیار والا برداشته است. انجام این اقدام خطیر به علت تجربه اندک و ناکافی بودن ادبیات مدون بومی قطعاً خالی از اشکال نیست. امید است که با همگرایی و مشارکت حداکثری کلیه اساتید و مراکز علمی-پژوهشی کشور بتوان گام‌های بعدی را محکم‌تر و استوارتر به جلو برداشت تا ان شاء الله تمهیدات تحقق مفاد بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی فراهم و دین خود را به آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و خون شهدایی که برای شکل‌گیری و حفظ آن جان‌فشانی کردند، ادا نماییم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات کلیه مشارکت‌کنندگان، حامیان و عوامل اجرایی و برگزارکنندگان همایش تشکر نموده و جامعه علمی کشور را به مطالعه و بررسی مقالات گردآوری‌شده در این مجلد و همچنین مشارکت و ارائه مقاله در همایش‌های بعدی دعوت نمایم.

دبیر علمی اولین همایش ملی حکمرانی اسلامی و رئیس مدرسه حکمرانی شهید بهشتی

دکتر مهدی غضنفری

تدوین الگوی حکمرانی بهینه در ورزش ایران

ماندانا رسولی

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی صورت پذیرفته با هدف شناسایی عوامل حکمرانی بهینه در ورزش ایران نگاشته شد. این تحقیق از منظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی بود که به شکل میدانی در دو ساختار حاکمیتی عمده نظام ملی ورزش کشور یعنی وزارت ورزش و جوانان (در بخش دولتی) و کمیته ملی المپیک (در بخش غیر دولتی) به اجرا درآمد. جامعه آماری تحقیق شامل دست‌اندرکاران ورزش در دو بخش دولتی (وزارت ورزش و جوانان) و غیر دولتی (نهاد عمومی غیر دولتی/کمیته ملی المپیک) بودند. نمونه‌گیری در مجموع به صورت کل‌شمار انجام شد و (از $N=200$) در نهایت 150 پرسشنامه کامل و صحیح مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابزار پژوهش، شامل بررسی اسناد و مدارک، پرسشنامه محقق ساخته بر مبنای «اصول اساسی جهانی حکمرانی بهینه در المپیک و سازمان‌های ورزشی» ارائه شده توسط کمیته بین‌المللی المپیک (۲۰۰۸ م) و مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. روایی و پایایی پرسشنامه به تأیید اساتید متخصص و آزمون‌های مربوطه رسید و میان نمونه، تحقیق توزیع شد. نتایج تحقیق نشان داد که هفت عامل «انسجام و استقلال درونی»، «حاکمیت قانون»، «مسئولیت‌پذیری»، «شفافیت»، «پاسخگویی»، «مشارکت و دموکراسی» و «انضباط» به‌عنوان عوامل اصلی حکمرانی بهینه در تعاملات روابط بین‌المللی ورزشی مورد تأیید است و تمامی گویه‌های مربوط به عوامل شناسایی شده در تعاملات بین‌المللی ورزشی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک دخیل هستند. تحقیق، نشان داد بین عوامل حکمرانی بهینه و اثر در تعاملات بین‌المللی ورزشی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک دارای نظم سلسله‌مراتبی معنی‌داری است ($\chi^2=78/58$, $Sig=0/01$). در این مورد بالاترین میزان اولویت مربوط به «انسجام و استقلال درونی» و پایین‌ترین میزان اولویت مربوط به «انضباط» است. در نهایت، نتایج نشان داد که همه عوامل شناسایی شده از مقدار T و بار عاملی قابل قبول و مثبتی برخوردارند: انسجام و استقلال درونی ($\lambda=0/866$)، شفافیت ($\lambda=0/850$)، پاسخگویی ($\lambda=0/793$)، انضباط ($\lambda=0/781$)، مسئولیت‌پذیری ($\lambda=0/709$)، حاکمیت قانون

($\lambda = 0/651$) و مشارکت و دموکراسی ($\lambda = 0/613$) و به عنوان عوامل حکمرانی بهینه مؤثر در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک محسوب می‌شوند. با برآزش مدل تدوین شده نیز مشخص شد که شاخص‌های برآزش مدل از مقدار قابل قبول و مطلوب برخوردار بوده و مدل تحقیق تأیید می‌شود.

کلیدواژه: حکمرانی بهینه، ورزش ایران.

مقدمه

واژه حکمرانی، واژه جدیدی است که به جای واژه قدیمی «دولت»، معنا و مفهوم یافته است. بانک جهانی، حکمرانی را به صورت ذیل تعریف می‌کند: «روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود». توانمندسازی دولت، مفهومی است که اخیراً وارد ادبیات توسعه اقتصادی شده و در برابر دیدگاه‌های پیشین توسعه، دولت بزرگ و دولت کوچک را عامل توسعه نمی‌داند، بلکه باور بر این است که جدای از اندازه دولت، توانایی دولت در انجام وظایف محوله نقش مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی دارد. دولت‌ها می‌توانند با تقویت نهادهایشان، توانمندی خود را بهبود بخشند. این امر مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می‌دهد تا طبق منافع جمع عمل کنند (مبارک و آذریپوند، ۱۳۸۸). کافمن و همکارانش ۱ در بانک جهانی، برای بیان حکمرانی، شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثربخشی دولت را بیان کردند و باور بر این است که هر قدر در کشور، دولت پاسخگوتر، کارآمدتر بوده و از ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌های کمتر و حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر برخوردار باشد، تلقی بر آن است که حکمرانی بهینه برقرار می‌باشد. حکمرانی، سیستمی است که توسط آن سازمان‌ها مدیریت و اداره می‌شوند. این مفهوم بر چگونگی رسیدن سازمان بر اهداف خود، نوشتن قوانین و مقررات، فرآیندهای تصمیم‌گیری سازمانی، تعیین ابزارهای بهینه‌سازی و نظارت بر عملکرد، چگونگی نظارت و

ارزیابی ریسک، شامل و اثرگذار است. مدیریت ورزش نیز از جمله حوزه‌هایی است که به‌طور مستقیم از اعمال حکمرانی بهینه تأثیر می‌پذیرد و از نظر عموم، پذیرش شده است که ساختارهای حکمرانی تأثیر قابل توجه بر روی عملکرد سازمان‌های ورزشی دارد. در ۲۰ سال گذشته ورزش به‌طور چشمگیری تکامل یافته و رویدادهای ورزشی بزرگ میلیون‌ها بیننده و صدها هزار نفر از هواداران را به خود جلب کرده و برای مجریان مسابقات، تولید درآمد قابل توجه داشته است. نقل و انتقال ورزشکاران حرفه‌ای نیز زمینه تجاری شدن ورزش را فراهم ساخته است. حمایت‌های مالی و فعالیت تجاری نیز به‌صورت تصاعدی رشد کرده و به همین تناسب، علاقه رسانه‌ها به ورزش نیز روز به روز افزایش یافته است. رقابت‌های نخبگان ورزشی، تغییر سبک زندگی و دیگر ابتکارات به ترغیب مشارکت مردمی در ورزش کمک کرده و زمینه خودگردانی ورزش را فراهم ساخته و رفته رفته نقش دولت‌ها در سرمایه‌گذاری و تصمیم‌سازی سازمان‌های ورزشی کمرنگ‌تر شده و زمینه خودگردانی سازمان‌های ورزشی را سرعت بخشیده است (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۷).

از سوی دیگر، با گسترش ارتباطات، بین جوامع در عرصه بین‌الملل و همکاری و توافقات در قالب نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان کنشگران جدید، فصلی نوین در چهارچوب تعاملات و روابط بین‌المللی گشوده شد که به‌طور عمده متمرکز بر روابط بین دولت‌ها بود (مصفا و امین‌منصور، ۱۳۹۱). سال‌ها بعد از اینکه دولت‌ها شکل گرفت (۱۶۴۸ م)، بازیگرانی غیر دولتی نیز به وجود آمدند، که حاکمیت آن‌ها را تهدید می‌کردند. این بازیگران، انحصار نقش دولت‌ها را در عرصه بین‌المللی شکستند. پیوند اجتناب‌ناپذیر ورزش با سیاست، نشان داد که ورزش یک ابزار حاشیه‌ای در روابط بین کشورها نیست، بلکه حتی می‌تواند نقش سازنده‌ای را در روابط بین‌المللی بازی کند (کاظمی، ۱۳۷۸؛ گودرزی، ۱۳۹۱). ظریف و همکاران (۱۳۹۳ ه.ش) پویایی مفهوم کارکرد سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در قالب طبقه‌بندی مراتب چندجانبه و سازوکارهای آن و روش مناسب برای تقسیم نهادها و محیط‌های کاری دیپلماسی چندجانبه را برحسب حوزه، اهداف، وظایف، فعالیت، مؤسسين و محدوده عضویت بیان داشته؛ به کارکردهای دیپلماسی

چندجانبه، (همچون دیپلماسی ورزش)، در صحنه جهانی از منظر حوزه ملل متحد، ارکان آن و نیز خارج از این سازمان به تفصیل اشاره می‌دارند. در این رابطه وینسنت و جدی (۲۰۱۱ م) دیپلماسی ورزشی را مفهومی پویا دانسته و با عنایت به توان ایفای نقش تعاملات بین فرهنگی در ذات ورزش، دیپلماسی ورزشی را نوعی دیپلماسی فرهنگی تلقی می‌کنند. مجموعه مصادیق برشمرده مؤید آن است که به دلایل متعدد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و سیاسی امروزه، لزوم شناخت نظام‌های حاکمیتی، سازمان‌های مرتبط و خط‌مشی‌های مورد تعقیب این نهادها، امری ضروری محسوب شده و این امر به لحاظ نقش‌آفرینی و کنشگری و عرضه و نمود حوزه‌های ملی قالب‌ها در تعاملات و معادلات بین‌المللی تعیین‌گر تلقی می‌شود. از آنجا که تعمیم اصول حکمرانی بهینه پس از تأکید در اهداف هزاره سوم در ادبیات برنامه‌ریزی نظام ملل متحد و نهادها و سازمان‌های متصف به آن (از جمله ورزش با توصیه کمیته بین‌المللی المپیک) در حوزه‌های مختلف کارکردی مورد توجه واقع گردید، لذا نیاز به شناخت وضع حاضر در معناپذیری محورهای حکمرانی در مؤلفه‌های مدیریت ملی جهت آگاهی از چگونگی مسیرسازی همگام با تحولات و مشی‌های بین‌المللی بدیهی به نظر می‌رسد.

این تعاملات در تغییر شکل با ماهیتی در زمانی (قریب ۳۶۰ سال) از جنگ به موازنه قوا و سپس دیپلماسی و به صورت اخیرتر ایجاد همکاری انجامیده و فرض مطلق بودن حاکمیت به شکل تدریجی و مستمر به چالش کشیده شده و در نتیجه راه برای مداخله در امور داخلی دولت‌ها با گره خوردن شناسایی آن‌ها با معیارهایی همچون مردمی بودن، رعایت حقوق بشر، دموکراسی و امثال آن از یکسو و شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و فراملی و از سوی دیگر، در شکل نظام‌یافته در انتقال اقتدار دولت‌ها به نهادهای فراملی باز و این امور تقسیم‌پذیر گردید.

در حقیقت، با گسترش ارتباطات بین جوامع و دولت‌ها در عرصه بین‌المللی و ضرورت درک متقابل و تحکیم روابط در چارچوب‌های حقوقی، به تدریج ترتیبات فراملی و چندجانبه در قالب تعاملات بین «دولت با دولت»، «دولت با بخش‌های غیر دولتی»،

«دولت با ترتیبات فراملی» و «ترتیبات فراملی با یکدیگر»، به‌عنوان وسیله‌ای برای تسهیل مذاکره، همکاری و پیگیری توافقات در قالب نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان کنشگران جدید شکل گرفته و در این روند گفتگوها، سیاست‌ها و عملکرد این نهادها و سازمان‌ها و جلب توجه جامعه جهانی باعث بروز واکنش‌هایی در جوامع گشته که از طرق مختلف از مناظر متفاوت مورد تحلیل قرار می‌گیرند (مصفا و منصور، ۱۳۹۰؛ رضایی، ۱۳۸۷).

مؤلفه‌های اصلی مبانی نظری حکمرانی مبتنی بر تفسیر پارادایم نقش دولت و حکومت‌ها و در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی شکل گرفت، مفهومی که از رویکرد اقتصادی (در بانک جهانی) نشأت گرفت با توجه به حضور دولت به‌عنوان یکی از عناصر قوی و با کیفیت رویکرد سیاسی به خود گرفته و سپس با اصالت دیگر بازیگران جامعه مدنی ماهیت اجتماعی یافته و در راستای توسعه پایدار تلقی شد (احمدی بهشت، یوسفی بهرام، عبدی حسین ۱۳۹۶)؛ بنابراین حکمرانی بهینه در جستجوی تعیین شاخص و سنجش مجموعه‌ای نماگر برای این سنجش است پس در محیط‌های مختلف با رویکردهای متفاوت شاخص‌های متناسب با ساختار و سازمان‌های عامل و مأموریت‌های آن‌ها در نظر گرفته می‌شود.

در همین رابطه مصوبه بند پنج قطعنامه شماره ۵۵/۲ ملل متحد مشهور به قطعنامه هزاره سوم (۲۰۰۰ م) که حصول معیارهای برشمرده (شفافیت، دموکراسی، تساوی و...) را در قالب حکمرانی بهینه اشعار می‌نماید، الهام‌بخش مصوبات بسیار دیگری در عرصه ورزش شده است. این روند و مصادیق اجرایی‌سازی آن پس از تصویب سند توسعه پایدار ۱ (SDG) نیز همچنان با تبیین اولویت‌های محورهای بنیادی حکمرانی به صورت جهانی و سیاست‌های متخذ به‌روز، در مقاطع زمانبندی مشخص با امکان بومی‌سازی عوامل، کماکان روندی فعال و پویا و مورد تعقیب نهادهای حاکمیتی بین‌المللی در گروه‌ها، حوزه‌های کاربردی و زیرمجموعه‌های عملیاتی مرتبط در مقیاس‌های ملی می‌باشد.

کمیته بین‌المللی المپیک^۱ به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نهادهای بین‌المللی حاکمیتی ورزش در خلال سمینار «خودمختاری جنبش المپیک و ورزش‌ها» در فوریه ۲۰۰۸ میلادی، اصول اساسی جهانی حکمرانی بهینه در جنبش المپیک و ورزش‌ها را به‌طور رسمی اعلام نمود (بیانیه کپنهاگ، ۲۰۰۸) که با توجه به نهادگرا بودن این مدل (سامتی و رنجبر، ۱۳۹۰)؛ از ابتدا چارچوب مفهومی قابل‌اتکایی را برای سنجش وضعیت نقش سازمان‌های ورزشی، با استفاده از ادبیات مشترک در توسعه و برقراری روابط بین‌المللی خود به دست می‌دهد.

با پیوستن رسمی IOC به نظام ملل متحد در قالب عضو ناظر مجامع عمومی سازمان ملل (سایت رسمی IOC، ۲۰۰۹)، توصیه‌های تأکیدی این نهاد مرجع (با هدف‌گذاری‌های مشخص در قطع‌های زمانی دوره‌ای)؛ لزوم پیوستار و همگون‌سازی نظام حاکمیتی ملی ورزش را در هر دو بخش دولتی و غیردولتی افزون ساخت، نظیر: «مصوبات دومین کنوانسیون جهانی ورزش‌های المپیک - انجمن کمیته‌های ملی المپیک^۲ (ANOC، ۲۰۱۲ م) در توسعه مشارکت دولت‌ها در تبیین سیاست‌های عمومی ورزش» و «مصوبه مجمع عمومی IOC در نوامبر ۲۰۱۳ میلادی، مبنی بر تضمین تکریم اصول حکمرانی بهینه و اخلاق در حکم بخشی از اصول اساسی المپیزم» و همچنین «توصیه تأکیدی ریاست کمیته بین‌المللی المپیک در به کار بستن اصول حکمرانی بهینه در جنبش المپیک و ورزش‌ها و منظور شدن آن در دستور کار المپیک ۲۰۲۰ میلادی» و «تأکید مؤکد آن (حکمرانی بهینه) از مجرای پیمان ورزش^۳ به مجموعه فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی»^۴ (کمیته ملی المپیک، ۲۰۱۶).

به همین دلیل مدل حکمرانی بهینه می‌تواند به‌عنوان یکی از مبانی معتبر در بررسی و ارزیابی وضعیت تعاملات ورزشی سازمان‌های حاکمیتی ورزشی ملی که در تحقیق حاضر وزارت ورزش و جوانان (در بخش دولت) و کمیته ملی المپیک (در بخش غیردولتی) انتخاب شده‌اند؛ واقع گردد. علاوه بر این باید توجه داشت عمده سازمان‌های ورزشی بین-

1 International Olympic Committee (IOC)

2 Association of National Olympic Committees (ANOC)

3 SPORT ACCORD

4 International (Sport) Federations (IFs)

المللی، قاره‌ای و ملی نیز تاکنون با وضع سیاست‌ها، راهبردها، قوانین و دستورالعمل‌ها و درج در اسناد به این پیوستار ملحق شده‌اند.

در همین راستا در یکی از آخرین بررسی‌های پایشی صورت‌پذیرفته توسط مؤسسه بین‌المللی توسعه مدیریت^۱ در پروژه‌ای مشترک با کمیته بین‌المللی المپیک در جولای ۲۰۱۷ میلادی، پژوهشی مروری بر نحوه نهادینه‌سازی اصول حکمرانی با نگاه بر ساختارها و روندهای حاکمیتی داشته که با پیش‌بینی و تشخیص مواردی از مسائل بگرنج و مشترک در سطح بین‌المللی، ارزش‌های قوی و مؤکد مورد تعهد سازمان‌ها و به تبع آن مدیران ورزش را در بهره‌گیری از الگوی کیفی حکمرانی مطرح می‌نماید و مبتنی بر اهداف دستور کار ۲۰۲۰، تکامل و بلوغ سازمان‌های ورزشی را در مواجهه و پذیرش این امر در سال‌های پیش رو دانسته است. در این بررسی به غیر از تأکید بر انسجام سازمان‌های ورزشی در ابعاد مختلف حکمرانی که به خودی‌خود و در بدو امر به کارایی سازمان‌های ورزشی می‌انجامد، پرداختن به این امر را بخشی از مسئولیت اجتماعی^۲ و اجرای مأموریت‌های اجتماعی در مقیاسی بین‌المللی قلمداد کرده است.

با تفصیل فوق می‌بینیم که اصلی‌ترین نهاد حاکمیتی ورزشی در سطح بین‌المللی که خود عضویت ناظر در سازمان اصلی مولود جامعه ملل، یعنی سازمان ملل متحد را داراست در اتفاق و هم‌راستایی با این نهاد الگوی اصول حکمرانی بهینه را در محیط‌های ورزشی از سازمان‌های خانواده المپیک گرفته تا توصیه‌هایی میرز برای سازمان‌های ورزشی بخش‌های عمومی و دولتی ارائه نموده است که با فازهای مشخص برنامه‌ای تحقق و اجرایی شدن آن را دنبال می‌نماید. در این راستا سازمان‌های بین‌المللی حاکمیتی، بالأخص در کشورهای پیشرو و توسعه‌یافته همچون اتحادیه اروپا ضوابط و سیاست‌های راهبردی مشخصی را در برنامه‌های حیطه جغرافیایی مشمول وضع و تا عرصه قانون‌گذاری به پیش برده و پیشبرد آن را منطبق با سیاست‌های روز جهانی IOC رصد می‌نمایند. فراگیر بودن این روند گسترده تا آنجایی پیشرفته است که سازمان‌های غیر دولتی که حتی فاقد ارتباط رسمی

1 International Institutue for Management Developent (IMD)

2 Social Responsibility

ساختاری با نهاد اصلی بین‌المللی هستند به صورت خودجوش، داوطلبانه و با بهره‌گیری از مطالعات روز علمی دانشگاهی نسبت به احصاء شاخص‌های مؤکد در درونی‌سازی حکمرانی در بخش سازمان‌های ورزشی غیر رسمی به پیش رفته‌اند و آن‌ها را به‌عنوان معیارهای اجرایی قابل‌پایش در سازمان‌های تأثیرگذار که بالقوه توان ایفای نقش تعاملی در فضای بین‌المللی ورزش دارند، جستجو می‌کنند. در چنین عرصه‌ای نمی‌توان با مسامحه و اغماض از فضای جریان‌دار ورزش در حوزه بین‌الملل رویگردان بود و امید توفیق و برتری و بازیگری در روابط بین‌المللی داشت؛ به همین دلیل لازم است تا بدانیم در این عرصه کمابیش تعریف‌شده در کجا ایستاده‌ایم و مبتنی بر این الگو حوزه ملی چه محورهایی را می‌شناسد و چگونه به آن رسمیت بخشیده و عمل می‌کند.

برای دستیابی به این منظور بهره‌گیری از روش دلفی به‌عنوان روش سیستماتیک تحقیق برای استخراج نظرات گروه‌های متخصص در یک موضوع از طریق دوره‌های مصاحبه و پرسشنامه به روشی مناسب جهت پیش‌بینی و برآورد شاخص‌های ناشناخته و تعیین توافق صاحب‌نظران و اجماع نظرات تا مرحله استنتاج و تجمیع دانسته‌ها و تحلیل مورد، صورت پذیرفته است. سؤالات مصاحبه در مرحله اول دلفی عبارت بودند از: «عوامل مؤثر حکمرانی بهینه در ورزش چه هستند/ می‌توانند باشند؟»؛ «اولویت عوامل حکمرانی بهینه در ورزش چگونه است؟»

در مرحله دوم از نمونه‌های تحقیق درخواست شد تا خصایص و ماهیت‌های توصیف‌گر و حائز توجه در هر یک از عامل‌های یادشده را جهت اجرایی‌سازی و تحقق عامل به ظن نظرات فردی اشاره نمایند. در مرحله سوم مؤلفه‌های برشمرده توسط کمیته ملی المپیک تحت عنوان «اصول بنیادین جهانی حکمرانی بهینه در جنبش المپیک و ورزش»، مورد ارائه، تأیید و توصیه بیست‌ویکمین کنگره جنبش المپیک در بروکسل-۲۰۰۸ میلادی و نیز موارد توصیه شده در خلال مجمع عمومی انجمن کمیته‌های المپیک^۱ در آوریل ۲۰۱۲ میلادی، در اختیار پرسش‌شوندگان قرار گرفت و سپس نظرات آن‌ها بر

محورهای حکمرانی بر مبنای اصول بنیادین IOC احصاء شد و عواملی که با توجه به شرایط ملی دیده نشده‌اند و یا در درجه پایین‌تری از اولویت قرار گرفته‌اند و قابلیت تحقق ندارند، مورد تحلیل قرار گرفت. در مرحله چهارم دلفی، گویه‌های شناسایی شده که تعداد آن‌ها ۶۹ مورد بود بعد از چند مرحله رفت و برگشت در قالب مؤلفه‌هایی دسته‌بندی شده و به‌طور مجزا ارائه شدند و پس از آن روایی گویه‌ها (از طریق روش لاوشه) و پایایی آن‌ها (با روش آلفای کرونباخ) مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و برای استفاده در پرسشنامه عموم مورد توجه قرار گرفتند.

سپس پرسشنامه‌ها در جامعه آماری $N=200$ توزیع گردید و در نهایت ۱۵۰ پرسشنامه تکمیل شده بدون نقص مورد تحلیل به روش تحلیل عامل تأییدی واقع شد. نتایج حاصله تحقیق نشان داد که هفت عامل، شامل عوامل انسجام و استقلال درونی، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و دموکراسی و انضباط به‌عنوان عوامل اصلی حکمرانی بهینه مؤثر در تعاملات ورزشی کارکرد دارند و تمامی گویه‌های مربوط به عوامل شناسایی شده در تعاملات ورزشی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک نقش دارند. همچنین، بین عوامل حکمرانی بهینه مؤثر در تعاملات وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک اولویت معناداری وجود دارد ($\chi^2=78/58$, $Sig=0/01$)؛ به‌طوری که بالاترین اولویت مربوط به «انسجام و استقلال درونی» و پایین‌ترین اولویت مربوط به «انضباط» بود. در نهایت، نتایج نشان داد که همه عوامل شناسایی شده از مقدار T و بار عاملی قابل قبول و مثبتی برخوردارند و عوامل حکمرانی بهینه مؤثر در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک محسوب می‌شوند و با برازش مدل تدوین شده نیز مشخص شد که شاخص‌های برازش مدل از مقدار قابل قبول و مطلوب برخوردار بوده و مدل تحقیق تأیید می‌شود.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، یافته‌های توصیفی زیر به دست آمد:
توصیف وضعیت نمونه‌های تحقیق بر اساس جنسیت نشان داد که ۳۷/۳ درصد از نمونه زن و ۶۲/۷ درصد مرد بودند.

توصیف وضعیت نمونه‌های تحقیق بر اساس رشته تحصیلی نشان داد که رشته تحصیلی ۳۱/۳ درصد از نمونه تربیت بدنی و ۶۸/۷ درصد غیر تربیت بدنی بود.

توصیف وضعیت نمونه‌های تحقیق بر اساس سن نشان داد که ۴۴/۰ درصد از نمونه ۴۱ تا ۵۰ سال بودند؛ در حالی که ۸/۷ درصد بالای ۶۰ سال بودند.

توصیف وضعیت نمونه‌های تحقیق بر اساس سابقه خدمت نشان داد که سابقه شغلی ۴۰/۷ درصد از نمونه ۱۱ تا ۱۵ سال بودند؛ در حالی که ۳۰/۷ درصد سابقه شغلی بالای ۱۵ سال داشتند.

توصیف وضعیت نمونه‌های تحقیق بر اساس مدرک تحصیلی نشان داد که ۶۰/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی بودند؛ در حالی که ۲۲/۷ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و ۵/۳ درصد دارای مدرک دکتری بودند.

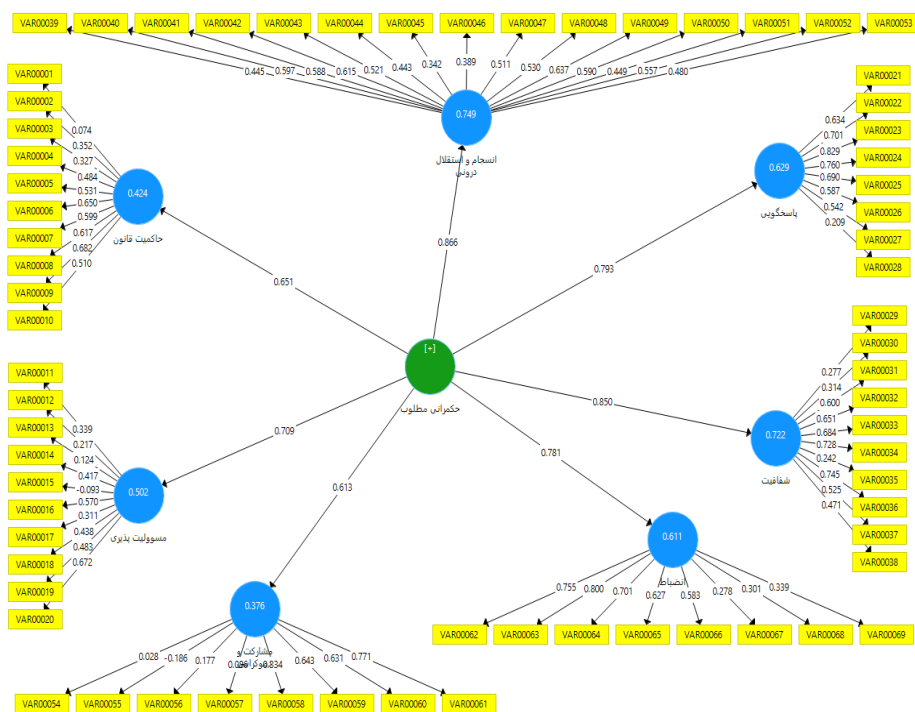
یافته‌های استنباطی

یافته‌های استنباطی به شرح ذیل بود:

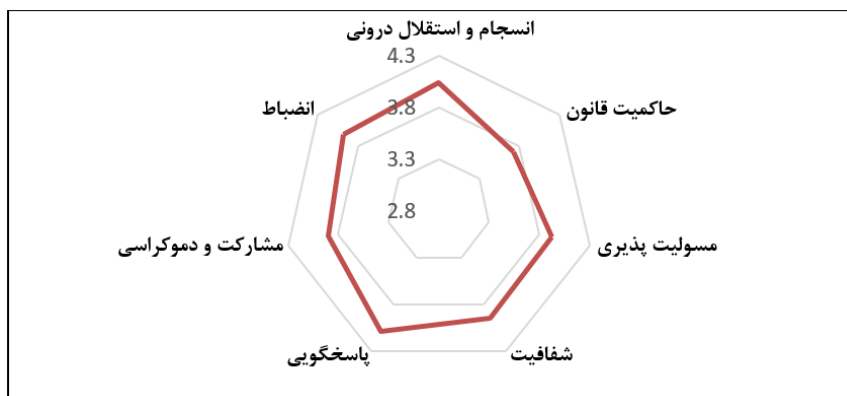
نتیجه آزمون کولموگروف اسمیرنف نشان داد که توزیع تمامی متغیرهای تحقیق طبیعی بود (P=۰/۰۵).

نتیجه آزمون فریدمن مربوط به سؤال دوم تحقیق نشان داد که بین عوامل حکمرانی بهینه مؤثر در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک اولویت معناداری وجود دارد (Sig=۰/۰۱، $\chi^2=78/58$)؛ به طوری که بالاترین اولویت مربوط به «انسجام و استقلال درونی» و پایین‌ترین اولویت مربوط به «انضباط» بود.

نتیجه تحلیل مدل معادلات ساختاری مربوط به سؤال سوم تحقیق نشان داد که همه عوامل شناسایی شده از مقدار T و بار عاملی قابل قبولی و مثبتی برخوردارند و عوامل حکمرانی بهینه مؤثر در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک محسوب می‌شوند. همچنین باید توجه داشت که با توجه به بارهای عاملی به دست آمده، به ترتیب عوامل انسجام و استقلال درونی ($\lambda=0/866$)، شفافیت ($\lambda=0/850$)، پاسخگویی ($\lambda=0/793$)، انضباط ($\lambda=0/781$)، مسئولیت پذیری ($\lambda=0/709$)، حاکمیت قانون ($\lambda=0/613$) و مشارکت و دموکراسی ($\lambda=0/611$) به ترتیب از اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری در ورزش کشور برخوردار هستند و گویه‌های هر مؤلفه نیز دارای بارهای عاملی متفاوتی به میزان مندرج در مدل بودند. با برآزش مدل تدوین شده نیز مشخص شد که شاخص‌های برآزش مدل از مقدار قابل قبول و مطلوب برخوردار بوده و الگوی تحقیق مورد تأیید واقع می‌شود.



مدل عوامل حکمرانی بهینه مؤثر در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک



بحث و نتیجه گیری

همان‌طور که پیشتر نیز بیان شد، ضروری است که عوامل شناسایی شده مد نظر قرار گرفته و حکمرانی بهینه در سازمان‌های ورزشی کشور حکمفرما شود. در این راستا، انسجام و استقلال درونی به‌عنوان مهم‌ترین عامل شناخته شد ($\lambda=0/866$). از آنجا که در تعاریف بین‌المللی، سازمان‌های ورزشی همچون کمیته‌های ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی سازمان‌هایی غیر دولتی تعریف شده‌اند؛ بنابراین حفظ استقلال سازمان‌های ورزشی کشور امری ضروری است و عدم توجه به این مسئله می‌تواند عواقب ناگوار بین‌المللی همچون تعلیق فدراسیون‌های ورزشی و کمیته ملی المپیک را به دنبال داشته باشد که در این صورت، تعاملات بین‌المللی ورزشی وارد بحران خواهد شد و ورزش و ورزشکاران کشور نیز متضرر خواهند شد. در بررسی این عامل متغیر مکنون ضرورت اطلاع‌رسانی و آموزش تعاریف و مصادیق مورد پیگیری و لازم‌الرعايه نهادهای بین‌المللی (همچون کد اخلاق کمیته بین‌المللی المپیک / مبارزه با دوپینگ وادا و IOC) در حوزه ملی به جهت نافذ بودن تعاریف و مصادیق‌های آن بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داد و پس از آن در رتبه دوم آزمودنی‌ها نشان دادند، لازم است تا الزامات اجرایی مورد تبیین توسط نهادهای حاکمیتی ملی در سازگاری و هماهنگی با یکدیگر تعیین شوند؛ بنابراین لازم است که دولت و سایر نهادهای حکومتی در فعالیت‌ها و تصمیمات فدراسیون‌های ورزشی و کمیته ملی المپیک دخالت نکنند و این موضوع در عین حال با ارتباط و همکاری دولت با

کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی در عین حفظ استقلال و تمامیت آن‌ها صورت پذیرد تا همکاری و تعاملات بین مجموعه سازمان‌های ورزشی با دولت و سیاست‌های دستگاه متولی ورزش کشور به صورت همگرا و منسجم کارکرد متناسب خود را بروز دهد. در اولویت بعدی احصاء شده متغیرهای این عامل، حصول فهم دقیق از فعالیت‌های وظیفه-ای ارگان‌های ملی با انتظارات بین‌المللی نهادهای حاکمیتی بین‌المللی ورزشی و تدوین منشورهای سازمانی مبتنی بر این ملاحظات از جمله منشور اخلاقی با منظور داشتن قوانین، ارزش‌ها و فرهنگ سازمانی وظیفه‌ای محیط ملی مورد دغدغه و تأکید استنباط شد که نشان می‌دهد حتی برای عوامل و دست‌اندرکاران شاغل در وضعیت حاضر یکپارچگی لازم جهت به کار بستن این موارد محسوس نیست.

عامل دیگر شناسایی شده در اهمیت دوم شفافیت بوده است ($\lambda = 0/850$). شفافیت یکی از ابزارهای اصلی مبارزه با فساد به حساب می‌آید. وجود سیستم شفاف در سازمان‌های ورزشی از سویی باعث حفظ مشروعیت و مقبولیت سازمان و مدیران آن و برخورد با فساد در سازمان می‌شود و از سوی دیگر، می‌تواند از بروز فساد در سازمان جلوگیری نماید. این امر می‌تواند نقش پیشگیرانه در بروز اختلافات، طرح شکایات و خروج مسائل از حوزه ملی و طرح در نهادهای بین‌المللی داشته باشد. بر این اساس، مواردی همچون تبیین شفاف وظایف، تکالیف واحدهای سازمانی منطبق با قوانین ملی و در ارتباط با خط‌مشی‌های عمومی حاکمیتی بین‌المللی ورزش، وضع ضوابط و مقررات داخلی مدیریتی ورزشی به‌طور مشخص در هم‌راستایی با ضوابط ناظر بین‌المللی، تبیین شرایط کاندیداتوری نفرات حوزه ملی در پست‌ها و مناصب بین‌المللی مبتنی بر توانایی و شایستگی‌ها، روندهای شفاف و مورد کنترل برای احراز شرایط انتخاب و ثبت نامزدی افراد در انتخابات، تعیین شفاف رویه‌های مالی می‌تواند راهگشا بوده و شفافیت عملکردها و تصمیمات سازمانی بیفزاید.

عامل حکمرانی بهینه شناسایی شده در رتبه بعدی بار عاملی مؤثر؛ پاسخگویی بود ($\lambda = 0/793$). بنا به تعاریف ارائه شده در منابع مدیریت ورزشی تعبیر متبادر از پاسخگویی

به‌عنوان پاسخگویی بیرونی در ایفای نقش وظیفه‌مند کل افراد اعم از تصمیم‌سازان، مسئولین و کارکنان اجرایی به‌عنوان نمایندگان سازمانی نسبت به برونداد نهایی سازمان یاد شد، آنچه از عملکرد سازمان در این مفهوم انتظار می‌رود پاسخگو بودن مجموعه افراد نسبت به خروجی سازمان در برابر افراد، شاکله‌ها و محیط‌هایی است به ترتیبی حق قضاوت در خصوص رفتار و عملکرد سازمانی را دارا هستند (مثال پاسخگویی کمیته ملی المپیک نسبت به IOC و یا پاسخگویی بالقوه وزارت ورزش و جوانان به مراجع داخلی دولت، مجلس شورای اسلامی و یا مراجع بین‌المللی نظیر کمیته بین‌الدول تربیت‌بدنی و ورزش یونسکو^۱ و نیز مصوبات کنفرانس بین‌المللی وزرا و مقامات ارشد مسئول در امر تربیت‌بدنی و ورزش^۲). هم‌راستا با این توصیف در متغیرهای پنهان این عامل نیز عیناً بیشترین بار عاملی مربوطه، به‌اینکه مقامات ملی تنها خود را ملزم به پاسخگویی نسبت به قواعد و مراجع ملی می‌دانند شناسایی شد. این شناسه مجزا از بهره‌گیرندگان به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی است و نهادهای ناظر را شامل می‌شود. در پی آن لزوم پیگیری مستمر الزامات نظام‌های حاکمیتی بین‌المللی در جهت تأمین روند پاسخگویی متناسب در حوزه ملی گزارش شد. همچنین آزمودنی با تخصیص کمترین بار عاملی به موضوعیت پاسخگویی نمایندگان در مجامع بین‌المللی نسبت به مواضع سازمان ملی خود نشان دادند که در این بخش نیز عامل ضعفی را در دیپلماسی ورزشی و تأمین قدرت لازم در عرصه‌های تصمیم‌سازی و بازیگری در نقش حکمروایی را تأیید می‌نماید.

عامل انضباط در رتبه بعدی به لحاظ بار عاملی نسبت به سازه اصلی حکمرانی شناخته شد ($\lambda = 0/781$). به‌طور کلی می‌توان انضباط را وجود فضا و شرایط خاصی در سازمان تعریف کرد که کارکنان را ملزم می‌کند رفتاری معقول و مقبول را در چهارچوب قوانین و مقررات سازمان در پیش گیرند. وجود انضباط برای فعالیت تمامی گروه‌های سازمانی امری ضروری است. اعضای هر گروه باید خود را به‌نحوی منطقی با کدهای رفتاری تدوین‌شده

1 The Intergovernmental Committee for Physical Education and Sport (CIGEPS)- UNESCO

2 International Conference of Ministers and Senior Officials Responsible for Physical Education and Sport (MINEPS)

توسط مدیریت سازمان تطبیق دهند و از این طریق با اهداف سازمانی، سازگاری یابند. به همین خاطر است که این محور در اصول حکمرانی بهینه ارائه شده توسط کمیته بین‌المللی المپیک تحت مضمون ارتباط هماهنگ با دولت‌ها مد نظر قرار گرفته و تحلیل شده است. در بین دیگر متغیرهای مکنون توصیف‌گر این عامل بالاترین رتبه به رعایت انضباط در تدوین و ارائه دستورات کار ملی به‌روز و هماهنگ با موضوعات مطرح نظام بین‌المللی ورزش در صدر انتخاب نفرات بود و پس از آن اعتقاد آزمودنی‌ها بر آن قرار گرفت که رعایت انضباط از سطح مدیران آغاز شده و سپس به زیرمجموعه تسری می‌یابد. کمترین میزان بار عاملی در تأیید وجود مراجع قضایی صالحه و امکان استیناف هر عضو متأثر از تصمیمات انضباطی ورزشی بود.

عامل حکمرانی بهینه مؤثر بعدی در ورزش کشور مسئولیت‌پذیری شناخته شد ($\lambda = 0/709$). این عامل واجد شباهت‌های بسیاری به پاسخگویی است؛ زیرا مسئولیت‌پذیری ملزم به وجود سازمان‌ها و فرایندها است (تعریف اسکاپ) و از آن به پاسخگویی درونی / داخلی نیز تعبیر شده است. مسئولیت‌پذیری به‌عنوان رفتاری در راستای اقدامات اصلاحی و جریمه‌سازی موارد سوء مدیریت محسوب می‌شود. مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی که بر عهده وی گذاشته شده است، منظور می‌شود. در بین گویه‌های معرف متغیرهای پنهان این عامل، بیشترین بار عاملی متوجه فقدان مسئولیت‌پذیری به دلیل جانمایی ناصحیح افراد و گماردن نفرات در سمت‌های غیر منطبق با توانایی‌های فردی بود. این امر بالأخص در عرصه مشارکت‌های بین‌المللی، بالأخص کسب کرسی‌های بین‌المللی نمود داشته است. این مورد به‌خودی‌خود با کارایی سازمانی ارتباط مستقیم دارد. در پرسشگری به‌عمل آمده نشان داده شد که ناآگاهی نسبت به روندهای ملی در قبال رویه‌های بین‌المللی در کنار نبود سیستم پیشی و نظارتی لازم خود سبب ضعف در مسئولیت‌پذیری است. عدم مسئولیت‌پذیری در از بین رفتن انسجام ملی و به‌تبع آن تأمین مصادیق مورد پایش حوزه بین‌المللی نیز نمود می‌یابد.

عامل مهم دیگری که به عنوان یکی از عوامل حکمرانی بهینه مؤثر در ورزش شناسایی شد، عامل حاکمیت قانون بود ($\lambda = 0/651$). قانون به وجه عام، وجه تفکیک زندگی مدنی از زندگی غیر مدنی انسان‌ها است و در معنای خاص، دستور کلی (جزئی) است که به وسیله مرجع صالح انشا شده و به وسیله مجالس قانون‌گذار تصویب می‌شود. برقراری سیستم حکمرانی بهینه نیازمند چارچوب‌های قانونی عادلانه و منصفی است که از ویژگی بی‌طرفی برخوردار باشد. در این چارچوب باید از حقوق کلیه افراد به خصوص حقوق محرومان محافظت به عمل آید. این امر می‌بایست در دل ساختارها و نهادهای متولی نهادینه شود. حاکمیت قانون ضمانت اجرای قوانین را فراهم می‌نماید. حاکمیت قانون را می‌توان وجود زمینه‌های ذهنی و عینی برای تطبیق قانون و برتری قانون نسبت به تمام مراجع دیگر در جامعه تعریف کرد که در این مبحث، جامعه را سازمان ورزشی تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، به منظور استقرار حکمرانی بهینه در سازمان‌های ورزشی کشور، لازم است که در درجه نخست، قانون بر تمامی فعالیت‌های سازمانی حاکم شود بررسی به عمل آمده در شناسایی متغیرهای نهفته در حاکمیت قانون نیز نشان داد اعتقاد عمومی بر آن است که بستر ضعیف قانونی امکان تحقق و نمود سایر عوامل حکمرانی بهینه همچون شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و انسجام را تضعیف می‌نماید و در این راستا تأمین نمونه مصوب اساسنامه نهادهای حاکمه ورزشی در حوزه ملی و از جمله فدراسیون‌ها و دسترسی به این قوانین و ضوابط از ابتدا در حوزه ملی و امکان اطلاع‌رسانی عمومی بالأخص آموزش آن‌ها به کارکنان ضابط و افراد شامل بسیار پراهمیت شمرده شد. از سوی دیگر عدم تسلط، اشراف و توانش ضابطین قانون در تفسیر قوانین حاکمیتی شامل بر محیط ملی از دلایل ضعف سازگاری با محیط بین‌المللی تفسیر گردید.

همچنین، در تبعیت از مدیریت مدرن دنیای کنونی، ضروری است که مدیران سازمان‌های ورزشی به سبک‌های مدیریت مشارکتی و برقراری دموکراسی در این سازمان‌ها روی آورند تا با توجه کافی به نیازها، رویکردهای اخلاقی و منافع و مشارکت کلیه ذی‌نفعان از حیث جنسیت، نژاد و مواردی نظیر آن داشته باشند تا افراد از حقوق خود

محروم نمانده، بتوانند علاوه بر دستیابی به نتایج بهینه، زمینه بهبود تعاملات بین‌المللی ورزشی را نیز فراهم نمایند. ترکیب متناسب هیئت‌های حاکمه از اتخاذ تصمیمات به نفع یا با تعصب به گروه‌های خاص خواهد کاست. مشارکت و توجه به دموکراسی از اصول حکمرانی بهینه است (۶۱۳/۰).^(۸)

برقراری دموکراسی و وجود محیط باز برای حضور نمایندگان جمیع گروه‌های ذی‌نفعان، موجب ظهور ایده‌ها و افکار مختلف برای وضع سیاست‌های حوزه ملی منطبق با محورها و زمینه بهبود تعاملات بین‌المللی را فراهم می‌نماید. بدین‌منظور لازم است که هسته‌های مشورتی و کارگروه‌های تخصصی جهت مداخله و مشارکت نیروهای انسانی متخصص و ذی‌نفعان در شاکله‌های تصمیم‌ساز امور مختلف ورزش تشکیل شده و قواعد رویه‌ای و حقوق اعضا برای مشارکت در حوزه‌های مشورتی به‌طور دقیق و روشن تعیین شود. موجودیت این عوامل از نظر آزمودنی‌ها در حوزه ملی، کمترین درجه اهمیت را نشان داد با به کار بستن این موارد، انجام این امور حس مالکیت افراد و انحصارطلبی‌های سازمانی کاهش یافته و از موجبات تضعیف انسجام ملی و مشارکت در رویه‌های نظام‌های بین‌المللی جلوگیری می‌نماید. در این رابطه هرچند که فرهنگ عمومی سازمانی و دلایل عدیده اجتماعی به‌طور عمده در مسیر مشارکت آزاد گروه‌ها در تصمیم‌سازی عمومی به‌طور معمول به‌عنوان مانع عمل می‌کنند؛ زیرا تحقق مردم‌سالاری و مشارکت عمومی ذی‌نفعان در کنار اصل شایسته‌سالاری در مناصب کارگزاری و آموزش افراد مشاغل تخصصی در ترغیب به مشارکت بیشتر ذی‌نفعان، عاملی بود که در بین آزمودنی‌ها بیشترین توجه را معطوف خود نموده و می‌تواند این موانع را مرتفع کند. همچنین، لازم است تا تعدیل رویه‌های داخلی با منظور داشتن حق مشارکت ورزشکاران، گروه‌های خاص ذی‌نفعان همچون معلولین، بانوان و ... غیره تعمیم و نهادینه‌سازی شود.

منابع:

۱. احمدی، بهشت؛ یوسفی، بهرام؛ عیدی، حسین، (۱۳۹۷)، حکمرانی خوب در ورزش: نقش سرمایه اجتماعی در ارتقا آن. پژوهشگاه تربیت‌بدنی.
۲. رضایی، علیرضا، (۱۳۸۷)، روندهای نظام بین‌الملل در هزاره سوم. وبلاگ دانش سیاست و روابط بین‌الملل
۳. ظریف، محمدجواد؛ سجادی‌پور، محمدکاظم، (۱۳۹۳)، دیپلماسی چندجانبه (چاپ دوم). تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه
۴. مصفا، نسرين، (۱۳۹۳)، نقد سازمان‌های بین‌المللی و حکمرانی جهانی (توماس جی وایس و رودرن)
۵. مهربانی، قاسم، (۱۳۹۶)، طراحی مدل حکمرانی در فدراسیون‌های ورزشی. رساله جهت دریافت درجه دکتری در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت‌بدنی. دانشگاه تهران، پردیس البرز
6. EU Expert Group on Good Governance (2013) "Principles of Good Governance in Sports". EU Work Plan for Sport, 2011-2014
7. International Olympic Committee (IOC). "Good Governance". Committee of Ethics. www.olympic.org
8. UN Resolution adopted by General Assembly No.55/2(2000). United Nations Millennium Declaration. www.un.org/millennium/declaration
9. United Nation Sport For Development and Peace(2005). International Development Sport Cooperation. Swedish International Cooperation Agency (SIDA). UN Department of Economic and Social Affairs. www.un.org

الزامات حکمرانی متعالی در جمهوری اسلامی ایران از منظر دولت‌سازی

مهدی رحمتی

چکیده

حکمرانی متعالی الگوی جدیدی از رسالت دولت در سعادت بشری یا ابزاری برای تحقق آینده مطلوب انسان است. در این الگو سه بخش حاکمیتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی ایفای نقش می‌کنند تا به موجب آن کشورها بتوانند از همه توانمندی‌های خود برای رسیدن به سعادت استفاده کنند. جامعه مدنی مستحکم به همراه دولتی کمال‌گرا، قوی و توسعه‌خواه می‌تواند زمینه‌های ایجاد حکمرانی متعالی را با کمترین زمان و آسیب ممکن به پیش ببرد. از آنجایی که دولت نقش مهمی در توسعه و تحقق حکمرانی متعالی ایفا می‌کند این تحقیق به دنبال شناخت شاخصه‌های دولت مطلوب در حکمرانی متعالی جمهوری اسلامی ایران است.

حکمرانی متعالی و کمال مطلوب بر اساس نوع نگاه جوامع متفاوت خواهد بود. برخی جوامع نگاهی دنیوی و محدود به انسان دارند و از این منظر به دنبال سعادت و رفاه بشری در همین دنیا هستند؛ بنابراین دولت مطلوب این جوامع باید بیشترین شادی را برای بیشترین افراد به همراه داشته باشد؛ اما دولت مطلوب جوامع اسلامی باید نگاهی ارزشی و پرورشی به انسان داشته باشد؛ زیرا کمال مطلوب افراد در این دنیا محقق نخواهد شد. از این رو باید دولت با برنامه‌ریزی‌های اصولی و اساسی زمینه و با نگاهی جامع، کمال مطلوب انسان را در دنیا و زمینه سعادت وی را در آخرت فراهم کند.

با توجه به اینکه حکمرانی متعالی در جمهوری اسلامی ایران بر خلاف غرب، دارای مبانی ارزشی و دینی است؛ بنابراین تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که دولت تراز در حکمرانی متعالی جمهوری اسلامی ایران دارای چه شاخصه‌هایی است؟ یافته‌های تحقیق که با روش تبیینی- توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده حاکی از این نکته است که دولت تراز در حکمرانی مطلوب کشورمان باید دارای شاخصه‌هایی همچون عدالت‌محوری، خدمتگرایی، ارزش‌مداری، قانون‌مداری، مردم‌داری و ... باشد.

کلیدواژه: حکمرانی متعالی، دولت، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

حکمرانی مفهوم گسترده‌ای است که با حوزه‌هایی چون اقتصاد، سیاست، اجتماع، حقوق و دولت ارتباط مستقیم دارد. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها برای تحقق حکمرانی مطلوب، دولت و نقش این نهاد در پیشبرد اهدافی است که منجر به حکمرانی متعالی خواهد شد. بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۷ میلادی خود با عنوان «نقش دولت در جهان در حال تحول»، نه تنها بر نقش تعیین‌کننده دولت در تحولات اشاره کرده، بلکه دامنه بحث‌های نظری و تجربی در مورد کارکرد دولت را در سطح جهانی گسترش داده است. بانک جهانی، حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار تعریف می‌کند. مطابق تعریف بانک جهانی، کشورهای عضو باید به بهبود سازوکارهای تخصیص منابع، فرایندهای تدوین، انتخاب و اجرای خط‌مشی‌ها و روابط بین شهروندان و حکومت پردازند.

قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به صورت آشکار، حکمرانی را در پیوند با بستر محیطی می‌داند که رو به سوی بهره‌مندی از حقوق بشر و رشد توسعه انسانی پایدار دارد. با پیوند حکمرانی خوب و توسعه انسانی پایدار بر اصولی چون مشارکت‌جویی و ارتقای حقوق بشر تأکید می‌گردد و دستورالعمل‌های تجویزی و اجباری برای ایجاد توسعه مورد نظر نخواهد بود (کمپجانی و سلاطین، ۱۳۸۷: ۱۶). در حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد، شراکت موجود سبب می‌شود که از امور عمومی به شکل صحیح‌تر و بهینه‌تری بهره‌برداری شود. وجود ارتباط صحیح بین سه رکن یادشده زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف میسر می‌سازد. در حکمرانی خوب این سه رکن به‌عنوان عناصر اصلی محسوب می‌شود.

با وجود اهمیت و نقش دولت در تحقق حکمرانی مطلوب، حال مسئله این است که دولت تراز یا مورد نظر در حکمرانی متعالی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران باید چه شاخصه‌هایی داشته باشد. به زبانی ساده در حکمرانی مطلوب و متعالی که مورد نظر

جمهوری اسلامی ایران است، دولت باید چه دولتی باشد. بدیهی است اگر به دنبال تحقق حکمرانی مطلوب و متعالی هستیم باید دولت نیز که از جمله ارکان مهم است، نقش مهم و ایده‌آلی را ایفا کند؛ زیرا بدون تحقق چنین نقشی، حکمرانی مطلوب قابلیت اجرایی شدن را ندارد. دولت اکنون جزئی جدایی‌ناپذیر از هرگونه حاکمیتی است؛ بنابراین باید نقش این نهاد در حکمرانی مطلوب مورد کنکاش و تحقیق قرار گیرد.

الف) چارچوب مفهومی

۱- دولت

دولت را می‌توان ساختی از قدرت دانست که ملت‌ها به منظور برقراری نظم و قانون در بین خود و دفاع از سرزمینشان به وجود می‌آورند (آشوری، ۱۶۳: ۱۳۹۱). هیوود مهم‌ترین ویژگی‌های دولت را حکمرانی و به کار بردن قدرت مطلق و نامحدود، عمومی بودن نهادهای دولتی، مشروعیت داشتن، ابزار سلطه بودن و سرزمینی بودن برمی‌شمارد (هیوود، ۱۳۹۲: ۱۳۱). در اصطلاح سیاسی، دیدگاه‌های گوناگون درباره دولت و مفهوم آن وجود دارد. برخی تفاوتی بین دولت و هیئت حاکم قائل نیستند و مفهوم حکومت یعنی فرمان راندن را به صورت مترادف با مفهوم دولت به کار می‌برند؛ اما بیشتر اندیشمندان، دولت را عبارت از کیفیتی از خود ملت دانسته‌اند؛ نیرویی که از اجتماع مردم واحد و متشکل در سرزمین معین و محدود آزاد می‌شود. دولت، قدرت عمومی کاملی است که به حکومت شأن و حیثیت می‌بخشد. دولت در این مفهوم عام چهار عنصر اساسی دارد: قلمرو، مردم، حاکمیت و حکومت (وینسنت، ۲۰۱۱: ۲۰-۲۳).

۲- حکمرانی

از نظر بانک جهانی، حکمرانی عبارت است از: فرایند و نهادهایی که از طریق آن‌ها تصمیمات أخذ و اختیارات در یک کشور اعمال می‌شود (پورآقایی، ۱۳۸۳: ۳). از نظر برنامه توسعه ملل متحد، حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در اداره امور کشور در تمام سطوح. از نظر صندوق بین‌المللی پول، حکمرانی عبارت است از: بهبود اداره منابع دولتی، حمایت از توسعه و نگهداری محیط قانونی و اقتصادی با ثبات

که هادی فعالیت‌های کارآمد بخش خصوصی باشد (پیشین: ۴). از نظر کافمن، حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار از طریق نهادها و سنن رسمی و غیر رسمی برای مصلحت عامه. با توجه به تعاریف مزبور، حکمرانی دارای مراحل ذیل است: ۱- فرایند انتخاب و جایگزینی دولت‌ها ۲- ظرفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های مناسب و ارائه خدمات دولتی ۳. احترام شهروندان و تعامل اجتماعی و اقتصادی که میان نهادها حاکم است.

۳- حکمرانی خوب

از نظر برنامه توسعه ملل متحد، حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت با ویژگی‌هایی همچون مشارکت‌جویی، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون و تعیین اولویت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع‌تر، که در آن ندای ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۵). از نظر بخش توسعه بین‌المللی، حکمرانی خوب هفت شایستگی کلیدی دارد:

دارای خط‌مشی مشارکتی؛

۲- رافع فقر و ثبات اقتصادی؛

مجری خط‌مشی‌های پشتیبانی از فقرا؛

۴- تأمین‌کننده خدمات اساسی اثربخش به صورت عادلانه؛

۵- تأمین‌کننده امنیت و سلامتی فردی؛

۶- مدیریت پاسخگویی راه‌کارهای امنیت ملی؛

۷- توسعه دهنده دولت پاسخگو و امین (همان).

از نظر کافمن، حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیتی که بر مبنای ابعاد گوناگون پاسخگویی خارجی و ندای ذی‌نفعان، ثبات سیاسی و فقدان خشونت و تبه‌کاری و تروریزم، اثربخشی دولت، فقدان تحمیل قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد قابل‌سنجش است (همان).

۴- مبانی نظری حکمرانی خوب

حکمرانی خوب در ابتدا رویکرد اقتصادی داشت؛ یعنی هدف از شکل‌گیری آن توسعه اقتصادی بود (همان: ۲۶). پس از جنگ جهانی دوم و همچنین پس از بحران بزرگ اقتصادی دهه ۱۹۲۹ میلادی، بیشتر نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران بر این باور بودند که تنها عاملی که می‌تواند موجب توسعه اقتصادی شود، دولت است. از این رو، دولت همچنان که در بعدی سیاسی تقویت می‌شد، در بعد اقتصادی نیز تقویت شد. پس از گذشت قریب به سه دهه به دلیل ضعف و ناکارآمدی دولت در صحنه اقتصادی، نظریه دولت حداقلی مطرح شد. بر اساس این نظریه، دولت باید کوچک شود و نقش آن در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد کاهش یابد. بر مبنای این نظریه، دولت باید در کارهای بازار کمتر وارد شود و بیشتر کارها را به نیروهای بازار واگذار کند (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹: ۱۱۵). در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی، رهیافت سومی ظهور و نمود پیدا نمود به نام رهیافت حکمرانی خوب. در این راهبرد جدید، مسئله ابعاد دولت، یعنی کوچک‌سازی، نقش محوری خود را به توانمندسازی دولت داد (مجیدپور، ۱۳۸۳: ۱۲). توانمندسازی دولت تنها از طریق کوچک‌سازی تحقق پیدا نمی‌کند، بلکه علاوه بر آن، از طریق شایسته‌سالاری، تمرکززدایی، همکاری و نظارت نهادهای مدنی و استانداردهای نظام‌های آماری، پولی و بودجه‌ای تحقق پیدا می‌کند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۹).

۵- شاخص‌های حکمرانی خوب

نهادهای بین‌المللی و کارشناسان آن‌ها برای حکمرانی خوب شاخص‌هایی ذکر نمودند. بانک جهانی برای آنکه مشخص کند در کدام کشور حکمرانی ملاک عمل قرار می‌گیرد و کدام کشور از آن استفاده نمی‌کند برخی شاخص‌ها را ذکر نموده است. بر اساس سندی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ میلادی، توسط کافمن، کری و ماسترازی انتشار داد، حکمرانی خوب دارای شش شاخص است: پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد. از مجموع نظریات مطرح‌شده می‌توان شاخص‌های زیر را برای حکمرانی خوب بیان کرد:

الف. پاسخگویی و حق اظهار نظر

منظور از این شاخص آن است که آیا در جامعه حق اظهار نظر، یعنی آزادی بیان از ناحیه شهروندان، احزاب سیاسی، تشکل‌ها، انجمن‌ها، ادیان و مذاهب، رسانه‌های جمعی، اقوام و نژادها وجود دارد؟ آیا شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی به صورت آزادانه مشارکت دارند؟ آیا تمام گروه‌های دخیل در تصمیم‌گیری‌های دولتی، نسبت به عملکردشان در برابر مردم پاسخگو هستند؟ و ...

ب. ثبات سیاسی و نبود خشونت

منظور از این شاخص این است که در کشور، تضادهای فرهنگی و قومی کاهش یابد و اعتراض‌های سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی به حداقل برسد و برخوردهای اجتماعی از قبیل اعتراض، اعتصاب، ترور، خشونت‌های سیاسی و آشوب‌های خیابانی کاهش یابد و تغییر در ترکیب قدرت سیاسی از طریق اقدامات مسالمت‌آمیز و منطبق بر قانون اساسی و نظام مردم‌سالاری - نه از طریق وراثت و کودتا - امکان‌پذیر باشد.

ج. اثربخشی دولت

منظور از اثربخشی دولت، میزان استفاده از مهارت‌های فنی و کاری مدیران و میزان کارایی دیوان‌سالاری دولت است؛ به عبارت دیگر، منظور از این شاخص آن است که دولت در جمع‌آوری درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولتی، همچنین در اجرای نوآوری‌های سیاسی ملی، تدوین به‌موقع بودجه‌های سالانه، نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌های ملی و حل مشکلات اقتصادی داخلی توانا باشد.

د. کیفیت قوانین و مقررات

منظور از این شاخص توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و قوانین و مقررات است. در اصل، کیفیت قوانین و مقررات مصوب به‌عنوان پایه‌های اصلی نهادهای رسمی، نقش مهمی در موفقیت توسعه و اصلاحات اقتصادی و سیاسی دارد. هر قدر قوانین و مقررات موجود از کیفیت بهتری برخوردار باشد، حکمرانی وضعیت بهتری پیدا خواهد کرد؛ برای مثال، بتوان قوانین مورد نیاز در عرصه تجاری را سازگار با قوانین

کشورهای دیگر تدوین نمود و به آنها به طور ساده دست یافت و آنها را به صورت شفاف و یکسان تفسیر و پیش‌بینی نمود (همان).

ه. حاکمیت قانون

منظور از این شاخص کیفیت، اجرای قراردادها، عملکرد پلیس و محاکم قضایی است. اگر پس از انعقاد قراردادها، پیمان‌ها و تعهدات، اعم از دولتی یا خصوصی، نتوان چندان به اجرای آنها امید داشت و همچنین اگر جرم و تخلف به سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی قابل پیگیری نباشد، نشان‌دهنده وجود حکمرانی ضعیف، در یک کشور است؛ به عبارت دیگر، منظور از حاکمیت قانون در فرایند حکمرانی، این است که سیاست‌گذاران همانند شهروندان، در برابر قوانین یکسان تلقی شوند و نسبت به عملکرد خود، پاسخگو باشند (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۹: ۶۷).

و. مهار فساد

یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی، مهار فساد اداری است. عوامل بسیاری بر این شاخص مؤثرند که برخی از آنها عبارت‌اند از: میزان فساد در کشور، گسترش روابط خانوادگی، استفاده از قدرت به نفع دوستان، گسترش دیوان‌سالاری که زمینه بروز فساد را فراهم می‌کند، میزان شیوع پرداخت غیر قانونی در بین افراد و شرکت‌های دولتی برای پیشبرد کارها، پرداخت‌هایی که برای اثرگذاری بر فرایند قانون‌گذاری انجام می‌شود، بی‌اعتمادی عمومی به درستکاری مالی سیاست‌مداران، پرداخت‌های که برای دستیابی به مجوزهای صادراتی و وارداتی همچون فرار مالیاتی صوت می‌گیرد، استفاده سیاست‌مداران از بودجه عمومی و در نهایت، پرداخت‌های غیر قانونی که توسط افراد بانفوذ و همچنین انحصارات در جهت زیان سایر بنگاه‌ها صورت می‌گیرد. این‌ها عوامل مهمی هستند که وضعیت شاخص کنترل فساد را تعیین می‌کنند.

۶- نقد و ارزیابی مبانی نظری الگوی حکمرانی خوب

هدف اصلی در الگوی حکمرانی خوب، توسعه، به‌ویژه توسعه اقتصادی و مادی است؛ یعنی از نظر نهادهای بین‌المللی و نظریه‌پردازان، در حکمرانی خوب، مهم این است که

دولت از نظر مادی توسعه پیدا کند. از نظر آنان، الگوی مزبور می‌تواند ابزار خوبی برای این توسعه باشد؛ اما این الگو به‌عنوان ابزار توسعه، چند مشکل اساسی دارد: اول، حکمرانی خوب از نظر هستی‌شناسی، معتقد به اصالت فرد در مقابل اصالت جامعه است؛ زیرا ریشه در لیبرالیسم دارد. دوم، از نظر انسان‌شناسی، معتقد به اومانیسم است و همه چیز را در محور انسان -نه خدا- ارزیابی می‌کند. سوم، از نظر معرفت‌شناسی معتقد به اصالت حواس است؛ یعنی آنچه از طریق حواس به دست آید و برای زندگی انسان مفید باشد قابل شناخت است؛ بنابراین، به دیگر عوامل معرفت توجه ندارد. چهارم، از نظر روش‌شناسی، روش را منحصر به روش تجربی می‌داند و روش وحیانی را، که به تجربه در نمی‌آید، انکار می‌کند.

بدین‌روی حکمرانی خوب ابتدا، به بعد معنوی انسان توجه ندارد، حتی حاضر است در صورت نیاز، اخلاقیات و معنویات را فدای توسعه مادی کند. دوم، این الگو تنها به بعد جسمانی انسان بسنده نموده، به بعد روحانی و متعالی انسان توجه ندارد؛ به عبارت دیگر، این الگو تنها می‌تواند یک جامعه توسعه‌یافته کاملاً مادی به ارمغان آورد. سوم، حکمرانی خوب مبتنی بر لیبرالیسم و اومانیسم است. در لیبرالیسم، آنچه مطرح نیست، مبدأ (خداوند) و معاد و وحی است؛ یعنی در تفکر لیبرالیستی، اعتقاد به خدا موضوعیتی ندارد (مصباح، ۱۳۸۲: ۸۷).

ب) حکمرانی متعالی

۱- تعریف حکمرانی متعالی

حکمرانی متعالی عبارت است از فرایند تصمیم‌گیری توسط خداوند یا انبیا، اولیا و نایبان بر حق آنان و اجرای آن به‌منظور نیل افراد و جامعه به رفاه، آسایش و تکامل دنیوی و سعادت و رستگاری اخروی. حکمرانی متعالی از بعد هستی‌شناسی، هستی حقیقی را از آن خداوند دانسته، سایر موجودات را تجلیات او و نشأت گرفته از او می‌داند. از بعد معرفتی، معرفت را منحصر به حواس ظاهری نمی‌داند، بلکه معرفت‌های عقلانی و وحیانی را نیز از منابع معرفت می‌داند. از بعد انسان‌شناسی، انسان را دارای دوبعدی مادی و معنوی

می‌داند و به همان اندازه که برای بعد مادی اهمیت قائل است برای بعد معنوی نیز اهمیت قائل می‌شود. از بعد روشی، روش را منحصر به تجربه نمی‌داند، بلکه روش و حیانی را نیز مهم تلقی می‌کند. نگاه‌های متفاوت به هستی، انسان، معرفت و روش، موجب شکل‌گیری حکومت و حکمرانی‌های متفاوت خواهد شد؛ به عبارت دیگر، در حکمرانی متعالی هرچند دنیا و زندگی در آن اهمیت بسیاری دارد؛ اما زندگی در آن هدف نیست، بلکه زندگی بستری است که انسان با استفاده از آن می‌تواند به سعادت اخروی دست یابد؛ بنابراین، حکمرانی متعالی مبتنی بر جهان‌بینی الهی است؛ یعنی مبدأ و معاد. حکومت با توجه به این تفکر، اعمال قدرت می‌نماید؛ یعنی حکمرانان باید دستورات را از مبدأ هستی‌بخش بگیرند و در جهت رفاه دنیوی و سعادت اخروی جامعه انسانی به کار بندند. به بیان دیگر، آنان باید از زندگی دنیوی به‌عنوان یک وسیله برای رسیدن به کمال اخروی استفاده کنند.

۲- شاخص‌های حکمرانی متعالی

در اسلام، دو حکومت یا حکمرانی شایسته در دو دوره زمانی عینیت خارجی پیدا نموده است: یکی در دوره پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) و دیگری در دوره امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «حکومت رسول‌الله و حکومت امیرالمؤمنین حکومت قانون است؛ یعنی قانون خدا آن‌ها را تعیین کرده است. آن‌ها به حکم قانون واجب‌الاطاعه هستند. پس حکم از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می‌کند» (صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۰۱). مقام معظم رهبری در همین خصوص می‌فرماید: «امروز من و شما باید اسلام را بفهمیم... یکی از شعبه‌ها و شاخه‌هایی که ما از آن طریق اسلام را می‌فهمیم و درک می‌کنیم شناخت چهره رهبران الهی از جمله امیرالمؤمنین است... و اسلام را از روی علی (علیه‌السلام) بشناسیم» (حق‌پناه، ۹۲: ۵۲). بر اساس حکومت مورد نظر نبوی و علوی می‌توان شاخص‌های زیر را به‌عنوان حکومت متعالی معرفی کرد:

الف. پاسخگویی

حکمرانی متعالی پاسخگویی را همانند حکمرانی خوب منحصر به پاسخگویی اجتماعی نمی‌داند، بلکه پاسخگویی را به‌عنوان یک تکلیف پیش از هر چیز، در برابر خواسته‌های

خداوند می‌داند؛ زیرا در حکمرانی متعالی، باید همه حرف‌ها، عمل‌ها، برنامه‌ها، موضع‌گیری‌ها، جنگ‌ها، صلح‌ها، رابطه‌ها و قطع رابطه‌ها، بر مبنای رهنمود مکتب و الهام گرفته از دین باشد.

ب. قانون‌مداری

منظور از قانون‌مداری، اعمال قوانین الهی در همه عرصه‌ها و بر همه افراد است؛ زیرا اگر قانون حاکم باشد هیچ صاحب حقی از تباه شدن حقیش نخواهد ترسید و هیچ زورمندی در سایه زر و زور خویش نخواهد توانست از چنگ قانون بگریزد. احساس امنیت در جامعه، از نشانه‌های حاکمیت قانون است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در برابر اصرار آنان که از او می‌خواستند خلافت را بپذیرد، بر این مسئله تأکید می‌کردند که حکومت او حکومت قانون است و به هیچ توصیه‌ای، درخواستی، افزون‌خواهی و امتیازطلبی گوش نخواهند داد و به آنچه را قانون خداست عمل خواهند کرد، هرچند برخی را خوشش نیاید و رنجیده شوند (محدثی، ۷۹: ۲۷۰).

ج. شفافیت

یکی از شاخص‌های حکومت متعالی، شفافیت است. منظور از شفافیت این است که اطلاعات لازم به آگاهی مردم رسانده شود و آنان در جریان انجام کارها قرار بگیرند. امام علی علیه‌السلام با توجه به این شاخص، می‌فرماید: «بدانید، حقی که شما بر عهده من دارید این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ را و کاری را بی‌مشورت شما نکنم، جز اجرای حکم خدا» (نهج‌البلاغه، خ ۵۰).

د. کارایی و اثربخشی

یکی از مشخصه‌های حکمرانی شایسته، کارایی و اثربخشی است. حضرت علی علیه‌السلام برای کارایی و اثربخشی حکمرانی شایسته سه معیار ذیل را ذکر نموده‌اند: اول. امام به مالک اشتر دستور می‌دهند که مالیات را از مردم جمع‌آوری نموده، از آن برای آبادسازی شهرها استفاده کند (نهج‌البلاغه، ص ۱۸)؛ دوم. مالیات وقتی از مردم گرفته می‌شود که توسعه و آبادانی کشور امکان مالیات‌گیری را فراهم ساخته باشد (همان، ن ۵۳).

سوم. از تمامی منابع به صورت عام و از منابع مالیاتی به صورت خاص استفاده بهینه نموده، از اسراف و زیاده‌روی پرهیز کند.

ه. مبارزه با فساد

یکی از شاخص‌های حکمرانی مطلوب، مبارزه با فساد است. فساد یعنی سوء استفاده از قدرت یا اعتماد عمومی در جهت منافع شخصی. امام علی علیه‌السلام همیشه با این شیوه عمل کارگزاران، که از موقعیت حکومتی خود سوء استفاده می‌نمودند، مبارزه کرده، می‌فرمودند: «نباید در آنچه متعلق به عموم مردم است، برای خود حق ویژه‌ای قائل باشی» (همان، ص ۲۱).

ج) الزامات حکمرانی متعالی از منظر دولت‌سازی بر اساس مباحث مطرح‌شده مشخص شد که الزامات حکمرانی متعالی از منظر دولت‌سازی در جمهوری اسلامی ایران متفاوت از نوع نگاه ابزاری غرب است. در این نگاه دولت نه ابزار رسیدن به سعادت دنیوی بلکه هموارکننده مسیر سعادت انسان است؛ بنابراین دولت مورد نظر در حکمرانی متعالی باید نگاهی متعالی به انسان داشته باشد و بر اساس همین نگاه زمینه تحقق پیشرفت افراد جامعه را محقق کند. برای تحقق چنین هدفی، الزامات حکمرانی متعالی در جمهوری اسلامی ایران از منظر دولت‌سازی باید دارای مشخصات زیر باشد:

۱- عدالت‌محوری

عدالت یکی از اجزای مهم دولت در حکمرانی متعالی است. از عدالت تعابیر بسیار مختلفی شده. افرادی همانند جان راولز آن را به‌مثابه انصاف و برخی بر مبنای تلاش‌های مستمر بشری می‌نگرند. با این حال تعبیری که اسلام از عدالت دارد مبتنی بر قرار دادن هر چیزی در جای خودش است؛ بنابراین دولت مورد نظر در حکمرانی متعالی باید تلاش کند تا هر استعدادی به منصفه ظهور رسیده و هر توانایی در مسیر شکوفا شدن قرار گیرد. البته این تنها یک بخش از دولت منظور است. دولت در حکمرانی متعالی باید عدالت را در سرتاسر جامعه محقق کند. دولت در حکمرانی متعالی باید عدالت را در عملکرد، اهداف، مسئولیت‌ها، وظایف، کنش‌ها و ... جاری کند.

۲- قانونمداری

قانونمداری از جمله شاخصه‌های دیگر حکومت در حکمرانی متعالی است. قانونمداری دارای چند وجه است. در درجه اول باید کارگزاران دولتی خود عامل به قانون باشند. قانونمداری دولتمردان از این رو اهمیت دارد که این خصوصیت می‌تواند به جامعه تسری یافته و قانونمداری به‌عنوان خصیصه‌ای عام تبدیل شود؛ بنابراین دولت قانونمدار نه تنها خود عامل به این صفت است، بلکه زمینه تسری و تحقق آن را در جامعه ایجاد می‌کند. دولت متعالی از طرفی ضمن همکاری با سایر نهادهای قانونمدار و واضع قانون، باعث گسترش قانونمداری در جامعه می‌شود.

۳- مردمی بودن

مردمی بودن به معنای این است که حکومت از نظر شکل‌گیری و نحوه چیش کارگزاران مبتنی بر آرا مردمی باشد. این نوع حکومت هم دارای مقبولیت و هم مشروعیت خواهد بود. مردمی بودن حکومت یعنی اینکه اکثر مردم دولت را جزئی از ایده خود تصور کرده و در راه تعالی آن تلاش کنند. دولت مردمی نیز در عملکرد، کارویژه‌ها، سیاست‌ها و ... مصلحت مردم را در سرلوحه کار خود قرار داده و تلاش می‌کند تا همواره مسیر تعالی مردم را فراهم کند. مردمی بودن دارای مؤلفه‌هایی همچون آگاهی به معنی شفاف بودن تصمیم‌گیری‌ها برای مردم، مشارکت؛ یعنی دخیل بودن مردم در ارکان تصمیم‌گیری، نظارت به معنی مطلع بودن مردم از شرایط و تذکر آن‌ها در مواقع تخلف، همگانی بودن به معنی اراده همگانی و اکثریت در تحقق دولت و انتخاب به معنی تأثیرگذاری اراده مردم در نوع دولت است.

۴- اهتمام در پاسداری از ارزش‌ها

دولت مطلوب در حکمرانی متعالی باید نسبت به ارزش‌ها اهتمام لازم را داشته باشد. ارزش‌ها در جمهوری اسلامی ایران منبعث از ارزش‌های اسلامی است؛ بنابراین دولت مطلوب نیز بر اساس ارزش‌های اسلامی، شرایط تحقق آن‌ها را فراهم کند. بدیهی است ارزش‌هایی همچون استکبارستیزی، دفاع از مظلوم، شجاعت، روابط حسنه با دولت‌های

غیر متخاصم، استمرار در مسیر ولایت فقیه و ... از جمله ارزش‌های مورد توجه در حکمرانی متعالی از منظر جمهوری اسلامی است. دولتی که در تراز حکمرانی متعالی است باید نسبت به حفظ ارزش‌ها، اجرا و تحقق آن‌ها اهتمام لازم را داشته باشد.

۵- تحقق شایسته‌سالاری

منظور از شایسته‌سالاری تحقق شرایطی است که هر فرد بر اساس لیاقتی که دارد به مناسب حکومتی دست یابد.

در اسلام، امتیاز طبقاتی وجود نداشته و ملاک به دست آوردن مشاغل و مناصب، شایستگی شخصی، معلومات، صفات و ملاک‌های لازم برای تصدی آن است، نه عامل خانوادگی و ارثی. دولت تراز باید بدون جانبداری سیاسی و حزبی، شرایطی را برای استفاده از تمام ظرفیت‌ها فراهم کند تا جامعه مطلوب مورد نظر محقق شود. در اینجا نه علایق و وابستگی‌ها بلکه شایستگی هر فرد ملاک انتخاب وی برای تصدی امور خواهد بود.

۶- تحقق آزادی

آزادی نیز از مفاهیمی است که در خصوص آن مباحث مختلفی مطرح شده است. برخی بر آزادی حداکثری و برخی بر حداقلی تأکید دارند؛ اما اسلام نگاهی متفاوت دارد و آزادی ابزاری برای تکامل و سعادت است. در این نگاه آزادی و حیطة رفتار نباید بدون قید و نامحدود باشد؛ زیرا نه تنها زمینه به انحراف کشیده شدن مردم را فراهم می‌کند بلکه باعث خواهد شد به حدود دیگران نیز تجاوز شود؛ بنابراین منظور از آزادی نوع رفتار و حیطة‌ای است که افراد بر اساس آن می‌توانند شرایطی را برای رشد و تعالی فراهم کنند. از این رو دولت در حکمرانی متعالی باید شرایطی را برای تحقق آزادی‌های مشروع آن‌ها در چارچوب ارزش‌های اسلامی فراهم کند تا در این چارچوب مردم احساس عزت کرده و با اراده خود مسیر تعالی را طی کنند.

۷- عزتمندی

عزتمندی به تحقق شرایطی اختصاص دارد که فرد بر خود و ارزش‌های خود می‌بالد و به آن‌ها افتخار می‌کند. به هر میزان میان ذهنیت فردی و ارزش‌ها تناسب خوب و بهتری برقرار باشد، فرد ضمن پذیرش ارزش‌ها، به آن‌ها افتخار کرده و به پویایی و استمرار آن‌ها کمک می‌کند. از جمله کارکردهای دولت این است که زمینه حفظ ارزشمندی ارزش‌ها و ارتقا سطح آن‌ها را ایجاد کند تا افراد به وجود مجموعه ارزشی خود افتخار کرده و زمینه عزتمندی فردی و در نتیجه افتخار جمعی را فراهم کند. عزتمندی در داخل جامعه به حفظ ارزش‌ها و در خارج به غرور ملی تعبیر می‌شود؛ بنابراین دولت تراز باید شرایطی را برای عزتمندی در داخل و غرور ملی در خارج ایجاد کند.

۸- اخلاق‌مداری

اخلاق به مجموعه رفتارهایی اطلاق می‌شود که دارای ارزش جمعی است. اسلام با رد نسبی بودن ارزش‌ها و اخلاق، به بعد مطلق اخلاق اعتقاد دارد. دولت از طریق سیاست‌ها، کارویژه‌ها و شیوه رفتاری زمینه تقویت یا تضعیف ارزش‌ها را فراهم می‌کند. دولت تراز در حکمرانی متعالی جمهوری اسلامی ایران باید دولتی باشد که ضمن رعایت اصول اخلاقی، زمینه و شرایط تحقق آن‌ها را در جامعه فراهم کند. ره‌اشدگی فرهنگی و اخلاقی در جامعه آثار سوء برجای خواهد گذاشت و بدیهی است دولت در این ره‌اشدگی نقش دارد؛ بنابراین دولت تراز در حکمرانی متعالی باید دولتی باشد که به مسائل فرهنگی و اخلاقی توجه و اهتمام لازم را داشته باشد و زمینه جاری شدن آن‌ها را در جامعه فراهم کند.

۹- خدمتگرایی

چند نوع رابطه میان مسئولان و مردم وجود دارد. برخی دولت‌ها نگاهی ابزاری به مردم داشته و در ایام انتخاباتی با شعارهای عامه‌پسند و بدون پشتوانه سعی در جمع‌آوری رأی دارند. این نگاه قائل به این مسئله است که مردم ابزاری برای رسیدن به قدرت هستند. در مقابل دولت تراز در حکمرانی مطلوب نه نگاه ابزاری به مردم بلکه با این نیت قدرت را در اختیار می‌گیرد که بتواند به مردم خدمت کند. در این نگاه خدمت نه معطوف به طیف یا

جمعی خاص، بلکه خدمت عام و فراگیر مورد نظر است به نحوی که حتی کم‌بهره‌ترین افراد بتوانند به موهبات مورد نظر دست یابند.

۱۰- اقتصادمحوری

با وجود مباحثی که در خصوص نقش حداقلی یا حداکثری دولت در اقتصاد مطرح شده است؛ اما این نکته بدیهی است که دولت نقش مهمی را در چگونگی تأمین منابع و روندهای اقتصادی کشورها ایفا می‌کند. دولت تراز در حکمرانی متعالی کشورمان نیز باید شرایطی را به‌گونه‌ای تنظیم کند تا بودجه از وابستگی به نفت رهایی یابد. توسعه بنگاه‌های کوچک، تنوع در محصولات صادراتی، مردم‌نهاد کردن امور و ... از جمله اموری است که انتظار می‌رود دولت تراز در حکمرانی متعالی به آن‌ها توجه داشته و شرایط را برای تحقق آن‌ها فراهم کند؛ زیرا امروزه اقتصاد به یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر جامعه‌ای تبدیل شده است. با توجه به جنگ اقتصادی دشمن و استمرار آن به نظر می‌رسد دولت الگو در حکمرانی متعالی باید نگاه ویژه‌ای به کارویژه اقتصادی داشته باشد تا بتواند شرایط تحقق پیشرفت را فراهم کند.

۱۱- سیاست خارجی پویا

دولت تراز باید نگاه ویژه‌ای به سیاست خارجی داشته باشد. این دولت باید سه اصل مهم «عزت، حکمت و مصلحت» را سرلوحه خود قرار دهد. در همین راستا باید شرایطی را برای حفظ اقتدار کشور در عرصه سیاست خارجی فراهم کند. بر اساس نگاهی کلان‌بهرترین تصمیم را برای حفظ منافع ملی اتخاذ کند و از طرفی با تصمیمات اصولی و راهبردی، زمینه ثبات را فراهم کند. در سیاست خارجی مطلوب، باید ضمن مرزبندی شفاف در جبهه خودی و دشمن، اهتمام لازم را برای توسعه روابط با کشورهای دوست فراهم کرد و با نگاهی اقتدارگرا، در مقابل سیاست‌های نظام سلطه مقابله کرد.

(د) ارائه راهکار

راهکارهای زیر در خصوص تحقق دولت تراز در حکمرانی متعالی پیشنهاد می‌شود:

- جلوگیری از خام فروشی مواد برای افزایش کارایی اقتصاد؛
- دادن اختیار و تضمین قانونی به نهادهای مدنی و به خصوص مطبوعات برای آزادی
مشروع؛

- برقراری کانال‌های ارتباطی مؤثر میان دولت و مردم برای مردمی‌تر کردن دولت؛
- رفع موانع حقوقی بازدارنده تأسیس سازمان‌های جامعه مدنی و همچنین ساده‌سازی،
آسان‌سازی و ارزان‌سازی مراحل اداری تشکیل آن‌ها؛
- به رسمیت شناختن حق نظارت عمومی از سوی دولت؛
- تکریم کرامت انسانی و تبدیل نظام اداری از حاکم و طلبکار به خدمتگزار؛
- ساده‌سازی روش‌ها، رویه‌ها و فرآیندهای انجام کار به منظور رضایت ارباب‌رجوع؛
- میان‌حس استقلال‌طلبی و لزوم رابطه با دنیای خارج تعادل ایجاد شود؛
- بین تصویب و اجرای قوانین فاصله زمانی پیش‌بینی شود تا امکانات اجرایی و
زمینه‌های فرهنگی و آموزشی آن فراهم گردد؛
- سیاست‌زدایی از نظام اداری؛
- فراهم کردن زمینه مشارکت فعال سازمان‌های غیر دولتی جامعه مدنی برای پیشگیری
از ایجاد گروه‌ها و باندهای غیر رسمی قدرتمند؛
- ایجاد و تقویت سازمان‌های غیر دولتی و نهادهای مدنی؛
- ارزیابی منظم عملکرد مسئولان و توجه داشتن به بازخورد عملکردها؛
- ایجاد شفافیت در نظام تصمیم‌گیری.

نتیجه‌گیری

حکمرانی شیوه جدیدی از دولت‌مداری است که بر کیفیت بهتر زمامداری تأکید دارد. نوع نگاه به حکمرانی در جوامع مختلف منبث از نوع نگاه آن‌ها به غایت انسان متفاوت است. در جوامع غربی به دلیل نگاه ابزاری به انسان، غایت حکمرانی نیل به بهترین شادی در دنیا است؛ اما در آموزه‌های اسلام هدف نهایی سعادت بشری است؛ بنابراین دولت ابزاری برای رسیدن به این هدف است؛ بنابراین دولت در حکمرانی متعالی اسلامی و به

صورت خاصه جمهوری اسلامی ایران باید دارای کارکردهای متفاوتی باشد. این کارکردها باید با لحاظ کردن ارزش‌های دینی، هدف سعادت بشری را محقق کنند. از این رو کارکردهایی همچون عدالت‌محوری، قانون‌گرایی، خدمت‌گرایی، ارزش‌مداری، اخلاق‌گرایی و ... که در این تحقیق بیان شد ناظر به خصوصیات دولت مطلوب در حکمرانی متعالی جمهوری اسلامی ایران است.

منابع

۱. آشوری، داریوش، (۱۳۹۳)، دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید، چاپ بیست‌ویکم.
۲. پورآقایی، سپیده، (۱۳۸۳)، شاخص‌های حکمرانی به روایت بانک جهانی، گزارش، ش ۱۵۴، ص ۶۲.
۳. حق‌پناه، رضا، فلسفه‌مندی حکومت از دیدگاه امام علی (علیه‌السلام)، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۲۶، ص ۱۹۲-۱۵۸.
۴. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی مجموعه مقالات سومین همایش ملی از سلسله همایش‌های تخصصی چشم‌انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، ص ۱۱۵.
۵. کمیجانی، اکبر؛ سلاطین، پروانه، (۱۳۸۷)، تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب، اقتصاد راهبردی، ۱۳۸۷، ش ۶، ص ۱-۲۴.
۶. مصباح‌یزدی؛ محمدتقی، (۱۳۸۲)، کاوش‌ها و چالش‌ها، تحقیق و نگارش، محمدمهدی نادری و سیدابراهیم حسینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه‌الله)، ص ۸۷.
۷. میدری، احمد؛ جعفر، خیرخواهان، (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۸. هیوود، آندرو، (۱۳۹۲)، سیاست، چاپ سوم، تهران، نشر نی.
۹. وینست، آندرو، (۲۰۱۱)، نظریه‌های دولت، تهران، نشر نی.

الزامات تحقق حکمرانی سیاسی دولت تراز انقلاب در بیانیه گام دوم

دکتر رحمان نجفی سیار

ایوب نیکونهاد

چکیده

یکی از اهداف متعالی انقلاب اسلامی ایران، احیای تفکر و نظریه‌پردازی در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی» است. بنابر نظریه‌های ارائه‌شده که مرجعیت علمی و پرچمدار اصلی آن رهبری معظم انقلاب هستند؛ فرآیندهایی (شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، برپایی دولت اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی و برپایی تمدن نوین اسلامی) برای دستیابی به این هدف مهم تعریف شده است. علی‌رغم پیشرفت‌های قابل توجهی که در چهاردهه اولیه عمر انقلاب رخ داده؛ اما این فرآیند رو به پیشرفت، در سومین مرحله آن یعنی «برپایی دولت اسلامی» با موانع و مشکل‌های جدی روبه‌رو بوده است و هنوز دولت تراز انقلاب اسلامی به نحوی که با استانداردها و معیارهای حداکثری دین اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی هماهنگ و هم‌سو باشد در ایران شکل نگرفته است. به تصریح رهبر انقلاب، گام اصلی حرکت تمدنی انقلاب اسلامی در مقطع کنونی، ایجاد دولت اسلامی است که بدون تحقق آن، دستیابی به دو مرحله بعدی میسر نخواهد شد. صدور بیانیه گام دوم انقلاب آغازگر دوران جدیدی از حیات انقلاب اسلامی است. واقعیت آن است که در آغاز دهه پنجم عمر انقلاب ضرورت داشت تا با تکیه بر تجارب به‌دست‌آمده، گفتمان تحول‌ساز انقلاب اسلامی بار دیگر در قالب یک منشور برای نسل جوان، بازنمایی شود تا مسیر تحقق اهداف متعالی انقلاب مشخص‌تر و حرکت برای دستیابی به آن نیز تسریع گردد. بیانیه گام دوم انقلاب این مهم را به‌خوبی به انجام رسانده است. در پژوهش پیش روی به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که دولت مطلوب و تراز انقلاب اسلامی بر اساس متن بیانیه گام دوم انقلاب در سه سطح داخلی، جهان اسلام و بین‌المللی باید واجد چه شاخصه‌هایی باشد؟ برای پاسخگویی به این پرسش با بهره‌گیری از نظریه حکمرانی سیاسی در اسلام، مدل حکمرانی سیاسی تراز انقلاب مشخص و سپس بر اساس متن بیانیه گام دوم تحلیل گردیده است.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم، دولت تراز اسلامی، تمدن نوین

اسلامی.

مقدمه

یکی از وجوه تمایز انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها و نهضت‌های دیگر در ترسیم اهداف و چشم‌انداز متعالی و تمدن‌سازی است که این انقلاب به پشتوانه فقه سیاسی شیعه و تحولات اجتماعی آن در ادوار تاریخی، از آن برخوردار بوده است. خصلت «آرمان‌گرایی» و «کمال‌طلبی» که فقه تشیع همواره در طول تاریخ خود همراه با آن بوده به هسته اصلی نظریه‌پردازی‌های انقلاب هم در مراحل شکل‌گیری اندیشه اولیه انقلاب (در اندیشه امام خمینی (ره)) و بعد از آن سرایت نموده و در طول چهل سال گذشته این خصلت به صورت مداوم و در اشکال و عرصه‌های مختلف بازبازی شده است. در واقع جریان «هویت‌سازی» و «تمدن‌سازی» انقلاب اسلامی در طی چهاردهه گذشته به مثابه حرکت رودخانه‌ای بوده که همواره هویت اصیل و گفتمان‌ساز خود را بازنمایی کرده و از رکود نظریه‌ای خود را خارج ساخته است.

منحصر نمودن حرکت ملت ایران در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تحلیل تک‌بعدی ریشه‌های آن به یک سلسله عوامل و نیازهای مادی خطای راهبردی عمده تحلیل‌گران انقلاب اسلامی است. تحلیل جامعه‌شناختی شعارهای انقلاب اسلامی مؤید این مطلب است که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب هویتی و تلاشی سترگ برای بازگشت به خویشتن خویش بوده و تعالی‌گرایی و معنویت‌طلبی برخاسته از اسلام‌گرایی و اسلام‌فقاہتی عمده‌ترین و والاترین هدف ملت ایران در آن زمان بوده است.

بنابراین اگر بپذیریم که انقلاب اسلامی ایران آغاز و اساس یک پدیده «تمدن‌سازی نوین» است و اهداف آن در راستای یک فرآیند تکاملی تعریف گردیده تحلیل سمت‌وسو و حرکت‌های انقلاب نیازمند درک و داشتن «بینش تمدنی» است؛ همچنان که بیانیه گام دوم انقلاب منطبق با این منطق از سوی رهبری معظم انقلاب صادر شده است. مسیر تمدن‌سازی انقلاب با پیروزی انقلاب اسلامی شروع و با طی مراحل در یک فرآیند خاص و تعریف شده به شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی خواهد رسید. یکی از این مراحل در طی

فرآیند دستیابی به تمدن نوین اسلامی که سومین مرحله آن است تشکیل «دولت اسلامی» است. علی‌رغم پیشرفت‌های نظری و عملی که در طی چهاردهه عمر انقلاب اسلامی به وجود آمده؛ اما تشکیل دولت اسلامی که با معیارها و شاخص‌های حداکثری دین مبین اسلام و آرمان‌های والا و متعالی انقلاب هم‌سو و هم‌راستا باشد تاکنون شکل نگرفته و همواره با نوعی چالش دولت‌سازی اسلامی در طی این چهاردهه مواجه بوده‌ایم. دولت‌سازی در این پژوهش فقط به معنای رایج آن یعنی قوه مجریه نیست بلکه تمامی قوا اعم از مقننه و قضائیه و تمامی کارگزاران نظام اسلامی را در برمی‌گیرد که بدون تشکیل آن تحقق سایر مراحل بعدی مسیر نخواهد گردید.

پژوهش پیش روی سعی دارد با بهره‌گیری از بهره‌گیری از نظریه حکمرانی خوب و حکمرانی سیاسی در اسلام و منطبق با متن بیانیه گام دوم و نیازهای فعلی جامعه ایرانی شاخصه‌ها و ویژگی‌های دولت تراز انقلاب اسلامی را با رویکردی جامع، شناسایی، تبیین و تشریح نماید. ویژگی برجسته پژوهش پیش روی این است که در پی ترسیم مدل مفهومی است که در آن شاخص‌ها و ویژگی‌های دولت تراز انقلاب اسلامی با رویکردی جامع و نگاهی راهبردی به متن بیانیه گام دوم انقلاب نشان داده شود. در همین راستا در این پژوهش به تشریح ویژگی‌های دولت تراز در سه لایه: شاخصه‌ها و ویژگی‌های دولت تراز در داخل، شاخصه‌ها و ویژگی‌های دولت تراز در جهان اسلام و شاخص‌های دولت تراز در نظام بین‌الملل منطبق بر متن بیانیه گام دوم انقلاب پرداخته خواهد شد. در واقع فرض پژوهش بر این است که در مسیر راهبردی و تمدنی انقلاب اسلامی «تشکیل دولت اسلامی» یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر جهت تحقق اهداف متعالی انقلاب است؛ بنابراین نخبگان فکری و ابزاری می‌بایست با گفتمان‌سازی روند تشکیل دولت تراز انقلاب را برای تسریع در عبور از چالش‌های پیش رو فراهم نمایند.

چارچوب نظری

الف) حکمرانی خوب (مطلوب)

در طول تاریخ همواره ترسیم و دستیابی به بهترین شکل و بهترین نوع نظام سیاسی دغدغه اصلی و اساسی اندیشه‌های سیاسی بوده و در تفکرات هر یک از اندیشمندان به‌نوعی حاکمیت مطلوب و جامعه آرمانی و ایده‌آل ترسیم گشته است؛ اندیشه‌های سیاسی ایرانی - اسلامی نیز به‌نوبه خود از این قاعده مستثنا نبوده و در طول تاریخ اندیشه‌ورزی به ترسیم نظام‌های سیاسی ایده‌آل و آرمانی خود پرداخته‌اند. تلاش برای دستیابی و تشکیل حکومت اسلامی در نظریات حضرت امام خمینی (ره) در قبل از انقلاب و گفتمان‌سازی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی از جمله تصویرسازی‌ها و ترسیم چشم‌اندازهای آرمانی در جهت دستیابی به حاکمیت مطلوب به شمار می‌رود.

مفهوم حکمرانی مطلوب هم از جمله مفاهیم نوپا و جدیدی است که از اواخر دودهمه پایانی قرن بیستم به ادبیات سیاسی و محافل جهانی وارد شده است. تا قبل از دهه ۱۹۸۰ میلادی، به‌طور عمده رویکردها و نوع نگاه‌ها به برنامه‌های توسعه جهانی در قالب رویکردهای «کمی» تعریف گردیده بود؛ اما از آغاز این دهه و به دلیل مواجه شدن دولت‌ها با چالش‌های جدید نظیر رهیافت دولت بزرگ و به جهت خروج از این چالش‌ها رویکرد جدیدی با مرکزیت قرار دادن رویکرد و نگاه «کیفی» به مسائل حکمرانی در دستور کار قرار گرفت که از آن به‌عنوان حکمرانی خوب یا مطلوب یاد می‌شود. در واقع، این الگو با رویکردی هنجاری و ارزش‌مدارانه به شیوه صحیح، مفهوم جدیدی از دولت را در نظر می‌گیرد که به فرآیند نوین اداره امور جامعه اشاره دارد. تغییراتی در نقش دولت ایجاد می‌نماید و روش جدیدی برای اداره جامعه ارائه می‌کند (قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۸۶).

گرچه در خصوص حکمرانی خوب تعاریف گوناگونی ارائه شده و روح حاکم بر همه آن‌ها تفاوت چندانی با هم ندارد و هرکدام از این تعاریف به ابعاد خاصی از این نظریه پرداخته‌اند؛ اما در مجموع می‌توان حکمرانی خوب را بر اساس ویژگی‌های آن و یا بر اساس فرآیند تعریف کرد. در تعریف بر اساس ویژگی‌ها، جامع‌ترین تعریف متعلق به تعریف بانک جهانی از حکمرانی خوب و در بحث حکمرانی خوب بر اساس فرآیند تعریف «ماری رابینسون»، کمیسر عالی سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد را کامل‌ترین

تعریف در این زمینه دانسته‌اند (میدری، ۱۳۸۱: ۳۲-۳۱). بانک جهانی تاکنون در سه مرحله حکمرانی خوب را تعریف نموده است. این بانک در تعریف سال ۱۹۹۲ میلادی، حکمرانی خوب را مدیریت دولتی کارا (شامل بودجه‌بندی، حسابرسی، ارائه گزارش و رفع نارسایی‌ها)، پاسخگویی، وجود چارچوب قانونی برای توسعه، اطلاعات و شفافیت اطلاعات در مورد اثربخشی فعالیت‌ها و شفافیت جهت جلوگیری از فساد تعریف نموده است. در سال ۲۰۰۰ میلادی، شاخصه‌هایی نظیر مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، حساسیت به نیاز فقرا، مدیریت قوی و اثربخشی هزینه را از معیارهای حکمرانی مطلوب به شمار آورده و در تعریف سال ۲۰۰۶ میلادی، خود جامعیت و پاسخگویی تحقق یافته در سه بخش مهم: انتخابات، پاسخگویی و تعویض حاکمان (اظهار نظر و پاسخگویی، پایداری و فقدان خشونت)، کارآمدی نهادها، مقررات، مدیریت منابع (چارچوب نظم‌دهنده: کارآمدی حکومت)، احترام به نهادها، قوانین و تعاملات میان کنشگران در جوامع مدنی، تجارت و سیاست (کنترل فساد، برابری حقوقی) را از ویژگی‌های حکمرانی مطلوب دانسته است.

برنامه عمران سازمان ملل متحد، حکمرانی خوب را این‌گونه تعریف نموده «قاعدمند، شفافیت ... پاسخگویی ... کارآمدی و انصاف ... ترویج برابری حقوقی ... تضمین اینکه اولویت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، براساس اجماع جمعی است و اظهار نظرهای فقرا و افراد آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری درباره اختصاص منابع توسعه، مورد توجه قرار می‌گیرد»؛ اما در خصوص ویژگی‌های اساسی حکمرانی خوب، کمیسر یون حقوقی سازمان ملل، طی قطعنامه شماره (۶/۲۰۰۰) این ویژگی‌ها را بدین شرح برشمرد: شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری (گریندل، ۲۰۰۳: ۵۷۴-۵۵۳).

گرچه اصول و ویژگی‌های اساسی مربوط به حکمرانی مطلوب، جهانی و بین‌المللی هستند و تمامی کشورها و دولت‌ها را شامل می‌شود؛ اما اجرای آن‌ها در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. از این جهت کشورها باید بتوانند گونه‌های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی مطلوب مشخص و تعیین نمایند. از این جهت به کارگیری تجربه

تاریخی کشورها بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزش‌های بومی آن‌ها که منعکس‌کننده واقعیت‌های روز است امری مهم و ضروری است. با پذیرش این فرض که دین اسلام؛ دینی جامع و کامل است و بسیاری از شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی مطلوب با اصول و مبانی این دین هم‌راستا است و چنانچه اگر آن‌ها را با فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی خود تطبیق دهیم می‌توانیم الگوی مناسبی برای سنجش چگونگی «حکمرانی شایسته» ارائه نماییم، یکی از چارچوب‌های نظری این پژوهش می‌تواند شاخص‌ها و فرآیندهای حکمرانی اسلامی (حکمرانی شایسته) قرار گیرد.

ب) حکمرانی اسلامی (حکمرانی شایسته)

گرچه مفهوم حکمرانی خود مفهوم جدیدی است و از سال ۱۹۹۶ میلادی، توسط مدرسه جان اف کندی وابسته به دانشگاه هاروارد آمریکا وارد ادبیات سیاسی جهانی گردیده؛ اما دستیابی به یک حکمرانی مطلوب و شایسته حلقه مفقوده نظریه‌پردازی‌های فیلسوفان سیاست‌ورز مغرب‌زمین بوده است در فلسفه سیاسی اسلامی این دشواری و راه پریچ و خم اندیشه‌ورزی کمتر وجود داشته و آن به دلیل وجود حاکمیت‌های نبوی و علوی با معیارهای الهی بوده است و به همین دلیل است که آرمان و عملکرد پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) با فطرت انسانی سازگار بوده و بعد از گذشت بیش از ۱۴۰۰ سال همچنان مدل آرمانی و الهی حکومت‌های نبوی و علوی می‌توانند نه فقط الگویی برای مسلمانان بلکه برای بشریت مطرح شوند. در مقابل نظریه‌های حکمرانی خوب که از لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مبتنی بر تفکرات اومانستی، سکولاریستی و پوزیتیویستی است با بهره‌گیری از مدل حکومت نبوی و علوی می‌توان نظریه جامع‌تر و کامل‌تر حکمرانی شایسته در اسلام را تبیین و تشریح کرد. مدل حکمرانی شایسته اسلامی از لحاظ هستی‌شناسی، هستی‌حقیقی را متعلق به خداوند می‌داند و سایر موجودات مظهر تجلی و نشأت‌گرفته از انوار قدسی باری تعالی هستند و با اجتناب از نگاه تک‌ساحتی به انسان، ابعاد و نیازهای دوگانه مادی و معنوی وی را دارای اهمیت می‌بیند. از لحاظ معرفت‌شناسی منبع اصلی معرفت را آموزه‌های نجات‌بخش وحیانی می‌داند و آنچه که

انسان از طریق حواس ظاهری بدان نائل می‌شود فقط بخش محدودی از آن معرفت عظیم است و در روش‌شناسی هم با پرهیز از نگاه پوزیتیویستی روش را منحصر به تجربه نمی‌داند بلکه روش وحیانی را نیز مهم تلقی می‌کند. همین نگاه متفاوت به مقوله‌های هستی، انسان، معرفت و روش است که سبب شکل‌گیری حکومت‌ها و حکمرانی‌های متفاوت شده است. در واقع در حکمرانی شایسته که مبتنی بر جهان‌بینی الهی است، گرچه دنیا و آخرت به صورت توأمان اهمیت می‌یابند؛ اما زندگی دنیوی هدف اصلی آن نیست بلکه بستر و زمینه‌ای است که انسان با استفاده از آن می‌تواند به سعادت اخروی دست یابد. گرچه ممکن است از لحاظ مبانی نظری، تعدادی از شاخصه‌های حکمرانی شایسته با حکمرانی خوب مثلاً در پاسخگویی و شفافیت اشتراک داشته باشند؛ اما این شاخص‌ها از نظر محتوا متفاوت است؛ چرا که مبانی نظری آن‌ها تفاوت دارند. در پژوهشی که برای مقایسه بین دو مدل حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته صورت گرفته، شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته در پنج مؤلفه مد نظر بر اساس مؤلفه‌های حکمرانی خوب مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته‌اند (علی و اائق و حسینی تاش ۱۳۹۳: ۲۷-۷).

ردیف	شاخص	حکمرانی خوب	حکمرانی شایسته
۱	پاسخگویی	دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برابر همدیگر و در مجموع در برابر شهروندان (برابر قانون)	دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی و آحاد اجتماعی در برابر همدیگر (و همه در برابر) خداوند (پاسخگویی به‌عنوان تکلیف همگانی)
۲	قانون‌گرایی	پابندی به قوانین مصوب قوه مقننه	پابندی به قوانین الهی و قوانین مصوب قوه مقننه که برگرفته و مبتنی بر قوانین الهی است.
۳	شفافیت	آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابلیت دسترسی برای همه.	آزادی جریان اطلاعات که مبتنی بر راستگویی و صداقت بوده و تضمین‌کننده رشد و کمال انسان باشد.
۴	مبارزه با فساد	استفاده از روش‌های نظارتی و بازرسی برای مراقبت از حاکمان	استفاده از روش‌های نظارتی و بازرسی و حکم مبتنی بر حلال و حرام.
۵	کارایی و اثربخشی	استفاده از ظرفیت‌های مادی به‌طور کامل	استفاده از ظرفیت‌های مادی و معنوی به‌طور کامل (در راستای امورات)

حکمرانی شایسته	حکمرانی خوب	شاخص	ردیف
عام المنفعه و خداپسندانه			

برگرفته از مدل علی واثق و حسینی تاش (۱۳۹۳) (با اندکی تلخیص و تصرف) رهبر معظم انقلاب در دیدار با دولتمردان در شهریور سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تعدادی از شاخص‌های حکمرانی خوب با رویکرد حکمرانی شایسته اسلامی نظیر عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری، فسادستیزی، سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور، به‌ویژه در سطح عالی‌رتبه، ساده‌زیستی و مردم‌گرایی، قانون‌گرایی، وسعت نظر (سعه صدر) و تحمل مخالف، شجاعت و قاطعیت در بیان و عمل که حق است، شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی، اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات و تعداد دیگری از شاخص‌ها را برشمردند. تلفیق شاخصه‌های حکمرانی شایسته و شاخص‌های مد نظر رهبری انقلاب بیانگر آن است که شاخص‌های حکمرانی شایسته اسلامی نه تنها دربرگیرنده شش بعد شاخص حکمرانی اعلام‌شده توسط بانک جهانی می‌باشند بلکه ابعاد گسترده‌تری را نیز شامل می‌شوند. در دوره حکمرانی حضرت امیر (ع) نیز نه تنها شاخصه‌های حکمرانی خوب به صورت کمال و تمام وجود داشته است، بلکه فراتر از آن، با شاخصه‌هایی مبتنی بر آموزه‌های اصیل دینی، خداترسی، بندگی پروردگار، عدالت اجتماعی و ... در پی رستگاری و کمال مردم و سعادت دنیا و آخرت آنان نیز بوده است؛ بنابراین با بهره‌گیری و ترکیب شاخص‌های حکمرانی مطلوب و حکمرانی شایسته اسلامی مدل الزامات تحقق حکمرانی سیاسی در بیانیه گام دوم انقلاب ترسیم گردیده است.

مدل مفهومی پژوهش

برای تدوین مدل مفهومی پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری نظریه‌های حکمرانی مطلوب و حکمرانی شایسته اسلامی تعداد یازده شاخص به‌عنوان شاخصه‌های دولت تراز انقلاب در الزامات تحقق حکمرانی سیاسی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب انتخاب گردید و سپس مدل مفهومی زیر ترسیم شد.

جهان‌بینی انسان علاوه بر بعد مادی دارای بعد والاتر روحی و معنوی است و حیات پایدار انسانی پس از انقضای حیات دنیوی به وقوع می‌پیوندد؛ بنابراین تنظیم حیات دنیوی او باید به گونه‌ای باشد که بتواند رفتار او را در حوزه فردی و جمعی به گونه‌ای سامان دهد که سعادت و کمال دنیوی و اخروی را با همدیگر تضمین نماید. با چنین جهان‌بینی به‌طور طبیعی حکومتی که داعیه‌دار ارزش‌های الهی باشد نمی‌تواند نسبت به تضمین سعادت دنیوی و اخروی شهروندانش بی‌تفاوت باشد؛ بنابراین حکومت در اسلام علاوه بر نگاه به حیات دنیوی بشر وظیفه مهیا ساختن و هدایت اتباع خود به سوی سعادت ابدی را نیز بر عهده دارد.

انقلاب اسلامی ایران هم که مبانی و اصول آن ریشه در مکتب الهی و جهان‌بینی اسلامی دارد از توجه به معنویت و کارکرد آن در ساختن اجتماع بشری وارسته غافل نشده است و در بندهایی از قانون اساسی که نماد و میثاق پیاده‌سازی تفکر اسلامی در جامعه ایرانی است به این مهم اختصاص داده است؛ به‌عنوان مثال در اصل سوم قانون اساسی ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی را یکی از اهداف جمهوری اسلامی ایران می‌داند و یا در اصول ۴۳ و ۱۵۴ نیز سعادت‌گرایی جامعه اسلامی را یکی از اهداف کلان انقلاب برمی‌شمارد. معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی در اندیشه سیاسی رهبران انقلاب هم مغفول نمانده تا جایی که با دقت و تدبیر در گفتمان حضرت امام (ره) و رهبری معظم انقلاب می‌توان اذعان کرد که معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی جامعه ایرانی و اسلامی یکی از دغدغه‌های اصلی آن‌ها بوده است. همچنین می‌توان گفت که بین مؤلفه کارآمدی نظام با معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی ارتباط وثیقی وجود دارد و هرچه مدیران نظام اسلامی در ساحت‌های گوناگون الهی‌تر، معنویت‌گراتر، ارزشی‌تر، رؤوف و متواضع و دارای شرح صدر و شکیبایی باشند در مدیریت و پویاسازی نظام تولید و توسعه ثروت‌های مادی و معنوی جامعه موفق‌ترند (درودگر، ۱۳۸۲: ۵۷).

گرچه دستاوردهای معنوی و مادی انقلاب در طی چهاردهه گذشته نیز محصول همین معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی است رهبری معظم انقلاب در چشم‌انداز آینده تمدنی انقلاب در بیانیه گام دوم نیز از آن به‌عنوان یک پیشران اساسی تعبیر نموده‌اند. اهمیت این مسئله زیربنایی از منظر رهبر معظم انقلاب به‌گونه‌ای است که از آن به‌عنوان «جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه» تعبیر کرده‌اند. علاوه بر اینکه دولت تراز انقلاب و حکمران سیاسی می‌بایست مزین به این ارزش‌گران‌بها باشد در این بیانیه که منشور آینده انقلاب را یادآوری می‌کند علاوه بر اینکه ترویج معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی وظیفه و جهاد همگانی است؛ اما «بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت».

۲- علم‌گرایی:

در قرآن کریم در سه سوره و چهار آیه (جمعه آیه ۲، آل عمران آیه ۱۶۴، بقره ۱۵ و ۱۲۹) آموزش علم و پرورش نفوس انسان‌ها از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیا معرفی شده است. نبی مکرم اسلام نیز از اهداف مهم رسالت خویش را تعلیم می‌داند «وَلَكِنْ بِالْتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ» (بحارالانوار، ج ۱: ۲۶۹). از نظر اسلام علم‌آموزی و تعلیم نه تنها امری پسندیده است بلکه از واجبات دین نیز به‌شمار می‌رود و آیات و روایات متعددی بر آن دلالت و تأکید دارند. در دوران رشد و اعتلای تمدن اسلامی هم یکی از مؤلفه‌های پیش‌برنده و سازنده آن، توجه به عالمان و تکریم جایگاه علم بوده به‌گونه‌ای که ثروتمندان اموال خود را صرف امور خیریه علمی می‌کردند و مردم خیر نیز با خرید کتاب و اهدای آن به کتابخانه‌ها نقش به‌سزایی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی ایفا نمودند (غنیمه، ۱۳۶۴: ۳۰۴). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم با نظر به عقب‌افتادگی تاریخی ایرانیان از قافله پیشرفت علمی جهانی، گام‌های بزرگی برای جبران این عقب‌افتادگی برداشته شده است که از جمله آن می‌توان به افزایش کمیت و کیفیت دانشگاه‌ها و میزان دانشجویان و اعضای هیئت علمی در طی چهل سال اخیر اشاره کرد. در واقع یکی از پیشران‌های عمده تمدن‌سازی نوین اسلامی علم‌گرایی در مسیر دستیابی به اهداف متعالیه بشری خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب در طی سه دهه گذشته با رهنمودها، جهت‌دهی و تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های کلان نظام آموزشی و توجه درخور شایسته به مؤلفه علم‌گرایی نقش به‌سزایی در دستیابی به پیشرفت علمی کشور ایفا نموده‌اند، به‌گونه‌ای که جایگاه برتر رشد علمی امروز ایران در جهان اسلام مدیون ریل‌گذاری صحیح این سیاست‌گذاری‌ها است.

در بیانیه گام دوم انقلاب هم یکی از الزامات برجسته حکمرانی امروز و آینده انقلاب توجه و تأکید بر مؤلفه «علم‌گرایی» است. در منطق رهبری معظم انقلاب این طلیعه خورشید انقلاب بود که زمینه را برای استقلال فکری و علمی جامعه ایرانی مهیا نمود و «موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده آن روزبه‌روز فراگیرتر می‌شود».

درواقع علم‌گرایی علاوه بر آنکه در حکمرانی سیاسی تراز انقلاب یک پیشران به شمار می‌رود در تداوم و تضمین حرکت استقلال‌طلبانه انقلاب اسلامی در دهه‌های آینده نیز یک ضرورت خواهد بود.

۳- آرمان‌گرا و دارای بینش تمدنی:

از ابتدای حیات انسانی، اندیشه آرمانی یک از نیرومندترین انگیزه‌های تکاپوی انسانی و همراه و همزاد او بوده تا با تکیه بر آن بتواند بر مصائب و موانع بر سر راه خود فائق و به جامعه کامل و سعادت‌مند که استعدادهای او شکوفا و نیازهای او تأمین شده باشد، نائل گردد (محمدیان مصمم و ضرغامی، ۱۳۹۶: ۵۶). به همین دلیل است که دستیابی به یک جامعه مطلوب که در ادبیات ملل مختلف از آن به‌عنوان مدینه فاضله، اتوپیا یا آرمان‌شهر یاد می‌شود از خواست‌ها و آرزوهای مکتوم یا مصرح مصلحان و خیرخواهان اجتماعی بوده است (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۶۲)؛ بنابراین آرمان‌شهر یا همان شهر آرزوها از دیرینه‌ترین مفاهیم در زندگی بشر بر روی این کره خاکی بوده و حتی می‌توان ادعا کرد که این مقوله عمری به درازای تمدن بشری دارد. آموزه‌های قرآنی و دینی آرمان‌شهر اسلامی را بر مبنای پیشرفت مقبول و مطلوب جامعه بر اساس نگرش توحیدی تعریف کرده که در آن ارزش‌ها زمینه سعادت و تقرب انسان‌ها به هدف والای خلقت را فراهم می‌گرداند.

(سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۶۲). انقلاب اسلامی ایران هم که یک رخداد بی‌نظیر بر مبنای آموزه‌ها و مبانی قرآنی - اسلامی است دربرگیرنده و حامل آرمان‌ها و ارزش‌های والای الهی و انسانی است. در واقع این ارزش‌ها همان خواسته‌ها، باورها و اراده ملت برای دگرگونی ساختار سیاسی و طراحی ساختار جدید با توجه به آن‌ها بود. آرمان‌های ملت ایران برای در انداختن طرحی نو در جهان در ۱۳۰ سال گذشته بر محور دین و معنویت و اسلام‌خواهی، آزادی و مردم‌سالاری و رهایی از سلطه استعمار با کسب استقلال همه‌جانبه بوده است و مجاهدت‌ها و شکل‌گیری نهضت‌ها و جنبش‌هایی مانند تنباکو، جنبش مشروطه، نهضت ملی کردن صنعت نفت و دیگر قیام‌های ملت ایران، تحقق این آرمان‌ها را میسر نکرد، اما ملت در انقلاب اسلامی با هدایت و رهبری امام خمینی (ره)، اتحاد همه‌جانبه و مشخص کردن مسیر مبارزه راه رسیدن به این آرمان‌ها را در قیام بر ضد رژیم پهلوی و محو سلطنت و تأسیس جمهوری اسلامی دیدند. یکی از تفاوت‌های بزرگ انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های جهان محدود نکردن مفاهیم انقلاب در افق زمانی معین و محدود و همچنین محصور نکردن آن در بعد اندیشه‌های مادی‌گرایانه و روزمره است. آرمان‌شهر انقلاب اسلامی، احیای تفکر و دستیابی به تمدن نوین اسلامی است و دستیابی به این آرمان‌شهر به یقین ملزوماتی دارد که باید در جای خود به آن پرداخته شود. بدیهی‌ترین ملزومات آرمان‌شهر تمدن نوین اسلامی التزام و اعتقاد حکمران سیاسی به داشتن بینش تمدنی است و پس از آن است که تمامی جهت‌گیری‌های نظام اسلامی در تمامی حوزه‌ها و عرصه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای تحقق این تصویر مطلوب به کار گرفته خواهد شد.

در حقیقت اگر بخواهیم با نگاهی فراتر از الفاظ و معنای موجود به بیانیه گام دوم انقلاب نظر کنیم، بدون شک عصاره و کلیدواژه این بیانیه را می‌توانیم تصویرگری و تصویرپردازی اهداف متعالی آینده انقلاب یعنی دستیابی به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) بدانیم و مسلماً برداشتن گام‌های بزرگ

مورد انتظار رهبری انقلاب بدون شکل‌گیری دولت تراز انقلاب اسلامی که سومین مرحله دستیابی به تمدن نوین اسلامی است میسر نخواهد گردید.

۴- قانون‌گرا و فسادستیز:

قانونمندی و فسادناپذیری کارگزاران یک نظام سیاسی از شاخص‌های حکمرانی خوب و در مقابل قانون‌گریزی و رواج فساد از نشانه‌های حکمرانی بد محسوب می‌شود (سردارنیا، ۱۳۹۵: ۱۰۲). در نظریه حکمرانی شایسته اسلامی برگرفته‌شده از دولت‌های نبوی و علوی، قانونمندی و فسادستیزی از اولویت‌های خاصی برخوردار بوده است. گواه این ادعا بهره‌مندی نبی مکرم اسلام به‌عنوان نخستین زمامدار جامعه اسلامی همپای افراد عادی از بیت‌المال و پرهیز از تجمل و عدم دل‌بستگی به مادیات بود به‌گونه‌ای که موجب اعتراض همسران ایشان می‌شد تا جایی که آیات ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب مسئله تخییر همسران ایشان (نسبت به ادامه زندگی یا جدایی از پیامبر) را مطرح ساخته است (درخشه و موسوی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۳). نمونه‌های متعددی از قانون‌گرایی و فسادستیزی در سنت و سیره اسلامی قابل ذکر است - مقابله با سوء استفاده کارگزاران از قدرت و اعتماد عمومی در جهت منافع شخصی در حکومت حضرت علی (ع) - به‌گونه‌ای که این شاخص را به‌عنوان یک شاخص مهم و نهادینه‌شده در حکمرانی شایسته اسلامی تثبیت کرده است، گرچه در حکمرانی شایسته منظور از قانون‌مداری، اعمال قوانین الهی در همه عرصه‌های حکومتی و همه افراد جامعه است و از نظر مبنایی با قانون‌مداری در نظریه حکمرانی خوب متمایز است (حسینی‌تاش و علی واثق، ۲۸: ۱۳۹۳-۷). با این حال پژوهشگران و صاحب‌نظران بر این باورند که رابطه و اثرگذاری مستقیمی در خصوص قانون‌گرایی و مقابله با فساد و کاهش آن وجود دارد (پاپ، ۱۳۸۵: ۲۴۲-۲۱۷).

در رفتار و منش رهبران انقلاب اسلامی هم که به‌طور عمده دارای پشتوانه فقهی و برگرفته از سیره معصومین (علیهم‌السلام) است تأکیدات مکرری بر قانون‌گرایی و مقابله با فساد در نظام اسلامی در طی چهل سال اخیر شده است؛ به‌عنوان مثال صدور فرمان هشت

ماده‌ای حضرت امام خمینی (ره) خطاب به رئیس دیوان عالی وقت کشور و نخست‌وزیر وقت در ۲۴ آذرماه سال ۱۳۶۴ هجری شمسی و یا فرمان هشت ماده‌ای رهبری انقلاب در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ هجری شمسی، در خصوص التزام به قانون‌گرایی و مقابله همه‌جانبه با فساد اشاره کرد.

یکی از الزامات تحقق نظریه حکمرانی شایسته در متن بیانیه گام دوم انقلاب را هم می‌توان قانون‌گرایی و فسادستیزی به شمار آورد. رهبر معظم انقلاب با تأکید بر اهمیت دوچندان مبارزه با فساد در نظام اسلامی و لزوم وجود دستگاهی کارآمد و قاطع در درون قوای سه‌گانه کشور و همچنین با غیر قابل قبول دانستن میزانی از فساد در داخل نظام بر این امر تأکید دارند که «طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است» در واقع رهبری علاوه بر دعوت مسئولان کشور به رعایت تقوا و امانت‌داری در باب پیشگیری از فساد بر وجود «دستگاه‌های نظارتی و دولتی (که) بلید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند» در متن بیانیه گام دوم تأکید و تصریح دارند.

۵- انقلابی، جوان و جهادگر:

تأمل و تدبر در منظومه فکری رهبران انقلاب بیانگر آن است که دارا بودن ویژگی انقلابی‌گری تنها مختص به دوران شکل‌گیری و پیروزی انقلاب نیست بلکه راه و رمز دستیابی به آرمان‌های انقلاب در مراحل بعدی در گروه انقلابی ماندن و انقلابی عمل کردن است. در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره) می‌توان ویژگی‌هایی نظیر حفظ حدود و ثغور، پرهیز از هرج و مرج‌گرایی، داشتن روحیه ساده‌زیستی و نفی اشرافیت، داشتن روحیه استقلال‌طلبی، خیرخواهی و مهرورزی با مردم و... را از نشانه‌های تفکر انقلابی برشمرد (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۳۷)، (صحیفه نور، ج ۱۹: ۱۱)، (صحیفه نور، ج ۳: ۱۶۴)، (صحیفه نور، ج ۷: ۲۵۳). رهبر معظم انقلاب نیز در جمع هزاران نفر از مردم در حرم حضرت امام (ره) پنج شاخص پایبندی به ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب، تقوای دینی و سیاسی، پایبندی به استقلال کشور، حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن و

هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها را از شاخص‌های انقلابی-گری در آغاز پنجمین دهه از عمر انقلاب اسلامی می‌داند (۱۳۹۶/۰۳/۱۴).

از سویی دیگر می‌توان تفکر جهادی را ذیل تفکر انقلابی‌گری تعریف کرد و مدیریت جهادی را نوعی از مدیریت دانست که با عشق و ایمان به خدا، با دشمن‌شناسی و گام‌های بلند و دارای شتاب، مدبرانه و با روحیه خستگی‌ناپذیری به سمت آرمان بزرگ انقلاب (ایجاد تمدن نوین اسلامی) حرکت می‌کند. مؤلفه‌های این سبک از مدیریت را می‌توان بر طبق قرآن کریم، روایات و بیانات رهبران انقلاب اسلامی را مشتمل بر مؤلفه‌هایی نظیر توکل، ایمان و اخلاص، نظم، پرهیز از اسراف، ساده‌زیستی، درایت و تدبیر، روحیه حزب‌اللهی و ارزش‌گرایی معنوی و... دانست (مظفری و محمدی، ۱۳۹۵: ۵). وجه مشترک و ربط‌دهنده انقلابی‌گری و مدیریت جهادی در بیانیه گام دوم انقلاب از نظر رهبر معظم انقلاب جوانان هستند. اگر نسل اول انقلاب را بنیان‌گذاران و شکل‌دهندگان به انقلاب و نسل دوم انقلاب را تثبیت‌کنندگان انقلاب بدانیم و بنامیم، نسل سوم انقلاب که امروز جوانان مؤمن و متعهد انقلابی در کلام رهبری هستند را باید محقق‌کنندگان آرمان‌های انقلاب در دهه‌های آینده به شمار آوریم. در واقع مخاطب اصلی بیانیه که وظیفه برآورده نمودن اهداف عالی انقلاب بر عهده آن‌ها گذاشته شده است، جوانان هستند و در سایه‌سار وجود و حفظ تفکر انقلابی و مدیریت جهادی است که خواهند توانست آرمان‌های عظیم به تصویر کشیده شده انقلاب را برآورده سازند. با پذیرش چنین پیش‌فرضی یکی از الزامات تحقق حکمرانی تراز انقلاب شکل‌گیری دولت جوان انقلابی در آینده خواهد بود، دولتی که با داشتن مؤلفه‌های انقلابی و نگاه جهادی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود کشور که رهبری انقلاب هم در متن بیانیه آن‌ها را برشمرده‌اند، بتواند تصویر مطلوب انقلاب برخاسته از آرمان‌های بزرگ آن را صیقل ببخشند و به منصف ظهور برسانند.

۶- مشارکت جو و مردم‌گرا:

یکی از ویژگی‌های ساختار حکومت‌های دموکراتیک امروزی تعبیه راه‌هایی برای اعمال نظر مردم در عرصه سیاست و به تعبیری مشارکت آن‌هاست. مشارکت مسالمت‌جویانه

مردم در امور و فرآیندهای سیاسی که نهادینه شده است، به طور معمول از طریق قالب‌هایی همانند انتخابات یا فراندوم صورت می‌پذیرد. در واقع یکی از ابزارهای ثبات سیاسی سیستم‌های حکومتی برگزاری انتخابات است که از طریق کارکردهایی همانند تطبیق با تغییرات محیطی، پرهیز از منازعات خشونت‌آمیز و افزایش کارایی و مشروعیت سیستم سیاسی به ایجاد امنیت فضایی کشورها کمک شایانی خواهد کرد و از آشفتگی‌های سیاسی و جلوگیری از پدیدار شدن نظام‌های غیر دموکراتیک جلوگیری خواهد نمود (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۵۰-۳۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای شرکت مردم در سرنوشت خویش، برگزاری انتخابات بوده است. جمهوری اسلامی ایران در زمینه تعداد مراجعه به آرای عمومی در بالاترین سطح کشورهای جهان قرار می‌گیرد. دلیل اصلی این امر را می‌توان جایگاه حق انتخاب مردم دانست. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول زیادی مکانیزم مذکور در مشارکت سیاسی را بیان کرده است؛ از جمله آن‌ها اصول ۶، ۷، ۶۲، ۸۷، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۷ و ۱۱۴ قانون اساسی است که به طور مستقیم به اصل انتخابات یا به طور جانبی به این موضوع پرداخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با احتساب برگزاری فراندوم‌ها جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۹۸ هجری شمسی، در طول ۴۰ سال از حیات سیاسی خود ۳۷ بار برای تعیین ساختار و اداره امور کشور به انتخابات مراجعه کرده است و نمودار منحنی درصد مشارکت انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران میانگین حدود ۶۰ درصد را به نمایش می‌گذارد (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۲۷).

بیانیه گام دوم انقلاب با اختصاص دادن مباحثی به این مهم، یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را به اوج رساندن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی به مردم می‌داند، در واقع در افق نگاه رهبری معظم انقلاب در متن بیانیه گام دوم، مشارکت مردم در امور تنها به شرکت در انتخابات محدود نمی‌شود بلکه حضور مردم در میدان سیاست جلوه‌های گسترده‌تری، نظیر مقابله با فتنه‌ها، حضور مردم در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی و موضوعات اجتماعی نظیر کمک‌رسانی و فعالیت‌های نیکوکاری و همدلی در حوادث

طبیعی و کمبودهای اجتماعی را در برمی‌گیرد. در حقیقت از منظر رهبران انقلاب (حضرت امام (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای) رمز اصلی تداوم و ماندگاری انقلاب با وجود همه دشمنی‌های نظام سلطه، حضور مردم در صحنه و دفاع همیشگی آن‌ها از آرمان‌های انقلاب علی‌رغم همه فراز و نشیب‌ها و کاستی‌های موجود است و بدون شک حکمرانی دولت تراز انقلاب هم برای پیشبرد امور خود باید از ظرفیت‌های این انقلاب مردمی به نحو مطلوب استفاده نماید تا در دستیابی به آرمان‌های انقلاب تسریع به عمل آید.

۷- عدالت‌خواه و محرومیت‌زدا:

مسئله عدالت همواره یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انسانی و دغدغه‌های ادیان الهی و اندیشمندان سیاسی بوده و در روابط و مناسبات افراد و گروه‌ها، وجود مقررات و قوانین عادلانه به‌عنوان یک ضرورت مورد توجه قرار گرفته است. خداوند متعال هم فلسفه رسالت پیامبران را برپایی و اقامه عدل بیان می‌کند (سوره حدید آیه ۲۵) و به صراحت اعلام می‌دارد که هدف از مبعوث ساختن پیامبران، برقراری عدالت اجتماعی در بین آنان بر اساس کتاب‌های آسمانی، قوانین و احکام الهی است (اسلامی، ۱۳۷۵: ۵۱۶-۵۱۳) در متون و روایات اسلامی، عدالت اساس و قوام عالم، عامل بقای دولت‌ها و ضامن استمرار حیات ملت‌هاست در فلسفه نظام سیاسی تشیع عدالت زیربنا و محور اصلی شکل‌دهنده آن است و عدالت ازجمله شرایط مشترک زمامدار (نبی، معصوم و ولی در عصر غیبت) و مشروعیت ولی در عصر غیبت در گرو دارا بودن این ویژگی است. با این نگاه به مقوله عدالت می‌توان گفت فلسفه وجودی انقلاب اسلامی که با ایدئولوژی و ارزش‌های خاص دینی و طرح اندیشه نظام ولایی به وقوع پیوست دوام و پایداری آن نیز به این ضرورت-های واقعی و حیاتی وابسته است، ازجمله این آرمان‌ها، عدالت‌گستری است که سنگ بنای اندیشه انقلاب اسلامی است و بدون فهم آن درک صحیح از اسلام و انقلاب ممکن نخواهد بود (فخر رازی، ۱۳۸۸: ۳۷-۳۲).

اهمیت مقوله عدالت به‌گونه‌ای است که قانون اساسی جمهوری اسلامی فقاهت و عدالت را ازجمله ویژگی‌های ولی فقیه می‌داند و اگر حاکم جامعه اسلامی این دو شرط را

نداشته و در رأس قدرت قرار بگیرد، حاکمیتش مشروع نیست؛ بنابراین زمامداران نظام سیاسی در جمهوری اسلامی موظفاند عدالت را در انواع و اقسام آن در دستور کار و برنامه‌های خود قرار دهند.

در پرتو نگاه عدالت‌خواهانه و با درک عقب‌افتادگی‌های کشور در طی دو‌یست سال اخیر در همه ابعاد از قافله پیشرفت جهانی است که بعد از انقلاب اسلامی نهضت خدمت-رسانی و محرومیت‌زدایی در کشور شکل می‌گیرد، گرچه نظام جمهوری اسلامی دستاوردهای قابل توجهی علی‌رغم همه تحریم‌ها و دشمنی‌های ظالمانه نظام سلطه به دست آورده ولی به تعبیر رهبری انقلاب تا رفع کامل محرومیت فاصله قابل توجهی وجود دارد؛ بنابراین از الزامات تحقق حکمرانی شایسته تراز انقلاب شکل‌گیری دولتی عدالت‌گرا بر طبق آموزه‌های اسلامی و منویات حضرت امام (ره) و رهبری معظم انقلاب است که خدمت‌رسانی و محرومیت‌زدایی را در دستور کار خود قرار دهد. در متن بیانیه گام دوم به لحاظ اهمیت موضوع یکی از توصیه‌های هفت‌گانه به مسئله عدالت‌خواهی و همچنین ذیل آن محرومیت‌زدایی اختصاص یافته و این‌گونه تصریح گردیده که «در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به‌شدت بیمناک باشد» گرچه تحقق عدالت به صورت‌های مختلف در قوانین تکرار شده؛ اما انتظار تحقق مطلوب این امر از سوی رهبر انقلاب به «جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان» سپرده شده است که باید زمام امور به آن‌ها واگذار شود.

۸- شفافیت و سلامت مالی:

شفافیت از جمله موضوعات اساسی و کلان در حکومت‌های مردم‌سالار، جهت اداره امور کشور و اصلاح نارسایی‌ها و کاستی‌های مدیریتی آن است و در پرتو وجود شفافیت رابطه بین حکومت و شهروندان نیز تقویت می‌گردد. این اصل هم در نظریه حکمرانی خوب و هم در نظریه حکمرانی شایسته اسلامی دارای پشتوانه و مبانی تئوریک و مستدل عمیق بوده و در عالم سیاست نیز مورد اقبال روزافزون مردم قرار گرفته است. با توجه به احادیث متعدد در آموزه‌های دین مبین اسلام، اصل عدم احتجاج زمامداران از مردم (نهان

شدن از مردم و عدم ارتباط با آنها) یک اصل پذیرفته شده است و با اصطلاح امروزی شفافیت قرابت فراوانی دارد (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵: ۶-۵).

مبنای شفافیت در اسلام را می‌توان اصل شورا و مشورت در نظر گرفت که زمینه مشارکت همه شهروندان و طرف قرار گرفتن آنها در سیاست‌گذاری‌ها را فراهم می‌سازد در تاریخ صدر اسلام نمونه‌هایی متعددی از طرف مشورت قرار گرفتن مردم می‌توان مشاهده کرد (مشورت پیامبر با اصحاب در غزوه بدر درباره اصل جنگ، مشورت با اصحاب در جنگ احزاب و یا مشورت با آنها در صلح حدیبیه و...). شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی علاوه بر طرف مشورت قرار گرفتن مردم می‌توان به وجود یک شبکه نظارتی به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات درباره عملکردها، حسابرسی از کارگزاران، به‌کارگیری نظارت مردمی، وجود سامانه قضایی مستقل و کارآمد در حوزه عدالت قضایی، لزوم پاسخگویی به مردم و داشتن ارتباط مستمر و بدون واسطه با آنها و... را به شمار آورد (حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۵: ۲۳). از آثار شفافیت از منظر تفکر اسلامی می‌تواند به جلوگیری از فساد (که به‌طور معمول در محیط‌های غیر شفاف و با نام محرمانگی شکل می‌گیرد)، دفع شبهات و احتراز از سوء ظن، کسب اعتماد و رضایت عمومی، نزدیکی مردم به حکومت و... اشاره کرد (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۸: ۹۷-۹۱).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم اصولی همانند اصل ۴۹ (اعاده ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق یا به بیت‌المال) و یا اصل ۱۴۲ در خصوص رسیدگی به اموال مسئولان قبل و بعد از مسئولیت و... اشاره کرد. در بیانیه گام دوم رهبری معظم انقلاب از بحث شفافیت و سلامت مالی مسئولان نیز در دولت شایسته تراز انقلاب اسلامی مباحثی اختصاص داده و طهارت اقتصادی و پاسخگویی به مردم را از الزامات حکمران سیاسی در نظام جمهوری اسلامی می‌داند.

۸- مسئولیت‌پذیر، خدمتگزار و شایسته‌سالار:

یکی از تفاوت‌های اصلی جهان‌بینی اسلامی با مکتب‌های اومانیستی دنیای امروز، در نوع نگاه آن‌ها به انسان و حیطه وظایف و اختیارات اوست. در جهان‌بینی اسلامی و بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی، مسئولیت انسان در حوزه‌های مختلف تعاملات روزمره او گسترده است و انسان از آن جهت که خلیفه‌الله و خلق‌شده از فطرت پاک الهی است دارای مسئولیت‌های خاصی در ارتباط با خداوند خویش، سایر انسان‌ها و جهان هستی است که در صورت توجه، پذیرش و شکوفاسازی تمام آن‌ها، زندگی آدمی، نظامی مطلوب به خود می‌گیرد و انسان به کمال شایسته خود رهنمون می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۵). در حالی که در نظام‌های غربی ملاک واگذاری مسئولیت‌ها به حکمرانان بر اساس قانون و تخصص تعیین می‌شود، در نظام اسلامی علاوه بر وجود قانون و همچنین اعتقاد به تخصص به ملاک‌های دیگری هم نظیر تقوا، حسن خلق شخص مسئول و... توجه می‌شود و توفیق یافتن شخص در ارتباط با خدمتگزاری به مردم و خدمت‌رسانی به آن‌ها یک توفیق و نعمت و هم‌ردیف با عبادات محسوب شده است.

در نظام اسلامی مسئولیت و مظاهر وظایف کارگزاران در برابر مردم را می‌توان شامل مواردی نظیر مهرورزی و مدارا با مردم، برخورد صادقانه با آن‌ها، دیدار حضوری و چهره به چهره با مردم و تلاش برای حل مشکلات و رفع آن‌ها، رعایت عدالت میان مردم از سوی کارگزار، امانت‌داری، ساده‌زیستی و پرهیز از خلق‌وخوی اشرافی‌گری، خودمحمور و استبدادی عمل نکردن آن‌ها و... دانست.

از سویی دیگر یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران هم مبنا قرار دادن فرهنگ و معارف اسلامی در همه شئون فردی و اجتماعی در کشور است و شایسته‌سالاری هم در کنار مسئولیت‌پذیری و خدمتگزاری از جمله موضوعاتی است که ریشه در اعتقادات، باورها و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی دارد. اهمیت شایسته‌سالاری به گونه‌ای است که رمز توسعه‌یافتگی و پیشرفت روزافزون تمامی ملل جهان محسوب می‌شود که این خود نیز نیازمند ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری در کشور است (حبیبی، ۱۳۹۰: ۲۵). قانون اساسی هم

ملاک‌ها و معیارهای متعددی برای مسئولیت‌پذیری کارگزاران در نظام اسلامی نظیر صلاحیت علمی، عدالت و تقوای الهی، بینش سیاسی-اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی مانند شجاعت، مدیریت و... معین کرده تا فرهنگ شایسته‌سالاری در کل جامعه تسری یابد (اصول سوم، صدوهفت، صدونهم، صدویازده، صدوپانزده و... قانون اساسی).

یکی از راهبردهای رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم تبیین و تشریح وضعیت کشور در شرایط انقلابی، احصاء دستاوردهای انقلاب، تبیین شرایط موجود و ظرفیت‌ها و استعدادها برای انتقال فرآیند مسئولیت‌پذیری نسل جوان در دهه پیش رو و دهه-های آینده است. در واقع علاوه بر تصویرسازی از آینده که شاکله اصلی بیانیه گام دوم که همانا ترسیم چشم‌انداز متعالی انقلاب - برپایی تمدن نوین اسلامی - است روح حاکم بر بیانیه آماده‌سازی نسل جوان برای پذیرش مسئولیت‌ها و خدمتگزاری به کشور است. مقوله مسئولیت‌پذیری و خدمتگزاری جوانان در اندیشه رهبری انقلاب در همه ابعاد به کشور نوعی جهاد تعبیر شده؛ به عنوان مثال در متن بیانیه در خصوص دعوت جوانان به جهاد علمی تصریح می‌فرمایند که «اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید». از آنجایی که در اندیشه رهبری راه حل غالب شدن بر مشکلات و موانع پیش روی کشور مدیریت جهادی و کارآمد با به‌کارگیری جوانان مؤمن و انقلابی است، یکی دیگر از الزامات تحقق حکمرانی شایسته تراز انقلاب مؤلفه مسئولیت‌پذیری و خدمتگزاری خواهد بود.

۹- معتقد به اقتصاد مقاومتی:

اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و غیر قانونی همواره یکی از ابزارهای نظام سلطه برای وادار ساختن ایران به عقب‌نشینی از اهداف خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و ایالات متحده آمریکا که از جمله پیشتازان عرصه اعمال تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی در طی چهل سال گذشته از اعمال هیچ تحریمی دریغ نکرده است. در مقابل اتخاذ چنین رویکرد ظالمانه‌ای، رهبری معظم انقلاب با شناسایی دقیق و حکیمانه نقاط آسیب‌پذیر

کشور به خصوص در بحث اقتصاد راهبرد اقتصاد مقاومتی را مطرح و از آن به عنوان روشی مهم در مسیر اقتصادی کشور یاد کرده‌اند.

البته نباید از این نکته هم غفلت کرد که یکی از الزامات اصلی انقلاب اسلامی عدم تکیه بر نظریه‌های رایج و متعارف و مکلف بودن آن به نوآوری و نظریه‌پردازی و الگوسازی در عرصه‌های مختلف است که الگوی اقتصاد مقاومتی یکی از این مفاهیم است (فشاری و جوادپور، ۱۳۹۳: ۴۰-۲۹).

درواقع این مدل اقتصادی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل فشارها و اهداف اقتصادی سلطه‌گران ایستادگی کرده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن‌ها بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد. از مهم‌ترین محورهای اساسی مدل بومی اقتصاد مقاومتی می‌توان به حمایت از تولید ملی، مردمی کردن اقتصاد مبتنی بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، توجه به نخبگان اقتصادی و استفاده از فناوری‌های و تکنولوژی‌های نوین و... اشاره کرد.

سیر جهت‌گیری‌های رهبری انقلاب در سال‌های اخیر هم بیانگر آن است که اقتصاد و مشکلات اقتصادی بر سر راه کشور یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایشان بوده به گونه‌ای که در ده سال اخیر بیشترین فراوانی نام‌گذاری سال‌ها هم به اقتصاد و مشتقات آن اختصاص داده شده است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم به عنوان یک سند راهبردی یکی از توصیه‌های مهم خود را به بحث اقتصاد و به تبع اقتصاد مقاومتی اختصاص داده است. در متن بیانیه گام دوم پس از برشمردن مشکلات اقتصادی کشور در سه بخش ساختار اقتصادی معیوب، مشکلات مدیریتی و تحریم‌های ظالمانه «راه حل این مشکلات را سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌داند که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود».

اجرای شدن این رهنمودها در بیانیه گام دوم انقلاب هم بر عهده جوانان مؤمن و انقلابی گذاشته شده که لازمه آن شکل‌گیری و وجود دولت شایسته تراز انقلاب خواهد

بود، دولتی که با بهره‌گیری از همه استعدادها و ظرفیت‌های کشور که در متن بیانیه نیز تعدادی از آن‌ها برشمرده شده در با اعتقاد به ایده اقتصاد مقاومتی و با تکیه بر توان داخلی این مهم را به سرانجام برساند.

ب) ویژگی‌های حکمرانی تراز انقلاب در سطح جهان اسلام:

۱- وحدت‌گرا و صلح‌طلب:

برخلاف تمایزات حقوق بین‌الملل که واحدهای سیاسی را در قالب رسمی دولت‌ها با تعریف مشخص حاکمیت، سرزمین، جمعیت و... تعریف می‌کند در اسلام واحدهایی سیاسی در قالب امت تعریف می‌شوند و مرزهای تصنعی جغرافیایی، زبانی، نژادی و قومی اهمیتی ندارند. واحد تحلیل در متون مذهبی اسلامی و بر اساس هنجارهای موجود نه دولت سرزمین، بلکه امت اسلامی است. در حقیقت معیار تمایز امت‌ها از یکدیگر نه مرزهای موجود بلکه عامل «مذهب» است و هر گروه یا قومی که به آیین اسلام گرویده باشد در داخل امت اسلامی قرار می‌گیرد. در آیات و روایات متعددی بر امت‌گرایی و مسئولیت داشتن مسلمانان در برابر یکدیگر تأکید گردیده و مسلمانان را به وحدت و همکاری دعوت نموده است. در قرآن کریم بیش از ۵۰ آیه به موضوع اختلاف، وحدت و روش‌های کسب اتحاد و عوامل اختلاف اختصاص داده شده است (عباسی، ۱۳۹۴: ۷۴). منظور از وحدت این است که فرقه‌های مختلف مسلمان، یکدیگر را به‌طور صحیح شناسایی کرده و از جهت‌گیری‌ها و مواضع فکری و اعتقادی همدیگر مطلع گردند. وحدت اسلامی، همکاری میان پیروان مذاهب اسلامی بر اساس اصول مشترک و مسلم اسلامی و در پیش گرفتن مواضع یکسان به‌منظور تحقق اهداف و مصالح والای امت اسلامی و اتحاد در برابر دشمنان در کنار احترام به اعتقاد هر یک از افراد مسلمان و مذهب آن‌هاست (تسخیری، ۱۳۸۷: ۲۱).

در اصل یازده قانون اساسی که برگرفته از آیات قرآنی و مبانی فقهی است به حکم آیه قرآنی «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/۹۲) همه مسلمانان یک امت واحد به شمار می‌روند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست‌های کلی

خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق ببخشد (قانون اساسی، اصل یازدهم). گرچه اصل وحدت‌گرایی جهان اسلام مورد تأکید رهبران انقلاب اسلامی هم قرار گرفته و جمهوری اسلامی تلاش‌های پیگیرانه‌ای برای تحقق وحدت در سطح جهان اسلام به عمل آورده؛ اما به علل مختلف (موانع درونی، سیاسی و فرهنگی و...) این تلاش‌ها آن‌گونه که باید به ثمر می‌نشست به نتیجه نرسیده است و جهان اسلام در وضعیت فعلی در بالاترین سطح اختلاف و تشتت خود قرار گرفته است. ضرورت وحدت دنیای اسلام و ایجاد امت اسلامی تنها صرف یک شعار سیاسی و اعتقادی نبوده بلکه شرط اساسی نجات مسلمانان از چنگال نظام سلطه و اولویت ارجح جهان اسلام است.

در بیانیه گام دوم انقلاب یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی به هم ریختن نظم تعریف شده قدرت دوقطبی و شکل‌گیری دوگانه جدید «اسلام و استکبار» به‌عنوان پلیده برجسته جهان معاصر و قانون توجه جهانیان است. از منظر رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است که نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های ملیل به استقلال و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته می‌شود. همچنین تحرك جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم، شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندان سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه، از دیگر آثار و برکات تکیه بر عامل معنوی ایمان و مذهب در انقلاب اسلامی است. این یک حقیقت است که امروزه عزت ایران در برابر جهان سلطه یک عزت و افتخار برای همه مسلمانان به شمار می‌رود، هرچند سیاست‌های تعدادی از دولت‌های مرتجع جهان عرب در تقابل با این پدیده بزرگ طراحی و تنظیم گردد.

۲- ام‌القری و الگو:

نظریه ام‌القری از جمله نظریه‌هایی است که در اواخر دهه ۱۳۶۰ هجری شمسی، در خصوص نحوه و چگونگی تجمیع منافع ملی با مصالح اسلامی در سیاست خارجی ایران پدیدار شده است. ابتدای این نظریه که بر منطق واقع‌گرایی بنیان شده مبتنی بر این است که در کوتاه‌مدت باید منافع ملی و نیازهای داخلی در اولویت قرار گیرد و در بلندمدت اهداف جهان‌شمول اسلامی را در دستور کار قرار داد. نظریه ام‌القری در میان نظریه‌های حداقلی (مسئولیت دولت اسلامی به‌طور عمده معطوف به داخل) و دیدگاه حداکثری (مسئولیت دولت اسلامی ورای مرزهای ملی) دیدگاه سومی را مطرح کرده است (حقیقت، ۱۳۷۶: ۵۸).

بر اساس این نظریه اگر کشوری در میان بلاد اسلامی ام‌القری دارالاسلام (مادر قریه‌ها) باشد به‌گونه‌ای که شکست یا پیروزی این کشور، شکست یا پیروزی اسلام به شمار آید در این صورت حفظ ام‌القری بر هر امر دیگری ترجیح دارد و حتی در صورت لزوم برای حفظ دارالاسلام می‌تواند احکام اولیه را تعطیل کند (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۰)؛ بنابراین نظریه، ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بدون شک ام‌القری جهان اسلام شده، چرا که با تأسیس حکومت اسلامی دارای دو شأن رهبری مردم ایران و امت اسلامی گردیده و با پذیرش رهبری امت اسلامی (از سوی ملت‌ها) حکومت ایران نیز موظف است علاوه بر منافع ملی به منافع جهان اسلام نیز بپردازد و سایر ملت‌های جهان اسلام نیز موظف‌اند از ایران به‌عنوان ام‌القری جهان اسلام حمایت کنند (لاریجانی، ۱۳۷۶: ۲۰۶). گرچه نظریه ام‌القری شدن ایران در میان امت اسلامی به سبب تحولاتی که در دودهمه اخیر در جهان اسلام به وقوع پیوسته نتوانسته صورت عملی کاملی به خود بگیرد و تلاش‌های بی‌وقفه‌ای از سوی دیگر قطب‌های قدرت (عربستان سعودی و سایر دولت‌های مرتجع منطقه خلیج فارس) برای مانع شدن از این امر در میان کشورهای اسلامی انجام گرفته؛ اما به علت ماهیت حق‌طلبانه و ارزش‌گرایانه آرمان‌های انقلاب و استواری و پافشاری بر آن‌ها که برگرفته از اسلام‌گرایی سیاسی ناب است، جمهوری اسلامی توانسته است نفوذ و تأثیرگذاری فرهنگی و گفتمانی، خود را در میان ملت‌های مسلمان بیش از گذشته رواج دهد. کارشکنی‌های و

مانع تراشی‌های نظام‌های مرتجع منطقه‌ای و نظام سلطه در مقابل گفتمان حق‌طلبانه و آزادی‌خواهانه انقلاب اسلامی نخواهد توانست مانع از تألیف القلوب بین ملت‌های مسلمان با جمهوری اسلامی شود و تنها تأثیر این هجمه‌ها و توطئه‌ها می‌تواند در به تأخیر انداختن ام‌القری شدن ایران به‌عنوان جهان اسلام تجلی یابد. هرچند که مدت‌هاست که ملت‌ها و جنبش‌های مسلمان و آزادی‌خواه منطقه، ایران را تنها ملجأ و پناهگاه خود در میان استبدادها و اختناق‌های حکام مستبد منطقه می‌دانند.

در خصوص الزامات ام‌القری و الگو شدن نظام اسلامی بر طبق بیانیه گام دوم انقلاب می‌توان گفت که تصویرگری و چشم‌انداز آرمان بزرگ انقلاب که همان تأسیس تمدن نوین اسلامی است، منحصر به ایران اسلامی نیست بلکه این گفتمان تحول‌ساز انقلاب اسلامی است که زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای ایجاد این تمدن نوین فراهم خواهد کرد و همه کشورها و ملت‌های مسلمان با همدلی و وفاق سهمی در برپایی این تمدن نوین خواهند داشت. در واقع امر پس از فراهم شدن زمینه‌های لازم برای نمایان شدن تمدن نوین اسلامی ملت‌های دیگر نیز از ایران اسلامی الگو خواهند گرفت.

۳- امنیت‌زا و مقتدر:

یکی از موضوعات اساسی در سیاست خارجی کشورها بحث «امنیت هستی‌شناختی» آن‌ها است. امنیت هستی‌شناختی منازعات و مناقشات پایدار در روابط بین‌الملل را تحلیل می‌کند. در این دیدگاه ممکن است این منازعات و مناقشات منافع فیزیکی و رئالیستی کشورها را با خطر مواجه کند؛ اما امنیت هویتی آن‌ها، از طریق حفظ شرافت فردی و ملی و نگاه غرورآمیز داخلی و بین‌المللی و پرهیز از شرم و سرافکندگی بین‌المللی را تضمین می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و وهاب‌پور ۱۳۹۴: ۴۸-۲۷). بر اساس این نظریه دولت‌ها علاوه بر تأمین امنیت فیزیکی و پیشینه‌سازی از قدرت مادی به دنبال امنیت هویتی خود به‌عنوان یک کل یکپارچه‌اند و در عرصه کنشگری خود در سیاست خارجی در پی آنند تا نگرش خود به دولت و تصویری که دولت‌ها می‌خواهند از آن‌ها داشته باشند را به منصفه ظهور برسانند. دولت‌ها به‌عنوان کارگزاران اجتماعی به دنبال کنش‌هایی هستند که نیازهای

هویتی آنان را تأمین کند، این کنش‌ها را می‌توان در سه دسته کنش‌های اخلاقی (عموماً پرهزینه)، کنش‌های بشردوستانه (ناسازگار با منافع استراتژیک) و کنش‌های شرافتی (کنش‌های خطرناک) دسته‌بندی می‌گردند (استیل، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

با تکیه بر این دیدگاه اگر بپذیریم که سه عامل هویت، قدرت (منافع) و امنیت مفروضه‌های اصلی گفتمان امنیت هستی‌شناختی سیاست خارجی کشورها را شکل می‌دهند، در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت که هر سه عامل هویت (فراملی و ایدئولوژیکی بودن سیاست خارجی و چهره‌سازی از خود) قدرت (اولویت منافع ملی و افزایش قدرت خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی) و امنیت (حفظ سرزمین و صیانت از خود) به صورت تعاملی و همبسته، نقش تعیین‌کننده‌ای در تمام تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ایران ایفا کرده‌اند (محمدی و حاجی‌یوسفی ۱۳۹۷: ۳۴).

انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برخاسته از آن با ایجاد قطب جدیدی از قدرت سبب شد تا کنش‌های جدید به‌طور عمده هویتی در سیاست خارجی ایران ظهور و بروز یابند، کنش‌هایی که نمی‌توان بر پایه منطق (هزینه-فایده) آن‌ها را تعبیر و تفسیر کرد چرا که منطق و گفتمان انقلاب اسلامی به‌طور اساسی کمترین تکیه بر منافع مادی و عینی دارد و در عین حال به‌جای نتیجه‌گرایی، تکلیف‌محور است. در طی چهاردهه اخیر هم جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی بر آن بوده تا به‌عنوان کشوری هنجارگرا و هم‌زمان مستقل و مقتدر در جهان اسلام و نظام بین‌الملل حضور داشته باشد و تبدیل شدن به یک قدرت فرهنگی و مقتدر از اولویت‌های ایران در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل بوده است.

رهبر معظم انقلاب با برآورد دقیق از امنیت هستی‌شناختی انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم بر این امر تصریح می‌فرمایند که «انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است... در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خونریز بوده و نه

منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، لین صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد».

۴- مقاومت‌گرا (حامی مقاومت):

پیروزی انقلاب اسلامی تحول عظیم و گسترده‌ای نه تنها در جهان اسلام بلکه در نظام بین‌الملل هم به وجود آورد و معادلات و موازنه‌های تثبیت‌شده قدرت در نظام بین‌الملل را دچار چالش کرد. گرچه انقلاب اسلامی پیامدها و بازتاب‌های گسترده‌ای بر جهان اسلام و نظام بین‌الملل گذاشته؛ اما یکی از مهم‌ترین پیامدها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی در مجموعه جهان اسلام و به‌خصوص در منطقه غرب آسیا را می‌توان مقابله با ترتیبات سیاسی آمریکا در این منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی دانست (قاسمی، ۱۳۹۷: ۶). شکل‌گیری محور مقاومت مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی با تأسی از اسلام سیاسی و نقش محوری جمهوری اسلامی ایران بوده و با این منطق پیوند زیربنایی یافته که عمق‌بخشی و توسعه امنیت میان ملت‌های مسلمان موجب تقویت امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز می‌گردد.

گرچه در گفتمان حضرت امام (ره) و رهبری معظم انقلاب مقاومت دارای مبانی دینی، قرآنی و اسلامی مستحکمی است و رفتن به سمت مقاومت امتثال امر الهی برای ابلغ و اجرای دستورات خداوند در جهت بندگی خدا و اجتناب از طاغوت است؛ اما شکل‌گیری رسمی ژئوپلیتیک محور مقاومت می‌توان آن را به‌طور عمده معطوف به رویدادهای عرصه بین‌المللی و یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا بعد از حوادث یازده سپتامبر و پیگیری طرح خاورمیانه جدید از سوی آن‌ها دانست. در شکل‌گیری گفتمان مقاومت و تبدیل آن به یک جبهه عملیاتی به شکل فعلی عوامل متعددی همانند بی‌توجهی به مسئله فلسطین و رابطه با رژیم صهیونیستی از سوی رژیم‌های مرتجع منطقه، مداخله ایالات متحده و قدرت‌های غربی در تحولات منطقه (اشغال افغانستان و عراق و...) و همچنین ترویج گفتمان

استکبارستیزی در بین ملت‌های مسلمان و جنبش‌های اسلامی و تلاش برای کسب هویت مستقل و... تأثیرگذار بوده است.

درواقع جبهه مقاومت که مولد گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی است در دو وجه سلبی (نفی سلطه، نفی استکبار و استبدادستیزی) و ایجابی (طرح مفاهیمی مانند اسلام‌خواهی، عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی حکومت‌ها و رهایی از وابستگی، آزادی‌خواهی و معنویت-گرایی) توانسته است مفاهیم و موضوعات را از عرصه نظری به میدان عمل وارد کند (اسدی و رجبی، ۱۳۹۶: ۹۸).

می‌توان گفت که شکل‌گیری جبهه مقاومت به‌عنوان یک جبهه عملیاتی موجبات گسترش حوزه و قلمرو امنیت انقلاب اسلامی از سطح ملی و وطنی به سطح امنیت امت اسلامی ارتقا دهد و با فراتر رفتن از مرزهای جغرافیایی ایران به مرزهای جهان اسلام در عمل نظریه صدور انقلاب جنبه عملی به خود گیرد. همچنان که رهبر معظم انقلاب در متن بیانیه گام دوم انقلاب بر این امر صحنه گذاشته و بر این باوراند که چالش امروز مستکبران «چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حملیت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه... و یا جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است» و می‌طلبد حکمران سیاسی تراز انقلاب با درک صحیح از جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی برای حفظ منافع انقلاب و ادامه مسیر بر اساس ارزش‌های اسلامی پشتیبانی مادی و معنوی لازم از جبهه مقاومت به عمل آورد.

ج) ویژگی‌های حکمران سیاسی تراز انقلاب در نظام بین‌الملل:

۱- پایبند به قاعده عزت، حکمت و مصلحت:

یکی از ویژگی‌های اندیشه سیاسی رهبری معظم انقلاب در طی سه‌دهه رهبری ایشان تاکنون طرح کردن، مفصل‌بندی و منسجم ساختن گفتمان‌های مختلف توسط ایشان بوده است سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» هم که سه اصل محوری و ثابت سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی‌اند بر اساس منویات راهبردی رهبری انقلاب بنا شده‌اند.

عزت به معنای شکست‌ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود (حق‌پناه، ۱۳۸۶: ۱۲۸). حکمت به معنای شناخت بهترین دانش‌ها و برگزیدن بهترین روش برای حل مشکلات (دانشنامه جهان اسلام، مقاله مفهوم حکمت) و مصلحت به معنای تقدم منافع اجتماعی و جامعه اسلامی بر مصالح فردی و حزبی - هنجاری دیدن منافع - (افتخاری، ۱۳۹۲: ۸۱) هر یک گوشه‌ای از مثلث سه‌ضلعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل داده‌اند که در صورت نقص یکی اصالت سیاست خارجی مورد سؤال قرار می‌گیرد.

واضح‌ترین مفهوم عزت، حفظ شأن و موقعیت جامعه و دولت اسلامی در نظام بین‌الملل است و بر مسلمانان فرض است که بر هر طریق ممکن در جامعه جهانی عزت خود را حفظ نمایند تعبیر و تفسیر اصل عزت در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌گونه‌ای است که در سرفصل دهم قانون اساسی بندی را تحت عنوان «نهی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و عدم تعهد» اختصاص داده است و یا در اصل ۱۵۲ و ۱۵۳ نیز با در پیش گرفتن سیاست عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگ و ارتش و دیگر شئون گردد ممنوع است». در حقیقت اصل عزت بیانگر علو و برتری تعالیم اسلامی و بالتبع برتری جوامع اسلامی است «الاسلام یعلو و لایعلی علیه» دولت اسلامی هم نباید به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری و رفتار کند که این اصل مخدوش یا کمرنگ شود (رضایی اندیشمند، ۱۳۹۵: ۱۰-۶).

وجود اصل حکمت در سیاست خارجی هم بدین معناست که سیاست خارجی در نوسان بین آرمان‌گرایی افراطی و واقع‌بینی محض گرفتار نگردد و به بهانه واقع‌گرایی، آرمان‌ها فراموش نشود و در عین حال عقلانیت حکم می‌کند که در پیگیری منافع و مصالح ملی آرمان‌های افراطی محض خارج از ظرفیت نیز تعقیب نشود بلکه با در پیش گرفتن

سیاست آرمان‌گرایی واقع‌بینانه که از الزامات دیپلماسی موفق متناسب با سیاست‌گذاری‌های نظام جمهوری اسلامی است طریق دیپلماسی طی گردد. در منظومه اندیشه‌ای رهبر معظم انقلاب حکمت به معنای مستحکم‌ترین افکار و اندیشه‌ها سخن و عمل سنجیده منطبق بر خرد حکیمانه با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و بینشی که می‌تواند حقایق را ماورای غشای مادی آن ببیند (رضایی اندیشمند، ۱۳۹۵: ۱۴) تعبیر گردیده است.

مصلحت هم برخلاف معنای واژه‌ای آن به معنای اصالت دادن به اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی و تأمین اهداف و منافع ملی با رعایت موازین شرعی و اصول **مصرح** در قانون اساسی است. مرکز ثقل مصلحت‌گرایی، مصلحت اسلام و نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان تنها دولت و حکومت اسلامی - شیعی موجود در جهان معاصر است و اولین و مهم‌ترین مصلحت هم حفظ موجودیت جمهوری اسلامی به‌مثابه ام‌القری و مرکز جهان اسلام است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۱۵).

در متن بیانیه گام دوم انقلاب نیز این مبحث یکی از سرفصل‌های توصیه‌های کلیدی را به خود اختصاص داده است که نشان‌دهنده اهمیت پایبندی به این قاعده در سیاست خارجی به‌عنوان یک قاعده‌مبنایی است. رهبر معظم انقلاب با تبیین دستاوردهای پایبندی به این قاعده تاکنون و در دولت شایسته تراز انقلاب تصریح می‌فرماید «دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند...»

۲- استقلال‌گرا و ضد هژمونی:

تحولات نظام بین‌الملل از اواسط قرن بیستم و بعد از وقوع جنگ جهانی دوم به‌گونه‌ای در سیاست جهانی رقم خورد که شرایط را برای ظهور و بروز ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک قدرت برتر نظامی، اقتصادی، فناوری و بالتبع قدرت برتر سیاسی فراهم شد. در اثنای جنگ سرد و با فروپاشی کمونیسم گفتمان لیبرال دموکراسی آمریکایی با شعار «پایان

تاریخ» خود را تنها قدرت هژمونی در سطح بین‌المللی می‌دید و تمام سعی و تلاش خود را برای پیاده کردن ارزش‌ها و فرهنگ لیبرال جهانی (نظم نوین جهانی) که توسط به‌اصطلاح امپراتوری آمریکایی هدایت و سازمان‌دهی شود به کار گرفت (خداپرست و اندرزیان، ۱۳۹۷: ۲۰۰).

نکته حائز اهمیت آن است که گفتمان لیبرال دموکراسی آمریکایی به‌طور عمده بر رویکرد سلبی و نفی هویت گفتمان‌های رقیب و مبتنی بر خصومت و تنازع با آن‌ها استوار است و به همین دلیل است که پس از حذف کمونیسم دچار بحران گردید، به همین جهت اندیشمندان غربی با ارائه نظریه‌هایی مانند (برخورد هویت‌های تمدنی رقیب متعلق به باری بوزان، نظریه پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما و یا نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون) تلاش کردند تا رقیب واقعی گفتمان هژمونی لیبرالیسم را شناسایی کنند.

تصویری که نظریه‌پردازان غربی از آینده هژمونی غرب و ایالات متحده در نظریاتی که به آن‌ها اشاره شد ارائه داده‌اند مبتنی بر برتری تمدن غربی است؛ بنابراین وجود تمدن‌های هم‌تراز و یا برتر که بتواند به‌عنوان رقیب جدی برای گفتمان آن‌ها باشد را هم برنمی‌تابند. پیروزی انقلاب اسلامی از منظر استراتژیست‌ها و نظریه‌پردازان غربی این انگاره ذهنی آن‌ها را که رقابت غرب با اسلام که هنوز هم دارای هویتی جمعی، گسترده و قوی است را تقویت کرده است (دهقانی فیروزآبادی و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). حقیقت امر آن است که قدرت‌های نوظهوری همچون انقلاب اسلامی با تکیه بر عواملی همانند فرهنگ، مذهب و تمدن بومی و استقلال‌طلبانه خود توانسته است اهداف ترسیمی هژمونی ایالات متحده را با مانع مواجه کند.

بر اساس منطق یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا، نظمی که بعد از جنگ جهانی دوم و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در عرصه بین‌المللی پدیدار شده مبتنی بر نظم تک‌قطبی با محوریت هژمونی این کشور است. این کشور یک نظم سلسله‌مراتبی را برای نظام بین‌الملل تعریف کرده که در رأس آن ایالات متحده (به‌عنوان ابرقدرت) و در مراحل بعدی قدرت‌های بزرگ و در رده‌های بعدی قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های ملی قرار می‌گیرند.

تصور ایالات متحده بر این پیش فرض است که سایر بازیگران که جایگاه آن‌ها توسط هژمونی تعریف شده موظفاند که قواعد بازی را بر اساس ارزش‌ها و قواعد آمریکایی رعایت کنند و در صورتی که هر یک از بازیگران برخلاف میل و خواست هژمونی به ایفای کنشگری بپردازد مورد مؤاخذه قرار گرفته و ممکن است به اشکال مختلف هم مجازات گردند.

در مقابل این مدل، دیدگاه انقلابی معتقد است که نظم و سامان بین‌الملل کنونی ناعادلانه، نامشروع و ناپسند است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۲۳۷)؛ و برجسته‌ترین رسالت جمهوری اسلامی در جایگاه رهبر جبهه ضد نظام سلطه، تلاش در راستای برپایی یک ساختار نوین جهانی بر پایه عدالت و احترام متقابل است (عباسی، ۱۳۹۷: ۲۱). چرا که در هستی‌شناسی توحیدی و ایدئولوژیکی اسلامی عدالت مبنا و پایه است و سلطه‌گری و عصیان به هیچ روی پذیرفته نیست (اسدی و رضایی‌پناه، ۱۳۹۲: ۱۲).

۳- اخلاق‌گرایی و پابندی به توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه:

دین مبین اسلام همان‌گونه که در عرصه‌های فردی و اجتماعی بشر دارای برنامه و رهنمودهای خاصی است در عرصه روابط بین دولت‌ها نیز دارای رویکرد، اصول و قواعد خاصی است. در نگاه هستی‌شناسانه اسلام به روابط بین‌المللی باید به دو مسئله، نوع نگاه به انسان و سیاست پرداخت تا دیدگاه اسلام نسبت به محیط بین‌المللی مشخص گردد.

نوع نگاه اسلام به انسان برخلاف مکتب‌های رایج در نظام بین‌الملل (مانند آرمان‌گرایی و یا واقع‌گرایی) مبتنی بر نوعی فلسفه دوبعدی به وجود اوست، در این نگاه وجود خیر و شر همواره در کنار یکدیگر بر نظام آفرینش سایه افکنده و بر اساس اصل حکمت بالغه الهی، شر مطلق در نظام آفرینش وجود ندارد، بلکه شر به صورت نسبی همواره مطرح است. اصل بر آن است که نظام هستی هدف‌دار و غایت‌مند و مملو از خیرها و خوبی‌ها باشد؛ اما در این میان، وجود شر و بدی‌ها را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۲۵). در خصوص ماهیت سیاست نیز اسلام به هر دو بعد مثبت و منفی مسئله توجه می‌کند. از نگاه اسلام، سیاست و قدرت به‌طور ذاتی نمی‌تواند مثبت یا منفی باشد،

بلکه این هدف سیاست است که چهره واقعی آن را می‌نمایاند. سیاست، ابزاری است در دست انسان که اگر به استیلای غرایز و قوای شهوانی انسان بیانجامد، از منظر دینی فاقد ارزش است و اگر این ابزار برای برتری و سیادت قوای عاقله و یا به عبارت بهتر، حاکمیت فطرت انسانی به کار گرفته شود، امری درخور توجه است (سجادی، ۱۳۸۱: ۶۹). با تأسی به همین نوع نگاه اسلام به سرشت و ماهیت انسان و سیاست تعالیم و آموزه‌های اسلامی، روابط بین‌المللی را با جنگ و صلح همراه می‌داند از نظر اسلام جنگ معلول عدم تعادل رابطه فطرت و غرایز انسانی است که در آن غرلی ز بر فطرت چیره می‌گردد در روابط خارجی اسلام نه جنگ اصل است (آن‌گونه که رئالیست‌ها می‌اندیشند) و نه صلح همیشگی است؛ (آن‌گونه که ایده‌آلیست‌ها باور دارند) بلکه از نظر اسلام پدیده جنگ و صلح واقعیت عینی تاریخ بشر را تشکیل می‌دهند. ایده اسلام در روابط بین‌الملل با توجه به رسالت جهانی‌اش، دعوت همگانی به سعادت و کمال است و در روابط خارجی‌اش با جوامع بیگانه نیز، اصل را بر همزیستی مسالمت‌آمیز قرار می‌دهد (سجادی، ۱۳۸۱: ۹۷).

رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل درباره نظم، نظام و روابط بین‌الملل مطلوب، هنجاری است. در چارچوب این نظریه امکان شکل‌گیری یک جامعه اخلاقی جهانی واحد بر اساس ارزش‌ها، منافع و نهادهای مشترک بشری تحت حاکمیت واحد اسلامی وجود دارد. نظم بین‌المللی مطلوب اسلام، اخلاقی و عادلانه است که تعالی و سعادت کل بشریت را تأمین می‌کند. ارزش‌های زیربنای نظم و نظام بین‌الملل اسلامی نیز اعتباری و قراردادی نیستند، بلکه از آنجا که از فطرت انسانی نشأت می‌گیرند، واقعی و قابل کشف و تبیین می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۲). در نگاه قرآنی به روابط بین‌الملل اصولی همانند ارتباط برادرانه در جامعه گسترده اسلامی، اصالت روابط مسالمت‌آمیز با بازیگران غیر حربی، ضرورت پایبندی به مفاد قراردادها با دیگر ملل، ضرورت اجتناب از روابط قراردادهایی که زمینه‌ساز سلطه کفار بر مؤمنین گردد و... دارای اهمیت است و دولت‌های اسلامی موظف به رعایت این اصول حتی در میانه جنگ هم هستند.

جمهوری اسلامی ایران هم با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی که به آن اشاره کرده‌ایم همواره در پی دستیابی به یک نظم اخلاقی عادلانه بر پایه احترام متقابل بین دولت‌ها و پرهیز از هرگونه سلطه‌گری و ستم‌کشی بوده تجربه عملی چهل سال اخیر جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط بین‌المللی به‌خوبی ثابت نموده است که علی‌رغم همه دشمنی‌ها و فشارهای نظام سلطه در هیچ برهه زمانی نقض‌کننده معاهدات و توافقنامه‌های بین‌المللی نبوده است و به تمامی معاهدات بین‌المللی در چارچوب شرع مقدس اسلام و مادامی که با ارزش‌ها و مبانی اعتقادی و منافع ملی کشور در تضاد نباشد پایبند خواهد بود؛ بنابراین دولت تراز انقلاب اسلامی که الزامات آن بر طبق بیانیه گام دوم انقلاب ذکر آن رفت علاوه بر اخلاق‌گرایی در عرصه بین‌المللی به معاهدات دوجانبه و چندجانبه با ذکر شرایطی که بدان اشاره کردیم پایبند خواهد بود و نقش مؤثر و سازنده‌ای در ایجاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز فرهنگی بین ملت‌ها ایفا خواهد کرد.

نتیجه‌گیری:

در بینش تمدنی رهبر معظم انقلاب برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی و احیای عظمت اسلام مراحل پنج‌گانه‌ای شامل (انقلاب اسلامی، برپایی نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن نوین اسلامی) ترسیم گردیده است. با وجود گذشت بیش از چهل سال از عمر انقلاب و با وجود پیشرفت‌های عظیمی که در طی این چهاردهه به‌دست آمده؛ اما در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی در سومین مرحله آن یعنی شکل‌گیری دولت اسلامی هنوز شکل نگرفته و تا زمانی که دولت اسلامی در تراز گفتمان اسلام و انقلاب اسلامی شکل نگیرد نمی‌توان دو مرحله بعدی آن را با موفقیت پشت سر گذاشت. در پژوهش پیش روی سعی گردید با بهره‌گیری از نظریه‌های حکمرانی خوب و مهم‌تر از آن نظریه حکمرانی شایسته اسلامی که مدل‌سازی آن از دولت‌های نبوی و علوی أخذ و اقتباس گردیده الزامات حکمرانی سیاسی دولت شایسته تراز انقلاب مشخص و بر طبق بیانیه گام دوم انقلاب به‌عنوان یک سند راهبردی مطابقت داده شود. یافته‌های پژوهش به اختصار آورده شده است:

۱- شاخصه‌های حکمرانی شایسته که از مدل دولت‌های نبوی و علوی اقتباس گردیده در مقایسه با نظریه حکمرانی مطلوب که یک نظریه وارداتی است از جامعیت نظری و عملی کامل‌تری برخوردار است و بسیاری از شاخصه‌های مورد نیاز در یک حکمرانی تراز و الگو که در نظریه حکمرانی خوب یافت نمی‌شود ولی در نظریه حکمرانی شایسته اسلامی می‌توان آن‌ها را سراغ گرفت.

۲- در متن بیانیه گام دوم انقلاب به‌عنوان یک سند راهبردی که با نگاه آینده‌نگارانه رهبر معظم انقلاب نگارش یافته و چشم‌انداز آینده انقلاب که همانا دستیابی به آرمان بزرگ انقلاب و برپایی تمدن نوین اسلامی در آن صیقل یافته، شاخصه‌ها و پیشران دستیابی به آن نیز تعبیه گردیده و رهبری انقلاب نیز آن را تبیین کرده‌اند.

۳- با تلفیق شاخصه‌های نظریه حکمرانی خوب با نظریه حکمرانی شایسته اسلامی مدل مفهومی پژوهش ترسیم گردید سپس شاخصه‌های دولت تراز انقلاب در سه بعد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تشریح و هر یک از شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفت و با متن بیانیه گام دوم انقلاب نیز تطبیق داده شد. دولت شایسته تراز انقلاب که رسالت اصلی آن تحقق تمدن نوین اسلامی است دارای پشتوانه‌های قرآنی و روایی است و در منظومه فکری حضرت امام (ره) و رهبری انقلاب که برگرفته از همان پشتوانه‌هاست نیز شاخصه‌های حکمرانی شایسته تراز انقلاب قابل کشف و تبیین است و با شکل‌گیری دولت تراز انقلاب و الگو است که زمینه دستیابی به تمدن نوین در سطح جهان اسلام فراهم می‌گردد.

منابع:

۱. آرای، وحید، (۱۳۸۸)، «حکمرانی خوب مشابه آرمان نظارت و ارزیابی»، گزارش ش ۶.
۲. استیل، برنت، (۱۳۹۲)، «امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل»، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی، محمدعلی قاسمی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳. اسدی، حیدر؛ رجیبی، هادی، (۱۳۹۶)، «نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶.
۴. اسدی، ناصر، رضایی پناه، امیر، (۱۳۹۲)، «مبانی تقسیم‌بندی نظام بین‌الملل و همگرایی و واگرایی آن در گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱.
۵. افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)، «تبارشناسی قاعده مصلحت در فقه سیاسی شیعه»، سیاست متعالیه، سال اول، شماره ۱.
۶. بیانیه گام دوم انقلاب.
۷. بنی‌هاشمی، میرقاسم، (۱۳۹۵)، «انتخابات، ثبات سیاسی و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. پاپ، جرمی، (۱۳۸۵)، «پارلمان و قانون‌گذاری علیه فساد»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۱۳، شماره ۵۲.
۹. تسخیری، محمدعلی، (۱۳۸۷)، «گفتارهایی درباره تقریب مذاهب اسلامی»، اندیشه تقریب، سال ۴، شماره ۱۴.
۱۰. جوادی‌آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، گستره دین، قم: نشر اسراء.
۱۱. حبیب‌نژاد، بیداحمد؛ عامری، زهرا، (۱۳۹۵)، «شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی با تأکید بر حکومت علوی»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال ۱۳ شماره ۴۹.
۱۲. حبیبی، محمدباقر، (۱۳۹۰)، سیاست‌های ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری، تهران: نشر رادان.
۱۳. حق‌پناه، رضا، (۱۳۸۱)، «عزت از منظر قرآن و سنت»، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۴ و ۵.
۱۴. حقیقت، سید صادق، (۱۳۷۶)، مسئولیت‌های فراملی و سیاست خارجی دولت اسلامی، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.

۱۵. خداپرست، یونس؛ اندرزیان، امرالله، (۱۳۹۷)، «افول هژمونی آمریکا و چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۵.
۱۶. دانشنامه جهان اسلام (بنیاد دائره‌المعارف فارسی) مقاله مفهوم حکمت، شماره ۶۳۸۰.
۱۷. درخشه، جلال؛ موسوی‌نیا، سید مهدی، (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)»، فصلنامه پژوهش‌های علم و دین، سال نهم، شماره اول.
۱۸. درودگر، محمدجواد، (۱۳۸۲)، «نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال دوازدهم، شماره دوم.
۱۹. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۴)، امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی، ج. ۱، ا. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.
۲۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ اسماعیلی، علیرضا، (۱۳۹۵)، «انقلاب اسلامی و صورت‌بندی گفتمان قدرت در نظام بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۳، ش ۴۶.
۲۲. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۶)، «گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی احمدی‌نژاد»، دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵.
۲۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۹)، «مبانی فرانظریه نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، فصلنامه روابط بین‌المللی خارجی، سال دوم، ش ۶.
۲۴. رضایی اندیشمند، ابوالقاسم، (۱۳۹۵)، «عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم قم.

۲۵. سجادی، عبدالقیوم، (۱۳۸۱)، «دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام»، مجله علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۹.
۲۶. سجادی، عبدالقیوم، (۱۳۸۱)، «اصول سیاست خارجی در قرآن»، مجله علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۵.
۲۷. سردارنیا، خلیل، (۱۳۹۵)، «ریشه‌های ساختاری فساد اقتصادی در ایران در دودهه اخیر»، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی، سال اول، شماره اول.
۲۸. سعیدی روشن، محمداقبر، (۱۳۹۳)، «شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم»، فصلنامه آموزه‌های قرآنی، شماره اول.
۲۹. طاهری، محسن؛ ارسطا، محمدجواد، (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب»، فصلنامه پژوهش حقوق تطبیقی اسلام و غرب، سال سوم شماره ۳.
۳۰. طاهری، محسن؛ ارسطا، محمدجواد؛ ملک‌افضلی، محسن، (۱۳۹۸)، «مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اندیشه سیاسی اسلام»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۴.
۳۱. عباسی، صفر، (۱۳۹۴)، «همگرایی و وحدت جهان اسلام، پژوهش‌های منطقه‌ای»، دوره جدید، شماره ۱۶.
۳۲. عباسی، مجید، (۱۳۹۷)، «نظام سلطه و تعارضات آن در روابط بین‌الملل در گفتمان مقام معظم رهبری»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۷، شماره ۲۵.
۳۳. واثق، علی، قادر؛ حسینی‌تاش، سید علی، (۱۳۹۳)، «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته، بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیر المؤمنین علی (ع)»، فصلنامه پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۸.
۳۴. عیسی‌زاده، خالد؛ عیسی‌زاده، بشارت، (۱۳۹۶)، «جایگاه عدالت در حکومت اسلامی»، فصلنامه حبل‌المتین، دوره ۶، سال ۲۱.

۳۵. غنیمه، عبدالرحیم، (۱۳۶۴)، تاریخ دانشگاه اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، تهران، انتشارات یزدان.
۳۶. فخرزراع، سید حسین، (۱۳۸۸)، «عدالت جوهره انقلاب اسلامی»، فصلنامه زمانه، شماره ۸۴ و ۸۵.
۳۷. فشاری، مجید؛ جوادپور، غفار، (۱۳۹۳)، «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی»، مجله اقتصادی، شماره ۵ و ۶.
۳۸. قاسمی، بهزاد، (۱۳۹۷)، «ژئوپلتیک محور مقاومت و امنیت جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۱ شماره ۳۸.
۳۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۴۰. قرآن کریم.
۴۱. قلی‌پور، رحمت‌الله، (۱۳۸۳)، «تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری»، فصلنامه مدیریت سازمانی، شماره ۱۰.
۴۲. لاریجانی، محمدجواد، (۱۳۶۹)، مقولاتی در استراتژی ملی، چاپ اول، مرکز نشر و ترجمه کتاب.
۴۳. لاریجانی، محمدجواد، (۱۳۷۶)، کاوش‌های نظری در سیاست خارجی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۴. محمدیان مصمم، حسن و ضرغامی، سعید (۱۳۹۶)، «خاستگاه تفکر آرمانی و آرمان شهر در دو مهد عظیم تمدن شرق و غرب»، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال ۹، شماره ۲۹.
۴۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۲)، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا.
۴۶. مظفری، محمد مهدی؛ محمدی، بهنام، (۱۳۹۵)، «مؤلفه‌های مدیریت جهادی در سازمان جهادی»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی در ایران.

۴۷. موسوی الخمینی، روح‌الله (۱۳۷۴)، صحیفه نور، تهران، مرکز نشر آثار حضرت امام (ره)
۴۸. میدری، احمد؛ خیرخواهان، جعفر، (۱۳۸۳)، «حکمرانی خوب بنیان توسعه»، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۴۹. واعظی، احمد، (۱۳۸۲)، «اسلام و لیبرالیسم»، فصلنامه علوم سیاسی، سال ششم، تابستان، شماره ۲۲.

50. Grindle, S.M. (2007) Good Enough Governance revisited. Development policy review. 25 (5): 553-574.

ارائه نوع شناسی خطاهای شناخت در فهم مسائل حکمرانی

مهدی عبدالحمید

فرزاد دادرس

چکیده

با ظهور مکاتب جدید که از حوزه علوم شناختی نشأت گرفته‌اند، عقلانیت کامل در حوزه‌های متعددی مانند اقتصاد، مدیریت و خط‌مشی‌گذاری مخدوش شده است. واقعیت‌های مکرر نشان داده است که انسان‌ها در اکثر موقعیت‌ها نه تنها عقلایی رفتار نمی‌کنند، بلکه در موارد متعددی تحت تأثیر سوگیری‌ها و خطاهای شناختی به گونه‌ای مخرب دست به تصمیم‌گیری می‌زنند. سیاست‌گذاران نیز ممکن است مانند شهروندان عادی تصمیماتی غیر منطقی بگیرند، با این تفاوت که پیامد تصمیم‌گیری‌های ایشان در عرصه اجتماع می‌تواند عواقب وخیم و جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. این پژوهش به‌طور خاص با نظر داشت جایگاه خطیر حکمرانان و خط‌مشی‌گذاران، مرحله نخست خط‌مشی‌گذاری عمومی، یعنی تشخیص مسئله و خطاهای شناختی و رفتاری مربوط به آن را مورد توجه قرار می‌دهد تا حکمرانان را از ارتکاب خطای نوع سوم باز دارد.

در این مسیر، از طریق به کار بستن روش کتابخانه‌ای، انواع خطاهای شناختی مرتبط با تشخیص مسئله، شناسایی گردید و پس از آن در مرحله تحلیل اطلاعات علاوه بر به‌کارگیری روش تحلیل محتوا، از طریق تشکیل گروه کانونی، خطاها مورد بحث و دسته‌بندی قرار گرفت. در نهایت نیز این خطاها از طریق دلفی فازی مورد تأیید خبرگان قرار گرفت.

کلیدواژه: عقلانیت محدود، پارادایم شناختی، تشخیص مسئله، خطای نوع سوم، خط‌مشی‌گذاری شناختی.

Provides a typology of cognitive errors in understanding governance Problems.

Abstract. With the emergence of new schools originating in the field of cognitive science, the paradigm of behavioral rationality has been disrupted in many areas such as economics, management and policy making. Repeated facts have shown that humans in most situations not only behave rationally, but in many cases make decisive decisions under the influence of biases and cognitive errors. Policymakers, like ordinary citizens, may make irrational decisions, and the consequences of their decisions in the social field can have serious and irreparable consequences. This research in particular considering the critical position of rulers and policymakers, The first stage focuses on public policy, namely problem recognition and related cognitive and behavioral errors, to prevent rulers from committing a third type of error. In this way, through the application of the library method, a variety of cognitive errors related to problem detection were identified. Then, in the data analysis phase, in addition to applying the content analysis method, errors were discussed and categorized through focal group formation. Eventually these errors were confirmed by experts through Fuzzy Delphi.

Keywords: Bounded rationality, cognitive paradigm, problem recognition, type III error, cognitive policy Making.

مقدمه و بیان مسئله

علوم و نظریه‌های مبتنی بر پارادایم عقلانیت رفتاری مانند اقتصاد نئوکلاسیک، عقلانیت و خرد افراد تصمیم‌گیرنده را بدیهی می‌دانند. معنای این مفهوم آن است که انسان عقلانی قادر است تا در تمام موقعیت‌های محیطی به‌گونه‌ای تصمیم‌گیری کند که منجر به بیشینه شدن سود و دستاوردهای مربوط به آن حوزه تصمیم‌گیری شود؛ اما ذات بشر بسیار پیچیده‌تر از آنی است که مدل‌های نئوکلاسیک و پارادایم‌های مدعی بر عقلانیت ادعا می‌کنند. بررسی‌ها و تحقیقات روان‌شناسانه بی‌شماری وجود دارد که نشان می‌دهد افراد تصمیم‌گیرنده، مستعد تعصبات شناختی هستند و نتایج تصمیمات آن‌ها اغلب فاصله بسیار زیادی از پیش‌بینی مدل‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر رویکردهای عقلانیت‌محور و استاندارد دارند (سولک، ۲۰۱۷).

همچنین تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که انسان پارادایم عقلانیت رفتاری، نه تنها در شرایط خاص قادر به تصمیم‌گیری در راستای بیشینه‌سازی نتایج مورد انتظار خود نیست بلکه تحت شرایط محیطی و تأثیرپذیری از خطاهای ذهنی خود، مستعد تصمیم‌گیری غلط، غیر بهینه و در راستای عدم تحقق نیازها و اهداف خود نیز می‌باشد (تیلر، ۱۹۸۵).

بر اساس مشاهدات مکرری که در این مورد صورت گرفت، تحقیقات تیلر در دهه هفتاد میلادی، موجب ظهور نگرش و مکتب جدیدی شد که اصول و مبانی پارادایم‌های رفتار عقلانی را مورد تشکیک قرار داده و پارادایم عقلانیت محدود را جایگزین آن نمود. همین‌طور تحقیقات علوم شناختی و دستاوردهای قابل توجه این حوزه که تأثیر عوامل روان‌شناختی و عصب‌شناختی را در تصمیم‌گیری مورد پژوهش قرار داده بود، علاوه بر مخدوش کردن پارادایم عقلانیت رفتاری، زمینه ورود علوم روان‌شناسی، علوم شناختی و علوم رفتاری به حوزه‌هایی مانند اقتصاد، علوم تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری گردید. بحث اصلی حوزه‌های منشعب از علوم شناختی این است که برای توضیح گستره عظیم تصمیماتی که افراد می‌گیرند، عوامل روانی را نیز باید در نظر داشت.

اگر دامنه و عرصه تصمیم‌گیری‌های انسانی با پیش‌زمینه عقلانیت محدود، در حوزه سیاست، برنامه‌ریزی‌های کلان، مدیریت و حکمرانی کشور تحلیل شود می‌توان گفت که سیاست‌گذاران نیز ممکن است مانند شهروندان عادی تصمیماتی غیر منطقی بگیرند و پیامد تصمیم‌گیری‌های ایشان در عرصه اجتماع می‌تواند عواقب وخیم و جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. به‌طور خاص این پژوهش، با عبور از خطاهای نوع اول و دوم، روی خطای نوع سوم تصمیم‌گیری‌های کلان در عرصه حکمرانی، با عنوان «تشخیص اشتباه مسئله» متمرکز شده است؛ به عبارت دیگر این پژوهش گلوگاه حکمرانی مؤثر را تشخیص دقیق و صحیح مسئله دانسته و تلاش کرده است تا با شناسایی عوامل شناختی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر تشخیص غلط مسئله، چارچوب‌هایی برای کسب اطمینان از تشخیص درست مسئله و نیز راهکارهایی برای بهبود این معضل ارائه دهد.

در یک جمع‌بندی از مسئله و در خصوص جنبه رفتاری و درک فرایندهای شناختی خط‌مشی، می‌توان گفت: نخست اینکه بازیگران از لحاظ رفتاری عقلایی به نظر می‌رسند و قصد دارند هدف‌محور و استراتژیک رفتار کنند؛ اما آن‌ها در بسیاری از مواقع اشتباه می‌کنند و این اشتباهات فقط به دلیل پیچیدگی و پویایی واقعیت نیست، بلکه پیامد معماری شناختی انسان نیز می‌باشد و دوم، پویایی‌های مختلفی می‌توانند بر فضای مسئله / مشکل / راه‌حل و جست‌وجو و تشخیص بدیل‌ها اثر بگذارند. پژوهش حاضر با نظر داشت موارد فوق، پژوهش حاضر پیرامون سؤال از چیستی خطاهای شناختی و رفتاری خط‌مشی‌گذاران و حکمرانان در مرحله تشخیص مسئله شکل گرفته است.

پیشینه نظری

در این بخش، مباحثی که نتایج تحقیق بر مبنای آن ارائه شده است بر مبنای سیر منطقی ارائه می‌شود. نخست به مسئله خطای نوع سوم پرداخته می‌شود. خطای نوع سوم، نقطه ورود این مقاله به مباحث شناختی در موضوعات حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری است. پس از آن به تبیین مفاهیم حل مسئله و ساختاردهی به مسئله خواهیم پرداخت و در نهایت مفهوم حکمرانی شناختی ارائه می‌گردد.

حکمرانی

از نظر واژه‌شناسی، حکمرانی به واژه یونانی کوبرنان^۱ به معنای هدایت کردن باز می‌گردد. این واژه توسط افلاطون در خصوص چگونگی طراحی نظام حکومت^۲ به کار رفته است. در اصطلاح علمی، حکمرانی، اغلب برای توضیح تغییرات در ماهیت و نقش دولت در پی اصلاحات بخش عمومی که به جابه‌جایی از بوروکراسی سلسله‌مراتبی به سمت به‌کارگیری بیشتر بازارها، شبه‌بازارها و شبکه‌ها، به‌ویژه در ارائه خدمات عمومی منجر شده است، به کار می‌رود (بور^۳، ۲۰۰۸). حکمرانی فرایندی است که از طریق آن، جوامع یا سازمان‌ها، تصمیم‌های مهم خود را اتخاذ کرده و مشخص می‌کنند چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را انجام دهند (سلیمی و مکنون، ۱۳۹۷). کافمن (۲۰۱۰ م)، حکمرانی را سنت‌ها و نهادهایی می‌داند که بر اساس آن، اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود. این مجموعه عبارت است از: ۱- فرایندی که بر اساس آن، حاکمان انتخاب می‌شوند، بر آن‌ها نظارت شده و تغییر می‌کنند؛ ۲- ظرفیت حکومت برای اینکه سیاست‌های درست را به‌گونه‌ای کارآمد تدوین و اجرا کند؛ ۳- احترام شهروندان و مردم به نهادهایی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آن‌ها را اداره می‌کنند.

در این میان باید توجه داشت فصل مشترک اغلب تعاریف حکمرانی، دو مؤلفه است: ۱- نقش عاملان یا حکمرانان؛ ۲- عمل آن‌ها (حکم) که از آن در ادبیات مدیریت دولتی، به خط‌مشی عمومی یا تصمیم‌گیری عمومی تعبیر می‌شود؛ چرا که دای بر آن است که خط‌مشی عبارت است از آنچه حکومت انتخاب می‌کند که انجام دهد یا انجام ندهد (دای^۴، ۲۰۱۳، ۳). هیل نیز خط‌مشی را اقدام توسط یک حکومت، فرمانروا یا ... دانسته است (هیل^۵، ۲۰۰۵، ۲۳). اندرسون در امتداد همین تفکر، خط‌مشی را شیوه اقدام یا عدم اقدام به

1 Kubernan
2 System of Rule
3 Bevir
4 Dye
5 Hill

نسبت پایدار و هدفمند که توسط یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در قبال مسئله یا چیزی که مایه نگرانی است، دنبال می‌شود، می‌داند (اندرسون^۱، ۲۰۱۱، ۵).

پژوهش حاضر از حیث موضوعی در موضوع حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی و به‌طور مشخص، مرحله نخست خط‌مشی‌گذاری عمومی که همان تشخیص مسئله^۲ (ر.ک. دای، ۲۰۱۳) است تعریف شده است. پژوهش درصدد شناخت خطاهای شناختی و رفتاری حکمرانان در مرحله نخستین خط‌مشی‌گذاری عمومی است.

خطای نوع سوم نقطه ورود مباحث شناختی به موضوعات حکمرانی

خطای نوع سوم در بیان ریفا^۳ به معنی «حل کردن مسئله اشتباهی» تعریف شده است (دان^۴، ۲۰۱۸، ۸۱). در این صورت فردی که در مقام حل مسئله برآمده است، نسبت به حل یا بهبود مشکل یا مسئله‌ای اقدام می‌کند که اساساً ارزش اقدام ندارد و این مسئله به‌طور مشخص منجر به هدر رفت منابع زمانی، سرمایه‌ای و اعتباری و اجتماعی جوامع در سطح خرد و کلان می‌شود؛ به عبارت دیگر خطای نوع سوم، حل کردن مسئله‌ای است که در اساس مسئله نیست!

برای اجتناب از خطای نوع سوم، توجه به فرایند ساختاردهی به مسئله می‌تواند مفید واقع شود. فرآیند ساختاردهی مسئله تعدادی از مسائل جدی در حوزه روش‌شناسی تحلیل و علم خط‌مشی را مطرح می‌کند. هر مرحله از ساختاردهی مسئله نیاز به انواع مختلفی از مهارت‌های روش‌شناختی و انواع مختلف استدلال^۵ دارد. برای کشف فرامسئله‌ها^۶، عموماً مهارت‌های مشاهده‌ای مناسب‌اند چرا که هدف کشف و جمع‌آوری تعاریف مشکل از ذی‌نفعان متعدد است. در عوض، مهارت‌های لازم برای تبدیل فرامسئله به مسئله حقیقی^۷ به‌طور عمده مفهومی و تحلیلی هستند؛ مهارت‌هایی که به‌طور عمده در تحلیل داده‌های

1 Anderson

2 Problem Identification

3 Howard Raiffa

4 Dunn

5 Reasoning

6 Metaproblems

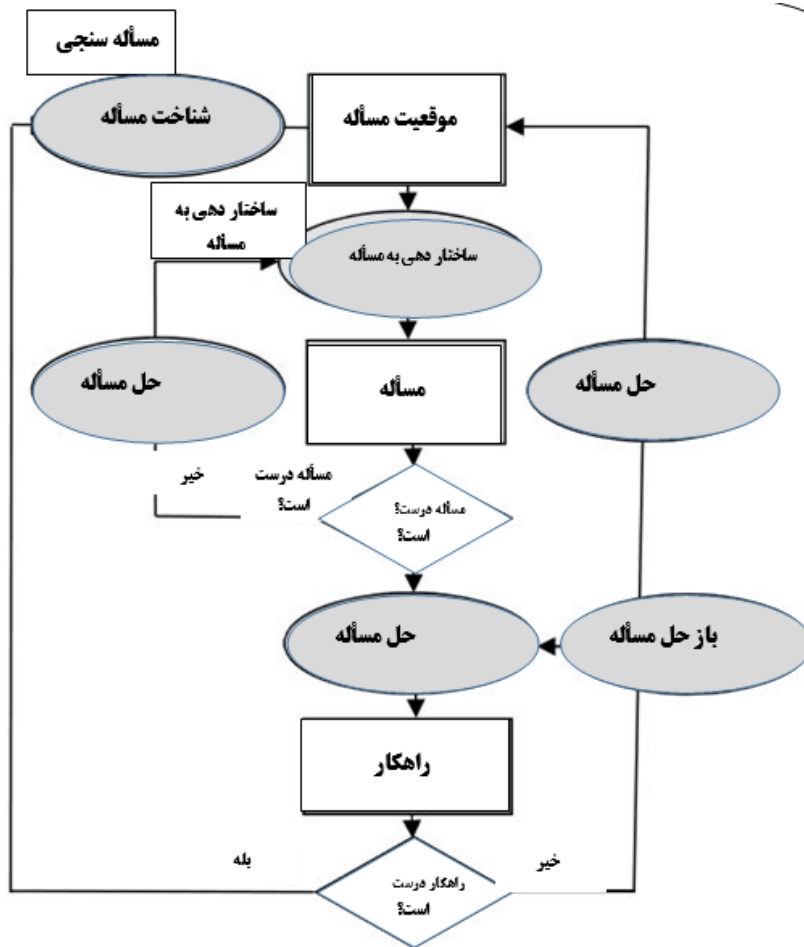
7 Substantive Problem

کیفی به کار می‌روند. پس از این در مرحله تبدیل مسئله حقیقی به مسئله رسمی^۱، از مهارت‌های ریاضی و آمار نظیر اقتصادسنجی و تحقیق در عملیات استفاده می‌شود (دان، ۲۰۱۸، ۸۱). باید توجه داشت که این پیکره‌های دانشی باید در نظام‌های تصمیم‌گیری مورد توجه و دقت و بازبینی موشکافانه‌ای قرار گیرد.

مبتنی بر مباحث فوق، مشخص می‌گردد که مفهوم تشخیص مسئله، موضوعی سهل و ممتنع است که در ظاهر، ساده ولی در واقع، پیچیده، چندبعدی و چندمرحله‌ای است؛ به عبارت دیگر فرایند رسیدن از فرامسئله به مسئله رسمی، شامل مراحل است که در هر یک از آن‌ها، احتمال بروز خطاهای شناختی و در نتیجه گرفتار شدن در دام خطای نوع سوم وجود دارد.

حل مسئله یا ساختاردهی به مسئله

خط‌مشی تجزیه و تحلیل، اغلب به‌عنوان یک روش حل مسئله شناخته می‌شود؛ اما روش‌های ساختاردهی به مسئله با روش‌های حل مسئله تفاوت دارند؛ زیرا سؤالات طراحی شده برای پاسخ دادن به آن‌ها متفاوت است. روش‌های حل مسئله برای زمانی مناسب هستند که مسئله مشخص است و کم و بیش راه‌های حل آن مسئله موجود است. خط‌مشی تجزیه و تحلیل دربردارنده این مفهوم است که روش‌های ساختاردهی به مسائل بهتر از روش حل مسائل می‌باشند. روش ساختاردهی به مسائل یک مکمل روش شناختی را برای تئوری‌های طراحی خط‌مشی یا طراحی علم ارائه می‌دهد. روش‌های ساختاردهی به مسئله، روش‌های مستمر و جاری هستند؛ یعنی آن‌ها روش‌های حل مسئله در مورد حال حاضر و قبل از آن هستند.



شکل ۱- فرایند ساختاردهی به مسئله (دان، ۲۰۱۸، ۷۱)

مراحل ساختاردهی به مسئله

ساختاردهی به مسئله از ۴ مرحله به هم پیوسته برخوردار است: جستجوی مسئله^۱، طرح مسئله^۲، تحدید مسئله^۳ و ادراک مسئله^۴. یک پیش‌نیاز ساختاردهی مسئله، بازشناخت یا

1 Problem Searching
 2 Problem Delineation
 3 Problem Specification
 4 Problem Sensing

«حضور هوشیار»^۱ موقعیت مسئله^۲ می‌باشد. در حرکت از موقعیت مسئله، تحلیل‌گران مشغول جستجوی مسئله می‌شود. در این گام، هدف کشف یک مسئله واحد نیست (برای مثال از طرف مشتری یا تحلیل‌گر)؛ در عوض یافتن نمایندگان (نشانه‌های) تعداد زیادی مسئله از ذی‌نفعان چندگانه می‌باشد. تحلیل‌گران در عمل به‌طور معمول با شبکه‌ای بزرگ، پیچیده از فرمول‌بندی‌های رقیب مسئله مواجه می‌شوند که پویا، به صورت اجتماعی ساخته شده و در کل فرآیند خط‌مشی‌گذاری توزیع شده، هستند. در واقع، تحلیل‌گران با یک فرامسئله - مسئله، مسائلی که بد ساختار یافته می‌باشد، مواجه‌اند؛ زیرا حیطه نمایندگان مسئله با ذی‌نفعان مختلف، توده‌ای غیر قابل مدیریت به نظر می‌رسد. ریسک مرکزی و اصلی، تعریف کردن مرزهای فرامسئله می‌باشد. در مرحله طرح مسئله، تعریف مرزهای فرامسئله ممکن می‌شود؛ به بیان دیگر، مسئله نوع دوم^۳ که ممکن است به‌عنوان طبقه همه مسائل نوع اول^۴ تعریف شود، خود عضو مسائل نوع اول است. به‌جز این دو سطح تمیز داده شده، تحلیل‌گران ریسک فرمول‌بندی مسئله اشتباه را با اشتباه کردن در تشخیص عضو و طبقه انجام می‌دهند. ما از قاعده «هر چیزی که شامل همه یک مجموعه باشد نباید یکی از آن مجموعه باشد» تخلف کردیم^۵ (دان، ۲۰۱۸، ۷۸).

در حرکت از فرامسئله به مسئله حقیقی (اساسی)^۶، تحلیل‌گر تلاش می‌کند مسئله را در مبنایی‌ترین و عام‌ترین عبارات تعریف کند؛ برای مثال، تحلیل‌گر ممکن است تصمیم گیرد که آیا مسئله از علم اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مهندسی و از این قبیل است. اگر مسئله حقیقی به‌عنوان یک مسئله اقتصادی مفهوم‌سازی شده باشد، تحلیل‌گر با آن برحسب عوامل مرتبط با تولید و توزیع کالاها و خدمات برخورد خواهد کرد. اگر مسئله به‌عنوان یک مسئله سیاسی یا جامعه‌شناختی دیده شده است، تحلیل‌گر با آن برحسب توزیع قدرت

1 Felt existence

2 Problem Situation

3 Second-order problem

4 First-order problems

5 We violate the rule that "whatever involves all of a collection must not be one of the collection"

6 Substantive problem

اهمیت جایگاه مسئله شناخت و جایگاه علوم‌شناختی و به تبع آن حکمرانی شناختی را می‌توان در بیانات رهبری و به‌خصوص در سخنرانی‌های اخیر ایشان یافت. ایشان تلاش پیچیده و چندجانبه برای ایجاد اختلال در محاسبات مسئولان و دستگاه‌های جمهوری اسلامی را مهم‌ترین هدف کنونی دشمنان می‌دانند. ایشان خطای در محاسبه را از بزرگ‌ترین خطرهای دانسته و برآند:

«همه باید مراقب این خطر بزرگ باشند؛ زیرا خطای در محاسبه باعث می‌شود که اراده و توانایی‌های انسان در جهت تصمیم اشتباهی که اتخاذ می‌شود، عملاً به هدر رود» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۶/۴/۱۳۹۳). بدین نکته در آیات قرآن کریم نیز اشاره شده است: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؛ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛ بگو آیا شما را از زیان‌کارترین مردم آگاه گردانم؛ کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند» (قرآن کریم، سوره کهف، ۱۰۳-۱۰۴).

رهبری یکی از مهم‌ترین مصادیق نفوذ را همین ایجاد خطا در محاسبات مسئولین دانسته و معتقدند: «مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهروری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است که به این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود. آن‌وقت، وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور همان تصمیمی را می‌گیرد که او می‌خواهد. وقتی محاسبه این حقیر عوض شد، تصمیمی را می‌گیرم که او می‌خواهد؛ من همان کاری را که او می‌خواهد مفت و مجانی انجام می‌دهم؛ گاهی بدون اینکه خودم بدانم -یعنی اغلب بدون اینکه خودم بدانم- این کار را انجام می‌دهم؛

[بنابراین] سعی می‌کنند محاسبات مسئولین را عوض کنند، پس آماج اول مسئولینند» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

خداوند در قرآن کریم، سستی و غم را از عوارض خطای محاسباتی مؤمنین معرفی می‌کند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ سست نشوید و اندوهگین مباشید، در حالی که شما اگر مؤمنید، برترید!» (قرآن کریم، سوره آل عمران، ۱۳۹). آیت‌الله خامنه‌ای ضمن اشاره بدین آیه در تبیین خطای محاسباتی برآند که «اگر ما [مؤمن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری نمی‌تواند بکند. خوب، حالا که کاری در میدان واقعی نمی‌تواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماس‌های گوناگون دنبال می‌کنند؛ می‌دانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدف‌های خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، می‌تواند؛ می‌خواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در رأس آن‌ها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۴/۱۶).

همچنین همان‌طور که گفته شد، خطاهای محاسباتی و خطای نوع سوم، می‌تواند ناشی از جهان‌بینی‌ها، ایدئولوژی‌ها و افسانه‌ها باشد؛ به عبارت دیگر نقش جهان‌بینی‌ها در نوع نگاه به پدیده غیر قابل انکار است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه برآند که: «مراقب باشیم که دستگاه محاسباتی ما به وسیله شیطان‌های انس و جن دچار اختلال نشود، مسائل را بد نفهمیم. شیطان که فقط شیطان جنی نیست؛ ابلیس که فقط نیست؛ «جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا» (قرآن کریم، سوره انعام، ۱۱۲)؛ شیاطین انس و جن به هم کمک هم می‌کنند. من همین‌جا تأکید کنم: یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنت‌های الهی را، سنت‌هایی که خدا از آن‌ها

خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمی‌شود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است. خداوند فرموده است: «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ» (قرآن کریم، سوره محمد، ۷)؛ دیگر از این واضح‌تر؟ اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد؛ این سنت الهی است، این غیر قابل تغییر است: «وَلَنْ تَجِدَ لِسِنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (قرآن کریم، سوره احزاب، ۶۲)؛ اگر در راه احیای دین الهی حرکت کردید و این جهت را رعایت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶).

پیشینه تحقیق تجربی

سلیمی و مکنون (۱۳۹۷ م) در پژوهش خود، تمام مقالات و محتوای منتشر شده در حوزه حکمرانی در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. مبتنی بر یافته‌های پژوهش سلیمی و مکنون، اغلب پژوهش‌ها در موضوعاتی به شرح جدول ذیل محدود شده و اثری از پژوهش‌های حوزه علوم‌شناختی و نقش آن در خط‌مشی‌گذاری و حکمرانی دیده نمی‌شود:

جدول ۱: تحقیقات فارسی صورت گرفته در حوزه حکمرانی برحسب موضوع

ردیف	موضوعات پژوهشی در حوزه حکمرانی	تعداد	موضوعات پژوهشی در حوزه حکمرانی	ردیف
۱	حکمرانی، توسعه و رشد اقتصادی	۵	حکمرانی و توسعه انسانی / حقوق بشر	
۲	حکمرانی و فساد	۶	حکمرانی و سرمایه اجتماعی	
۳	حکمرانی و نهادهای سیاسی	۷	حکمرانی و مدیریت دولتی	
۴	حکمرانی و محیط زیست	۸	حکمرانی و رسانه - حکمرانی و سرمایه‌گذاری	

در جدول زیر فهرست منتخبی از مقالات و کتب مطالعه شده در خصوص تحقیقات و پژوهش‌های خارجی ارائه شده که می‌توان با نگاهی اجمالی به آن‌ها علاوه بر دست یافتن به جایگاه پژوهش‌های بین رشته‌ای در حوزه علوم‌شناختی و خط‌مشی‌گذاری در کشورهای دیگر، شکاف‌های تحقیقاتی موجود را یافته و در مراحل بعدی نسبت به توسعه پژوهش‌ها و بومی‌سازی آن‌ها اقدام نمود:

جدول ۲: تحقیقات لاتین صورت گرفته در حوزه حکمرانی برحسب موضوع

یافته‌ها	زیرموضوع نویسندگان-سال نشر	موضوع پژوهش	ردیف
<p>انحرافات جدی و سیستماتیک تصمیم‌گیرندگان از عقلانیت- قرار داشتن تصمیم‌گیرندگان در معرض سوگیری‌های شناختی جدی- تأثیرگذاری نظام‌مند سوگیری‌ها و خطاهای شناختی بر برآوردها، قضاوت‌ها و انتخاب‌های تصمیم‌گیرندگان - تصمیم‌جانب‌داری‌های شناختی بر وظایف مدیریتی در حوزه سیاست‌گذاری - محدود بودن پژوهش‌ها در مورد تأثیرگذاری خطاهای سیستماتیک بر تصمیمات مقامات و مدیران دولتی- درک نحوه اثرگذاری سوگیری‌های شناختی بر تصمیمات سازمان‌های- انواع سوگیری‌های شناختی</p>	<p>سوگیری‌های شناختی از منظر نظریه چشم‌انداز Bellé and Cantarelli, ۲۰۱۸</p>	<p>شواهدی در مورد سوگیری‌های شناختی در سیاست‌گذاری عمومی و تصمیمات مدیریتی</p>	۱
<p>ارائه مدل ساختاردهی به مسئله - ارائه فرایند ساختاردهی به مسئله- فازها و مراحل ساختاردهی به مسئله- خطای نوع سوم در تبیین مسائل خط‌مشی‌گذاری</p>	<p>بررسی خطاهای کلیدی در تعریف مسئله Dunn ۲۰۱۸</p>	<p>تحلیلی خط‌مشی‌گذاری عمومی- رویکردی یکپارچه</p>	۲

یافته‌ها	زیرموضوع نویسندگان-سال نشر	موضوع پژوهش	شماره
<p>انجام ماموریت‌ها و فعالیت‌های سیاست‌گذاری نسل بعدی توسط گروه‌هایی از تمهیدات/ابزارها با قابلیت‌های متنوع شناختی- ضرورت پیاده‌سازی تمهیدات/ ابزارهای شناختی در محیط‌های توأم با عدم قطعیت، ناامن (هم فیزیکی و هم سایبری) و بی‌ثبات- معرفی یک راهبرد تحقیقاتی در مورد توسعه رویکرد شناختی و منعطف سیاست‌محور برای مدیریت گروه‌های مستقل ابزارها- پیشنهاد یک پارادایم سیاست‌گذاری داده‌محور بوده برای بهبود مشکل تأمین داده‌های مورد نیاز برای تصمیمات سیاست‌گذاری در محیط‌های پویا، توأم با عدم قطعیت.</p>	<p>توسعه رویکردهای شناختی و منعطف سیاست‌محور Bertino et al ۲۰۱۷</p>	<p>چارچوب سیاست‌گذاری شناختی برای سیستم‌های توزیع‌شده نسل بعدی</p>	<p>۳</p>
<p>ارائه دو استراتژی زیربنایی: شناسایی پیشرفت‌ها در روان‌شناسی تصمیم‌گیری و تبیین چگونگی تأثیرگذاری نظریه‌های سیاست‌گذاری بر روان‌شناسی سیاست‌گذاری در شرایط پیچیده- ضرورت یادگیری از علوم روان‌شناسی و شناختی برای بهبود مدل انتخاب/تصمیم‌گیری- مبتنی بودن مدل‌های انتخاب، بر مبنای رد عقلانیت کامل- عقلانیت محدود و توانایی محدود تصمیم‌گیرندگان برای پردازش اطلاعات و ایجاد ترجیحات سیاستی- تفاوت میان سیستم شهودی و استدلالی تصمیم‌گیری و نیز میان تفکر سریع و کند در نتایج تصمیم‌گیری</p>	<p>بررسی ماهیت چندبعدی محیط‌های پیچیده تصمیم‌گیری Cairney, and Weible, ۲۰۱۷</p>	<p>علوم سیاست‌گذاری جدید: ترکیب علم شناختی با نظریه‌های متعدد زمینه‌ای</p>	<p>۴</p>

ردیف	موضوع پژوهش	زیرموضوع نویسندگان-سال نشر	یافته‌ها
۵	رویکردهای اقتصاد رفتاری در سیاست‌گذاری عمومی	رویکرد مقایسه‌ای به نگرش‌های حوزه تصمیم‌گیری Adrian Solek ۲۰۱۴	ناتوانی مدل‌های کلاسیک در تبیین فرایند تصمیم‌گیری - ضرورت در نظر گرفتن عوامل روانی برای تبیین نظام تصمیم‌گیری ذهنی سیاست‌گذاران- تأثیرپذیری عمیق حوزه سیاست‌گذاری از یافته‌های علوم‌شناختی و اقتصاد رفتاری - ضرورت نگاشت تمایلات رفتاری و ویژگی‌های شناختی سیاست‌گذاران به عملکرد تصمیم‌گیری آن‌ها (ایجاد مکانیزم‌های نگاشت)- استفاده از مکانیزم‌های نگاشت در شرایط زندگی واقعی برای رسیدن به اهداف مطلوب با پایین‌ترین هزینه ممکن
۶	شبیه‌سازی اجتماعی برای خط‌مشی‌گذاری	مطالعات مدل‌سازی شناختی و شبیه‌سازی اجتماعی Sun ۲۰۱۸	ضرورت تولید مدل‌های فرایندهای ذهنی محاسباتی یا ریاضیاتی دقیق (مثل استنتاج یا تصمیم‌گیری انسانی) مبتنی بر مدل‌سازی شناختی- ایجاد مدل‌های دقیق فرایندهای اجتماعی (مثل مقایسه گروهی یا تصمیم‌گیری جمعی) با رویکرد شبیه‌سازی اجتماعی- ترکیب مدل‌های اجتماعی و شناختی و شبیه‌سازی اجتماعی شناختی برای حل مسائل و مقولات مرتبط با فرایندهای شخصی و اجتماعی در حوزه تصمیم‌گیری- ایجاد کاربردهای عملیاتی در ارتباط با خط‌مشی‌گذاری در حوزه‌هایی که نیاز به فهم سطوح شخصی و جمعی از پدیده‌های پیچیده وجود دارد- قرار دادن فرایندهای ذهنی فردی و فرایندهای اجتماعی بین فردی توسط ترکیب مدل‌سازی شناختی و شبیه‌سازی اجتماعی- درک دقیق‌تر از سناریوها و نتایج به‌وسیله شبیه‌سازی تفصیلی و هدایت به سمت خط‌مشی‌های بهینه- ضرورت قرار گرفتن شبیه‌سازی اجتماعی شناختی به‌عنوان بخشی از برنامه آموزشی در مطالعه خط‌مشی‌ها

یافته‌ها	زیرموضوع نویسندگان-سال نشر	موضوع پژوهش	شماره
<p>مبتنی بودن مدل‌های تغییر سیاسی و اقتصادی در سطح کلان بر اساس تغییرات به‌شدت غیر واقعی در مورد شناخت بشر، توسعه یک سنت جدید بر اساس ایده‌های واقعی‌تر در مورد بشر- ضرورت ایجاد تغییرات درونی گسسته در بخش سیاست‌گذاری عمومی- ضرورت مشارکت تحقیقات و همکاری‌ها در جهت توسعه این مدل‌ها - ضرورت تلفیق شناخت جدید از بشر و تصمیم‌گیری به روش‌های متفاوت - ضرورت تلفیق مدل‌های واقعی از توجه و شناخت فردی با مدل‌های انتخاب جمعی</p>	<p>ضرورت تغییرات کلان در حوزه سیاست‌گذاری بر اساس توسعه مدل‌های واقعی برگرفته از شناخت بشر Baumgartner-Richardson ۲۰۱۷</p>	<p>تغییر گسسته درونی</p>	<p>۷</p>
<p>نزدیک بودن دانش بشر برای ساخت مدل رفتاری جهت یکپارچه‌سازی علوم‌شناختی - پیشنهاد جایگزینی مدل عقلانی انتخاب انسانی با یک مدل رفتاری انتخاب استوارتر که بر پایه پیشرفت‌های علوم‌شناختی - پیشنهاد توسعه‌های پژوهش‌های فرایند خط‌مشی عمومی و پیوند با مدل‌های رفتاری تصمیم‌گیری - پیشنهاد نظریه سازمان رفتاری به‌جای نظریه‌های سازمان و مدیریت سنتی - توانایی عقلانیت رفتاری برای ایجاد تغییرات عمده و تدریجی خط‌مشی با یکپارچه‌سازی تغییرات به وجود آمده در «توجه» در سطح سیستم</p>	<p>برقراری ارتباط پردازش شناختی فردی با سیستم‌های سازمان‌دهی جمعی مسائل اجتماعی Jones, B. D. ۲۰۱۷</p>	<p>عقلانیت رفتاری به عنوان مبنای مطالعات خط‌مشی عمومی</p>	<p>۸</p>

ردیف	موضوع پژوهش	زیرموضوع نویسندگان-سال نشر	یافته‌ها
۹	یک دیدگاه شناختی از پیاده‌سازی خط‌مشی: عقاید اصلاحی، معناسازی و شبکه‌های اجتماعی	مبانی شناختی پیاده‌سازی خط‌مشی Siciliano, et al. ۲۰۱۷	چگونگی شکل‌گیری و تقابل عقاید در گروه‌های اجتماعی فیزیکی با شبکه‌های اجتماعی - تقابل یافته‌های پژوهش، مبنی بر عدم شباهت‌سازی در بین گزینه‌های مورد مطالعه (معلمان مدرسه) با نتایج شباهت‌سازی عقاید در شبکه‌های اجتماعی - ارائه یک دیدگاه نوین در مورد پویایی‌های پیچیده‌ای که به هنگام معرفی و اعمال سیاست‌های جدید در سازمان‌ها و در تعاملات میان کارکنان ایجاد می‌شود.
۱۰	خط‌مشی عمومی و خرد جمعی	تأثیر گذاری خرد جمعی بر سیاست‌گذاری و خط‌مشی عمومی Derek, A. E. ۲۰۱۷	نقش کلیدی هوش جمعی (به معنای قضاوت‌های بسیار دقیق گروهی از افراد) در معادله‌های اقتصادی و سیاسی - چگونگی تأثیر خرد جمعی بر سیاست. بررسی دو نوع فرایند تصمیم‌گیری: گروهی و سازمانی - تحلیل توزیعی بازارهای مالی و نرخ‌های ارز خارجی نشان می‌دهد که وقتی سیاست‌ها توسط گروه‌ها تعیین می‌شوند، آن‌ها کمتر مستعد به‌تلا به ناپایداری‌اند-شواهدی مبنی بر سرعت و دقت بیشتر در تصمیم‌گیری‌های گروهی
۱۱	قدرت شناخت اجتماعی	آزمایش تجربی رفتارهای شناختی اجتماعی Morgan ۲۰۱۴	توسعه یک مدل مبتنی بر عامل (شامل مدل واضحی از شناخت اجتماعی) - نتایج این مدل نشان داد که اضافه کردن شناخت اجتماعی میزان واقعی بودن مدل را افزایش داده و هزینه‌های محاسباتی تصمیم‌گیری را کم می‌کند.

یافته‌ها	زیرموضوع نویسندگان-سال نشر	موضوع پژوهش	شماره
چگونگی مدیریت تعارضات و تنش‌های اجتماعی معینی توسط چارچوب‌های شناختی - ضرورت ایجاد یک چارچوب شناختی و هنجاری برای شکل‌گیری گروه‌ها به‌عنوان بازیگران اجتماعی در یک حوزه مشخص با هدف مدیریت ارتباط میان ارزش‌ها، نمایه‌ها، هنجارهای جهانی و غیره در سطح زیرسیستم‌ها- تولید و توزیع چارچوب‌های شناختی و هنجاری و تعریف نقش بازیگران معین در سیاست‌گذاری عمومی - مفهوم‌سازی فرهنگی ایدئولوژی به‌عنوان یکی از کارکردهای اصلی ایجاد چارچوب شناختی و هنجاری برای تعداد معینی از بازیگران با هدف اثربخشی در توسعه آگاهی‌های جمعی	مروری انتقادی به مدل‌های مختلف سیاست‌گذاری عمومی Surel ۲۰۱۳	نقش چارچوب‌های شناختی و هنجاری در سیاست‌گذاری	۱۲
تأثیرگذاری عقاید و ایده‌های شخصی بر اولویت‌های تصمیم‌گیری - ناکام بودن تئوری‌های استاندارد در برابر تغییرات جزئی	نقد نظریه‌های مبتنی بر نقش عوامل خارجی در تعیین اولویت‌ها Fehr,Hoff, ۲۰۱۱	سلايق، طبقات مردم، و فرهنگ: تأثیر جامعه بر اولویت‌ها	۱۳

تحلیل پژوهش‌های پیشین

برای درک بهتر شکاف تحقیقات، عناوین و محتوای پژوهش‌های صورت گرفته، در جدول فوق ارائه شده است. از بررسی جداول فوق می‌توان نتیجه گرفت که از میان تمام پژوهش‌های انجام‌شده، تنها یکی از آن‌ها به جایگاه کلیدی خطاهای مربوط به تشخیص صحیح مسئله اشاره داشته و تمامی پژوهش‌های دیگر ابعاد دیگری از هم‌پوشانی حوزه‌های علوم‌شناختی و خط‌مشی‌گذاری را مد نظر داشته‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که این حوزه پژوهشی بسیار جوان و نوپا بوده و هم‌زمان فرصت‌ها و تهدیدهای خود را برای توسعه پژوهش‌های داخل کشور به همراه دارد. تهدیدها از جهت کمبود منابع و تجربیات علمی مناسب در داخل کشور معنا پیدا می‌کنند و فرصت‌ها هم نشان از امکان همپا شدن توسعه

پژوهش‌های داخلی نسبت به پژوهش‌های و پژوهشگران سایر کشورها داشته و شاید بتوان با تداوم این پژوهش‌ها و عمق بخشیدن به آن‌ها در سال‌های آینده ایران را به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در این عرصه تحقیقاتی معرفی نمود.

سؤالات پژوهش

سؤالات اصلی این پژوهش، عبارت‌اند از:

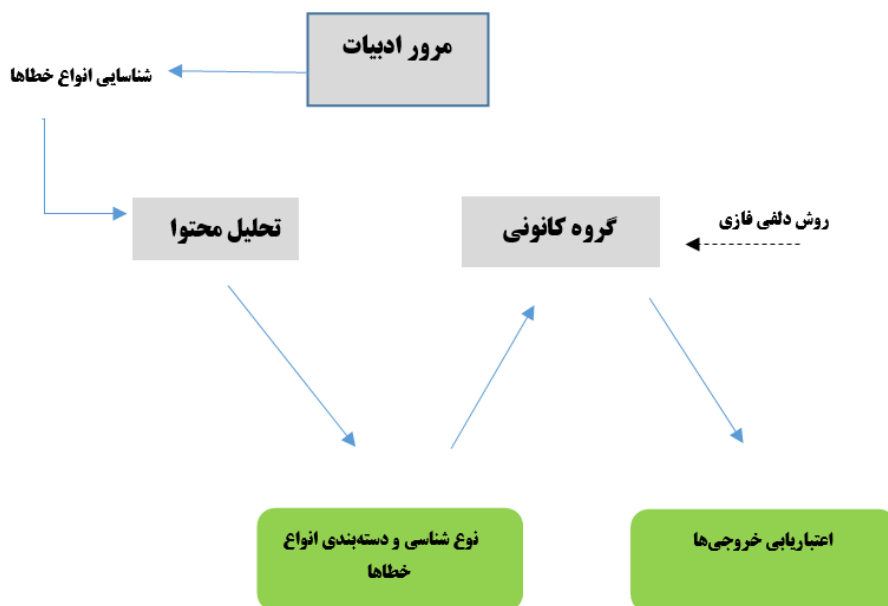
چه نوع خطاهایی در تصمیم‌گیری‌های حکمرانی و کلان کشور قابل رخ دادن است؟

دلایل رخ دادن این خطاها چیست؟

چگونه می‌توان از بروز چنین خطاهایی پیشگیری کرد و راه بهبود این مسئله چیست؟

مراحل پژوهش

این پژوهش تلاش می‌کند تا در یک مطالعه مروری و کتابخانه‌ای، ابتدا انواع خطاهای ممکن در تصمیم‌گیری‌های حکمرانی در مرحله تشخیص مسئله را شناسایی و اهمیت هر یک از آن‌ها را روشن و سپس دلایل بروز آن‌ها را مشخص کند. در گام بعدی با استفاده از روش تحلیل محتوا و گروه کانونی، به دسته‌بندی خطاهای شناختی و ارائه نوع‌شناسی از خطاهای شناختی اقدام نماید.



شکل ۳- ساختار و مراحل تحقیق

روش تحقیق

روش استفاده شده در این پژوهش از منظر گردآوری داده‌ها، روش مطالعه مروری (کتابخانه‌ای) است. همچنین برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش تحلیل محتوای کیفی (تحلیل محتوای متن) استفاده شده است. برای اعتباریابی خروجی تحلیل‌های انجام شده از روش دلفی استفاده شده است. در روش تحلیل محتوای کیفی، محقق از روش‌هایی برای گردآوری داده‌ها و روش‌هایی برای تحلیل آن‌ها استفاده کرده است. روش تحلیل محتوا، یک روش مستقل پژوهشی است که می‌توان از آن برای رسیدن به الگوها و چارچوب‌های مفهومی، توصیف و تلخیص داده‌ها، استنباط از آن‌ها و ایجاد نظریه استفاده کرد (مؤمنی‌راد، ۱۳۹۳). امروزه از تحلیل محتوای کیفی در روش‌های پژوهش اسنادی نام برده می‌شود که به گونه‌ای همان تحلیل محتوای مضمونی یا تماتیک است. تحلیل محتوا از روش‌های عمده مشاهده اسنادی است که به وسیله آن می‌توان متون، اسناد مدارک و در واقع هر نوع سند ثبت و مطالب ضبط شده‌ای را خواه مربوط به گذشته و خواه مربوط به زمان حال مورد ارزیابی و تحلیلی منظم‌تر، دقیق‌تر و از همه مهم‌تر با درجات بالاتری از پایایی قرار داد. تحلیل محتوا، روشی است که در آن، پژوهشگران به آزمون دستاوردهای ارتباطات اجتماعی انسان‌ها که به نوعی از جنس اسناد و مدارک (نانوشته و نوشته) است می‌پردازد (قاعدی، گلشنی، ۱۳۹۵).

تحلیل محتوا، هم روشی برای تحلیل داده‌ها و هم روش مشاهده اسناد است؛ اما به جای مشاهده مستقیم رفتار مردم یا پرسش‌هایی در مورد آن، به ارتباطی که آنان به وجود آورده‌اند و یا پیام‌هایی که رد و بدل کرده‌اند توجه و آن را مورد ارزیابی و پرسش قرار می‌دهند (صدیق سروستانی ۱۳۷۵:۹۱).

پژوهشگران به تحلیل محتوا به منزله روشی انعطاف‌پذیر برای تحلیل داده‌ها توجهی ویژه دارند (Cavanagh:1997:5-16) این روش علمی برای توصیف عینی محتوای پیام از بعد باطنی و ظاهری کاربرد دارد (دفتر پژوهش تألیف و فناوری آموزشی، ۱۳۸۵).

در تحلیل محتوا، پژوهشگر پیام‌های تولیدشده را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و به دنبال یافتن پاسخی برای پرسش‌های تحقیق خود است. روش تحلیل محتوا برای دانشمندان علوم اجتماعی و انسانی فرصت‌های گوناگونی را جهت استفاده منظم از فراگیرترین شکل مدارک مربوط به امور انسانی - یعنی محتوای ارتباطات - فراهم می‌آورد. دامنه وسیع این فرصت‌ها هنگامی که تنوع مواردی را که روش تحلیل محتوا در آن مفید واقع شده است مرور می‌کنیم؛ آشکارتر خواهد شد.

مراحل تحلیل محتوا

به‌طور کلی مراحل که در تحلیل محتوای متنی (کیفی) برای رسیدن به پاسخ سؤالات پژوهش، در شکل بعد نمایش داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود سه مرحله اصلی در فرایند تحلیل محتوا وجود دارد: آمادگی، سازمان‌دهی و در نهایت گزارش نتایج به‌دست‌آمده. هر کدام از مراحل سه‌گانه نیز خود شامل مراحل دیگری هستند که عبارت‌اند از:

آمادگی:

مشخص کردن مسئله پژوهش؛

تدوین سؤالات و اهداف؛

تعریف متغیرها.

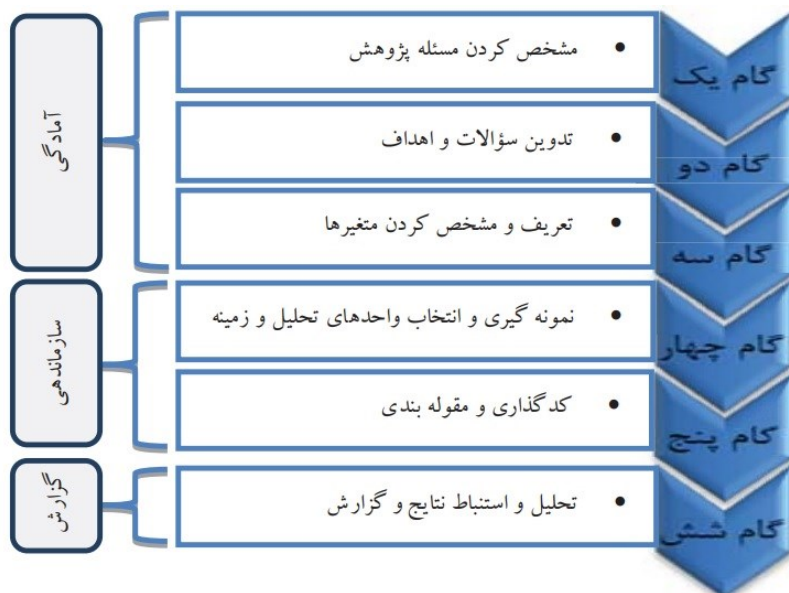
سازمان‌دهی:

نمونه‌گیری و انتخاب واحدهای تحلیل؛

مقوله‌بندی.

گزارش:

تحلیل و استنباط نتایج و گزارش.



شکل ۴- مراحل تحلیل محتوای کیفی

روش دلفی

برای اعتباریابی خروجی روش تحلیل محتوای کیفی، از روش دلفی استفاده شده است. در این روش، پرسشنامه‌ای تهیه و برای اعتباریابی به خبرگان داده می‌شود. نتایج بر اساس یک روش کمی اندازه‌گیری شده و بر اساس آن‌ها قسمت‌های مختلف خروجی اعتباریابی می‌شوند.

یافته‌ها و نتایج تحقیق

کارکرد مغز انسان گیج‌کننده است. سؤالی که در ابتدای این پژوهش مطرح شده بود این است که انسان چگونه می‌تواند در انجام برخی امور به‌طور کامل هوشمندانه عمل کند و در برخی امور به‌طور کامل نابخردانه؟ مردم چگونه می‌توانند هم‌زمان باهوش و نابخرد باشند؟ پاسخ این است که بسیاری از روانشناسان و دانشمندان علوم اعصاب‌شناختی در توصیف عملکرد مغز برای توضیح این تناقض‌ها بر این باورند که این مسئله به‌واسطه وجود دو نوع سیستم فکری در انسان رخ می‌دهد: یکی خودکار و احساسی^۱ (واکنش‌های دلی یا سیستم

۱) و دیگری بازتابی و عقلانی^۱ (واکنش‌های هشیارانه یا سیستم ۲) و دلیل اغلب اشتباهات و واکنش‌های نابخردانه ما این است که به سیستم ۱ بیش از اندازه تکیه می‌کنیم. مثال‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد انسان‌ها در عین هوشمندی دچار خطاهای فاحش می‌شوند. نمونه‌ای از این مثال‌ها را می‌توان در خطاهای دیداری یا سؤالاتی یافت که در یک نظر پاسخ ساده و مشخصی دارند؛ اما ما انسان‌ها را دچار اشتباه و خطای محاسباتی یا شناختی می‌کنند. این خطاها بیانگر بینش کلیدی هستند که اقتصاددانان رفتاری از روانشناسان گرفتند و باعث ظهور پارادایم‌های جدید در حوزه علوم رفتاری و دانش تصمیم‌گیری^۲ شد. نکته بسیار کلیدی در مورد تعداد قابل توجهی از این خطاها این است که این خطاها به معنای وجود اشکالی بزرگ در ما آدم‌ها نیست بلکه به این معناست که فهم ما از رفتار انسان‌ها می‌تواند با دقت کردن بر اشتباهات معمول آن‌ها بهبود یابد (تیلر، سانستین، ۲۰۱۷). ما برای دستیابی به این فهم، نیازمند مرور برخی جنبه‌های فکری انسان هستیم. تلاش برای دستیابی به پاره‌ای از این موارد توسط شپارد (۱۹۹۰ م) باعث شد که او بتواند تعداد زیادی از مواردی را که ذهن انسان را گمراه می‌کند شناسایی کند با این هدف که دانستن و شناسایی برخی چیزها درباره نظام شناختی ذهن انسان سبب می‌شود تا دیگران بتوانند سوگیری‌های نظام‌مند در روش‌های فکری انسان‌ها را کشف کنند.

جدول ۳: مقایسه دو سیستم فکری

سیستم ۱	سیستم ۲
کنترل نشده	تحت کنترل
بدون تلاش	تلاش‌کننده
قیاسی	مشارکت‌کننده
سریع	آهسته
ناخودآگاه	خودآگاه
آموزشی	بر اساس قوانین

نوع‌شناسی خطاهای شناختی:

در این قسمت مروری دوباره خواهیم داشت به مفهوم شناخت و به دنبال آن انواع خطاهای شناختی را با تأکید به خطاهای درگیر در تشخیص صحیح و دقیق مسئله معرفی می‌کنیم. اگر شناخت را به فرایندهای ذهنی، ادراک، حافظه و خبرپردازی اطلاق کنیم که شخص به کمک آن‌ها دانش می‌اندوزد، مسئله حل می‌کند یا برای آینده نقشه می‌ریزد (پیرانی و همکاران، ۱۳۸۸)، آنگاه می‌توان گفت که شناخت درست و مطابق با واقعیت، عامل مهمی برای یافتن حقیقت و آگاه شدن از زوایای متعدد یک پدیده و تصمیم‌گیری دقیق در مورد آن بوده و ناآگاهی و آگاهی نادرست، انسان را در تحلیل آنچه پیرامونش اتفاق می‌افتد دچار لغزش و اشتباه می‌کند.

اما نکته بسیار مهم این است که برای پیشگیری از این لغزش‌ها باید علاوه بر پذیرش امکان قطعی وقوع این خطاها در ذهن (حتی به‌عنوان یک سیاست‌گذار باتجربه) به سرمنشأ وقوع این خطاها دست یافت.

سرمنشأ این لغزش‌ها افکاری هستند که به صورت خودکار پدید می‌آیند و حالت منفی دارند و به افکار خود آیند معروفند. این افکار با یکدیگر شباهت‌هایی دارند و در اصطلاح، به آن‌ها خطاهای شناختی می‌گویند. شاید بتوان خطاهای شناختی را قواعد محاسبات سرانگشتی مغز انسان دانست که اگرچه مزایای زیادی دارد؛ اما دردسرهای خود را هم به همراه خواهد داشت. در بسیاری از حالت‌های خطاهای شناختی، فرد تلاش می‌کند ذهن دیگران را بخواند و یا احساسات و عقاید آن‌ها را حدس بزند و یا با اولین اطلاعات به‌دست‌آمده اولین فکری را که به ذهن می‌آید به‌عنوان راه حل قطعی و بهینه قلمداد می‌کند و به حدس یا تشخیص خود اعتقاد کامل دارد و این در حالی است که توانایی حدس یا تشخیص قطعی را ندارد (فتی، ۱۳۸۵؛ به نقل از حسین‌زاده، ۱۳۸۷) و در نهایت با گرفتار شدن در انواع تله‌های شناختی (که در جدول زیر ارائه شده است)، دچار بدترین و خطرناک‌ترین خطای ذهنی (خطای نوع سوم) شده و اصل مسئله را به‌درستی تشخیص نداده و یا اولویت آن را در میان مسائل دیگر درک نمی‌کند:

تقسیم‌بندی خطاهای شناختی

خطاهای شناختی، زیرمجموعه‌های زیادی دارند که این زیرمجموعه‌ها و تقسیم‌بندی‌ها، گاهی مرزهای مشخص هم ندارند و دارای هم‌پوشانی هستند. از میان انواع تقسیم‌بندی‌ها و اصطلاحات حوزه خطاهای شناختی شاید دو اصطلاح سوگیری‌های شناختی^۱ و تحریف‌های شناختی^۲ رایج‌تر از بقیه باشند. با وجود اینکه اختلاف نظرهای جدی در تعریف و تفکیک مفهوم سوگیری‌های شناختی و مفهوم تحریف‌های شناختی وجود دارد؛ اما شاید تقسیم‌بندی زیر تا حدی راهگشا به سوگیری‌های شناختی، عموماً میان همه ما انسان‌ها مشترک هستند و به‌طور معمول در ارزیابی روی می‌دهند. تحریف‌های شناختی فردی‌تر هستند؛ به عبارتی شدت و ضعف آن‌ها در انسان‌ها بسیار متفاوت است. به‌طور معمول هم در ثبات و یادآوری رویدادها به وجود می‌آیند؛ با این حال، چون تقسیم‌بندی فوق بسیار ذهنی است، ترجیح می‌دهیم از اصطلاح خطاهای شناختی استفاده کنیم که عمومی‌تر است و همه‌ی موارد را پوشش می‌دهد.

فهرست برخی از انواع خطاهای شناختی از نوع سوگیری

اعتماد به نفس بیش از حد^۳؛

خطای تأیید خود^۴؛

تمرکز بر آخرین اطلاعات^۵؛

اثر لنگر انداختن^۶؛

خطای تمرکز بر اطلاعات در دسترس^۷؛

اجتناب از تعارض شناختی^۸؛

تفکر کلیشه‌ای یا استریوتایپ^۹.

1 Cognitive Biases

2 Cognitive Distortions

3 Overconfidence Bias

4 Confirmation Bias

5 Recency Bias

6 Anchoring

7 Availability Bias

8 Cognitive Dissonance

9 Stereotype

فهرست برخی از انواع تحریف‌های شناختی
 تفکر همه یا هیچ^۱؛
 تعمیم دادن^۲؛
 بایدها^۳؛
 برچسب‌گذاری بر روی خود و دیگران^۴؛
 بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی^۵؛
 حذف رویدادها و اطلاعات مثبت^۶؛
 پریدن به نتیجه بدون طی شدن مسیر^۷؛
 شخصی کردن و به خود گرفتن^۸؛
 ذهن خوانی^۹؛
 خطای هاله‌ای^{۱۰}.

جدول ۴: نوع‌شناسی خطاهای شناختی

ارتباط با فرایند تشخیص مسئله (مثال‌ها)	منبع	نوع خطای شناختی	
یک جانب‌داری شناختی، تمایل افراد به واکنش سیستماتیک یا متفاوت نسبت به یک قطعه اطلاعاتی - وابسته به نحوه ارائه اطلاعات	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷، بلا و کانترالی ^{۱۱} ، ۲۰۱۸	خطای چارچوب‌بندی ^{۱۱}	۱

-
- 1 All or nothing
 - 2 Over-generalization
 - 3 Should Statements
 - 4 Labeling
 - 5 Magnification / Minimization
 - 6 Disqualifying Positives
 - 7 Jumping to Conclusions
 - 8 Personalization
 - 9 Mindreading
 - 10 Halo Effect
 - 11 Framing
 - 12 Bellé and Cantarelli

نوع خطای شناختی	منبع	ارتباط با فرایند تشخیص مسئله (مثال‌ها)
۲ خطای لنگر انداختن ^۱	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷ بلا و کانترالی، ۲۰۱۸	تأثیر به‌سزای اولین گزینه ارائه‌شده، در انتخاب افراد؛ گیر کردن سوزن فکر و تصمیم‌گیری فرد، بر روی موردی خاص (شکل‌گیری تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌های آتی، طبق موارد اولیه)
۳ خطای نفوذ متناسب ^۲	بلا و کانترالی، ۲۰۱۸	یک سوگیری شناختی، تمایل افراد به نشان دادن وزن بیشتری به درصد به‌جای عدد مطلق افرادی بدهند که تحت تأثیر تصمیمات و اقدامات آن‌ها قرار گرفته‌اند
۴ سوگیری وضع موجود ^۳	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷ بلا و کانترالی، ۲۰۱۸	یک سوگیری شناختی. تمایل افراد به حفظ وضع موجود با افزایش تعداد گزینه‌های تصمیم (ترس از تغییر یا سوگیری دگرگون‌گریزی)،
۵ نفوذ نامتناسب ^۴	بلا و کانترالی، ۲۰۱۸	بیانگر نحوه تغییر در انتخاب‌های افراد زمانی که گزینه سوم و به‌طور کامل تله مانندی به مجموعه دو گزینه اولیه اضافه می‌شود (افزودن یک گزینه نامناسب به مجموعه انتخاب که سبب تغییر در ترجیحات تصمیم‌گیری می‌شود)
۶ خطای دسترس‌پذیری	تیلر، ۲۰۱۸	ارزیابی‌های سوگیرانه از مخاطرات- متناسب با میزان ترس از مخاطرات تا احتمال وقوع آن‌ها
۷ خطای معرف بودن ^۵ (تطبیق) یا خطای نمایندگی	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷	سوء برداشت‌های جدی از الگوها - برای مثال الگوی برخورد بمب‌ها که به‌طور کامل تصادفی بوده‌اند؛ اما تراکم آن‌ها در یک منطقه خاص، برداشت دیگری را ایجاد می‌کند.
۸ خطای خوش‌بینی ^۶ و اطمینان بیش از اندازه ^۷	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷	اطمینان غلط به قرار داشتن در موقعیت مناسب- اطمینان بیش از اندازه به خود
۹ خطای سود و زیان	تیلر، سانستین، ۲۰۱۷	غلبه احساس زیان‌گریزی ^۱ نسبت به احساس سودآوری (مسئله را با این رویکرد تعیین می‌کنم)

1 Anchoring

2 Proportion Dominance

3 Status Quo

4 Asymmetric Dominance

5 Representativeness heuristic

6 Optimism

7 Overconfidence

ارتباط با فرایند تشخیص مسئله (مثال‌ها)	منبع	نوع خطای شناختی	
تلاش فرد برای حدس زدن، افکار، احساسات و تمایلات دیگران (با نگاه منفی گرایانه)	بونفیل، ۲۰۱۵	خطای ذهن خوانی	۱۰
توجه محدود به واقعیت و ندیدن بخش‌هایی از واقعیت‌ها (مثال: من همیشه مسئله را کامل می‌بینم)	ادلمن، ۲۰۱۴	خطای فیلتر ذهنی	۱۱
تشخیص یک الگوی کلی و فراگیر منفی یا مثبت تنها بر اساس یک رویداد خاص (مثال: من همیشه مسائل را خوب تشخیص می‌دهم)	ماتیس، ۲۰۱۱	خطای تعمیم افراطی	۱۲
تفکر همه یا هیچ	بندیکتو، ۲۰۱۵	تفکر دوقطبی	۱۳
تأثیرگذاری احساسات بر نحوه تفسیر از واقعیت		خطای استدلال هیجانی	۱۴

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش در بستر فهم اهمیت جایگاه حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی و همچنین جایگاه حکمرانان و مدیران دولتی شکل گرفته است. جایگاه حکمرانی، جایگاهی است که باید مصون از خطا باشد، چرا که اشتباه حکمرانان نسبت به مردم عادی، چندبرابر پژوهش می‌یابد و در جوانب مختلف زندگی مردم نمایان می‌شود. بر مبنای همین نگاه، اشتباه سهوی و عمدی حکمرانان می‌تواند، هزینه‌های گزاف و جبران‌ناپذیری را به کشور وارد کند. یکی از راه‌های بروز خطا در عرصه حکمرانی، خطاهای شناختی و رفتاری است. این خطاهای شناختی در مرحله تشخیص مسئله عمومی، بیش از پیش اهمیت دارد. اولین اقدام برای اجتناب از خطاهای شناختی در این مرحله، شناخت آن‌ها است. پژوهش حاضر با هدف شناخت و دسته‌بندی خطاهای شناختی در عرصه حکمرانی شکل گرفت. بر این مبنای، در مرحله نخست پس از جمع‌آوری داده از طریق پژوهش کتابخانه‌ای، از طریق کاربست روش تحلیل محتوا، خطاهای شناختی که می‌توانست در مرحله تشخیص مسئله عمومی در عرصه حکمرانی رخ دهد شناسایی، دسته‌بندی و ارائه گردید.

در انتها، باید توجه داشت که نمی‌توان به صورت کامل خطاهای شناختی را از فرایند تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی حذف نماییم، بلکه باید درصد مهار این خطاها بود.

منابع:

۱. تیلر، ریچارد اچ؛ سانستین، کاس آر، (۱۳۹۷)، سقلمه، ترجمه حبیب‌الهی، مهدی، تهران: انتشارات شفاف.
۲. سردارنیا، خلیل‌الله، (۱۳۹۶)، «حکمرانی در ایران، آسیب‌شناسی و ارائه راهبردها»، راهبرد توسعه، شماره ۴۹، بهار ۹۶.
۳. سلیمی، جلیل؛ مکنون، رضا، (۱۳۹۷)، «فرا تحلیل کیفی پژوهش‌های علمی ناظر بر مسئله حکمرانی در ایران»، مدیریت دولتی، دوره ده شماره ۱، ۱-۳۰.
4. Anderson, J. E. (2011). *Public Policymaking: An introduction*. 7th ed. Boston, MA: Cengage.
5. Bellé, Nicola, Paola Cantarelli, and Paolo Belardinelli. 2018. "Prospect Theory Goes Public: Experimental Evidence on Cognitive Biases in Public Policy and Management Decisions." *Public Administration Review* 78(6):828–40.
6. Bertino, Elisa, Seraphin Calo, Maroun Toma, Dinesh Verma, Christopher Williams, and Brian Rivera. 2017. "A Cognitive Policy Framework for Next-Generation Distributed Federated Systems: Concepts and Research Directions." *Proceedings- International Conference on Distributed Computing Systems* 1876–86.
7. Cairney, Paul and Christopher M. Weible. 2017. "The New Policy Sciences: Combining the Cognitive Science of Choice, Multiple Theories of Context, and Basic and Applied Analysis." *Policy Sciences* 50(4):619–27.
8. Dunn, William. 2018, *Public Policy Analysis: An integrated Approach*. Taylor and francis.
9. Dye, T. R. (2013). *Understanding public policy*. Boston: Prentice Hall.
10. Epp, Derek A. 2017. "Public Policy and the Wisdom of Crowds." *Cognitive Systems Research* 43:53–61.
11. Hill, M. J. (2005). *The public policy process*. Harlow: Pearson Longman.
12. Jones, Bryan D. 2017. "Behavioral Rationality as a Foundation for Public Policy Studies." *Cognitive Systems Research* 43:63–75.

13. Kaufmann, D. K. (2010). *The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues*. World Bank.
14. Morgan, Geoffrey P., Kenneth Joseph, and Kathleen M. Carley. 2017. "The Power of Social Cognition." *Journal of Social Structure* 18.
15. Siciliano, Michael D., Nienke M. Moolenaar, Alan J. Daly, and Yi Hwa Liou. 2017. "A Cognitive Perspective on Policy Implementation: Reform Beliefs, Sensemaking, and Social Networks." *Public Administration Review* 77(6):889–901.
16. Solek, Adrian. 2014. "Behavioral Economics Approaches to Public Policy." *Journal of International Studies* 7(2):33–45.
17. Sun, Ron. 2018. "Cognitive Social Simulation for Policy Making." *Policy Insights from the Behavioral and Brain Sciences* 5(2):240–46.
18. Surel, Yves. 2000. "The Role of Cognitive and Normative Frames in Policy-Making." *Journal of European Public Policy* 7(4):495–512.

مروری بر مدل‌های بلوغ حکمرانی داده‌ها در بنگاه‌های اقتصادی

پوریا رحیمی

چکیده

سازمان‌ها معتقدند علاوه بر اینکه داده‌ها و پردازش آن‌ها می‌توانند برای آن‌ها ارزش آفرین باشند، یک دارایی راهبردی نیز محسوب می‌شوند. دلیل این سخن نیز نقش انکارناپذیر داده‌ها در تصمیم‌گیری و هدایت کسب‌وکار سازمان است. دارایی‌های سازمانی از جمله داده‌ها برای مدیریت بهینه به‌نوعی حکمرانی نیاز دارند، تا از این رهگذر این دارایی‌ها را با اهداف راهبردی سازمان هم‌راستا نمایند. به همین دلیل سازمان‌ها به سراغ برنامه‌های حکمرانی داده می‌روند. مدل‌های بلوغ حکمرانی داده، ابزاری برای ارزیابی سطح پختگی و آمادگی حکمرانی داده در سازمان هستند. از طریق مدل بلوغ حکمرانی داده‌ها، سازمان‌ها می‌توانند به‌طور دقیق مشخص کنند که آن‌ها کجا هستند و برای ایجاد محیطی که بتوانند از داده‌های با کیفیت بالا برای کسب‌وکار خلق ارزش کنند، در چه سطحی از آمادگی و بلوغ می‌باشند. یک مدل حکمرانی داده، یک ساختار فراگیر انتزاعی و عمومی است که می‌تواند برای هر نوع سازمانی که مدل کسب‌وکار آن به طریقی به داده‌ها وابسته است، اجرا شود. این مقاله به معرفی و بررسی یک‌سری از مدل‌های بلوغ حکمرانی داده‌ها در کسب‌وکارها و بیان ویژگی‌های هر کدام از آن‌ها پرداخته و آن‌ها را به دو دسته تقسیم‌بندی کرده؛ اما بر روی تفاوت این دو دسته متمرکز نشده است. نتایج نشان می‌دهند برای شناخت بهتر مدل‌های بلوغ حکمرانی داده سازمان، چارچوب‌ها و استراتژی داده سازمان را باید شناخت و با توجه به سطوح و مراحل بلوغ مدل‌ها، آن‌ها را در سازمان پیاده کرد و از جمله راه‌های مناسب، تحلیل و اندازه‌گیری کمی هر کدام از مراحل و پیش‌بینی آن‌ها برای عملکرد آینده می‌باشد.

کلیدواژه: حکمرانی داده، حاکمیت داده، مدل‌های بلوغ، الزامات ارزیابی.

مقدمه

به‌طور فزاینده‌ای مشخص شده که اطلاعات، یکی از اساسی‌ترین دارایی‌ها است (Gregory ۲۰۱۱). یک سازمان برای بهتر به کار بردن این سرمایه، باید به‌طور مؤثری اطلاعاتش را مدیریت و کنترل کند. به همین دلیل بسیاری از سازمان‌ها به کار بردن یک برنامه رسمی را لازم می‌دانند که شامل مدیریت اطلاعات و فعالیت‌های حکمرانی داده می‌باشد (Meyers ۲۰۱۴). فعالیت‌های مدیریت اطلاعات برای برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و تحویل اطلاعات به کاربران تجاری استفاده می‌شوند (DAMA ۲۰۱۰). سازمان، فعالیت‌های حکمرانی داده را برای تکمیل مدیریت اطلاعاتش استفاده می‌کند. این فعالیت‌ها شامل طراحی و قوانین اجرایی برای کنترل فعالیت‌های مدیریت اطلاعات (Ladley ۲۰۱۲) به همراه وظیفه حقوق تصمیم‌گیری و جوابگویی می‌باشد (Weill ۲۰۰۴، Khatri ۲۰۱۰). Brown & زمانی که سازمان، کنترل ناکافی بر اطلاعاتش دارد با مشکلات زیادی مواجه می‌شود. کنترل ضعیف روی امنیت اطلاعات می‌تواند اطلاعات حساس را افشا کند که ممکن است منجر به جریمه‌های جبران‌ناپذیر شود و تجارت از دست‌رفته به دلیل تبلیغات منفی شود (Gregory ۲۰۱۱). کنترل‌های ضعیف مدیریت کیفیت اطلاعات می‌تواند منجر به از دست رفتن زمان بررسی و تثبیت اطلاعات برای مطمئن‌سازی برازندگی آن جهت استفاده شود (Wang & Strong ۱۹۹۶). با بیان این مشکلات، مشخص است که یک سازمان نیاز به کنترل ناب، روی سرمایه‌های اطلاعاتش دارد. به بیان دیگر شایه‌های سازمان‌دهی محکم اطلاعات برای یک سازمان مهم هستند. با این حال سازمان‌ها اجرای یک برنامه موفق و سازمان‌دهی اطلاعات ثابت را مشکل می‌دانند. بحث حکمرانی داده نیز، درباره کنترل و تصمیم‌گیری است (DAMA ۲۰۱۰). بدون برنامه‌ریزی مناسب، سازمان در برخورد با این مشکلات به جای پیش‌گستر بودن، واکنشی خواهد بود. کمبود برنامه‌ریزی همچنین احتمال اینکه یک پروژه بیشتر از مورد انتظار دوام یابد و بالاتر از بودجه اداره کند را افزایش می‌دهد. کمبود استانداردها نیز می‌تواند منجر به ناهمسانی در تولید فعالیت‌های

حکمرانی داده شود که اختلال را بالا خواهد برد و منجر به اختلاف در چگونگی حل مشکل متداول می‌شود (Oestreich ۲۰۱۴; Peterson ۲۰۰۴). با توجه به این مسائل، یکی از لوازم مهم برای اندازه‌گیری و ارزیابی میزان پیشرفت در این برنامه‌های حکمرانی داده، استفاده از مدل‌های بلوغ حکمرانی داده^۱ است. در حقیقت با استفاده از یک مدل بلوغ حکمرانی داده برای ارزیابی و اندازه‌گیری مستمر عملکرد این برنامه‌ها می‌توان منفعت‌های راهبردی و تاکتیکی از مدیریت داده‌ها در هر سازمانی را محقق کرد. آن‌ها، ابزاری برای ارزیابی سطح پختگی و آمادگی حکمرانی داده در سازمان هستند. از طریق مدل بلوغ حکمرانی داده‌ها، سازمان‌ها می‌توانند به‌طور دقیق مشخص کنند که کجا هستند و برای ایجاد محیطی که بتوانند از داده‌های با کیفیت بالا برای کسب‌وکار خلق ارزش کنند، در چه سطحی از آمادگی و بلوغ هستند؛ زیرا داشتن داده‌های با کیفیت شرط لازم برای خلق ارزش است و شرط کافی آن، هم‌راستایی داده‌ها با اولویت‌های راهبردی کسب‌وکار است. یک مدل بلوغ، یک ساختار فراگیر انتزاعی و عمومی است که می‌تواند برای هر نوع سازمانی که مدل کسب‌وکار آن به طریقی به داده‌ها وابسته است، اجرا شود و یک ابزار ارزشمند موجود برای برنامه‌ریزی و حمایت از یک برنامه استراتژیک جدید است که باید در مورد اهداف، اولویت‌ها و شایستگی‌های سازمان منحصربه‌فرد باشد و برای توسعه، ارزیابی و اصلاح یک برنامه گسترده استفاده می‌شود تا به سازمان‌ها کمک کند سطح فعلی مدیریت داده‌ها را درک کنند و مهم‌تر از همه، مدل می‌تواند راهی برای رشد در آینده تعیین کند؛ بنابراین این مقاله به بیان انواع مدل‌های بلوغ مرتبط با حکمرانی داده پرداخته و آن‌ها در دو دسته کلی تقسیم‌بندی نموده و به تشریح سطوح بلوغ و بیان مراحل هرکدام از آن‌ها پرداخته است؛ اما بر روی تفاوت این دو دسته متمرکز نشده است.

حکمرانی داده

مؤسسه بزرگ مدیریت داده (۲۰۱۶م) حکمرانی داده را به صورت هماهنگی رسمی مردم، فرآیندها و تکنولوژی تعریف می‌کند که سازمان را قادر می‌سازد از داده‌ها به‌عنوان

یک سرمایه به بهترین شکل استفاده کند. این مؤسسه، حکمرانی داده را به صورت سیستمی متشکل از حقوق تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری در مورد فرایندهای مربوط به اطلاعات و فرآیندهایی که بر اساس مدل‌های توافقی اجرا شده‌اند، مشخص می‌کند چه کسی، چه زمانی، تحت چه شرایطی و با استفاده از کدام روش‌ها، می‌تواند از اطلاعات استفاده کند. فو و همکارانش (۲۰۱۱م)، حکمرانی داده را به صورت مجموعه‌ای از فرایندها برای بهبود سازگاری و دقت داده‌ها، کاهش هزینه‌های مدیریت داده‌ها و افزایش امنیت داده‌های موجود، تعریف می‌کند. دلایل زیادی برای مشکلات به‌کارگیری حکمرانی داده وجود دارند. تحقیق توسط وبر، اوتو و اوسترل (۲۰۰۹م) نشان داد که کمبود حمایت اجرایی، از جمله مشکلات متداول است که یک گسترش حکمرانی را آزار می‌دهند به دست آوردن و حفظ حمایت اجرایی می‌تواند چالش برانگیز باشد به دلیل اینکه حکمرانی داده یک مفهوم انتزاعی است و نشان دادن نتایج ملموس می‌تواند مشکل باشد (Ladley ۲۰۱۲). پس حکمرانی داده، درباره کنترل و تصمیم‌گیری است (DAMA ۲۰۱۰). اگر یک سازمان برای مدیریت سرمایه‌های اطلاعاتی‌اش بدون نقش‌های مناسب و مسئولیت‌های تعیین‌شده تلاش می‌کند آن سازمان، برای دستیابی به کنترل مؤثر تلاش می‌کند (Cheong & Chang ۲۰۰۷). بدون برنامه‌ریزی مناسب، سازمان در برخورد با مشکلات به‌جای پیش‌گستر، واکنشی خواهد بود. از این رو یک سازمان، فعالیت‌های حکمرانی داده^۱ را جهت تکمیل مدیریت اطلاعات استفاده می‌کند که این فعالیت‌ها شامل طراحی و قوانین اجرایی برای کنترل فعالیت مدیریت داده‌ها، به همراه تخصیص حقوق تصمیم‌گیری و پاسخگویی می‌باشد. حکمرانی داده، مجموعه‌ای از فرایندهای موجود در یک سازمان است که دو هدف را دنبال می‌کند: تعیین اهداف داده‌های سازمان و تعیین یک چارچوب تصمیم‌گیری مناسب که برای رسیدن به این اهداف مناسب می‌باشد و چارچوب، شامل وظایف، نقش‌ها و مسئولیت‌هایی است که همگی در محدوده‌های دارایی‌های داده، کیفیت داده، ابرداده، دسترسی به داده‌ها و چرخه حیات داده انجام می‌شوند. جنبه‌های دیگری نیز در بعضی از تعاریف حکمرانی

وجود دارد، مانند مدیریت ریسک یا برنامه‌های آموزش سازمانی (Dat flux ۲۰۱۰) نیز دیده می‌شوند. سیاست‌های بالا منجر به شکل‌گیری رویه خاصی می‌گردد که از آن تحت عنوان حکمرانی داده یاد می‌کنند. حکمرانی داده، تشریح‌کننده فرایندهایی برای تعریف سیاست‌های حوزه داده در سازمان، فرایندهای مشخص‌کننده روش بهره‌برداری از سیاست‌های مزبور، نوع ساختار سازمانی دربرگیرنده کنسول‌های حاکمیت داده و ناظران داده جهت مانیتورینگ و اطمینان از انطباق بین سیاست‌ها و داده‌ها می‌باشد. حاکمیت داده یک برنامه مدیریتی چندین وظیفه‌ای است که مهم‌ترین هدف آن برخورد با داده به‌عنوان یک سرمایه سازمانی است. این کار از طریق به‌کارگیری مجموعه‌ای از سیاست‌ها، استانداردها، فرآیندها، افراد و فناوری که برای مدیریت داده حیاتی است، دنبال می‌شود. به‌طور کلی اهداف کلی حاکمیت داده عبارت‌اند از: به جریان انداختن داده‌های با کیفیت از طریق ایجاد مکانیزم‌ها، فرایندها و محیط مناسب برای تبدیل شدن آن‌ها به بینش تجاری، حفاظت از نیازهای ذینفعان داده، آموزش مدیران و کارکنان به‌منظور تطبیق با رویکردهای کلی مسائل داده، ایجاد فرآیندهای استاندارد و قابل تکرار، کاهش هزینه‌ها و افزایش اثربخشی از طریق هماهنگی بین فعالیت‌های در ارتباط با داده، استاندارد کردن تعاریف داده در تمامی سازمان، حصول اطمینان از شفافیت فرآیندها، امکان‌پذیری تصمیمات بهتر، تضمین بقای از طریق توجه به ریسک‌ها و آسیب‌پذیری‌ها، تطابق، امنیت و حریم خصوصی با کمک داده‌ها.

مدل‌های بلوغ حکمرانی داده^۱:

با توجه به تحقیقات انجام شده در مورد مدل بلوغ حکمرانی داده (هانر و همکاران، ۲۰۰۹؛ بروئن و همکاران، ۲۰۰۶)، سطوح بلوغ توصیف می‌کند که چگونه فرآیندهای یک منطقه، خاص، بالغ، توانا و پیچیده هستند. یک روش معمول برای ساخت مدل‌های بلوغ، تعریف سطوح یا پلاتوهای تکاملی است که همچنین به‌عنوان سطوح بلوغ شناخته می‌شوند (بروئن و دیگران، ۲۰۰۶). مدل بلوغ، با استفاده از سطوح تکاملی، اغلب بر اساس مدل

ترکیب مدل بلوغ توانایی ۲ می‌باشد (تیم معماری CMMI، ۲۰۰۷). در این دسته از مدل‌ها، تعدادی از مناطق کلیدی تعریف شده‌اند و اگر تمام این مناطق کلیدی به نقطه خاصی برسند، بلوغ به سطح بعدی می‌رسد. از آنجا که تمام مناطق کلیدی برای رسیدن به تکامل به یک نقطه خاص نیاز دارند، اساساً این مدل‌ها یک بعدی هستند. آن‌ها یک ابزار ساده برای مقایسه سطوح بلوغ را فراهم می‌کنند؛ اما به‌طور کامل بلوغ کاملی در حوزه‌های پیچیده مانند حکمرانی داده ارائه نمی‌دهند. عبارت «بلوغ» رابطه مستقیمی با درجه رسمی بودن و یا نبودن پروسه‌ها دارد، مانند: ۱- بازدهی انجام شیوه‌های مرسوم سازمانی تا انجام شیوه‌های رسمی؛

۲- بازدهی اندازه‌گیری دقیق مدیریت تا اندازه‌گیری موارد بهینه و مؤثر. زمانی که یک مدل در پروسه توسعه نرم‌افزار یک سازمان، پیاده‌سازی می‌شود، این خود اثری کارآمد در بهبود این پروسه‌ها خواهد گذاشت و زمانی که این مدل در ساختار و پروسه حکمرانی داده پیاده‌سازی می‌شود، باعث بهبود پروسه‌ها و ساختار می‌گردد. به تدریج مشخص شده است که این مدل می‌تواند در دیگر پروسه‌ها نیز، اجرایی گردد و این برنامه در زمینه‌های گوناگون کسب‌وکار به کار می‌رود. این باعث گردید که سازمان‌هایی که در پروسه برنامه‌ریزی ارزیابی داده حکومتی تازه‌کار هستند، از مدل بلوغ حکمرانی برای کنترل تغییرات استفاده کنند، به طریقی که بتوانند مشخص کنند چه سطحی برای کسب و کارشان مناسب می‌باشد و در مورد استفاده از تکنولوژی نیز بتوانند متوجه شوند که کجا و چگونه می‌توانند به سطحی دیگر بروند. هر مرحله نیازمند سرمایه‌گذاری مشخص، ابتدا در منابع داخلی خود می‌باشد. نتایج مؤثر برنامه حکمرانی داده زمانی که ریسک افزایش پیدا کند، کمتر می‌گردد، همان‌گونه که یک سازمان هر مرحله را نیز به همین صورت طی می‌کند.

دسته‌بندی مدل‌های بلوغ حکمرانی داده:

مدل‌های بلوغ مرتبط با حکمرانی داده را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد: دسته اول، مدل‌هایی که از مدل بلوغ داده برای مدل بلوغ حکمرانی داده استفاده می‌کنند و معتقدند درک مدل بلوغ داده به معنای درک مدل بلوغ حکمرانی داده است و برعکس. از

این منظر این مدل‌ها پوشش دهنده مدل بلوغ داده‌های عظیم (Big Data) نیز هستند؛ مثل مدل TDWI. دسته دوم، مدل‌هایی که معتقدند در اساس مدل بلوغ حکمرانی داده یک پدیده مستقل است و جنبه‌های اختصاصی خود را دارد؛ مثل مدل IBM.

انواع مدل‌های بلوغ حکمرانی داده‌ها:

ما در این مقاله بر روی تفاوت این دو دسته متمرکز نخواهیم شد. مدل‌های بلوغ مد نظر عبارت‌اند از چند مدل‌های زیر که به‌طور اختصار به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

۱. مدل TDWI؛

۲. مدل Sathi؛

۳. مدل DataFlux؛

۴. مدل Gartner؛

۵. مدل IBM؛

۶. مدل Oracle؛

۷. مدل Aiken؛

۸. مدل EWSolutions؛

۹. مدل Knowledge Logistics؛

۱۰. مدل MDM؛

۱۱. مدل Peter Aiken.

اختصاص یافته‌اند، گسترش می‌دهد. با این حال، رشد می‌توان در یک بافت محدود همچون یک تعداد معدودی از بخش‌ها ظهور کند. در نتیجه رشد در مرحله نوجوانی کند می‌شود.

۱- مدل بلوغ TDWI (مدل بلوغ مؤسسه The Data Warehousing):

طراح این مدل بلوغ، مؤسسه The Data Warehousing است که به دنبال پوشش دادن اهداف و وظایف مرتبط با حکمرانی داده‌ها نیز می‌باشد و آنها را در چهار نیازمندی و ضرورت اصلی خلاصه‌سازی و تعریف می‌کند:

جنبه‌های سازمانی:

ضرورت (۱): نگهداشت از یک تیم و فرآیند متقاطع^۱؛

ضرورت (۲): هم‌راستایی و تنظیم با ابتکارات تجاری حساس به داده؟
جنبه‌های فنی:

ضرورت (۳): حکمرانی استفاده از داده‌ها از طریق پیاده‌سازی‌های فنی؛

ضرورت (۴): خودکارسازی فرآیند حکمرانی داده‌ها از طریق پیاده‌سازی‌های فنی.

از این مدل بلوغ برای حکمرانی داده‌ها استفاده می‌شود و ضرورت‌ها و نیازمندی‌های موجود در این مدل دارای دو خصیصه اصلی هستند، هر الزام و نیازمندی برای حکمرانی داده‌ها دارای یک‌سری مراحل چرخه حیات است که در طول زمان آشکار می‌شود و پیشرفت از طریق آن‌ها به معنای شکلی از توسعه است. این ضرورت‌ها و الزامات به‌عنوان یک گروه، یک توالی زمانی دارند. برای نمونه، آشکار است که الزام و ضرورت باید یک تیم کارکرد متقاطع (یعنی تیمی که متشکل از دپارتمان‌های مختلف سازمان است و دارای ساختار ماتریسی می‌باشد) ایجاد شود قبل از اینکه این الزام بتواند اهداف تیم را با ابتکارات کسب‌وکار هماهنگ کند. ایده این مدل، دوره‌ای از توسعه و تکامل برای سازمان‌هایی را نشان می‌دهد که نیاز دارند بدانند با یک نوع خاصی از ابتکار باید از کجا شروع کنند و به کجا بروند. مراحل Gulf و Chasm به ترتیب دشواری‌ها و چالش‌هایی را نشان می‌دهند که برنامه‌های ابتدایی و انتهایی در طول سفر هوش تجاری (BI) خودشان با آن‌ها مواجه می‌شوند. سازمان‌هایی که در مرحله Gulf هستند با حمایت، تأمین مالی، کیفیت داده و محدوده پروژه کشمکش دارند. از طرف دیگر، سازمان‌هایی که در مرحله Chasm قرار دارند با سیاست‌ها، لجستیک و پویایی در تحویل دادن یک محیط هوش تجاری سازمان کشمکش دارند. هرچند هر سازمانی باید این موارد را مطابق با نیازها و وضعیت خودش، مناسب‌سازی نماید؛ اما در نهایت این مدل بلوغ می‌تواند به «آماده‌سازی» کمک کند و یک معیار عینی را برای ارزیابی وضعیت جاری یک ابتکار فراهم کند.

1 Cross-Functional

2 Data-Intensive

مراحل بلوغ حکمرانی داده بر اساس مدل بلوغ مؤسسه TDWI:

مراحل پیش از تولد و نوزادی: در این مرحله، سازمان‌ها به شدت به روش‌های دستی به کار گرفته شده در یک رویکرد موردی به عنوان یک راهکار برای موضوعات تجاری یا فناورانه خود وابسته هستند. با حرکت به سمت مرحله نوزادی و در گذر زمان، نیازمندی‌ها سازمان را به یک فناوری یا تجربه عملی خاصی هدایت می‌کنند.

مرحله جدایی^۱: پریدن از این مانع بستگی به این دارد که سازمان به سراغ رسمی‌سازی و نهادسازی مفاهیمی از این راهکار برود که در مراحل قبل تأیید شده‌اند.

مراحل کودکی و نوجوانی: در این مرحله، سازمان تجربیات عملی یا ابتکارات فناورانه خود که به تازگی اختصاص یافته‌اند، گسترش می‌دهد. با این حال، رشد می‌تواند در یک بافت محدود همچون یک تعداد معدودی از بخش‌ها ظهور کند. در نتیجه رشد در مرحله نوجوانی کند می‌شود.

مرحله شکاف^۲: عبور موفق از مرحله شکاف نیازمند یک سبک تغییرات عمومی چشمگیر همچون معماری مجدد راهکار یا قبول سازمان است.

مرحله بلوغ و بزرگ‌سالی: در مرحله بلوغ، جزئیات پیاده‌سازی فناوری و بهترین تجارت عملی که در مرحله نوجوانی انجام شدند، پخته و بالغ می‌شوند. استقرارهای سیلوهای مرحله کودکی انجام شده‌اند، در مرحله بزرگ‌سالی توسط یکپارچه‌سازی فناوری و کنترل سازمانی متمرکز، جایگزین می‌شوند.

مراحل پنج‌گانه مدل بلوغ کسب‌وکار آنالیتیک^۳ پیشنهاد شده توسط Sathi:

مرحله موردی^۴: شرکت از توسعه دادن توانمندی گردآوری اطلاعات نامتناقض از نواحی کارکردی اصلی خودش شروع به کار می‌کند، تلاش فراتر از گزارش‌گیری

1 Gulf

2 Chasm

3 ABMM

4 Hoc - ad

امکان‌پذیر نیست و به‌طور مداوم، به‌طور معمول اطلاعات مورد نیاز برای تصمیمات تجاری روزانه بر اساس تلاش‌های دستی گردآوری می‌شوند.

مرحله بنیادی^۱: شرکت هنوز قادر به گردآوری اطلاعات کلیدی خود نیست و از اکثر رقبای خود عقب‌تر است. در واقع، اطلاعات به‌طور سیستماتیک در دسترس نیستند یا برای أخذ تصمیم‌سازی تجاری در مقیاس سازمان به کار گرفته نمی‌شوند و هنوز درجه‌ای از تلاش‌های دستی برای گردآوری اطلاعات، مورد نیاز است.

مرحله رقابتی^۲: شرکت‌هایی را نمایش می‌دهد که توانمندی‌هایی در گردآوری اطلاعات کلیدی دارند و تقریباً با اکثر شرکت‌های مشابه در یک خط قرار می‌گیرند. همچنین این سطح بلوغ نقطه شروعی برای ایجاد یک سری هماهنگی‌ها و سازگاری‌ها^۳ در استانداردهای تجاری در سراسر سازمان می‌باشد.

مرحله متمایزکننده^۴: یک شرکت به اجرای استراتژی‌های کسب‌وکار از طریق به‌کارگیری اطلاعات را بهتر از اکثر شرکت‌های دیگر در این بخش مورد توجه قرار می‌گیرد. مدیریت امکان انطباق با تغییرات کسب‌وکار را تا حدودی دارد و رهبران کسب‌وکار و کاربران امکان رویت اطلاعات کلیدی و متریک‌های مهم را برای تصمیم‌گیری‌های اثربخش دارند.

مرحله جدایی^۵: به‌طور کلی یک شرکت در بهترین رتبه برای اجرای استراتژی‌های اصلی کسب و کارش قرار دارد؛ یعنی جایی که اطلاعات برای تصمیم‌گیری چندبعدی در مقیاس سازمان به کار گفته می‌شود و شاخص‌های عملکردی پیشگویانه برای مدلسازی خروجی‌ها استفاده می‌شوند.

۲- مدل بلوغ حکمرانی داده مؤسسه DataFluX :

1 Foundational
2 Competitive
3 Consistency
4 Differentiating
5 Breakaway

مؤسسه DataFlux یکی از چارچوب‌های جامع برای مدل‌های بلوغ حکمرانی داده را ارائه داده است. مطابق با این مدل بلوغ همان‌طور که سازمان‌ها از مرحله اول تا مرحله چهارم حرکت می‌کنند، ارزش مستخرج از داده‌ها نیز افزایش می‌یابد و به‌طور هم‌زمان ریسک مربوط به «داده‌های بد»^۱ کاهش می‌یابد. تونی فیشر^۲ مدیر مؤسسه توضیح می‌دهد که: «اصطلاح حکمرانی داده در گفتمان‌ها و گفتگوهای مختلف همچون حکمرانی کلان داده، مدیریت داده، مدیریت دانش، دارایی‌های داده‌ای و دارایی‌های اطلاعاتی، یک حالت خاکستری‌گونه دارد»؛ یعنی حکمرانی داده را یک مقوله میان‌رشته‌ای می‌داند که ذینفعان مختلف می‌توانند برداشت‌های مختلفی از آن داشته باشند. این مؤسسه مدل بلوغ خودش را با هدف پررنگ‌تر کردن جنبه‌های تجاری در دو زمینه زیر بهبود داده است

۱- مدیریت دارایی؛ یعنی مدیریت کردن داده‌ها به‌عنوان یک دارایی سازمانی؛

۲- کیفیت داده؛ یعنی تلاش برای به دست آوردن سطوح الزامی از کیفیت داده‌ها.

تشریح سطوح بلوغ مدل شرکت DataFluX :

۱- بدون نظم^۳ یا سطح «تفکر به‌طور محلی و اقدام به‌طور محلی» در این سطح قوانین و سیاست‌های اندکی درباره یکپارچه‌سازی و کیفیت داده‌ها تعریف شده است و داده‌ها به‌صورت تکرار شده و افزونه، با منابع منفک از هم و با فرمت‌های متنوع وجود دارند. مسئله اصلی این است که داده‌های بد^۴ منجر به تصمیمات بد^۵ و اتلاف فرصت‌ها می‌شوند.

۲- سطح واکنشی^۶ یا سطح «تفکر به‌طور سراسری و اقدام به‌طور محلی». این سطح، آغاز حکمرانی داده در سازمان است. در حقیقت «بهبود» در سطح دپارتمان تجربه می‌شود. در این سطح تلفیقی از داده‌های غیر قابل اطمینان، ناصحیح و ناسازگار وجود دارند.

۳- سطح پیشدستانه^۱ یا سطح «تفکر به‌طور سراسری و اقدام به‌طور گروهی»: سازمان، ارزش داشتن یک نمای یکنواخت از اطلاعات را تشخیص می‌دهد و بنابراین شروع به

1 Bad Data

2 Tony Fisher

3 Undisciplined

4 Data - Bad

5 Bad Decision

6 Reactive

تفکر و صحبت درباره مدیریت داده‌های اصلی^۲ می‌کنند. در این مرحله تیم‌های فناوری اطلاعات و کسب‌وکار با همدیگر همکاری می‌کنند. همچنین در این فاز «فرهنگ»، آمادگی لازم برای تغییر را دارد.

۴- سطح حکمرانی شده^۳ یا سطح «تفکر به‌طور سراسری و اقدام به صورت سراسری» اطلاعات، در سراسر سازمان یکنواخت می‌شود. نیازهای کسب‌وکار، پروژه‌های IT را هدایت می‌کنند. سازمان یک چارچوب و استراتژی داده پیچیده دارد. کارکنان متوجه شده‌اند که اطلاعات یک دارایی کلیدی برای سازمان است.

۳- مدل بلوغ حکمرانی داده شرکت IBM:

IBM یک مدل مبتنی بر روش‌های همکاری و ممارست‌های اعضای شورای آن، ایجاد کرد. اعضا برای شکل‌دهی روش‌های مطلوب و قابل مشاهده‌ای که شرکت‌ها می‌توانند برای طراحی برنامه‌های حاکمیت داده خود از آن‌ها استفاده کنند، با هم همکاری می‌کنند. این مدل بر اساس مدل بلوغ توانایی است و مجموعه‌ای از معیارها و نقاط عطف فراهم می‌کنند که به شرکت‌هایی با اندازه‌های مختلف کمک می‌کنند که روش حاکمیت داده خود را بسنجند. از دیدگاه شرکت IBM اهمیت حکمرانی داده‌ها به قدری بالا و راهبردی است که این شرکت یک شورای حکمرانی داده^۴ برای تعریف و به نتیجه رسیدن سیاست‌های کیفیت داده اصلی^۵ ایجاد کرد. یکی از ابتکارات این شورا، مدل بلوغ حکمرانی داده است. این مدل بلوغ بر اساس مدل بلوغ توانمندی مؤسسه مهندسی

نرم‌افزار بنا شده است. شورای حکمرانی داده IBM اشاره می‌کند که در حال حاضر ۱۱ دامنه حکمرانی داده وجود دارد که در چهار دسته اصلی قرار می‌گیرند:

۱. اهداف/خروجی‌ها؛

۲. توانمندسازها؛

1 Proactive

2 MDM

3 Governed

4 Data Governance Council

5 Master Data

6 Outcomes

۳. دیسپلین‌های اصل^۱؛

۴. دیسپلین‌های پشتیبان^۲.

تشریح ۱۱ دامنه حکمرانی داده در چهار دسته اصلی بر اساس مدل IBM :

گروه اول- خروجی‌ها/ اهداف: این گروه شامل موارد زیر است:

۱- انطباق و مدیریت ریسک داده: متدولوژیی که بر اساس آن ریسک‌ها شناسایی،

کمیت و کیفیت آن‌ها بررسی، اجتناب، پذیرش، تخفیف و خارج می‌شوند؛

۲- خلق ارزش: فرآیندی که توسط آن کمیت و کیفیت دارایی‌های داده‌ای بررسی

می‌شوند تا کسب‌وکار بتواند حداکثر ارزش را از دارایی‌های داده‌ای خلق نماید.

گروه دوم- توانمندسازها: این گروه شامل موارد زیر است:

۱- آگاهی‌بخشی و ساختارهای سازمانی: منظور توصیفی از سطح مسئولیت‌پذیری

متقابل بین کسب‌وکار و IT است و همچنین به رسمیت شناختن مسئولیت معتمد برای

حکمرانی کردن داده در سطوح مختلف مدیریت؛

۲- سیاست^۴: منظور توصیفی از رفتار (های) سازمانی مورد انتظار است؛

۳- نظارت^۵: یک دیسپلین کنترل کیفیت که برای تضمین کردن مراقبت مسئولانه از

داده‌ها برای ارتقای دارایی، مدیریت ریسک و کنترل سازمانی طراحی شده است.

گروه سوم- دیسپلین‌های اصلی: این گروه شامل موارد زیر است:

۱- مدیریت کیفیت داده‌ها: منظور روش‌هایی برای اندازه‌گیری، بهبود و اطمینان از

کیفیت داده‌ها و یکپارچگی داده‌های تولیدی، تستی و آرشیوی؛

۲- مدیریت چرخه‌حیات اطلاعات: منظور یک رویکرد سیستماتیک مبتنی بر سیاست

برای گردآوری، استفاده، حفاظت و حذف اطلاعات است؛

1 Enabler

2 Core Disciplines

3 Supporting Disciplines

4 Policy

5 Stewardship

۳- حریم خصوصی و امنیت اطلاعات: منظور تجربیات عملی، سیاست‌ها و کنترل‌های مورد استفاده توسط سازمان برای تخفیف و تسکین دادن ریسک‌ها و حفاظت از دارایی‌های داده‌ای است.

گروه چهارم- دیسپلین‌های پشتیبان: این گروه شامل موارد زیر است:

۱- معماری داده‌ها: منظور طراحی معماری وار از سیستم‌های داده‌ای ساختیافته و غیرساختیافته و نرم‌افزارهای کاربردی است که قادر هستند قابلیت دسترس‌پذیری داده‌ها و توزیع آن‌ها بین کاربران صحیح را فراهم کنند؛

۲- طبقه‌بندی و فراداده: منظور روش‌ها و ابزارهای استفاده شده برای خلق تعاریف معنایی همگانی برای اصطلاحات IT و کسب‌وکار، مدل‌های داده‌ای، انواع داده‌ها و مخزن‌های داده‌ای است و همچنین این شامل فراداده‌هایی است که بین درک انسان و کامپیوتر ارتباط برقرار می‌کنند؛

۳- ممیزی گزارش‌گیری و ثبت رویداد اطلاعات: منظور فرآیندهای سازمانی برای مانیتورینگ و اندازه‌گیری ارزش داده‌ها، ریسک‌ها و اثربخشی حکمرانی است.

ساختار مدل بلوغ حکمرانی داده شرکت IBM: ساختار این مدل شامل پنج مرحله می‌باشد که عبارت‌اند از:

۱. ابتدایی؛

۲. مدیریت شده؛

۳. تعریف شده؛

۴. کمی مدیریت شده؛

۵. بهینه‌سازی شده.

۱- مرحله (ابتدایی)^۱: این اولین مرحله است که ممکن است هر سازمانی در آن قرار داشته باشد، در این مرحله هیچ قانونی حکمفرما نیست و حتی گاهی هرج و مرج نیز برقرار می‌باشد؛ بنابراین برای رسیدن به این مرحله احتیاج به انجام هیچ فرآیند اصلی نمی‌باشد.

فرایندها به طور معمول به صورت hoc ad (برای کاربرد اختصاصی) بوده و محیط، پایدار نمی باشد. موفقیت نشان دهنده صلاحیت افراد درون سازمان است، نه استفاده از فرآیندهای اثبات شده. اغلب محصولات و خدماتی را که کار می کنند، تولید می کنند، اغلب از بودجه و برنامه های پروژه هایشان تجاوز می کنند؛

۲- مرحله (مدیریت شده)^۱: موفقیت ها قابل تکرار هستند؛ اما فرایندها ممکن است برای تمام پروژه های موجود در سازمان تکرار نشود. مدیریت پروژه پایه کمک می کند تا هزینه ها و برنامه ها را پیگیری کند، در حالی که انضباط فرایند کمک می کند تا اطمینان حاصل شود که شیوه های موجود حفظ می شوند. هنگامی که این شیوه ها در محل قرار می گیرند، پروژه ها با توجه به برنامه های مستند شده انجام می شود و هنوز برآورد هزینه و زمان برآورد شده است؛

۳- مرحله (تعریف شده)^۲: مجموعه ای از فرآیندهای استاندارد سازمان، برای ایجاد سازگاری در سازمان استفاده می شود. در این مرحله بر اساس قانونمندی نسبی که در سطح سازمان حکمفرما است، دستورالعمل ها و رویه و استانداردهایی در سطح سازمان تعریف و مستندسازی می شود و می توان در این مرحله سرویس های ارائه شده را به طور منسجم سازمان دهی کرد و ارتقا داد؛

۴- مرحله (کمی مدیریت شده)^۳: در این مرحله سازمان در جایگاهی قرار دارد که می تواند اهداف کیفی کمیت پذیر را شناسایی کرده و ارتقا دهد، به عبارتی می تواند نسبت به کیفیت ارزیابی کمیتی داشته باشد. سازمان ها اهداف کیفیت کمی را برای هر دو فرایند نگهداری و تعیین می کنند. فرآیندهای انتخابی به طور کلی به عملکرد کلی فرآیند کمک می کنند و با استفاده از تکنیک های آماری و دیگر کمی کنترل می شوند.

۵- در مرحله (بهینه سازی شده)^۴: در این مرحله سازمان می تواند برنامه ریزی های کوتاه مدت و میان مدت داشته و اهداف خاصی را بر اساس این برنامه ها تعیین کند. در این

1 Managed

2 Defined

3 Quantitatively Managed

4 Optimizing

جایگاه سازمان می‌تواند تکنولوژی و یا سرویس جدید ارائه دهد و ارتقا مداوم داشته باشد اهداف بهبود فرآیند کمی برای سازمان به‌طور قاطعانه تثبیت شده و به‌طور مداوم تجدید نظر می‌شود تا منعکس کننده تغییر اهداف کسب‌وکار و به‌عنوان معیار در مدیریت بهبود فرآیند مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴- مدل بلوغ (CMU) The Capability Maturity Model:

۱- مرحله اولیه: این فرآیند در این سطح مشخص است که آن‌ها (معمولاً) بدون ثبت نام و در وضعیت تغییر پویا هستند و تمایل دارند تا به‌وسیله کاربر یا رویدادها به صورت یک‌طرفه، کنترل نشده و واکنشی هدایت شوند. این یک محیط بی‌نظیر یا ناپایدار برای پروسه‌ها را فراهم می‌کند. سازمان سطح ۱ قوانین و مقررات سختگیرانه‌ای در مورد مدیریت داده‌ها ندارد. داده‌ها ممکن است در چند فایل و پایگاه، داده وجود داشته باشد، استفاده از فرمت‌های مختلف (شناخته‌شده و ناشناخته) و بیش از حد ذخیره شده در سیستم‌های مختلف (با نام‌های مختلف و با استفاده از انواع داده‌های مختلف) ذخیره می‌شود.

۲- مرحله تکرارپذیر: مشخصه برخی از فرآیندها در این سطح تکرارپذیری است، احتمالاً با نتایج سازگار.

نظم فرایندها بعید است که دقیق باشد؛ اما در جایی که وجود دارد، ممکن است کمک کند تا اطمینان حاصل شود که فرآیندهای موجود در طول زمان استرس حفظ می‌شود.

۳- مرحله تعریف شده: از مشخصه‌های این سطح این است که در اینجا مجموعه‌ای از فرآیندهای استاندارد تعریف شده و مستند شده ایجاد شده و در طول زمان با برخی از شرایط بهبود می‌یابند.

۴- مرحله مدیریت شده: از مشخصات این سطح این است که با استفاده از پروسه‌های متریک، مدیریت می‌تواند به‌طور مؤثر فرایند AS-IS را کنترل کند (به‌عنوان مثال برای توسعه نرم‌افزار).

۵- مرحله بهینه‌سازی: یکی از ویژگی این سطح این است که تمرکز بر تداوم کارایی فرایند توسعه از طریق تغییرات / پیشرفت‌های تکنولوژیکی نوآورانه است.

۵- مدل بلوغ شرکت The Enterprise Information Management Institute (EIM) :

این مدل، ۶ مرحله‌ای می‌باشد که عبارت‌اند از:

۱- غیر رسمی: سازمان موجود هیچ روش مدیریتی داده‌ای ندارد، نیاز به حکومت را درک نمی‌کند و هیچ توابع مدیریتی ندارد.

۲- Ad hoc موردی: سازمان، فعالیت‌های گاه به گاه، غیر استاندارد شده را انجام می‌دهد؛ اما هیچ روش رسمی حاکمیت داده‌ای ندارد.

۳- استاندارد شده: سازمان، برخی استاندارد اصول حکمرانی داده استاندارد را اجرا کرده و نقش نظارتی را استاندارد کرده.

۴- کنترل شده: سازمان، حکمرانی داده رسمی را برای تمام واحدهای کسب‌وکار ایجاد کرده است و برای تمام واحدهای تجاری، ناظر اختصاص داده است.

۵- تثبیت شده: اداره و نظارت بر داده‌ها با هم ادغام شده در سراسر سازمانی هماهنگ شده است که شامل همکاری و فناوری اطلاعات و مدیریت مشارکتی است.

۶- استراتژیک: حکمرانی داده‌ها برای تنظیم، ارتباط و اجرای سیاست‌های کسب‌وکار و مدیریت اطلاعات IT استفاده می‌شود.

۷- مدل بلوغ حکمرانی داده شرکت EWSolutions :

شرکت EWSolutions که یک شرکت متمرکز بر روی راهکارهای مدیریت اطلاعات و داده است، یک مدل بلوغ ۵ مرحله‌ای تحت عنوان مدل بلوغ EIM مطرح می‌کند. EIM به واژه Enterprise Information Management یا همان مدیریت اطلاعات سازمانی اشاره دارد. مؤسسه مدل بلوغ خودش را نظارت و حکمرانی داده‌های مناسب می‌داند و معتقد است که این مدل بلوغ می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برنامه‌ریزی و برقراری ارتباط در سازمان (ارتباطات میان ذینفعان داده‌ای در سازمان) استفاده شود.

مراحل پنج‌گانه مدل EWSolutions عبارت‌اند از: سطح اول- فرآیندهای غیر رسمی^۱؛

سطح دوم- فرآیندهای در حال ظهور^۲؛

سطح سوم- فرآیندهای مهندسی شده^۳؛

سطح چهارم- فرآیندهای کنترل شده^۴؛

سطح پنجم- فرآیندهای بهینه‌سازی شده^۵.

سطوح پنج‌گانه این مدل بلوغ حکمرانی داده به صورت زیر تشریح می‌گردد:

سطح اول- فرآیندهای غیر رسمی^۶

مهم‌ترین ویژگی‌های این سطح از بلوغ عبارت‌اند از:

(۱) واکنشی؛

(۲) وابسته به تعداد اندکی از افراد ماهر؛

(۳) مسئولیت‌ها به گروه‌های IT مستقل از هم اختصاص داده شده‌اند؛

(۴) نقش‌های IT اندکی تعریف شده است؛

(۵) داده‌ها به‌عنوان یک محصول جانبی از فعالیت کسب‌وکار محسوب می‌شوند؛

(۶) داده‌های افزونه و مستندسازی نشده؛

(۷) پایگاه داده‌های جزیره‌ای بدون معماری؛

(۸) پاکسازی و یکپارچه‌سازی حداقلی داده‌ها؛

(۹) راهکارهای نقطه‌ای؛ (۱۰) فراداده کسب‌وکار یا وجود ندارد یا اندک است؛

(۱۱) از هم گسیختگی معنایی وجود دارد؛

(۱۲) یک سری رویکردهای معمولی استفاده شده؛ اما در مقیاس سازمان نیست؛

(۱۳) کسب‌وکار یا درگیر کار نشده است یا میزان درگیری آن اندک است و نقش‌های

کسب‌وکار تعریف نشده‌اند؛

1 Informal Processes

2 Emerging Processes

3 Engineered Processes

4 Controlled Processes

5 Optimized Processes

6 Informal Processes

- (۱۴) حل مسئله و پایش واکنشی وجود دارد.
- سطح دوم- فرآیندهای در حال ظهور^۱
- مهم‌ترین ویژگی‌های این سطح از بلوغ عبارت‌اند از:
- (۱) دیدگاه نظارت و مدیریت در مقیاس کل سازمان از این مرحله در حال شروع شدن است؛ اما هنوز هیچ رویکرد استانداردی وجود ندارد؛
- (۲) معماری سازمانی جوان است؛
- (۳) آگاهی اجرایی از ارزش‌داری‌های اطلاعاتی در حال رشد کردن است؛
- (۴) یک حرکت شتابان اولیه به سمت حکمرانی و نظارت داده‌ها در حال وقوع است؛ اما نقش‌ها هنوز شفاف نیستند؛
- (۵) تلاش‌های اولیه‌ای برای پیاده‌سازی مدیریت در مقیاس کل سازمان انجام می‌شود؛ اما اتصال و ارتباط لازم میان گروه‌ها با دیدگاه‌های مختلف وجود ندارد؛
- (۶) پروژه‌های مدیریت فراداده‌های اصلی^۲ و معماری سازمانی در حال انجام هستند؛
- (۷) بعضی از فرآیندها، تکرارپذیر هستند.
- سطح سوم- فرآیندهای مهندسی شده^۳
- مهم‌ترین ویژگی‌های این سطح از بلوغ عبارت‌اند از:
- (۱) فرآیندهای استاندارد؛
- (۲) معماری اطلاعات سازمانی؛
- (۳) حمایت اجرایی فعال؛
- (۴) مدیریت متمرکز فراداده‌ها؛
- (۵) ممیزی‌های دوره‌ای؛
- (۶) مانیتورینگ پیش‌دستانه / پیشگیرانه؛

1 Emerging Processes

2 MDM

3 Engineered Processes

(۷) نظارت بر داده‌های کسب‌وکار به‌طور شفاف تعریف شده‌اند و به‌طور مستمر در حال انجام است؛

(۸) سازمان و تشکیلات مدیریت داده‌های سازمانی شکل گرفته است؛

(۹) رهنمودهای معماری داده‌های سازمانی پیاده‌سازی شده‌اند؛

(۱۰) توافقنامه‌های سطح سرویس تعریف شده‌اند و به‌طور منظم مانیتور می‌شوند؛

(۱۱) سازمان خود را به توسعه مداوم مهارت‌ها متعهد می‌داند.

سطح چهارم - فرآیندهای کنترل شده^۱

مهم‌ترین ویژگی‌های این سطح از بلوغ عبارت‌اند از:

(۱) اهداف قابل اندازه‌گیری فرآیندها برای هر کدام از فرآیندهای تعریف شده، ایجاد

می‌شوند؛

(۲) تحلیل و اندازه‌گیری کمی هر کدام از فرآیندها اتفاق می‌افتد؛

(۳) پیش‌بینی برای عملکرد آینده در حال آغاز شدن است؛

(۴) نقص‌ها به‌طور پیش‌دستانه شناسایی و تصحیح می‌شوند.

سطح پنجم - فرآیندهای بهینه‌سازی شده^۲

مهم‌ترین ویژگی‌های این سطح از بلوغ عبارت‌اند از:

(۱) درک و شناخت کمی و کیفی برای بهبود مستمر هر کدام از فرآیندها استفاده

می‌شود؛

(۲) ارزش به‌طور مستمر مانیتور می‌شوند؛

(۳) اینکه چگونه هر کدام از فرآیندها به خواسته‌های راهبردی کسب‌وکار کمک

می‌کنند، درک و شناخته می‌شوند.

نتیجه‌گیری

یکی از لوازم مهم برای اندازه‌گیری و ارزیابی میزان پیشرفت در برنامه‌های حکمرانی

داده استفاده از مدل‌های بلوغ حکمرانی داده است. مدل بلوغ ابزاری است برای ارزیابی

1 Controlled Processes

2 Optimized Processes

سریع و مصور کردن مدیریت اطلاعات. در حقیقت با استفاده از یک مدل بلوغ برای ارزیابی و اندازه‌گیری مستمر عملکرد این برنامه‌ها می‌توان منفعت‌های راهبردی و تاکتیکی از مدیریت داده‌ها در هر سازمانی را محقق کرد. مدل‌های بلوغ مرتبط با حکمرانی داده را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد: دسته اول، مدل‌هایی که از مدل بلوغ داده برای مدل بلوغ حکمرانی داده استفاده می‌کنند و معتقدند درک مدل بلوغ داده به معنای درک مدل بلوغ حکمرانی داده است و برعکس. از این منظر این مدل‌ها پوشش‌دهنده مدل بلوغ داده‌های عظیم^۱ نیز هستند مانند مدل TDWI و دسته دوم، مدل‌هایی که معتقدند در اساس مدل بلوغ حکمرانی داده یک پدیده مستقل است و جنبه‌های اختصاصی خود را دارد مانند مدل IBM. از نتایج حاصل چنین استنباط می‌شود که مدل بلوغ TDWI می‌تواند به «آماده‌سازی» کمک کند و یک معیار عینی را برای ارزیابی وضعیت جاری یک ابتکار فراهم کند و یا مطابق با مدل بلوغ حکمرانی داده DataFlux همان‌طور که سازمان‌ها از مرحله اول تا مرحله چهارم حرکت می‌کنند، ارزش مستخرج از داده‌ها نیز افزایش می‌یابد و به‌طور هم‌زمان ریسک مربوط به «داده‌های بد» (Bad Data) کاهش می‌یابد. مؤسسه EWSolutions نیز مدل بلوغ خودش را نظارت و حکمرانی داده‌ها مناسب می‌داند و معتقد است که این مدل بلوغ می‌تواند به‌عنوان یک ابزار برنامه‌ریزی و برقراری ارتباط در سازمان (ارتباطات میان ذینفعان داده‌ای در سازمان) استفاده شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد برای شناخت بهتر مدل‌های بلوغ حکمرانی داده سازمان باید چارچوب و استراتژی داده سازمان را شناخت و با توجه به سطوح و مراحل بلوغ مدل‌ها آن‌ها را در سازمان پیاده کرد. از جمله راه‌های مناسب، تحلیل و اندازه‌گیری کمی هر کدام از مراحل و پیش‌بینی آن‌ها برای عملکرد آینده می‌باشد. باید نقص‌ها به‌طور پیش‌دستانه شناسایی و تصحیح شوند. آنچه که حائز اهمیت است در اساس این مدل‌ها یک‌بعدی هستند. آن‌ها یک ابزار ساده برای مقایسه سطوح بلوغ را فراهم می‌کنند؛ اما به‌طور کامل بلوغ کاملی در حوزه‌های پیچیده مانند حکمرانی داده ارائه نمی‌دهند.

منابع

1. CMMI Architecture Team.2007. Introduction to the Architecture of the CMMI ® Framework,
2. Data Governance Institute, DGI Data Governance Components Framework.
3. DataFlux.2010. The Data Governance Maturity Model: Establishing the People, Policies and Technology That Manage Enterprise Data., 44(0), pp.1–10.
4. Dember, M.2009. Case Study: Gaining Efficiencies as a Result of Implementing a Data Governance Program.
5. earch&q=intitle:COBIT+4.14.
6. Hüner, K.M., Ofner, M. & Otto, B 2009. Towards Maturity Model for Corporate Data Quality
7. Informatica 2006. Data Governance.
8. IT Governance Institute 2008. Cobit 4.1, Available at:<http://scholar.google.com/scholar?hl=en&btnG=S>
9. Khatri, V. & Brown, C.V.C. 2010. Designing data governance. Communications of the ACM, 53(1),p.148. Available at:<http://dl.acm.org/citation.cfm?id=1629210>[Accessed September 22, 2014].
10. Management. Proceedings of the 2009 ACM symposium on Applied Computing -SAC'09,p.231.Available at:<http://portal.acm.org/citation.cfm?doid=1529282.1529334>.
11. ofManagement Information Systems, 30(3),pp.141–178.Availableat:<http://mesharpe.metapress.com/openurl.asp?genre=article&id=doi:10.2753/MIS0742-1222300306>[Accessed September 6, 2014].
12. Tallon, P.P., Ramirez, R. V. & Short, J.E. 2013. The Information Artifact in IT Governance: Toward a Theory of Information Governance. Journal
13. Weber, K., Otto, B. & Osterle, H. 2009. One Size Does Not Fit All — A Contingency Approach to Data Governance., 1(1).

بازخوانی تز و آنتی‌تزه‌های حکمرانی در اداره عمومی با نگاهی هرمنوتیک

عبدالله وثوقی‌نیری

نامه ۷۰ نهج البلاغه:

حکومت عدل ما را دیدند و شناختند و آوازه آن را شنیدند و به گوش سپردند. دریافته بودند که در اینجا مردم در برابر حق و عدالت برابرند. پس گریختند تا مگر خود به سودی برسند. خداوند ایشان را از رحمت خود دور گرداند. اینان از ستم نگریختند و به عدل نخواهند رسید و در این کار از خدا می‌خواهیم، دشواری‌ها را برایمان آسان سازد و ناهمواری‌ها را هموار گرداند.

چکیده

مسائل جهان معاصر ماهیت و نقش دولت و فرایند حکمرانی را تغییر داده و این تحول موجب تغییر در نقش سنتی و تاریخی دولت و حکمرانی گردیده و در یک تحول عمیق‌تر منجر به تغییر فلسفه، توابع، نهادها و پایه‌های دولت، تقریباً در همه جهان شده است. در ادبیات اداره عمومی حکمرانی معانی سیالی یافته که نشان‌دهنده دیدگاه‌های مختلف مفهومی و ایدئولوژیک در حکمرانی است. در این مقاله با بازخوانی پارادایم حکمرانی از طریق ساختن یک نظام تأویل بر مبنای نظریات مختلف در این حوزه، مفاهیم بنیانی، رهیافت و ساختار کلی مفاهیم مورد استفاده، حکمرانی در بافت متنی دودهه اخیر مورد مطالعه هرمنوتیکی قرار گرفت و چارچوب مفهومی حکمرانی برای اداره عمومی را فراهم نمود که بر این اساس این مفهوم با یک دید فرازمانی می‌تواند فرصتی را به وجود آورد تا با خلاقیت و نوآوری به یک مورد از دانش جدید در کمک به موضوع دست یافت که به راه‌حل‌های بهتر برای سیاست‌های عمومی منجر شده و ایده‌هایی را برای حل مشکلات سازمانی و تجدید حیات و بهبود سیستم حکمرانی ارائه دهد.

کلیدواژه: اداره امور عمومی، تز و آنتی‌تز، حکمرانی، حکمرانی آینده، هرمنوتیک

هیچ الگوی واحدی از حکومت ایده‌آل برای همه زمان‌ها، قابل اجرا برای همه ملت‌ها و جوامع در سراسر جهان وجود ندارد (Farazmand, 2004, p.23). مدل‌های مختلف و یا مفاهیم حکومت در سراسر جهان در طول سی سال گذشته پدیدار شده است که مبتنی بر مدل بازار می‌باشند که بر بسیاری از کشورهای در حال توسعه تحمیل شده است. این روند جهانی در بسیاری از کشورها، مناطق و از جمله بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نتیجه معکوس دارد و این در حالی است که هنوز هم در حال اجرا در دیگر کشورها است (Farazmand, 2004, p. 13). همان‌گونه که بارها و بارها در تاریخ نشان داده شده است داشتن رویکرد کورکورانه به تطبیق مدل‌های حکمرانی و اداره می‌تواند به فاجعه منجر شود (Farazmand, 2004, p. 13). در همین امتداد ارائه تعریفی از حکمرانی، چالشی، ظریف و پیچیده است. به نظر می‌رسد اگر بخواهیم با مفهوم حکمرانی به خوبی آشنا شویم باید بفهمیم که حکمرانی، چیست. حکمرانی مشابه دولت نیست. حکمرانی موضوعی است درباره نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط این‌ها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده. حکمرانی فرایندی است که از آن طریق جوامع یا سازمان‌ها تصمیمات مهم خود را اتخاذ و مشخص می‌کنند چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند. سیستم حکمرانی، چارچوبی است که فرایند متکی بر آن است. بدین معنی که مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادهای و سیاست‌ها مشخص می‌کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا می‌شود.

مفهوم حکمرانی را می‌توان در سطوح مختلفی چون سطح جهانی، ملی، سازمانی و جوامع محلی مورد استفاده قرار داد. چهار بخش اصلی جامعه که می‌توانند هر یک به نوبه خود در انجام امور انجام وظیفه کنند، عبارت‌اند از: کسب‌وکار، مؤسسات جامعه مدنی (شامل سازمان‌های داوطلب و بخش غیر انتفاعی)، دولت و رسانه (صانعی، ۱۳۸۵). دولت‌ها در آغاز قرن ۲۱، با چالش‌های جدیدی مواجه شده‌اند. از جمله:

۱) در عصر جهانی شدن، دولت‌ها باید واکنش فعالانه‌ای به فرصت‌های مثبت اقتصادی و واکنش‌های تدافعی نسبت به فشارهای منفی اقتصادی از خود نشان دهند.

۲) بروز تغییرات جمعیتی در اکثر کشورها، بر دولت‌ها به‌عنوان کارفرما و فراهم‌کننده خدمات، تأثیر گذاشته است. جمعیت اکثر کشورها، مسن‌تر شده است و این جمعیت مسن، خواهان خدمات اجتماعی بیشتری است. همچنین، سازمان‌های دولتی باید برای استخدام افراد ماهر و بانگیزه با سازمان‌های غیر انتفاعی و کارفرمایان خصوصی رقابت کند. به‌خصوص اینکه سطح دستمزدها در بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی پایین‌تر است. پس، سازمان‌های دولتی باید مشوق‌های غیر پولی دیگری برای استخدام و حفظ کارکنان با عملکرد بالا شناسایی کنند و این چالشی بزرگ برای آن‌ها خواهد بود.

۳) بخش دولتی با انتظارات جدید شهروندان تحصیل کرده روبه‌رو خواهد بود. بدین معنی که شهروندان، انتظار دریافت خدمات با کیفیت بالاتری را خواهند داشت؛ بنابراین دولت‌ها باید قابلیت‌هایی برای شهروندان و ذینفعان فراهم آورند تا آن‌ها بتوانند در موضوعات عمومی مشارکت فعال‌تری داشته باشند.

۴) و در نهایت، انتظارات کارکنان سازمان‌ها تغییر کرده است و پاسخگویی به این انتظارات، شرایط جدیدی را می‌طلبد. پاسخگویی به این چالش‌ها نیازمند برخورداری از حکمرانی صحیح در سطح کلان جامعه است.

صرف نظر از مطالعات و بررسی‌های ضروری، حکمرانی در نهایت یک عمل است؛ عملی سازمان‌یافته. سه جنبه به‌طور مکمل، حکمرانی را از هر نوع نهاد یا اقدام اجتماعی دیگر متمایز می‌سازد: گستردگی قلمرو، اثرگذاری و ملاحظات ضروری، حساب‌پس‌دهی عمومی و در نهایت ویژگی سیاسی بودن (پورعزت، ۱۳۸۹، ۷۱). در همین اب‌تدا نیاز به بازخوانی پارادایم حکمرانی از طریق ساختن یک نظام تأویل بر مبنای نظریات مختلف در این حوزه، مفاهیم بنیانی، رهیافت و ساختار کلی مفاهیم مورد استفاده حکمرانی در بافت متنی مبنای مطالعه قرار گرفت.

روش‌شناسی مطالعه

روش‌شناسی کلاسیک مطالعه برای بازخوانی یک متن، هرمنوتیک است. این مقاله به دنبال قصد مؤلف، روح متن، تأویل، فهم و چیزهایی از این قبیل است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است و واضح است که برخلاف پژوهش‌های کمی که دارای یک مسیر خطی، متوالی و رویه‌مندند، به میزان زیادی منحصر به خود شکل می‌گیرد. در عصر جدید، علم هرمنوتیک حداقل به شش نحو به نسبت متمایز تعریف می‌گردد؛ نظریه تفسیر کتاب مقدس؛ روش‌شناسی عام لغوی و فقه‌اللغه؛ علم هرگونه فهم زبانی؛ مبنای روش‌شناختی علوم انسانی؛ پدیدارشناسی وجود و پدیدارشناسی فهم وجودی و نظام‌های تأویل برای رسیدن به معنای نهفته در زیر اسطوره‌ها و نمادها. هر یک از این تعاریف چیزی بیشتر از مرحله‌ای تاریخی است و به سویه یا رویکرد مهمی به مسائل تأویل اشاره دارد. هر یک از این تعاریف روشنگر جنبه‌های مختلف ولی مشروع فعل تأویل و به‌ویژه تأویل متن است (Palmer, 1969, p.28). در این مقاله هرمنوتیک بر علم تأویل، به‌ویژه اصول تفسیر متن، دلالت دارد. تأویل دقیق با بدفهمی یا سوء تعبیر آغاز می‌شود (Weinsheimer, 1991, p. 32). علم هرمنوتیک در حکم روش‌شناسی تأویل است؛ روش هرمنوتیک در باب معنای عمیق و مکنون است. در این معنا، متن مبهم است و نیازمند نوع خاصی از تأویل است تا معنای مکنون آن به دست آید؛ بنابراین علم هرمنوتیک، نظام شخص تأویل‌کننده است برای یافتن معنای مکنون متن (Palmer, 1969, p.29).

مبانی نظری

ظهور پارادایم حکمرانی

بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ میلادی، به این نتیجه رسید که مسئول حکمرانی یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت‌کنندگان موضوع کلیدی توسعه است که در گزارش منتشره این بانک درباره توسعه آفریقا آمده بود (Leftwich, 2005, p.589). این مسئله به تدریج در بانک جهانی مورد مطالعه و بررسی عمیق‌تر قرار گرفته تا اینکه این موضوع در گزارش سالانه توسعه جهانی در سال ۱۹۹۶ میلادی، با عنوان «از برنامه تا

مازاد» به روشنی انعکاس یافته است. علاوه بر آن در اعلامیه پیش‌نویس و نکوور از حکمرانی به‌عنوان یک پارادایم جدید برای مدیریت بشر نام برده‌اند.

حکمرانی: مفاهیم و موضوعات کلیدی

واژه حکمرانی در علوم اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته و همچنین بحث روز جهان سیاست تبدیل شده است و افراد مختلف معنی متفاوتی را از آن برداشت می‌نمایند (Kooiman and Jentoft, 2009, p.820). واژه حکمرانی و حکومت دارای مفاهیم محض و تخصصی بوده که بعضاً فارغ از مفهوم، به‌طور معمول جایگزین هم به کار می‌روند؛ اما قدمت حکمرانی به تاریخ تمدن بشری برمی‌گردد. این واژه یکی از قدیمی‌ترین و جدیدترین واژه‌ها در مطالعه علم سیاست است. در یونان باستان این واژه به کار می‌رفته و ریشه یونانی آن از فعل Kubernan به معنی هدایت کردن و کنترل کردن بوده است، افلاطون این کلمه را برای چگونگی اداره نظام حکومتی به کار برده است «Kubernance» به کسی گفته می‌شد که سکان کشتی یا هدایت سفینه‌ای را به دست داشته است. در دوره میانه اروپا «gubernare» از فعل «to govern» به معنی حکومت و کنترل کردن معادل «government» به کار رفته است که به فرمانروایی و حکومت کردن توأم با اقتدار دلالت داشته است (Durdevic, 2006, p.42). در گذشته تفاوت روشنی میان «governance» و «government» نبوده و معنای این دو مفهوم به هم نزدیک بوده است. حکومت government به شیوه اداره جامعه سیاسی و حکمرانی governance به شیوه اداره امور و مدیریت مسائل اجتماعی مربوط می‌شده است (Durdevic, 2006, p.42). در حالی که استفاده از حکمرانی در علوم سیاسی غیر معمول نیست، افزایش ناگهانی استفاده از آن در اداره امور عمومی نشان‌دهنده تغییر عمده در مفهوم، گفتمان و همچنین برنامه‌های عملی در مدیریت خدمات عمومی است (Farazmand, 2004, p. 33).

حکمرانی دارای معنی متفاوت برای افراد مختلف است (Kooiman and Jentoft, 2009, p.822) با توجه به مفهوم حکمرانی، تعاریف متنوعی ارائه شده که در هر تعریف به جنبه‌های خاصی از آن مفهوم بیشتر توجه می‌شود؛ بنابراین هرچند در به‌کارگیری این

مفهوم، مقصود و منظور واحدی مد نظر همگان است، توجه به تفاوت‌ها و جنبه‌های مختلف، سطح و گستردگی حوزه این مفهوم را نشان می‌دهد که خود می‌تواند مبانی برای خط‌مشی‌گذاری و نیز اقدام بهینه باشد.

حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکمرانی شونده‌گان، حکومت و حکومت شونده‌گان مربوط می‌شود (McCarney and Rodriguez, 1995, p.125). در برنامه عمران سازمان ملل حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار اداری، اقتصادی و سیاسی در راستای مدیریت امور کشور در تمام سطوح بوده و سازوکارها، فرآیندها و مؤسساتی را در برمی‌گیرد که از طریق آن‌ها، شهروندان و گروه‌های جامعه منافع خود را به هم پیوند زده، حقوق خود را پیگیری، تعهدات خود را ادا و اختلافات خود را حل و فصل می‌نمایند (Grindle, 2007, pp.542-544) در واقع حکمرانی به افراد و سازمان‌هایی می‌پردازد که در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات نقش دارند (Hamedinger, 2004, p.23) بینش‌های مهمی را می‌توان از تجزیه و تحلیل تغییر در رژیم‌های حکمرانی در طول زمان به دست آورد (Herbst, 2000, p. 78) حکمرانی محرک کل فعل و انفعالات برای حل مشکلات اجتماعی و موجد فرصت‌های اجتماعی شامل تدوین و کاربرد اصول راهنمای تعاملات و مراقبت از نهادهای فعال یا کنترل آن‌ها می‌باشد (Kooiman and Jentoft, 2009, p.824) حکمرانی اشاره به تشکیل و نظارت قوانین رسمی و غیر رسمی بر تنظیم عرصه عمومی، عرصه‌ای که دولت و همچنین اقتصاد و اجتماع بازیگران کنشگر تصمیم‌گیری هستند (Hyden and Mease, 2004, p. 57) و چگونه قوانین عملیاتی به نتایج (batterbury, 2006, pp. 1856-1857) خاص منجر می‌گردند، دارد حکمرانی می‌تواند به وجود روابط قدرت بین دولت و جامعه مدنی اشاره داشته باشد (Beall, 2005, p.258; Harris and Tomquist, 2004, p. 78). کمپسیون حکمرانی جهانی، حکمرانی را این‌گونه تعریف کرده است: حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های گوناگون افراد و نهادهای عمومی و خصوصی است که امور مشترکشان را اداره می‌کند. حکمرانی فرایندی پیوسته است که از طریق آن، منافع متضاد یا متنوع تطبیق می‌یابد

و کنش‌های همکارانه انجام می‌شود. حکمرانی نهادهای رسمی و نظام‌هایی است که برای اعمال تعهدات، قدرت یافته است. همچنین تمهیدات غیر رسمی را شامل می‌شود که افراد و نهادها درباره آن توافق کرده‌اند یا درک می‌کنند که وجود آن‌ها به نفعشان است (Streeten, 2007, p. 39). هنگامی که از واژه حکمرانی برای بحث درباره حکومت و بخش عمومی استفاده می‌کنیم، منظور بنیان‌های نهادی اقتدار عمومی و تصمیم‌گیری است. در این وضعیت، واژه حکمرانی نهادها، نظام‌ها، قواعد بازی و سایر عواملی را شامل می‌شود که مشخص می‌کنند چگونه تعاملات سیاسی و اقتصادی، ساختارمند می‌شود، چگونه تصمیم‌ها گرفته می‌شود و منابع اختصاص می‌یابد (Grindle, 2010, p.37). در عصر نظارت بر دموکراسی، جهت تکامل و گذر از عصر نظارت بر دموکراسی به عصر مشارکت، نیاز به نوآوری بیشتری وجود دارد که در آن برای ایجاد یک حکمرانی دموکراتیک سالم راه‌های جدید برای تعامل شهروندان ترویج می‌شود (Farzmand, 2012, p.238; Balestri, 2013, p. 8).

تأثیر جهانی‌شدن بر حکمرانی

عصر کنونی جهانی‌سازی نشان‌دهنده یکی از مهم‌ترین پدیده‌های تاریخی با مفاهیمی برای شکل دادن به ساختار اقتصادی تولید و توزیع، تشکل‌های دولتی و روابط بین دولت‌ها، الگوهای هنجارهای فرهنگی و شیوه زندگی و شیوه‌های تولید دانش و تبادل اطلاعات است.

در مقایسه مراحل دوران استعمار و استعمار قدیم محل تلاقی و تعامل استعمار فراملی است که فاز معاصر جهانی‌شدن توسط فرازمند به‌عنوان جهانی‌شدن غارتگرانه تحت نظام سرمایه‌داری و سرمایه‌داری چپاولگرانه تفسیر شده که گسترش آن از نظر دامنه، تأثیرات چندبعدی و سرعت بی‌سابقه، شدت و پیچیدگی در سراسر جهان قابل توجه است (Farzmand, 2012, p. 498; Haque, 2004, p.541)؛ بنابراین، جهانی‌شدن به‌طور گسترده‌ای به «مفهوم اصلی زمان ما» به رسمیت شناخته شده و پیامدهای آن برای اقتصاد، جامعه، سیاست، فرهنگ و محیط زیست به‌طور جدی در رشته‌های متنوع دانشگاهی مانند اقتصاد، جغرافیا، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و فلسفه مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Kim, 2012, p. 10).

165, p.2011). با این حال، یک گفتمان به نسبت کافی در رشته اداره عمومی در خصوص مفاهیم ضمنی بسیار مهم و اساسی عامل جهانی شدن برای شکل دادن به حکمرانی عمومی وجود دارد؛ اما مطالعات اندکی برای ارائه تفسیر جامع تر از جهانی شدن و پیامدهای نامطلوب آن برای دولت‌های عمومی صورت گرفته است (Farazmand, 2006, p. 23; Jreisat, 2009, p.48; Farazmand, 1999, p.520). فرازمنند تحقیقات گسترده‌ای را در رابطه با علل، بازیگران و پیامدهای جهانی شدن، به‌ویژه با توجه به تغییر نقش و ساختار دولت و مدیریت عمومی انجام داده است (Farazmand, 2001, p.458; Farazmand, 2002, p.365). تعدادی از عوامل مؤثر و نیروهای شتاب‌دهنده فرایند جهانی شدن عبارت‌اند از: فناوری، نوآوری، فشارهای نظامی و سیاسی و جنگ‌های سازمان ملل بر کشورهای جهان سوم، سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق به‌عنوان یک جایگزین سیستم قدرت جهان، نقش تبلیغات ایدئولوژیک غرب، نقش آژانس‌های سازمان ملل مانند صندوق بین‌المللی پول^۱، بانک جهانی^۲ و سازمان تجارت جهانی^۳؛ کمک‌کنندگان بین‌المللی، از جمله USAID، افزایش انتظارات شهروندان، از جمله خواسته‌های کارگری برای به اشتراک گذاری قدرت در مدیریت و دموکراسی سازمانی و در دسترس بودن جدید نیروی کار ارزان در گروه جنسیتی و نژادی در سراسر جهان (Farazmand, 2012, p.239; Hoffmann, 2006, p.44). مفهوم «جهانی شدن» سرشار از تفسیرهای متعدد است که به تمرکز تحلیل (فرآیند، ساختار و پیامدها) عناصر تشکیل دهنده آن (سرمایه، دولت، مردم، ایده‌ها و فناوری) و حوزه آن (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) بستگی دارد. در حقیقت، جهانی شدن یک فرایند یکپارچه‌سازی ملت‌ها، جوامع و مردم در حوزه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ، ایدئولوژی و دانش است که از طریق شبکه‌های فراملی سرمایه، تولید، ارز، فناوری و اطلاعات که تحت مالکیت و کنترل نامساوی سازمان‌ها و گروه‌ها و افراد قرار می‌گیرند تحقق می‌یابد (Haque, 2013, p.13). باید تأکید کرد که در میان ابعاد اصلی جهانی سازی (اقتصاد،

1 IMF

2 WB

3 WTO

سیاست، ایدئولوژی، فرهنگ، زبان، دانش و اطلاعات) اقتصادی به‌عنوان عامل مرکزی نقش ایفا می‌کند (Tillah, 2005, p.78). واقعیت این است که اکثر اثرات ملموس جهانی شدن در قلمرو اقتصادی (تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری خارجی، جریان سرمایه) روی می‌دهد، اما این امر یکی از علت‌ها بوده و دلیل اصلی این است که فرآیند جهانی شدن تا حد زیادی متکی بر نیروهای بازار بوده، رهبری و مدیریت قدرت اقتصادی جهان با هدایت ایدئولوژی سرمایه‌داری است (Mitrovic, 2008, p.183).

حدود یک‌دهه پیش، با شتاب گرفتن فرآیند جهانی شدن، شاهد توسعه جنبش مردمی در سراسر دنیا بر ضد globalization جهانی شدن بودیم. این یک جنبش جهانی است که با هدف کاهش اثرات منفی جهانی شدن مانند تخریب محیط زیست، غارت اقتصادی، فقر، کارهای اجباری، کار کودکان و دستمزد برده‌داری صورت گرفته است (Farazmand, 2004, p. 32). در سال ۲۰۱۲ میلادی، جنبش‌های سرمایه‌داری دو برابر شده است که افزایش تظاهرات اقتصادی و سیاسی در جهان و بحران سرمایه‌داری گواه بر این امر است (Farazmand, 2012, p.238). مفهوم «حکمرانی» به‌طور مستقیم به ظهور جهانی شدن در عصر حاضر مرتبط است، «یک فرآیند که از طریق آن در سراسر جهان، یکپارچه‌سازی در حال وقوع است» (farazmand, 1999, p.518) و اداره عمومی در عمل نقش ناظم مرکزی را دارد (Farazmand, 2004, p. 34; Farazmand, 2012, p.239; Farazmand, 2009, p.1017).

نوع‌شناسی حکمرانی

دو مبنا در زمینه حکمرانی به‌عنوان مبانی غالب، همواره مورد توجه بوده است. این دو یکی مکتب لیبرالیستی و دیگری مکتب کمونیستی است. مکتب لیبرالیستی یا سرمایه‌داری منادی دولت کوچک بوده و بخش خصوصی را عامل توسعه قلمداد می‌کند. برعکس مکتب کمونیستی در گذر به غایت تاریخ، به دولتی‌سازی افراطی تأکید دارد. این دو شیوه حکمرانی طیفی را تشکیل می‌دهند که از نقش مطلق بخش دولتی تا کمترین نقش برای دولت در نوسان است.

میتنزیگ (۱۹۹۸ م) حکمرانی را در قالب پنج مدل بررسی می‌کند: حکمرانی به‌مثابه ماشین: در این مدل حکمرانی، مانند ماشین تلقی می‌شود که از طریق قوانین و مقررات و استانداردها اداره می‌شود. این مدل با مدل سنتی بوروکراسی سازگار بوده و هسته اصلی آن را «کنترل» تشکیل می‌دهد. روابط در آن سلسله‌مراتبی بوده و انعطاف‌ناپذیری و فقدان پاسخگویی از ویژگی‌های آن می‌باشد. حکمرانی به‌مثابه شبکه‌های ارتباطی؛ در این شیوه انعطاف‌پذیری و آزادی عمل جای کنترل همه‌جانبه و سلسله‌مراتبی را گرفته و حکومت به مانند شبکه پیچیده‌ای از روابط در نظر گرفته می‌شود که از طریق برقراری شبکه‌های ارتباطی به حل مسائل می‌پردازند. حکمرانی مبتنی بر کنترل عملکرد؛ که تأکید بر تعریف شاخص‌های عملکرد و اندازه‌گیری دقیق آن دارد؛ حکمرانی مبتنی بر حداقلی کردن بخش دولتی؛ در این مدل اعتقاد بر حداقل دخالت دولت در امور و به عبارتی دیگری بی‌دولتی است. طرفداران این مدل به خصوصی‌سازی افراطی تأکید دارند؛ حکمرانی مبتنی بر کنترل قانونی؛ این شیوه ریشه در ارزش‌ها، باورها و عقاید دارد (Mintzberg, 1996, p.75). اریک لن (۱۹۹۴ م) با بررسی ویژگی‌های بخش دولتی و رویکرد بازار، مدیریت دولتی را به‌عنوان روش مناسب حکمرانی پیشنهاد می‌کند (Lane, 1994, p. 148). فرل هدی (۱۹۹۵ م) از چهار شیوه حکمرانی مشارکتی، حکمرانی انعطافی، حکمرانی آزاد و حکمرانی مبتنی بر مقررات‌زدایی بحث می‌کند (Heady, 2001, p. 77). رودز (۱۹۹۶ م) نیز از شش روش حکمرانی به‌مثابه دولت حداقل، حکمرانی به‌مثابه حکمرانی شرکت‌ها، حکمرانی به‌مثابه مدیریت دولتی نوین، حکمرانی به‌مثابه «حکمرانی خوب»، حکمرانی به‌مثابه سیستم سایبرنتیک اجتماعی و بالاخره حکمرانی به‌مثابه شبکه‌های خود سازمانده‌یاد می‌کند (Rhodes, 1996, p. 88). پورعزت (۱۳۹۰ ه.ش) در رصد هویت اداره دولت و حکومت از سنتزهای قاتلی بحث می‌کند که در چالش‌های مستمر خود تر و آنتی‌تر را تحت تأثیر قرار داده‌اند. بدین ترتیب که پس از اولین کنفرانس مینوبوروک با فراخوانی والدو با مقاله فردریکسون، اداره دولتی نوین شکل می‌گیرد که مبانی رویکرد سنتی اداره دولتی را به باد انتقاد گرفته و نوعی تضاد دیالکتیکی را نمایان می‌سازد و حاصل این تضاد دیالکتیکی، شکل‌گیری سنتزهای متفاوت در قالب

رویکردهای مدیریت دولتی نوین، حکومت کارآفرین/بازآفرینی حکومت، حکومت الکترونیک، حکمرانی خوب، خدمات دولتی نوین و حکمرانی سالم می‌شود و انتخاب عنوان سنتزهای قاتل از آن روست که این سنتزها تا حد زیادی موجب فراموشی تز و به‌ویژه آنتی‌تزی شدند که عامل ایجاد و توسعه مبانی آن‌ها بودند (Pourezzat, 2011, p. 76). برخی از مفاهیم که اغلب در خصوص حکمرانی یا حکومت در طول دو و نیم دهه گذشته استفاده می‌شود عبارت‌اند از: حکمرانی خوب، دولت کارآفرین، دولت رقابتی، حکمرانی مبتنی بر بازار، حکمرانی اقتصادی، **مناحکمرانی**، حکمرانی سیاسی و اجتماعی، حکمرانی مشارکتی، حکمرانی قانونی، حکومت سکاندار در مقابل حکومت پارو زدن و مانند آن. ویژگی‌های کلیدی تمام این مفاهیم این ادعا در رد اشکال سنتی استبداد است (Farazmand, 2004, p. 21; Farazmand, 2012, p. 237)، حتی پایه‌های اصلی منبع فکری مدیریت عمومی نوین به‌طور مستقیم از نظریه انتخاب عمومی سرچشمه می‌گیرند که در برابر بوروکراسی تجویز شده است (Mongkol, 2011, p.41). ارائه خدمات عمومی از طریق سازمان‌های دولتی و هزینه‌های سرمایه اجتماعی، در حمایت از خصوصی‌سازی، مصرف‌گرایی، فردگرایی و بیشتر مخارج دولت نظامی امنیتی برای ترویج سیستم سرمایه‌داری شرکت‌های بزرگ است. گروه دوم از مفاهیم حکمرانی در نوشته‌های دانشمندان اجتماعی دیده می‌شود همچنین در پروژه‌های سازمان ملل متحد که شامل حمایت‌ها، سمینارها و کارگاه‌های آموزشی در سراسر جهان است (Farazmand, 2004, p.31; Farazmand, 2012, p.240).

حکمرانی خوب از ایده تا عمل

به دلیل ظهور هم‌زمان مفهوم حکمرانی و حکمرانی خوب و استعمال آن به‌جای هم و نیز تلقی از حکمرانی خوب به معنی حکمرانی مبتنی بر قانون، ابهام در تعریف حکمرانی مشمول عبارت حکمرانی خوب نیز می‌شود. حکمرانی خوب مفهومی است که اخیراً در علوم سیاسی، مدیریت دولتی و به‌ویژه در مدیریت توسعه وارد شده است و با مفاهیم و عبارت‌هایی چون دموکراسی، جامعه مدنی، مشارکت عمومی، حقوق انسانی و توسعه

اجتماعی و پایدار معنی می‌شود (Okot-Uma and London, 2000, p.5). نظریه‌پردازان معتقدند که حکمرانی خوب مفاهیمی چون مشارکت، شفافیت و پاسخگویی را نیز در کنار دیگر مشخصه‌ها مورد توجه قرار می‌دهد. در برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب شامل مکانیزم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را محقق و تعهدات خود را برآورده می‌سازند. بانک جهانی نیز شاخص‌هایی چون حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان آشوب، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد و انتخابات آزاد و منصفانه را برای سنجش حکمرانی خوب در کشورها استفاده کرده است. کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه، شاخص‌های حکمرانی خوب را بر اساس ویژگی‌های مشارکتی، مبتنی بر اجماع، پاسخگو، شفاف، مسئولیت‌پذیر، منصفانه، کارا، مؤثر و مبتنی بر حاکمیت قانون تعریف نموده است (Kaufmann, 2007, p.113).

حکمرانی خوب به ساختارهای نهادی و منابع اقتصادی قابل دسترس بستگی دارد. در برخی موارد، ساختارهای دولتی متمرکز، کارآمدی لازم را ندارند و در مواردی ساختارهای غیر متمرکز نامناسب و ناکافی هستند؛ بنابراین در برخی موارد حکمرانی خوب از طریق رویکردهای مشارکتی و عدم تمرکز به دست می‌آید و در مواردی دیگر به وسیله ساختار دولتی متمرکز حاصل می‌شود؛ بنابراین ساختار جهان‌شمولی وجود ندارد که در همه موقعیت‌ها کاربرد داشته باشد (Roy and Tisdell, 1998, p.1318).

اقتصاددانان از زمان آدام اسمیت می‌دانستند که ویژگی‌هایی مانند شفافیت، کارآمدی، برابری حقوقی، فساد کم و مشارکت برای حکومت‌ها اهمیت دارد، اما موضوع اصلی، شیوه دستیابی به آن است که اطلاعات اندکی درباره آن داریم این عدم شناخت باعث شده است در زمینه خط‌مشی‌گذاری نیز مشکلاتی وجود داشته باشد (Rodrik, 2008, p. 18). حکمرانی خوب، اثر مثبتی بر رشد اقتصادی و توسعه دارد، اما دانش اندکی درباره شیوه این وضعیت درباره دستیابی به حکمرانی خوب وجود دارد (Acemoglu, 2008, p.7). از جمله دلایل عملی نشدن و ناموفق بودن آن، تقدم و تأخر استفاده از این نظریه در دو گروه

کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته تلقی بوده، که حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال طول کشید تا غرب به بستری برای تحقق حکمرانی تبدیل شود. در حالی که آن‌ها انتظار دارند کشورهای در حال توسعه بدون پیمودن این مسیر استراتژی حکمرانی خوب را اجرا نمایند غافل از اینکه برای مثال وضعیت ۱۸۵۰ میلادی، بریتانیا شبیه وضعیت امروز هند و وضعیت ۱۸۷۵ میلادی، ایتالیا شبیه وضعیت امروز پاکستان بود. در نتیجه انتظار موفقیت حکمرانی خوب در این کشورها انتظاری غیر واقعی است. دلیل دیگر اینکه بسترهای نهادی این کشورها با استاندارد جهانی فاصله زیادی داشته و ارتباط نزدیکی با حکمرانی خوب ندارد. در نتیجه حکمرانی خوب در عمل به‌عنوان روشی برای دستیابی به جامعه پایدار با مشکلاتی مواجه است؛ بنابراین نمی‌توان به صراحت گفت که حکمرانی خوب موجب توسعه می‌شود (Hong, 2002, p. 27).

کلیمنز به ابعاد اخلاقی و فنی در حکمرانی خوب اشاره کرده است. تعریف مفهوم خوبی با توجه رویکردهای غیر شناختی و رویکرد شناختی در مکاتب اخلاقی نیز یکی از مباحث مطرح هست در این امتداد نگاره یک قابل ارائه می‌باشد.

نگاره ۱. مقایسه مکاتب اخلاقی

محتوای مکتب	مکاتب فلسفی	رویکردها
<p>تحصل‌گرایی منطقی (دیوید هیوم): ✓ قضایای اخلاقی فاقد اعتبارند. موثر بودن گزاره‌های اخلاقی نسبی‌گرایی (توماس هابز): ✓ خیر و شر خصیصی نسبی دارد و هر آنچه موافق امیال و خواهش‌های انسان باشد خوب است.</p>	<p>۱. تحصیل‌گرایی منطقی ۲. نسبی‌گرایی</p>	<p>غیرشناخت‌گرایی: اوصاف اخلاقی نسبی با عالم واقع ندارند. در نتیجه معرفت اخلاقی حاصل نخواهد شد.</p>
<p>طبیعت‌گرایی (جرمی بنتام): ✓ خوبی و صفتی خارجی، طبیعی و قابل تعریف است. شهودگرایی: ✓ وجود خوبی و غیرقابل تعریف بودن آن، ترتب و تعمیم‌پذیری. کشف اصول اخلاقی از طریق شهود استقرایی. شهودگرایی کلاسیک (جرج ادوارد مور): ✓ خطاناپذیری در شهود اوصاف سبک اخلاقی. شهود اوصاف اخلاقی امری کاملاً ذهنی و شخصی است شهودگرایی معتدل (رابرت آتودی): ✓ احتمال خطا‌پذیری در کشف اوصاف سبک اخلاقی. بین‌الذهانی بودن کشف اوصاف سبک اخلاقی.</p>	<p>۱. طبیعت‌گرایی: ✓ نتیجه‌گرایی ✓ فایده‌انگاری ۲. شهودگرایی: ✓ شهودگرایی کلاسیک ✓ شهودگرایی معتدل</p>	<p>شناخت‌گرایی: اوصاف اخلاقی نسبی با عالم واقع دارند و قابل کشف‌اند.</p>

منبع: (دباغ و نفری، ۱۳۸۸، ۱۲)

ناکارآمدی مفهوم حکمرانی و حکمرانی خوب در نتیجه دو عامل است: یکی اینکه تعامل فقط سه نیرو یا عنصر به نظر در حکمرانی خوب مشارکت دارند، تعامل میان دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی. شاید از مهم‌ترین نیروهای تأثیرگذار در دولت‌های در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته غافل شود یعنی ساختارهای قدرت بین‌المللی / جهانی، قدرت دولتی جهانی‌سازی و برگزیدگان شرکت‌های جهانی که مایل به دیکته سیاست‌ها بر دیگر ملت‌ها هستند. این نیروی بین‌المللی استعمارطلبی قرن ۱۹ را به امپریالیسم جدید در قرن ۲۰ و ۲۱ تبدیل کرده است، این دخالت از طریق فناوری، مداخلات سیاسی، اقتصادی و نظامی در طول هفتاد سال گذشته بوده است و اینکه حکمرانی در کشورهای در حال توسعه بیشتر تحت تسلط این قدرت‌های جهانی بوده و کمتر در دست جنبش‌های داخلی بوده است، این منطقی زور و تحمیل به جای احترام دو طرفه است که جهان و بین‌الملل و فرایندهای داخلی حکومت را اداره می‌کند. حتی سازمان ملل متحد تبدیل به یک ابزار برای

این منطق در حکومت جهانی شده است (Farazmand, 2012, p.18; Farazmand, 2004, p. 240).

در تضاد دیالکتیک اداره دولتی سنتی و اداره دولتی نوین پنج سنتز متفاوت که در چالش‌های مستمر خود، تز و آنتی‌تز را تحت‌الشعاع خود قرار دادند؛ مطرح گردیدند: مدیریت دولتی نوین، حکومت کارآفرین/بازآفرینی حکومت، حکومت الکترونیک، حکمرانی خوب و خدمات دولتی نوین (پورعزت، ۱۳۹۰، ۲۶۰). در همین امتداد در ارزیابی رویکردها و نظریه‌های اداره و حکمرانی مهم‌ترین کارکردهای دانش اداره عبارت‌اند از:

الف) تعریف مختصات سیستم اداری آرمانی

ب) حل مشکلات اداری جامعه، اینجا و اکنون

در رویکرد سنتی، دیدگاه وبر معطوف به طراحی سازمان آرمانی بود، در حالی که رویکرد ویلسون، تیلور و مایو معطوف به حل مسئله اداره در ساحت‌های سیاست، اجرا و روابط انسانی بود. در رویکرد اداره دولتی نوین، مسیرهایی به سوی کشف الگوی آرمانی اداره رونمایی شد. وعده اداره برابرگرا، شفاف، پاسخگو و حساب‌پس‌ده و مشتری‌مداری با اهداف اداره نو هم‌نوا می‌شد. رویکرد مدیریت دولتی نوین، تقلید از بازار، آرمان دانش مدیریت تلقی می‌شد و راهکارهای مدیریت بخش خصوصی، ابزارهایی کارآمد و مشکل‌گشا به حساب می‌آمدند. از رویکرد حکومت کارآفرین، ابداع و نوآوری مستمر و پویا، آرمان حکومتی تسهیل‌گر، پاسخگو و بازارگرا تلقی می‌شد و سازوکار بازار مشکل‌گشای سازمان بود در رویکرد حکمرانی خوب، حاکمیت قانون، شایسته‌سالاری، تمرکززدایی و مبارزه با فساد آرمان است و قراردادگرایی و به پیمان‌سپاری ابزار نیل به آن در انگاره آرمانی رویکرد حکومت الکترونیک، انسان و تمایلات انسانی از فراگرد اداره و حکمرانی حذف می‌شد تا حکومتی سریع، خدمت‌رسان، شفاف و تبعیض‌زدوده نمایان شود و راه‌حل‌های الکترونیکی، حل‌کننده همه مشکلات اداری تلقی می‌شد. در رویکرد خدمات دولتی نوین، تحقق حاکمیت شهروندان آگاه، هدفی آرمانی محسوب می‌شد

استفاده از خدمت به مثابه ابزار کسب منزلت در اولویت قرار می‌گرفت (پورعزت، ۱۳۹۰، ۲۷۴).

حکمرانی سالم

مفهوم «حکمرانی سالم» به‌عنوان یک جایگزین برای حکمرانی خوب در کتاب فرازمند با عنوان حکمرانی سالم معرفی و دلایل زیر را برای این جایگزینی مطرح می‌نماید. اول، آنکه جامع‌تر از هر مفهوم دیگر است و عناصر مهم جهانی و بین‌المللی حکمرانی را شامل می‌شود. دوم، شامل ویژگی‌های هنجاری و همچنین فنی و منطقی از حکمرانی خوب است. با این حال، آن یک دیدگاه متعادل از حکمرانی را ارائه می‌دهد که کمتر جانب‌دارانه بوده و ویژگی‌های واقعی از سیستم حکمرانی بومی را دارد. سوم مفهوم حکمرانی سالم تمام ویژگی‌های با کیفیت، حکمرانی را نسبت به حکمرانی خوب دارا بوده و از لحاظ فنی، حرفه‌ای، سازمانی، مدیریتی، سیاسی، دموکراتیک، اقتصادی و از نظر ظرفیت و رفتار پیش‌بینی‌کننده سالم است، در شخصیت، حساب‌پس‌دهی و شایستگی دموکراتیک‌تر می‌باشد و ارزش‌های فرهنگی آن در ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی تعبیه شده است. چهارم، حکمرانی سالم با ارزش‌های قانون اساسی در توافق بوده و به هنجارهای بین‌المللی، قوانین و رژیم پاسخگوست. پنجم، مفهوم حکمرانی سالم منشأ باستانی در اولین امپراتوری دولت ایران در زمان داریوش و کوروش بزرگ با سیستم اداری بسیار کارآمد و مؤثر جهانی دارد، «هیچ امپراتوری بدون یک اقتصاد سالم و اداره و سیستم‌های اداری سالم»، نمی‌تواند موفق باشد و امپراتوری فارسی در حوزه‌های اقتصادی، مدیریتی و سیاست سازمانی و بازسازی حکومت و نظام اداری خود نه تنها با وجود گستردگی سرزمین موفق بود، بلکه در کنترل سیاسی خود و پاسخ به بحران‌های غیر منتظره و شرایط اضطراری کارآمد ظاهر شد و مدیریت استراتژیک و ساختار دولت به‌خوبی اداره و مدیریت یک امپراتوری جهانی را پوشش داده بودند (Farazmand, 2004, p.10; Farazmand, 2004, p. 18).

اگرچه مفهوم باستانی حکمرانی سالم، در مقایسه با استانداردهای معاصر نیست، پذیرش آن با اصلاحات ساختاری واقعی و عمیق در امور مالی، مدیریت، ارتباطات حقوقی و محلی، بر اساس اصل اصیل «دامنه تغییر» حکومت، ایده این نام‌گذاری بوده است (Farazmand, 2004, p.11; Farazmand, 2012, p. 235). مفهوم حکمرانی سالم فراتر از همه مفاهیم دیگر حکمرانی‌های شامل پنج بعد اصلی و چهار عنصر تعاملی است (Farazmand, 2004, p.11).

حکمرانی در اینجا عبارت است از مشارکت در فرایند حاکم بر امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک کشور، ایالت و یا جامعه محلی از طریق ساختارها و ارزش‌هایی که آینه جامعه است. این شامل دولت به‌عنوان یک نهاد توانمند، چارچوب قانون اساسی، جامعه مدنی، بخش خصوصی و ساختار نهادهای بین‌المللی / جهانی در این محدوده است و حکمرانی سالم در نتیجه ورود و مشارکت و تعامل در یک محیط ملی و بین‌المللی به‌طور فزاینده‌ای پیچیده، متنوع و پویا است (Farazmand, 2004, p.11; Farazmand, 2012, p. 235).

حکمرانی سالم متشکل از چند جزء اصلی یا بعد است. به‌عنوان عناصر پرجنب‌وجوش از یک سیستم پویا، این عناصر ساختاری در تعامل پویا با یکدیگر، یک وحدت منحصربه‌فرد با تنوع داخلی، پیچیدگی، هماهنگی و شدت تشکیل داده و در چالش‌های خارجی، محدودیت‌ها و فرصت‌ها عمل می‌کنند. هر دو ویژگی پویایی داخلی و خارجی باعث برقراری ارتباط مداوم و پویا نگه‌داشتن سیستم حکمرانی از نظر جهت و اقدامات در راستای اهداف می‌گردد (Farazmand, 2004, p.12; Farazmand, 2012, p. 235). حکمرانی سالم دارای ابعاد مختلف است. این ابعاد شامل:

(۱) فرآیند: که عبارت از یک فرایند حاکم با تعامل همه عناصر و ذینفعان است. این بدین معنی است که حکمرانی خوب سبب بهبود است، اما برای چه کسی و از چه منظر؟ حکمرانی سالم فقط در مورد فرآیندهای داخلی و خارجی نیست، بلکه دارای یک ساختار است.

(۲) ساختار: ساختار، بدنه عناصر تشکیل دهنده است، بازیگران، قوانین، مقررات، دستورالعمل‌ها، چارچوب تصمیم‌گیری، منابع معتبری که تحریم‌کننده یا مشروعیت‌بخش فرآیند حکمرانی است. این ساختار به هر دو صورت عمودی و افقی شکل گرفته و عمل می‌کند و توسط بسیاری از عوامل و نیروهای داخلی و خارجی، داخلی و بین‌المللی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

(۳) شناخت و ارزش‌ها: بعد شناختی یا ارزشی، نشان‌دهنده سیستم ارزشی منحصربه‌فرد یا منحرف ساختار حکمرانی یا فرآیند است. حکمرانی سالم، ارزش سالم و پویا را که زیربنای ابعاد آن ساختار و فرآیند است، می‌پروراند.

(۴) قانون اساسی: بعد مهم حکمرانی و حکمرانی سالم قانون اساسی حکومت و سیستم حکمرانی است. قانون اساسی، سند اساسی هدایت است که به‌عنوان یک طرح مبنایی برای حکمرانی است.

(۵) سازمان و نهاد: یکی دیگر از ابعاد حکمرانی سالم اجزاء و خواص سازمانی و نهادی است. ساختار حکمرانی و فرایند و نیز خط‌مشی‌ها در سازمان‌های حکومتی به نهادها بستگی دارد و بدون نهادها حکمرانی سالمی وجود نخواهد داشت.

(۶) مدیریت و عملکرد: ابعاد مدیریتی و عملکرد با حکمرانی سالم به‌طور مستقیم در ارتباط است. آن‌ها بخش جدایی‌ناپذیر از کل سیستم می‌باشند؛ اما عملکرد صرف کافی نیست بلکه باید به اهداف و نتایج مورد نظر منجر شود، نتایجی که به مشروعیت سازمان و سیستم می‌انجامد.

(۷) خط‌مشی: بعد خط‌مشی حکمرانی سالم، به عناصر و ابعاد فرایند، ساختار و مدیریت راهنمایی، جهت و راهبری سالم می‌دهد. دو نوع از خط‌مشی به‌منظور اداره امور سالم وجود دارد؛ یکی خارج سازمان‌های فردی حکمرانی است و آن از مقامات قانونی، سیاسی و قضایی به نمایندگی از اراده مردم می‌آید. این نوع خط‌مشی‌ها به سازمان‌ها و نهادهای حکمرانی برای رسیدن به اهداف و مقاصد مورد نظر راهنمایی و جهت می‌دهند. نوع دوم خط‌مشی داخل سازمان‌ها و مؤسسات فردی حکمرانی است و خط‌مشی سازمانی،

مجموعه راهنمایی راهبری است که تعریف و تعیین قوانین، مقررات، رویه‌ها و ارزش‌ها است که برای مدیریت عملکرد سازمانی به سمت رسالت و اهداف مورد نظر حکمرانی سالم استفاده می‌شود.

(۸) نیروهای بین‌المللی و یا جهانی شدن: ابعاد بین‌المللی و یا جهانی شدن به‌عنوان یک بعد بسیار مهم حکمرانی سالم است.

(۹) اخلاق، حساب‌پس‌دهی، مسئولیت‌پذیری و شفافیت: قابلیت‌های کلیدی حکمرانی سالم پایه و اساس اصولی خود را بر ارزش‌های اخلاقی، الزامات پاسخگویی و شفافیت ساختارها و ارزش‌ها بنا نهاده است. این اصل اساسی بازبینه‌های حکمرانی سالم در برابر سوء استفاده بالقوه و فساد سیستم و همچنین در برابر اصول کورکورانه کارایی و اقتصاد خالص در مدیریت و فرآیندهای اداره می‌باشد.

(۱۰) مشارکت و تعامل شهروندان: حکمرانی سالم متکی بر تعامل شهروندان، مشارکت شهروندان در فرم‌های مختلف سازمانی و سیاسی نهادینه شده است. بدیهی است که این‌ها بستگی به سطح مطالبات اداره حکمرانی محلی برای دخالت مستقیم و غیر مستقیم شهروندان در فرایند حکمرانی سالم دارد. در سطح ایالتی یا استانی، مشارکت شهروندان غیر مستقیم است، اغلب نظرات به‌واسطه نمایندگی سازمان‌ها و مؤسسات، بیان می‌گردد. در سطح ملی، حکمرانی به صورت توابع مختلف شکل می‌گیرد و نیاز به درگیری‌های مختلف شهروندان است. در نهایت، حکومت جهانی مجموعه‌ای کامل از اشکال مختلف نهادی، سیاسی و اقتصادی حکمرانی را در برمی‌گیرد. هر یک از این ابعاد هماهنگ با دیگر بعدها کار می‌کند مانند یک ارکستر، با رهبری سالم و مشارکت پویا از عناصر تعاملی و یا اجزای مذکور که کیفیتی فراتر از انتظارات به سیستم حکمرانی می‌دهد (Farazmand, 2004, pp.14-17; Farazmand, 2012, pp. 236-238). سطوح حکمرانی، شامل محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین سطح جهانی می‌شود. در عصر جهانی شدن، همه این سطوح حکومت به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به هم مرتبط هستند؛ به‌عنوان مثال، در حالی که مسائل مربوط به فقر، بهداشت و مهاجرت نگرانی‌های

جهانی هستند، آن‌ها همچنین در حکمرانی محلی و ملی اثر می‌گذارند (Farazmand, 2004, pp. 17).

نوآوری کلید حکمرانی سالم است، نوآوری در خط‌مشی و اداره، هسته حکمرانی می‌باشد. بدون خط‌مشی و نوآوری‌های اداری، حکمرانی به فساد، عدم کارایی و سقوط نیل کرده، ظرفیتش را برای حکومت از دست داده و به انتقاد و شکست می‌انجامد (Farazmand, 2012, pp. 239). نوآوری‌های خط‌مشی در حکمرانی برای انطباق و سازگاری با تغییرات سریع محیطی جهان تحت جهانی‌شدن ضروری است. این نیز برای شکل‌گیری و افزایش ظرفیت حکومت و حکمرانی سالم مهم است. عدم نوآوری به معنای عدم انطباق، عدم ایجاد ظرفیت و حکومت غیر مؤثر است (Farazmand, 2004, p.29). بدون سیستم اداری و یا مدیریتی نوآورانه و سازگار، سیاست‌های نوآورانه محکوم به شکست هستند. خط‌مشی‌های ابتکاری بدون سازمان و ظرفیت برای پیاده‌سازی آن بی‌معنی است و بدون اجرای و اداره سالم، حکمرانی سالمی وجود نخواهد داشت؛ بنابراین، خط‌مشی و اداره نوآوری، کلید حکمرانی سالم به‌ویژه در عصر جهانی‌شدن و تغییر سریع هستند (Farazmand, 2012, pp. 239). نوآوری‌های خط‌مشی و اداره شامل بسیاری از نوآوری‌های مدیریتی، نهادی، سازمانی، فرهنگی و فناوری به‌منظور انطباق و خلق و ایجاد ایده‌ها که فرایند و ساختار حکمرانی را متحول می‌کنند، می‌شود (Farazmand, 2004, p.29). ابعاد و ویژگی‌های حکمرانی سالم بیشتر به ایجاد و افزایش ظرفیت‌های مدیریتی، اداری و حکمرانی، نه تنها برای حفظ عملکرد بالا و همچنین در یک روش پیش‌بینی، به‌منظور رویارویی با چالش‌های جهانی‌شدن کمک می‌کنند (Farazmand, 2012, pp. 239).

حکمرانی متعالیه

داستان حکمرانی تعالی‌گرا، داستان تعهد جدی، آگاهانه، مستمر و مستقل سیستم اجتماعی به سوی تحقق عدالت اجتماعی است که علاوه بر الزامات حکمرانی خوب و حکمرانی سالم، ویژگی‌های زیر را دارد:

استقلال در انتخاب: توسعه پایدار مستلزم انتخاب مستقل و فارغ از اضطراب است. هر انتخاب و از جمله انتخاب نوع حکومت، هنگامی روا و منطبق بر شأن اخلاقی انسان است که با آزادی و اختیار توأم شود.

آگاهی در انتخاب: انتخاب آگاهانه ضامن پایداری انتخاب‌های خوب است.

جدیت در انتخاب: هرچند حکمرانی خوب بر مشارکت عامه تأکید دارد ولی طرحی برای جلب مشارکت جدی عامه و تحقق آن در متن جامعه ندارد، در حالی که نیل به شرایط اجتماعی مطلوب، مستلزم برانگیختگی و جدیت عامه مردم است.

استمرار در انتخاب: هرچند حکمرانی خوب بر قانون و دموکراسی صحه می‌گذارد، تأثیر آهنگ حاکمیت بر اصالت حاکمیت مستمر ملت بر سرنوشت خویش خدشه وارد می‌سازد (خردمندی مردم و اصلاح خردمندانه) در حکمرانی تعالی‌گرا تلاش می‌شود تا با توسعه دموکراسی الکترونیک، امکان بازیابی مستمر آرا عامه فراهم شود (پورعزت، ۱۳۹۰، ۲۸۸).

داستان سیستم خط‌مشی‌گذاری عصرمدار

سیستم خط‌مشی‌گذاری عصرمدار از توسعه ظرفیت جامعه حکایت دارد. جامعه‌ای که در این داستان می‌تواند به‌طور مستمر خود را به‌روز کند، ارتقا دهد و در مسیر تعالی قرار گیرد. توسعه سیستم خط‌مشی‌گذاری چندسطحی در سلسله‌مراتبی از خط‌مشی‌های کلان تا ریز خط‌مشی‌های ضرورت می‌یابد (قطرات باران). برای استمرار دانش‌افزایی در خط‌مشی‌گذاری، طراحی سیستم زه‌کشی مسیر نهرهای خط‌مشی است، به‌طوری که جامعه‌ای برابر و حق‌طلب را به‌طور مستمر مورد حمایت قرار دهد و از هرگونه تمایل عام و خاص به سلطه، اجتناب ورزد، جامعه‌ای که در آن همه آحاد مردم، آگاهانه، مستقل، جدی، مستمر و مشتاق، در مسیر کمال و تعالی قرار گیرند.

حکمرانی تعالی‌گرا و سیستم خط‌مشی‌گذاری عصرمدار باید زمینه روایتگری همگانی و وضع واقعیت بر اساس روایتی رو به تعالی از حکومت و دولت فراهم آید: به‌گونه‌ای که

روند ساخت اجتماعی واقعیت آینده، به‌طور مستمر در معرض اصلاح و بازبینی قرار داشته باشد (پورعزت، ۱۳۹۰، ۲۹۰).

حکمرانی آینده

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن تغییرات سریع، عدم قطعیت و پیچیدگی‌ها به‌طور مرتب در حال افزایش است. با این وجود، روندهای کلان‌اندکی هستند که ما درباره وقوع آن در سال‌های آتی آگاه هستیم. به‌طور کلی ۵ عامل کلان سناریوهای آینده حکمرانی را تحت تأثیر قرار خواهند داد.

(۱). انفجار نوآوری‌های فنی و دانش جدید و پیشرفت‌های فناورانه یکی از عوامل تأثیرگذار بر حکمرانی آینده است (پورعزت، ۱۳۸۹، ۴۷۴ به نقل از دهنارت، ۱۹۹۹). باید بگوییم که اتوماسیون، رباتیک و هوش مصنوعی به‌طور مرتب در حال پیشرفت سریع هستند و ماهیت و تعداد شغل‌های موجود را تغییر می‌دهند.

(۲). ظهور اقتصادها و ساختارهای حکمرانی فراصنعتی است (پورعزت، ۱۳۸۹، ۴۷۴ به نقل از دهنارت، ۱۹۹۹). همچنان که سیستم ارزیابی سیاست‌گذاری و استراتژی اروپایی که در سال ۲۰۱۷ میلادی، نشان می‌دهد، توازن قوا در سیستم جهانی به‌طور قابل توجهی در ۱۰ سال اخیر دگرگون شده و این روند احتمالاً تا سال ۲۰۳۰ میلادی، نیز تداوم می‌یابد، چین حضور جهانی خود را افزایش داده است و روزبه‌روز بیشتر به قدرتی منطقه‌ای بدل می‌شود. روسیه نیز تمایل بیشتری برای مداخله در دیگر کشورها نشان می‌دهد. کشورهای در حال توسعه سریع اقتصادی به‌خصوص کشورهایی که جمعیت کارگری بزرگی دارند، به‌طور مرتب سهم خود را از تولید ناخالصی داخلی در سطح جهانی افزایش می‌دهند. کشورهای در حال توسعه بزرگ‌ترین چالشی که با آن مواجه‌اند، افزایش مداوم شکافشان با کشورهای توسعه‌یافته به دلیل تکنولوژی است. ساختار سیاسی در جهان به طرف چندقطبی شدن در حال حرکت است. همچنین امکان ظهور تنش میان کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در حال توسعه وجود دارد ((Ohno, 2011). در صورت وقوع این دگرگونی در

میان قدرت‌های اقتصادی، ما شاهد ظهور پارادایم جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل خواهیم بود که آینده‌پژوهی آن دشوار است.

(۳). تحولات جمعیت‌شناختی و فرهنگی جوامع هست تغییرات جمعیتی است (پور عزت، ۱۳۸۹، ۴۷۶ به نقل از دنه‌ارت، ۱۹۹۹) که پرسش‌های متعددی را درباره پایداری محیطی، اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آورد. جز استثنای محدود، جمعیت جهان رو به پیری است. در سال ۲۰۱۵ میلادی، تعداد ۹۰۱ میلیون نفر بالای شصت سال در جهان زندگی می‌کردند که ۱۲ درصد کل جمعیت جهان را شامل می‌شد. در سال ۲۰۵۰ میلادی، پیش‌بینی می‌شود که در تمام جهان (به‌استثنای آفریقا) حداقل یک‌چهارم جمعیت بالای شصت سال باشند. چنین چیزی می‌تواند بر اقتصاد، نهادهای مختلف و دولت‌ها فشار وارد کند. زندگی طولانی‌تر بر هزینه‌های درمان، مدل‌های تجارت و نیروی کار تأثیرگذار خواهد بود. حکومت‌ها نیز با کاهش مصرف و فشار فزاینده بر خدمات اجتماعی، مواجه خواهند شد. البته تغییرات جمعیتی بر احتمال وقوع مخاطرات جدی نیز لث‌ر می‌گذارد. قدرتی در حال ظهور با جمعیتی جوان بیشتر مستعد انواع مخاطرات و تهدیدات است. بر اساس گزارش شهرهای جهان سازمان ملل تا سال ۲۰۳۰ میلادی، دوسوم جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (un, 2016).

(۴). فرایند جهانی‌شدن است (پورعزت، ۱۳۸۹، ۴۷۶ به نقل از دنه‌ارت، ۱۹۹۹). به دلیل فرایند جهانی‌شدن، ساختارهای فراملیتی نقش محوری در سال‌های اخیر یافته‌اند. البته آینده این ساختارهای فراملیتی نامطمئن و مبهم است. سیستم‌های حکمرانی جهان از کمبود مشروعیت رنج می‌برند. این مشکل نیازمند تأمل جدی برای یافتن راه حلی برای آن به -منظور جلوگیری از چنددستگی در حکمرانی جهانی است (Zun, 2018).

(۵). فرسایش سطح اعتماد به نهادهایی که به‌طور سنتی برای انطباق با پیامدهای این‌گونه چالش‌ها ساختار یافته‌اند (پورعزت، ۱۳۸۹، ۴۷۷ به نقل از دنه‌ارت، ۱۹۹۹). حمایت‌گرایی، ملی‌گرایی و زوال ساختارهای حکمرانی در جهان نقش اصلی را در آینده

حکمرانی ایفا می‌کنند. فرایندهای تصمیم‌گیری، ساختارها و روایت‌ها نیازمند تغییر هستند؛ اما این نخستین بار نیست که مدل‌های حکمرانی نیازمند بازاندیشی هستند.

بعضی از محققان بر این باورند که مدل‌های تمرکزگرایانه از حکمرانی اعتبارشان را از دست داده و در آینده ما شاهد ظهور مدل‌های غیر تمرکزگرایانه از حکمرانی خواهیم بود که به وسیله سازمان ملل تسهیل خواهد شد (Orban, 2017)، بعضی دیگر اما بر این باورند که روند موجود بر پارادایم جدیدی اشاره دارد که در آن بخش خصوصی و بخش سوم به-طور فعالانه‌تری در سیاست‌ها و ساختارهای حکمرانی جهانی مشارکت خواهند کرد (Muggah and Tiberghien, 2018).

مشخص است که سیستم حکمرانی در جهان باید میان کارآمدی و جذب هرچه بیشتر انسان‌ها توازن برقرار کرده و هیچ گروهی از انسان‌ها را به حاشیه نراند و صداهای هرچه بیشتری شنیده شود (Kawaguchi, 2017) دستیابی به مشارکت عمومی هرچه بیشتر و سهم کردن شهروندان در فرایندهای حکمرانی هدف غایی مهمی در این زمینه است، به خصوص از آنجایی که بیشتر مردم خودشان را به‌عنوان شهروندان جهانی می‌شناسند (Milkoreit, 2017).

نیروهای تعیین‌کننده آینده، ابزارهای بیشتری را در جهت بهتر شدن یا بدتر شدن در اختیار تصمیم‌گیران قرار می‌دهند. آن‌ها روندهای موجود را تقویت کرده و سناریوهای جدیدی را رقم می‌زنند. البته در عین حال چالش‌های جدیدی را نیز می‌آفرینند (Pomares, 2018).

نتیجه‌گیری

استفاده از واژه حکمرانی اخیراً افزایش یافته و بعضی از نویسندگان با ارائه آمار به کار رفته در خصوص واژه حکمرانی آن را دارای معانی متفاوت قلمداد و حتی برای گریز از سردرگمی پیشنهاد تعریف بر مبنای دیدگاه خود را متناظر با هدف نویسنده ارائه می‌نمایند (Dixit, 2009, p.29). تنوع در مفاهیم دولت و حکمرانی در طول دودهمه گذشته نشان‌دهنده دیدگاه‌های مختلف مفهومی و ایدئولوژیک در حکمرانی و دولت است. این

دیدگاه‌ها می‌توانند برای مقاصد خاصی به کار گرفته شوند، پس آگاهی از اهداف، عملکرد و استفاده مناسب از آن می‌تواند رهگشا باشد. از سویی دیگر گستره اثرگذاری یافته‌های دانش اداره، بسیار زیاد و حساسیت نظریه‌پردازی در دانش اداره و حکمرانی بسیار بالاست و به‌ندرت با حوزه دیگری از دانش قابل مقایسه است. ضمن اینکه موضوعات مورد مطالعه در این حوزه بسیار پیچیده بوده و به‌طور مستمر در معرض تحول‌اند. نکته دیگری که باید هنگام تدوین نظریه حکمرانی مد نظر قرار بگیرد، خاستگاه آن است. نظریه‌های اداره و حکمرانی باید با هدف حل مسئله یا توسعه دانش، صورت‌بندی شوند، نه با هدف نظریه‌پردازی برای نظریه‌پردازی! و در همین امتداد هنگام «نظریه‌پردازی»، «کاربست نظریه» و «ارزیابی آن»، باید هوشیار بود و تأثیر ویژه آن را در شرایط ویژه محیطی، از حیث زمان و مکان مد نظر قرار داد. تغییر از مشخصات تکامل جهان است و ما در عرصه عمومی که عرصه اقدام جمعی مردم و حکمرانان است، نیازمند یادگیری و انطباق با تغییرات برای افزایش امکان پیشرفت و توسعه، ظرفیت‌سازی برای مواجهه و پاسخگویی مناسب نسبت به تغییرات با بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری و ارتباط شایسته با مردم به‌عنوان سرمایه‌های حکمرانی هستیم. یک پیشرفت کوچک تبدیل به لنگرگاهی قدرتمند جهت حرکت به جلو و بهبود قابلیت‌های حکمرانی خواهد بود، هرچند که هیچ‌الگوی واحدی از حکومت ایده‌آل برای همه زمان‌ها، قابل اجرا برای همه ملت‌ها و جوامع در سراسر جهان در عصر کنونی معرفی نشده است و داشتن رویکرد کورکورانه به تطبیق مدل‌های حکمرانی و اداره می‌تواند به فاجعه منجر شود؛ اما این مفاهیم می‌توانند فرصتی را به وجود آورند که با یک دید فرازمانی با خلاقیت و نوآوری در مفهوم ارائه‌شده از حکمرانی، به یک مورد از دانش جدید در کمک به موضوع دست یافت که این یک گفتمان سالم است که می‌تواند به راه‌حل‌های بهتر برای سیاست‌های عمومی منجر شده و ایده‌هایی را برای حل مشکلات سازمانی و تجدید حیات و بهبود سیستم حکمرانی ارائه دهد.

منابع

۱. پورعزت، علی‌اصغر، (۱۳۹۰)، مبانی مدیریت دولتی، تهران، انتشارات سمت.

۲. پورعزت، علی اصغر، (۱۳۸۹)، مبانی دانش اداره دولت و حکومت، تهران، انتشارات سمت.

۳. پورعزت، علی اصغر، (۱۳۸۹)، مدیریت راهبردی عصرمدار؛ رویکردی آینده‌پژوهانه به منافع عمومی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۴. دباغ، سروش؛ نفری، ندا، (۱۳۸۸)، «تبیین مفهومی خوبی در حکمرانی خوب»، مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۳.

۵. صانعی، مهدی، (۱۳۸۵)، تدبیر، اسفند، شماره ۱۷۸.

۶. نهج البلاغه، امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، ترجمه علامه جعفری، به اهتمام علی جعفری، مشهد مقدس، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ چهارم: ۱۳۸۳.

بررسی رابطه حکمرانی متعالی و رشد اقتصادی

پوریا رحیمی

چکیده

آنچه منجر به تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها می‌شود، می‌تواند نحوه حکمرانی باشد، حکمرانی متعالی به‌مثابه یک پارادایم نوین، پارادایم‌های پیشین مدیریت دولتی را به چالش کشانده و ارزش‌های نوینی پیرامون نحوی کار دولت و تعامل این بخش با بازار و جامعه مدنی بر مدیریت دولتی افزوده است. حکمرانی خوب که شامل شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و بدون خشونت، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد است از محیط سرمایه‌گذاری حفاظت کرده و زمینه رشد را فراهم می‌کند. این مقاله به بررسی اثر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی پرداخته است. روش بررسی، کتابخانه‌ای بوده و از روش توصیفی تحلیلی برای تحلیل استفاده شده است. نتایج بررسی‌های منابع نشان داد که بین تورم و مخارج مصرفی دولت با رشد اقتصادی، رابطه منفی و بین نیروی کار و باز بودن تجاری با این متغیر رابطه مثبتی وجود دارد و رابطه‌های شاخص‌های حکمرانی متعالی با رشد نیز مثبت است. بدین معنی که با افزایش و کاهش کیفیت حکمرانی رشد اقتصادی نیز افزایش یا کاهش پیدا می‌کند.

کلیدواژه: حکمرانی، حکمرانی متعالی، رشد اقتصادی

مقدمه:

یکی از مهم‌ترین اهداف همه نظام‌های اقتصادی دستیابی به رشد اقتصادی است. این هدف اقتصاددانان را بر آن داشته است که به دنبال عوامل تأثیرگذار بر رشد باشند، اینکه چه عواملی رشد را تسریع می‌کند؟ تفاوت رشد در کشورها از کجا ناشی می‌شود؟ چرا برخی کشورها فقیر و برخی دیگر ثروتمندند؟ مدل‌های اولیه رشد تنها به بررسی عوامل اقتصادی رشد، همچون حجم سرمایه، تعداد نیروی کار، جمعیت و ... می‌پرداختند؛ اما با پیدایش مکتب نهادگرایان که رشد اقتصادی را محدود به عوامل اقتصادی نمی‌دانستند، عوامل نهادی نیز وارد تحلیل‌های اقتصادی رشد شده و از مؤلفه‌های مهم تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها معرفی گردید. عوامل نهادی دربرگیرنده مفاهیمی مانند، ماهیت حکومت، نهادها و فرایندهای موجود در جامعه، میزان ثبات رژیم حاکم، کنترل فساد در دستگاه اداری و موضوعاتی از این قبیل می‌شود که از آن‌ها به‌عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب یاد می‌شود. در حال حاضر این شاخص‌ها مقیاسی برای سنجش تفاوت‌های نرخ رشد اقتصادی کشورها به شمار می‌روند (جلال‌آبادی و بهرامی، ۱۳۸۹).

نورث و وینگاست (۱۹۸۹م) معتقدند نهادهای سیاسی مبتنی بر کنترل و توازن مانع از این می‌شوند که دولت‌ها نسبت به سرمایه‌گذاران دید فرصت‌طلبانه داشته و منافع آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. در باب سرمایه‌گذاری خارجی نیز یک اجماع در حال شکل‌گیری است که جریان سرمایه خارجی به کشورهای در حال توسعه با توجه به سیستم حکمرانی کشورها است؛ به عبارت دیگر جریان ورود سرمایه خارجی به کشورهای با وضعیت حکمرانی خوب وضعیت بهتری داشته و این مسئله در رشد اقتصادی این کشورها تأثیر به‌سزایی دارد. مطالعات توسعه و آمارهای سازمان‌های جهانی نیز نشان‌دهنده آن است که دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، مستلزم تحقق حکمرانی خوب است. از سوی دیگر بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی بر روی رشد اقتصادی مستلزم در اختیار داشتن معیارهایی برای سنجش می‌باشد. در اکثر مطالعات صورت گرفته در این زمینه از شاخص‌های معرفی شده توسط بانک جهانی استفاده شده است. سؤالی که این پژوهش در

پی پاسخ دادن به آن است این است که با توجه به مطالعات انجام شده، آیا شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی تأثیرگذار هستند؟

حکمرانی خوب

حکمرانی خوب در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم کمتر استفاده می‌شد؛ اما در طول دهه ۱۹۰۸ میلادی، با مفهومی جدید ظهور کرده است که به چیزی فراتر از دولت اشاره دارد. شکل‌گیری حکمرانی خوب به دلیل غالب شدن پارادایم‌های نوین در عرصه سیاست و مدیریت بود. تغییر در اداره امور که هم به لحاظ هنجاری و هم از نظر عملی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی ایجاد شد، امکان پا گرفتن مفاهیمی چون مشارکت شهروندان و توانمندسازی را به وجود آورد. شرایط بحرانی اقتصاد در دهه ۱۸ میلادی، که با تحولات گسترده اجتماعی همراه بود، سنگ‌بنا و پیش‌زمینه حکمرانی خوب است (علی‌بیک، ۱۳۹۲). افزایش شدید فقر و نابرابری در اواخر دهه ۱۹۰۸ میلادی، که از پیامدهای الگوی دولت حداقل بود، باعث شد تا بانک جهانی به این نکته دست یابد که مسئله حکمرانی یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت‌کنندگان، موضوع کلیدی در توسعه است. این موضوع به تدریج در بانک جهانی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، به طوری که گزارش سالیانه توسعه جهانی در سال ۱۹۹۱ میلادی، به مسئله دولت اختصاص یافت. موضوع محوری در این گزارش نقش دولت در بهبود وضعیت اقتصادی و راهکارهای توانمندسازی دولت بود. کارشناسان بانک جهانی با ارائه شواهد مختلف نشان دادند که موفقیت سیاست‌های اقتصادی بستگی به توانمندی و قابلیت‌های دولت دارد و بدون وجود ظرفیت‌های لازم در دولت، آزادسازی‌های مالی به بحران پولی و بانکی می‌انجامد. در این دوره بود که ایده تغییر ساختار حکومت مطرح شد. بر اساس تحقیقات اندرسون و ون کاپمن، سیستم‌های مدیریتی در دهه‌های اخیر با توجه به مشارکت شهروندان، از حکومت به حکمرانی تغییر یافته است (آدینه‌وند، ۱۳۹۲).

حکمرانی خوب اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری به شکلی پاسخگو و کارآمد است و آمارهای سازمان‌های جهانی بیانگر این است که حکمرانی خوب، یکی از بهترین

برنامه‌ها و شیوه‌های سیاسی برای رسیدن به توسعه اقتصادی است (محمودی و رونقی، ۱۳۹۲). حکمرانی خوب به‌عنوان یک بنیان قوی برای ایجاد اصلاحات دولتی به‌ویژه از طریق ایجاد تعاملات فرهنگی، فکری و فناورانه در میان کارکنان به کار می‌رود (Mohamed & et al ۲۰۱۴) و مفهومی است که از اواخر دهه ۱۹۹۸ میلادی، در ادبیات توسعه به‌عنوان کلید معمای توسعه مطرح شده است (سحابی و همکاران، ۱۳۹۲) و به‌عنوان یک عنصر بسیار مهم برای پیشبرد راهبردهای توسعه پایدار در کشورهای مختلف گنجانیده شده است که پاسخگویی، شفافیت، کارایی و حاکمیت قانون را در همه سطوح ترویج می‌دهد و باعث مدیریت کارآمدتر منابع انسانی، اقتصادی و مالی می‌شود (Kardos, Mihaela, ۲۰۰۷). حکمرانی خوب یعنی شفافیت، پاسخگویی، عدالت و ارتقا تساوی افراد در برابر قانون (Lockwood, ۲۰۱۴). هدف حکمرانی خوب، توسعه پایدار منابع انسانی و تأمین رضایت معنوی و مادی یا رفع نیازهای اساسی و حمایت از حقوق اساسی از قبیل آزادی و گسترش دایره انتخاب است (دانایی فر، ۱۳۹۳).

شاخص‌های حکمرانی خوب

۱- شاخص کنترل: فساد جنبه قابل تأمل در این بخش است. به عبارت «پرداخت‌های اضافی جهت انجام کارها» فراوانی دیگر فساد رفتاری را شامل می‌شود که در پی آن افراد صاحب قدرت از نفوذ خود در بخش دولتی به‌عنوان مزیتی در راستای منافع شخصی خود بهره می‌برند (Kaufmann et al., ۲۰۰۲). این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را در برمی‌گیرد (Avram, ۲۰۱۴).

۲- حاکمیت قانون: اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و می‌توان به اجرای آن‌ها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می‌شود. در این شاخص به‌ویژه اجرای قراردادهای، احتمال وقوع جرم‌های خشونت‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز، اثربخشی و قابلیت پیش‌بینی عملکرد محاکم قضایی، در یک جامعه مد نظر است (Kaufmann et al., ۲۰۰۲).

۳- کیفیت مقررات: در کیفیت مقرراتی، مفهوم کنترل قیمت‌ها، نظارت بر سیستم بانکی و مواردی از قبیل عدم تحمیل فشار بر صاحبان کسب‌وکار به‌منظور توسعه تجارت مد نظر

قرار می‌گیرد (Kaufmann et al, ۲۰۰۲).؛ به عبارت دیگر، منظور از این شاخص، قابلیت دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی است که سبب گسترش حضور و فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. حضور هرچه بیشتر بخش خصوصی در اثر اجرای سیاست‌های تدوین‌شده از سوی دولت نشان از حکمرانی بهتر دارد (Austrian Development, ۲۰۱۱).

۴- اثربخشی دولت: در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، کیفیت بوروکراسی، صلاحیت حکمرانان شهری و میزان استقلال خدمات شهری از فشارهای سیاسی مد نظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی و میزان اعتبار تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد (Kaufmann et al., ۲۰۰۲).

۵- اعتراض و پاسخگویی: اعتراض و پاسخگویی به مفهوم میزان و درجه توانایی شهروندان یک کشور در تعیین و انتخاب دولت خود است یا به عبارتی میزان و درجه اینکه رئیس دولت، رئیس حکومت یا سایر افراد دارای مقام سیاسی در کشور از طریق انتخابات آزاد از سوی مردم انتخاب شوند. این شاخص از طرف دیگر نمایانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکلهای و اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی است. بر اساس این شاخص، هرچه

مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیئت حاکم داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکلهای و انجمن‌ها و نظایر آنها در جامعه بیشتر باشد و رسانه‌های جمعی استقلال داشته باشند و افرادی که زمامدار جامعه هستند و قدرت را در جامعه در اختیار دارند، پاسخگویی اعمال خود باشند و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را بیان کنند، نشان‌دهنده وضعیت بهتری از حکمرانی خوب است (Kaufmann, Kraay & Lob, ۲۰۰۲).

۶- ثبات سیاسی: ثبات سیاسی آن است که به چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیر قانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی

و براندازی باشد. در اینجا عواملی همچون تروریسم و خشونت‌های سیاسی مد نظر هستند. بر اساس این شاخص، هرچه احتمال عدم ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب می‌کند. در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی نیز مد نظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد. در نتیجه هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌ها و سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آن‌ها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است. شاخص ثبات سیاسی همچنین نشان‌دهنده عدم وجود خشونت در جامعه می‌باشد. چندین معیار در محاسبه این شاخص به کار می‌رود که به ارزیابی بی‌ثباتی دولت و یا احتمال براندازی آن از طریق ابزارهای خشن و غیر مدنی می‌پردازد و اعمال دیگری مانند شورش‌های داخلی، تروریسم، کودتا و ترور را نیز در برمی‌گیرد (سامتی، ۱۳۹۰).

۲- رشد اقتصادی

به تغییر کمی هر متغیر طی یک دوره معین زمانی، رشد^۱ گفته می‌شود (متوسلی، ۱۳۸۲). رشد، افزایش بلندمدت ظرفیت تولید به‌منظور افزایش عرضه کل، جهت تأمین نیازهای جمعیت است (تودارو، ۱۹۹۹). در واقع رشد اقتصادی هر کشور، بیانگر رشد مداوم تولید است که در اغلب موارد، با افزایش جمعیت و یا به‌طور معمول با تغییرات زیربنایی همراه است (کوزنتس، ۱۹۹۳). به یقین می‌توان اظهار داشت که هیچ نظام اقتصادی در طول تاریخ سامان نیافته، مگر آنکه رشد اقتصادی و آبادانی تمام بخش‌های اقتصادی آن برای تولیدات بیشتر از اهداف آن باشد (یوسفی، ۱۳۸۶).

مؤرخان، دوران مرکانتالیسم را به‌عنوان سرآغاز دوران نوین ارتباط کشورهای اروپای غربی با دنیای جدید یاد می‌کنند. این ارتباط، باعث شد تا دانش بشری به‌طور گسترده رشد کند. در این زمان، هدف اصلی مطالعات اولیه اقتصاد، رشد، به معنی تولید رو به افزایش ثروت ملی بوده است. با این همه در این دوران هیچ‌گونه نظریه‌پردازی صورت نگرفت. آدام اسمیت که گاهی پدر علم اقتصاد خوانده می‌شود، کتاب خود را در سال ۱۷۷۶ میلادی، «ماهیت و علل ثروت ملت‌ها» عنوان کرد؛ تا علت آهنگ متفاوت پیشرفت در کشورها را مورد بررسی قرار دهد. مسائل رشد در اقتصاد کلان، مشغله عمده اقتصاددانان کلاسیک در سده ۱۸ و ۱۹ میلادی، بوده است (تیرل وال، ۱۹۹۹).

شاخص‌های رشد اقتصادی

۱- تولید ناخالص داخلی:

بنیاد هریتیج هر ساله درجه آزادی اقتصادی کشورهای جهان را اندازه‌گیری می‌کند و آن‌ها را در ۵ گروه اقتصاد آزاد، اقتصاد تقریباً آزاد، اقتصاد آزاد متوسط، اقتصاد تقریباً بسته و اقتصاد بسته طبقه‌بندی می‌نماید. این بنیاد برای اندازه‌گیری درجه آزادی اقتصادی کشورها از ۱۰ شاخص استفاده می‌کند که شاخص «مخارج دولت» چهارمین شاخص از شاخص‌های ده‌گانه است. میزان مخارج دولت (درصد از GDP در بسیاری از مطالعات اقتصادی به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای و معیاری برای سنجش اندازه دولت استفاده می‌شود و زیاد بودن مخارج دولت نسبت به درآمد ملی (G/GDP) نشان‌دهنده بزرگ‌تر بودن اندازه دولت است. هرچه این شاخص کوچک‌تر باشد نشانگر آزادی بیشتر است و یکی از معیارهای اندازه‌گیری در اقتصاد است. تولید ناخالص داخلی در برگیرنده مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی است که در طی یک دوره معین، معمولاً یک سال، در یک کشور تولید می‌شود (نیلی، ۱۳۸۸). در این تعریف منظور از کالاها و خدمات نهایی، کالا و خدماتی است که در انتهای زنجیر تولید قرار گرفته‌اند و خود آن‌ها برای تولید و خدمات دیگر خریداری نمی‌شوند.

۲- آزادسازی مالی:

امروزه آزادسازی مالی به عنوان یکی از ابزار تقویت سیستم مالی و ایجاد تحول در ساختار مالی کشورها از طریق رقابت پذیرتر کردن آن مورد توجه قرار گرفته است. آزادسازی مالی فرایندی است که در تبیین روابط مالی بین المللی و جهانی بین کشورها نقش مؤثری را ایفا نموده و با سایر فعالیت های اقتصادی ارتباطی تنگاتنگ دارد. به علاوه، آزادسازی مالی مفهومی است که به افزایش و گسترش ارتباطات جهانی کشورها از طریق جریان های مالی بین المللی و سرمایه ای اشاره دارد (پراساد و دیگران، ۲۰۰۳). در این صورت، عواملی مانند جریان های بین المللی ۱۴ سرمایه، همگرایی مالی کشورها، گسترش روابط مالی منطقه ای و بین المللی، شکل گیری بلوک ها و نواحی مالی منطقه ای و بین المللی، آزادسازی و همگرایی در نرخ های بهره منطقه ای و بین المللی، آزادسازی نرخ ارز و تشکیل اتحادیه های پولی، عملکرد نهادهای مالی و کاهش کنترل ها می تواند منجر به توسعه آزادسازی مالی شود.

۳- تورم:

هرچند تعاریف متعددی از تورم وجود دارد، ولی به صورت کلی می توان آن را به صورت افزایش سطح عمومی قیمت ها که غالباً حالتی نامتناسب، مداوم و برگشتناپذیر دارد تعریف کرد. لازم به ذکر است که در محاسبه تورم ابتدا متوسط تغییر قیمت کالاها در کل اقتصاد مورد نظر است و سپس رشد قیمت هر یک از کالاها با وزنی مناسب در محاسبه رشد شاخص تورم لحاظ می شوند؛ به عبارتی شاخص تورم رشد موزون قیمت کالاها در کل اقتصاد را بیان می کند. طبقه بندی تورم نیز می تواند از جنبه های مختلف صورت گیرد که عبارت اند از:

۱- طبقه بندی تورم بر مبنای عوامل ایجادکننده آن:

شامل تورم ناشی از فشار تقاضا، تورم ناشی از فشار هزینه و تورم ناشی از واردات و عوامل ساختاری.

۲- طبقه بندی تورم بر مبنای نسبت افزایش قیمت ها به افزایش حجم پول:

شامل تورم باز (آشکار) که در آن قیمت‌ها سریع‌تر از حجم پول در جریان هست و تورم بسته (مهارشده) که در آن میزان افزایش قیمت‌ها کمتر از افزایش پول در جریان است.

۳- طبقه‌بندی تورم بر مبنای متناوب (ادواری) یا عارضه‌های (مقطعی) بودن افزایش قیمت‌ها:

تورم ادواری مربوط به دوران رونق چرخه‌های تجاری و تورم عارضه‌ای ناشی از عوامل غیر اقتصادی، مانند جنگ، بلایای طبیعی و ... است.

رابطه حکمرانی خوب و رشد اقتصادی:

به عقیده اقتصاددانان نهادگرا تفاوت کشورها در سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و تکنولوژی عوامل سطحی تعیین‌کننده رشد و توسعه اقتصادی می‌باشند و نهادها عامل بنیادین تعیین‌کننده رشد و توسعه جوامع هستند. با آنکه بحث‌های نظری در خصوص تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی جوامع به‌ویژه بر فرایند رشد و توسعه آن‌ها از دهه‌ها قبل صورت پذیرفته است؛ اما مباحث تجربی سابقه چندانی ندارد و تقریباً از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، به بعد محققین به آزمون تجربی تأثیر نهادها یا به عبارت دیگر حکمرانی بر رشد اقتصاد پرداخته‌اند. از جمله اولین مطالعات تجربی در خصوص تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی توسط نک و کیفر (۱۹۹۵م) صورت گرفته است. آن‌ها در مقاله خود به ارتباط بین نهادها، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی پرداختند که مطالعات حاکی از آن است که نهادها یا همان حکمرانی تأثیر زیادی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی داشته است. بر اساس نظر اقتصاددانان نهادگرا، نهادها از آن حیث مهم‌اند که سبب ساختار شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند. مهم‌ترین کارکرد نهادها کاهش عدم اطمینان و هزینه‌های مبادله در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع است. نهادها با حمایت از حقوق مالکیت، تضمین اجرای قراردادها، ارتقا انگیزه‌های کارآفرینان، حفظ ثبات در سطح کلان اقتصادی، مدیریت ریسک‌پذیری و خطرجویی واسطه‌های مالی، کاهش نااطمینانی و تقلیل هزینه معاملات، ارائه شبکه تأمین اجتماعی و ارتقا پاس‌خگویی و انتقادپذیری حاکمان،

مجموعه‌ای از شرایط و بسترهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را فراهم می‌کنند که در درون آن، افراد جامعه به کسب و انباشت مهارت و بنگاه‌های اقتصادی به انباشت سرمایه و تولید محصول می‌پردازند. بر اساس دیدگاه نهادگرایی جدید، نوع حکمرانی، مقررات و نهادهای یک کشور از جمله

عوامل اولیه اصلی تعیین‌کننده انگیزه‌ها و تمایلات افراد رأی سرمایه‌گذاری فیزیکی و کسب مهارت و فناوری در جامعه هستند که همه این عوامل منجر به موفقیت اقتصادی در تولید بیشتر و درآمد بالاتر و رفاه اقتصادی بهتر در بلندمدت می‌شود (Noeth, ۱۹۹۰).

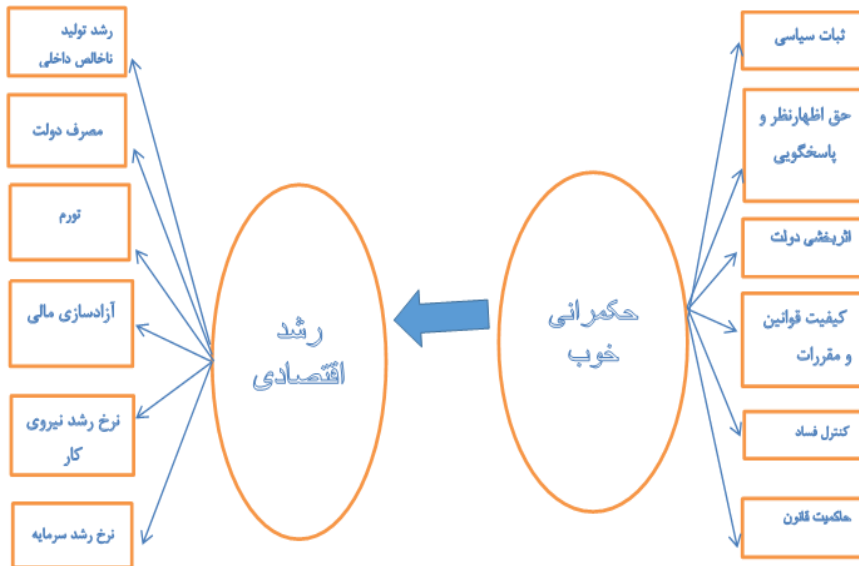
مدل مفهومی:

مبانی تئوریک پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای از مقالات و کتب مرتبط استخراج شده، همان‌گونه که در مدل (شکل ۱) زیر مشاهده می‌شود، با استنباط از مطالعات گذشته در این باره زیرمتغیرهای هرکدام از این دو متغیر به‌طور تقریبی و کلی به صورت زیر استخراج شده و رابطه بین آن‌ها به صورت توصیفی تحلیل شده است.

مدل مفهومی حکمرانی خوب و رشد اقتصادی، دو متغیر اصلی در این پژوهش هستند. حکمرانی خوب دارای شش شاخص ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد می‌باشد که از طریق این شش شاخص بر رشد اقتصادی که آن نیز شامل زیرمتغیرهای رشد تولید ناخالص داخلی، مصرف دولت، تورم، آزادسازی مالی، نرخ رشد نیروی کار و نرخ رشد سرمایه اثر می‌گذارد. شاخص حق پاسخگویی و اظهار نظر که می‌توان آن را شاخص دموکراسی دانست بر رشد اقتصادی اثر مطلوب داشته، چراکه حقوق مالکیت که در حالت دموکراسی بهتر تأمین می‌شود انگیزه‌ای برای انجام فعالیت اقتصادی است و هرچه فعالیت اقتصادی بیشتر باشد رشد اقتصادی بیشتر خواهد شد. شاخص‌های حاکمیت قانون و کیفیت مقررات و ثبات سیاسی نیز اثر مثبت بر رشد می‌توانند داشته باشند. عدم ثبات سیاسی منجر به کاهش اطمینان و ایجاد عدم اطمینان می‌شود که این امر سرمایه‌گذاری را که یکی از اجزای کلیدی در رشد

اقتصادی می‌باشد را متأثر می‌کند و در صورت وجود نااطمینانی سرمایه‌گذاری کاهش و رشد اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت.

کنترل فساد نیز می‌تواند بر رشد اقتصادی مؤثر باشد، چراکه افزایش فساد انگیزه انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط نیروی کار مولد را کاهش می‌دهد و کاهش این امر منجر به کاهش سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی می‌شود و موجبات کاهش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد.



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق

نتیجه‌گیری:

تفاوت در عملکرد رشد اقتصادی کشورهای مختلف با بررسی صرف مانند، حجم سرمایه، تعداد نیروی کار، جمعیت و ... قابل توضیح نبوده و این موضوع نشان‌دهنده وجود عواملی است که در تحلیل‌های مربوط به عملکرد اقتصادی کشورها نادیده گرفته شده است که در مدل‌های جدید رشد این عوامل به‌عنوان حکمرانی خوب وارد الگوهای رشد شده‌اند. مطابق یافته‌های پژوهش‌های انجام‌گرفته رابطه بین مخارج مصرفی دولت و تورم با

رشد اقتصادی معکوس است و منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌گردد که با استفاده از موضوع حکمرانی خوب که میانگین آن با رشد اقتصادی رابطه مستقیم دارد می‌توان گفت که با سازوکارهای نو امکان ارائه راه حل برای حل این گونه مسائل وجود دارد، از جمله اینکه در پرتو حاکمیت، قانون نظام حقوقی سالم بنا شود که خطر ابطال قراردادها کاهش یابد و اطمینان در جامعه فراهم گردد که این اطمینان سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و به نوبه خود بر رشد مؤثر واقع می‌شود. با کاهش خشونت‌های سیاسی و تنش‌های قومی، ملی به ثبات سیاسی کمک گردد، کمیسیون‌هایی جهت رسیدگی به فساد مالی ایجاد گردد که منجر به کنترل فساد گردد، در قانون‌گذاری‌ها شفافیت لازم اتخاذ گردد، دولت در امور تخصصی و تنظیمی اثربخش عمل کند، از مبحث دموکراسی در جهت رشد اقتصادی به کار گرفته شود، به این ترتیب می‌توان گفت که در جهت رشد اقتصادی گامی رو به جلو برداشته شده است. بررسی‌های نگارنده از مطالعات گذشته نشان داد که نخست موضوع حکمرانی خوب در عملکرد بلندمدت رشد اقتصادی حائز اهمیت است، به گونه‌ای که ارتباط مثبت و مستقیمی میان حکمرانی خوب و رشد بلندمدت اقتصادی وجود دارد؛ توانایی دولت در فراهم ساختن نهادهای پشتیبان رشد و کاهش فقر و ایجاد حکمرانی خوب، امری حیاتی برای توسعه و رشد اقتصادی است و حکمرانی ضعیف کارایی و بهره‌وری مخارج عمومی را کاهش می‌دهد و فساد و رشوه‌خواری را افزایش می‌دهد و مانع سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی می‌شود.

منابع:

۱. آدینه‌وند، ع، (۱۳۹۱)، ارزیابی عملکرد شهرداری‌های هشت‌گانه شهر اهواز در چارچوب حکمرانی خوب شهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز.
۲. تودارو، مایکل، (۱۳۷۸)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، غلامعلی فرجادی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، چاپ هشتم.

۳. تیرل وال، ا.پ، (۱۳۷۸)، رشد و توسعه، منوچهر فرهنگ و فرشید مجاور حسینی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول.
۴. سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون و محسنی، فضیلت، (۱۳۹۰)، «تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی»، فصلنامه علمی- پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره چهارم، پائیز ۱۳۹۰، ۲۲۳-۱۸۴.
۵. سبحانی، ب؛ اعتصامی، م؛ امین‌پور، خ، (۱۳۹۲)، «بررسی اثر حکمرانی خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی در کشورهای منتخب»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی.
۶. جلال‌آبادی، اسدالله؛ بهرامی، جاوید، (۱۳۸۹)، «عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی در گروه کشورهای مختلف»، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۵۱-۲۳.
۷. دانایی‌فرد، ح، (۱۳۹۳)، چالش‌های مدیریت دولتی در ایران، چاپ هشتم، انتشارات سمت، تهران.
۸. علی‌بیک، الف، (۱۳۹۲)، «مشارکت شهروندی گامی جهت تحقق حکمرانی خوب»، فصلنامه ایران شهرساز.
۹. کوزنتس، سیمون، (۱۳۷۲)، رشد نوین اقتصادی، مرتضی قره‌باغیان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. متوسلی، محمود، (۱۳۸۲)، توسعه اقتصادی، تهران، سمت، چاپ اول.
۱۱. محمودی، ج؛ رونقی، م، (۱۳۹۲)، «تعیین وزن و رابطه بین شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی.
۱۲. نیلی، مسعود، (۱۳۸۸)، مبانی اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف، فصل ۱۳۸.
۱۳. یوسفی، احمدعلی، (۱۳۸۶)، نظام اقتصاد علوی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۳۰۹.

14. Austrian Development Agency (2011). Evaluation of the Austrian Development Cooperation (ADC) Gender Policy between 2004–2011. Federal Ministry for European and International Affairs and the Evaluation Unit of the Austrian Development Agency
15. Avram, Cristina (2014). Good Governance and Doing Business: Evidence from a Cross-country Survey. *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, (41), pp. 27-46.
16. Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart & Lob, Pablo. (2002). Governance Matters II: Updated Indicators for 2000-01. World Bank Policy Research Working Paper, (2772)
17. Knack, S. & Philip K. (1995). Institutions and economic performance: cross-country tests using alternative institutional measures. *Economics and Politics*, 7(3), 207-27.
18. North, D.C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge University Press, Cambridge.
19. World Bank 2005. *Governance Indicators, 1996-2004*. Washington D.C: World Bank. Available
20. <http://info.worldbank.org/governance/kkz2004/tables.asp>

تأثیر ارتباط عالمان با عالمان بر حکمرانی اسلامی

مصطفی جوادی

چکیده

با توجه به اذعان مقامات ایالات متحده آمریکا به لزوم خروج از منطقه، اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر و با عنایت به موضوع حکمرانی اسلامی، بایسته‌های به‌کارگیری ابزارهای ارتباطاتی به‌عنوان یکی مؤلفه‌های حکمرانی جهانی برای پیش‌بینی و تحت کنترل درآوردن پدیده‌هایی که باعث تأثیرگذاری بر زندگی بسیاری در عرصه یک جامعه یا منطقه‌ای از جغرافیای جهانی می‌شود دارای اهمیت است. کنترل و هدایت پدیده‌ها در عرصه حکمرانی منجر به تحت تأثیر قرار گرفتن زندگی میلیون‌ها نفر می‌شود. یکی از محوری‌ترین مشکلات در حوزه اندیشه‌های حکمرانی اسلامی عدم الزام و استفاده افراد از ابزار مستند سخن گفتن است؛ برای مثال در قضایای ناامنی کشور سوریه و عراق و اختلافات مذهبی در افغانستان و پاکستان در کنار ناامنی در لبنان، یمن، بحرین، ریشه اکثر وقایع در این بخش از جغرافیای جهان شعله‌ور کردن اختلافات مذهبی با فتاوی بدون سند و یا سست‌پایه در قالب ایجاد و رشد دادن تفکر تکفیری و ناامنی برای کنترل حکمرانی در منطقه توسط غرب به‌ویژه آمریکا و تسلط بر منابع و منافع مادی و غیر مادی کشورهای اسلامی با تدارک سخت‌افزاری و نرم‌افزاری حاکمان حجاز است که باعث تحمیل هزینه‌های انسانی و مالی به کشورها از جمله ایران شده است. به وجود آوردن شرایط ارتباط عالمان با عالمان و مطرح کردن عالمان اصلاح سنی در مقابل مفتی‌های تکفیری امکان حل و فصل اختلافات استنباطی دینی و مذهبی را در سطح تقابل آرا ایجاد و به عقیم‌سازی فتاوی سست منجر می‌شود تا اختلافات علمی در همان سطح علمی بررسی شود و منتج به خشونت در جوامع اسلامی نگردد و به سطح تفکری بخش عام مردم منتقل نشود. به این منظور می‌توان در جهت نیل به اهداف حکمرانی اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی ایران و با توجه به نقش و اقتدار کنونی کشور در جهت تعریف شاخص‌ها و استانداردهای لازم اقدام کرد.

کلیدواژه: حکمرانی اسلامی، ارتباط عالمان، جمهوری اسلامی ایران، عالمان اهل سنت،

تفکر تکفیر، ابزارهای حکمرانی

مقدمه

با توجه به گزارش وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران هزینه ۱۶ میلیارد دلاری برای مقابله و جلوگیری از اثرات تفکر تکفیری در مرزهای مجازی خود متحمل شده است. تفکر گروهی که همه مسلمانان را در گروه تضاد خود تعریف می‌کنند ریشه این خسارت است. در جریان ناامنی‌های ایجادشده (کشورهای سوریه و عراق) ذیل تعریف و تشکیل گروه‌های دارای تفکر تکفیر و جذب مسلمانان سنی مذهب به این گروه‌ها از کشورهای در حوزه جغرافیایی متفاوت (اروپایی و آسیای مرکزی) بیانگر این مطلب است که افراد جذب‌کننده توانسته‌اند با القای خوراک فکری مسموم به نام اسلام به افراد تازه‌مسلمان یا مسلمانان دارای ضعف از جهات مختلف به اسلام پاک و صلح‌مدار ضربه وارد کنند.

مقاله به دنبال پاسخ این پرسش است که:

تأثیر ارتباط عالمان با عالمان بر حکمرانی اسلامی چیست؟

پرسش‌های فرعی:

تأثیر عالمان بر حاکمان در روایات و منابع چگونه بیان شده است؟

ابزارها و روش‌های برقراری ارتباط عالمان با عالمان چیست؟

فرضیه این پژوهش به این صورت بیان می‌شود که ارتباط عالمان با عالمان در جهت نیل به اهداف حکمرانی اسلامی اثرگذار و باعث تجمیع و تقریب آراء و فتاوا خواهد شد که نتیجه آن شکل‌گیری حکمرانی اسلامی در محور وحدت اسلامی و کاهش نفوذ دشمنان اسلام در بین جوامع و تفکرات اسلامی و اصلاح تفکر آن دسته از عالمانی خواهد شد که با تقابل آرا با عالمان دیگر و در معرض قضاوت قرار گرفتن نظرشان به اصلاح، مطابق شیوه تقابل پیش خواهند رفت.

به گواه تاریخ نیز بیشترین ضربه‌ها به اسلام عزیز از طریق تحریف محتوایی و تخریب وجه دین توسط منافقین و به ظاهر مسلمانان وارد شده است. جهات اجتماعی آسیب مطرح شده را می‌توان به ترتیب مطرح کرد:

گمراهی افراد مسلمانی که به دنبال بازنشر افکار مسموم و غلط عده‌ای از مفتیان تکفیری آسیب‌های جسمی و روحی بسیار دیده‌اند؛

ایجاد و تحمیل هزینه‌های گزاف مادی و معنوی برای کشورهای اسلامی در جهت مقابله با ناامنی‌های ایجادشده از این تفکر؛

بازنشر رفتارهای خشونت‌آمیز و توحش رفتاری این گروه‌ها به نام اسلام به مردم کل جهان و تخریب وجه اسلام عزیز از طریق رسانه‌های اجتماعی و جمعی.

ریشه، مبدأ و علت نتایج موارد مطرح شده را در برداشت‌های خام و غلط مفتیان و عالمان این فرقه‌ها از مفاهیم عمیق اسلامی می‌توان جستجو کرد.

مؤید دیگر این است که طبق گزارش و آمارها و بررسی‌های اجتماعی کشورهای اروپایی رشد جمعیت مسلمانان و اسلام آوردن در این کشورها روبه رشد و گسترش خوانده شده است، به طوری که بیان شده است کشور فرانسه در دهه‌های آتی کشوری مسلمان خواهد بود.

این گونه می‌توان تطبیق داد که دستگاه‌های سیاست‌گذار غرب با آگاهی از گسترش و گستره افراد تازه‌مسلمان و جذب آنان در گروه‌های تکفیری و بررسی این آمارها دریافته‌اند که با سیاست و برنامه‌ریزی به‌طور دقیق این اسلام‌پذیری در بین مردم باید کنترل و نیروی شکل گرفته از آن را در جهت ضربه به اسلام مورد استفاده قرار دهند. نتایج این نظریه و نتایج اقدامات گروه‌های تکفیری هم‌سانی قابل توجهی را به دنبال دارد.

تعریف وجهه‌ای خشن همراه با خشونت و کشتارهای فجیع در اذهان مردم جهان از اسلام عزیز؛

توقف یا حداقل کند شدن اسلام‌آوری با دیدن این اعمال و مخاברה آن به نام اسلام عزیز؛

به خدمت گرفتن نیروی مسلمانان پاک جذب‌شده در ذیل این افکار مسموم برای ضربه به اسلام عزیز.

آنچه امروز موجب تفاوت و امتیاز جمهوری اسلامی ایران از دیگر کشورهای جهان شده است، تلاش این نظام برای تحقق اسلام ناب در ساحت‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی و حرکت بر مدار اسلام است. مدعای اصلی انقلاب اسلامی، ارائه سبک جدیدی از زندگی، حکومت و حکمرانی است که در هدف و خط‌مشی‌های جامعه و حاکمیت، شیوه‌ها و روش‌های حکمرانی، نقش و مشارکت مردمی، نظامات اداری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مانند آن، قوانین الهی و روح معنوی اسلام حاکم است و انتظار از نظام اسلامی آن است که بر مبنای آموزه‌های اسلام حرکت کند (رضایی، ۱۳۸۹، ص. ۵۲-۵۴).

در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی برای بیان تأثیر ارتباط عالمان بر مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات، روش مطالعه اسناد و مدارک و روش‌های متقن، تفسیر قرآن کریم و احادیث اهل بیت (ع) به کار گرفته شده است. اعتبارسنجی شاخصه‌ها نیز با عرضه آن‌ها به قرآن کریم و روایات و دیدگاه‌های اندیشمندان گذشته و معاصر شیعه انجام شده است.

نیاز حکومت به عالمان دینی

حاکمان برای اداره حکومت به عالمان احتیاج دارند، چرا که به فرمایش امیرالمؤمنین «الْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ»؛ «علما (بر دل‌ها و عقاید) مردم حکومت می‌کنند». حضرت در روایت دیگری می‌فرمایند: «الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ وَالْعِلْمُ حَاكِمٌ عَلَيْهِمْ؛ پادشاهان بر مردم حکمرانی می‌کنند و علم بر پادشاهان؛ یعنی حاکمان در حکمرانی نیازمند عالمان هستند.

امام خمینی (ره) در این مورد که مراد از العلما در روایت «الْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ» چیست، می‌فرماید: «مجموعها يجعل الفقيه العادل قدر المتيقن» یعنی مجموع روایات «فقيه عادل» را به‌عنوان «قدر متيقن» از علما معین می‌کند.

امام خمینی با استفاده از روایاتی که دارای مضمون «الْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ» است «ولایت فقیه» را اثبات می‌کنند.

از اطلاق روایات می‌توان نتیجه گرفت که در حکومت «ولی فقیه» نیز، حاکم نیازمند علما است، چون هر عالمی بر عده‌ای از مردم تأثیرگذار است و حاکم با تکیه بر آن‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد.

امیرالمؤمنین در فرمانی که به مالک اشتر می‌دهند، می‌فرمایند:

«وَأَكْثَرُ مَدَارِسَةِ الْعُلَمَاءِ، وَمَنْفَعَتَهُ الْحُكَمَاءِ، فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِبِلَادِكَ؛ با دانشمندان زیاد به گفتگو بنشین و با حکما و اندیشمندان نیز بسیار به بحث بپرداز، این گفتگوها و بحث‌ها باید درباره اموری باشد که به وسیله آن وضع کشور را اصلاح می‌کنی و آنچه پیش از تو موجب قوام کار مردم بوده برقرار می‌گردد».²

کلید واژه‌های سیاست دفاعی

از طرفی سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران صرفاً دفاع از سرزمین خود نیست بلکه تابع کلیدواژه‌های «نگاه وسیع به جغرافیای مقاومت»، «نگاه وسیع فرامرزی»، «قناعت نکردن به منطقه خودمان» و «امتداد عمق راهبردی» در جغرافیای منطقه‌ای است. این کلیدواژه‌ها در بیانات رهبری در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه آمده است که می‌فرمایند:

«ثالثاً این نگاه وسیع جغرافیای مقاومت را از دست ندهید؛ این نگاه فرامرزی را از دست ندهید. قناعت نکنیم به منطقه خودمان: «مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا»؛ این حدیث از معصوم (علیه‌السلام) است که آن کسانی که در خانه نشستند تا به آن‌ها حمله بشود دچار ذلت شدند. این جوری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این «نگاه وسیع فرامرزی»، این «امتداد عمق راهبردی» گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است». این اصطلاحات مبتنی بر خطبه‌ای است که امیرالمؤمنین در هنگام شنیدن خبر تجاوز لشکر معاویه به شهر «انبار» بیان می‌فرمایند که:

1 نهج البلاغه الحسونه، السيد الشريف الرضي، ج ۱، ص ۷۰۴

2 نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱، ص ۶۷۵

«فَوَاللَّهِ مَا غُرِيَ قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا، فَتَوَاكَلْتُمْ وَتَخَادَلْتُمْ حَتَّى شُنِّتْ عَلَيْكُمْ الْعَارَاتُ، وَمَلَكَتْ عَلَيْكُمْ الْأَوْطَانُ!»؛ به خدا سوگند هر ملتی در درون خانه اش مورد هجوم دشمن قرار گیرد حتماً ذلیل خواهد شد (و تنها جمعیتی در نبرد با دشمنان پیروز می گردند که به استقبال آن‌ها بشتابند) ولی شما سستی به خرج دادید و دست از یاری برداشتید و هر یک به دیگری واگذار کردید تا آن جا که دشمن پی در پی به شما حمله کرد و سرزمین شما را مالک شد.²

مؤلفه عالمان دینی

سیاست دفاعی را نباید منحصر در مؤلفه نظامی دید و باید به مؤلفه «تأثیر عالمان دینی در مردم» توجه کرد و با توجه به همین مسئله است که:

«رهبر انقلاب اسلامی همچنین ارتباطات مذهبی و رفت و آمد علمای مذهبی ایران و سوریه را نیازمند تقویت و گسترش خواندند».

کدام سطح از عالمان دینی مؤثرتر هستند؟

عالمان را می توان به صاحبان فتوا و غیر آن تقسیم بندی نمود. در این مقاله مراد «عالمان صاحب فتوا» هستند.

علت آن استدلال امام خمینی (ره) است که می فرمایند:

«انهم حکام علی الملوک و انهم کفیل ایتام اهل البیت و ان مجاری الأمور و الأحکام علی ایدی العلماء بالله الأمانة علی حلاله و حرامه إلى غیر ذلک...؛ علما، حکمشان بر پادشاهان نافذ است و آن‌ها سرپرست ایتام اهل بیت (یعنی مردمی که نیازمند راهنمایی دینی هستند) می باشند و احکام الهی در دست عالمان به دین خداست که امین و نگهبان حلال و حرام الهی هستند و روایاتی از این دست...»

«مجموعها يجعل الفقيه العادل قدر المتيقن؛ مجموعشان می رساند که فقیه) عالم صاحب فتوا) عادل قدر متیقن این روایات است».

1 نهج البلاغه ت الحسون، السيد الشريف الرضى، ج ۱، ص ۷۸

2 نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱، ص ۷۵

چرا فقها؟

چنین عالمانی بر علمای سطوح پایین تر تأثیرگذار هستند و حاکم (که خود ممکن فقیه باشد) احتیاج دارد که از آرا و نظرات آنها استفاده کند.

راه پیشنهادی برای بهره‌گیری از آرا عالمان دینی

پیشنهاد این مقاله برای استفاده از آرا عالمان دینی (برای رسیدن به تقریب و رفع مشکلات حکومتی) بهره‌گیری از دروس آنها است.

فقها خلاصه «رای مستدل» خود را در درس مطرح می‌کنند، بنابراین درس یکی از مجاری مناسب برای دسترسی به آرا است.

وضعیت موجود در بین عالمان شیعه

حدود ده سال است که یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان درس حدود ۱۰۰ عالم شیعی را از قم، نجف، مشهد، کربلا، بیروت، دمشق و... را با هدف «ارتباط عالمان با عالمان» پوشش داده و زیرساخت‌های لازم را ایجاد نموده است.

در این روش، دروس مستندسازی می‌شود؛ یعنی مصادر در پاورقی ذکر و به کتابخانه لینک داده می‌شود تا مستندات هر «رای» مشخص شود.

با توجه به پذیرش حدود ۱۰۰ عالم دینی از علمای شیعه و وجود زیرساخت‌های لازم، می‌توان آن را به صاحبان فتوای اهل سنت تعمیم داد.

مشکل وضعیت موجود

اگرچه این حرکت توسط یک شرکت دانش‌بنیان شروع و زیرساخت‌های فنی آماده و از حالت نمونه‌سازی درآمده و به ۱۰۰ عالم شیعی تعمیم یافته؛ اما به‌عنوان یک «مؤلفه قدرت» از سوی نهادهای متولی دیده نشده است.

با توجه به ظرافت‌هایی که در تعامل با عالمان وجود دارد، به این موضوع (بهره‌مندی از ارتباط عالمان با عالمان) نباید به‌عنوان ابزار قدرت نگریست بلکه به‌عنوان «نیاز حکومت»، باید به آن توجه کرد.

لزوم تعمیم به عالمان اهل سنت

پوشش دروس عالمان اهل سنت غیر تکفیری، دو نتیجه دارد:

اول: باعث به حاشیه رفتن «عالمان تکفیری» و مطرح شدن آن‌ها می‌شود.

دوم: سوق دادن آن‌ها به بیان مستندات آراء فقهی و کلامی، باعث می‌شود تا زمینه مناظره

بین مذاهب اربعه با عالمان شیعه برقرار و به تبع خطاهای استنتاجی آن‌ها مشخص گردد.

وقتی خطای در استنتاج مشخص شود، خودبه‌خود «آراء علما» به سمت «تقریب مذاهب»

حرکت می‌کند.

بخشی از وقایع سوریه در چند سال اخیر مبتنی بر «فتاوی‌ای مفتیان اهل سنت» بود که به

کف جامعه کشیده شد و تنش‌های اجتماعی را به وجود آورد و هزینه‌ها تحمیلی بر

کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران ایجاد شد.

دور بودن علما از یکدیگر

وقتی علما با یکدیگر مانوس باشند از فتاوی‌ای مضطرب جلوگیری می‌شود، به‌خصوص

اگر عالمان اهل سنت با عالمان تشیع مراوده داشته باشند این موضوع بیشتر خود را نشان

می‌دهد.

امیرالمؤمنین در نهج البلاغه در مورد اضطراب در فتوا می‌فرمایند:

«تَرَدُّ عَلَى أَحَدِهِمُ الْقَضِيَّةُ فِي حُكْمٍ مِنَ الْأَحْكَامِ فَيَحْكُمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ، ثُمَّ تَرَدُّ تِلْكَ الْقَضِيَّةُ

بِعَيْنِهَا عَلَى غَيْرِهِ فَيَحْكُمُ فِيهَا بِخِلَافِ قَوْلِهِ»؛^۱ «گاهی یک دعوا نزد یکی از آنان مطرح می‌شود

و قاضی به رأی خود حکم می‌کند، پس از آن عین این جریان نزد قاضی دیگری عنوان

می‌گردد، او درست برخلاف اولی رأی می‌دهد»^۲.

گاهی یک عالم دینی در کشوری که دسترسی به منابع و تحقیقات کمتر از حوزه‌های

اصلی است فتوایی را می‌دهد که مشکل ایجاد می‌کند. در حالی که اگر ارتباط عالمان با

عالمان فراهم باشد، از خطای در فهم کاسته و مشکلات اجتماعی کمتر می‌شود.

عملکرد عالمان دینی

1 نهج البلاغه ت الحسون، السيد الشريف الرضي، ج ۱، ص ۶۴

2 نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱، ص ۵۹

اما اگر بتوانیم ارتباط عالمان با عالمان را برقرار کنیم می‌توانیم به فرمایش حضرت نزدیک شویم که:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّ عِبَادَ اللَّهِ الْمُسْتَحْفَظِينَ عِلْمَهُ، يَصُونُونَ مَصُونَهُ، وَيَفَجِّرُونَ عِيُونَهُ، يَتَوَاصَلُونَ بِالْوِلَايَةِ، وَيَتَلَقَّوْنَ بِالْمَحَبَّةِ، وَيَتَسَاقَوْنَ بِكَأْسِ رَوْيَةٍ، وَيَصْدُرُونَ بِرِيَّةٍ، لَا تَشُوبُهُمُ الرِّيْبَةُ! آگاه باشید! که بندگان خدا، آن‌ها که علم خدای را حافظند، به مصونیت او مصون هستند، آن‌ها چشمه‌های علوم خداوند را جاری می‌سازند و با «دوستی»، پیوستگی ایجاد می‌کنند، با محبت یکدیگر را ملاقات و با ظرفی سیراب‌سازنده یکدیگر را سیراب می‌کنند».²

گسترش عالمان شیعی

در حال حاضر درس‌های عالمان شیعی از ایران، عراق، لبنان و سوریه و تعدادی اندکی درس از حجاز و افغانستان پوشش داده شده است.

گسترش آن به پاکستان و شبه‌قاره هند و یمن می‌تواند در نظر گرفته شود.

پوشش دروس عالمان اهل سنت از کجا شروع شود؟

اگر بخواهیم عالمان اهل سنت را پوشش دهیم از سه جا می‌توان شروع کرد:

اول مصر؛ که به واسطه روابط سیاسی، چندان راحت نیست مگر آنکه از طریق افرادی که در عراق هستند و در این زمینه فعالیت دارند، موضوع پیگیری شود.

دوم سعودی؛ که به واسطه تمرکز عالمان تکفیری در این کشور، به صلاح نیست.

سوم سوریه؛ که به واسطه نزدیکی آن‌ها به مکتب اهل بیت، مناسب‌تر از سایر کشورها است.

مطرح کردن عالمان سوریه باعث اقبال مردم به ایشان و به حاشیه رفتن عالمان تکفیری می‌شود.

چهارم روسیه؛ که عالمان آن در جمهوری داغستان هستند.

نتیجه‌گیری:

1 نهج البلاغه ت الحسون، السيد الشريف الرضي، ج ۱، ص ۵۲۴

2 نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱، ص ۵۱۷

ارتباط عالمان با عالمان دینی می‌تواند از لحاظ گوناگون دارای اهمیت راهبردی باشد؛ به‌عنوان مثال نتایج ویرانی‌ها و ناامنی‌های منطقه غرب آسیا مانند کشور سوریه و عراق را می‌توان ریشه در برداشت غلط و یک‌بعدی برخی از عالمان دینی جریان تکفیر دانست. نتیجه‌گیری مقاله این موضوع را بیان می‌دارد که در جهت رسیدن به حکمرانی اسلامی باید عالمان دینی ارتباطی علمی و متقن با هم دیگر برقرار سازند تا فتاوی‌ای سست در تقابل آرا حذف و باعث ناامنی و ایجاد هزینه‌های مالی و انسانی برای کشورهای اسلامی نشود. در این صورت به دو نوع نتیجه برخورد می‌کنیم.

اول عالمانی که از ابتدا تحت نفوذ و برای ضربه به کشورهای اسلامی و پیشبرد اهداف استکبار عمل می‌کنند که عموماً دارای فتاوی‌ای سست‌پایه و یا حتی بدون سند هستند و از این طریق بر افکار بخش قابل توجهی از جامعه مسلمانان تأثیرگذار بوده و سبب خسران جامعه اسلامی می‌شوند.

دوم عالمانی که استقلال خود را حفظ کرده‌اند، ولی در تفسیر و برداشت ایشان از روایات و قرآن دچار اشکال و خطا هستند، به تعبیری که افراد متأثر از نظراتشان در نهایت به خطا خواهند رفت و این انشقاق در جهت نیل به اهداف حکمرانی اسلامی در تضاد است و به‌وسیله تقابل آرا با عالمان دیگر می‌توان به همگرایی در این مسیر منجر گردد.

سخن بزرگان شیعه مبنی بر این است که ما فرزندان دلیل هستیم واضح و روشن هست. حال با توجه به این مشی قدرتمند چرا نباید با ابزارهای موجود کسانی که ادعای فهم دینی دارند در این کانال نظرات مستند خود را بیان و در مقابل دیده دیگران جهت بررسی صحت و سقم آن قرار دهند؟ مستند و مستدل سخنگویی ابزاری قدرتمند و در اختیار عالمان شیعه صالح هست که باید از آن حداکثر استفاده را کرد.

چرا که با توجه به تأثیرگذاری هر یک از عالمان بر تفکر قشری از جوامع اسلامی، آنان افرادی تأثیرگذار در نهایت بر افکار جوامع خود هستند که با اصلاح تفکر با روش تقابل آرا و مطرح کردن عالمان سنی صالح در مقابل مفتیان تکفیری می‌توان در جهت اصلاح و نیل به اهداف حکمرانی اسلامی حرکت کرد.

پیشنهاد مقاله در هر دو صورت با توجه به قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ایجاد و الزام کشورهای اسلامی با ابزارهای مختلف از جمله دیپلماتیک و دانش‌بنیان و ... تعریف سازوکاری برای مقابله آرا و پخته شدن نظرات در سطح علمی و جلوگیری از منتقل شدن فتاوای سست به بدنه جامعه مردم است تا اختلافات علمی منجر به ایجاد بستری برای سوء استفاده دشمنان در جهت ضربه به اسلام عزیز نگردد و برعکس به اتقان و اجماع آرا بیانجامد.

منابع:

۱. رضایی، حسن (۱۳۹۷)، طراحی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی حکمرانی اسلامی.
۲. مبارک، اصغر و آذریپوند، زیبا (۱۳۸۸)، «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی.
۳. نهج البلاغه ت الحسون، السيد الشریف الرضی، ج ۱.
۴. نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱، ص ۵۱۷.
۵. رنجبر، همایون؛ دائی کریمزاده، سعید؛ مروی، علی، (۱۳۹۱)، حکمرانی جهانی مؤلفه‌ها و ابزارها.

نقش و جایگاه حکمرانی خوب در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر

عیسی عبادی

چکیده

اعتیاد به سوء مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها به‌عنوان یک تهدید استراتژیک و پدیده‌ای چندوجهی با ریشه دوانیدن در اجزای مختلف بدنه جامعه، دولت‌ها را با مشکلات پیچیده اجتماعی مواجه ساخته است. ویژگی چندوجهی و پیچیده بودن اعتیاد نیز سبب شده است موفقیت برنامه‌های دولت‌ها در مبارزه با این ناهنجاری اجتماعی و بلای خانمان‌سوز به چالش کشیده شود. با توجه به ابعاد پیچیده معضل اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در جامعه به‌ویژه از منظر اجتماعی، ضرورت دارد استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی در مبارزه با این پدیده خانمان‌سوز مورد توجه قرار گیرد، چرا که نیاز است جنبه اجتماعی اعتیاد و راهکار و رویکردی که از سنخ اجتماعی و مشارکتی باشد مورد توجه و نظر قرار گیرد. روی همین اصل طی سالیان اخیر رویکرد اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر مورد توجه و اقدام جدی ستاد مبارزه با مواد مخدر قرار گرفته است. اینکه این رویکرد تا چه میزان با موفقیت همراه گردد و به عبارتی به اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر منجر شود، نیاز به تحقق الزامات (نهادی، ساختاری و حقوقی) و فراهم کردن مؤلفه‌های اجتماعی شدن مبارزه دارد تا در سایه آن و با بهبود و افزایش مشارکت‌پذیری اجتماعی در مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بتوان این رویکرد مثبت را به منصفه ظهور رساند.

از آنجا که مؤلفه‌های اجتماعی کردن مبارزه، متأثر از تمام یا برخی از عناصر مربوط به حکمرانی خوب و قابل طرح در چهارچوب مفهومی حکمرانی خوب است، سعی شده است به‌طور مفصل به عناصر و مؤلفه‌های این دو رویکرد نظری پرداخته شده و نقش و تأثیر تحقق حکمرانی خوب در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

کلیدواژه: اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر، مؤلفه‌های اجتماعی شدن، حکمرانی خوب، مؤلفه‌های حکمرانی خوب، مشارکت اجتماعی

The Role and Position of Good Governance in the Communitarianism of Drug Control

Abstract. Addiction to drugs and psychotropics abuse as a strategic threat and a multifaceted phenomenon rooted in various components of the body of society, have faced governments with complex social problems. Because of multifaceted nature and complexity of addiction, the success of governments' programs to combat this social anomaly and domestic violence has also challenged. Given the complex dimensions of the drug and psychotropic problem in society, especially from a social point of view, it is necessary to consider the use of social capacities to combat this domestic violence phenomenon, since the social aspect of addiction requires a social approach and strategy must collaborated and considered. On the same principle, the communitarianism of drugs control approach has received considerable attention and action in recent years. To what extent this approach succeeds, that need to meet the requirements and to provide the components for increasig social participation in drugs control, for succeed this positive approach.

By same elements of the communitarianism and good governance and their same conceptual framework, this article attempts to elaborate on the elements and components of these two theoretical approaches. And analyze the role and impact of good governance in the communitarianism of drugs control.

Keywords: Communitarianism in Drug Control, Communitarianism Components, Good Governance, Good Governance Components, Social Participation.

مقدمه

امروزه اعتیاد به سوء مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها به‌عنوان یک آسیب اجتماعی چندوجهی که خود موجب آسیب‌های تبعی دیگر از جمله طلاق، سرقت، خشونت، جرم و جنایت و غیره می‌باشد، تهدیدی استراتژیک از سوی کشورهای نظام سلطه علیه امنیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای مستقل از جمله جمهوری اسلامی ایران است که در قالب جنگ نرم پیاده می‌شود. اعتیاد پدیده‌ای چندوجهی است که با ریشه دوانیدن در اجزای مختلف بدنه جامعه، دولت‌ها را با مشکلات پیچیده اجتماعی مواجه می‌سازد. پیچیدگی و ویژگی چندوجهی اعتیاد سبب شده است موفقیت برنامه‌های دولت‌ها در مبارزه با این ناهنجاری اجتماعی و بلای خانمان‌سوز به چالش کشیده شده و با شکست مواجه شود.

با توجه به ابعاد پیچیده معضل اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در جامعه، چه از لحاظ عوامل سبب‌ساز و چه از نظر اثرات اجتماعی اعتیاد، ضرورت دارد استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی و مشارکت^۱ فعال مردم در مبارزه با این پدیده مخرب مورد توجه قرار گیرد چرا که جنبه اجتماعی اعتیاد می‌طلبد راهکار و رویکردی که از سنخ اجتماعی و مشارکتی باشد مورد توجه قرار گیرد بلکه بتوان با بهبود و افزایش مشارکت‌پذیری اجتماعی در مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها به موفقیت‌های بیشتری دست یافت و آلودگی‌ها و آسیب‌های ناشی از اعتیاد به مواد را از چهره اجتماع زدود. روی همین اصل طی سالیان اخیر رویکرد اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر مورد توجه و اقدام جدی ستاد مبارزه با مواد مخدر قرار گرفته است.

اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر فارغ از اینکه از نگاه بالادستی دارای چه اهدافی باشد و با چه ابزارها و روش‌هایی از سوی مطرح‌کنندگان آن مورد پیگیری و اجرا قرار گیرد از منظر بیرونی و پایین‌دستی نیازمند تحقق الزامات و پیش‌نیازهایی است و ممکن است از برخی مسائل و موضوعات اجتماعی و سیاسی و... تأثیر پذیرفته و دارای روابط

یک‌سویه، دوسویه و یا چندسویه با آن‌ها باشد. بر این مبنا و با توجه به انطباق چارچوب مفهومی و اشتراک مؤلفه‌ها و عناصر اجتماعی شدن مبارزه با نظریه حکمرانی خوب^۱، در این مقاله از بین مفاهیم و رویکردهای اثرگذار و مرتبط با رویکرد اجتماعی شدن، ارتباط و نقش حکمرانی خوب در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و ضمن تبیین مفهوم اجتماعی شدن مبارزه و ارتباط آن با دیگر مفاهیم جامعه‌شناختی از جمله مشارکت و سرمایه اجتماعی^۲ به نقش و جایگاه حکمرانی خوب در اجتماعی شدن مبارزه و تأثیر و تأثر آن از رویکرد مذکور پرداخته خواهد شد.

در این مقاله از روش تحقیق کتابخانه‌ای- اسنادی استفاده شده است. برای این منظور پس از تعیین موضوعات کلیدی (اجتماعی کردن مبارزه و حکمرانی خوب) و موضوعات فرعی مرتبط با دو موضوع اصلی، منابع مورد نیاز و در دسترس، اعم از کتب علمی داخلی و خارجی، نشریات، مقالات پژوهشی، گزارش‌های طرح‌های پژوهشی ملی مرتبط و سایر منابع قابل استفاده جمع‌آوری و پس از فیش‌برداری از نکات قابل استناد، یافته‌های علمی و تجربی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. سعی شده است حاصل بیش از ۱۰ سال تجربیات کارشناسی و حرفه‌ای نگارنده در ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز که قابلیت طرح و بیان داشته‌اند در تجزیه و تحلیل مطالب مورد استفاده قرار گرفته و به غنای مباحث افزوده شود.

رویکرد اجتماع‌گرایی^۳

رویکرد اجتماع‌گرایی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم و در تقابل با رویکرد غالب لیبرالیستی وارد علوم اجتماعی شد، راه حل بحران اجتماعی ناشی از موازین و رویکردهای لیبرالیستی را در توجه به ظرفیت اجتماع دانسته و اصل تعدد و تکثر را در این زمینه می‌پذیرد و نقش تعدد از این منظر نه به‌عنوان معضل که به‌عنوان یک ارزش قابل احترام، مورد توجه قرار می‌دهد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

1 Good Governance

2 Social Capital

3 Communitarianism

از نظر اجتماع‌گرایان، شیوه ناامنی اجتماعی و افزایش خشونت، جنایت و طلاق در برخی جوامع، نتیجه این باور است که عقل انسان به‌تنهایی و منفصل از سنت و اجتماع، قادر است ضمن محاسبه منافع و مضار هر عمل، بهترین آن را گزینش کند. به عقیده آن‌ها، دولت نمی‌تواند جامعه را به حال خود رها کند تا مردم به‌تنهایی، خودمختاری‌شان را محقق ساخته و حقوق خود را به دست آورند، چنین وضعیتی پیش از هر چیزی، نوعی گسیختگی اجتماعی و فاجعه اخلاقی به دنبال داشته و بنیان‌های داخلی امنیت را متزلزل می‌سازد (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۰۲). رویکرد اجتماع‌گرایی، به‌نوعی معنا، مرجع و سازوکارهای تحقق امنیت پایدار ملی را تغییر داده است. به‌گونه‌ای که در تعبیر جدید از امنیت، علاوه بر نقش دولت، بر نقش جامعه تأکید می‌شود. امنیت، تنها دفع یا فقدان تهدید نیست، بلکه تعقیب مداوم و مرتب ایمنی، از طریق اقدام مثبت و پیشگیرانه است که امنیت را در پی می‌آورد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۴) و این همان چیزی است که در دهه اخیر مورد توجه متولیان امر در مبارزه با شکل‌گیری و گسترش اماکن و پاتوق‌های تولید، توزیع و مصرف مواد که در برخی مواقع تبدیل به حفره‌های امنیتی شده و یا قابلیت این اتفاق را دارند، بوده و هست.

در چهره جدید امنیت، جامعه به‌عنوان مرجع مستقل و دولت به‌عنوان متغیر وابسته فرض می‌شود و آسیب‌پذیری یا انسجام داخلی بیش از تهدید خارجی مد نظر است و متغیرهایی چون سرمایه اجتماعی بیش از کنترل شهروندان و اعمال ترس و خشونت منجر به امنیت پایدار ملی می‌شود (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۰۲). این نگاه در مقابل رویکرد واقع‌گرایی است که امنیت را به فقدان تهدید تقلیل داده و به‌جای توانمندسازی کنشگران اجتماعی بر دفاع و صیانت از آن‌ها تأکید می‌کند (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۴). درواقع رویکرد اجتماع‌گرایی، در توسعه اجتماعی، نگاه پایین‌بالا را جایگزین نگاه بالا‌به‌پایین نموده و فرایند توسعه را از قاعده اجتماع به سمت رأس هرم جامعه در پیش می‌گیرد.

هرچند که اجتماع‌گرایی رویکردی جدید در منابع علمی دنیا قلمداد می‌شود، لکن به‌کرات و به اشکال گوناگون در دین اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است که در این

خصوص به‌عنوان دو نمونه از هزاران به سخنان گرانبار امیر مؤمنان حضرت علی (علیه‌السلام) اشاره می‌شود؛ ایشان در نامه ۴۷ نهج‌البلاغه در وصیت خود به حسنین می‌فرمایند: «امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که بدکرداران بر شما مسلط می‌شوند و پس از آن دعا می‌کنید و اجابت نمی‌شود». روشن است که این فریضه اسلامی بر همگان و در همه سطوح فردی و جمعی و دولتی و مردمی منتها با رعایت اقتضائات خود، واجب بوده و مصداق بارز اجتماع‌گرایی و نظارت اجتماعی که امنیت و توسعه نظم اجتماعی را به دنبال دارد می‌باشد. همچنین حضرت در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک اشتر هنگامی که ولایت مصر را به او می‌سپارد، می‌فرمایند: «عموم مردم، ستون‌های استوار دین، اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی هستند پس به آن‌ها گرایش داشته باش و اشتیاق تو با آن‌ها باشد» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۵۹-۵۹۱).

اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر و الزامات و عناصر آن

روند روزافزون شیوع و بروز اعتیاد و رضایت‌بخشی پایین دستاوردها در کنترل اعتیاد، مسئولین و متولیان مبارزه با مواد مخدر را بر آن داشت تا با تعریف روش‌ها و شیوه‌های مشارکتی و تعاملی در مبارزه گام برداشته و رویکرد اجتماعی شدن مبارزه را در دستور کار جدی ستاد مبارزه با مواد مخدر و دستگاه‌های عضو قرار دهند. این رویکرد که در واقع مبارزه اجتماعی با مواد مخدر و یا به تعبیر دیگر اجتماع‌گرایی در این مبارزه است، بر ظرفیت‌سازی اجتماعی در مبارزه و استفاده از ظرفیت‌های موجود اجتماعی در این مبارزه مهم تأکید دارد.

هرچند رویه مشارکتی از دهه ۸۰ شمسی مورد توجه قرار گرفته بود (بقایی سرابی، ۲۸۹:۱۳۹۷) زیرا با روی کار آمدن دولت‌های یازدهم و دوازدهم و تقارن آن با برنامه‌های پنجم و ششم توسعه به‌خصوص برنامه ششم که توجه خاصی به آسیب‌های اجتماعی نموده است (بقایی سرابی، ۳۱۰: ۱۳۹۷)، ستاد مبارزه با مواد مخدر را بر آن داشت تا با تهیه و به تصویب رساندن طرح ملی مبارزه همه‌جانبه با مواد مخدر، روان‌گردان‌ها و پیش‌سازها با رویکرد اجتماعی گام مهم و جدی‌تری در اجتماعی شدن مبارزه بردارد. در این خصوص

از ابتدای دولت یازدهم گفتمانی در کشور با به‌کارگیری رسانه‌های ارتباط جمعی و آموزش شکل گرفته و روش پیشگیری اجتماعی از اعتیاد مد نظر قرار گرفت. بی‌شک، این رویکرد بدون نقش‌آفرینی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت مردم و نهادهای مدنی و اجتماعی موفق نخواهد شد.

نبود و یا کاهش میزان حضور و همکاری عمومی در مبارزه با مواد مخدر و تأمین امنیت اجتماعی، به ناچار دولت را به افزایش تکیه به قدرت سخت و امنی دارد. استفاده از قدرت سخت؛ به‌نوبه خود از دامنه و شمول افراد مورد نیاز جهت عینی و اجرایی شدن قدرت حکومت که عموم مردم باشند کاسته و تأمین امنیت با تکیه بر گروهی که منافع آن‌ها از این رهگذر حفظ می‌شود، دنبال می‌گردد. در نتیجه، در این نگاه سخت‌افزارانه به امنیت (و توسعه اجتماعی)، مقوله تهدید برجسته می‌شود و چون نقطه اتکاء دولت گروه محدودی است، نگاه امنیتی به مسائل و پویش‌های اجتماعی حاکم و بخش اعظم هزینه‌ها هم امنیتی می‌گردد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۴۲-۱۴۳). نمونه بارز این وضعیت در حوزه مبارزه با مواد مخدر، اجرای مواد ۱۵ و ۱۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ (اصلاحی ۱۳۸۹/۵/۹) است. هر قدر که در استفاده از ظرفیت‌های قانونی ماده ۱۵ که رویکردی اجتماعی و مردمی دارد کوتاهی شود، باعث افزایش هزینه‌ها و وظایف حکمرانان در اجرای ماده ۱۶ قانون مذکور که رویکردی انتظامی - قضایی (دولتی) دارد می‌شود. در حال حاضر، به دلیل ضعف‌های عملکردی در اجرای دقیق، کامل و بهینه ماده ۱۵ قانون فوق در یک‌دهه گذشته، شاهد افزایش تعداد معتادین متجاهر در سطح شهرها هستیم که وظیفه ساماندهی و کاهش آسیب این قبیل معتادان با صرف هزینه‌های زیادی به عهده حکومت می‌باشد و با وجود نقش‌آفرینی مثبت و بی‌سابقه حکمرانان در این خصوص، حتی نتیجه‌های حاصله در درمان معتادین مذکور ضعیف‌تر از نتایج درمانی حاصل از اجرای ماده ۱۵ قانون توسط بخش خصوصی و نهادهای مشارکتی خواهد بود.

در عرصه اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر تحقق الزامات زیر ضرورت دارد (بقیایی سرابی، ۱۳۹۷: ۲۵):

الزامات نهادی به معنای تلاش کلیه دستگاه‌های دولتی، نهادهای حاکمیتی و اجرایی برای ایفای نقش و سهم خود در امر مبارزه و انجام کامل تکالیف قانونی و تعهدات ناشی از اسناد فرادستی؛

الزامات ساختاری شامل اصلاح ساختارها و چابک‌سازی و اعتماد به نهادهای مدنی؛ الزامات حقوقی به معنای رفع خلأهای قانونی.

در حوزه اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر لازم است تمامی موضوعات و جنبه‌های مبارزه اعم از اقدامات شناختی (علل اعتیاد در جامعه)، اقدامات پیشگیرانه (آموزش و توانمندسازی افراد جامعه، اقدامات حمایتی (برای اقشار آسیب‌دیده یا در معرض آسیب)، اقدامات مشارکتی (بهره‌گیری از گروه‌های داوطلب)، اقدامات درمانی و حمایتی (برای رفع مشکل معتادین) و اقدامات تنبیهی (برای مجازات مجرمین مواد مخدر اعم از قاچاقچیان، تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان مواد و انجام اقدامات قضایی و انتظامی علیه این افراد) مورد توجه قرار گرفته و از ظرفیت‌های اجتماعی در انجام اقدامات مذکور استفاده شود (بقیایی سرابی، ۱۳۹۷: ۲۴-۲۵).

با تفکر سیستمی به رویکرد اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر چه در بخش کاهش عرضه (برخورد قضایی و انتظامی) و چه در بخش کاهش تقاضا (پیشگیری، درمان و صیانت)، محصول نهایی مبارزه از مجموعه اقدامات درون و برون سیستمی حاصل می‌شود که مردم و بخش خصوصی دو عنصر مهم از عناصر این سیستم است. دولت عنصر سوم این سیستم تلقی می‌شود که در قالب حکمران، وظیفه تقسیم کار و تنظیم وظایف و مقررات و تسهیل‌گری مشارکت دو عنصر دیگر را به عهده دارد. بر مبنای این تفکر، نظم و امنیت تولیدی نظام‌مند است که از درون لایه‌های مختلف سیستم به شکلی درونزا و در نتیجه مناسبات عناصر درون و برون سیستمی مختلف سیاسی-اجتماعی معنا و مفهوم عینی و ذهنی پیدا می‌کند. در این رویکرد، رابطه نظم و سیستم اجتماعی از نوع انفصالی

نیست و خط فاصل مشخصی بین این دو قابل تصور نمی‌باشد. در رویکرد سیستمی، جامعه در معنای فراگیر خود مرجع امنیت است و به‌عنوان یک هویت جامع، نظم و امنیت در درون آن معنی شده و بدین ترتیب نظم و امنیت عمومی یک تولید اجتماعی محسوب می‌شود (غفاری، ۱۳۹۰: ۳۱).

سازمان‌های دولتی به‌عنوان یک سیستم، نیازمند نظم درونی و انسجام سازمانی است؛ زیرا نظم سازمانی، همبستگی رفتاری و توجه به سلسله‌مراتب، مقوی اقتدار سازمانی هستند که کارایی و اثربخشی سازمان را افزایش می‌دهند. با افزایش کارایی و اثربخشی، سازمان مقبولیت و مشروعیت بیشتری پیدا کرده و سرمایه سازمانی آن ارتقا پیدا می‌کند. در نتیجه، تعامل آن با جامعه و انجام وظایف و مأموریت‌های تعیین شده برای آن، با سهولت و هزینه کمتر و نیز تأثیرگذاری بیشتر عملیاتی می‌شود (غفاری، ۱۳۹۰: ۳۲).

اجتماعی شدن مبارزه دارای مؤلفه‌هایی است که بدون توجه به این مؤلفه‌ها و تقویت آن‌ها در عمل فرایند اجتماعی شدن شعاری بیش نبوده و با شکست مواجه می‌شود. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از (بقایی سرابی، ۱۳۹۷: ۲۷): ظرفیت‌سازی و سازمان‌دهی اجتماعی، آموزش و آگاهی‌بخشی به جامعه در خصوص جنبه‌ها، اهداف و ضرورت‌های اجتماعی شدن مبارزه، تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی توسط حکمرانان مبارزه با مواد مخدر، مسئولیت‌پذیری و مشارکت فراگیر اجتماعی، سلامت اجتماعی، تعیین‌کننده‌های اجتماعی اعتیاد، گروه‌های مرجع و ذینفعان، بازاریابی اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، گسترش هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، اجتماعات محلی، انسجام اجتماعی، امنیت اجتماعی، افزایش تاب‌آوری و تحمل اجتماعی و توجه به عوامل خطر و محافظت‌کننده‌ها.

از بین مؤلفه‌های فوق، در اینجا به تعریف و تبیین مفاهیم مشارکت، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی که از اصلاحات کلیدی و مفاهیم پایه در مباحث اجتماعی هستند پرداخته می‌شود:

مشارکت: مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (علوی‌تبار، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۶).

مشارکت عنصری از سرمایه اجتماعی و مقوم آن و ابزار مناسبی در توسعه و توانمندسازی اجتماعی است که کنش انسانی و احساس تعلق اجتماعی را در افراد یک جامعه ایجاد و تقویت می‌کند.

یکی از ویژگی‌های اساسی مشارکت، داوطلبانه بودن، انتخابی و غیر انتفاعی بودن آن است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۱۶)؛ بنابراین نمی‌توان در توسعه مشارکت از اجبار و دستور بهره گرفت بلکه بایستی عوامل و زمینه‌های مشارکت توسط حکومت‌ها فراهم گردد تا افراد جامعه جهت شکل‌دهی به حیات اجتماعی و برطرف نمودن نیاز جامعه به مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم ترغیب شده و تخصص و توانمندی خود را در جهت توسعه اجتماعی تسهیم نمایند.

مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های داوطلبانه و ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور مربوط به محله، شهر و روستا شرکت کرده و در مناسبات حیات اجتماعی خود مشارکت می‌نمایند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۵: ۲۸).

مشارکت اجتماعی که از انواع مهم مشارکت محسوب می‌شود فرایندی است که از طریق آن اجتماع با هم می‌پیوندند تا عملکردهای مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا درآورند. این نوع مشارکت که در مفهوم شهروندی با مشارکت سیاسی نقطه اشتراک دارد، مظهر مبارزه مشترک افراد برای تشکیل انجمن‌ها، اجتماعات، سازمان‌های داوطلبانه و غیر دولتی به‌عنوان حقوق اولیه شهروندی است (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۲). مشارکت اجتماعی شامل انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های عمومی از سطح پایین تا سطح بالا می‌باشد. این نوع مشارکت که با مشارکت مردمی قرابت زیادی دارد نخست مشارکتی است که از متن جامعه برمی‌آید و سپس عرصه‌های مختلف

حیات اجتماعی را در برمی گیرد، چنین مشارکتی در برنامه‌های توسعه اجتماعی به خصوص در سطح اجتماعات محلی و روستاها جایگاه ویژه‌ای دارد که غفلت از آن و فراهم ساختن بسترهای لازم برای بسط و بهره‌گیری مناسب از آن، برنامه‌های توسعه اجتماعی را در سطوح مختلف با مشکلاتی مواجه می‌نماید (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۲۹-۲۸).

گسترش و تعمیق مشارکت‌های مردمی، نیازمند سازمان‌دهی، نهادسازی و ایجاد شرایط ساختاری مناسب است. با وجود اینکه مشارکت الزاماً در چهارچوب سازمان‌ها و تشکلهای صورت نمی‌گیرد، تشکلهای و سازمان‌های مردمی آن را نهادینه کرده و سامان می‌بخشند. امروزه ارتباط و مشارکت هرچه بیشتر مردم با حکومت و دستگاه‌های دولتی از طریق نهادها و سازمان‌های غیر دولتی صورت می‌گیرد (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱).

سازمان‌های غیردولتی با توجه با دارا بودن ارتباط و نفوذ اجتماعی مطلوب و قابل توجه و دور بودن از دیوان‌سالاری دولتی، به‌عنوان تسهیل‌گر ارتباط و حلقه وصل مردم و حکومت عمل کرده و سازمان‌های دولتی را در نیل به اهداف تعریف شده و حل مسائل و معضلات جامعه یاری می‌کند و فعالیت آن‌ها مکمل اقدامات و فعالیت‌های دولت می‌باشد. تضمین مشارکت مردمی مستلزم حداقل پنج شرط عمده زیر است که باید هنگام هرگونه کوشش برای نهادینه کردن مشارکت عمومی، آن‌ها را به‌طور کامل در نظر گرفت (سعیدی، ۱۳۸۲: ۲۷).

الف) فرهنگ مشارکت (بعد هنجاری): گسترش مشارکت مردمی، به فرهنگ مشارکتی نیازمند است که یکی از مشکلات اساسی در کشورهای عقب‌مانده نهادینه نشدن آن به دلیل ساختار جامعه و سنت‌های موجود است.

ب) نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی): کانون ساماندهی و هدایت مشارکت‌های مردمی نهادهای مشارکتی است که مانع رواج فرهنگ فردگرایی شده و فعالیت‌های جمعی را در زندگی مردم نهادینه می‌کند.

ج) نظام اطلاع‌رسانی: اطلاع‌رسانی و آموزش برای گسترش مشارکت مردم ضروری است. اگر مردم از ابعاد تهدید مواد مخدر و دامنه آسیب‌های ناشی از اعتیاد آگاه شوند قطعاً با برنامه‌های مبارزه همگامی و همکاری خواهند کرد.

د) تسهیلات و امکانات مادی و تخصص‌های ضروری: تسهیلات و امکانات مادی در اختیار مشارکت‌کنندگان باعث ماندگاری و دوام‌پذیری فرایند مشارکت خواهد شد.

ه) ساختار دولت: مشارکت نیازمند فضای ساختاری غیر متمرکز و دموکراتیک است. مشارکت مردمی با تمرکزگرایی در ساختارهای دولتی همخوانی ندارد. برای رشد و گسترش نهادهای مشارکتی و سازمان‌های غیر دولتی فراهم نمودن زمینه‌های ساختاری در حوزه‌های سیاسی، دیوان‌سالاری و قانونی لازم و ضروری است.

سرمایه اجتماعی: با توجه به اشکال، منابع و پیامدهای سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی از سرمایه اجتماعی وجود دارد. در زیر چند نمونه از تعاریف آن آورده می‌شود:

سرمایه اجتماعی، شدت و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروه‌ها، احساس تعهد و اعتماد دوجانبه نسبت به هنجارها و ارزش‌های مشترک را شامل می‌شود. سرمایه اجتماعی را می‌توان مجموعه‌ای از ارزش‌ها یا هنجارهای غیر رسمی مشترک میان گروهی از افراد دانست که با یکدیگر همکاری می‌کنند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۳). سرمایه اجتماعی توانایی افراد برای کار کردن با یکدیگر در گروه‌ها و سازمان‌ها به منظور تحقق اهداف مشترک است (فوکویاما، ۱۹۹۵: ۱۰). اگر اعضای گروه انتظار داشته باشند که همگی رفتار معقول و صادقانه‌ای داشته باشند، آنگاه به یکدیگر اعتماد خواهند کرد. اعتماد همان نیرویی است که باعث می‌شود هر سازمان یا گروهی به شکلی کارآمدتر فعالیت کند.

رابرت پاتنهام^۲ (۱۹۸۰ م) از متخصصین اخیر سرمایه اجتماعی با تأکید عمده بر نحوه تأثیر سرمایه اجتماعی بر حکومت‌ها و نهادهای دموکراتیک، این مفهوم را بدین صورت تعریف می‌کند: سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیم شامل اعتماد، شبکه‌ها و هنجارها می‌باشد که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت

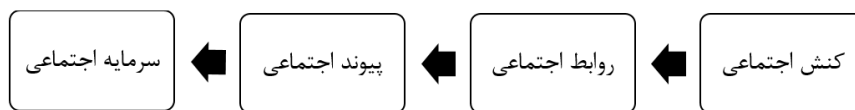
1 Fukuyama

2 Robert Putnam

منافع متقابل آن‌ها را تأمین و تسهیل می‌نماید. پاتنهام اعتماد و ارتباط متقابل میان اعضا در شبکه را منابعی می‌داند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود می‌باشد. همچنین از نظر وی، سرمایه اجتماعی به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی می‌باشد.

همان‌طور که در تعریف فوق ملاحظه می‌گردد تأکید عمده بر مفهوم اعتماد بوده و همین عامل با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی، موجب توسعه سیاسی می‌شود؛ بنابراین اعتماد منبع باارزشی از سرمایه محسوب می‌شود که به موازات وجود آن در هر حکومتی، رشد سیاسی و توسعه اجتماعی در حوزه قلمرو آن حکومت افزایش خواهد یافت.

سرمایه اجتماعی مشتمل بر مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی، روابط، تعاملات، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل است که در میان افراد و گروه‌های اجتماعی وجود دارد و موجب گرمی روابط اجتماعی و تسهیل عمل جمعی و اجتماعی آن‌ها می‌شود. سرمایه اجتماعی، بیانگر کم و کیف روابط اجتماعی و نحوه تعاملات کنشگران اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به‌مثابه نوعی دارایی است که در تصاحب و اختیار افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، حکومت و جامعه است (غفاری، ۱۳۹۰: ۴۱-۳۵). از دیدگاه وبر سرمایه اجتماعی محصول کنش اجتماعی و روابط اجتماعی افراد بوده که در سطح خرد مورد توجه قرار گرفته است (شکل ۱) (غفاری، ۱۳۹۰: ۷۲).



شکل ۱- منبع سرمایه اجتماعی از دیدگاه وبر

سرمایه اجتماعی دارای ابعاد است که مقوم یکدیگر بوده و در مجموع سازنده سازه سرمایه اجتماعی است. مهم‌ترین ابعاد آن عبارت‌اند از: اعتماد، قواعد و هنجارهای حاکم بر کنش جمعی، مشارکت در انجمن‌ها و شبکه‌ها، تبادل و تعامل، فعال‌گرایی، آگاهی اجتماعی و عمومی و ارزش‌های اخلاقی (غفاری، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۷).

در یک تقسیم‌بندی، سرمایه اجتماعی به دو نوع شناختی و ساختاری تقسیم می‌شود که ویژگی‌های هر کدام به شرح زیر است (غفاری، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۵):

سرمایه اجتماعی شناختی: این نوع از سرمایه اجتماعی خصلت ذهنی دارد تا عینی و مربوط به ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و پنداشت‌های اجتماعی است. پنداشت‌هایی که زمینه را برای اعتماد، تعاون و همکاری اجتماعی فراهم می‌سازند.

سرمایه اجتماعی ساختاری: نوع یا شکل دوم سرمایه اجتماعی ناظر به ساخت و عملکرد نهادهای رسمی و غیر رسمی محلی و فرامحلی است که تقویت اعتماد نهادی و مشروعیت‌بخشی به نظام‌های نهادی را به دنبال دارد.

سرمایه اجتماعی ساختاری با ساختارها و فرایندها مانند پاسخگویی رهبران و مدیران جامعه در قبال عملکردشان، شفافیت در تصمیم‌گیری، میزان تصمیم‌گیری و اقدام برای کارگروهی، ارتباط پیدا می‌کند. سرمایه اجتماعی ساختاری، در قیاس با سرمایه اجتماعی شناختی، از عینیت و شهود بیشتری برخوردار است. هر دو شکل سرمایه، دارای وابستگی متقابل با یکدیگر هستند و به صورت هم‌زمان رفتار و کنش افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

غفاری (۱۳۹۰ ه.ش) سرمایه اجتماعی را دارای کارکردها، منابع و پایه‌هایی می‌داند که اهم آن‌ها به شرح جدول ۱ می‌باشد.

جدول ۱- کارکردها، منابع و پایه‌های سرمایه اجتماعی از غفاری (۱۳۹۰ ه.ش) - تلخیص از نگارنده

رضایت از زندگی، خوش‌بینی و نشاط اجتماعی، تثبیت مردم‌سالاری، تعاون‌گرایی و تسهیل کنش جمعی، تسهیل توسعه و بهزیستی جامعه، کارآمدسازی نهادهای دولتی و تسهیل حکمروایی خوب، افزایش مشارکت مدنی، کاهش غفلت و بی‌تفاوتی مدنی، کاهش جرم و ایجاد نظم اخلاقی، تقویت وفاق و انسجام اجتماعی، کنترل اجتماعی غیر رسمی، تقویت اجتماع اخلاقی، فعال‌گرایی و پذیرش اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی، سلامت عمومی، کاهش هزینه کنش‌های جمعی، خویش‌ن‌داری و تعهد به هنجارهای اجتماعی، گرمی و طراوت اجتماعی، جبران‌کننده کمبود دیگر سرمایه‌ها، عام‌گرایی اجتماعی، روان‌سازی اجتماعی، کارآمدسازی نیروی کار	کارکردها، منابع و پایه‌های سرمایه اجتماعی
---	---

<p>دین، سنت‌ها، ایام و ظرفیت‌های تاریخی، خانواده، نهادهای آموزشی، رسانه‌ها، فضاهای عمومی، کالبد و مختصات فیزیکی فضاهای عمومی (ساختار خیابان)، نهاد حکومت، عملکرد و کارایی سازمانی، عدالت رویه‌ای، تناسب در اقتدار و مقبولیت آن</p>	<p>حکمرانی خوب و مطلوب، دفاع حکومت از حقوق مدنی و مالکیت، درگیر نشدن حکومت در فعالیت‌های بخش خصوصی، بیمه اجتماعی (قرین با امنیت جامعه‌ای)، سختگیری در برابر هر نوع فرصت‌طلبی سیاسی، استقلال نظام قضایی و دادگاه‌ها، شفافیت و کارایی آیین دادرسی، حاکمیت قانون، حاشیه‌ای نشدن مسئولیت اجتماعی دولت، فراهم‌سازی فرصت و بستر برای مشارکت‌های اجتماعی، تمرکززدایی و تفویض قدرت به سازمان‌های محلی، کاهش زیان اجتماعی و لطمه اجتماعی، تأکید بر سیاست پذیرش و ادخال تا سیاست طرد اجتماعی، واقع‌گرا و شاهد محور بودن سیاست‌ها تا تصمیم‌های دل‌خواهانه و فصلی، راهبرد استفاده از سرمایه اجتماعی خاص گرایانه به‌عنوان سکویی برای عزیمت به سرمایه اجتماعی عام‌گرایانه، سیاست زیان‌کاهی یا صدمه‌زدایی به‌جای طرح شعار ریشه‌کن کردن مشکلات (در جایی که این امکان وجود ندارد)، پرهیز از امنیتی کردن حوزه و فضای اجتماعی (امنیتی شدن حوزه اجتماعی موجب کاهش سرمایه اجتماعی و در عوض موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی خاص‌گرایانه می‌شود).</p>	<p>افزایش فرصت انتخاب و مشارکت، پذیرش خطاها و انتشار عملکرد، تکثیر الگوهای مطلوب، تفاهم نسلی در قالب فراهم‌سازی فرصت تعاملات بین نسلی، بهره‌گیری بهینه از نهادهای مذهبی (مساجد و تکایا) در جهت تقویت تعاملات اجتماعی، طرح فعالیت‌های داوطلبانه، کارمندان در قالب تشکیل جلسات مشورتی معطوف به مسائل حوزه کاری از طریق تلاش‌های سازمان‌یافته و هماهنگ برای مشارکت کارکنان در اجتماعات محلی، شکل دادن واحدهای جدید مردم‌نهاد توسط سازمان‌های دولتی با درخواست از نیروهای اجتماعی برای کمک و مشارکت در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی عام‌گرایانه، حمایت از بخش داوطلبانه، گروه‌های همیار و خودیار و دفاع از راهبرد مشارکتی و پایین به بالا، توسعه تحقق شایسته‌سالاری، پاسخگویی و اصلاح ساختارهای مخدوش امتیازدهی و پاداش، کاهش مقررات دست و پاگیر و زائد به‌منظور چابک‌سازی ادارات و سازمان‌ها، گسترش ایده‌شهروند اجتماعی با تشویق معرفی شهروندان مشارکتی</p>	<p>بسط ارزش‌های اخلاقی از حیث نظری و عملی، فعال ساختن افراد در قالب نقش دادن به آن‌ها، تشویق به عضویت در انجمن‌ها، کانون‌ها، تشویق به مسئولیت‌پذیری، افزایش آگاهی، آموزش مهارت‌های اجتماعی و کار جمعی، تقویت حسن تعلق و عرق ملی، تقویت «ما» و هویت اجتماعی - ملی در برابر «من» فردی، آموزش حقوق شهروندی و احیای تعهد اخلاقی جمعی به‌بزیستی آحاد افراد جامعه، خردگرایی و برخورد خردمندانه با امور و رواج شیوه تفکر و اندیشه انتقادی فعال و سازنده، قانون‌گرایی و تقویت احساس تعهد و تکلیف در برابر مصالح و منافع ملی، تقویت نگرش مثبت به آینده و امید و نشاط اجتماعی</p>
--	---	---	---

حکمرانی خوب و ویژگی‌های آن

حکومت‌داری یا حکمرانی خوب برای اولین بار در سال ۱۹۷۹ میلادی توسط ویلیام سون در ادبیات اقتصادی به کار گرفته شد و از دهه ۱۹۸۰ میلادی، به بعد در ادبیات علمی توسعه مطرح گردید (هاوس و دیگران، ۲۰۰۴: ۳). بانک جهانی اولین نهاد و سازمان بین‌المللی بود که در سال ۱۹۸۹ میلادی مفهوم حکمرانی خوب را به‌عنوان راه حل بهبود و ارتقای شرایط اقتصادی و سیاسی کشورهای جنوب صحرای آفریقا و افزایش کارآمدی دولت‌های آن‌ها به کار گرفت (دمرز و دیگران، ۲۰۰۴). حکمرانی خوب را امری جوهری در فرآیند توسعه پایدار به شمار آورده و آن را در ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با توسعه اقتصادی - اجتماعی قلمداد می‌کنند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۳۳۳). بر اساس دیدگاه برخی، حکمرانی تنها شامل دولت نمی‌شود، بلکه بخش خصوصی، افراد و گروه‌های جامعه مدنی را نیز در برمی‌گیرد و سیستم‌ها، رویه‌ها و... که به‌نوعی در امر برنامه‌ریزی، مدیریت و تصمیم‌گیری دخیل هستند را نیز شامل می‌شود (مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۹: ۴۶). مفهوم حکمرانی خوب توسط سازمان‌ها، دولت و مردم با توجه به تجربیات، علایق و دیدگاه‌های آن‌ها به صورت گوناگونی تعریف می‌شود.

بر اساس تعریفی کلان، حکومت‌داری یا حکمرانی عبارت است از فرآیندی که به‌واسطه آن مؤسسات دولتی به اداره امور عمومی می‌پردازند، منابع عمومی را مدیریت کرده و از حقوق افراد جامعه حمایت می‌کنند. بنا به تعبیری دیگر، حکومت‌داری عبارت است از شیوه به‌کارگیری قدرت در مدیریت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور (شکری، ۱۳۸۶). حکمرانی خوب نیز بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومتداری (مرادی، ۱۳۹۳: ۳).

بر اساس یکی از تعاریف ارائه‌شده، حکومت‌داری خوب عبارت است از انجام وظایف حکومت به شیوه‌های عاری از فساد و تبعیض و در چارچوب قوانین موجود. طبق تعریفی دیگر، حکومت‌داری خوب عبارت است از رعایت شفافیت، پاسخگویی و برابری در

فرآیند برآورده کردن نیازهای مردم (مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۹: ۴۶). همان‌طوری که از تعاریف برمی‌آید، حکومت‌داری مطلوب در واقع بر کیفیت و نحوه انجام وظیفه حکومت‌داری تأکید می‌کند.

در مجموع حکمرانی خوب هدایت و مدیریت صحیح و کارآمد جامعه در چارچوب حاکمیت قانون، تصمیم‌گیری منطقی و عادلانه همراه با شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت عمومی و راهبردهایی از این قبیل می‌باشد، بدیهی است تعامل شهروندان و نیروهای سیاسی - اجتماعی جامعه مدنی با دولت، در تحقق این امر ضروری است (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

تحقق حکومت‌داری خوب نیازمند شراکت سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است اما تحقق این شراکت از یک طرف نیازمند تأمین سرمایه در اشکال مختلف است و از طرف دیگر با موانع بالقوه متعددی روبه‌رو است. در صورتی که همکاری دوجانبه، اعتماد و احترام بر روابط میان طرف‌های مختلف شراکت حاکم باشد موانع می‌توانند به فرصت‌های جانبی تبدیل شوند (منوریان، ۱۳۷۹: ۲۲).

ویژگی‌های حکمرانی خوب: درباره ویژگی‌های حکمرانی خوب نیز همچون تعریف این واژه، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. جدول شماره ۱ شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی خوب را از دیدگاه افراد و سازمان‌های مختلف نشان می‌دهد. برابر جدول زیر کامل‌ترین فهرست مختصات حکمرانی خوب توسط برنامه توسعه ملل متحد (UNDP^۱) ارائه شده است که عبارت‌اند از: مشارکت، قانون‌مداری، شفافیت، پاسخگویی، توجه به خرد جمعی، اثربخشی و کارایی، مسئولیت‌پذیری و عدالت. البته سایر مراجع ذیربط نیز از جمله کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای آسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) و بانک توسعه آسیا فهرست جامعی از عناصر حکومت‌داری خوب ارائه کرده‌اند.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود از بین ۸ مؤلفه مورد نظر برنامه توسعه ملل متحد، مؤلفه‌های عدالت، پاسخگویی و مشارکت در اغلب تعاریف، جزء شاخص‌های

1 United Nations Development Program

حکمرانی خوب آمده است که این بیانگر اهمیت و نقش این مؤلفه‌ها در تحقق حکمرانی خوب است. در جدول شماره ۳ نیز گویه‌های مربوط به شاخص‌های هشت‌گانه مورد تأکید برنامه توسعه ملل متحد آمده است. مؤلفه‌های فوق قابل طرح در چهارچوب مفهومی یکسان با رویکرد اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر نیز بوده و جزء عناصر پیش‌نیاز و شاخص‌های مشترک رویکرد اجتماعی کردن مبارزه با حکمرانی خوب می‌باشند.

جدول ۲- مؤلفه‌های حکمرانی خوب در منابع مختلف (ملکی و دیگران، ۱۳۹۷: ۵)

مشارکت	بناگذاری	کارایی و اثربخشی	شفافیت	مسئولیت‌پذیری	قانونمندی	عدالت	مشورت‌بینی	رقابت‌جویی	آیند
									برنامه توسعه سازمان ملل
									جان فریدمن
									بانک جهانی
									مرکز اسکان سازمان ملل
									معاون واحد عملیاتی
									دنیس ماتا
									موریتاساجیکو، زاله داروود
									سان فنگ کام
									دیوید جی.ای. داگلاس
									برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد
									دانیل کافمن، آرت کرای، پاپلوزید و لوبتون
									تیلور، ویس، مویس و تیسدل

جدول ۳- شاخص‌ها و گویه‌های مورد استفاده برای سنجش وضعیت حکمروایی مطلوب (مشکینی و

دیگران، ۱۳۹۲: ۳۷)

شاخص‌ها	گویه‌های مد نظر
مشارکت	اتاق فکر و مشورت، مشارکت در فعالیت عام‌المنفعه، مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جمعی، مشارکت نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برنامه‌ریزی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، نظارت بر تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد بستر برای فعالیت مردم، تفویض اختیار و واگذاری اداره محلات به خود مردم، تسهیل مداخله شهروندان در روند توسعه
پاسخگویی	پاسخگویی مدیران به وظایف خود، برگزاری جلسات عمومی برای تشریح اقدامات، رضایتمندی از پاسخگویی مدیران، ایجاد سازوکاری برای انتقال نیازها و خواسته‌های مردم به مسئولان رده‌بالا، پاسخ قانع‌کننده مدیران به مردم، روراست بودن مدیران در ارائه برنامه‌ها، تشکیل جلسات عمومی برای در جریان قرار دادن مردم، پاسخگو بودن مدیران به‌عنوان یک اصل و باور، نبود فعالیت‌های خودسر و بی‌مسئولیت، جذب مشارکت از طریق پاسخگویی مدیران، همبستگی بین مردم و مسئولین از طریق پاسخگویی مدیران
مسئولیت‌پذیری	تلاش مدیران برای تشویق مردم به پذیرش مسئولیت، شایستگی مدیران در پذیرش مسئولیت، احساس مسئولیت مدیران، اعتراف مدیران به اشتباهات خود، پیگیری تحقق طرح‌های در دست اجرا، تمرکززدایی، مسئولیت‌پذیری مردم
قانونمندی	پارتنری بازی و ... در کارهای اداری، تأثیرگذاری گروه‌های صاحب نفوذ در تصمیم‌گیری‌ها (سنجش فساد)، شرکت افراد ذینفع در مدیریت جامعه، میزان پایبندی مردم به قوانین و مقررات، پایبندی مدیران به حقوق مردم، آگاهی و اطلاع مدیران از حقوق شهروندی، پایبندی مدیران به عرف و آداب و رسوم اجتماعی، التزام مدیران به برابری در برابر قانون، آگاهی مدیران از حقوق مکان زندگی، مقاومت مدیران در برابر رفتارهای خلاف قانون مردم
توافق جمعی	کار مشارکتی، موفقیت فعالیت‌های گروهی، هم‌سویی و هم‌فکری مدیران و مردم، هم‌فکری مدیران با سایر سازمان‌ها و نهادها، توافق جمعی بیشتر در نتیجه تعامل مدیران با نهادهای دولتی، حمایت از منافع اکثریت گروه‌ها و طبقات اجتماعی، ایجاد سازوکاری برای مشورت بین سازمان‌های رسمی توسعه اجتماعی و شهروندان
عدالت‌محوری	عدالت در توزیع برابر و عادلانه امکانات، پارتنری بازی و حق و ناحق کردن، دسترسی به فرصت‌های برابر و یکسان، انجام طرح‌ها در زمان تعیین‌شده، توجه به منافع جمعی، فراهم شدن حقوق شهروندی، عضویت زنان در مدیریت، استفاده معقولانه از منابع و امکانات، عدالت جنسیتی

<p>شفافیت در تصمیم‌گیری، شفافیت در ارائه عملکرد، صداقت در دادن اطلاعات، نظرخواهی از مردم نسبت به طرح‌ها، مصمم بودن به اجرای تصمیمات گرفته شده، اظهار نظر مردم نسبت به عملکرد مدیران</p>	<p>شفافیت</p>
<p>تداوم فعالیت مدیران، بهبود روش‌ها و اقدامات بر طبق دانش جدید، بهبود شیوه امور، در نظر داشتن رضایت، مشارکت مردم، کاهش هزینه‌ها و ارتقای کیفیت خدمات، رضایتمندی مردم از اقدامات مدیریت، پوشش خدمات در جامعه، ارائه خدمات توسط بخش‌های دیگر جامعه، مؤثر بودن اقدامات مدیران برای نیل به اهداف تعیین‌شده، مؤثر بودن روند فعالیت مدیران</p>	<p>کارایی و اثربخشی</p>

حکمرانی خوب و اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر

در تبیین ارتباط بین دو مفهوم حکمرانی خوب و اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر، مشارکت به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه و پل ارتباطی، اساسی‌ترین نقش را ایفا می‌کند. مشارکت، عنصری از سرمایه اجتماعی و مقوم آن و ابزار مناسبی در توسعه و توانمندسازی اجتماعی است که کنش انسانی و احساس تعلق اجتماعی را در افراد یک جامعه ایجاد و تقویت می‌کند.

از طرف دیگر سرمایه اجتماعی منابع و پایه‌هایی دارد (جدول ۱) که حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن بخش مهمی از آن‌ها محسوب می‌شود. از سویی، سرمایه اجتماعی با کارکردهای خود به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم مشارکت مردم را برای مبارزه جمعی با جرائم و آسیب‌های اجتماعی از جمله توزیع و مصرف مواد مخدر افزایش داده و از این طریق شرایط را برای تحقق اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر فراهم می‌کند و در نهایت در ارتقا کیفیت و سطح حکمرانی و تحقق حکمرانی خوب نیز اثر می‌گذارد؛ به عبارت دیگر، تحقق اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر متأثر از میزان غنای سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی نیز وابسته به کیفیت و سطح حکمرانی خوب است؛ بنابراین تحقق اجتماعی شدن مبارزه در گرو حکمرانی خوب بوده و همچنین ارتقادهنده سطح و شاخص‌های حکمرانی خوب می‌باشد؛ بنابراین یک رابطه دوسویه بین اجتماعی شدن مبارزه (به پستوانه سرمایه اجتماعی) و حکمرانی خوب وجود دارد.

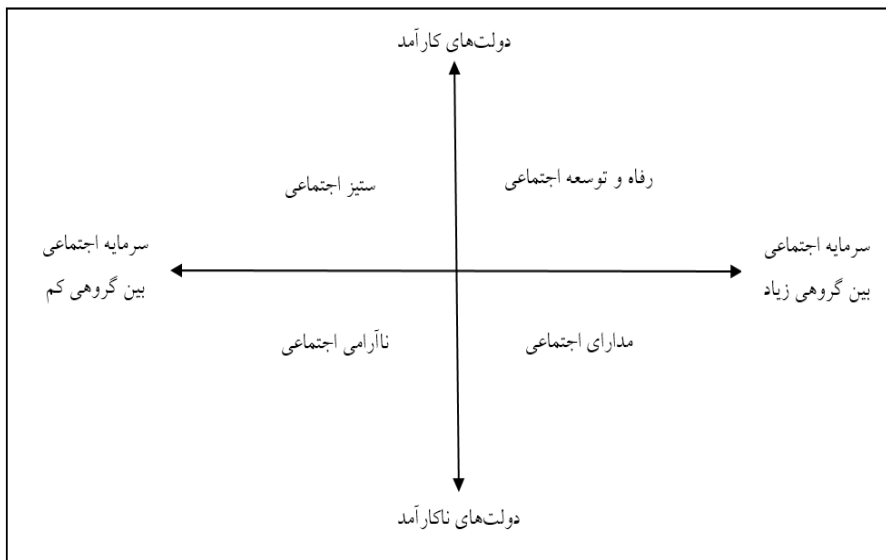
ولکوک و ناریمان (۱۹۹۹ م) با نگاه تلفیقی و چندجانبه به سرمایه اجتماعی رویکرد هم‌افزایی را مد نظر قرار داده و برای نظریه‌پردازان، محققان و سیاست‌گذاران سه وظیفه را پیشنهاد می‌نماید:

شناسایی ماهیت و حدود روابط اجتماعی محلی و نهادهای رسمی و نیز تعامل بین آن دو؛

توسعه راهبردهای نهادی مبتنی بر فهم این روابط و بسط سرمایه اجتماعی در اشکال درون‌گروهی و بین‌گروهی؛

تحقق زیربناهای مثبت سرمایه اجتماعی چون؛ تعاون، اعتماد و کارایی نهادی که بتوانند فرقه‌گرایی، انزواطلبی و فساد را خنثی نمایند.

شکل ۲ رابطه بین سرمایه اجتماعی و حاکمیت خوب را با توجه به کم و کیف این دو مقوله نشان می‌دهد.



شکل ۲- رابطه بین سرمایه اجتماعی بین گروهی و حاکمیت خوب (غفاری، ۱۳۹۰: ۸۶)

در توضیح وظایف فوق باید گفت سرمایه اجتماعی همان‌گونه که اگر به صورت بین گروهی و عام‌گرایانه در اختیار گروه‌های اجتماعی و مدنی باشد منجر به اثرات و نتایج

مطلوب در شکل‌گیری گروه‌های مشارکتی برای کنترل و کاهش آسیب‌ها و جرائم اجتماعی می‌شود؛ به همان اندازه اگر به صورت درون‌گروهی قوی و خاص‌گرایانه در اختیار گروه‌های ضد اجتماعی و تبهکار قرار گیرد، باعث افزایش جرم و فساد و تشویق افراد برای اعمال محرمانه می‌شود. اینجاست که حکمرانی خوب با تسهیل مداخله شهروندان در روند امور اجتماعی و جلب مشارکت مردم در فعالیتهای عام‌المنفعه و همه‌شمول، سرمایه اجتماعی خاص‌گرایانه و درون‌گروهی را به سرمایه اجتماعی عام‌گرایانه و برون‌گروهی سوق داده و از شکل‌گیری حفره‌های امنیتی و زمینه‌های جرم و جنایت از جمله گروه‌های تولید، قاچاق و توزیع مواد مخدر و روان‌گردان‌ها پیشگیری می‌کند.

بدون مشارکت و همکاری تمامی شهروندان، امنیت انتظامی و مبارزه با جرائم اجتماعی مؤثر و کارا نخواهد بود. مشارکت و همکاری مردم منوط به چگونگی تعامل سازمان‌های دولتی با مردم، اعتماد مردم به سازمان‌های مذکور و میزان مشروعیتی است که این سازمان‌ها در نزد و نظر مردم دارد. اعتماد در مشروعیت یک سازمان و نهاد و قابلیت حرفه‌ای، تعیین‌کننده است. حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی یک سازمان و نهاد در سایه افزایش کارایی، معتمد واقع شدن، پاسخگویی، عدالت اجرایی، قانون‌گرایی و نگاه عام‌گرایانه داشتن نسبت به آحاد افراد و اقشار مختلف اجتماعی است. حکمرانی مطلوب امنیتی، امنیت را به‌عنوان یک خیر جمعی ارزشمند شمرده و مفهوم دولت درستکار را به‌عنوان پیش‌شرط ارتباط سازنده میان سازمان‌های امنیتی و انتظامی و مردم می‌پذیرد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۰۹)؛ بنابراین شناسایی شرایطی که در قالب آن بتوان بین بخش دولتی و کنشگران خصوصی رابطه متقابل بهینه برقرار کرد و از توان و همیاری همه نیروها استفاده نمود، مهم و ضروری است.

با نظر به اهمیت مشارکت‌پذیری مردم در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر و جایگاه آن در تجزیه و تحلیل ارتباط متقابل دو مفهوم مورد بحث، در اینجا خلاصه‌ای از نتایج تعدادی از پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص مشارکت در ایران به شرح جدول ۴ آورده می‌شود.

جدول ۴- خلاصه‌ای از نتایج تعدادی از پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص مشارکت در ایران
(جمع‌آوری و تلخیص از نگارنده)

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگران و سال پژوهش	جامعه و نمونه آماری و محدوده جغرافیایی پژوهش	خلاصه نتایج
۱	بررسی الگوی مشارکتی شورایی‌ها در محلات شهر تهران	غلامرضا کاظمیان و رضا شادمان‌فر (۱۳۷۵)	محلات سطح شهر تهران با نمونه آماری ۳۸۵ نفر از شهروندان و ۳۰۰ نفر از شوراییاران	اغلب شوراییاران دارای سابقه طولانی مشارکت در امور مذهبی، مساجد و هیئت هستند. علی‌رغم پایین بودن تخصص و سطح تحصیلات شوراییاران، میزان شرکت آنان در جلسات مشترک با مدیریت شهری و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها مؤید این نکته است که مشارکت شهروندان در مدیریت شهر و محله خود در حال شکل‌گیری است.
۲	بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایرانی)	علیرضا علوی‌تبار (۱۳۸۲)	بررسی سابقه مشارکت در ایران و جهان	- بررسی؛ - تجارب الگوهای مشارکتی در ایران و جهان؛ - مشکلات مدیریت شهری در ایران که مانع مشارکت‌اند؛ - الگوهای مشارکت سنتی و جدید در ایران و جهان.
۳	بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری	میثم موسایی و بهزاد رضوی الهاشم (۱۳۸۸)	جامعه آماری: شهر تهران نمونه آماری: ۶۰ نفر شامل ۳۰ نفر از اساتید و صاحب‌نظران دانشگاهی شهر تهران (مرتبط با امور شهری) و ۳۰ نفر از برنامه‌ریزان اجرایی امور شهری معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران	مشارکت شهروندان به‌طور اعم در ایران و به‌طور اخص در شهر تهران دارای موانع ساختاری، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی- مدیریتی، حقوقی- قضایی است. علی‌رغم موانع موجود، نقاط قوت و فرصت‌های زیادی نیز جهت ایجاد و تقویت مشارکت شهروندان در امور شهری وجود دارد. به‌علاوه ضعف‌ها و تهدیدهای مشارکت از سوی شهروندان و مدیریت شهری، مشارکت را تحت تأثیر قرار داده است. هنوز ضرورت مشارکت در امور شهری از سوی مدیران شهری و

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگران و سال پژوهش	جامعه و نمونه آماری و محدوده جغرافیایی پژوهش	خلاصه نتایج
				شهروندان احساس نمی‌شود. مشارکت شهروندان به طور عمده صوری، سمبلیک و نمادین است.
۴	بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره بهینه امور شهری	اصغر احمدی و محمود توکلی (۱۳۸۸)	خانواده‌های ساکن محدوده شهرداری منطقه ۱۷ تهران با جامعه آماری ۶۶۷۱۱ خانوار و نمونه آماری ۱۰۵ نفر	در مجموع میزان گرایش به مشارکت در امور شهری بیش از حد متوسط ارزیابی شده و ارزیابی پاسخگویان نسبت به پیامدهای مشارکت، در کل مثبت بوده است.
۵	بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری نمونه موردی: منطقه ۱۰ شهرداری مشهد	کتایون علیزاده، مرتضی رضوی نژاد و مینا رادفر (۱۳۹۲)	جامعه آماری: منطقه ۱۰ شهرداری مشهد نمونه آماری: ۳۸۰ خانوار	نقش مردم در اداره امور شهر در منطقه ۱۰ شهرداری مشهد به ترتیب اولویت به این شرح بوده است: مشارکت معنوی-ذهنی ۴۲٪، مشارکت سیاسی ۳۴٪، مشارکت فیزیکی ۲۷٪، مشارکت مالی ۲۳٪ و مشارکت ابزاری ۳٪. میزان مشارکت کلی که حاصل تلفیق میزان مشارکت در نقش‌های پنج‌گانه فوق بود نیز به میزان ۲۶٪ مشارکت، به نسبت کم ارزیابی گردید.

ادامه جدول ۴- خلاصه‌ای از نتایج تعدادی از پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص مشارکت در ایران

(تلخیص از نگارنده)

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگران و سال پژوهش	جامعه و نمونه آماری و محدوده جغرافیایی پژوهش	خلاصه نتایج
۶	بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اعضای بسیج در ارتقا نظم و امنیت اجتماعی	حجت‌الله مرادی پردنجانی و ساناز مطلبی (۱۳۹۳)	جامعه آماری: اعضای جامعه بسیج استان چهارمحال و بختیاری نمونه آماری: ۸۴۳ نفر	بین مسئولیت‌پذیری، سابقه مشارکت، رضایت‌مندی اعضای بسیج از خدمات و عملکرد دستگاه‌های تأمین‌کننده نظم و امنیت، احساس تعلق و اعتماد اجتماعی اعضای بسیج با مشارکت آنان با دستگاه‌های تأمین‌کننده نظم و امنیت، رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین نتایج

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگران و سال پژوهش	جامعه و نمونه آماری و محدوده جغرافیایی پژوهش	خلاصه نتایج
	جامعه (مورد مطالعه استان چهارمحال و بختیاری)			تحلیل رگرسیون نشان داد که فقط تأثیر مسئولیت‌پذیری و سابقه مشارکتی معنی‌دار است و تأثیر بقیه متغیرها بر مشارکت اعضای بسیج معنی‌دار نشده است.
۷	بررسی تطبیقی تأثیر فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان (مورد مطالعه: محلات شهر تبریز)	ابوالفضل قنبری (۱۳۹۳)	جامعه آماری: خانوارهای ساکن شهر تبریز نمونه آماری: ۴۵۰ نفر	نتایج حاصل از تحقیق نشان داد هرچند که میزان مشارکت در محلات مختلف در نوسان بوده است، لکن در مجموع میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهر متوسط به بالا می‌باشد.
۸	ارزیابی میزان مشارکت شهروندان در مدیریت محله‌ای (مطالعه موردی: محله سنگلج شهر تهران)	کرامت‌الله زیاری، مجید سعیدی راد و سامان حیدری (۱۳۹۳)	جامعه آماری: محله سنگلج در منطقه ۱۲ تهران با حدود ۲۵۰۰۰ نفر جمعیت نمونه آماری: ۹۶ نفر	نتایج بیانگر پایین بودن میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری می‌باشد و می‌توان نتیجه گرفت هنوز زمینه برای مشارکت شهروندان در مدیریت محله فراهم نشده است، هرچند که در میان شهروندان محله سنگلج، تمایل به مشارکت در امور محله در حد بالایی قرار دارد؛ بنابراین این یک سرمایه بزرگ و بالقوه است که باید زمینه برای بالفعل کردن آن فراهم شود. می‌توان گفت که هنوز شوراییاری نتوانسته به‌عنوان یک نهاد مردمی زمینه را برای مشارکت مردم در اداره امور شهری فراهم کند.
۹	بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی	کیومرث اشترینان و محمدرضا امیرزاده (۱۳۹۴)	جامعه آماری: تمام افراد بالای ۲۰ سال ساکن شهر تهران نمونه آماری: ۳۸۴ نفر	نتایج حاصل از تحقیق نشان داد، رابطه بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و مشارکت شهروندان منفی و معنادار است.

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگران و سال پژوهش	جامعه و نمونه آماری و محدوده جغرافیایی پژوهش	خلاصه نتایج
	(مطالعه موردی: شهر تهران)			
۱۰	تعیین میزان تأثیر بی تفاوتی اجتماعی بر افزایش شیوع اعتیاد به مواد مخدر در جامعه و تبیین عوامل مؤثر بر آن	عبدالرضا باباری و علیرضا محمدی آریا (۱۳۹۵)	جامعه آماری: ۷۰۰۰ خانواده دارای فرد معتاد و ۷۰۰۰ نفر خانواده فاقد فرد معتاد در شهرستان گرگان نمونه آماری: ۳۸۶ خانواده دارای فرد معتاد و ۳۸۶ خانواده فاقد فرد معتاد	بی تفاوتی اجتماعی خانواده‌های دارای فرد معتاد نسبت به خانواده‌های فاقد فرد معتاد در سطح بالایی بوده و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حمایت اجتماعی، سلامت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تحلیل هزینه-فایده، نوع دوستی، دین‌داری، پیوند اجتماعی، همدمی و شبکه اجتماعی خانواده‌های فاقد فرد معتاد بالاتر از خانواده‌های دارای فرد معتاد بوده؛ اما میزان فردگرایی خانواده‌های دارای فرد معتاد در سطح بالاتری قرار داشته است.
۱۱	رفتار دانشی شهروندی: نقش یادگیری صلاحیت‌های رفتار دانشی شهروندان در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر	ایرج سلطانی، محمدحسین مشرف‌جوادی و علیرضا برازی (۱۳۹۷)	جامعه آماری: اساتید و کارکنان دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی پژوهشی (دانشگاه‌های اصفهان، علوم پزشکی، صنعتی، آزاد اسلامی، پیام نور و هنر) شهر اصفهان نمونه آماری: ۳۷۹ نفر	مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی رفتار دانشی شهروندی (به‌عنوان یکی از مفاهیم جدید توسعه دانش شهری و مقوی مشارکت) در شهر اصفهان در فرایند اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر مورد بررسی قرار گرفته و برابر یافته‌های تحقیق، شهروندان شهر اصفهان در سطح دوم (میان) بلوغ رفتار دانشی شهروندی تشخیص داده شدند.

با توجه به آنچه از جدول ۴ برمی‌آید، در مجموع نتایج تحقیقات در خصوص الگوهای مشارکت‌پذیری در مناطق مختلف کشور از رضایت‌بخشی کامل برخوردار نیست و مواردی از ضعف در فرهنگ مشارکتی جامعه به چشم می‌خورد. به‌طور طبیعی برخی از کمبودها ناشی از بی‌علاقگی و عدم توانمندی شهروندان برای مشارکت در مسائل و موضوعات

اجتماعی بوده و برخی نیز حاصل ضعف یا ناتوانی مدیران و دستگاه‌های دولتی در توانمندسازی مردم و ظرفیت‌سازی برای مشارکت آنان است. با این وجود، تحقیقات فوق نشان می‌دهد که در برخی مناطق جغرافیایی کشور شرایط امیدوارکننده‌ای برای مشارکت مردم در زمینه مسائل اجتماعی وجود دارد که می‌تواند بارقه‌های امید و زمینه‌ساز مبارزه اجتماعی با مواد مخدر باشد. هرچند که باید این زمینه‌ها و نقاط قوت توسط دست‌اندرکاران و حکمرانان در حوزه مبارزه با مواد مخدر تقویت گردد.

از سویی دیگر، گزارش‌های بانک جهانی از وضعیت حکمرانی در ایران که بر اساس ۶ شاخص پاسخگویی، ثبات سیاسی و نبود خشونت، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد صورت گرفته است، حاکی از این است که به‌جز شاخص اثربخشی دولت که از سال ۱۳۷۵ هجری شمسی تاکنون، غالباً از بالاترین امتیاز حکمرانی برخوردار بوده است (کریمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰) بقیه شاخص‌ها درصد نرخ کیفی پایینی را به خود اختصاص داده‌اند. برابر جدول شماره ۴ درصد نرخ کیفی شاخص اثربخشی دولت در سال ۲۰۱۶ میلادی، بالاترین و نزدیک به ۴۶ درصد توسط بانک جهانی ارزیابی شده در حالی که نرخ کیفی بقیه شاخص‌ها از ۲۶ درصد تجاوز نکرده است. همچنین برابر جدول زیر و دیگر گزارش‌های موجود (ذاکری، ۱۳۹۷: ۱) شاخص پاسخگویی که در سال ۲۰۱۲ میلادی، پایین‌ترین درصد نرخ کیفی در بین شاخص‌های حکمرانی را به خود اختصاص داده بود، در سال ۲۰۱۶ میلادی، کمی بهبود یافته است. ذکر این نکته لازم است که در سال‌های اخیر وضعیت حکمرانی در ایران بر اساس شاخص‌های مذکور با یک خیز مناسبی در حال بهبود می‌باشد (کریمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰ و ناظر اقتصاد، ۱۳۹۶).

با توجه به مباحث بالا می‌توان گفت که هم وضعیت مشارکت‌های مردمی در کشور و هم وضعیت حکمرانی در شرایط افت‌وخیز ولی با میل به بهبود قرار دارد که لازم است دست‌اندرکاران در اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر برنامه‌ریزی لازم را در خصوص

بهبود و تقویت شاخص‌ها و مؤلفه‌های اثرگذار به عمل آورند تا برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته با موفقیت بیشتری به مرحله عمل رسیده و به نتیجه مطلوبی منجر شود.

جدول ۴- روند تغییرات درصد نرخ کیفی وضعیت ایران در شاخص‌های حکمرانی مطلوب از منظر

بانک جهانی (محمودی و آرش‌پور، ۱۳۹۶: ۲۲۳-۲۳۲)

شاخص‌های حکمرانی	درصد نرخ کیفی سال ۲۰۰۴ میلادی	درصد نرخ کیفی سال ۲۰۰۸ میلادی	درصد نرخ کیفی سال ۲۰۱۲ میلادی	درصد نرخ کیفی سال ۲۰۱۶ میلادی
پاسخگویی و حق اعتراض	۱۴/۵	۷/۲۱	۵/۶۹	۱۱/۳۳
ثبات سیاسی	۲۲/۱	۱۶/۲۷	۹/۹۵	۲۰/۴۸
اثربخشی دولت	۴۰/۱	۳۳/۰۱	۳۵/۸۹	۴۵/۶۷
کیفیت مقررات	۹/۵	۲/۹۱	۶/۷۰	۶/۶۷
حاکمیت قانون	۳۴	۲۰/۶۷	۱۹/۹۱	۲۵/۹۶
کنترل فساد	۴۳/۵	۲۷/۶۷	۲۳/۹۲	۲۵/۹۶

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با جمع‌بندی مباحث نظری تحقیق و نظر به تجربیات و سوابق موجود می‌توان چنین

نتیجه گرفت که:

حکمرانی خوب نقش مؤثری در تحقق اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر داشته و روابط بسیار نزدیک و تنگاتنگی با این رویکرد دارد. اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر نیز با توجه به اینکه از سنخ مشارکتی است تأثیر متقابلی در بهبود حکمرانی خوب دارد. در واقع اجتماعی شدن مبارزه شیوه‌ای شایسته در حکمرانی خوب مبارزه با مواد مخدر محسوب می‌شود. در ارتباط بین این دو شیوه و رویکرد مدیریتی، مؤلفه و عنصر مشارکت نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند. با اینکه دو رویکرد فوق در اغلب شاخص‌ها و مؤلفه‌ها با همدیگر ارتباط مفهومی پیدا می‌کنند و در واقع چهارچوب مفهومی مشابهی دارند؛ زیرا در این میانه، مؤلفه مشارکت به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه در هر دو رویکرد و پل ارتباطی بین آن دو، اساسی‌ترین نقش را در تبیین مفهومی و ارتباط متقابل عملکردی بین آن‌ها ایفا می‌کند

و با شکل دادن و تقویت سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب را در حوزه مبارزه با مواد مخدر تسهیل می‌بخشد.

تا توسعه پایدار اقتصادی در مناطق مختلف کشور به‌ویژه مناطق آسیب‌پذیر از نظر اقتصادی اعم از مناطق مرزی، مناطق آسیب‌خیز و فقیرنشین داخل شهرها و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی حاشیه شهرها و ... صورت نگیرد امکان جلب مشارکت مردم مناطق فوق در مبارزه با مواد مخدر ممکن نخواهد شد و علاوه بر کاهش مشارکت آنان در مبارزه، سبب همکاری و مشارکت آنان در قاچاق و توزیع مواد مخدر نیز خواهد شد و با شکل‌گیری مناطق ممنوعه و حفره‌های امنیتی در قالب مزارع و کارگاه‌های تولید مواد، باندهای قاچاق، دپوهای مواد مخدر و پاتوق‌های توزیع و مصرف مواد به‌نوعی مشارکت منفی و رفتارهای مجرمانه با طیفی از رفتارها و اقدامات فردی تا تحرکات و تشکیلات گروهی و جرائم سازمان‌یافته صورت خواهد گرفت. این نگرانی نیز مزید بر علت است که نوسانات اقتصادی دو سال اخیر و افول قدرت اقتصادی جامعه موجبات فروپاشی ساختار متزلزل مناطق مرزی، فقیرنشین و حاشیه‌نشین و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی در معرض آسیب را فراهم نموده و مشکل یادشده را تشدید نماید. در این صورت توزیع قدرت و پول کثیف مبنای زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی شده و مشارکت مردم در مبارزه را به میزان قابل توجهی تنزل خواهد داد.

با تسهیل مشارکت مردم و فعالیت انجمن‌های مدنی محلی، اعتماد اجتماعی افزایش یافته و به موجب آن شرایط برای شکل‌گیری توسعه اجتماعی و حکمرانی کارآمد محقق می‌شود. حکمرانی خوب نیز می‌تواند از طریق پر کردن حفره‌ها، خلأها و بسترهای به وجود آورنده اعتماد و ایجاد شرایط مطلوب در بدنه جامعه نقش‌آفرینی کند و در کاهش فقر، بی‌اعتمادی، ناامیدی و استرس در زندگی مردم به‌عنوان علل مهم اعتماد از طریق رفع بیکاری، تورم و فشار اقتصادی و نیز فراهم کردن زمینه غنی‌سازی اوقات فراغت مؤثر واقع شود. نتیجه این امر، افزایش احساس تعلق و وابستگی اجتماعی و تقویت مشارکت‌های مردمی در مبارزه اجتماعی با مواد مخدر خواهد بود.

از دید رویکردهای جامعه‌شناختی، عدم وجود مشارکت، عدم پایبندی به هنجارها و قوانین، ناهماهنگی و ناهمخوانی اهداف تعریف شده با ابزارهای موجود، نابرابری در توزیع منابع و عدم وابستگی و تعلق اجتماعی، از عواملی است که آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد را سبب می‌شوند. روشن است که با بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب می‌توان از میزان و شدت عوامل فوق و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن‌ها مانند تولید، توزیع و مصرف مواد کاسته و از شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی بیشتر و جدیدتر جلوگیری کرد.

با حاکم کردن قوانین و مقررات دقیق، با کیفیت و بازدارنده در جامعه و اجرای بی‌طرفانه آن‌ها و پررنگ نمودن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق پیاده‌سازی سیستم قضایی مستقل، قاطع و فسادناپذیر، می‌توان از حقوق تمامی افراد جامعه دفاع کرده و از بی‌اعتمادی آحاد عمومی مردم و عدم تعلق اجتماعی که به شدت بر میزان مشارکت مردم تأثیر منفی می‌گذارد جلوگیری کرد.

با ایجاد شفافیت در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و در جریان قرار دادن مردم از روند اجرا و مسائل و مشکلات آن می‌توان زمینه نظارت همگانی در امور را ایجاد نمود و با پاسخگویی در برابر آحاد مردم، در جلب اعتماد آنان به دولت به‌عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی تلاش کرد. در این صورت رابطه بین دولت و مردم بهبود یافته و مشارکت اجتماعی برای تحقق اهداف مبارزه با هرگونه آسیب و تهدید افزایش خواهد یافت.

برای اینکه رویکرد اجتماعی شدن مبارزه با مواد نقش مؤثری در کنترل و کاهش آسیب‌های ناشی از تولید، قاچاق، توزیع و سوء مصرف مواد مخدر ایفا کند و در این راستا از شمولیت بیشتری برخوردار شود و از طرفی حکمرانی خوب را در عرصه مبارزه تحقق بخشد، مواردی به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

با توجه به اهمیت روحیه مشارکتی مردم در اجتماعی کردن مبارزه با مواد مخدر و لزوم بهبود وضعیت و ساختارهای مشارکتی و ظرفیت‌سازی لازم در این زمینه، مطالعه جامعی

در خصوص بررسی الگوی مشارکتی مردم در مبارزه با مواد مخدر در سطح کشور به عمل آمده و متعاقب آن و در صورت لزوم برنامه‌ریزی برای بهبود الگوی مشارکت در مناطق با مشارکت‌پذیری پایین به عمل آید.

نظر به نقش فضای مجازی در توزیع و مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و همین‌طور نقش و جایگاه آن در اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی، ظرفیت‌سازی و میزان مشارکت مردمی، برنامه‌ریزی لازم جهت استفاده از فضای مجازی در حوزه مبارزه با مواد مخدر و تسهیل شرایط اجتماعی شدن مبارزه به عمل آید.

با لحاظ ظرفیت مشارکتی مرزنشینان و علائق آنان به همکاری در کنترل قاچاق مواد به و از کشور به‌ویژه در مرزهای غربی و شرقی و رابطه معکوس بین میزان مشارکت مرزنشینان با انگیزه‌های اقتصادی آنان از قاچاق مواد (صیدالی و اکبری، ۱۳۹۴: ۲۸۹-۲۹۴)، پیشنهاد می‌گردد با حکمرانی خوب در مناطق مرزی، برنامه‌ریزی‌های کلان برای توسعه اجتماعی و اقتصادی مناطق مذکور صورت گرفته و اجرایی گردد.

بافت خاص فرهنگی و مذهبی در دو سوی مرزهای کشور به‌ویژه در مرزهای خشکی شرق و غرب کشور و عدم سنخیت آن با بافت فرهنگی و مذهبی مناطق مرکز ایران (صیدالی و اکبری، ۱۳۹۴: ۲۸۴)، سبب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی بین‌گروهی و خاص‌گرایانه در مناطق مرزی شده که زمینه را برای فعالیت مجرمانه گروه‌های مخالف و یا غیرهم‌سو با اهداف حاکمیت در کنترل قاچاق مواد مخدر در مناطق مرزی فراهم نموده است. در این خصوص لازم است با حکمرانی خوب، توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق یادشده را رقم زده و زمینه‌های خاص‌گرایی در مناطق موصوف را البته با رعایت حساسیت‌ها و اقتضائات خاص خود از بین برد و عام‌گرایی و روحیه مشارکتی را جایگزین آن نمود.

با توجه به تأثیر برخورد قضایی و انتظامی با مجرمین مواد مخدر در میزان جلب اعتماد و مشارکت مردمی و نقش آن در میزان تحقق اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر، دستگاه‌های ذیربط نسبت به بهبود درصد نرخ کیفی وضعیت حکمرانی در مؤلفه‌های:

کیفیت مقررات (با به‌روز نمودن قانون و تصویب قوانین بازدارنده)، حاکمیت قانون (با اجرای دقیق قانون) و کنترل فساد (با برخورد با هرگونه تبانی و فساد در مسائل حقوقی و مالی مربوط به مواد مخدر) اقدام تا شاخص‌های حکمرانی مطلوب در حوزه مبارزه با مواد مخدر بهبود یابد.

با نظر به مسئولیت‌پذیری و علاقه‌مندی مردم به مشارکت در خصوص ارسال گزارش فعالیت مجرمانه در حوزه مواد مخدر و لزوم آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم در این زمینه، به‌منظور بهبود زمینه‌های مشارکت و کاهش خطرات احتمالی ناشی از مشارکت در این رابطه، آموزش‌های حقوقی لازم در این خصوص به مردم ارائه شود و به‌منظور تداوم مشارکت، نتیجه مشارکت آنان نیز با شفافیت، اطلاع‌رسانی گردد. در این خصوص بهینه‌سازی سامانه‌های مشارکتی فعلی و دوسویه کردن آن به‌نحوی که مشارکت‌کنندگان از نتیجه مشارکت خود البته با رعایت رازداری مطلع شوند، ضروری است.

منابع

۱. احمدی، اصغر؛ توکلی، محمود، (۱۳۸۸)، «بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره بهینه امور شهر، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)»، سال اول، شماره ۲، صص ۷۳-۹۰.
۲. اشتریان، کیومرث؛ امیرزاده، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر تهران)»، سیاست، دوره ۴۵، شماره ۴، صص ۸۲۵-۸۴۱.
۳. افتخاری، اصغر؛ نصری، قدیر، (۱۳۸۳)، روش و نظریه در امنیت‌پژوهی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. بایاری، عبدالرضا؛ محمدی‌آرا، علیرضا، (۱۳۹۵)، گزارش طرح پژوهشی؛ تعیین میزان تأثیر بی‌تفاوتی اجتماعی بر شیوع اعتیاد به مواد مخدر در جامعه و تبیین عوامل مؤثر بر آن، تحت دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر.

۵. بقایای سرابی، علی، (۱۳۹۷)، اجتماعی شدن، رویکردی نوین در کاهش تقاضای مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، تهران، انتشارات دنیای درون.
۶. پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: سلام.
۷. زیاری، کرامت‌الله؛ سعیدی‌راد، مجید؛ حیدری، سامان، (۱۳۹۳)، «ارزیابی میزان مشارکت شهروندان در مدیریت محله‌ای (مطالعه موردی: محله سنگلج شهر تهران)»، مطالعات مدیریت شهری، سال ۶، شماره ۱۹، صص ۸۵-۹۵.
۸. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، قم: نشر لقمان.
۹. ذاکری، محمد (۱۳۹۷)، «بررسی گزارش شاخص‌های حکمرانی با تأکید بر جایگاه ایران، تحول اداری»، سری جدید، شماره سوم، شماره پیاپی ۵۷، صص ۵۶-۶۸.
۱۰. سردارنیا، خلیل‌اله (۱۳۹۱)، «شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در چهارچوب نظریه سیستمی»، مجموعه مقالات نخستین همایش علمی حکمروایی خوب شهری، تهران.
۱۱. سعیدی، عباس و همکاران، (۱۳۸۸)، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۱۲. سعیدی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های غیر دولتی، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. سلطانی، ایرج؛ مشرف‌جوادی، محمدحسین؛ برازی، علیرضا، (۱۳۹۷)، «رفتار دانش شهروندی: نقش یادگیری صلاحیت‌های رفتار دانش شهروندی در اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر»، تهران، اعتیادپژوهی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۱۱-۳۶.
۱۴. شکری، خسرو، (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و تعارضات سازمانی»، همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران.

۱۵. عزیززاده، کتابون؛ رضوی نژاد، مرتضی؛ دادفر، مینا، (۱۳۹۲)، «بررسی نقش و مشارکت مردم در اداره امور شهری (نمونه موردی منطقه ۱۰ شهرداری مشهد)»، مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره اول، صص ۶۱-۸۷.
۱۶. علوی تبار، علیرضا، (۱۳۸۲)، مشارکت در اداره امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران) (جلد ۱)، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور.
۱۷. غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: نشر نزدیک.
۱۸. غفاری، غلامرضا، (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: جامعه‌شناسان.
۱۹. صیدالی، محسن؛ اکبری، مهدی، (۱۳۹۴)، گزارش طرح پژوهشی اثربخشی استفاده از ظرفیت اقوام و طوایف در کنترل مرز و جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و روانگردان، تهران، دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر.
۲۰. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جهان امروز.
۲۱. قنبری، ابوالفضل، (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی تأثیر فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان (مورد مطالعه: محلات شهر تبریز)»، جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۱۸، شماره ۴۸، صص ۲۱۱-۲۴۳.
۲۲. کاظمیان، غلامرضا؛ شادمان‌فر، رضا، (۱۳۷۵)، «بررسی الگوی مشارکتی شورایی‌ها در محلات شهر تهران، شهرداری‌ها»، سال نهم، شماره ۸۹، صص ۵۴-۵۹.
۲۳. کریمی، محمدشریف؛ دورباش، معصومه؛ حیدریان، مریم، (۱۳۹۶)، «بررسی نقش و اثرات حکمرانی، خوب در رشد اقتصادی ایران»، اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای؛ رویکردها و کاربردها.

۲۴. کمالان، سید مهدی، (۱۳۹۰)، مجموعه قوانین و مقررات مواد مخدر، تهران: کمالان.
۲۵. محمودی، امیر؛ آرش پور، علیرضا، (۱۳۹۶)، «حکمرانی مطلوب؛ سازوکار ایجاد توانمندی در تحقق توسعه»، سیاست جهانی، دوره ششم، شماره چهارم.
۲۶. مرادی، غلامرضا، (۱۳۹۳)، «نقش‌پذیری حکمروایی خوب شهری در پایداری شهر، کنفرانس ملی معماری و منظر شهر پایدار»، شهید، صص ۱-۱۲.
۲۷. مرادی پردنجانی، حجت‌الله؛ مطلبی، ساناز، (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اعضای بسیج در ارتقای نظم و امنیت اجتماعی جامعه (مورد مطالعه استان چهارمحال و بختیاری)»، مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۴، صص ۸۷-۹۵.
۲۸. مرکز آموزش مدیریت دولتی، (۱۳۸۹)، درسنامه نظارت همگانی و سرمایه اجتماعی.
۲۹. مشکینی، ابوالفضل؛ پورموسوی، سید موسی؛ مؤذن، سهراب، (۱۳۹۲)، «ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری؛ مطالعه موردی: محله اوین تهران»، مطالعات شهری، شماره ۶، صص ۳۱-۴۲.
۳۰. ملکی، سعید؛ آروین، محمود؛ بذرافکن، شهرام، (۱۳۹۷)، «بررسی نقش الگوی حکمروایی خوب شهری در تحقق شهر تاب‌آور (مطالعه موردی: شهر اهواز)»، دانش شهرسازی، شماره ۴، صص ۱-۱۸.
۳۱. منوریان، عباس، (۱۳۷۹)، «از دولت خوب تا حکومت‌داری خوب، مدیریت دولتی»، شماره ۴۸ و ۴۹، صص ۲-۹.
۳۲. موسایی، میثم؛ رضوی الهاشم، بهزاد، (۱۳۸۸)، «بررسی (SWOT) مشارکت شهروندان در امور شهری، رفاه اجتماعی»، سال یازدهم، شماره ۴۱، صص ۱۲۳-۱۵۲.

34. Haus, M., & Klausen, J. E. (2004), Urban leadership and community involvement: ingredients for good governance? Findings from the PLUS project. In City Futures Conference, Chicago

35. <http://monitoreconomy.ir>

36. Lie Demmers, J., & Fernandez, A. E. (2004), 1 Good Governance and democracy in a world of neoliberal regimes. Good Governance in the Era of Global Neoliberalism: Conflict and Depolarization in Latin America, Eastern Europe, Asia, and Africa, 47, 1.

37. UNDP (1997), Governance and Sustainable Human Development United Nations Development Program

38. Woolcick, Michael and Deepa Narayan (1999), Social capital: Implications for Development Theory, Research and Policy, Word Bank.

**نقش آموزه‌های اسلامی در تبیین
الگوی تعامل بین شاخص‌های حکمرانی
خوب و سرمایه اجتماعی**

عباس فتح‌تبار فیروزجاه

چکیده

ضرورت پاسخگویی به نیازهای مدنی و شهروندمداری، تصمیم‌گیران مدنی را به‌سوی بهره‌گیری از روش‌های مطلوب در زمینه مدیریت جوامع سوق داده است که یکی از این روش‌ها حکمرانی خوب است. حکمرانی به‌عنوان روش اعمال قدرت در مدیریت توسعه اقتصادی و اجتماعی یا به‌عنوان مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی که امور مشترک مردم را اداره می‌کند؛ تعریف شده است. از طرفی نهادها، روابط، نگرش‌ها و ارزش‌هایی در بین مردم حاکم است نیز تحت عنوان سرمایه اجتماعی به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند. هدف از این پژوهش بیان نقش آموزه‌های اسلامی در تبیین مدل تأثیر متقابل حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر یکدیگر در گام دوم انقلاب اسلامی است. در این مقاله بر اساس شرح حدیثی از رسول اکرم (ص)، شبکه درهم‌تنیده روابط اجتماعی با شاخص‌های حکمرانی خوب مورد تطبیق و مقایسه قرار خواهد گرفت. هم حکمرانی خوب به غنی شدن سرمایه اجتماعی می‌انجامد و هم سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب را تضمین می‌نماید. می‌توان گفت که یک الزام اساسی در ایجاد جامعه مدنی متعالی و تقویت حکمرانی خوب، ایجاد روابط سالم بین اعضای جامعه است.

کلیدواژه: حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی، آموزه‌های اسلامی، گام دوم انقلاب

اسلامی.

The role of Islamic teachings in explaining the pattern of interaction between indicators of good governance and social capital

.Abstract. The need to respond to civic needs and citizenship has led civic decision makers to take advantage of desirable approaches to community management, one of which is good governance. Governance is defined as a method of exercising power in managing economic and social development or as a set of individual, institutional, public and private approaches that govern the common affairs of the people on the other hand, institutions, relationships, attitudes, and values prevail among the people as well as social capital contributes to economic and social development. The purpose of this study is to explain the role of Islamic teachings in explaining the model of the interaction between good governance and social capital on the second step of the Islamic Revolution. In this paper, based on the hadith narrative of the Prophet (peace be upon him), the intertwined network of social relations will be compared and compared with the indicators of good governance. Both good governance leads to social capital enrichment and social capital guarantees good governance. It can be said that a fundamental requirement for building a transcendent civil society and fostering good governance is to build healthy relationships between members of society.

Keywords: Good governance, social capital, Islamic teachings, the second step of the Islamic Revolution.

مقدمه

در ادبیات کشورهای غربی شاخصه عصر جهانی شدن، با فاکتورهای مختلفی نظیر عدم قطعیت‌های زیاد، تغییرات سریع و غیر خطی تعریف شده‌اند و از طرفی نظام‌های سرمایه‌داری به دنبال ساختار قدرت جهانی متمرکز، ایجاد نظم جهانی یک‌جانبه هستند تا از این طریق بر رابطه دولت - ملت‌ها، حکومت‌ها، شهروندان و نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سراسر جهان تأثیر بگذارند. این رقابت منجر به بروز ظهور جهان چندقطبی می‌شود که در آن هر کشور صاحب فکر و اراده، در حال بازتعریف نقش جهانی و منطقه‌ای برای خود می‌باشد (ماری فارل و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳۵). در این عصر به خاطر حجم عظیم داده‌ها و اطلاعات، برتری سیاسی و اقتصادی در داشتن ابزار تحلیل درست و سریع اطلاعات است. ضرورت پاسخگویی به نیازهای مدنی و شهروندمداری، تصمیم‌گیران مدنی را به سوی بهره‌گیری از روش‌های مطلوب در زمینه مدیریت جوامع سوق داده است که یکی از این روش‌ها حکمرانی خوب است. حکمرانی به‌عنوان روش اعمال قدرت در مدیریت توسعه اقتصادی و اجتماعی یا به‌عنوان مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی که امور مشترک مردم را اداره می‌کند؛ تعریف شده است. از طرفی نهادها، روابط، نگرش‌ها و ارزش‌هایی در بین مردم حاکم است که به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند (ساعی، ع و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰). از این مفهوم به‌عنوان سرمایه اجتماعی در جامعه یاد می‌شود. حکمرانی خوب از دو عبارت ساده اما پر مفهوم تشکیل شده است که تعریف درست یا فهم درست معنای آن نقش مهمی در مشروعیت بخشیدن به عملکرد مجری آن دارد؛ به عبارت دیگر اگر حکمرانی و خوب بودن در هر جامعه مدنی به یک نحو تعریف گردد؛ آنگاه خروجی سیستم‌ها و نظام‌های حاکم بر اجتماع در فرهنگ‌های مختلف با هم متفاوت خواهد بود.

حکمرانی خوب

در ادبیات علمی، حکمرانی نظام به هم پیوسته‌ای متشکل از حکومت و جامعه است. تا قبل از سال ۱۹۹۰ میلادی، حکمرانی مترادف حکومت^۱ (به معنی واحد سیاسی و سازمان قانونی نه به‌عنوان فرآیند) در نظر گرفته می‌شد. امروزه دو مفهوم اصلی از حکمرانی وجود دارد. مفهوم اول بر پایه تعاریف بانک جهانی و سازمان ملل متحد، است که در آن حکمرانی به‌عنوان روش اعمال قدرت در مدیریت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور تعریف شده است (Kaufman et al. 2010). در مفهومی دیگر حکمرانی بر تسهیم اقتدار مدیریت دولتی میان دولت و سازمان‌های غیر دولتی به صورت ترکیبی و همکاری مشترک اشاره دارد. در این تفکر، حل مشکلات اجتماعی به‌جای تأکید صرف بر نهادهای دولتی با شیوه حکمرانی حاصل از همکاری چندجانبه صورت می‌پذیرد. در این مفهوم، حکمرانی وسیع‌تر از حکومت است و بیانگر اقتدار سیاسی، اقتصادی و مدیریتی به وسیله شبکه‌ای از کنشگران رسمی حکومت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی است (عربشاهی، ۱۳۸۳: ۹).

بر اساس تعریف بنگاه‌های سازمان ملل متحد نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و برنامه توسعه ملل متحد ویژگی‌های متعددی برای حکمرانی خوب برشمرده شده است. از دیدگاه بانک جهانی، شاخص‌های حکمرانی خوب شامل مواردی، نظیر:

الف) شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی^۲؛

ب) شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت؛

ج) شاخص کارایی و اثربخشی^۳؛

د) شاخص کیفیت قوانین و مقررات؛

ه) شاخص حاکمیت قانون^۴؛

و) شاخص کنترل فساد (Kaufman et al. 2008) هستند.

1 Government

2 Accountability

3 Efficiency and Effectiveness

4 Rule of law

صندوق بین‌المللی پول و برنامه توسعه ملل متحد نیز شاخص‌های، مشارکت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری^۱، حاکمیت قانون، عدالت و برابری، اجماع‌سازی، قانون‌مداری و حفظ ارزش پول را برای حکمرانی خوب ذکر کرده اند (Elahi, 2009). امروزه نظریه حکمرانی وارد عرصه جدیدتری به نام حکمرانی الکترونیکی هم شده است که در آن از امکانات فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌منظور کاهش زمان و هزینه ارائه خدمت، افزایش کارایی و بهره‌وری، افزایش شفافیت و کاهش فساد اداری استفاده می‌گردد. دسترسی فراگیر در مقیاس جهانی به اطلاعات، شفافیت و باز بودن فضای اطلاعاتی کیفیت و انسجام خدمات، مشارکت و مسئولیت‌پذیری برخی از اصول اتحادیه اروپا به‌عنوان ارکان کلیدی حکمرانی الکترونیکی هستند. جدول (۱)، شاخص‌های حکمرانی مطلوب به تفکیک مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های حکمرانی مطلوب به تفکیک مؤلفه‌ها

شاخص‌ها	مؤلفه‌های حکمرانی خوب
مشارکت	حق اظهار نظر - آزادی سیاسی - اجماع (توافق جمعی) - تکررگویی رسانه‌ها - انتخابات آزاد و منصفانه
پاسخگویی	پاسخگویی - رفتار اخلاقی و صادقانه - شفافیت - اعتماد - مسئولیت‌پذیری
عدالت و برابری	کیفیت مقررات - تساوی حقوقی - انصاف - توزیع عادلانه - حاکمیت قانون - میزان تحمل تنوع
اجماع‌سازی	ارتباط جمعی - توافقات گسترده - تعامل گروهی - استانداردسازی حل اختلاف‌ها
کارایی و اثربخشی	کنترل فساد - فقدان آشوب - کارایی اداری - اثربخشی دولت - کارایی قضایی - ثبات سیاسی - توانایی رقابت در محیط جهانی

شاخص‌های حکمرانی غربی اگرچه دارای مفاهیم ارزشی خوبی هستند که با تعالیم اسلامی هم اشتراک دارند؛ اما با بررسی متون غنی اسلامی می‌توان گفت که رویکرد اسلامی در مواردی به لحاظ جهان‌بینی با دیدگاه حکمرانی غربی در تقابل است و در مواردی نیز به شاخص‌هایی اشاره دارد که در ادبیات غربی به آن توجهی نشده است. از

1 Participation
2 Responsiveness

دیدگاه اسلامی، حکمرانی خوب مبتنی بر تعالیم قرآن و عترت است (حق‌گویان و همکاران ۱۳۹۵). در حکمرانی خوب از منظر غرب، هدف نهایی تنها توسعه اقتصادی می‌باشد (ناظمی، ۱۳۹۱: ۲۵).

بانک جهانی پس از اینکه در اجرای سیاست‌های سرمایه‌ای و مالی کشورهای زیر نظرش با شکست مواجه شد؛ مفهوم حکمرانی خوب را برای تغییر نحوه سازمان‌دهی این کشورها بیان نمود (قلی‌پور، ۱۳۸۴). در این نوع توسعه، انسان ملاک همه چیز است. این در حالی است که در مدل حکمرانی اسلامی، محور خدا است و جهت حرکت همه جوامع بشری در دوبرعده مادی و معنوی مشخص می‌گردد. با هدف تعالی انسان، توسعه اقتصادی در حکمرانی اسلامی، یک ابزار رشد (و نه هدف) است (سردار، ۱۳۹۶:). راه تحصیل اقتصاد هم، راهی است که خداوند متعال می‌پذیرد (قرآن کریم، ۱۶۸ بقره).

در مواجهه با پدیده جهانی شدن، ماری فارل (ماری فارل و همکاران ص ۳۴۶) جهان کنونی را یک جهان مناطق می‌داند و سعی دارد مناطق جهانی را به سه قسم مرکزی، پیرامونی و میانی تقسیم کند و روابط سیاسی، در حوزه حکمرانی بین یک‌جانبه‌گرایی، چندجانبه‌گرایی و کثرت‌گرایی در حال تغییر است. از این رو میان این جوامع روابط مختلف بین منطقه‌ایی را در یک نظم جهانی در نظر می‌گیرد که تحت سیطره نظام بازسازماندهی شده ملل متحد است و در آن مناطق مهم برتری دارند. در این نگاه ایالات متحده به‌عنوان ابرقدرت انحصاری است و هدف اصلی سیاست خارجی آمریکا حفظ ساختار حکمرانی تک‌قطبی است؛ اما مشروعیت حاکمیت ایالات متحده روزبه‌روز رو به افول است. چرا که پس از ناکامی سازمان‌های بین‌المللی در ایجاد امنیت در مناطق مختلف جهان، ظهور انقلاب ملت ایران و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت (مانند رشد بالای اقتصادی چین و نقش آن در عرصه بین‌المللی) دوران استیلای ایالات متحده رو به افول است (فرزین‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۳). در این بین انقلاب اسلامی به خاطر ماهیت متفاوت انگیزه، بر معادلات نظم جهانی تأثیر گذاشته و تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر شد.

مدل حکمرانی اسلامی

در فلسفه سیاسی اسلام مردم همواره برای برپایی حکمرانی خوب باید تلاش نمایند و در اساس تغییر در سرنوشت هر ملتی در گرو تصمیمات خود آن ملت در نحوه اداره اجتماع است (قرآن کریم سوره رعد ۱۱). حضرت علی (ع) بر خوررداری از پشتوانه اعتماد مردم را یکی از عوامل تقویت ثبات سیاسی می‌دانند و طبق آموزه‌های ایشان، برای برقراری و پایداری حاکمیت قانون باید حقوق متقابل محترم شمرده شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). در این مقاله از یک حدیث از رسول اکرم (ص) استفاده تحلیلی گردیده و ارتباط آن را به الگوی حکمرانی اسلامی مورد بررسی قرار داده‌ایم. یکی از کارهای مهمی که انبیا و پیشوایان دینی، برای تشویق مردم به سمت کارهای خوب انجام می‌دادند، این بود که مردم را از زبان شخصیت‌های والا و با عظمت به امور کلیدی متوجه سازند. در حدیثی، پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمودند: «يَا عَلِيُّ! تَمَنَّى جَبْرَيْلُ أَنْ يَكُونَ مِنْ بَنِي آدَمَ بِسَبْعِ خِصَالٍ وَ هِيَ الصَّلَاةُ فِي الْجَمَاعَةِ وَ مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ وَ الصَّلْحُ بَيْنَ الْأَثْنَيْنِ وَ الْكِرَامُ الْيَتِيمِ وَ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ وَ تَشْيِيعُ الْجَنَازَةِ وَ سَقْيُ الْمَاءِ فِي الْحَجِّ فَاحْرُصْ عَلَي ذَلِكْ؛ ای علی! جبرئیل به سبب هفت خصلت، آرزو داشت که از فرزندان آدم باشد. آن خصلت‌ها عبارت است از: نماز را به جماعت خواندن، همنشینی او با دانشمندان، آشتی دادن بین دو نفر، احترام نهادن [و خدمت به] یتیم، عیادت بیمار و تشییع جنازه کردن و آب دادن در حج. پس بر [حفظ] این خصلت‌ها حریص باش» (مشکینی، ۱۳۷۲: ۱۹۵).

اگر به مقوله حکمرانی خوب بر مبنای نظریه سیستم‌ها نگاه کنیم؛ ویژگی‌های حکمرانی خوب در قالب فرآیند منسجمی است که براساس داده (درونداد)، منجر به خروجی (ستاده)، پیامد و اثر خواهد شد. در این رویکرد برای تحلیل و ارزیابی حکمرانی خوب باید بین تحلیل روابط بین انسان‌ها (فعالیت‌ها، تصمیم‌ها و تمهیدها به‌عنوان داده) و آنچه که می‌خواهیم در حکمرانی خوب به دست آوریم (خروجی) ارتباط برقرار کنیم. در واقع حکمرانی خوب، مستلزم یافتن ابزارهای مرتبط و متناسب با ارزش‌ها است. در این رویکرد دروندادها و فرآیندهای سیستم به معنای ابزار تحقق حکمرانی خوب و عملکرد نظام

سیاسی در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، به معنای آثار و خروجی است که به‌عنوان ارزش‌ها یا اهداف قلمداد می‌شوند (جاسبی و نفری، ۱۳۸۷: ۱۳). در این پیوندها بایستی مراقب نقاطی باشیم که سیستم را ناپایدار می‌کند. در علوم مهندسی این نقاط قطب‌های سیستم هستند که با مدل‌سازی سیستم، می‌توان رفتار قطب‌های ناپایداری سیستم را بررسی نمود. به نظر می‌رسد کمی‌سازی گزاره‌های سرمایه اجتماعی و پیدا نمودن قطب‌های گسست اجتماعی موضوعی در خور توجه برای تحلیل مهندسی روابط اجتماعی باشد.

تأمل در حدیث که در آن، جبرئیل (فرشته مقرب الهی) دوست دارد به خاطر این چند عمل جزو بنی‌آدم باشد نکات اجتماعی خوبی را در اختیار قرار می‌دهد. این حدیث به یک سفارش اخلاقی فردی خلاصه نمی‌شود بلکه در تمام هفت سفارش آن، روح مشارکت جمعی و ارتباط اجتماعی موج می‌زند و به نظر می‌رسد با عمل به این‌ها، سرمایه‌های اجتماعی لازم برای حکمرانی خوب تقویت خواهد شد. در این حدیث با نگاه به شاخص‌های حکمرانی خوب می‌توان به دو جنبه آن پی برد. برخی از این‌ها جنبه ایجابی برای تشکیل پیوندهای جدید سرمایه اجتماعی و یا تقویت و تحکیم پیوندهای خوب قبلی دارند و برخی دیگر جنبه حمایتی در راستای حفظ و تحکیم پیوندهای قبلی سرمایه اجتماعی از گزند آسیب و محافظت از آن‌ها نسبت به شکست‌ها و گسست‌های اجتماعی دارند. شرکت در نماز جماعت و گره زدن عبادت فردی به روح عقل جمعی جامعه و همچنین مجالست با نخبگان و علما از جنبه‌های ایجابی پیوند مؤثر بوده و در مقابل، آشتی دادن بین انسان‌ها، احترام به یتیم و رسیدگی به امور آنان (که از مهم‌ترین فعالیت امامان معصوم ما بوده است) جنبه محافظتی دارد. شرکت در تشییع جنازه‌ها و درس عبرت گرفتن از آن و دلجویی از بازماندگان؛ آب‌رسانی به مردم به‌خصوص حجاج (فریضه سیاسی عبادی برون‌مرزی) نیز از سمبل‌ها و نشانه از تحکیم روابط انسانی در جامعه مسلمین بوده و از عوامل تأثیرگذار بر حکمرانی خوب هستند. در این بین، مؤلفه ارتباط، به‌عنوان تاروپودی محکم در همه این عرصه‌ها حضور دارد و نه به‌عنوان یک عامل مجزا، بلکه به

صورت امری قطعی، پایدار و محاط بر وجوه دیگر، پیوند بین اعضای جامعه را تشکیل می‌دهد.

سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی متفاوت است و مدیران باید کمیت و کیفیت زندگی را در معنای اصیل اسلامی ارتقا بخشند. نمی‌توان انتظار داشت که در دانشکده‌های مدیریت، متون ترجمه‌شده غربی بدون هیچ مقاومتی فراگرفته شود؛ اما سبک زندگی مطابق با علوم اسلامی پیاده شود. تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران و غفلت از آموزه‌های تربیتی دینی سبب شده است که با وجود جهان‌بینی بزرگ آرمان‌های انقلاب در بعضی از موارد چالش‌های اقتصادی و فرهنگی منجر به کاهش سرمایه اجتماعی گردد. یکی از این آثار، افزایش نگاه انفرادی، روحیه خودبتریبینی است... از این رو جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه برای تحقق الگوی توسعه اسلامی - ایرانی نیاز است. سیاست و حکمرانی، اقتصاد، معماری، شهرسازی، موسیقی و هنر، از مهم‌ترین وجوه این الگو به شمار می‌آیند. بی‌اخلاقی‌ها نتیجه و نمود یک کاستی در جامعه و نشان از کاهش سرمایه اجتماعی است؛ به‌عنوان مثال، نارضایتی‌های دریافت خدمات درست و عدم تکریم شخصیت انسانی در محیط‌هایی نظیر بیمارستان‌ها، دادگاه‌ها و شوراهای حل اختلاف و همچنین وجود آمارهای بالای نزاع و اختلافات خانوادگی، وجود شکاف‌های طبقاتی و عدم توجه درست و واقع‌گرایانه به اصالت انسان و جهان‌بینی زندگی بعد از مرگ، همگی فاکتورهایی هستند که نشان از کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه دارند. در این حدیث به‌عنوان آروزی حضرت جبرئیل، توجه ذهن را به تفکر پیرامون این قطب‌ها سوق می‌دهد؛ به عبارت دیگر در مدل حکمرانی خوب (اسلامی) تلاش مدیران جامعه، ایجاد پیوندی درست میان اقشار جامعه با سرمایه‌گذاری بر روی این شاخص‌ها است؛ به‌عنوان مثال از این حدیث استنباط می‌شود که اگر حکومتی اسلامی بخواهد بنیه اعتقادی جامعه را تقویت کند؛ بایستی در اجتماعات مسلمین و در مساجد به دنبال آن باشد. برای تقویت بنیه علمی، بایستی مردم را به همنشینی با گروه نخبگان سوق داد و نیز اگر به دنبال کاهش آسیب‌های اجتماعی باشیم، اجتماعات مردمی را باید فراخوان نماییم. حدیث فوق،

به امور مهمی از عبادات و مسائل اجتماعی و اخلاقی اشاره کرده است که با شرح مختصر در جدول (۲) ارتباط هر یک از بندهای حدیث به شاخص‌های حکمرانی خوب نشان داده شده است.

جدول ۲- ارتباط رفتارهای عبادی، اجتماعی و اخلاقی با الگوی حکمرانی خوب

نماز را به جماعت خواندن	همنشینی با دانشمندان	آشتی دادن بین دو نفر	آب دادن در حج
تقویت بنیه اعتقادی و تعالی فردی از طریق جامعه، ایجاب رابطه و پیوند اجتماعی مؤثر و همیشگی	تقویت بنیه علمی، فرصت تضارب آرا به روش منطقی، تقویت هنجار تکریم نخبه، ایجاب مؤثر پیوند اجتماعی	حفظ پیوند و سرمایه اجتماعی قبلی، جلوگیری از گسترش خودخواهی، جلوگیری از کاهش اعتماد عمومی، پیشگیری از کمبودهای اجتماعی	نگاه فرمانطقه‌ای و برون‌مرزی در تعامل سازنده، حضور سیاسی مفید، افزایش بینش سیاسی مؤثر، ایجاب پیوند اجتماعی
عبادت بیمار	تشییع جنازه کردن	احترام نهادن [و خدمت به] یتیم	
درک مستقیم حال قشر ضعیف، تقویت کمبودهای اجتماعی- تساوی حقوقی- انصاف- توزیع عادلانه	درک ضعف عقل جمعی در قیاس با حکمت و اراده الهی، التیام روانی قشر آسیب‌پذیر، عاقبت‌نگری، ایجاد هوشیاری، برطرف نمودن کمبودهای اجتماعی	رفع کاستی‌ها و عوامل انحراف، التیام روحی اقشار آسیب‌پذیر، برطرف کردن کمبودهای اجتماعی- تساوی حقوقی- انصاف- توزیع عادلانه	

بر اساس بندهای حدیث به نظر می‌رسد شبکه پیچیده و درهم‌تنیده ارتباطی در جامعه می‌تواند در سه فرم تعریف گردد. ۱- مدل ارتباط هم‌سطح مانند آشتی دادن بین دو نفر که در آن افراد در تعاملات در یک برازش از هنجار اجتماعی قرار دارند. ۲- مدل ارتباط ناهم‌تراز از پایین به بالا مانند درک نماز جماعت و مجالست با علما و نخبگان که در این حالت فرد در جامعه به دنبال ایجاد ارتباطی پویا با تراز هنجاری بالاتر از خود است و ۳- مدل ارتباط ناهم‌تراز بالا به پایین که در آن فرد با مسئولیت‌پذیری در جهت رشد سرمایه اجتماعی تلاش می‌کند. نمونه‌های این مدل را می‌توان در سمبل‌هایی، نظیر عبادت از بیمار و حضور و همدردی در غم و اندوه مسلمان و خدمت به یتیم مشاهده نمود.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ الگوی مفهومی حکمرانی خوب

انقلاب اسلامی ایران بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است که علاوه بر تغییر حکومت، توانسته آرمان‌های انقلابی را تاکنون حفظ کند. یک نهضت بزرگ دینی که دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و به بیان رهبر معظم انقلاب، بعد از اینکه یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده، وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده تا به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور است؛ نائل شود. از آنجایی که الگوی حکمرانی خوب منتج از یک مجموعه منسجم بوده و در قالب ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فنی، اقتصادی و فرهنگی مطرح می‌گردد؛ با توجه به انسجام فکری والای بیانیه گام دوم می‌توان آن را به‌عنوان منشور انقلاب اسلامی و نیز به‌عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب در نقطه عطف ۴۰ سالگی‌اش قلمداد نمود. این شاخص‌ها در برخی موارد، ضمن پوشش دادن مزایای شاخص‌های تعریف شده در تفکر غربی، دارای فاکتورهای برجسته دیگری است که تنها مختص جهان‌بینی اسلامی است و در اصول حکمرانی به روش غربی مغفول مانده است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری، شعارهای جهانی این انقلاب دینی است. انقلاب مردمی برخواسته از ایمان، نشانه بلوغ فکری و وجود سرمایه‌های اجتماعی غنی در اوایل انقلاب بود که بیشتر این سرمایه مرهون بینش فکری و اخلاص امام خمینی (ره) به‌عنوان بیدارگر ضمیرهای پاک آن زمان بود. این سرمایه اجتماعی ۴۰ سال پای آرمان‌های انقلاب ماند، ولی هنوز تا نقطه مطلوب راه بسیار دارد؛ بنابراین انقلاب علاوه بر آنکه همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است بایستی به اصل و شاکله فکری غنی اسلامی خود تکیه بیشتری داشته باشد تا از طریق این سرمایه‌های موجود اجتماعی، بر سرمایه اجتماعی خود در آینده بیفزاید.

این بیانیه دارای شاخص‌های اداره مشارکتی امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران از طریق ساختارها و ارزش‌هایی است که انعکاس و آینه جامعه‌اند و دولت، چارچوب

قانونی، جامعه مدنی، بخش خصوصی و ساختار نهادی بین‌المللی و جهانی را در برمی‌گیرد. قدرت عظیم ایمان، انگیزه ملت و رهبری امام خمینی (ره) را می‌توان سه فاکتور برتری ایدئولوژی انقلاب اسلامی دانست. گام دوم دارای سه مرحله اصلی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است که این سه فاکتور در واقع حالت متعالی‌تر سه فاکتور گام اول انقلاب است. بیانیه گام دوم برکات بزرگ انقلاب اسلامی را برشمرده که می‌توان این برکات را حاصل توجه الهی به ایمان مردم (فاکتوری که در حکمرانی غربی موجود نیست) و وجود سرمایه اجتماعی غنی دانست. ثبات، امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران نشان از ثبات سیاسی و همچنین خط‌مشی جهادی در اداره امور کشور و به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و تقویت مسابقه خدمت‌رسانی، همگی نشانه‌های وجود مسئولیت‌پذیری در آحاد جامعه است. رشد علم و فناوری، ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، ارتقا شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم، سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور، افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی، ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان نیز خلاصه‌ای از این برکات هستند؛ اما توصیه‌های موجود در این بیانیه را می‌توان الگوی مناسبی برای هرچه غنی‌تر کردن سرمایه اجتماعی جامعه، مبتنی بر مدل بومی حکمرانی خوب اسلامی دانست که در ادامه به صورت مختصر شرح داده می‌شود. به علت روان بودن و رسا بودن متن بیانیه، بیشتر قسمت‌های آن به‌طور مستقیم برای معطوف نمودن آن‌ها به شاخص‌های حکمرانی خوب استفاده شده است.

۱) توصیه به علم و دانش: این توصیه موجود در بیانیه، دعوت از همه توان دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، در راستای تقویت سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود. پژوهش و دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است که رهبری نظام، از جوانان و نخبگان می‌خواهد که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرند.

۲) معنویت و اخلاق: بعد از انقلاب سرمایه‌های عظیم اجتماعی، نظیر حضور چشمگیر آحاد ملت در جنگ تحمیلی، شرکت در آبادانی کشور بعد از جنگ، فتح قله‌های علم و

فناوری، حضور رویش‌های انقلاب در دفاع از حریم حرم اهل بیت (ع) نشان می‌دهد که ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در جامعه وجود داشته است، ولی برای پیمودن هرچه محکم‌تر این راه، باز هم بایستی به معنویت و اخلاق، به‌عنوان جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه، توجه ویژه‌ای شود. بر اساس تطبیق این توصیه با متن حدیث شریف نبوی (ص)، مشخص می‌شود که رویکرد اجتماعی، برای تقویت بینة اعتقادی - اخلاقی جامعه و در نتیجه تقویت سرمایه اجتماعی، یک ضرورت محسوب می‌شود.

۳) اقتصاد: یکی دیگر از بندهای حدیث فوق کمک به یتیم است که می‌توان آن را سمبلی از توجه سالم و همراه با حس مسئولیت به مقوله اقتصاد دانست. اقتصادی که می‌تواند از گسست‌های اجتماعی جلوگیری نماید. در بیانیه گام دوم نیز از اقتصاد قوی به‌عنوان یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور نام برده است. در اینجا نیز اشاره شده است که اقتصاد هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تقویت اقتصاد مستقل کشور مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به اندازه و بی‌اسراف، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدی‌گری نکردن دولت، شاخصه‌های اقتصاد مطلوب است.

۴) عدالت و مبارزه با فساد: این دو مقوله خود از شاخص‌های حکمرانی خوب هستند. از دیدگاه رهبری معظم، فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، ضربه‌زننده به مشروعیت نظام جمهوری اسلامی است و راه آسیب‌ندیدن از فساد حضور دائم دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه است که می‌توان شاخصه‌های شفافیت، حاکمیت قانون و پاسخگویی در حکمرانی خوب را در آن‌ها دنبال نمود.

۵) استقلال و آزادی: استقلال ملی یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب اسلامی است که در غرب برای کشورهای در حال توسعه به‌عنوان مدل حکمرانی خوب تعریف نشده است چرا که این شاخصه برخلاف دیدگاه سلطه‌جویانه آن‌ها است؛ اما در نظام اسلامی

آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان یک اصل اساسی است. علاوه بر آزادی حکومت، آزادی اجتماعی هم حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن را برای همه افراد جامعه در نظر گرفته که این همان شاخصه مشارکت در حکمرانی خوب است و حکومت‌ها موظف به تأمین این دو هستند.

۶) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این سه شاخصه، در ذیل شاخص‌های حاکمیت قانون و اثربخشی و کارایی در روابط بین‌المللی قابل تعریف هستند. حضور در صحنه جهانی به‌مثابه آبرسانی به حجاج در موسم حج، فرصت اثربخشی جامعه اسلامی را فراهم نموده و برای این حضور، جمهوری اسلامی بایستی عزت ملی خود را حفظ کند. غرب به‌خصوص آمریکا به خاطر روح غرور و خودبرتربینی و خیال وجود تک‌قطبی برتر در جهان این شاخصه را ندارند. با این حال، تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا، گسترش حضور قدرتمندان سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در حال تبدیل شدن به یکی از قطب‌های بزرگ منطقه و جهان است. از این رو به قطع اندیشمندان و صاحب‌نظران سایر کشورها، ایران را به‌عنوان یک پدیده مؤثر در محاسبات خود لحاظ می‌کنند؛ بنابراین بایستی دولت جمهوری اسلامی مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند و از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با رویکرد تحلیلی به یکی از آموزه‌های روایی اسلام، مسئله حکمرانی خوب مورد بررسی قرار گرفت. شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر تعالیم اسلامی علاوه بر پوشش شاخص‌های تعریف شده غربی، به لحاظ غنای فرهنگی و ایدئولوژی دارای برتری‌هایی است که در متون غربی یافت نمی‌شود. این مقاله ارتباط سرمایه اجتماعی و حکمرانی را بسیار نزدیک می‌داند و بر تأثیر متقابل این دو بر هم تأکید دارد. در بخش پایانی مقاله نیز، با تشریح توصیه‌های مقام رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی،

مؤلفه‌های تقویت سرمایه اجتماعی و شاخص‌های بومی اسلامی در حکمرانی خوب تبیین و تشریح گردید. تحلیل سیستمی نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی یک فرآیند پویا و متغیر با زمان است که تابع ورودی آن از طریق سرمایه‌های اجتماعی تأمین شده و عوامل تشکیل‌دهنده فرآیند از طریق تحلیل وابسته بین خروجی و ورودی شناخته خواهد شد. در این مقاله به لحاظ مفهومی مسئله قطب‌های تضعیف‌کننده یا ناپایدارکننده فرآیند مطرح شد و به‌عنوان یک ایده پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی، با رویکرد تحلیل سیستم‌های مهندسی و ریاضیات، ابتدا مفاهیم تأثیرگذار بر خود فرآیند و خروجی‌های کمی‌سازی و مدل‌سازی گردند تا بتوان همانند سیستم‌های مهندسی، فرآیند را به شیوه‌های جدید تحلیل نمود و قطب‌های تضعیف فرآیند را بهتر شناخت و درصدد برطرف نمودن آن برآمد.

منابع

۱. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران (۱۳۹۷)، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۲. جاسبی، جواد و نفری، ندا (۱۳۸۷)، «الگوی حکمروایی خوب، رهیافتی فرایندی-سیستمی»، فصلنامه مدیریت و توسعه.
۳. حق‌گویان، زلفا و عباسی، محرم و قاسمی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، حکمرانی خوب و حکمرانی از دیدگاه اسلام، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری، علوم تربیتی و اقتصاد مقاومتی: اقدام و عمل (IC2016) مازندران.
۴. ساعی، علی و کبیری، افشار (۱۳۹۰)، «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸»، مسائل اجتماعی ایران. دوره ۲ شماره ۲. صص ۶۳-۹۴.
۵. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۶)، «حکمرانی در ایران، آسیب‌شناسی و ارائه راهبردها»، راهبرد توسعه، شماره ۴۹، بهار ۹۶، صص ۲۰۵-۲۲۵.
۶. عربشاهی، زهرا (۱۳۸۳)، «قانون برنامه چهارم؛ زیر ذره‌بین حکمرانی خوب شهری». ماهنامه پژوهشی-آموزشی-اطلاع‌رسانی شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۶۹.

۷. فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۹)، «جابه‌جایی قدرت جهانی: مشخصه‌ها و سناریوها». فصلنامه سیاست خارجی سال بیستم و چهارم شماره ۲، صص ۴۰۵-۴۲۸.
۸. قرآن کریم (۱۳۸۷)، مترجم: حسین انصاریان، قم: انتشارات دانش.
۹. قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۴)، «تحلیل الگوی رابطه حکمرانی خوب و فساد اداری»، فرهنگ مدیریت، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۲۷.
۱۰. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
۱۱. ماری. فارل، بورن هتمه و لوک وان، لانگ هووه (۱۳۹۴)، سیاست جهانی منطقه‌گرایی، ترجمه سید داوود آقایی و ابراهیم طاهری، انتشارات خرسندی.
۱۲. مشکینی، علی (۱۳۷۲)، مواظب العدیدیه تهذیب و افاضات لکتاب الانثی - عشریه... / حرره و هذبیه علی المشکینی الاردیبلی، قم: نشر الهادی.
۱۳. میدری، ا و خیرخواهان، ج (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب (بنیان توسعه)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۴. ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۹۱)، «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی»، راهبرد توسعه، ۳۱. ۶۴-۸۸

15. T. O'Reilly, (2011). "Government as a Platform," *Innov. Technol. Governance, Glob.*, vol. 6, pp. 13-40.

16. Kaufman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). *The Worldwide Governance Indicator: Methodology and Analytical Issues*. World Bank, The World Bank Development Research Group

17. Kaufman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2008). *Governance Matters VII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2007*. Development Research group. The World Bank

18. Elahi, K. Q.-I. (2009). UNDP on Good Governance. *International Journal of Social Economics*, 36 (12), 1167-1180

سازوکار اثرگذاری همزمان حکمرانی متعالی و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی

پوریا رحیمی

پیمان القاصی

مرتضی خورشیدی

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه مناساست. برای تخمین الگو از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته در دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۲ میلادی، استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهند که حکمرانی خوب (میانگین وزنی شش شاخص) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی هستند. تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی دوره گذشته و باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر متغیر تورم بر رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار و همچنین تأثیر متغیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر متقابل رشد اقتصادی و مخارج دولتی مثبت و معنی‌دار است. شاخص حکمرانی خوب که از ترکیب شش شاخص موجود به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی به دست آمده است، در یک الگوی دیگر تخمین زده شده است که نشان‌دهنده رابطه مثبت با تأثیر بیشتر بر رشد اقتصادی است.

کلیدواژه: حکمرانی خوب، مخارج دولتی، نهادها، رشد اقتصادی، کشورهای حوزه منا،

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته

مقدمه

از زمانی که بررسی ویژگی‌های رشد و توسعه مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است، رشد تولید ناخالص ملی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه مورد قبول اکثر محققان حوزه اقتصاد بوده است. در مکتب‌های کلاسیک، نئوکلاسیک و مکتب‌های جدید مانند کینزی‌ها و شیکاگو که رشد درون‌زا مورد توجه قرار گرفته است، عوامل مختلفی شامل نیروی کار، سرمایه فیزیکی، سرمایه اجتماعی، کیفیت و اندازه دولت، شاخص‌های نهادی و ... بر رشد اقتصادی تأثیرگذار بوده‌اند (کمپچانی و همکاران ۱۳۹۳،: ۵۰).

مخارج دولتی به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی در مقالات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است (فلاحتی و حیدریان، ۱۳۹۷: ۴۱ و

حسینی غفار و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۷)، در صورتی که این ارتباط در نظریه‌های اقتصادی به صورت مشخصی قابل ارائه نیست. در دهه‌های اخیر آثار مختلفی از تأثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی را می‌توان دید؛ به این علت که اندازه مخارج دولتی اگر از حدی فراتر رود موجب کاهش رشد اقتصادی می‌گردد، ولی از طرفی دخالت دولت برای رشد و توسعه لازم است و نمی‌توان نقش آن را نادیده گرفت. در کشورهای مختلف، میزان و اندازه دخالت دولت در اقتصاد با توجه به نوع حاکمیتشان متفاوت است (آسیماکوپولوس و کارویاس، ۲۰۱۵: ۲). میزان مخارج دولتی و کیفیت آن با توجه به شاخص‌های نهادی، بیشتر، به این سؤال پاسخ می‌دهد که دخالت دولت و نقش تصدی‌گری آن به چه صورت می‌تواند بر رشد و توسعه اقتصادی جامعه تأثیرگذار باشد. نقش دولت در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رشد و توزیع عادلانه درآمد بسیار مهم است، ولی از طرفی با توزیع ناکارآمد منابع می‌تواند موجب اختلال در سیستم بازار شود. دولت با ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای حکمرانی خوب می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت داشته باشد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۷). امروزه تفاوت‌های گسترده‌ای در سطح توسعه‌یافتگی و در نتیجه سطح درآمد و رفاه میان کشورهای توسعه‌یافته و دیگر کشورها وجود دارد. یکی از عوامل مؤثر بر توسعه که به صورت جدی از دهه ۱۹۹۰ میلادی، به بعد مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است، بحث نهادها و توسعه است.

اهمیت تأثیر نهادها بر توسعه تا حدی است که برخی محققین نهادها را عامل اصلی مسیرهای متفاوت رشد و توسعه کشورها می‌دانند. از جمله شاخص‌های مناسب برای نشان دادن نهادها، به دلیل پوشش دادن بسیاری از موضوعات و همچنین در دسترس بودن داده‌های مورد نیاز برای بسیاری از کشورها در بازه زمانی طولانی، شاخص حکمرانی خوب است. حکمرانی خوب از راه‌هایی مانند حملات از حقوق مالکیت، سیستم قضایی و حمایت از قراردادهای، می‌تواند مشوق تولید و سرمایه‌گذاری و در نتیجه مشوق

توسعه باشد. مفهوم حکمرانی خوب توسط بلذک جهانی مطرح گردیده است و بر اساس مشارکت جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت دارای ابعاد مختلفی است. طبق سیاست‌های پیشنهادی بانک جهانی برای بهبود حکمرانی در کشورهای خاورمیانه و تحقیقات صورت گرفته توسط اسدی و همکاران (۱۳۹۶ ه.ش)، شاکری و همکاران (۱۳۹۴ ه.ش)، ریاتی (۲۰۱۶ م) گزارش بنیاد هریتیج (۲۰۱۷ م) کشورهای حوزه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) علی‌رغم منابع انسانی و طبیعی فراوان منطقه، به دلیل محاصره و چرخه‌هایی از خشونت، حملات تروریستی و جریان پناهندگان دارای نرخ بیکاری بالا، تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد اقتصادی پایین می‌باشند. از اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی، بسیاری از کشورهای منطقه شاهد تحولات اجتماعی-اقتصادی و درگیری‌های آشکار بودند. در منطقه مناسبتی کشوری در دسته اقتصادهای «آزاد» قرار ندارد (میلر و همکاران ۲۰۱۷: ۵).

وضعیت نامناسب سطح توسعه‌یافتگی و نهادی در این کشورها و ضرورت بهبود این متغیرها برای ارتقا جایگاه بین‌المللی کشورهای مورد مطالعه دلیل انتخاب این منطقه می‌باشد. با توجه به اینکه در مورد نقش دولت و اثر آن بر رشد اقتصادی در تحقیقات مختلف نمی‌توان به یک نتیجه‌گیری واحد رسید؛ بنابراین در این تحقیق ما به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا تأثیر هم‌زمان مخارج دولت و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه مناسبتی است؟ آیا تأثیر رشد اقتصادی بر مخارج دولتی مثبت است؟ که در ادامه این سؤالات بررسی می‌شود. این تحقیق شامل بخش‌های مبانی نظری، روش تحقیق، مدل و روش تخمین، تجزیه و تحلیل نتایج و نتیجه‌گیری نهایی می‌باشد.

ادبیات موضوع

رشد اقتصادی (رشد تولید ناخالص ملی) به‌عنوان بهترین شاخص رشد و توسعه در کشورهای جهان مقبولیت عام دارد. امروزه تفاوت‌های گسترده‌ای در سطح توسعه‌یافتگی و در نتیجه سطح درآمد و رفاه میان کشورهای توسعه‌یافته و دیگر کشورها

وجود دارد. یکی از عوامل مؤثر بر توسعه که به صورت جدی از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است، بحث نهادها و توسعه است. اهمیت تأثیر نهادها بر توسعه تا حدی است که برخی محققین نهادها را عامل اصلی مسیره‌های متفاوت رشد و توسعه کشورها می‌دانند (رودیک و همکاران ۲۰۰۲: ۱ و عجم‌اغلو و همکاران ۲، ۲۰۱۳: ۳).

تئوری حکمرانی خوب با روش‌ها و ساختارهای حکمرانی در کشورهای در حال توسعه مرتبط است و از طریق دسته‌ای از اصول و سیاست‌هایی که ابتدا توسط بانک جهانی در خصوص کشورهای در حال توسعه معرفی شدند، گسترش پیدا می‌کند. این‌گونه مشخص شده است که شکل مدرن حکومت علاوه بر کارایی، دربارۀ مسئولیت‌پذیری حکومت و شهروندان است (اکاديو ۲۰۱۷: ۱۵۴). حکمرانی خوب بیان می‌کند که چگونه مردم یک کشور تنها مشتری یا مصرف‌کننده نباشند، بلکه یک شهروندی باشند که حق این را داشته باشد که حکومت خود را مسئول اقداماتی که انجام می‌دهد یا در آن شکست می‌خورد، بداند. تقاضا برای کارآمدی در بخش عمومی نباید منجر به خدمات بد شود. اگر خدمات مناسب نباشد شهروندان حق اعتراض و مسئول دانستن سیاستمداران را دارند (اسدالزمان و ویرتانن، ۲۰۱۶: ۳). حکمرانی خوب شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و اصول می‌باشد. تئوری حکمرانی خوب راهکار جدیدی است که بعد از ناکارآمدی روش‌های پیشین توسعه، از سوی کشورهای توسعه‌یافته و مجامع بین‌المللی ارائه گردیده است. در این الگو دولت باید زمینه را برای ثبات، امنیت، کاهش نقش تصدی‌گری و اثربخشی فراهم آورد. دولت در تعریف جدید با مؤلفه‌هایی مانند دموکراسی، مشارکت، اثربخشی، حاکمیت قانون و کنترل فساد شناخته می‌شود (گوئند و نوورث ۲۰۱۴: ۵۴۵) ویلیام سون اولین نظریه‌پرداز بود که در سال ۱۹۷۹ میلادی، دولت موافق بازار را مطرح کرد و پس از وی بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول با تأثیرپذیری از نظریه ویلیام سون الگوی «حکمرانی خوب» را مطرح کردند که با تعامل سه بخش دولت، بخش خصوصی و

جامعه مدنی شکل می‌گیرد (کمپجانی و همکاران ۱۳۹۳، ۵۱). بر اساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومتمداری و هر قدر این ویژگی‌ها در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور بهتر است (میدری، ۳۸۳۱: ۲۶۵).

انستیتو تکنولوژی توکیو نیز حکمرانی را به مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، فرآیندها و نهادهایی اطلاق می‌کند که به وسیله آن‌ها، جامعه به‌طور رسمی و غیر رسمی به اداره فرآیند توسعه و دفع تعارضات می‌پردازد. حکمرانی مستلزم نوعی از حکومت جامعه مدنی می‌شود که در تمام سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی معنا می‌یابد (همان). حکمرانی خوب از راه‌هایی مانند حمایت از حقوق مالکیت، سیستم قضایی و حمایت از قراردادها، می‌تواند مشوق تولید و سرمایه‌گذاری و در نتیجه مشوق توسعه باشد. آماده‌سازی نهادهای موفق، تحت عنوان حکمرانی خوب، محیط و نهادهای کارآمدی را ایجاد می‌کند که با تنظیم روابط اقتصادی افراد به صورت کم‌هزینه و دارای بازدهی، موجبات رشد اقتصادی را فراهم می‌کند. بانک جهانی، حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص تعریف می‌کند (کافمن و همکاران، ۲۰۱۰: ۲):

الف) شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی؛

ب) شاخص ثبات سیاسی؛

ج) شاخص کارایی و اثربخشی دولت؛

د) شاخص کیفیت قوانین و مقررات؛

ه) شاخص حاکمیت قانون؛

و) شاخص کنترل فساد.

حق اظهار نظر و پاسخگویی: درک و توانایی شهروندان کشور برای انتخاب دولت، آزادی بیان و احزاب، رسانه‌ها و انجمن‌ها در این مؤلفه خلاصه می‌شود (گوئلد و نوورث، ۲۰۱۰: ۵۴۵).

ثبات سیاسی: در الگوی حکمرانی خوب، دولت‌ها بلید ثبات سیاسی را در چارچوب‌های قانونی مناسب و اثربخش برای فعالیت‌های بخش عمومی و خصوصی مستقر سازند، ثبات، امنیت و عدالت را در جامعه فراهم کنند و در چنین شرایطی با کاهش نقش تصدی‌گری و روی آوردن به نقش حمایتی، اداره دولت را از روش مدیریت عمومی به روش حکمرانی خوب تغییر دهند (بیگی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵).

اثربخشی دولت: منظور از اثربخشی دولت، توانایی آن در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح است. کیفیت خدمات کشوری و تنظیم، تدوین و اجرای سیاست‌ها و تعهد دولت در این سیاست‌ها و آگاهی از کیفیت خدمات عمومی نیز در این مؤلفه قرار می‌گیرند (کتمانگا ۱۱، ۲۰۱۶: ۱۳۷).

کیفیت و تنظیم مقررات: این شاخص شامل آگاهی از توانایی‌های دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های شفاف و همچنین مقرراتی است که جوازها و توسعه‌بخش خصوصی را ارتقا می‌دهند (امیری و شاه‌آبادی ۱۳۹۴: ۹۸).

حاکمیت قانون: شامل حفاظت از حقوق مالکیت، استقلال قضایی و کنترل فساد است (گوئد و نوورث ۲۰۱۴: ۵۴۵).

فساد: منظور کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله است.

مهم‌ترین وظیفه دولت تأمین امنیت، افزایش رفاه اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی با ایجاد و بهره‌گیری از ابزارها و نهادهایی است که دولت را در تحقق این اهداف یاری می‌رساند (آکای، ۲۰۰۵: ۸). نورث (۱۹۹۰ م) عجم و غلو و همکاران (۲۰۱۳ م)، آیپر (۲۰۱۰ م) و کنستانتین و لیبراتی (۲۰۱۱ م) و دیگر

محققان به شناسایی عوامل نهادی مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی و اندازه‌گیری این عوامل پرداختند.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی، دخالت دولت و نقش مهم آن در اقتصاد است. دولت با اجرای کارآمد وظایف خود می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی و رشد اجتماعی جامعه بازی کند. دولت، وظایف و عملکرد آن یکی از

اصلی‌ترین ابزارهای قدرت و شبکه حکومتی است. از دوره کلاسیک، بحث میزان دخالت دولت و نقش صحیح آن میان اقتصاددانان و دولتمردان شروع شده است. تا قبل از دهه ۱۹۳۰ میلادی دو نگرش دولت حداقلی (کلاسیک) و روش حداکثری (سوسیالیست‌ها) در خصوص حضور دولت وجود داشت. ولی بعد از دهه ۱۹۳۰ میلادی، نقش‌هایی همچون دولت رفاه و دولت مختلط شکل گرفتند (کتسمانگا ۲۰۱۶: ۱۳۷). دولت با اجرای کارآمد وظایف خود می‌تواند نقش مهمی در رشد و پیشرفت اقتصادی ایفا کند و در عین حال با افزایش اندازه دولت، مداخلات و تصدی‌گری‌های نادرستش در اقتصاد زمینه تخصیص ناکارآمد منابع عمومی جامعه فراهم و باعث کاهش رفاه می‌شود (حیدری و همکاران ۱۳۸۹: ۴۷-۴۴).

قرن بیستم را می‌توان قرن توسعه نظام‌های دولت‌مدار دانست. بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰ میلادی، یکی از عوامل مهم استقبال از اندیشه‌های دولت‌گرایی کینز بود. در این دوره لزوم دخالت دولت به‌عنوان هدایت‌کننده فعالیت‌های اقتصادی احساس می‌شد و تفکر حاکم این بود که دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بدون دخالت دولت ممکن نیست (صامتی و همکاران ۱۳۹۰: ۱۸۴).

قانون واگنر نشان می‌دهد که رابطه تعادلی بلندمدت بین هزینه‌های عمومی و تولید ناخالص داخلی وجود دارد. این قانون می‌گوید که علیت از به مخارج عمومی است. در مقابل، کینزیان هزینه‌های عمومی را به‌عنوان یک ابزار سیاست می‌بینند که بر رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر می‌گذارد. این دو فرضیه تجربی برای کشورهای توسعه‌یافته و همچنین کشورهای در حال توسعه آزمون شده‌اند. چو و همکاران ۶ (۲۰۰۲م)، تورنتون ۷ (۱۹۹۹م) و انصاری و همکاران (۱۹۹۷م) شواهدی را در حمایت از قانون واگنر پیدا کرده‌اند.

با این حال رام ۸ (۱۹۸۶م)، افکسنتیو و سرلتیس ۹ (۱۹۹۶م) و وهاب ۱۰ (۲۰۰۴م) موفق به یافتن شواهد در حمایت از قانون واگنر نشدند. با این حال، برخی مطالعات شواهدی را در حمایت از هر دو قانون واگنر و فرضیه‌های کینزی یافتند؛ به‌عنوان مثال

دولین و هسن (۲۰۰۱م) بیزوال و همکاران (۱۹۹۹م) شواهدی مبنی بر یک علیت دوطرفه بین تولید ناخالص داخلی واقعی و هزینه‌های عمومی پیدا کردند. همچنین جالب توجه است که تعداد زیادی از مطالعات تنها تلاش کرده‌اند برای آزمون قانون واگنر و فرضیه کینزی از برآورد ساده یک معادله رگرسیون که شامل تنها یک متغیر مستقل است استفاده کنند. در حالی که به خوبی روشن است که تعداد زیادی از عوامل بر رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر می‌گذارند و نیز هزینه‌های دولت نیز تحت تأثیر تعدادی از متغیرها قرار دارد. پس یک رگرسیون ساده که شامل تولید ناخالص ملی و هزینه‌های دولت است به شدت تحت تأثیر خطای مشاهدات قرار می‌گیرد (چاندر و همکاران (۲۰۱۱؛ ۲۰۴)).

مطالعات تجربی

جهت خلاصه‌نویسی و بیان اصل مطلب اهم مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در زمینه مورد مطالعه در جدول زیر آورده شده است و در ادامه تفاوت مطالعه خود با این تحقیقات بیان می‌شود.

جدول ۱. پیشینه تجربی تحقیق

مطالعات خارجی			
نویسنده‌گان (سال)	موضوع	نمونه مورد بررسی و روش تحقیق	نتیجه
اسپیتری و بریگولیو (۲۰۱۸)	آیا حکمرانی خوب اعتماد به دولت را تقویت می‌کند؟ یک تحلیل تجربی	۲۹ کشور اروپایی - رگرسیون معمولی	حکومت داری خوب یک عامل کلیدی برای اعتماد به دولت است.
اکاندیو (۲۰۱۷)	تئوری حکمرانی خوب و جستجو برای حکمرانی خوب در نیجریه	نیجریه-روش تحلیلی- توصیفی	شواهدی از حکمرانی خوب در نیجریه وجود ندارد.
موروزوی، ژوزه و گا (۲۰۱۶)	مخارج عمومی و رشد: نقش مسئولیت‌پذیری دولت	۸۰ کشور منتخب- روش ((۳:۰	مسئولیت‌پذیری دولت رابطه مثبت و معنی‌داری با رشد اقتصادی دارد.
داگستینو و همکاران (۲۰۱۶)	مخارج دولت، فساد و رشد اقتصادی	۱۰۶ کشور-روش((:۰	رشد و مخارج رابطه مثبت- رشد و فساد رابطه منفی

مطالعات خارجی			
نویسنده‌گان (سال)	موضوع	نمونه مورد بررسی و روش تحقیق	نتیجه
عصاری و همکاران (۲۰۱۶)	تأثیرات منبع شاخص‌های فلاکت و حکمرانی خوب بر روی مخارج بهداشتی در دهک‌های درآمدی متفاوت و وضعیت بهداشت	کشورهای منتخب- S@روش	تأثیر مثبت حکمرانی بر بهداشت دهک‌های پایین
ریاتی و جونیداه (۲۰۱۶)	مخارج بهداشت عمومی، حکمرانی و بازده سلامت در مالزی	۶ AR - مالزی	اثر مثبت حکمرانی بر رشد مخارج بهداشتی
صبری، ۶ (۲۰۱۵)	حکومت داری خوب، نهادها و عملکرد مشارکت خصوصی دولتی	لندن- رگرسیون معمولی	نهادها، حکومت داری خوب، کیفیت و کارایی اداری و استقلال، باعث تقویت بخش خصوصی و اثر مثبت بر رشد سرمایه‌گذاری می‌شود.
آسیموکوپولوس و کاراوویاس (۲۰۱۵)	تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی: یک تحلیل آستانه‌ای	یونان- روش پانل غیر خطی	نامتقارن بودن اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه
گانی و اسکریمگور (۲۰۱۵)	تجارت نیوزلند و آسیا و نقش حکمرانی خوب	نیوزلند- روش S@ ۱۰m	با بهبود شاخص‌های حکمرانی صادرات و واردات افزایش می‌یابد.
ماکوتا و اوهر (۲۰۱۵)	کیفیت حکمرانی، مخارج عمومی در بهداشت و وضعیت بهداشت در آفریقای سیاه	آفریقای سیاه- روش S@	اثر مثبت حکمرانی بر رشد مخارج بهداشتی
فیسا و گیل (۲۰۱۵)	بررسی مجدد رابطه بین رشد و حکمرانی در توسعه اقتصادهای اقیانوسیه و آسیا	آسیا و اقیانوسیه- روش پانل پویا	اثر مثبت حکمرانی بر رشد و توسعه
مطالعات داخلی			
شاه‌آبادی و ساری گل (۱۳۹۵)	اثر حکمرانی و حقوق مالکیت فکری بر سرریز دانش در کشورهای منتخب در حال توسعه	کشورهای در حال توسعه- روش پانل دیتا ata A@anel	تولید ناخالص ملی و سرمایه انسانی بر سرریز دانش اثر مثبت و معنی داری دارند
امیری و شاه‌آبادی (۱۳۹۴)	تأثیر نهادهای خوب بر توسعه کشورهای اسلامی عضو گروه دی هشت	کشورهای اسلامی عضو گروه دی هشت- روش داده‌های تابلویی	نهادهای تأثیر مثبت و معنی دار بر توسعه کشورهای اسلامی دارد.

مطالعات خارجی			
نویسنده‌گان (سال)	موضوع	نمونه مورد بررسی و روش تحقیق	نتیجه
شاه‌آبادی و سلیمی (۱۳۹۴)	تأثیر حکمرانی خوب بر شدت تحقیق و توسعه کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه	کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه-روش	حکمرانی خوب اثر مثبت و معناداری بر شدت تحقیق و توسعه دارد.
سپهردوست و همکاران (۱۳۹۴)	تأثیر حکمرانی خوب بر عملکرد درآمدی نظام مالیاتی	کشورهای سند چشم‌انداز ایران- روش ((:	حکمرانی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر عملکرد نظام مالیاتی دارد.
میرزا آفانسب‌گرد رودباری و تقوی (۱۳۹۳)	ارتباط بین سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب در بین کشورهای در حال توسعه	کشورهای در حال توسعه- روش داده‌های تابلویی	سرمایه اجتماعی اثری مثبت و معنادار بر حکمرانی خوب دارد.
کمیجانی و همکاران (۱۳۹۳)	بررسی تأثیر اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی در ایران	ایران-روش "۶ AR	کیفیت دولت اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد.
شیروانی و رجیبی فرجاد (۱۳۹۱)	بررسی حکمرانی خوب با تأکید بر سازمان‌های غیر دولتی	ایران- روش ضریب همبستگی پیرسون	حکمرانی خوب اثر مثبت و معنی‌داری بر سازمان‌های غیر دولتی دارد.

مأخذ: یافته‌های پژوهش بر اساس مطالعات تجربی

همان‌گونه که در جدول (۱) بیان شده است، به‌طور عمده شاخص در نظر گرفته شده برای نشان دادن مخارج دولتی و نهادها، به‌طور عمده به صورت تک‌بعدی است؛ یعنی تنها یک بعد سیاسی یا اجتماعی یا قضائی را نشان می‌دهد، در حالی که ما در این تحقیق به دنبال بررسی رابطه هم‌زمان شاخص‌های حکمرانی خوب و مخارج دولتی هستیم تا از این طریق تأثیرات کامل مخارج بر روی رشد، بررسی شود. مهم‌ترین تفاوت‌های این تحقیق با سایر تحقیقات شامل: کشورهای مورد مطالعه، بازه زمانی و روش سنجی به کار رفته در تحقیق، بررسی تأثیر و نوع ارتباط متغیرهای مستقل و وابسته، چندبعدی بودن مطالعه مورد نظر (ارتباط تمام شاخص‌های حکمرانی خوب با مخارج دولت و رشد اقتصادی) می‌باشد.

روش‌شناسی

مطالعه حاضر به لحاظ ماهیت انجام کار از نوع مطالعات کاربردی است که با توجه به اینکه در سطح کشورهای منتخب و در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۰۲ میلادی، انجام می‌گیرد در زمره مطالعات پانل دیتا خواهد بود. همچنین با توجه به هدف اصلی تحقیق حاضر که در جهت شناسایی رابطه بین شاخص‌های حکمرانی و مخارج دولتی در سطح کشورهای منتخب هست، مطالعه در زمره تحقیقات علی - ارتباطی قرار خواهد گرفت. در ابتدا روش‌سنجی مورد استفاده تشریح می‌گردد.

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM):

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته: یک مدل قوی است که به اطلاعات در مورد توزیع دقیق جملات خطا نیاز نیست. در این مدل علاوه بر متغیرهای اصلی، متغیرهای با وقفه نیز به منظور تخمین مدل بهتر و واقعی‌تر، وارد الگو می‌شوند.

به منظور رفع همبستگی متغیر وابسته با وقفه و جمله خطا، وقفه متغیرهای توضیحی نیز به عنوان ابزار مورد استفاده قرار می‌گیرد (آرلانو و باند، ۱۹۹۱: ۲۷۷). متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده با آزمون سارگان ۳ که توسط آرلانو و باند معرفی شده است، آزمون می‌شود (فراهانی فر و همکاران، ۱۹۳۱: ۳۲).

بحث اصلی این است که می‌توان مجموعه شروط گشتاور را فرموله کرد. فرض کنید بردار پارامتر مورد نظر شامل پارامتر مجهول باشد و دارای هشت پارامتر است. علاوه بر این فرض کنید به ازای هر مشاهده: ۸، شرط گشتاور را تأمین کند (گرین ۱۹۵۱: ۴۸۳-۴۸۲):

$$E(g_i(\theta_0)) = 0, i = 1, 2, \dots, M$$

در حقیقت فرض بسیار مهم این است که محدودیت را در مدل فوق به ازای مشاهده i از یک تا n تأمین کند. تخمین زدن گشتاورهای تعمیم‌یافته θ به صورت جواب معادله به دست آمده با جایگزینی میانگین جامعه «در مدل فوق» با میانگین نمونه $(g_i(\theta) \sum_{ni=1}^n n_0)$ به دست می‌آید:

$$E(g_i(\theta_0)) = 0 \rightarrow \sum_{ni=1}^n g_i(\theta_0) = 0$$

هنگام کار با متغیرهایی که دارای مقیاس‌های متفاوت هستند امکان دارد برخی از شاخص‌ها، ضرایب تخمینی را دچار انحراف کنند. برای اجتناب از اینکار، در این مطالعه برای محاسبه شاخص حکمرانی به پی‌روی از روش برناکه توسعه سازمان ملل (۲۰۱۶م) تمام متغیرها به صورت زیر نرمال گردیده است:

$$(V_i - V_{min})$$

$$\frac{(V_i - V_{min})}{(V_{max} - V_{min})}$$

در رابطه بالا V_{max} : بیشترین مقدار متغیر در نمونه و V_i : تغییر برای کشور و V_{min} : کمترین مقدار متغیر در نمونه است k مقادیر نرمال شده متغیرها بین V تا V_{max} بوده و اعداد بزرگ‌تر نشان‌دهنده وضعیت بهتر در متغیر مورد نظر است (امپری و شاه‌آبادی ۱۳۹۴: ۱۰۵).

روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی:

روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی، روشی جهت کاهش متغیرها در شرایطی است که بین متغیرها همبستگی وجود داشته باشد. این روش بدون حذف اطلاعات اساسی، متغیرهای اصلی را به متغیرهای غیر همبسته تبدیل و تعداد آن‌ها را کاهش می‌دهد. این متغیرهای جدید، مؤلفه‌های اصلی نامیده می‌شوند. سپس برای ترکیب زیر شاخص‌ها به آن‌ها وزن داده می‌شود k وزن نهایی مناسب به کار رفته به صورت نظری و تجربی اهمیت دارد (شاکری و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۹-۹۸).

روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی شامل مراحل شش‌گانه زیر می‌گردد:

- ۱- جمع‌آوری داده‌ها؛
- ۲- تنظیم داده‌ها (کم کردن داده هر دسته از میانگین آن)؛
- ۳- محاسبه ماتریس کوواریانس؛
- ۴- محاسبه مقادیر ویژه و بردارهای ویژه ماتریس کوواریانس؛
- ۵- انتخاب مؤلفه‌ها و ساختن بردار ویژگی؛
- ۶- به دست آوردن داده‌های جدید و کاهش یافته (ورمونت و مگیدسو ۲۰۰۵: ۴۱).

۴- نتایج برآورد مدل

۴-۱- معرفی مدل و متغیرهای استفاده شده

یکی از شیوه‌های حاکم برای برآورد کمی تأثیر شاخص‌های حکمرانی و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی، استفاده از تابع تولید است، k این متغیر در مطالعات گوناگون با در نظر گرفتن متغیر شاخص‌های حکمرانی یا مخارج دولتی در تابع تولید بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. بر اساس مطالب بیان شده در قسمت روش تحقیق و طبق برنامه توسعه سازمان ملل ابتدا متغیرها نرمال شده و سپس به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی متغیر حکمرانی برآورد شده است؛ زیرا در زمینه چگونگی به‌کارگیری متغیر، شاخص‌های حکمرانی یا مخارج دولتی در تابع تولید روش مشخص و خاصی وجود ندارد. قدیمی‌ترین مطالعات در این زمینه را می‌توان در کارهای سولو (۱۹۵۶م)، شولتز (۱۹۶۱م)، دنیس (۱۹۶۲)، مینس (۱۹۵۸م)، بک (۱۹۶۴م)، گرلیچسوجرگنسون (۱۹۶۷م) یافت. جدیدترین کارها در این زمینه در آثار لوکاس (۱۹۸۸م) و بارو (۱۹۹۱م) مشاهده می‌شود k در این الگوها از اشکال گوناگون تابع کاب T داگلاس استفاده شده است.

در این تحقیق از داده‌های آماری پانل دیتا طی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۲ میلادی، برای کشورهای حوزه مناستفاده شده است.

داده‌های تحقیق از گزارش‌های پایگاه‌های اطلاعاتی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و شاخص‌های توسعه جهانی (W&E) گرفته شده‌اند k به این دلیل که شاخص‌های حکمرانی خوب از سال ۲۰۰۲ میلادی، به بعد همه‌ساله گزارش شده‌اند، دور همزمانی تحقیق از ۲۰۰۲ میلادی، به بعد انتخاب شده است. برای انجام محاسبات از نرم‌افزار xcel و views استفاده شده است. در این مطالعه به منظور برآورد تأثیر شاخص‌های حکمرانی و مخارج دولتی در کشورهای حوزه مناستفاده شده است (داگستینو و همکاران، ۲۰۱۶م) استفاده شده است (داگستینو و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۹۳):

$$it = \lambda j + i \backslash t + - \gamma Y t - 1 + - \beta \text{privin}6 +$$

$$\xi k + i \gamma t + TRt + < i + = t + \mu it$$

$$k \text{Solow} h V / - - R$$

$$+ i \backslash t = [Git, invit, tra \text{openness}it, \text{infit}] \text{regulation quality}it;$$

$$+ i \gamma t = K \text{consoli}itit; c \text{Voial sce} \& \text{Atabilccou}itit; it; _$$

$$\text{Government Effective}it; \text{Law}it$$

که در آن $i \& t$ نمایانگر هر کشور و دوره زمانی هستند و نرخ رشد it لگاریتم سالانه تولید ناخالص ملی برای کشور t ، برای دوره زمانی t معادله مفروض k برای مدل ارزیابی این پژوهش، یک معادله پویاست از این رو با توجه به پویایی مدل، اگر برای تخمین مدل از روش‌های معمولی پانل دیتا (مانند اثرات ثابت یا اثرات تصادفی h استفاده شود، تخمین مدل با تورش همراه خواهد بود k از جمله روش‌های اقتصادسنجی مناسب برای رفع مشکل مطرح شده در فوق، استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته) است.

برای فرمول‌بندی معادلات هم‌زمان از قانون واگنر استفاده می‌کنیم. در این قانون بر رشد اقتصادی به‌عنوان عامل تعیین‌کننده رشد مخارج عمومی تأکید می‌شود. طبق کارهای انجام‌شده توسط چاندر و انورا (۲۰۱۱:۳۰۲)، پیکاک و اسکات (۲۰۰۰: ۱) مخارج دولتی تابعی از رشد اقتصادی، مخارج دولتی طی دوره‌های گذشته، میزان اشتغال، سرمایه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نظر گرفته می‌شود.

$$\text{Growth}it = a_0 + a_1 \text{Growth}t-1 + a_2 Git + a_3 k + a_4 \text{privin}6 + a_5 (\text{GOV})it + a_6 \text{openit} + \mu it \quad (1) \text{ مدل}$$

$$\text{Growth}it = a_0 + a_1 \text{Growth}t-1 + a_2 (G \text{ GOV})it + a_3 \text{privin}6 + a_4 (V \& P)it + a_5 \text{openit} + \mu it \quad (2) \text{ مدل}$$

$$\text{Growth}it = a_0 + a_1 \text{Growth}t-1 + a_2 (G \text{ GOV})it + a_3 \text{privin}6 + a_4 (E \& R)it + a_5 \text{openit} + \mu it \quad (3) \text{ مدل}$$

$$\text{Growth}it = a_0 + a_1 \text{Growth}t-1 + a_2 (G \text{ GOV})it + a_3 \text{privin}6 + a_4 (R \& C)it + a_5 \text{openit} + \mu it \quad (4) \text{ مدل}$$

$$\text{Git} = a_0 + a_1 \text{Growthit} + a_2 \text{G(-)it} + a_3 \text{FIit} + ut \quad (5) \text{ مدل}$$

توضیح متغیرهای مورد استفاده به شرح زیر است:

(۳: ۸ - @growth) رشد تولید ناخالص داخلی سرانه: تولید ناخالص داخلی سرانه از تقسیم خالص ارزش افزوده تولیدکنندگان داخلی یک کشور بر جمعیت سالانه حاصل می‌شود.

مخارج دولتی (G GOV): کل هزینه‌ها شامل هزینه کل و سود خالص دارایی‌های غیر مالی است.

باز بودن تجارت (open): اصلی‌ترین معیار باز بودن، از جمع صادرات و واردات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی حاصل می‌شود که به‌عنوان سهم تجارت از آن نام می‌برند.

تورم (۹&?) تورم به‌وسیله شاخص قیمت مصرف‌کننده اندازه‌گیری می‌شود و درصد تغییر سالانه در هزینه‌های مصرف‌کننده در سبد خرید کالا و خدمات طی فواصل مشخص شده مانند فاصله سالانه نشان داده می‌شود.

سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای نشان دادن این متغیر از شاخص انباشت خالص سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به صورت درصدی از استفاده می‌شود.

سرمایه فیزیکی: سرمایه‌گذاری یا تشکیل سرمایه ناخالص با ارزش کل سرمایه تشکیل شده ناخالص سرمایه و تغییرات موجودی و جمع‌آوری‌ها برای یک واحد یا بخش اندازه‌گیری می‌شود.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۶: برای نشان دادن این متغیر از شاخص انباشت خالص جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت درصدی از استفاده می‌شود.

نهادها: برای نشان دادن این متغیر از شاخص حکمرانی که توسط بانک جهانی ارائه گردیده است، استفاده می‌شود.

شاخص حکمرانی خوب: برای نشان دادن شاخص حکمرانی خوب، از شاخص حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی به‌صورت میانگین حسابی شش شاخص به

دست می‌آید، استفاده می‌شود. این شاخص بدون مؤلفه‌ها در سایت بانک جهانی وجود ندارد و بر اساس روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی شاخص حکمرانی خوب به صورت میانگین شش شاخص داده شده توسط بانک جهانی محاسبه شده است. در این تحقیق خود شاخص را به سه دسته دیگر تقسیم‌بندی کردیم تا تأثیر شاخص‌های نهادی را بهتر بررسی کنیم.

الف: میانگین حسابی دو شاخص پاسخگویی و ثبات سیاسی که نشان‌دهنده نظارت، انتخاب و تعویض صاحبان قدرت است.

ب: میانگین حسابی دو شاخص کیفیت مقررات و اثربخشی دولت که نشان‌دهنده استفاده درست از منابع و اجرای درست سیاست‌ها توسط دولت است ($g R$ " ۲).

ج: میانگین حسابی دو شاخص حاکمیت قانون و کنترل فساد که نشان‌دهنده احترام دولت و مردم به نهادهایی است که روابط اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را اداره می‌کند ($UitV(Rg$ ۳). نیز جزء اخلاق مدل، i نشان‌دهنده کشور و t نشان‌دهنده دوره زمانی است. معادله به صورت لگاریتمی آورده شده است.

برای برآورد تأثیر مخارج دولتی و حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی معادلات یاد شده برای کشورهای حوزه منا به صورت هم‌زمان برآورد شده‌اند. با برآورد این معادله مشخص شد که چند درصد از رشد اقتصادی کشور توسط مخارج دولتی و حکمرانی خوب توضیح داده می‌شود. با تغییر شاخص‌های نهادی میزان تأثیر مخارج دولتی در معادلات مختلف سنجیده شده است که نتایج آن در ادامه بیان می‌شود.

توصیف متغیرها

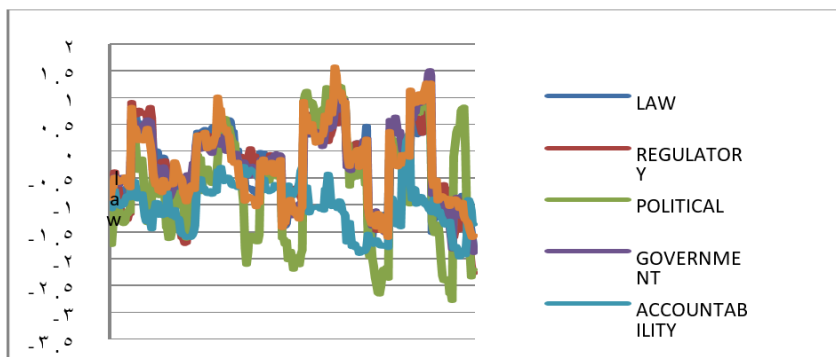
برای توصیف وضعیت متغیرهای تحقیق در بازه مورد بررسی برای کشورهای حوزه منا، میانگین، واریانس در جدول (۲) محاسبه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی

نام متغیر	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
ثبات سیاسی	۵۲/۰-	۲۲/۱	۷۹/۲-	۰۱۹/۱
حاکمیت قانون	۲۷۸/۰-	۹۶/۰	۸۷/۱-	۷۲۴/۰
اثربخشی دولت	۲۱۸/۰-	۵۱/۱	۸۹/۱-	۶۹۹/۰
کیفیت قوانین و مقررات	۳۰۷/۰-	۱۲/۱	۲۷/۲-	۷۴۹/۰
اظهار نظر و پاسخگویی	۹۷/۰-	۳۳/۰	۹۸/۱-	۴۶۷/۰
کنترل فساد	۲۶/۰-	۵۷/۱	۶۲/۱-	۶۷۸/۰
شاخص حکمرانی خوب	۴۲۸/۰-	۷۲۵/۰	۸۶/۱-	۶۲۹/۰
شاخص ترکیبی	۱۴/۰	۹۸/۱	۳۱۸/۲-	۹۸۷/۰

مأخذ: نتایج تحقیق

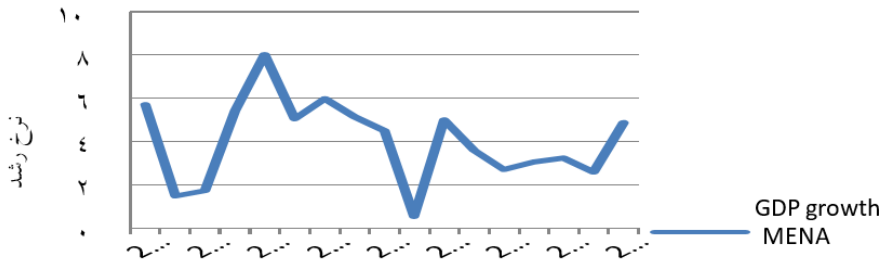
شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و کیفیت قوانین و مقررات دارای میانگین پایین تری نسبت به بقیه شاخص‌ها هستند که این نشان‌دهنده درصد مشارکت مردم در انتخاب دولت، آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها بوده و درصد توانایی دولت در پیاده‌سازی سیاست‌های مناسب برای بخش خصوصی را اندازه‌گیری می‌کنند.



نمودار ۱. روند تغییر زیرشاخص‌های حکمرانی خوب در کشورهای حوزه منا

در شکل (۲) بی‌ثباتی نرخ رشد: در کشورهای حوزه منا مشاهده می‌شود. علت بی‌ثباتی نوسانات قیمت نفت و بحران مالی به وجود آمده در سال ۲۰۰۸ میلادی، است. بیشتر کشورهای حوزه منا وابسته به درآمدهای نفتی هستند و با

افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۰۲ میلادی، نرخ رشد تولید ناخالص ملی افزایش می‌یابد و از سال ۲۰۰۸ میلادی، با به وجود آمدن بحران مالی رشد تولید ناخالص ملی کاهش می‌یابد. رشد درآمد سرانه در این کشورها کمتر از رشد تولید ناخالص ملی است؛ زیرا رشد جمعیت آن‌ها بیشتر از رشد تولید است.



نمودار ۲. بی‌ثباتی در روند نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای حوزه منا

آزمون ریشه واحد در داده‌های پانلی

اغلب مدل‌های اقتصادسنجی که در دهه‌های قبل مورد استفاده قرار می‌گرفت بر فرض ایستایی سری‌های زمانی استوار بود. بعدها که ناپیوستگی‌های بیشتری در سری‌های زمانی آشکار شد، به‌کارگیری متغیرها منوط به انجام آزمون‌های ایستایی مربوطه گردید. چنانچه متغیرها ایستا باشند تخمین‌های حاصل مشکل رگرسیون ساخت گیرا نخواهند داشت؛ اما چنانچه متغیرها ایستا نباشند می‌بایست رابطه هم‌انباشتگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل را بررسی نماییم.

لویین، لینوچو (۲۰۰۲م) ۱ نشان دادند که در داده‌های پانلی استفاده از آزمون ریشه واحد برای ترکیب داده‌ها دارای قدرت و اعتبار بیشتری نسبت به استفاده از آزمون ریشه واحد برای هر مقطع به صورت جداگانه است. در آماره آزمون‌های لویین، لینوچو؛ ایم، پسرانوشین و فیشر فرض صفر مبنی بر ناپیوستگی است. طبق آزمون‌های سارگان، آرلانو و باند و آزمون هاسمن که در جداول ۵ و ۶ آمده است از روش پانل دیتا با اثر تصادفی استفاده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون‌های ریشه واحد پانلی با در نظر گرفتن عرض از مبدأ و روند

نتیجه آزمون	χ^2 fisherVhiT square	χ^2	V	نام متغیر
پایا در سطح &hVR	۶۴/۳۱۵۱ (۰/۰۰۱۳)	۳/۶۲۳۴ (۰/۰۰۰۱)	-۲/۵۸۸۷ (۰/۰۰۴۸)	"@ : ۸"
پایا در سطح &hVR	۸۵/۴۵۴۳ (۰/۰۰۰۰)	-۵/۲۰۵۴ (۰/۰۰۰۰)	-۴/۲۳۷۰ (۰/۰۰۰۰)	" "
پایا در سطح &hVR	۶۳/۹۹۳۸ (۰/۰۰۱۴)	-۳/۶۳۰۳ (۰/۰۰۰۱)	-۲/۱۳۲۷ (۰/۰۱۶۵)	" :
پایا در سطح &hVR	۱۲۵/۳۶۶ (۰/۰۰۰۰)	-۷/۷۰۸۶ (۰/۰۰۰۰)	-۷/۷۸۵۷ (۰/۰۰۰۰)	"@"? "
پایا در سطح &hl R	۱۰۸/۵۲۴ (۰/۰۰۰۰)	-۷/۰۷۸۹ (۰/۰۰۰۰)	-۹/۷۰۹۳ (۰/۰۰۰۰)	"&? ۹"
پایا در سطح &hVR	۱۰۷/۹۴۴ (۰/۰۰۰۰)	-۶/۵۸۲۰ (۰/۰۰۰۰)	-۳/۸۹۷۹ (۰/۰۰۰۰)	" :) V"

مأخذ: نتایج تحقیق

در ادامه، با استفاده از آماره آزمون‌های χ^2 ، χ^2 و χ^2 hiTsquareiVfTfisher به بررسی ایستایی متغیرها می‌پردازیم که نتایج آماره این آزمون‌ها در جداول آمده است. با توجه به نتایج جدول (۳) مشاهده می‌شود که متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی، لگاریتم موجودی سرمایه و لگاریتم مخارج دولتی، لگاریتم تجارت به از، لگاریتم حکمرانی خوب در سطح و با در نظر گرفتن عرض از مبدأ و روند ایستاد نیستند. فقط شاخص تورم ایستا هست. متغیرها بر اساس کلیه آماره‌های فوق با یک بار تفاضل‌گیری ایستا می‌شوند.

تخمین مدل

بر اساس نتایج جدول (۴) تأثیر مخارج دولتی بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه منا مثبت و معنی‌دار است. در کشورهای حوزه منا با توجه به دخالت دولت و فعالیت کمتر بخش خصوصی، دولت با افزایش مخارج خود زمینه را برای افزایش رشد

اقتصادی جامعه فراهم می‌کند که این کار از طریق اچ‌رای سیاست‌های مالی دولت اجرا می‌شود و با افزایش امکانات و زیرساخت‌ها سطح قدرت خرید مردم را افزایش داده و طبق نظریه کینز با افزایش تقاضای جامعه، زمینه برای افزایش تولید و رونق اقتصادی فراهم می‌شود. البته با توجه به اینکه سمت تولید (عرضه) در کشورهای حوزه منا کم‌کشش می‌باشد، تأثیر افزایش مخارج دولتی بر رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط دولین و هانس‌ن (۲۰۰۱ م) و بی‌زوال و همک‌اران (۱۹۹۹ م) و داگستینو و همکاران (۲۰۱۶ م) مطابقت دارد.

متغیر تولید ناخالص داخلی دوره گذشته تا تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد. هرچه رشد تولید در دوره‌های قبل بیشتر باشد در دوره جاری برای افزایش تولید زمینه فراهم‌تر است و رشد اقتصادی با سرعت بیشتری اتفاق می‌افتد. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط چلندار و همک‌اران (۲۰۱۱ م)، ری‌ساتی و همکاران (۲۰۱۶ م) و موروزی و همکاران (۲۰۱۶ م) مطابقت دارد.

تأثیر شاخص‌های نهادی و تأثیر هم‌زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. نهادهای خوب در یک جامعه با فراهم کردن زمینه مناسب برای همکاری مردم در فعالیتهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و ایجاد یک دولت مقتدر و پاسخگو، زمینه را برای رشد اقتصادی بیشتر فراهم می‌آورد. از طرفی برای افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نیاز به یک محیط امن و بدون خشونت است تا با کاهش ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری زمینه را برای سرمایه‌گذاری بیشتر فراهم آورد و با شفاف‌سازی حقوق مالکیت انگیزه برای کار و فعالیت بیشتر شود که این کارها با شاخص‌های نهادی مناسب اتفاق می‌افتد. از طرف دیگر، دولت با کنترل فساد و نظارت کافی باعث افزایش بازدهی بخش دولتی و جلوگیری از اتلاف منابع می‌شود. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط بیچا و فهرگیل (۲۰۱۵ م)، امیری و همکاران (۲۰۱۶ م) و سپهدوست و همکاران (۲۰۱۵ م) مطابقت دارد.

متغیر انباشت سرمایه فیزیکی (^۲) تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی کسب‌وکارهای حوزه مخابرات دارد؛ زیرا از طریق سرمایه‌گذاری و مهیا نمودن زیرساخت‌ها و ارائه امکانات لازم برای بسط فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موجود و فعالیت‌های جدید در زمینه‌های مهم برای جامعه می‌تواند بسترساز توسعه گردد. این نتیجه با کارهای اسپیتتری و همکاران (۲۰۱۸ م)، اکلندیو و همکاران (۲۰۱۷ م) و موروزی و همکاران (۲۰۱۶ م) مطابقت دارد.

متغیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارای تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی است. در کشورهای حوزه مخابرات با توجه به ناامنی‌های موجود در حوزه خاورمیانه و افزایش ریسک حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌تواند با فراهم کردن زمینه و امکانات برای فعالیت در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و بسترسازی توسعه مفید باشد. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط امیری و همکاران (۱۳۹۴ ه.ش) و داگستینو و همکاران (۲۰۱۶ م) از لحاظ رابطه مثبت مطابقت دارد. تأثیر متغیر باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. باز بودن تجارت از طریق افزایش جریان ورود و خروج سرمایه و گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری، فناوری و مدیریت می‌تواند باعث توسعه و رشد اقتصادی شود. این کار از طریق انتقال فناوری و تقویت بهره‌وری سرمایه انسانی و تقسیم کار بین‌المللی باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط عصار و همکاران (۲۰۱۶ م) و داگستینو و همکاران (۲۰۱۶ م) مطابقت دارد.

جدول ۴. تخمین الگوهای رشد با مخارج دولتی و شاخص‌های نهادی

متغیرها	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵ (معادله مخارج)
تولید ناخالص داخلی @ ۸:					۰/۵۰۱ (۰/۰۰۰)
تولید ناخالص داخلی با وقفه : ۸@hTVR	۰/۲۶۱ (۰/۰۰۰)	۰/۲۷۱ (۰/۰۰۲)	۰/۲۲۶ (۰/۰۰۰)	۰/۲۳۲ (۰/۰۰۰)	
مخارج دولتی:	۰/۲۶۲ (۰/۰۰۱)				

متغیرها	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴	مدل ۵ (معادله مخارج)
مخارج دولتی با وقفه : hTVR					۰/۳۰۹ (۰/۰۰۰)
انباشت سرمایه فیزیکی	۰/۲۴۴ (۰/۰۰۰)				
تورم %	-۰/۰۳۳ (۰/۰۰۵۸)	-۰/۰۰۲ (۰/۳۱۳)	-۰/۰۰۳۳ (۰/۰۱۸)	-۰/۰۰۲ (۰/۰۵۰۳)	
سرمایه‌گذاری بخش خصوصی privin6	۰/۰۰۳ (۰/۰۰۲۸)	۰/۰۰۶ (۰/۰۰۹)	-۰/۰۰۱۷ (۰/۰۲۱)	۰/۰۰۱۱ (۰/۰۰۲)	
حکمرانی خوب (:) V	۰/۲۰۷ (۰/۰۰۰)				
باز بودن تجارت)@"?	۰/۴۴۱ (۰/۰۰۰)	۰/۳۶۹ (۰/۰۰۵۹)	۰/۲۸۱ (۰/۰۰۰)	۰/۳۲۲ (۰/۰۰۰)	
: i :) V		۰/۳۸۷ (۰/۰۰۲۵)	۰/۴۵۱ (۰/۰۰۰)	۰/۴۲۴ (۰/۰۰۰)	
Vg @		۰/۱۹۷ (۰/۰۱۴)			
" g R			۰/۱۳۷ (۰/۰۰۴۸)		
Rg V				۰/۲۴۹ (۰/۰۰۲۲)	
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ۹۸&					-۰/۰۱۲ (۰/۰۰۲)

مأخذ: نتایج تحقیق

تأثیر متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر مخارج دولتی منفی و معنی‌دار است. نقش دولت و متغیرهای نهادی در چگونگی جذب و هدایت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مهم است. در صورتی که سرمایه‌گذاری خارجی جایگزین سرمایه‌های داخلی شود، شاهد تأثیر منفی آن خواهیم بود. در کشورهای حوزه منا با توجه به تک‌قطبی

بودن (وابستگی شدید نفتی) سرمایه‌گذاری‌های خارجی باعث وابستگی شدید و افزایش ضعف بخش داخلی شده است.

متغیر دیگری که تأثیر آن بر رشد اقتصادی در جدول (۴) نشان داده شده است، تورم است که تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه منا دارد. با افزایش تورم و کاهش قدرت خرید واقعی جامعه و تأثیر آن بر تقاضا، تولید کاهش یافته و باعث رشد منفی تولید می‌شود. این نتیجه با کارهای انجام شده توسط عصاری و همکاران (۲۰۱۶م) و فراهانی‌فر و همکاران (۱۳۹۴ ه.ش) مطابقت دارد.

در جدول (۴) همان‌طور که مشاهده می‌شود با توجه به مدل ارائه شده، تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب را به‌عنوان متغیرهای نهادی با مخارج دولتی به سه گروه تقسیم کردیم و تأثیر هم‌زمان آن‌ها به صورت زوج‌های دوتایی با مخارج دولتی را آورده‌ایم. در هر سه مدل تأثیر شاخص‌های دوتایی باعث افزایش تأثیر مخارج دولتی بر رشد اقتصادی می‌شود.

پس از آمدن تخمین نوبت به آزمون‌های خاص در داده‌های است.

نتایج آزمون سارگان

آزمون سارگان (۱۹۵۸م) از محدودیت‌های از پیش تعیین شده است و برای تعیین هر نوع همبستگی بین ابزارها و خطاها به کار برده می‌شود. برای اینکه ابزارها معتبر باشند، باید بین ابزارها و جملات خطا همبستگی وجود نداشته باشد، k فرضیه صفر برای این آزمون، این است که ابزارها تا آنجا معتبر هستند که با خطاها در معادله تفاضلی مرتبه اول هم بسته نباشند. عدم رد فرضیه صفر می‌تواند شواهدی دال بر مناسب بودن ابزارها فراهم آورد؛ چون k احتمال آن بالای ۵ درصد است؛ بنابراین فرضیه صفر مربوط به معتبر بودن ابزارها را نمی‌توان رد کرد. برای برآورد اینکه آیا روش گشتاورهای تعمیم‌یافته:)) برای تخمین مدل یاد شده، روش درستی است یا نه؟ از آزمون خودهمبستگی آرانو و باند استفاده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون سارگان

ارزش احتمال h@TValue)	مقدار t (TStatistic)
۰/۴۹۰۱۰۹	۱۱/۴۵۸۲۴

مأخذ: نتایج تحقیق

نتایج آزمون خودهمبستگی آرلانو و باند

این آزمونی است که وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می‌کند. عدم رد فرضیه صفر در این آزمون شواهدی دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتبر بودن ابزارها فراهم می‌کند؛ به عبارتی تخمین زنده h در صورتی سازگار است که همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه اول وجود نداشته باشد.

جدول ۶. نتایج آزمون خودهمبستگی آرلانو و باند

ارزش احتمال h@TValue)	مقدار آماره t	مرتبۀ	آزمون
۰۳۲۴/۰	۷۸۲۲۲۶۷-	RhVR ۶	آرلانو و باند
۲۰۱۶۰	۷۱۵۴۴۹/۱	RhmR ۶	آرلانو و باند

مأخذ: نتایج تحقیق

با توجه به نتایج آزمون آرلانو و باند که در جدول شماره (۶) آمده، همبستگی بین جملات اختلال از مرتبه اول بوده و همبستگی از مرتبه دوم ندارند. پس روش گشتاور h روش مناسبی برای برآورد مدل هست.

بحث و نتیجه‌گیری

بحث حکمرانی خوب و مخارج دولتی و تأثیر آن‌ها بر رشد اقتصادی یکی از موضوعات مورد توجه اقتصاددانان است. به همین منظور در این تحقیق تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و مخارج دولتی به صورت هم‌زمان بر رشد اقتصادی

برای کشورهای حوزه مناطقی دوره زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۲ میلادی، بررسی شده است. برای نشان دادن شاخص حکمرانی خوب از تعریف بانک جهانی استفاده شده است. متغیر مخارج دولتی و اجزای آن از اطلاعات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهند که حکمرانی خوب (میانگین وزنی شش شاخص) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی هستند. نتایج حاصل از تخمین نشان می‌دهد که تأثیر هم‌زمان شاخص حکمرانی و مخارج دولتی بیشتر از زمانی است که هر کدام از این شاخص‌ها به تنهایی در نظر گرفته می‌شوند. همچنین تأثیر دوتایی زیرشاخص‌های حکمرانی (به‌عنوان شاخص نهادی) و مخارج دولتی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی است. نتایج نشان می‌دهند که تأثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی دوره گذشته و باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. تأثیر متغیر تورم بر رشد اقتصادی منفی و معنی‌دار است و همچنین تأثیر متغیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار است. تأثیر متقابل رشد اقتصادی و مخارج دولتی مثبت و معنی‌دار است.

با توجه به نتایج پیشنهادی زیر ارائه می‌گردد:

با توجه به اینکه شاخص حکمرانی خوب دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی است و میانگین این شاخص‌ها در کشورهای حوزه منابین‌تر از کشورهای پیشرفته است، توصیه می‌گردد زمینه لازم برای تقویت و بهبود این شاخص‌های نهادی فراهم شود.

با توجه به تأثیر مثبت هم‌زمان شاخص حکمرانی خوب و مخارج دولتی پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در زمینه مخارج دولتی و اجزای آن، طوری باشد که موجب تقویت شاخص نهادی شود تا زمینه عدالت و برابری فراهم آید.

با توجه به تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی توصیه می‌شود دولت‌ها به گونه‌ای عمل کنند که بخش خصوصی فعال‌گردد تا زمینه افزایش کارایی و بهره‌وری عوامل تولید فراهم شود و بخش خصوصی به عنوان مکمل بخش دولتی باعث افزایش تولید و بهبود کارایی مخارج دولتی شود.

منابع

۱. اسدی، منیژه و نیکوقدم، مسعود و هراتی، جواد (۱۳۹۶)، «ارتباط متقابل مخارج بهداشتی دولت و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب حوزه منما: رویکرد سیستم معادلات هم‌زمان»، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، دوره ۸، شماره ۲۱، ص ۸۷-۵۵.
۲. امیری، بهزاد و شاه‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، «تأثیر نهادها بر توسعه کشورهای اسلامی عضوگروه دی هشت»، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، دوره ۲، شماره ۳، ص ۹۳-۱۱۸.
۳. بیگی‌نیا، عبدالرضا و صفری، سعید و مرشدی‌زاد، علی و پولادری، عبدالمجید (۱۳۹۱)، «شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب»، مجله چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۳، ص ۸۶-۶۵.
۴. حسینی‌غفار، سید عباس و بخشی دستجردی، رسول و صامتی، مجید و شجری، هوشنگ (۱۳۹۷)، «تحلیل بلندمدت و کوتاه‌مدت آثار تأمین مالی دولت از طریق مالیات تورمی با رویکرد نیوکینزین»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۸، شماره ۳۳، ص ۷۸-۵۷.
۵. حیدری، حسن و پروین، سهیلا و فاضلی، محمد (۱۳۸۹)، «رابطه بین اندازه دولت و رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک حاشیه خلیج فارس»، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۷، شماره ۳، ص ۶۶-۴۳.
۶. سپهردوست، حمید و رجبی، فهیمه و باروتی، مهسا (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر عملکرد درآمد نظام مالیاتی»، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، دوره ۲، شماره ۲، ص ۱۲۶-۱۰۳.
۷. شاکری، محبوبه و جعفری‌صمیمی، احمد و کریمی‌موغاری، زهرا (۱۳۹۴)، «ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی معرفی شاخص نهادی جدید

برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا»، فصلنامه علم‌ی - پژوهش‌ی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۶، شماره ۲۱، ص ۱۰۶-۹۳.

۸. شاه‌آبادی، ابوالفضل و ساری‌گل، سارا (۱۳۹۵)، «اثر حکمرانی و حقوق مالکیت فکری بر سرریز دانش در کشورهای در حال توسعه منتخب»، فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۷۸، ص ۱۲۳-۹۳.

۹. شاه‌آبادی، ابوالفضل و سلیمی، صبا (۱۳۹۴)، «تأثیر حکمرانی خوب بر شدت تحقیق و توسعه کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست علم و فناوری، دوره ۷، شماره ۲، ص ۴۶-۳۵.

۱۰. شیروانی، علیرضا و رجبی‌فرجاد، حاجیه (۱۳۹۱)، «حکمرانی خوب با تأکید بر سازمان‌های غیر دولتی»، فصلنامه رسالت مدیریتی، دوره ۲، شماره ۳، ص ۳۷-۲۹.

۱۱. صامتی، مرتضی و رنجبر، همایون و محسنی، فضیلت (۱۳۹۰)، «تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۱، شماره ۴، ص ۲۲۳-۱۸۳.

۱۲. فراهانی‌فر، سعید و فشاری، مجید و خانزاده، یاور (۱۳۹۴)، «تأثیر مؤسسات بانکی و غیر بانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران (روش گشت‌تاور تعمیم‌یافته)»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳، ص ۴۱-۲۱.

۱۳. فلاحتی، علی و حیدریان، مریم (۱۳۹۷)، «بررسی اثرات آستانه‌ای سرمایه‌گذاری دولتی و بدهی عمومی در یک مدل رشد اقتصادی برای استان‌های ایران؛ با استفاده از مدل رگرسیون انتقال ملایم پانلی (STR@e)»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۸، شماره ۳۳، ص ۵۶-۴۱.

۱۴. کمیجانی، اکبر و هژبرکیانی، کامبیز و حق‌شناس، هادی (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی در ایران به روش هم‌جمعی «AR^۶»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، شماره ۶۰، ص ۴-۴۹.
۱۵. محمدزاده، یوسف و حکمتی‌فرید، صمد و شریفی، المیرا (۱۳۹۶)، «تأثیر اندازه دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی در کشورهای منتخب». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۷، شماره ۲۶، ص ۹۷-۱۱۲.
۱۶. میدری، احمد (۱۳۸۳)، «مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۲، ص ۲۸۷-۲۶۱.
۱۷. میرزا آفانسب گردودباری، ایمان و تقوی، مهدی (۱۳۹۳)، «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب؛ مطالعه موردی کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، دوره ۴، شماره ۱۳، ص ۱-۱۴.

**دلالت‌های سیاست‌گذارانه بیانیه گام دوم
انقلاب اسلامی در خصوص ارتقای
کارآمدی حکمرانی دفاعی – امنیتی کشور**

علیرضا تقی‌پور

سعید نادری‌اصل

چکیده

انقلاب اسلامی ایران در چهل سال اول حیات خود با مسائل امنیتی و دفاعی متعددی مواجه شده و به تجربیات موفقی در مواجهه با مسائل این حوزه دست یافته است. در دهه اخیر پیچیدگی شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی از یک‌سو و تنوع مسائل امنیتی و دفاعی کشور در حوزه‌های مختلف به‌ویژه ائتلاف نظام سلطه بر ضد جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، چالش‌های بزرگی در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار داده که بر افزایش کارآمدی حکمرانی دفاعی و امنیتی کشور در این بحران‌ها دلالت دارد. با عنایت به جایگاه سیاست‌گذارانه بیانیه گام دوم انقلاب در حکمرانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ضروری است از ظرفیت این بیانیه برای تقویت کارآمدی حکمرانی دفاعی - امنیتی کشور بهره‌گرفت. بر این اساس این تحقیق تلاش دارد دلالت‌های سیاستی بیانیه گام دوم انقلاب را در حوزه حکمرانی دفاعی - امنیتی استخراج و پیشنهادهای را برای افزایش کارآمدی این حکمرانی ارائه نماید. در این تحقیق از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. نتایج بررسی‌های انجام شده بیانگر آن است که تقویت هویت ملی، صیانت از ارزش‌های انقلابی، بهره‌گیری از نسل جوان، پیشرفت در علم و فناوری، مشارکت گسترده مردمی در عرصه مختلف همراه با تحلیل سیاسی، تقویت محور مقاومت، تقویت معنویت و اخلاق، اقتصاد مقاومتی و حفظ سبک زندگی ایرانی - اسلامی در افزایش کارآمدی حکمرانی دفاعی - امنیتی کشور مؤثر است.

کلیدواژه: بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، حکمرانی دفاعی - امنیتی، کارآمدی، تحلیل مضمون، جمهوری اسلامی ایران.

بیان مسئله

گذشت چهل سال از انقلاب، مردم و مسئولین نظام را با تجاربی نو آشنا نموده که تا پیش از این کمتر نظام سیاسی آن را تجربه کرده باشد به نحوی که جمهوری اسلامی ایران در این چهاردهه با توفیقات، مشکلات، موانع، پستی و بلندی‌های متعددی در سطح کلان مواجه شده است. این حرکت که دارای یک زنجیره منطقی است، از مراحل تشکیل انقلاب اسلامی و نظام اسلامی عبور کرده است و در مرحله دولت اسلامی است. برای عبور از این مرحله و حرکت به سوی جامعه اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی نیازمند تقویت کارآمدی نظام اسلامی در ابعاد مختلف لازم و ضروری است. یکی از حوزه‌های اساسی در این سال‌ها، حوزه امنیتی - دفاعی است. با پیروزی انقلاب اسلامی، حوادث امنیتی متعددی اعم از کودتا، اقدامات مسلحانه، تحرکات تجزیه‌طلبانه و جنگ همه‌جانبه بر نظام اسلامی تحمیل گردید. به این موارد باید فشارهای سیاسی و دیپلماتیک را نیز افزود که جمهوری اسلامی ایران را در عرصه بین‌الملل با تهدید مواجه نمود. با وجود نوپا بودن نظام اسلامی به دلیل وجود مؤلفه‌های ویژه مانند رهبری مقتدر و مدبر، حضور مردم در صحنه و تغییر نگرش‌ها در قالب ما می‌توانیم، تهدیدات امنیتی و نظامی به نحو مناسبی مدیریت گردید. در دهه اخیر با بروز بحران‌های هویت پایه مانند ظهور جریان‌های تکفیری و شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نظام سلطه بر ضد جمهوری اسلامی ایران، شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی با پیچیدگی مواجه شده است. بر همین اساس مسائل امنیتی و دفاعی کشور در حوزه‌های مختلف تنوع پیدا کرده و چالش‌های بزرگی فرا روی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. با افزایش تنوع بحران‌های امنیتی و دفاعی در قبال نظام اسلامی، کارشناسان امنیتی و دفاعی بر لزوم تغییر در ساختار و سیاست‌های دفاعی و امنیتی و به عبارت دیگر افزایش کارآمدی حکمرانی دفاعی و امنیتی کشور تأکید دارند.

از سوی دیگر تقویت حکمرانی در حوزه‌های مختلف با بهره‌گیری از تجربیات متراکم چهاردهه گذشته در گام دوم انقلاب اسلامی و دهه پنجم می‌تواند گامی اساسی به سوی تمدن نوین اسلامی باشد. بیانیه گام دوم انقلاب که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی

صادر و ابلاغ شده است، مسیر حرکت نظام اسلامی را به سوی تمدن نوین اسلامی تعیین نموده است. بررسی این بیانیه نشان می‌دهد که حوزه‌های مختلف حکمرانی کشور باید متناسب با اقتضات گام دوم دچار تحول و ارتقا گردند. این مقاله نیز تلاش دارد با بررسی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با روش تحلیل مضمون، دلالت‌های ارتقا حکمرانی دفاعی-امنیتی کشور را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

سؤال تحقیق

این مقاله تلاش دارد به این سؤال پاسخ دهد که دلالت‌های سیاست‌گذارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در خصوص ارتقا کارآمدی حکمرانی دفاعی-امنیتی کشور چیست؟ برای پاسخ به این سؤال، بیانیه گام دوم از منظر امنیتی و دفاعی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و سپس بخش‌های مرتبط با موضوع دفاعی و امنیتی شناسایی و استخراج خواهد شد. در نهایت مضامین مربوطه و دلالت‌های سیاست‌گذارانه مربوط به حوزه تحقیق استنباط می‌گردد.

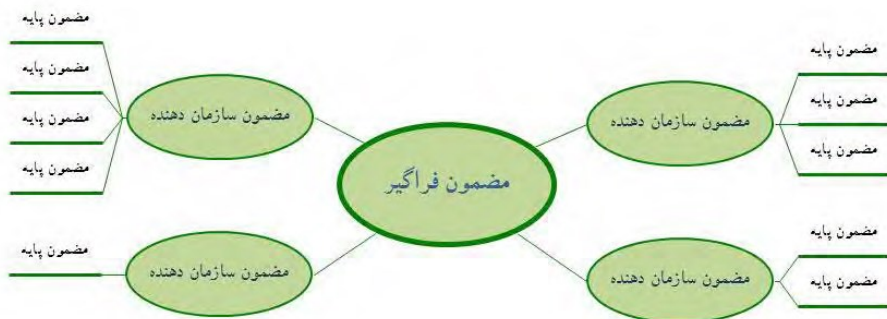
روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، روش کیفی از نوع تحلیل مضمون^۱ می‌باشد؛ زیرا برای این سند مهم لازم است داده‌ها به صورت روشمند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. برای دستیابی به نتایج با معنا از میان داده‌ها لازم است داده‌ها به شکل مناسبی تحلیل گردد تا بتوان از آن‌ها، داده‌های غنی و تفصیلی استخراج نمود (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ۷۸-۱۰۱).

برای کاربست این روش، چند اقدام باید انجام شود. ابتدا باید مضامین موجود در داده متنی استخراج گردد. هر داده دارای مفاهیم و ایده‌هایی است که با فهم صحیح آن‌ها، شناخت ساختار و چارچوب اصلی متن قابل فهم خواهد شد. البته مضامین موجود در یک متن لزوماً آشکار نیست و برخی از آن‌ها نیازمند بررسی دقیق متن است. یافتن این مضامین دارای یک اصول ثابتی نیست و بسته به متن می‌تواند متفاوت باشد و محققان از روش‌های

متنوعی برای یافتن مضامین استفاده می‌نمایند مانند توجه به کلمات کلیدی، تکراری و پنهان در متن (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

در گام دوم مضامین استخراج شده باید طبقه‌بندی شوند. طبقه‌بندی متنوعی از مضامین ارائه شده است. نمونه‌های طبقه‌بندی که از سوی محققان مختلف مورد استفاده قرار گرفته، عبارت‌اند از طبقه‌بندی بر اساس شناخت مضمون، ماهیت مضمون در متن، سلسله‌مراتب مضمون در قالب مضامین، جایگاه مضمون در شبکه مضامین، مشاهده مضمون در متن، منشأ شناسایی مضمون، نقش مضمون در تحلیل و تثبیت موقعیت مضمون. یکی از محوری‌ترین روش‌ها، طبقه‌بندی بر اساس جایگاه مضمون در شبکه مضامین است. اینکه مضمون فراگیر است یا سازمان‌دهنده و واسط یا پایه‌ای (افتخاری و باباهادی، ۱۳۹۷: ۱۷).



شکل (۱): رابطه مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه‌ای (افتخاری و باباهادی، ۱۳۹۷: ۱۸)

در مرحله سوم فرآیند تحلیل مضمون اجرا می‌گردد. این مرحله حداقل دارای ۳ بخش اساسی تجزیه و تعمیق متن، بررسی متن و کدگذاری، بازسازی و تولید گزارش نهایی است. لازم به ذکر است در این تحقیق به دلیل رویکرد حداکثری به استخراج دلالت‌ها، به استخراج مضامین پایه‌ای اکتفا شده است.

چارچوب نظری تحقیق؛ نظریه مقاومت به‌مثابه نظریه و دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران نظریات و مکاتب متعددی در حوزه امنیت وجود دارد. این نظریات به دلایل مختلف امکان به‌کارگیری در کشورهای مختلف از حیث ایدئولوژی حاکم و اقتضائات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ژئوپلیتیک و ... را ندارد. به نظر می‌رسد نظریه‌ای بتوان در

جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظریه امنیتی مورد توجه و مبنای سیاست‌گذاری قرار داد، نظریه مقاومت است. نظریه مقاومت بارها از سوی مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته است، از منظر ایشان اولاً جمهوری اسلامی ایران در منطقه و در جهان به خاطر مواضع سیاسی و به خاطر طرفداری از حق، با دشمن‌هایی از سوی نظام سلطه و اذتاب آن مواجه شده است. ثانیاً به لحاظ آنکه مقاومت جز ایران در کشورهای دیگری چون یمن، عراق، لبنان، کشورهای شمال آفریقا، فلسطین و... نیز در جریان است و می‌توان گفت گفتمان مقاومت به عنوان یک گفتمان فراگیر در جهان مورد اقبال قرار گرفته است و البته این موضوع بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذاشته است، به نحوی که تقویت وضعیت امنیتی هر کدام از این کشورها سبب ثبات و تقویت نظریه امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌شود. ثالثاً نقش جوانان در تقویت گفتمان و نظریه مقاومت بسیار اساسی است بر این اساس روحیه و احساس مقاومت در جوانان به عنوان عناصر مهم و مؤثر در امنیت، بایستی تقویت شود. همچنین باید رابطه میان عناصر مقاومت در کشورهای حوزه مقاومت افزایش یابد، به خصوص جوانان که بسیار تأثیرگذارتر از بقیه عناصر می‌باشند. در مجموع لازمه ایستادگی در مقابل دشمنان جهان اسلام تبیین یک نظریه کامل و جامع است که علاوه بر تأمین امنیت ملی در دو بعد داخلی و خارجی کشور، بتواند جریان مقاومت را در جهان ساماندهی نماید، لازم و ضروری است (نگاه کنید به بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۱/۲۵).

در نظریه مقاومت، امنیت در دو حوزه داخلی و خارجی مورد توجه است. برای تأمین امنیت در بعد خارجی باید امنیت جمعی متشکل از کشورهای مسلمان شکل بگیرد. گام اول شکل‌گیری این ائتلاف امنیتی امتناع از تقابل با کشورهای مسلمان برای افزایش توان جبهه اسلامی در مقابل مستکبران است. البته باید به این اصل توجه نمود که لازم است امنیت به شکل بومی باشد؛ یعنی در بعد خارجی امنیت بر اساس بوم اسلامی و شرایط منطقه و در بعد داخلی هر کدام از کشورها به‌طور مستقل نظریه خود را داشته باشند. از سوی دیگر در نظریه مقاومت، امنیت در حوزه داخلی نیز موسع و شامل مؤلفه‌های

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و محیط زیستی است که در بسترهای ذهنی و عینی محقق خواهد شد. در نظریه مقاومت، مردم جایگاه بسیار مهمی دارند و به‌عنوان نقطه اتکای امنیت محسوب می‌شوند. بر این اساس در این نظریه امنیت جامعه در گروه اعتلای مادی و معنوی جامعه است. در نظریه مقاومت، امنیت و اجرای آن در کشور بایستی سبب استمرار خدمات عمومی، پایداری زیرساخت‌های ملی، صیانت از منافع کشور، حفظ فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی و ارزش‌های اخلاقی، حراست از حریم خصوصی و آزادی‌های مشروع و سرمایه‌های مادی و معنوی در چارچوب شرع شود (نگاه کنید به بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۱۱/۲۹).

یافته‌های تحقیق

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۱	جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود به‌شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان به‌شدت حساس است.	پایبندی نظام به اصول خود و مرزبندی میان ماهیت خود و دشمنان
۲	انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربه متقابل را محکم فرود آورده است.	رویکرد دفاعی فعال و پویا و پاسخ متناسب بدون رویکرد تجاوزکارانه
۳	برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به‌جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت.	لزوم توجه به تجارب گذشتگان و آینده‌نگری در فعالیت‌ها برای جلوگیری از تهدید احتمالی در آینده
۴	مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید.	جایگاه مدیریت جهادی و اصل «ما می‌توانیم» در مدیریت‌ها
۵	... امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است.	برچیدن بساط نفوذ آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت از جریان مقاومت
۶	... و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای	حمایت از جریان مقاومت

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
	ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است.	
۷	همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آن‌ها (ظرفیت‌های طبیعی و انسانی) را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.	محوریت جوانان انقلابی و بهره‌گیری از ظرفیت طبیعی و انسانی
۸	دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است.	لزوم توجه به دانش برای کسب عزت و قدرت
۹	معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکات‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است.	معنویت و اخلاق مبنای اقدامات در کشور
۱۰	ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد.	نقش ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته در تهاجم دشمن
۱۱	اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید.	اقتصاد عامل سلطه و نفوذ
۱۲	مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه این‌ها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوان‌ها، فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است.	اقتصاد مقاومتی
۱۳	فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده چرکین کشورها و نظام‌ها است و اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آن‌ها است.	توجه به عدالت و مبارزه با فساد برای جلوگیری از بحران مشروعیت
۱۴	... تئ لاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های جبران‌ناپذیر اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است.	سبک زندگی غربی به‌عنوان یکی از نقاط تهدید

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۱۵	تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.	اقتصاد مقاومتی

تحلیل بیانیه گام دوم در حوزه امنیتی و دفاعی نشان می‌دهد رهبر معظم انقلاب نسبت به کارآمدسازی امنیت در حوزه داخلی و خارجی تأکید دارند. در این مسیر، تکیه اصلی بر روی نسل جوان است. با این وجود توجه به تجارب گذشتگان و آینده‌نگری در فعالیت‌ها برای جلوگیری از تهدید احتمالی در آینده نیز مورد توجه بوده است. انقلاب اسلامی برای حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی، باید بر اصول خود پایبند بوده و میان خود و دشمنان مرزبندی نماید؛ به عبارت دیگر هویت انقلاب اسلامی زمانی حفظ می‌گردد که علاوه بر رعایت ارزش‌های خود، نسبت به مرزبندی با دشمنان حساسیت داشته باشد. از سوی دیگر هرچند رویکرد تجاوزکارانه نسبت به سایر کشورها ندارد، اما رویکرد دفاعی فعال و پویا دارد. بر همین اساس در حوزه فراملی به دنبال برچیدن بساط نفوذ آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت از جریان مقاومت است؛ به عبارت دیگر برای کارآمدسازی حکمرانی دفاعی و امنیتی از یک‌سو با نظام سلطه مقابله می‌نماید و از سوی دیگر از جریان مقاومت حمایت می‌نماید. یکی از روش‌های مقابله با سلطه، شناخت نقش ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته در تهاجم دشمن است. در جنگ نرم دشمن بر ضد نظام اسلامی و با هدف‌گیری نفوذ در نسل جوان، فضای سایبری نقش مهمی را ایفا می‌نماید؛ بنابراین یکی از حوزه‌های جدی امنیتی و دفاعی کشور که نیازمند کارآمدسازی است، حوزه سایبری است. باید به این نکته نیز توجه نمود که سبک زندگی غربی یکی از نقاط تهدید بر ضد نظام اسلامی است؛ بنابراین به دلیل اینکه این سبک زندگی بیشتر در فضای مجازی و سایبری ترویج می‌گردد، توجه بیشتر به فضای مجازی می‌تواند به ارتقا حکمرانی دفاعی و امنیتی کمک نماید.

در حکمرانی دفاعی و امنیتی مانند سایر حوزه‌های حکمرانی، جایگاه مدیریت جهادی و اصل «ما می‌توانیم» بسیار نقش مهمی را ایفا می‌نماید که با حضور نسل جوان انقلابی این مهم می‌تواند به خوبی محقق گردد. این حکمرانی بدون به‌کارگیری دانش و پیشرفت در حوزه فناوری و علمی ممکن نخواهد بود. البته نقطه تمایز تمدن اسلامی با تمدن غرب در قرار گرفتن معنویت و اخلاق به‌عنوان مبنای اقدامات است.

رهبر معظم انقلاب همان‌طور که چند سالی است بر حوزه اقتصاد تأکید ویژه‌ای دارند، در بیانیه گام دوم نیز بر این حوزه تمرکز خاصی داشته‌اند. در نگاه اول، اقتصاد شاید به صورت مستقیم، یک حوزه امنیتی و دفاعی نیست اما از جهات مختلف به‌ویژه از این منظر که اقتصاد می‌تواند عامل سلطه و نفوذ بیگانگان بر مقدرات کشور باشد، حوزه اقتصاد پیوند مستحکمی با امنیت دارد. بر این اساس ارتقا حکمرانی دفاعی و امنیتی کشور به‌شدت از حوزه ارتقا وضعیت اقتصادی متأثر خواهد بود. با این مبنا تأکید رهبر معظم انقلاب بر اقتصاد مقاومتی و عدالت و مبارزه با فساد بخشی از پازل ارتقا حکمرانی دفاعی امنیتی خواهد بود و این امر محقق نخواهد شد مگر اینکه مشارکت گسترده مردمی در عرصه مختلف همراه با تحلیل سیاسی شکل بگیرد.

در مجموع از میان محورهای استخراج‌شده، سه محور توجه به جوانان، حمایت از جریان مقاومت و اقتصاد مقاومتی از سایر محورها تکرار بیشتری داشته‌اند و می‌توان گفت توجه به این سه محور می‌تواند به تسهیل روند ارتقا حکمرانی از جهات مختلف یاری رساند.

نتیجه‌گیری

حرکت کشور به‌سوی تمدن نوین اسلامی به پیشرفت و کارآمدسازی حوزه‌های مختلف نظام سیاسی بستگی دارد. حوزه امنیت و دفاع به دلیل اثرگذاری بر سایر حوزه‌های پیشرفت و کارآمدی نظام سیاسی از یک‌سو و پیچیدگی وضعیت امنیتی کشور در حوزه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی دیگر، از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. بیانیه گام دوم انقلاب به‌عنوان مبنای حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی، دارای دلالت‌هایی است

— دلالت‌های سیاست‌گذارانه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در خصوص ارتقای کارآمدی حکمرانی دفاعی - امنیتی کشور / ۳۱۹

که بر اساس آن می‌توان به کارآمدسازی دفاعی و امنیتی کشور دست زد. با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان پیشنهادات و توصیه‌های زیر را برای خصوص ارتقای کارآمدی دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران ارائه نمود.

توجه ویژه بر اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک مؤلفه امنیت‌زا و پیشرفت‌زا؛

برنامه‌ریزی مسئولین کشور برای تقویت نقش نسل جوان در عرصه مدیریت کشور

به‌ویژه مدیریت امنیتی و دفاعی؛

به‌کارگیری نیروهای معتقد به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی در مناصب مختلف

کشور به‌ویژه مناصب امنیتی و دفاعی؛

ثبت تجربیات مدیران و مسئولین در حوزه امنیتی و دفاعی برای بهره‌گیری از آن در

سیاست‌گذاری امنیتی و دفاعی کشور؛

تبدیل نمودن مدیریت جهادی و اصل «ما می‌توانیم» به‌عنوان عرف ذهنی جامعه و

مدیران؛

بهره‌گیری از فرصت جایگاه ایران در غرب آسیا و کاهش نفوذ آمریکا در این منطقه

جهت گسترش حوزه نفوذ جمهوری اسلامی ایران؛

تداوم حمایت از جریان مقاومت؛

توجه ویژه به دانش و فناوری به‌عنوان بستر تولید امنیت و افزایش اقتدار نظام؛

توجه به مقوله معنویت و اخلاق در سیاست‌گذاری‌ها کشور؛

برنامه‌ریزی ویژه بر حوزه فضای مجازی و سایبری؛

تداوم توجه به عدالت و مبارزه با فساد در برنامه‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌ها به‌ویژه

کاهش احساس بی‌عدالتی و فساد در جامعه؛

مقابله هوشمندانه با ترویج سبک زندگی غربی و ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی

از طریق کار تمیز فرهنگی؛

افزایش مشارکت و نقش‌آفرینی مردم در عرصه مختلف همراه با تقویت تحلیل سیاسی

آن‌ها به‌عنوان علت موجه و بقا انقلاب اسلامی.

منابع

۱. افتخاری، اصغر و باباهادی، محمدباقر (۱۳۹۷) «راهبردها و سیاست‌های ارتقای کارآمدی نظام اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره ۹۰، ص ۳۳-۵.

۲. ماندل، رابرت (۱۳۹۶) چهره متغییر امنیت ملی، تهران: مطالعات راهبردی.

۳. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۴. عابدی جعفری، حسن و دیگران (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، شماره ۲.

5. Braun, v. & Clarke,v. 2006 Using thematic analysis in psychology. Qualitative Reasech in psychology, Vol103, No.2, PP.77-101

حکمرانی مطلوب و بهبود فضای کسب و کار

مهدی غضنفری

سید علیرضا شجاعی

چکیده

شاخص‌ها در سطح ملی و فراملی برای ارزیابی عملکرد و پیش‌بینی و تدوین سناریوهای آینده و نیز به‌عنوان علائم هشداردهنده، ازجمله مهم‌ترین، ضروری‌ترین و مفیدترین ابزارها و روش‌ها برای حکمرانی مطلوب به شمار می‌روند. در این مقاله دو شاخص «حکمرانی خوب» و «سهولت کسب‌وکار» مورد بررسی قرار گرفته و ابتدا به معرفی مختصر و وضعیت آن‌ها در ایران پرداخته شده و سپس با هدف دستیابی به چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، ظرفیت و امکان ارتقای جهشی رتبه بهبود فضای کسب‌وکار ایران با بررسی تطبیقی آمارهای کشورهای منطقه مورد توجه قرار گرفته است. نتیجه این پژوهش نشان داد حداکثر جهش رتبه‌ای طی چند سال اخیر در منطقه مربوط به ازبکستان با ارتقای ۶۷ رتبه می‌باشد و با این فرض، ایران تا سال ۱۴۰۱ هجری شمسی، می‌تواند از رتبه ۱۲۴ به رتبه‌های ۵۷ تا ۶۰ جهانی و ۷ تا ۱۰ منطقه -کشورهای آذربایجان و ترکیه- برسد. در این زمینه به ترتیب سه مؤلفه «کیفیت مقرراتی (نظارتی)»، «کنترل فساد» و «اثربخشی دولت» در شاخص حکمرانی خوب و سه مؤلفه «حمایت از سرمایه‌گذاران خرد»، «ورشکستگی و پرداخت دیون» و «سهولت پرداخت مالیات» در شاخص سهولت کسب‌وکار باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. در پایان با مدل تعاملی دو شاخص مذکور برای نخستین بار، راهبردهایی برای ارتقای هر شش مؤلفه فوق در قالب یک ماتریس ارائه و برنامه‌هایی که در نهایت منجر به حکمرانی مطلوب توأمان با بهبود فضای کسب‌وکار در مسیر چشم‌انداز کشور، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و رونق تولید شود، پیشنهاد شده است.

کلیدواژه: مقررات، فساد، دولت، سرمایه‌گذار، ورشکستگی، مالیات.

مقدمه

یکی از محورهایی که بر فضای کسب و کار در بعد کلان تأثیرگذار می‌باشد حکمرانی^۱ مطلوب است. محیط فعالیت اقتصادی دارای تأثیرات چشمگیر بر موفقیت واحدهای تولیدی در خلق ثروت و کسب سود است. دولت به‌عنوان حکمران و سیاست‌گذار کلان در حوزه‌های مختلف، نقش اساسی در فراهم‌سازی محیط مساعد کسب و کار و حمایت از بنگاه‌ها دارد.

در یک محیط مساعد اقتصادی، بنگاه‌های کارآمد بخش خصوصی ضمن خلق ثروت و تأمین مالی دولت از طریق پرداخت مالیات بیشتر، می‌توانند دولت را در سایر اهداف کلان از جمله اشتغال‌زایی، خودکفایی و پیشرفت اقتصادی نیز یاری نمایند. دو شاخص مهم جهانی ارزیابی محیط فعالیت اقتصادی در جهان را می‌توان شاخص‌های «فضای کسب و کار^۲» و «حکمرانی خوب^۳» برشمرد که هر یک به اختصار معرفی و آخرین گزارش آن‌ها ارائه شده است.

تعاریف و مبانی نظری

حکمرانی خوب

نظریه حکمرانی خوب از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی، مورد استقبال قرار گرفت. الگوی دولت حداقل با افزایش شدید بحران‌های مالی همراه بوده است که هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه و اقتصاد جهانی تحمیل کرده است. طی دودهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، نابرابری میان کشورها افزایش یافته و در اکثر کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق اجرای این الگوی سیاست‌گذاری به افزایش شدید فقر و نابرابری و تورم منجر گردیده است. این پیامدها موجب رویگردانی از الگوی دولت حداقل و استقبال از الگوی حکمرانی خوب شده است. کاهش مداخله دولت، لزوماً عملکرد بهتر وضعیت اقتصادی را به ارمغان نمی‌آورد. برای دستیابی به توسعه، نقاط ضعف دولت و راه‌های

1 Governance

2 Doing Business index

3 Good Governance

کاهش آن باید در کانون سیاست‌ها قرار گیرد. اعمال حکمرانی بهتر نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌ها است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است؛ با این وجود، افزایش رقابت در حوزه سیاسی و اقتصادی و همچنین پاسخگویی بیشتر دولت، دو راهبرد اصلی حکمرانی خوب است!^۱

مک‌گریگور^۲ (۱۹۹۳ م) حکمرانی را به‌کارگیری قدرت و اختیارات در جهتی که متعهد به انجام کنش‌های سیاسی و تصمیمات مدیریتی است، تعریف می‌کند. لین و همکاران^۳ (۱۹۹۹ م) حکمرانی را به‌عنوان رژیم‌های قانون^۴، اصول اجرایی، محاکم قضایی و رویه‌هایی که برای فعالیت‌های دولت، توانمندی و یا محدودیت ایجاد می‌کند، می‌دانند.

تعاریف مختلفی برای حکمرانی ارائه شده که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود: شیوه‌ای است که در آن قدرت برای مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور در راستای توسعه صرف می‌شود (گزارش «حکمرانی و توسعه»، ۱۹۹۲، بانک جهانی).

سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی که به‌واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا در می‌آورند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند (یونسکو، ۲۰۰۲).

حکمرانی خوب در بستر مساعد محیط سیاسی و نهادی که به حقوق بشر، اصول دموکراتیک و حاکمیت قانون ارجح می‌نهد، عبارت است از مدیریت شفاف و پاسخگویی افراد بشر، طبیعت، منابع اقتصادی و مالی به‌منظور توسعه منصفانه و پایدار (وزارت فدرال اروپا).

موضوع حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌شود که همه این‌ها با حکمرانی خوب امکان تحقق می‌یابد. در

۱ میدری احمد، مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب، نشریه رفاه اجتماعی، پاییز ۱۳۸۵، دوره ۶، شماره ۲۲، از صفحه ۲۶۱ تا ۲۸۷

2 McGregor

3 Lynn et al

4 Regimes of Laws

حکمرانی خوب شراکت بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در انجام فعالیت‌ها وجود دارد که گاهی فراتر از مشارکت است.

فضای کسب و کار

کسب و کار: هر نوع فعالیت تکرارشونده اقتصادی از قبیل تولید، خرید و فروش کالا و خدمات به قصد کسب منافع اقتصادی.

فضای کسب و کار: منظور از فضای کسب و کار، عوامل مؤثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی مانند کیفیت دستگاه‌های حاکمیت، ثبات قوانین و مقررات، کیفیت زیرساخت‌ها و ... است که تغییر دادن آن‌ها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه‌های اقتصادی است (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷).

فضای کسب و کار مجموعه عواملی است که بر شکل‌گیری، تداوم و عملکرد بنگاه تأثیرگذار هستند و تغییر آن‌ها برای مدیران بنگاه‌های اقتصادی بسیار پرهزینه و یا غیر ممکن می‌باشد. محیط کسب و کار محل تبادل و تأمین داده‌ها و ستاده‌های کار و فعالیت بنگاه‌های اقتصادی است و از این رو، نقش سرنوشت‌سازی در حیات و بقای سازمان‌ها و شرکت‌ها (بنگاه‌های اقتصادی) طی دوره عمر آن‌ها بر عهده دارد.

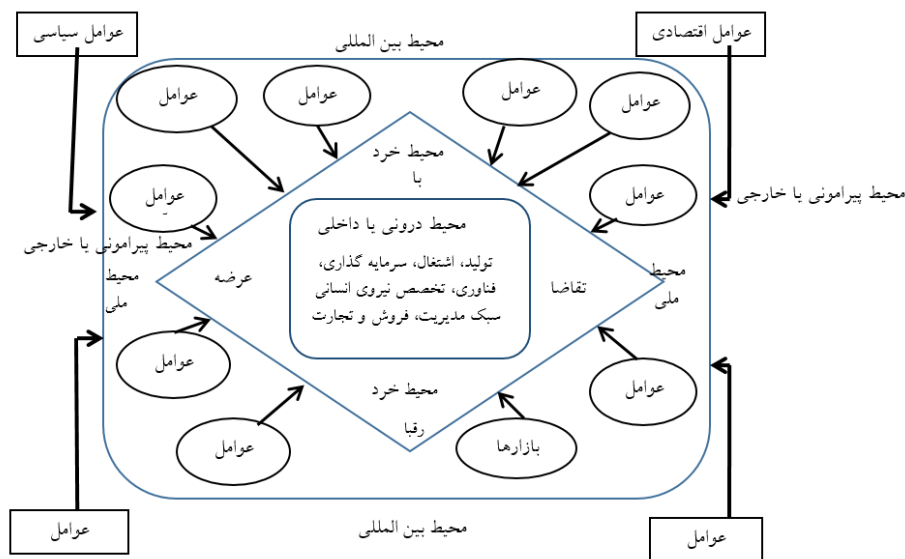
طبق تعریف یونیدو (۲۰۰۸ م)، محیط کسب و کار به مفهوم مجموعه قوانینی است که بر هزینه شرکت‌ها تأثیر دارد؛ مانند هزینه مجوزها، تشریفات اداری، مالیات، هزینه‌های نیروی کار و غیره.

مطابق با تعریف شده توسط OECD در سال ۲۰۰۸ میلادی، محیط کسب و کار مجموعه‌ای از سیاست‌ها، شرایط حقوقی، نهادی و قانونی حاکم بر فعالیت‌های کسب و کار است.

محیط کسب و کار شامل زیرساخت‌های اقتصادی، قوانین و مقررات، کیفیت نظام قضایی و غیره است که بر عملکرد شرکت‌ها تأثیر مستقیم دارند، ولی تغییر دادن آن‌ها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران شرکت‌ها و کسب و کارها است (اتاق بازرگانی، ۱۳۸۸).

بر اساس بند ج ماده (۱) قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۶، محیط کسب و کار عبارت است از «مجموعه عوامل مؤثر در اداره یا عملکرد بنگاه‌های تولیدی که خارج از کنترل مدیران آنها می‌باشند». فضای کسب و کار به مجموعه عواملی اطلاق می‌شود که در بیرون از بنگاه وجود دارد و بر عملکرد بنگاه اثری تعیین‌کننده می‌گذارد. بخش مهمی از فضای اقتصادی و حقوقی پیرامون بنگاه‌های اقتصادی متأثر از عملکرد دولت و تعریف نقش دولت در شکل‌دهی روابط اقتصادی است. دخالت‌های ناروای دولت در تنظیم رفتار آحاد اقتصادی، نه تنها به بهبود در تخصیص منابع منجر نمی‌شود بلکه کاهش کارایی را به همراه خواهد آورد. به‌طور کلی فضای کسب و کار به آن دسته از عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی گفته می‌شود که مدیران بنگاه‌ها نمی‌توانند آن‌ها را تغییر داده یا بهبود بخشند (اشرفی و فهیمی فر، ۱۳۹۱).

بهبود فضای کسب و کار: ارتقای شاخص‌های کسب و کار نسبت به گذشته در راستای انجام بهتر فعالیت بنگاه‌ها. شکل شماره ۱ مدل تحلیل محیط کسب و کار را نشان می‌دهد.



منبع: گزارش دفتر مطالعات اقتصادی و امور کسب و کار وزارت صنعت، معدن و تجارت- ۱۳۹۲

شکل شماره ۱- مدل مفهومی تحلیل محیط کسب و کار

اهمیت و ضرورت تحقیق

بهبود فضای کسب و کار همیشه به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی در اقتصاد مطرح بوده؛ اما تحقق این امر همیشه در اما و اگرها بوده است. این موضوع از چند نظر حائز اهمیت راهبردی است:

تأکید مقام معظم رهبری بر موضوع:

«آنچه که من از مجموع این مطالب احساس می‌کنم، دو کار را دستگاه‌های دولتی مورد توقع هست که انجام بدهند: یکی، مدیریت دقیق و عالمانه منابع است. ... نکته دوم، بهبود فضای کسب و کار است که از جمله کارهایی که به نظر ما عمده وظیفه دولت هست، همین هست. وزیر محترم در گزارششان اشاره کردند به بهبود فضای کسب و کار. بهبود فضای کسب و کار، بیشتر وظیفه دولت است. همین مسئله مقررات، تسهیلات گوناگون، پیچ و خم‌های اداری فراوان، این‌ها همه، چیزهایی است که اگر چنانچه اصلاح بشود، بهبود فضای کسب و کار که یکی از مسائل عمده اقتصادی ماست، حاصل خواهد شد. همین پنجره یک واحد- یک پنجره برای کارها که ایشان ذکر کردند- همین یک کار، اگر انجام بگیرد، به نظر من بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. این مربوط به بخش دولتی است که بخش مهم است. وظیفه دولت، تکلیف دولت، به نظر من به‌طور عمده این‌هاست؛ البته مسئولین وظایف فراوانی دارند، لکن پایه و مایه آن‌طور که انسان از مجموع گزارش‌ها و مجموع حرف‌ها استفاده می‌کند، این دو چیز است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور- ۱۳۸۹/۰۶/۱۶).

در بهبود فضای کسب و کار بایستی حتماً تلاش بشود؛ با قوانین لازم، با روش‌ها و رویه‌های لازم (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی- ۱۳۹۸/۰۱/۰۱). ایشان «وابستگی به نفت و خام‌فروشی»، «مداخلات غیر لازم دستگاه‌های حکومتی در مسائل اقتصادی و عدم اجرای مناسب سیاست‌های اصل ۴۴» و «تخریب فضای کسب و کار و قوانین دست‌وپاگیر» را از جمله بیماری‌های مزمن اقتصاد کشور برشمردند (دیدار مسئولان نظام با رهبر معظم انقلاب- ۱۳۹۸/۰۲/۲۴).

یک مسئله سوم که آن هم جزو چیزهای اساسی است، مسئله فضای کسب و کار و افزایش سهولت کسب و کار است که قبلاً اشاره کردم؛ یعنی واقعاً این قدر مقررات گوناگون و متناقض در این دستگاه، آن دستگاه [وجود دارد که] تولید مشکل می‌شود. ما این را دو سه مرتبه تا حالا در جلسات مسئولین دولتی هم مطرح کرده‌ایم، از آن‌ها خواسته‌ایم؛ خوب به اندازه لازم همت نشده. من خواهش می‌کنم این قضیه را خیلی جدی بگیرید (دیدار مسئولان نظام با رهبر معظم انقلاب - ۱۳۹۸/۰۲/۲۴).

ایشان در مسائل اقتصادی، چند موضوع را دارای اهمیت مضاعف برشمردند و گفتند: «رونق تولید»، «ارزش پول ملی»، «بهبود فضای کسب و کار»، «جدا کردن بودجه و اقتصاد کشور از خام‌فروشی نفت»، «تبدیل دخالت دولت در اقتصاد به هدایت و نظارت دولت» و «بریدن دست مفسدان اقتصادی یعنی اختلاس‌گران، دزدان، تروریست‌های اقتصادی و قاچاقچیان بی‌رحم از اقتصاد کشور» از جمله مسائل اصلی است که باید مسئولان متفکراً بر روی آن‌ها متمرکز شوند و از حواشی و مسائل فرعی بپرهیزند (سخنرانی مقام معظم رهبری در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

تصویب قانون نوزده ماده‌ای بهبود فضای کسب و کار در ماه‌های پایانی سال ۹۰ و تأیید آن توسط شورای نگهبان.

گزارش‌های سالانه بانک جهانی موسوم به «گزارش فضای کسب و کار» که به بررسی سهولت فعالیت‌های اقتصادی و فضای کسب و کار کشورهای جهان می‌پردازد. شاخص فضای کسب و کار بر اساس ۱۰ زیرشاخص، آغاز کسب و کار، دریافت مجوز ساخت و ساز، هزینه دریافت اشتراک برق توسط شرکت‌ها، ثبت دارایی‌ها، کسب اعتبارات یا دریافت وام، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت کالا در جهان، سهولت اجرای قراردادهای و ورشکستگی و تعطیلی شرکت‌ها محاسبه می‌شود. این شاخص نشان‌دهنده سهولت و مناسب بودن هر کشور برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و تجاری است. همان‌گونه که در مقدمه بیان گردید وضعیت و رتبه ایران در این گونه گزارش‌های بین‌المللی بسیار نامناسب است.

ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و تأکیدات متعدد مقام معظم رهبری به پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهکار بهبود اقتصاد ایران و مقابله با مانع‌تراشی‌های دشمن.

«کلید رونق اقتصادی که مورد تأکید رئیس‌جمهور محترم نیز است، مسئله تولید است. باید با استفاده از ظرفیت‌های فراوان داخلی، تولید را به حرکت درآورد تا رونق اقتصادی و افزایش صادرات غیر نفتی محقق شود. دولت باید بسته سیاست‌های اقتصادی خود را با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تطبیق دهد و مواردی را که غیر منطبق با این سیاست‌ها است، حذف کند. ایشان، تثبیت قیمت ارز و کنترل تورم را از اقدامات باارزش دولت در یک سال گذشته برشمردند و افزودند: نباید به این اقدامات بسنده کرد؛ زیرا این موارد، قدم‌های اول هستند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت - ۱۳۹۳/۰۶/۰۵).

ارتباط بهبود فضای کسب و کار با استحکام ساخت درونی و اقتصاد مقاومتی.

ناکارآمدی ناشی از سیاست‌گذاری عمومی دولتی^۱.

موارد شش‌گانه مذکور بیانگر آن است که برای بهبود فضای کسب و کار در ایران به‌ویژه در جهت تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیاز به اقدامات راهبردی و طراحی یک الگوی مناسب راهبردی می‌باشد.

پیشینه تحقیق

هرچند در زمینه شاخص انجام کسب و کار به‌ویژه بررسی آمارهای آن و جایگاه ایران مقالات متعددی ارائه شده و البته کمتر از آن در خصوص حکمرانی و حکمرانی خوب و هرچند برخی پژوهشگران تلاش نموده‌اند تا این شاخص‌ها را به موضوعاتی از جمله رقابت‌پذیری، رشد اقتصادی و امثالهم ارتباط دهند لیکن در بررسی‌های نویسندگان، با رویکرد این مقاله، پژوهشی علمی یافت نشد و تنها یک مورد مقاله گزارشی با عنوان «شاخص‌های حکمرانی خوب و ارتباط آن با سهولت انجام کسب و کار» در سال ۱۳۹۶ هجری شمسی، به ارتباط این دو شاخص آن هم به صورت کلی پرداخته و نتیجه گرفته

1 Public policy

شده که ارتباط معنادار بین مؤلفه‌های حکمرانی خوب و سهولت انجام کسب‌وکار وجود دارد که با کاری که در این مقاله صورت گرفته مشابهت چندانی ندارد. نوآوری مقاله نیز به همین جهت است.

روش تحقیق

نوع تحقیق، کاربردی- توسعه‌ای است. این مقاله بر پایه منابع کتابخانه‌ای در زمینه‌های حکمرانی خوب و فضای کسب‌وکار تدوین و با استفاده از روش اسنادی و توصیفی- تحلیلی انجام شده است.

مؤلفه‌های حکمرانی خوب و وضعیت ایران

ضرورت و اهمیت شاخص‌ها در سطوح کلان و ملی برای حکمرانی مطلوب بر کسی پوشیده نیست. شاخص‌ها را باید از جمله سودمندترین ابزارهای مورد استفاده در جهت ارزیابی عملکرد و پیش‌بینی آینده و همچنین علائم هشداردهنده دانست.

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ نشان داده شده حکمرانی خوب دارای شش مؤلفه است. شاخص حکمرانی خوب بر مبنای توزیع نرمال استاندارد محاسبه شده و تقریباً در بازه ± 2.5 قرار دارد. این شاخص نشان‌دهنده میزان کارایی مدیریت کلان در اداره جامعه اقتصادی کشور بوده و هرچه عدد آن بالاتر باشد نشان‌دهنده حکمرانی خوب‌تر است. بر اساس گزارش بانک جهانی، در سال ۲۰۱۸ میلادی، تمام زیرشاخص‌های حکمرانی خوب در کشور منفی بوده است. این امر لزوم توجه بیشتر به مدیریت کلان اقتصادی کشور را به‌خوبی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- مؤلفه‌های حکمرانی خوب و وضعیت ایران در بازه ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ بر اساس گزارش

۲۰۱۹ بانک جهانی

۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	مؤلفه	
-۱.۳۲	-۱.۳۰	-۱.۳۴	-۱.۵۱	Voice and Accountability	پاسخگویی
-۱.۳۱	-۰.۹۳	-۰.۸۱	-۰.۹۳	Political Stability and Absence of Violence/Terrorism	ثبات سیاسی و فقدان خشونت / تروریسم
-۰.۴۳	-۰.۲۰	-۰.۱۹	-۰.۲۱	Government Effectiveness	اثربخشی دولت
-۱.۳۰	-۱.۲۰	-۱.۲۳	-۱.۳۱	Regulatory Quality	کیفیت مقررات (نظارتی)
-۰.۶۹	-۰.۶۸	-۰.۶۸	-۰.۹۲	Rule of Law	حاکمیت قانون
-۰.۹۶	-۰.۸۱	-۰.۷۱	-۰.۶۰	Control of Corruption	کنترل فساد

وضعیت فضای کسب و کار در ایران

گزارش بانک جهانی

مقایسه کشورها با یکدیگر، روش مناسبی برای حکمرانان و سیاست‌گذاران حوزه قوانین و مقررات است. گزارش‌های سالانه «انجام کسب و کار»^۱ به رتبه‌بندی کشورها از منظر سهولت فضای کسب و کار و سهولت قوانین و مقررات در طول چرخه عمر کسب و کارهای صنایع کوچک تا متوسط می‌پردازد. بانک جهانی همه‌ساله از سال ۲۰۰۴ میلادی، تاکنون این گزارش را ارائه می‌کند. هرچند رتبه‌بندی فضای کسب و کار و شاخص‌های اصلی، تمامی جوانب فضای کسب و کار و همچنین رقابت‌پذیری کشورها را که برای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران مهم است، اندازه‌گیری نمی‌کند؛ با این حال، رتبه بالا در این شاخص به منزله آن است که حکمرانی و دولت فضای مناسبی را برای انجام کسب و کار مهیا کرده است. البته روش‌شناسی این گزارش به محدودیت‌هایی نیز دچار است. از جمله آنکه برخی از حوزه‌های مهم مربوط به صنعت از قبیل نزدیکی کشورها به بازارهای بزرگ، کیفیت خدمات زیرساختی (غیر از موارد مربوط به تجارت بین‌المللی و اشتراک برق)، امنیت دارایی در برابر دزدی و چپاول، شفافیت در تدارکات دولتی، شرایط کلان اقتصادی

یا توانمندی نهادها، در این شاخص بررسی نشده‌اند. این شاخص به بررسی نوع خاصی از کسب‌وکار می‌پردازد که عموماً شرکت‌هایی با مسئولیت محدود را در برمی‌گیرد که در بزرگ‌ترین شهر کسب‌وکاری کشور قرار گرفته‌اند. از آنجایی که جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مفروضات استاندارد انجام شده، مقایسه و الگوبرداری از کشورها معتبر است. داده‌های این گزارش نه تنها موانع کسب‌وکار را نشان می‌دهد، بلکه منشأ این موانع را هم مشخص کرده است، لذا کمک شایانی برای حاکمیت در زمینه اصلاح قوانین و مقررات محسوب می‌شود. در جدول شماره ۲ مؤلفه‌ها و شاخص‌های سهولت کسب‌وکار نشان داده شده است.

جدول شماره ۲- مؤلفه‌ها و شاخص‌های تأثیرگذار در رتبه فضای کسب‌وکار

ردیف	اجزای شاخص سهولت کسب‌وکار	آنچه که مورد سنجش قرار می‌گیرد
۱	شروع کسب‌وکار Starting a business	رویه‌ها، زمان، هزینه و حداقل سرمایه پرداخت شده برای شروع فعالیت یک شرکت با مسئولیت محدود
۲	شرایط و مقررات اخذ مجوز ساخت Dealing with construction permits	رویه‌ها، زمان، هزینه صرف شده برای ساخت یک انبار، کنترل کیفیت و مکانیزم ایمنی در ساخت و ساز
۳	دسترسی به برق Getting electricity	رویه‌ها، زمان و هزینه اتصال به شبکه برق، میزان اطمینان از عرضه برق و میزان شفافیت نرخ تعرفه
۴	ثبت مالکیت Registering property	رویه‌ها، زمان و هزینه انتقال اموال و کیفیت سیستم مدیریت اراضی
۵	اخذ اعتبارات Getting credit	قوانین وثیقه منقول و سیستم اطلاعات اعتباری
۶	حمایت از سرمایه‌گذاران خرد Protecting minority investors	حقوق سهام‌داران جزء در معاملات با اشخاص وابسته و حاکمیت شرکتی
۷	سهولت پرداخت مالیات Paying taxes	پرداخت‌ها، زمان و نرخ کل مالیات قابل پرداخت یک شرکت طبق مقررات مالیاتی و همچنین فرآیندهای مربوطه
۸	تجارت فرامرزی Trading across borders	زمان و هزینه صادرات محصول با مزیت نسبی و واردات قطعات خودرو
۹	اجرای قراردادها Enforcing contracts	زمان، هزینه حل و فصل اختلاف تجاری و کیفیت فرآیندهای قضایی

۱۰	ورشکستگی و پرداخت دیون Resolving insolvency	زمان، هزینه، نتیجه و نرخ بازیافت برای یک بدهی معوقه و قدرت چارچوب حقوقی برای حل و فصل آن
----	--	--

بر این مبنا، همان‌گونه که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد در گزارش سال ۲۰۱۸ میلادی، ایران با ۴ رتبه تنزل نسبت به گزارش سال ۲۰۱۷ میلادی، در رتبه ۱۲۴ از میان ۱۹۰ کشور قرار گرفته است.

جدول شماره ۳- بررسی روند رتبه فضای کسب و کار ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ میلادی

تعداد کشورها	رتبه	ایران
۱۳۳	۱۰۸	۲۰۰۵
۱۵۵	۱۱۹	۲۰۰۶
۱۷۵	۱۳۱	۲۰۰۷
۱۷۸	۱۳۵	۲۰۰۸
۱۸۱	۱۴۲	۲۰۰۹
۱۸۳	۱۲۹	۲۰۱۰
۱۸۳	۱۴۰	۲۰۱۱
۱۸۳	۱۴۴	۲۰۱۲
۱۸۵	۱۴۵	۲۰۱۳
۱۸۹	۱۵۲	۲۰۱۴
۱۸۹	۱۳۰	۲۰۱۵
۱۹۰	۱۱۷	۲۰۱۶
۱۹۰	۱۲۰	۲۰۱۷
۱۹۰	۱۲۴	۲۰۱۸

ایران در گزارش سال ۲۰۱۸ میلادی- جدول شماره ۴- در زیرشاخص «شرایط و مقررات اخذ مجوز ساخت» با کسب رتبه ۲۵، بهترین رتبه را در میان زیرشاخص‌های ده‌گانه مربوط به خود دارا می‌باشد. همچنین ارتقای ۱۱ پله‌ای در رتبه «اخذ اعتبارات» داشته است. این در حالی است که تنها اصلاح ثبت‌شده در گزارش سال ۲۰۱۷ میلادی،

برای ایران بهبود و توسعه پنجره واحد تجاری است که تبعات آن در کاهش اندک زمان صادرات و واردات قابل مشاهده است و رتبه ایران را در نماگر تجارت فرامرزی در سال ۲۰۱۸ میلادی، به ۱۶۶ ارتقا داده است. هرچند پیشرفت‌های گسترده‌تر سایر کشورها را نیز نباید نادیده گرفت. بررسی گزارش‌های سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ میلادی، بانک جهانی نشان می‌دهد در این دوره تنها سه مورد اصلاح در گزارش‌های انجام کسب‌وکار برای ایران ثبت شده و بخش عمده تغییر رتبه ایران در این سال‌ها، به دلیل بازنگری در داده‌ها اتفاق افتاده است.

جدول شماره ۴- بررسی رتبه جهانی زیرشاخص‌های تأثیرگذار در رتبه فضای کسب‌وکار ایران طی

سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ میلادی

سال	سال	سال	سال	سال	سال	سال	سهولت کسب‌وکار و زیرشاخص‌های آن	ردیف
۲۰۱۸ میلادی	۲۰۱۷ میلادی	۲۰۱۶ میلادی	۲۰۱۵ میلادی	۲۰۱۴ میلادی	۲۰۱۳ میلادی	۲۰۱۲ میلادی		
۱۹۰	۱۹۰	۱۹۰	۱۸۹	۱۸۹	۱۸۵	۱۸۳		
کشور	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور		
97	102	97	62	107	87	53	شروع کسب‌وکار	۱
25	27	27	172	169	166	164	شرایط و مقررات اخذ مجوز ساخت	۲
99	94	90	107	169	163	162	دسترسی به برق	۳
87	86	85	161	168	165	163	ثبت مالکیت	۴
90	101	97	89	86	83	98	اخذ اعتبارات	۵
170	165	166	154	147	150	166	حمایت از سرمایه‌گذاران خرد	۶
150	100	99	124	139	129	126	سهولت پرداخت مالیات	۷
166	170	171	148	153	143	138	تجارت فرامرزی	۸
80	70	69	66	51	53	50	اجرای قراردادهای	۹
160	156	155	138	129	126	118	ورشکستگی و پرداخت دیون	۱۰
124	120	117	130	152	145	144	رتبه ایران در شاخص سهولت کسب‌وکار	

جایگاه منطقه‌ای ایران در میان کشورهای موضوع سند چشم‌انداز در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود. این جایگاه در سال ۲۰۱۸ میلادی، نسبت به سال ۲۰۱۷ میلادی، تنزل

داشته و در رتبه نامناسب ۱۷ از میان ۲۳ کشور قرار دارد. تنها ۶ کشور مصر، لبنان، پاکستان، عراق، افغانستان و یمن پس از ایران قرار گرفته‌اند. این امر نشان می‌دهد که به منظور ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران، به اصلاحات بیشتری در زمینه فضای کسب و کار نیاز است.

جدول شماره ۵- جایگاه منطقه‌ای ایران در میان کشورهای موضوع سند چشم‌انداز در رتبه فضای

کسب و کار ایران

ردیف	کشورهای منطقه	سال ۲۰۱۵ میلادی	سال ۲۰۱۶ میلادی	سال ۲۰۱۷ میلادی	سال ۲۰۱۸ میلادی
		۱۸۹ کشور	۱۹۰ کشور	۱۹۰ کشور	۱۹۰ کشور
1	گرجستان	15	23	۱۶	۹
2	امارات	22	34	۲۶	۲۱
3	قزاقستان	77	51	۳۵	۳۶
4	ارمنستان	45	43	۳۸	۴۷
5	رژیم اشغالگر قدس	40	49	52	۵۴
6	آذربایجان	80	61	65	۵۷
7	ترکیه	55	63	69	۶۰
8	بحرین	53	66	63	۶۶
9	عمان	66	69	66	۷۱
10	ازبکستان	141	82	87	۷۴
11	قرقیزستان	102	73	75	۷۷
12	قطر	50	74	83	۸۳
13	عربستان	49	96	94	۹۲
14	کویت	86	98	102	۹۶
15	اردن	117	119	118	۱۰۳
16	تاجیکستان	166	130	128	۱۲۳
17	ایران	۱۳۰	۱۱۷	۱۲۰	۱۲۴

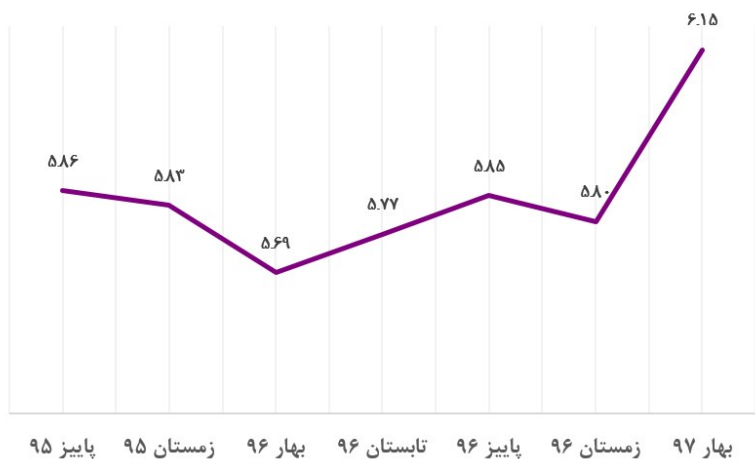
گزارش اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران

گزارش مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اتاق ایران از نتایج پایش ملی محیط کسب و کار در جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که این شاخص در بهار سال ۱۳۹۷ هجری شمسی نسبت به زمستان سال ۱۳۹۶ هجری شمسی، وضعیت بدتری داشته است به این مفهوم که فضای کسب و کار برای فعالان اقتصادی نامساعدتر شده است. در اجرای طرح پایش در فصل بهار ۱۳۹۷ هجری شمسی، ۲۶۵۰ نمونه (فعال اقتصادی) با بیش از ۶۶ درصد مشارکت به پرسش‌های این طرح پاسخ دادند که بیشترین میزان مشارکت از ابتدای اجرای طرح پایش در اتاق ایران است. با این حال این میزان مشارکت کماکان کمتر از حد نصاب مورد نظر برای تعمیم نتایج در سطح استانی و فعالیت با دقت قابل قبول است. طبق نمودار شماره ۱ بر اساس نتایج حاصل از پایش ملی محیط کسب و کار ایران در بهار ۱۳۹۷ هجری شمسی، رقم شاخص ملی، ۶.۱۵ (نمره بدترین ارزیابی ۱۰ است) محاسبه شده که به مراتب بدتر از وضعیت این شاخص نسبت به ارزیابی فصل گذشته (زمستان ۱۳۹۶ هجری شمسی، با میانگین ۵.۸۰) است. همچنین این ارزیابی بیانگر آن است که از دید فعالان اقتصادی مشارکت‌کننده در این پایش، در اکثر استان‌ها، وضعیت بیشتر مؤلفه‌های مؤثر بر محیط کسب و کار ایران در بهار ۱۳۹۷ هجری شمسی، به طور قابل توجهی نامساعدتر شده است.

جدول شماره ۶- روند شاخص ملی محیط کسب و کار در ایران

شاخص ملی محیط کسب و کار - میانگین کل								
%درصد تغییرات فصل بهار نسبت به فصل مشابه سال گذشته		بهار	زمستان	پاییز	تابستان	بهار	زمستان	پاییز
فصل گذشته	فصل مشابه سال گذشته	97	96	96	96	96	95	95
8/10	6/13	6/15	5/80	5/85	5/77	5/69	5/83	5/86

*: مثبت بودن درصد تغییرات به معنای بدتر شدن وضعیت نسبت به فصل گذشته است.



نمودار شماره ۱- روند شاخص ملی محیط کسب و کار در ایران

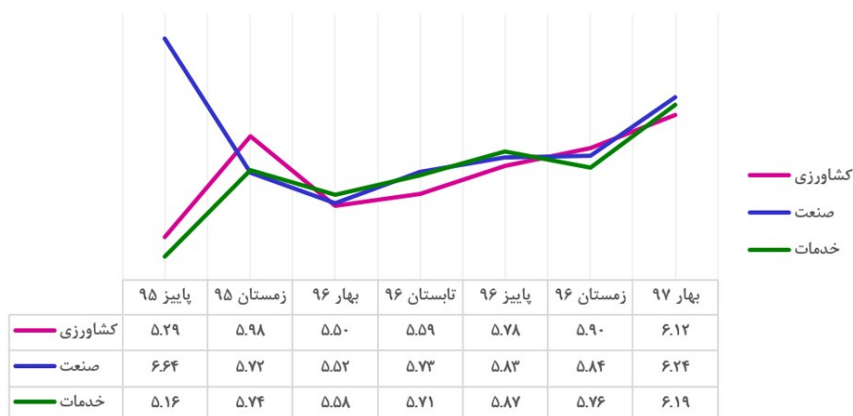
موانع اصلی کسب و کار

در بهار ۱۳۹۷ هجری شمسی، فعالان اقتصادی مشارکت کننده در این پایش، به ترتیب، سه مؤلفه «غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات»؛ «دشواری تأمین مالی از بانکها» و «بی ثباتی سیاستها، قوانین و مقررات و رویه های اجرایی ناظر بر کسب و کار» را نامناسب ترین مؤلفه های محیط کسب و کار کشور نسبت به سایر مؤلفه ها ارزیابی کرده اند. قابل ذکر است که در ۴ دوره نخست اجرای این طرح، دشواری تأمین مالی از بانکها به عنوان نامساعدترین مؤلفه کسب و کار ارزیابی شده بود؛ اما در ۳ دوره پاییز و زمستان ۱۳۹۶ هجری شمسی و بهار ۱۳۹۷ هجری شمسی، غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، نامساعدترین مؤلفه کسب و کار ارزیابی شده است.

کسب و کار در بخش های اقتصادی

بر اساس نتایج این پایش در بهار ۱۳۹۷ هجری شمسی، وضعیت محیط کسب و کار در بخش صنعت (۶.۲۴) در مقایسه با بخش های خدمات (۶.۱۹) و کشاورزی (۶.۱۲) نامناسب تر ارزیابی شده است. در بین رشته فعالیت های اقتصادی برحسب

طبقه‌بندی استاندارد ISIC.rev4، رشته فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی؛ خدمات مربوط به تأمین جا و غذا و ساختمان دارای بدترین وضعیت کسب‌وکار و رشته فعالیت‌های املاک و مستغلات؛ اطلاعات و ارتباطات و آب‌رسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه بهترین وضعیت کسب‌وکار را در مقایسه با سایر رشته فعالیت‌های اقتصادی در کشور داشته‌اند.



نمودار شماره ۲- مقایسه روند وضعیت فضای کسب‌وکار ایران در بخش‌های مختلف اقتصادی

محیط کسب‌وکار در بنگاه‌های اقتصادی

در این فصل برای نخستین بار وضعیت محیط کسب‌وکار کشور برحسب تعداد کارکنان شاغل در بنگاه‌های اقتصادی نیز مورد پرسش قرار گرفته است که بر اساس نتایج به‌دست‌آمده بنگاه‌های با ۶ تا ۱۰ نفر کارکن (۶.۴۰) دارای بدترین وضعیت و بنگاه‌های با ۲۰۰ نفر و بیشتر کارکن (۵.۹۷) دارای بهترین وضعیت محیط کسب‌وکار نسبت به سایر بنگاه‌ها ارزیابی شده‌اند.

شاخص بر اساس نظریه شین

بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین، شاخص ملی محیط کسب‌وکار ایران در بهار ۱۳۹۷ هجری شمسی، عدد ۶.۳۰ (عدد ۱۰ بدترین ارزیابی است) به دست آمده است که

بدرت از وضعیت این شاخص در ارزیابی فصل گذشته (زمستان ۱۳۹۶ هجری شمسی با میانگین ۶.۰۰) است. میانگین ارزیابی محیط اقتصادی عدد ۶.۳۳ است که در ارزیابی فصل گذشته عدد ۵.۸۶ حاصل شده بود و میانگین ارزیابی محیط نهادی عدد ۶.۲۸ است که در فصل گذشته عدد ۶.۱۰ ارزیابی شده بود. بر این اساس، همانند فصل گذشته محیط جغرافیایی با عدد ۴.۸۳ و محیط مالی با عدد ۸.۲۴ به ترتیب مساعدترین و نامساعدترین محیطها بر اساس نظریه عمومی کارآفرینی شین بوده‌اند.

مطالعه تطبیقی با کشورهای هدف

جمهوری اسلامی ایران در صورتی بر اساس سند چشم‌انداز می‌تواند رتبه اول منطقه را کسب نماید که کشوری مثل گرجستان را پشت سر بگذارد و رتبه‌ای زیر ۹ در جهان به دست آورد که در شرایط کنونی بسیار بعید به نظر می‌رسد. همان‌گونه که در جدول شماره ۵ آمده با توجه به اینکه به دلیل بازنگری در داده‌ها در شاخص سهولت کسب و کار بخش عمده‌ای تغییر در رتبه‌ها اتفاق افتاد، بررسی‌ها از این سال به بعد انجام شد. تحلیل آمارها و رتبه‌ها در منطقه نشان داد کشور ازبکستان توانسته از رتبه ۱۴۱ در سال ۲۰۱۵ میلادی، به رتبه ۷۴ در سال ۲۰۱۸ میلادی، برسد (جهش ۶۷ رتبه‌ای طی ۳ سال)؛ بنابراین هدف‌گذاری جهشی معادل این میزان برای ایران در نظر گرفته شد و به همین دلیل کشور آذربایجان با رتبه ۵۷ و کشور ترکیه که در گزارش ۲۰۱۸ میلادی، بانک جهانی رتبه ۶۰ را کسب کرده بود نیز انتخاب شدند؛ بنابراین هدف ایران ارتقا از رتبه ۱۲۴ به رتبه ۶۰ جهانی در شاخص سهولت کسب و کار و جهشی حدود ۶۴ رتبه ارتقا طی دوره سه‌ساله ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ هجری شمسی و قرار گرفتن در ۱۰ کشور اول منطقه در نظر گرفته شد.

همان‌گونه که در جدول ۷ نشان داده شده هرچند اغلب مؤلفه‌ها وضعیت مناسبی ندارند، اما سه مؤلفه «حمایت از سرمایه‌گذاران خرد»، «ورشکستگی و پرداخت دیون» و «سهولت پرداخت مالیات» بیش از بقیه نیاز به تدوین راهبردهایی در سطح حاکمیت و حکمرانی برای بهبود دارند تا رتبه ایران در این شاخص ارتقا یابد.

جدول شماره ۷- مقایسه شاخص‌های کسب‌وکار ایران و کشورهای هدف ۲۰۱۸ میلادی

۱۷	۱۰	۷	۶	ردیف
ایران	ازبکستان	ترکیه	آذربایجان	کشور
۹۷	۱۱	۸۰	۱۸	شروع کسب‌وکار
۲۵	۱۳۵	۹۶	۱۶۱	شرایط و مقررات أخذ مجوز ساخت
۹۹	۲۷	۵۵	۱۰۲	دسترسی به برق
۸۷	۷۳	۴۶	۲۱	ثبت مالکیت
۹۰	۵۵	۷۷	۱۲۲	اخذ اعتبارات
۱۷۰	۶۲	۲۰	۱۰	حمایت از سرمایه‌گذاران خرد
۱۵۰	۷۸	۸۸	۳۵	سهولت پرداخت مالیات
۱۶۶	۱۶۸	۷۱	۸۳	تجارت فرامرزی
۸۰	۳۹	۳۰	۳۸	اجرای قراردادها
۱۶۰	۸۷	۱۳۹	۴۷	ورشکستگی و پرداخت دیون

از سوی دیگر، مقایسه شاخص‌های حکمرانی ایران و کشورهای هدف ۲۰۱۸ میلادی، در جدول شماره ۸، نشان می‌دهد که به ترتیب سه مؤلفه کیفیت مقرراتی (نظارتی)، کنترل فساد و اثربخشی دولت نیازمند اصلاحات راهبردی جدی است تا به ارتقای رتبه کشور بیانجامد. مقایسه رتبه شاخص‌های حکمرانی با رتبه کسب‌وکار در ایران و کشورهای هدف ۲۰۱۸ میلادی، نیز این موضوع را تأیید کرد (جدول ۹).

جدول شماره ۸- مقایسه شاخص‌های حکمرانی ایران و کشورهای هدف ۲۰۱۸ میلادی

ازبکستان	ترکیه	آذربایجان	ایران	مؤلفه
-۱.۶۲	-۰.۸۳	-۱.۵۰	-۱.۳۲	صدا و پاسخگویی
-۰.۲۸	-۱.۳۳	-۰.۷۰	-۱.۳۱	ثبات سیاسی و فقدان خشونت / تروریسم
-۰.۵۵	۰.۰۱	-۰.۱۰	-۰.۴۳	اثربخشی دولت
-۱.۱۰	-۰.۰۵	-۰.۳۸	-۱.۳۰	کیفیت مقرراتی (نظارتی)
-۱.۰۷	-۰.۳۲	-۰.۶۰	-۰.۶۹	حاکمیت قانون

کترل فساد	-۰.۹۶	-۰.۸۳	-۰.۳۴	-۱.۰۷
-----------	-------	-------	-------	-------

در کیفیت مقرراتی، مفهوم کنترل قیمت‌ها، نظارت بر سیستم بانکی و مواردی از قبیل عدم تحمیل فشار بر صاحبان کسب و کار به منظور توسعه تجارت مد نظر قرار می‌گیرد (Kaufmann, Kraay & Lob, 2002)؛ به عبارت دیگر منظور از این شاخص، قابلیت دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی است که سبب گسترش حضور و فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. حضور هرچه بیشتر بخش خصوصی در اثر اجرای سیاست‌های تدوین شده از سوی دولت نشان از حکمرانی بهتر دارد (ADA, 2011).

جدول شماره ۹- مقایسه رتبه شاخص‌های حکمرانی با رتبه کسب و کار در ایران و کشورهای هدف

۲۰۱۸ میلادی

مؤلفه	ایران	آذربایجان	ترکیه	ازبکستان
رتبه کسب و کار	۶۵.۲۶	۳۰.۰۰	۳۱.۵۷	۳۸.۹۴
صدا و پاسخگویی	۱۲.۸۱	۷.۸۸	۲۵.۱۲	۶.۴۰
ثبات سیاسی و فقدان خشونت / تروریسم	۱۰.۹۵	۲۰.۹۵	۱۰.۰۰	۳۵.۷۱
اثر بخشی دولت	۳۷.۵۰	۴۹.۰۴	۵۳.۸۵	۳۳.۶۵
کیفیت مقرراتی (نظارتی)	۷.۶۹	۳۷.۰۲	۵۲.۴۰	۱۲.۰۲
حاکمیت قانون	۲۵.۰۰	۲۹.۳۳	۴۲.۳۱	۱۲.۹۸
کترل فساد	۱۵.۸۷	۲۱.۶۳	۴۳.۷۵	۱۲.۵۰

در شاخص اثر بخشی دولت، کیفیت خدمات عمومی، کیفیت بوروکراسی، صلاحیت حکمرانان شهری و میزان استقلال خدمات شهری از فشارهای سیاسی مد نظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی و میزان اعتبار تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد.

شاخص کنترل فساد، فساد رفتاری را شامل می‌شود که در پی آن افراد صاحب قدرت از نفوذ خود در بخش دولتی به عنوان مزیتی در راستای منافع شخصی خود بهره می‌برند. این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را در برمی‌گیرد

(Avram, 2014)

پیرو دستیابی به نتایج فوق، نمونه مهم‌ترین سیاست‌های اعمال‌شده توسط کشور ترکیه برای بهبود شاخص‌های فضای کسب‌وکار طی سال‌های گذشته مورد بررسی قرار گرفت. کشور ترکیه، هم به لحاظ فرهنگی قرابت زیادی با ایران دارد و هم در گزارش سال ۲۰۱۸ میلادی، رتبه ۶۰ را که برای ایران ۱۴۰۱ هجری شمسی، هدف‌گذاری شده بود را داشت. در جدول شماره ۱۰ به برخی اقدامات این کشور در سطح حاکمیتی و حکمرانی اشاره شده است.

جدول شماره ۱۰- نمونه مهم‌ترین سیاست‌های اعمال‌شده توسط کشور ترکیه برای بهبود شاخص‌های

فضای کسب‌وکار

سیاست اعمال‌شده	شاخص
حذف شرط حداقل سرمایه انجام فرایندها به صورت الکترونیکی ایجاد مراکزی برای انجام مراحل اداری به صورت یکجا (One - Stop- Shop)	شروع فعالیت
ایجاد مجموعه‌ای از قوانین منسجم در خصوص ساخت و ساز ایجاد مراکزی برای انجام مراحل اداری به صورت یکجا (One - Stop- Shop) وجود مصوبه‌های ساخت و سازی مبتنی بر ریسک	اخذ مجوز
استفاده از پایگاه الکترونیکی برای تعهدات قطعی نشده تعیین محدودیت‌های زمانی مؤثر برای ثبت نام ارائه اطلاعات دفتر ممیزی به صورت اینترنتی ارائه روش‌های تسریع‌کننده فرایند ثبت و انتقال مالکیت تعیین حق‌الزحمه‌های ثابت در خصوص انتقال مالکیت	ثبت حق مالکیت
اجازه حل دعاوی در نهادهای خارج از دادگاه به رسمیت شناختن هیئت‌های حل اختلاف طبقه‌بندی اطلاعات وام‌هایی که زیر ۱٪ درآمد سرانه هستند طبقه‌بندی اطلاعات اعتباری اعم از مثبت یا منفی طبقه‌بندی اطلاعات اعتباری خرده‌فروشان، بستانکاران تجاری یا مؤسسات مالی گسترش وثایق مورد قبول	تأمین اعتبار

سیاست اعمال شده	شاخص
افشای جزئیات مورد نیاز اجازه دسترسی به همه اسناد شرکت در طول بازرسی اجازه فسخ قراردادهای مضر برای طرفین معامله تنظیم مصوبات مربوط به مبادله برای طرفین معامله تعریف حقوق دقیق برای مدیران درگیر در معامله اجازه دسترسی به همه اسناد شرکت قبل از بازرسی الزام به حضور ممیزی (حسابرسی خارجی) در احزاب مختلف	حمایه سرمایه گذاران
تشکیل پرونده‌ها و پرداخت‌ها به صورت الکترونیکی اجازه خودارزیابی داشتن یک نرخ پایه مالیاتی	پرداخت مالیات
به‌کارگیری سیستم‌های مبتنی بر مبادله الکترونیکی داده‌ها استفاده از بازرسی بر مبنای مخاطره ایجاد پنجره واحد تجاری	تجارت فرامرزی
ایجاد پرونده‌های الکترونیکی برای شاکیان ایجاد دادگاه‌ها، بخش‌ها و قضات تخصصی تجاری تکمیل الکترونیکی شکایات در دسترس قرار دادن فرایندهای قضایی	اجرای قراردادها
بهره‌گیری از متخصصین کمیته‌های اعتباری و تصمیم‌گیری‌های مرتبط الزام به دارا بودن شرایط آکادمیک و حرفه‌ای برای شرکت‌های ورشکسته طبق قانون ارائه چارچوب‌های قانونی برای فعالیت‌های خارج از دادگاه	انحلال فعالیت

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

محیط‌ها نه تنها ایستا نبوده بلکه پیچیدگی و پویایی از ویژگی‌های محیط‌های امروزی در کسب و کارها، صنعت و کشورهای جهان محسوب می‌گردد. به همین جهت مدیریت فضای کسب و کار در این گونه محیط‌ها از سوی حاکمیت بسیار حائز اهمیت است. امروزه بهبود فضای کسب و کار در جهت فراهم نمودن بسترهای لازم برای فعالیت فعالان اقتصادی و نیز

دستیابی به بخش خصوصی کارآمدتر به عنوان یک راهبرد اقتصادی در کشورهای مختلف جهان مورد توجه قرار گرفته است.

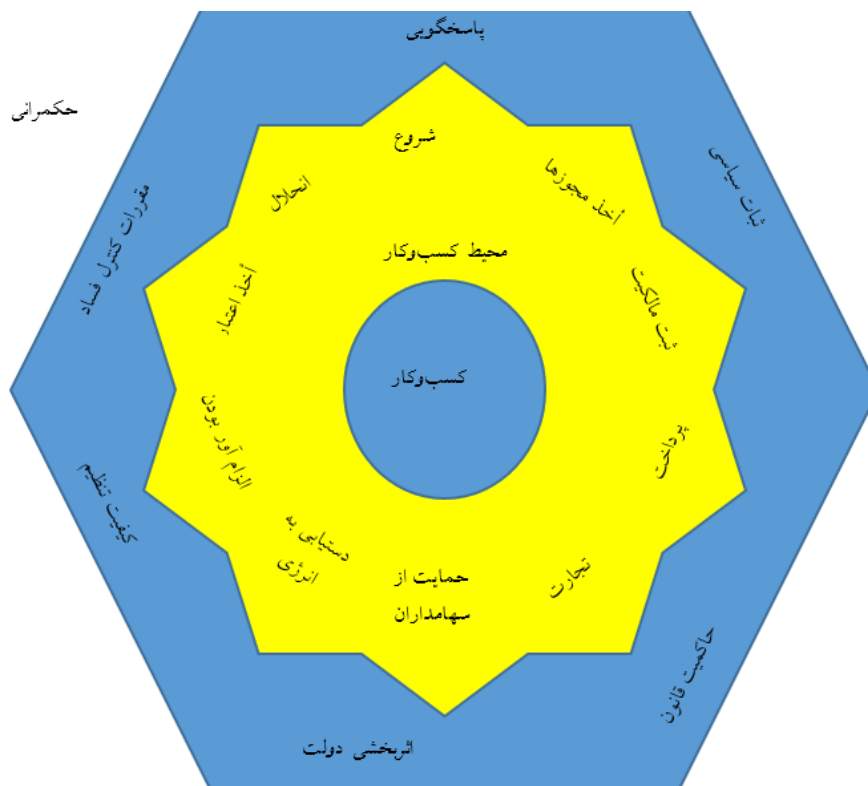
عوامل مختلف محیطی و شرایط متغیر آن مانند پیشرفت‌های علمی، فناوری، اقتصادی، تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی حکمرانان اعم از دولت‌ها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی، تنوع‌های قومی و فرهنگی و حتی رویکردهای جوامع به انسان‌ها و طبیعت و در نهایت تغییرات جمعیت و محدودیت منابع و کمیابی آن‌ها، همگی به طور مستمر دستخوش تغییر و تحول هستند و همه این ابعاد بر فعالیت سازمان و کسب‌وکارها اثر می‌گذارند. از این جهت است که محیط‌شناسی راهبردی برای سازمان‌ها (در سطوح خرد و کلان) و کسب‌وکارها (در سطح محلی و جهانی) و حکمرانان و حاکمیت (در سطح ملی و بین‌المللی) از اهمیت به‌سزایی برخوردار شده است.

مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند عوامل محیطی (فضای کسب‌وکار) در برخی کشورها هزینه‌های تولید را نزدیک به ۳۰٪ افزایش می‌دهند، اما در کشورهایی که فضای کسب‌وکار آن‌ها مناسب‌تر است هزینه‌های محیطی به حدود ۵٪ کاهش می‌یابد. در بررسی‌های صورت گرفته در خصوص علل ضعف اقتصاد ملی ایران، به‌طور معمول بر مشکلات ساختاری و نامساعد بودن شرایط تولید تأکید شده است (سالاری، ۱۳۹۰).

در این مقاله تلاش شد با ظرفیت‌شناسی و امکان‌سنجی، دستیابی به چشم‌انداز ۱۴۰۴ هجری شمسی، با بهبود فضای کسب‌وکار و از طریق حکمرانی مطلوب مورد پژوهش قرار گیرد. حسب تأکیدات مقام معظم رهبری بر رفع موانع و بهبود فضای کسب‌وکار و بررسی کشورهای هدف منتخب، به نظر می‌رسد ضروری است باور و اراده رشد و تغییر در فضای کسب‌وکار در حکمرانان و دولت‌مردان تقویت شود و گرنه، منابع و فرصت‌های لازم برای دستیابی به هدف وجود دارد.

تعامل شاخص‌ها در مدل حکمرانی و فضای کسب‌وکار در شکل ۲ نشان داده شده است. این مدل نشان از ارتباط معنی‌دار دو شاخص دارد به‌طوری که مؤلفه‌های سهولت

کسب و کار در بستر حکمرانی مطلوب شکل می‌گیرد و البته بهبود فضای کسب و کار نیز بر مطلوب‌تر شدن حکمرانی مؤثر خواهد بود.



شکل شماره ۲- مدل مفهومی تحلیل حکمرانی و فضای کسب و کار - محقق ساخته

نتیجه این پژوهش نشان داد حداکثر جهش رتبه‌ای طی چند سال اخیر در میان کشورهای موضوع سند چشم‌انداز مربوط به ازبکستان با ارتقای ۶۷ رتبه می‌باشد و با این فرض، ایران تا سال ۱۴۰۱ هجری شمسی، می‌تواند از رتبه ۱۲۴ به رتبه‌های ۵۷ تا ۶۰ جهانی و ۷ تا ۱۰ منطقه - کشورهای آذربایجان و ترکیه- برسد. در این زمینه به ترتیب سه مؤلفه «کیفیت مقرراتی (نظارتی)»، «کنترل فساد» و «اثربخشی دولت» در شاخص حکمرانی خوب و سه مؤلفه «حمایت از سرمایه‌گذاران خرد»، «ورشکستگی و پرداخت دیون» و

«سهولت پرداخت مالیات» در شاخص سهولت کسب و کار باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

با بررسی تطبیقی راهکارهای کشورهای منتخب به ویژه ترکیه و اسناد و گزارش های مختلف داخلی و بهره گرفتن از نظرات برخی خبرگان در قالب جدول تعاملی دو شاخص مذکور - جدول شماره ۱۱- راهبردهایی برای ارتقای هر شش مؤلفه فوق در قالب یک ماتریس ارائه و برنامه هایی که در نهایت منجر به حکمرانی مطلوب توأمان با بهبود فضای کسب و کار در مسیر چشم انداز کشور، سیاست های اقتصاد مقاومتی و رونق تولید شود، پیشنهاد شده است. شکل ۳.

راهکارها

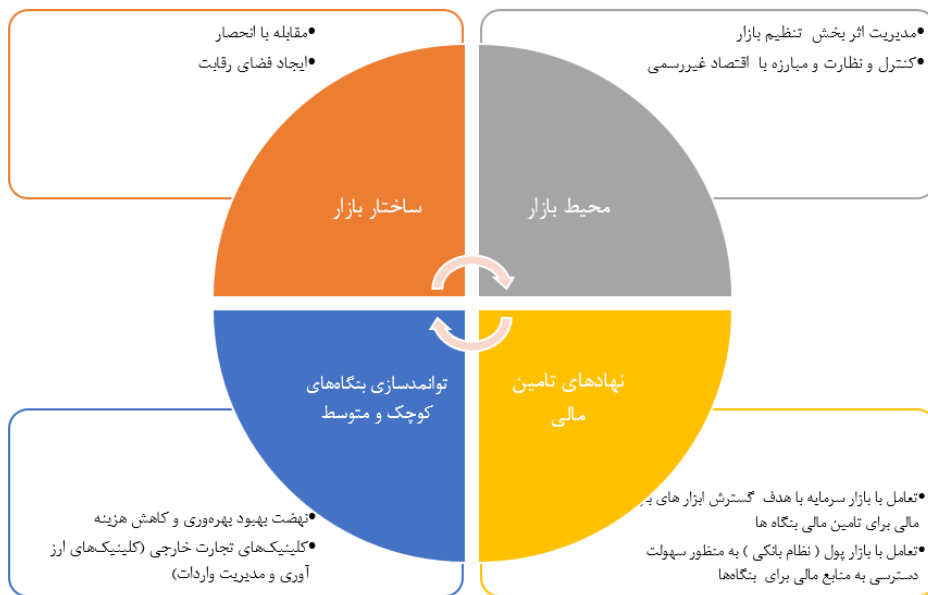
جدول شماره ۱۱- راهکارهایی برای بهبود توأمان رتبه حکمرانی و فضای کسب و کار

ورشکستگی و پرداخت دیون	سهولت پرداخت مالیات	حمایت از سرمایه گذاران خرد	
ارتقای مسئولیت پذیری مدیران و مسئولین اجرایی راه اندازی کلینیک مشاوره ای تخصصی جهت ارائه خدمات حقوقی به بنگاه ها و شرکت های در آستانه انحلال کاهش هزینه ها و زمان انحلال فرایندها از طریق کاهش بروکراسی موجود	انضباط مالی دولت و پرهیز از تباهی دگی	استفاده مستمر از عملیات بازار باز برای جذب نقدینگی از بازارهای متلاطم دارایی (طلا و ارز و سهام) و هدایت آن به بخش های مولد تعیین اولویت و ظرفیت های صنعتی کشور و هدایت منابع خارجی در راستای اهداف توسعه داخلی	اثر بخشی دولت
حذف موازی کاری ها تلاش جهت اخذ مصوبه نهایی لایحه تجارت با رویکرد تطبیق شرایط ورشکستگی و انحلال شرکت ها	اصلاح نظام مالیاتی در راستای عدالت مالیاتی، ارتقای دامنه شمول مالیاتی (به خصوص به فعالیت های غیر مولد) و شفافیت مالیاتی	نظارت کامل بر توزیع تسهیلات بین بخش های اقتصادی و جلوگیری از ورود تسهیلات به بخش های واسطه گری	کیفیت مقرراتی (نظارتی)
ایجاد دادگاه های تخصصی رسیدگی به جرائم تجاری و اقتصادی شفاف سازی فرایند انحلال از	تشکیل پرونده ها و پرداخت ها به صورت الکترونیکی تدوین قوانین شفاف و	تسریع در فرایندهای تسهیل اخذ مجوز و اصلاح قوانین و مقررات نامناسب (پنجره واحد، دولت الکترونیک و ...)	کنترل فساد

ارتقای امنیت اقتصادی و شفافیت کامل در سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری	بازدارنده برای مبارزه با هرگونه فساد اقتصادی و اداری.	طریق قوانین منحل و مزاحم (تقویت خود اظهاری)
--	---	---

برنامه‌ها

برنامه حاکمیتی اثرگذار در محیط خرد فضای کسب و کار



شکل شماره ۳- برنامه حاکمیتی اثرگذار در محیط خرد فضای کسب و کار

برنامه حاکمیتی محیط کلان ملی

قانونی

برنامه بررسی و بازنگری در قوانین منحل و بازدارنده فعالیت بنگاه‌ها؛

تدوین قوانین و مقررات تسهیل فرآیند فعالیت بنگاه‌ها (از شروع فعالیت تا انحلال).

نهادی

ضرورت تشکیل نهاد فرابخشی (در سطح دولت) برای اجرای برنامه‌های بهبود فضای

کسب و کار؛

استفاده از توانمندی‌های نهادهای بخش خصوصی و غیر دولتی (انجمن‌ها، تشکل‌ها).

تکنولوژیکی

تدوین برنامه حمایت از نوآوری و تحقیق و توسعه؛

تدوین برنامه حمایت از انتقال تکنولوژی؛

حمایت از کارآفرینان و ایده‌های خلاق.

اقتصادی

برنامه جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی؛

برنامه ثبات اقتصادی؛

جهت‌دهی منابع مالی به سمت تولید (از طریق بازار پول و سرمایه)؛

کشف و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی کشور.

سیاسی و مدیریت کلان

استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های موجود؛

برنامه اقتصاد مقاومتی.

دموگرافی و اجتماعی

برنامه توانمندسازی سرمایه انسانی و به‌کارگیری آن‌ها؛

برنامه آمایش سرزمین.

برنامه حاکمیتی اثرگذار در محیط بین‌الملل فضای کسب‌وکار

تقویت زنجیره تولید و لجستیک و ایجاد خوشه‌های صادراتی؛

روزآمدسازی و تسهیل فرایندهای گمرکی؛

هدایت و استفاده از توانمندی‌های دیپلماسی کشور جهت بهره‌برداری بهینه در امور

اقتصادی؛

به‌کارگیری مؤثر افراد مجرب و کارشناسان متخصص با توانمندی‌های بالا به‌عنوان

رایزن اقتصادی برای اثربخش کردن حوزه‌های اقتصادی با اولویت کشورهای هدف؛

برنامه افزایش ماندگاری در بازارهای هدف تجاری (برندسازی و...)

کاهش بروکراسی و تقویت مدیریت ارتباطات فرامرزی در حوزه تجارت از طریق تشکیل و تقویت پنجره واحد؛

آموزش و توانمندسازی تجار جهت تعامل با فضاهای بین‌المللی (بازاریابی بین‌المللی)؛ تسهیل فرایند اخذ اطلاعات و آمار تجاری از طریق طراحی بانک اطلاعات پایه و تخصصی؛

استفاده از ظرفیت‌های تجاری و مناطق تجاری و تشکیل هاب‌های تجاری.

منابع

۱. اشرفی، یکتا و فهیمی‌فر، فاطمه (۱۳۹۰)، «بررسی شاخص‌های بهبود فضای کسب و کار با تأکید بر جایگاه ایران»، مجله اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۱۱.
۲. بیانات مقام معظم رهبری، سایت www.khamenei.ir.
۳. خداپناه، بهمن (۱۳۹۶)، شاخص‌های حکمرانی خوب و ارتباط آن با سهولت انجام کسب و کار.
۴. دوستو، هرماندو.
۵. سالاری، ابوذر (۱۳۹۰)، «تأثیر نظام مالیاتی بر فضای کسب و کار»، مجله اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰.
۶. سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۱۰/۱۰.
۷. سیف، ولی‌الله (۱۳۹۴)، فضای کسب و کار، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۲، سال نهم.
۸. شجاعی، سید علیرضا (۱۳۹۸)، الگوی راهبردی بهبود فضای کسب و کار جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اقتصاد مقاومتی، رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۹. علوی‌منش، سید محسن (۱۳۸۸)، بررسی چالش‌های فضای کسب و کار، گزارش دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۰. غضنفری، مهدی (۱۳۹۷)، جزوه کلاسی درس تحلیل فضای کسب و کار.
۱۱. غضنفری، مهدی. (۱۳۹۷)، تباهیدگی، ماهنامه تدبیر.

۱۲. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۸۳.
۱۳. قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب سال ۱۳۸۹.
۱۴. گروه فضای کسب و کار (۱۳۸۹)، بررسی لایحه برنامه پنجم توسعه (۵)، فصل پنجم - اقتصادی: بهبود فضای کسب و کار، بهره‌وری، اشتغال، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۱۵. گزارش Doing Business، (۲۰۱۸).
۱۶. گزارش حکمرانی بانک جهانی، (۲۰۱۹)، The Worldwide Governance Indicators, 2019 Update.
۱۷. گزارش دفتر مطالعات اقتصادی و امور کسب و کار وزارت صنعت، معدن و تجارت، (۱۳۹۲).
۱۸. گزارش روزنامه دنیای اقتصاد، (۱۳۹۷).
۱۹. گزارش مرکز اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، (۱۳۹۷).
۲۰. مبینی دهکردی، علی و حیدری، حامد (۱۳۹۳). مبانی دانش محیط‌شناسی راهبردی (مفاهیم، تئوری‌ها، فنون و کاربردها) (چاپ اول)، تهران: انتشارات صفار.
۲۱. مبینی دهکردی، علی (۱۳۹۱)، جزوه کلاسی درس راهبرد ملی.
۲۲. مرادی، محمدعلی (۱۳۹۶)، محیط کسب و کار نظریه‌ها، شاخص‌ها و تکنیک‌ها (چاپ سوم)، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. مرکز رصد (۱۳۹۲)، سیمای اقتصاد ایران از منظر شاخص‌های جهانی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

۲۴. میدری، احمد و صابری، علی اکبر (۱۳۸۸)، فضای کسب و کار و ارائه برنامه عملی جهت بهبود آن در ایران، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و انجمن مدیران صنایع.
۲۵. میدری، احمد و قودجانی، اصلان (۱۳۸۷)، سنجش و بهبود محیط کسب و کار، تهران: جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۶. میدری احمد (پاییز ۱۳۸۵)، «مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب»، نشریه رفاه اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲۲، از صفحه ۲۶۱ تا ۲۸۷.

واکاووی موانع خصوصی سازی ورزش ایران

منصور صادقی فسخودی

چکیده

این تحقیق با هدف واکاوی موانع خصوصی سازی ورزش ایران از دیدگاه مدیران و کارشناسان وزارت ورزش و جوانان به انجام رسیده است، روش اصلی تحقیق از نظر ماهیت توصیفی است. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران و کارشناسان مرتبط با بحث خصوصی سازی در وزارت ورزش و جوانان در حدود ۴۱۲ تن بوده که به صورت تمام شماری مورد سنجش قرار گرفته اند.

ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است. پرسشنامه بر اساس مطالعات پیشین و به خصوص مطالعه پرکوپنکو و امیری و همکاران تنظیم شده و شامل سه بعد فرهنگی، سازمانی و سیاسی است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که از نظر پاسخگویان «عدم تعیین دقیق اهداف خصوصی سازی» مهم ترین مانع خصوصی سازی است. توجه به درآمد ناشی از واگذاری اماکن ورزشی به جای توجه به افزایش بهره وری آن ها و همچنین بی توجهی به گسترش مالکیت عمومی از جمله مصادیق «عدم تعیین دقیق اهداف خصوصی سازی» به شمار می رود. مانع دیگر از نظر پاسخگویان «مقاومت مدیران و کارکنان» است، نتایج بررسی این متغیر بیانگر آن است که مدیران دولتی از حضور در شرایط رقابت بازار آزاد واهمه دارند. همچنین کارکنان اماکن ورزشی امنیت شغلی خود را در خطر می بینند و به این خاطر در مقابل واگذاری اماکن ورزشی مقاومت می کنند. سومین مانع به لحاظ اهمیت به «تشریفات پیچیده اداری» در روند واگذاری اماکن ورزشی اشاره دارد. پاسخگویان اظهار داشته اند که پیچیدگی و تشریفات اداری باعث کند شدن روند واگذاری ها شده است. موضوع دیگر، «رابطه گرایی شدید در واگذاری اماکن ورزشی» است. داده ها نشان می دهد واگذاری اماکن ورزشی سود ده به افراد در شرایط غیر رقابتی، اتخاذ شیوه های پیچیده برای توجیه انتخاب افراد مورد نظر و ترجیح روابط غیر رسمی بر روابط قانونمند و رسمی در روند واگذاری اماکن ورزشی به طور جدی وجود دارد و مانع خصوصی سازی سالم است. مشکل دیگر «فقدان عزم کافی» مسئولان نسبت به خصوصی سازی ورزش است. نتایج بررسی این متغیر نشانگر آن است که تلاش مسئولان برای خصوصی سازی مداوم نبوده و

دچار شدت و ضعف است. به همین ترتیب «نگرش منفی نخبگان به خصوصی سازی» نیز موانع دیگر خصوصی سازی ورزش است. سرانجام «دخالتهای گروه‌های ذینفع در امر خصوصی سازی» و «فساد در فرآیند خصوصی سازی» موارد دیگری هستند که به عنوان موانع خصوصی سازی از سوی پاسخگویان مطرح می‌شوند.

کلیدواژه: خصوصی سازی، موانع خصوصی سازی، ورزش، وزارت ورزش و جوانان.

مقدمه

خصوصی سازی یا به عبارتی دیگر خصوصی کردن در مفهوم جدید آن به بعد از دهه هفتاد میلادی باز می‌گردد؛ خصوصی سازی در دهه هشتاد به اوج خود رسید و تقریباً در تمامی کشورهای در حال توسعه، سیاست‌گذاران را به تجدید نظر در نقشی که مردم در فرایند توسعه ایفا می‌کنند واداشت. در این مفهوم خصوصی سازی تحولی فراگیر و متنوع است که به واگذاری کنترل عملیاتی یا مالی مؤسسات در مالکیت دولت به بخش خصوصی منجر می‌شود، نخستین هدف خصوصی سازی «افزایش کارایی اقتصاد ملی» است که مسیری مطمئن و مناسب برای عقلایی کردن هدف‌ها و متناسب ساختن اهداف با خواست‌های عمومی ایجاد می‌کند به عبارتی دیگر در فرایند خصوصی سازی از یک سو حجم و اندازه دولت در اقتصاد بازتعریف می‌شود و از سویی دیگر توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مردم امکان بروز می‌یابد و در خدمت تحقق آرمان‌ها و آرزوهای جامعه به صورتی کارآمد و بهره‌ور به حرکت درمی‌آید.

دلایل روی آوردن به خصوصی سازی گرچه از کشوری به کشور دیگر اندکی متفاوت است، اما اغلب بر آمیزه‌هایی از قبیل فشارهای مالی، حداکثرسازی نتایج فعالیت‌های اقتصادی، غلبه بر مشکلات و رفع ضعف مؤسسات عمومی، توسعه بخش خصوصی، انتخاب نمونه‌های موفق و تعیین هدف‌های واقع‌گرایانه مبتنی است.

امروزه مشارکت بخش خصوصی در ورزش ایران به عنوان راه‌کاری برای مقابله با شرایط بسیار دشواری است که صنعت ورزش کشور را احاطه کرده است. توجه روزافزون گروه‌های اجتماعی به حوزه ورزش؛ ساختاری را که به تدریج از سال ۱۳۱۳ هجری

شمسی، با شکل‌گیری «انجمن ملی تربیت بدنی و پیشاهنگی ایران» در تاروپود مناسبات دولتی گرفتار آمده، با مشکل مواجه کرده است. نگرش دولتی حاکم بر توسعه ورزش اندک اندک و در گذر زمان از عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی و نظارت پا را فراتر گذاشته و به اجرا نیز کشیده شده است. گسترش حوزه اقدامات دولت در ورزش، این صنعت را به بودجه عمومی دولت وابسته کرده، به گونه‌ای که امروز میان تعهدات دولت در بخش ورزش و پاسخگویی به آن‌ها در زمان مناسب فاصله‌ای شدید ایجاد شده است.

خصوصی‌سازی ورزش به‌عنوان جایگزین گسترش مسئولیت دولت در این حوزه مد نظر است، با این وجود خصوصی‌سازی ورزش در مفهوم عام آن - شامل ساخت و تجهیز اماکن ورزشی تا اداره باشگاه‌ها و مؤسسات ورزشی توسط مردم و تغییر مالکیت آن‌ها - و جلب مشارکت بخش خصوصی در این حوزه با موانع بسیاری مواجه است. در اینجا سؤال این است که از منظر کارشناسان و مدیران وزارت ورزش و جوانان موانع «فرهنگی»؛ «سازمانی» و «سیاسی» چه تأثیری بر روند خصوصی‌سازی ورزش ایران دارد و با وجود میل دولت در به حداکثر رساندن نقش مردم در عرصه ورزش، چرا نسبت مشارکت کماکان قابل اعتنا نبوده و نمی‌توان ادعا کرد دولت به اهداف خود نائل آمده است.

تعریف و مفهوم خصوصی‌سازی

واژه خصوصی‌سازی در سال ۱۹۸۳ هجری شمسی برای اولین بار در فرهنگ لغات دانشگاهی و بستر بدین‌صورت تعریف شد: خصوصی‌سازی عبارت از «تغییر کنترل یا مالکیت از سیستم دولتی به سیستم خصوصی» (کميجانی و رحیمی‌فر، ۱۳۷۲).

به اعتقاد بیلی (Bailey, 1987) امروزه یکی از مفاهیم مهم و مورد علاقه در اقتصاد، مباحث مربوط به خصوصی‌سازی است. او اشاره می‌کند که هرچند مفهوم نظری خصوصی‌سازی به اندازه کافی شفاف نیست، اما در پژوهش‌های تجربی، خصوصی‌سازی تلاشی عمومی است برای کاستن عدم‌انگیزه‌هایی که در کارایی ارگان‌های دولتی وجود دارد و این کار با در معرض قرار دادن انگیزه در بازار خصوصی حاصل خواهد شد.

تامپسون و کی (Kay & Thampson, 1986) هم با نظریه بیللی موافقاند و می گویند «خصوصی سازی اصطلاحی است که ابزارهای روشن و ممکن، تغییر ارتباط و وابستگی بین دولت و بخش خصوصی را پوشش می دهد».

مفاهیم و نظریه ها

راجع به تعادل میان اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد دولتی اندیشمندان متعددی نظریه پردازی کرده اند که در نهایت منجر به ظهور مکاتبی چون کلاسیک، اتریش، نئوکلاسیک و مکتب ساختارگرایان شده است، آدام اسمیت مدل «اقتصاد آزاد» را به عنوان مدل اقتصادی سیاسی ایده آل مکتب کلاسیک ارائه داد، مکتب اتریش از ابتدای ظهور اصول بازار را مورد تأکید قرار می دهد، اقتصاد متمرکز را غیر کارا دانسته و آن را نفی می کند و فعالیت های اقتصادی دولت را محدود به شرایط معین می کند در مکتب نئوکلاسیک نورث تئوری نهادها را با توجه به نفع طلبی انسان و تأثیرپذیری آن از ارزش های اخلاقی مطرح کرده است.

مکتب ساختارگرایان نیز در واکنش به الگوهای اقتصاد غرب و عدم توازن آن در حل مشکلات کشورهای جهان سوم طرح شده است.

شاید یکی از دلایل گم گشتگی اقتصاد ایران این است که هم تا حدودی به تئوری های اقتصاد کلاسیک و مکتب اتریش و نظریه های نئوکلاسیک معتقد است و همین طور مانند ساختارگرایان تئوری های اقتصاد غرب را برای خود ناکارآمد می داند از این رو نسبت تئوریک این تحقیق و مانند این با مکاتب پیش گفته چندان روشن و شفاف نیست و لاجرم باید به اهداف و دلایلی که به واسطه آن در کشور اقدام به خصوصی سازی می شود نظر افکند تا جایگاه تحقیقاتی از این دست نسبت به مبانی تئوریک خصوصی سازی در ایران مشخص شود.

مشکلات، موانع و محدودیت های اجرای خصوصی سازی (با تأکید بر مدل مفهومی

تحقیق)

شرایط حاکم بر بازار آزاد، بسیاری از کشورها را واداشته تا در شیوه‌های اقتصادی خود تجدید نظر کرده و با حذف دخالت دولت در اقتصاد و مشارکت بخش خصوصی اداره اقتصاد را به بخش غیر دولتی واگذار کنند، علی‌رغم آن و به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه این پیشرفت کمتر از انتظار بوده است، مطابق تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده علت این امر مشکلاتی در ابعاد فرهنگی، سازمانی، سیاسی و سایر ابعادی است که هر یک به‌نوبه خود و با درجاتی در کشورها خودنمایی می‌کند؛ در ادامه به توضیح مشکلات تحقق اهداف خصوصی‌سازی ورزش ایران با تأکید بر مدل مفهومی تحقیق خواهیم پرداخت.

موانع فرهنگی

مقاومت کارکنان و مدیران

هنگامی که خصوصی‌سازی به منافع، روابط و موقعیت و امنیت شغلی افراد (مدیران و کارکنان) لطمه وارد کند باید انتظار داشت به طرق مختلف در برابر آن مقاومت شود. تجربه برخی بنگاه‌های دولتی که در ادامه به آن پرداخته می‌شود بیانگر آن است که کارکنان و مدیران می‌توانند به‌عنوان مانعی در مقابل خصوصی‌سازی قد علم کنند (پروکوپنکو، مدیریت خصوصی‌سازی، ۱۳۸۰).

در مراحل اولیه خصوصی‌سازی در اروپای مرکزی، بعضی مدیران بنگاه‌های دولتی در لهستان از تلاش برای بازسازی یا فروش بنگاه‌های دولتی به سرمایه‌گذاران خصوصی طفره رفتند. برخی دیگر از آن‌ها هم از موقعیتشان برای فروش یا خرید دارایی‌های دولتی با قیمت پایین قبل از اجرای طرح‌های خصوصی‌سازی بهره بردند.

در فدراسیون روسیه بسیاری از مدیران بنگاه‌های دولتی از مخالفان سرسخت نظام خصوصی‌سازی بودند، بسیاری از آن‌ها که برای خصوصی‌سازی استعفا داده بودند برای خرید غیر رقابتی بنگاه‌های دولتی به‌جای عرضه مکانیزم‌هایی مانند «توزیع اوراق بهادار» اعمال فشار می‌کردند.

در شیلی کارکنان بنگاه‌های دولتی با درک تهدیدات ناشی از خصوصی‌سازی (تعلیق و بیکاری) با آن به مخالفت برخاستند؛ اتحادیه‌های کارگری شیلی - به دلیل ترس از

بیکاری - با تدارک اعتصاب مخالفت خود را با طرح فروش قسمتی از شرکت های نیرو و معدن ابراز داشتند.

رهبان سیاسی و اتحادیه های تجاری تایند در مخالفت با خصوصی سازی بسیار صریح بودند، آن ها نگران بودند با اجرای سیاست های خصوصی سازی با کاهش شغل مواجه شوند.

بسیاری از مدیران بنگاه های دولتی اروپای شرقی از چالش های ناشناخته اقتصاد بازار آزاد واهمه داشته و در برابر تغییرات حاصل از خصوصی سازی مقاومت می کردند. کارکنان هم که امنیت شغلی خود را در معرض خطر می دیدند. با کاهش تولید و نقصان عرضه خدمت، بی میلی خود را به خصوصی سازی به گونه ای دیگر نشان می دادند.

فقدان عزم کافی

شرایط ایران در عرصه خصوصی سازی گواه مناسبی است تا مؤلفه «فقدان عزم کافی» در خصوصی سازی را واکاوی کنیم. اقتصاد ایران از سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تشکیل شده ولی ۸۷٪ از اقتصاد ایران در اختیار بخش دولتی است. حتی با ابلاغ سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی و تشکیل سازمان خصوصی سازی باز هم کفه اقتصاد دولتی به شدت سنگینی می کند.

در ورزش واگذاری دو باشگاه پرسپولیس و استقلال - سال ۹۳ و ۹۴ هجری شمسی - گرچه پشتوانه قانونی داشت و سازوکار لازم برای واگذاری این دو باشگاه پیش بینی شده بود، اما روند تصمیمات به گونه ای است که زمان مشخصی را برای اجرای آن نمی توان تصور کرد و بیش از اینکه ضعف در قانون گذاری یا لوازمات دیگر مطرح باشد، فقدان اراده و عزم کافی خودنمایی می کند.

نگرش منفی نخبگان به خصوصی سازی

در طول تاریخ بحث های مربوط به خصوصی سازی اغلب بین دو قطب مخالف بی نهایت دولتی و بی نهایت خصوصی در نوسان بوده است، دیدگاه های دولتی که در طول قرن بیستم به وسیله سوسیالیست ها پشتیبانی می شد، می گوید که مطلوب است دولت خود

مالکیت شرکت‌ها را در دست داشته و خدمات عمومی را عرضه نماید؛ علاوه بر این می‌توان با در نظر گرفتن نفع عمومی به کارگزاران دولتی اعتماد نمود اندیشه‌های سوسیالیستی به‌عنوان بارزترین طیف مدافع دولتی‌سازی از مخالفین سرسخت خصوصی‌سازی محسوب می‌شوند آن‌ها مدعی بودند سرمایه می‌تواند با سرعت بیشتر و هزینه کمتر توسط دولت افزایش یابد، یا به شکل کارآمدتر، هماهنگ‌تر و باصرفه‌تر ارائه شود.

پس از بحران و رکود بزرگ سال ۱۹۳۰ هجری شمسی که اغلب اقتصادهای دولت‌های اروپایی را فراگرفت کینز با بررسی وضعیت وخیم اقتصادی و سیاسی این کشورها تنها راه حل را دخالت دولت در اقتصاد دانسته و معتقد بود در شرایط ناکارایی مکانیسم بازار، تنها تصمیم‌گیری خارج از سیستم بازار و توسط دولت می‌تواند موجب برقراری تعادل شود.

طی دهه‌های ۱۹۶۰ - ۱۹۵۰ میلادی، غلبه دیدگاه‌های کینزی و توجه به نظریات افرادی همچون گروشنکرون، رودنشتاین، پرو و هیرشمن منجر به رویکردی گردید که بر نارسایی‌های بازار تکیه داشت. از این رو دخالت دولت ضروری تشخیص داده شد. ضمن اینکه اطمینان بیش‌ازحدی به قابلیت‌های دولت در اعمال دخالت‌های نتیجه‌بخش دولت وجود داشت. دولت‌گرایان فرض را بر این می‌گیرند که بخش دولتی به صورت خودکار به نفع عموم کار خواهد کرد؛ زیرا انگیزه‌ای منفعت‌طلبانه برای اقدام دیگری وجود ندارد (اوانز، ۱۳۸۰).

باید توجه داشت طی دوره جهانی شدنی، موفق‌ترین کشورهای جهان سوم در زمینه اقتصادی آن‌هایی نبوده‌اند که در پیروی از «وفاق واشنگتن» راه افراط پیمودند و بازارهای سرمایه خود را گشودند و از تلاش برای تقویت تحولات اقتصادمحلی دست برداشتند بلکه آن‌هایی بودند که محتاطانه عمل کردند و از تنظیم روابطشان با سرمایه بین‌المللی دست برداشتند. نه تنها فاجعه روسیه بلکه عملکرد بد آرژانتین نیز نشانگر آن است که گوش سپردن به آژیر جهانی شدن لزوماً موفقیت‌آمیز نخواهد بود (اوانز، ۱۳۸۰).

جمهوری خلق چین طی دهه ۱۹۹۰ میلادی، تنها و موفق ترین کشور جهان سوم از لحاظ رشد اقتصادی کلی و جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی بود و این کشور نه تنها به دیدگاه سرمایه داری آزاد تن نداد بلکه به پیروی از راهبردهایی ادامه داد که به راهبردهای دولت توسعه گرا نزدیک تر بود تا مدل نولیبرالی (اوانز، ۱۳۸۰).

تجربه خصوصی سازی در کشورها نشان می دهد که اگر خصوصی سازی در شرایط مناسب و با ابزار مؤثر و صحیح صورت نگیرد، نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه ممکن است شرایط اقتصادی را نسبت به گذشته وخیم تر کند (اوانز، ۱۳۸۰).

خصوصی سازی یک مرهم معجزه آسا نیست، مباحثه همچنان درباره آثار آن- و بالطبع مطلوبیت آن - به خصوص در کشورهایی که اصلاحات تکمیلی در آن ها به اجرا گذاشته نشده است و رقابت در آن ها محدود و ظرفیت های سیاست گذاری و نظارتی در آن ها نپا است، هنوز جریان دارد (بیردزال و نلیس، بررسی واقعیت آثار توزیعی خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه، ۱۳۸۹).

موانع سازمانی

طراحی نادرست فرآیند اجرای خصوصی سازی

توجه به ساختار اقتصاد ایران مؤید غلبه حضور دولت در آن است؛ بنابراین برای خصوصی سازی چاره ای جز اتخاذ سیاست خصوصی سازی بازار به بازار و مرحله ای نیست.

در واگذاری ها؛ شرکت های بزرگ - اصطلاحاً گروه ۲ - ملاک قرار گرفته اند این بنگاه ها هر کدام سرمایه چند هزار میلیاردی دارند و بخش خصوصی واقعی برای خرید این حجم از سرمایه توانایی لازم را ندارد.

توجه به استقرار و طراحی درست فرآیند خصوصی سازی هم پلایه اتخاذ یک راهبرد صحیح در روند خصوصی سازی است، یکی از اهداف سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ «افزایش سطح رقابت در بازارهای ملی و ارتقای رقابت پذیری ملی اقتصاد ایران» است. لازمه تحقق این هدف پیش از خصوصی سازی بنگاه ها، استقرار سازوکار بازار رقابتی است.

نسبت بازارها و بازیگران اقتصادی را می‌توان به رابطه مجموعه زیرساخت‌های فیزیکی میادین ورزشی با قواعد بازی و نظام داوری تشبیه کرد. آیا بدون فراهم بودن زیرساخت‌های لازم می‌توان یک رقابت سالم ورزشی را انتظار داشت؛ بنابراین در عرصه اقتصاد هم تعریف قواعد بازی و ساخت زیرساخت‌ها شرط پیش‌بینی یک رقابت سازنده است (پاکدامن، جنبه‌های کاربردی خصوصی‌سازی، ۱۳۷۴).

به بیان دیگر بازارهای گوناگون ویژگی‌های متفاوتی دارند؛ بنابراین ضروری است فرآیند خصوصی‌سازی با توجه به وضعیت پیشین آن‌ها و ماهیت بازار طراحی شود. در طراحی فرآیندهای خصوصی‌سازی باید به میزان و شدت انحصارات دولتی توجه کرده و سازوکارهای متفاوتی را برای آن‌ها در نظر گرفت و سیاست خصوصی‌سازی و فرآیندهای اجرایی آن؛ بازار به بازار اتخاذ شود و همچنین پیش از واگذاری‌ها به نتایج و آثار آن اندیشید.

برای طراحی درست فرآیند اجرای خصوصی‌سازی سه اقدام بنیادین ضروری است قدم اول انحصارزدایی است این موضوع ناظر بر لغو انحصارات و بازنگری در نظام حمایتی از آن‌هاست (مجلس شورای اسلامی، ۱۸ فروردین ۱۳۸۱).

مرحله بعد جایگزینی قواعد جدید در مقابل مقررات انحصاری است به تحقیق این گام سخت‌ترین گام است چرا که مقاومت نهادهای پیشین به‌ویژه هنجارهای تاریخی بازارهای انحصاری و بهره‌مندان از آن‌ها را به همراه دارد و نباید انتظار داشت که ذینفعان بازارهای انحصاری به‌سادگی تسلیم رقابت شوند و گام سوم استقرار نهادهای جدید بازار است فرآیند واگذاری بنگاه‌ها باید به‌نحوی صورت گیرد که حصول اطمینان از موفقیت بنگاه در بازار را بیشینه و مخاطره شکست آن را کمینه نماید. نخستین شرط تحقق این هدف حصول اطمینان از سلامت بنگاه پس از واگذاری است از این موضوع در ادبیات خصوصی‌سازی تحت عنوان بازسازی ساختاری بنگاه‌ها یاد می‌شود (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶).

جوهر و مفهوم خصوصی سازی این است که دولت مدیریت و کنترل یک بنگاه را رها سازد و مالکیت سهام آن را به بخش خصوصی واگذار کند. یکی دیگر از مؤلفه های طراحی نادرست فرآیند خصوصی سازی آن است که مدیریت بنگاه واگذار شده کماکان در اختیار دولت باقی بماند؛ فروش بخشی از سهام یک بنگاه نمودی از طراحی نادرست فرآیند واگذاری است، چرا که دولت با داشتن ۴۰ درصد سهام آن همچنان کنترل و مدیریت بنگاه را در اختیار خواهد داشت و می توان ادعا نمود در عمل خصوصی سازی محقق نشده است.^۱

تشریفات پیچیده اداری

در بسیاری از کشورها، با وجود حمایت های سیاسی، فرآیند خصوصی سازی با سرعتی خیلی کمتر از سرعت پیش بینی شده صورت گرفت؛ زیرا ساختارهای سازمانی و رویه های خصوصی سازی ضعیف، پیچیده و مبهم بودند؛ برای مثال ارزیابی بنگاه های دولتی در مالزی و فیلیپین بسیار زمان بر بود، خصوصی سازی در مالزی با محدودیت های قانونی و اداری مواجه شده بود. برخی از واحدها و آژانس ها هنوز اختیار فروش قسمتی یا همه دارایی های خود را نداشتند. از سوی دیگر کلیه کارکنان دولتی می بایست به هر ترتیب به صورت مادام العمر مستمری خود را دریافت کنند و برای پرداخت مستمری آن ها پس از خصوصی سازی شرکت های مربوطه راه کارهایی ارائه شود. مهم تر از همه آن ها دولت مالزی به منظور از بین بردن فقر و اشاعه فرصت های اقتصادی برای بومیان مالزی بر کار شرکت های دولتی کنترل داشت و پرواضح است که در ارائه خط مشی فروش بنگاه های دولتی به این اهداف سیاسی توجه لازم مبذول می شد (پرکوپنکو، مدیریت خصوصی سازی، ۱۳۸۰).

دلایل کندی خصوصی سازی در کشورهای اروپای مرکزی عبارت بودند از پیچیدگی های بوروکراتیک ناشی از رویه های پیچیده و مبهم، محدود بودن کارکنان ماهر

۱ رشیدی، نظام حقوقی حاکم بر خصوصی سازی در چارچوب اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲

وزارتخانه‌ها و آژانس‌های دولتی در امر تجدید نظر و تأیید طرح‌های خصوصی‌سازی و در برخی موارد، تأخیرات عمومی بوروکرات‌ها (پرکوپنکو، مدیریت خصوصی‌سازی، ۱۳۸۰). همچنین در رابطه با مواجهه برخی کشورها با پیچیدگی‌های اداری اظهار می‌دارد مشکلات اولیه لهستان، اسلونی و فدراسیون روسیه ناشی از قواعد و رویه‌های مبهم خصوصی‌سازی بود و این امر خود موجب بروز تفاسیر و استانداردهای متعدد توسط وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف می‌شد.

عدم تعیین دقیق اهداف خصوصی‌سازی

یکی از اهداف خصوصی‌سازی رقابتی کردن بازار است. برای تحقق این هدف استقرار نظام رقابتی جایگزین باید مورد توجه قرار بگیرد. این بدین مفهوم است که در مورد هر بازار باید نظام رقابت متناظر آن وضع شود- از این موضوع در ادبیات خصوصی‌سازی تحت عنوان خصوصی‌سازی مرحله‌ای و ساماندهی بازار هدف یاد می‌شود- تا افرادی که از بخش‌های دولتی و تعاونی تمایل به ورود به آن را دارند از مزایا و محدودیت‌ها و همچنین فرصت‌ها و مخاطرات مطلع بوده و همچنین تصمیمات آن‌ها از موضع آگاهی باشد (رشیدی، نظام حقوقی حاکم بر خصوصی‌سازی در چارچوب اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲)

مؤثرترین تدبیر جهت افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، استقرار نظام رقابتی است؛ اما واگذاری سهام خارج از بازار- تحت عنوان رد دیون- به نهادهای شبه‌دولتی یا انتظار کسب درآمد از خصوصی‌سازی مانع عمده‌ای بر سر راه این هدف- استقرار نظام رقابتی- تلقی می‌شود (کمیسون ویژه نظارت و پیگیری اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۹).

یکی دیگر از اهداف متصور خصوصی‌سازی «گسترش مالکیت عموم مردم» است، صنعت ورزش به ذاته مورد علاقه اکثریت افراد جامعه است از این رو اگر شرایطی حاصل شود که آن‌ها بتوانند در مالکیت ورزش کشور سهیم شوند فروگذار نخواهند بود.

موانع سیاسی

رابطه‌گرایی شدید در واگذاری

در فرایند خصوصی‌سازی ممکن است فرد یا گروهی برای تغییر تصمیمات و حذف رقابت به طور مستقیم در فرآیند خصوصی‌سازی دخالت کرده یا برای کسب منافع شخصی با تصمیم‌گیرندگان ارتباط برقرار نماید،^۱ عنوان می‌دارد «اکنون در پرتو مدیریت دولتی نوین نظام توزیع غنائم به شکل واگذاری شرکت‌های سود ده به طرفداران حزبی و حتی اقوام و دوستان متجلی شده است این وضعیت در بسیاری از کشورها رایج است؛ به عبارت دیگر بر اساس نظریه جابه‌جایی مدیران دولتی در کشورهای جهان سوم، حاکمیت دولت و مدیریت دولتی در دست مجموعه‌ای خاص است».

این ره‌آورد ناخوشایند مدیریت دولتی نوین ضمن کاهش اعتماد عمومی به دولت، مشروعیت نظام سیاسی این کشورها را نیز به چالش کشیده است، هرچند نظام توزیع غنائم در این کشورها با نوساناتی همراه است در بسیاری از کشورها مصداق و نمود عینی دارد.

شیوه‌های تعیین الزامات مناقصه، طرح پروژه و خود فرایند می‌تواند فضایی برای رابطه‌گرایی فراهم آورد تعیین جزئیات پیچیده، مدیریت زمان مناقصه یا شرایط کیفی غیر ضروری نیز طی فرآیندی کاملاً شفاف؛ انتخاب از پیش تعیین‌شده یک شرکت‌کننده یا حذف دیگر شرکت‌کننده را مخفی می‌سازد (وایزشر و همکاران، ۱۳۸۶).

دخالت گروه‌های ذینفع در امر خصوصی‌سازی (الوانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴) بیان می‌دارد گروه‌های ذی‌نفوذ به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که هدف و مقصود مشترکی را دنبال می‌کنند و از نفوذ و قدرت مسلطی در یک زمینه برخوردار می‌باشند؛ البته هر سازمان و گروهی ممکن است در موقعیت‌های خاص حالت گروه ذی‌نفوذ را به خود بگیرد گروه‌های ذی‌نفوذ ممکن است بکوشند تا منافع مادی اعضای خود را تأمین کند و از این جهت برای آنان تکیه‌گاهی مطمئن باشند.

شیوه نفوذ گروه‌های ذی‌نفوذ متنوع و متعدد است. آن‌ها ممکن است برای اعمال نفوذ به اقدامات علنی یا پوشیده‌ای دست بزنند. زمانی که این گروه‌ها به‌طور عمومی از برنامه‌ای

حمایت می‌کنند یا به‌طور رسمی طرحی را مورد انتقاد قرار می‌دهند برای اعمال نفوذ به اقدامات علنی توسط جسته‌اند در اقدامات پوشیده، تماس‌ها، کمک‌ها و ارتباطات جنبه مخفی دارد و عام و علنی نمی‌باشند.

ایجاد ارتباط با مقامات بالای سازمان‌ها و صاحبان قدرت نیز شیوه‌ای است که در برخی مواقع مورد استفاده گروه‌های ذی‌نفوذ قرار می‌گیرد. یکی دیگر از ابزارهای مورد استفاده این گروه‌ها، رسانه‌های گروهی و تبلیغات می‌باشد. با توسعه وسایل ارتباطی جمعی، این شیوه در بسیاری موارد می‌تواند قدرت گروه‌های مذکور را عملی ساخته و نفوذ آنان را تحقق بخشد. تأکید بر اخبار جهت‌دار و انتقال و ارائه آن به جامعه، بر افکار عمومی تأثیر بسیار دارد و مراجع حکومتی را به عکس‌العمل وادار می‌سازد؛ عکس‌العملی که مسلماً در تصمیم‌گیری آن‌ها بی‌تأثیر نخواهد بود. همچنین اطلاعات مذکور ممکن است به‌طور مستقیم به تصمیم‌گیرندگان دولتی ارائه شود و موجب اعمال نفوذ گروه‌های ذی‌نفوذ (ذینفع) گردد. ائتلاف نیز تاکتیک دیگری است برای تحقق اهدافی که در سایه اتحاد و اتفاق بین چند گروه امکان‌پذیر می‌گردند. تحریم و مقاومت منفی نیز در شرایطی که طرفداران گروه‌های ذی‌نفوذ زیاد باشند، حربه مؤثری برای اعمال نظرات آنان است. اجتماعات و تظاهرات عمومی در بیان درخواست‌ها و رفع مشکلات، شیوه دیگری است که مورد بهره‌برداری گروه‌های ذی‌نفع قرار می‌گیرد، دادخواهی عمومی و استفاده از نظام قضایی و عدلیه نیز می‌تواند برای رسیدن به هدف‌ها، مورد استفاده آن‌ها قرار گیرد، اقامه دعوی علیه اقدامات دولت و تبلیغات در مورد آن، از نمونه‌های کاربرد این روش است روش‌های خشونت‌آمیز اعتصابات و ایجاد بی‌نظمی برای توجه افکار عمومی نیز گاهی اوقات به‌عنوان تاکتیک مورد استفاده گروه‌های ذینفع قرار می‌گیرد (الوانی، ۱۳۹۱).

گروه‌های ذینفع قوی در کشورهای در حال توسعه با خط‌مشی‌های خصوصی‌سازی و گسترش مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی به‌شدت مخالفاند، مخالفت‌ها بیشتر از طرف رهبران سیاسی که در موقعیت ممتاز کنترل بودند و اتحادیه‌های کارگری ابراز می‌شد، چون می‌ترسیدند شغل دولتی خود را از دست بدهند.

گروه‌های مشتری سازمان یافته نیز مخالف خصوصی سازی بودند؛ زیرا می‌ترسیدند که هزینه کالاها و خدماتی که دولت به آن‌ها یارانه می‌دهد افزایش بیابد. در برخی کشورها، تجار قدرتمندی که نمی‌خواستند روابط دیرپای آنان با بنگاه‌های دولتی خراب شود، با رقابت آزادتر مخالف بودند. مخالف قدرتمند خصوصی سازی در تایلند، ارتش بود که از کنترلش بر شرکت‌های عمومی برای استخدام افسران عالی‌رتبه پس از بازنشستگی استفاده می‌کرد. دولت بولیوی در سال ۱۹۹۲ میلادی، ۲۵ بنگاه را که ارتش اداره می‌کرد برای خصوصی سازی معین کرد و با مخالفت افسران ارشدی که کنترلشان را بر بنگاه‌های تجاری از دست می‌دادند، مواجه شد. گاهی اوقات نیز وزارتخانه‌هایی که بنگاه‌های دولتی زیر نظرشان بود، با خصوصی سازی مخالفت می‌کردند، با وجود حمایت رهبران سیاسی ارشد تایلند از خصوصی سازی، وزارتخانه‌ها و آژانس‌های متعددی با آن مخالفت بودند و آن را به تأخیر می‌انداختند؛ چون می‌ترسیدند آژانس آن‌ها قدرت، موقعیت یا کنترل منابع مالی را از دست بدهد.

گروه‌های اجتماعی، قومی و مذهبی که از کنترل دولت بر فعالیت‌های اقتصادی سود می‌بردند نیز، با خصوصی سازی مخالفت می‌کردند. در اندونزی ملی‌گرایان اقتصادی و مسلمانان به‌طور قوی با خصوصی سازی مخالفت بودند. آنان از سرمایه‌داری غربی متنفر بودند و از دولت انتظار داشتند در توزیع مجدد منابع (به شکل یارانه مواد غذایی، کنترل قیمت‌ها، ایجاد شغل، برنامه‌های اجتماعی یا پروژه‌های توسعه منطقه) دخالت کند. در اندونزی و مالزی این ترس عمومی وجود داشت که خصوصی سازی باعث شود که فن‌سالاران ثروتمند چینی یا بنگاه‌های چندملیتی بر صنایع خدمات عمومی مسلط شوند.

فساد در فرآیند خصوصی سازی

فساد به سوء استفاده از قدرت برای کسب منفعت شخصی یا منافع گروهی اشاره دارد. فساد تجلی نوعی از رفتار مقامات دولتی است که در آن به‌طور نادرست و غیر قانونی با سوء استفاده از قدرت عمومی محول شده به آن‌ها، خود و نزدیکانشان را غنی می‌سازند

(Stapenhurst & Langseth, 1997). فساد را می‌توان به دو مقوله جزئی و کلان تقسیم

کرد:

فساد جزئی به افزونه‌خواهی‌های جزئی اشاره دارد و در آن کارکنان دولت مبالغی را از شهروندان دریافت می‌کنند؛ فساد کلان توسط مقامات عالی‌رتبه دولتی صورت می‌گیرد؛ این مقامات به‌طور عمده در زمینه انعقاد قراردادهای بزرگ تصمیم‌گیری می‌کنند.

فساد به‌طور معمول در جایی رخ می‌دهد که بخش دولتی و بخش خصوصی با یکدیگر ملاقات می‌کنند، به‌ویژه در جاهایی که مقامات دولتی مسئولیت مستقیم عرضه خدمات عمومی یا اعمال مقررات خاصی را بر عهده دارند. برای وقوع فساد عناصر زیر باید وجود داشته باشند:

مقام دولتی؛

قدرت؛

آزادی عمل؛

سوء استفاده از قدرت توسط مقام دولتی و نوعی منفعت که نصیب مقام دولتی می‌شود

(وایزشکر و همکاران، ۱۳۸۶)

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در جاهایی که فساد مزمن هست هزینه ناعادلانه هنگفتی بر کسب‌وکارهای کوچک تحمیل می‌شود. در اثر فساد چه‌بسا بنگاه‌هایی که قصد خصوصی‌سازی آن‌ها را داریم به پیشنهاددهندگان باصلاحیت تخصیص نیابند.

در روسیه مالکیت بیش از هفتاد درصد شرکت‌ها به دنبال اجرای برنامه خصوصی‌سازی رسمی در سال‌های ۹۴ - ۱۹۹۲ میلادی، به افراد داخلی شرکت‌ها - دارندگان اطلاعات پنهان شرکت‌ها - منتقل شد. انتظار این بود که این مالکان درهای شرکت‌ها را به روی افراد خارج که پول و تخصص داشتند باز کنند. پیش‌بینی می‌شد صندوق‌های سرمایه‌گذاری تازه تأسیس به این جریان کمک کنند ولی مالکان جدید نسبت به از دست دادن کنترل خود بر شرکت بی‌میلی نشان می‌دادند و سرمایه‌گذاران خارجی در وضعیت نابسامان و بی‌قانونی، بسیار محتاطانه عمل می‌کردند در نتیجه هیچ‌یک از سرمایه‌گذاران جدید یا صندوق‌های

سرمایه‌گذاری روسیه در تغییر و تمرکز مالکیت در بازار ثانویه توفیقی به دست نیاوردند و پیامد آن هم تنها یک بازسازی محدود بود. روش‌های نقدی غیر شفاف شرکت‌های بزرگ روسیه و برنامه مشهور «وام برای سهام» به فرهنگ دزدسالاری کمک کرد یا باعث ایجاد آن شد؛ به این معنی که بسیاری از شرکت‌های مستعد با قیمت‌های پایین به گروه‌های کوچک سرمایه‌گذاران انتقال یافتند (وایزشکر و همکاران، ۱۳۸۶) یکی دیگر از مظاهر فساد در فرآیند خصوصی‌سازی شرکت‌های روسیه عدم پرداخت قیمت مناسب از طرف سرمایه‌گذاران جدید برای تصاحب شرکت‌ها بوده است. تجربه کشور روسیه نشان داد در پیش گرفتن روش‌های غیر شفاف فروش، به فساد در واگذاری‌ها دامن خواهد زد.

نبود شفافیت باعث بروز فساد می‌شود و بهانه‌ای به دست مخالفان سیاسی و دیگران می‌دهد و عقب‌نشینی سرمایه‌گذاران و کل جامعه را به همراه می‌آورد و تهدیدی جدی برای توقف جریان خصوصی‌سازی و اصلاحات و آزادسازی به شمار می‌رود. مطالعات اخیر در آرژانتین و آمریکای لاتین نشان می‌دهند که علت اصلی کاهش پشتیبانی از برنامه خصوصی‌سازی وجود اوضاع نامناسب اقتصادی بوده، اما روش‌های به کار رفته در جریان خصوصی‌سازی به «دارندگان اطلاعات نهایی» اجازه داد به «داد و ستد درونی» پردازند، در حالی که «حراج‌های» بعد از خصوصی‌سازی به بخشش قسمتی از باارزش‌ترین دارایی‌ها به تعدادی از اشخاص با نفوذ انجامید و این افراد نیز به دلیل نبود تمهیدات قانونی و نهادی مناسب به اقدامات نامشروع خود ادامه دادند در نتیجه مردم به مبارزه با خصوصی‌سازی پرداختند و آن را مترادف با اتلاف و انباشت ثروت نزد عده‌ای خاص در نظر گرفتند (وایزشکر و همکاران، ۱۳۸۶).

ایجاد شفافیت به معیارهای متعددی بستگی دارد انتقال سریع و کامل دارایی‌ها بدون توجه ویژه به مزایا و امتیازات دارندگان اطلاعات نهایی در شرکت‌های رقابتی، حیاتی است، شواهدی از مکزیک، بلغارستان، آفریقای جنوبی و سایر نقاط نشان می‌دهند که هنگامی که شرکتی قرار است واگذار شود تأخیر در تکمیل فرآیند واگذاری شرکت به افت عملکرد، اتلاف دارایی‌ها و فروش با نرخ پایین منجر می‌شود و در نهایت به جای حرکت

جریان نقدینگی، خریداران معدودی به سمت این شرکت گام برمی‌دارند. تأمین نقدینگی رویکرد فنی درستی است ولی از نظر سیاسی ناپسند به شمار می‌رود، در این حالت ممکن است به مذاکره برای رسیدن به توافق ویژه نیاز باشد که این امر نیز احتمال افزایش عدم شفافیت را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، فروش شرکت‌ها - به‌ویژه بنگاه‌های زیربنایی - در نبود اقداماتی برای ارتقای رقابت و مقررات و حمایت از مصرف‌کنندگان در برابر سوء استفاده از قدرت انحصاری، می‌تواند بسیار هزینه‌بر باشد.

اولویت باید با واگذاری سریع شرکت‌هایی باشد که در بازارهای رقابتی یا رقابتی بالقوه فعالیت دارند؛ اما لازم است ساختار مناسب برای واگذاری شرکت‌های زیربنایی پدید آید. چارچوب نهادی مؤثری مورد نیاز است ولی مطالبه این چارچوب از به عمل درآوردن آن بسیار ساده‌تر است. در بحث خصوصی‌سازی این امر مستلزم مواردی است که از جمله می‌توان به حداقل کاغذبازی‌های اداری، دسترسی مستقیم و پشتیبانی مسئولان عالی‌رتبه سیاسی، منابع کافی و انعطاف‌پذیری برای جذب منابع خصوصی متعدد و البته گران، به‌منظور تکمیل و فراهم کردن فرآیند فروش، اشاره کرد. مشاوران مالی مستقل و کارشناسان خبره در این مقوله نقش مهمی ایفا می‌کنند به‌ویژه در ارزیابی مستقل دارایی‌ها بر اساس وضعیت بازار و با هدف اطمینان از واقعی و مناسب بودن نرخ‌ها که البته از لحاظ سیاسی نیز قابل دفاع باشد.

واگذاری انجام عملیات خصوصی‌سازی به وزارتخانه‌ها در صورت وجود درجات بالای تعهد سیاسی و ظرفیت کافی اداری، می‌تواند بسیار مطلوب باشد؛ اما به‌طور معمول چنین زمینه‌هایی در اغلب کشورها موجود نیست. فراوانی و گوناگونی مراحل مختلف فروش، موجب بروز نگرانی نسبت به وجود ثبات و شفافیت می‌شود. افزایش رقابت در جریان واگذاری، شاید به‌نوبه خود مؤثرترین شیوه برای رسیدن به شفافیت باشد و مزایای مالی و اقتصادی فراوانی به بار آورد. هرچه آزادی در رقابت برای انتخاب بیشتر باشد شفافیت بیشتر خواهد بود (وایزشکر و همکاران، ۱۳۸۶).

عرضه عمومی یا انتشار سهام به عنوان مهم ترین عامل شفافیت و منفعت فروشندگان به شمار می رود در حالی که نگرانی های زیادی درباره امکان بروز فساد در جریان برنامه خصوصی سازی وجود داشته است (وایزشکر و همکاران، ۱۳۸۶).

پیشینه تحقیق

نتایج تحقیق دکتر امیری دانشیار دانشگاه تهران و همکاران با عنوان «تبیین و اولویت بندی موانع فراروی خصوصی سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش» بیانگر آن است که موانع اصلی فراروی خصوصی سازی ورزش از منظر صاحب نظران دانشگاهی به ترتیب عبارت است از موانع «مدیریتی»، «فرهنگی / اجتماعی»، «اقتصادی / سیاسی» و «حقوقی» (امیری و همکاران، ۱۳۹۲).

(زرنندی، موانع مشارکت بخش خصوصی در ورزش حرفه ای ایران، ۱۳۹۱) با بررسی «موانع مشارکت بخش خصوصی در ورزش حرفه ای ایران» نتیجه گرفته است که موانع و مشکلات مشارکت بخش خصوصی به دو دسته کلی تقسیم می شود؛ دسته اول، موانعی که در بدنه کشور وجود دارند، مانند ضعف در ساختار بخش دولتی؛ وجود قوانین متعدد، متناقض و سخت گیرانه؛ نبود تعریف مشخص از مالکیت باشگاه های خصوصی و دسته دوم موانعی که به طور ویژه مربوط به بخش خصوصی می باشد که مهم ترین آن ها عدم اعتقاد به کارایی بخش خصوصی، فقدان فرهنگ خصوصی سازی و عدم پذیرش مالکیت بخش خصوصی می شود.^۱

نتایج تحقیق (قره خانی و همکاران، بهار ۱۳۹۰) با عنوان «شناسایی و اولویت بندی موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور» حاکی از آن است که: موانع اقتصادی و مالی ۰/۷۹، موانع حقوقی و قانونی ۰/۶۸ و موانع ساختاری ۰/۴ به ترتیب در رتبه های اول تا سوم قرار دارند.

(علی زاده، خصوصی سازی در عرصه فرهنگ و هنر و فرآیند مشارکت مردمی، ۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «خصوصی سازی در عرصه فرهنگ و هنر و فرآیند مشارکت مردمی»

۱ زرنندی، موانع مشارکت بخش خصوصی در ورزش حرفه ای ایران، ۱۳۹۱

مهم‌ترین مشکلات دولت در مرحله پیش از اجرای خصوصی‌سازی را نبود اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف به مردم، ضعف در ابلاغ برنامه‌های خصوصی‌سازی، عدم تعیین و تصریح اهداف خصوصی‌سازی، فقدان تعیین دقیق سیاست‌ها و راهبردهای خصوصی‌سازی، فقدان ایجاد رویه‌های قانونی و روزآمد، فقدان اولویت‌بندی مناسب برای واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، فقدان انجام اقدامات ضروری در جهت کاهش میزان تورم می‌داند.^۱

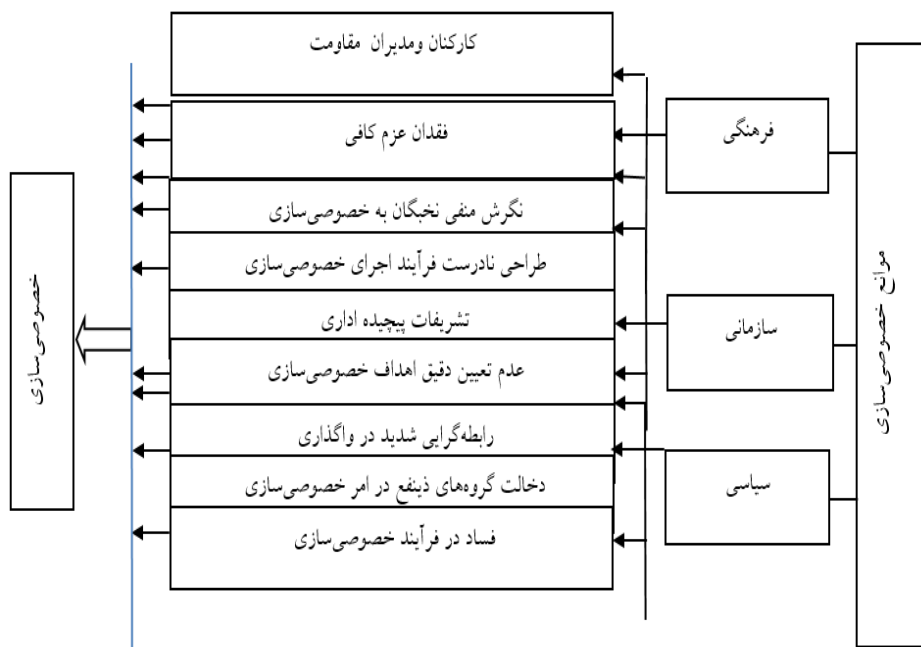
در پژوهشی با عنوان «موانع اقتصادی خصوصی‌سازی و آزادسازی در مخابرات» مهم‌ترین موانع در جهت خصوصی‌سازی را ضعف مهارت‌های مدیریتی، نبود عزم ملی در اجرای سیاست خصوصی‌سازی، عدم تعریف و شناخت گروه‌های ذینفع و ذی‌نفوذ و نبود برنامه منسجم برای خصوصی‌سازی می‌داند (هادی‌فر، ۱۳۸۶).

(کاظمی، بررسی موانع خصوصی‌سازی در شرکت پست جمهوری اسلامی ایران با استفاده از مدل پرکوپنکو، ۱۳۸۸) در مطالعه خود موانع خصوصی‌سازی در شرکت پست را بررسی کرده است. نتایج حاصل از تحقیق وی حاکی از آن است که بین مقاومت مدیران و کارکنان، پیچیدگی بوروکراتیک سازمان و ضعف مهارت‌های مدیریتی و روند کند خصوصی‌سازی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

(رضوی، بررسی و تحلیل سیاست خصوصی‌سازی در ورزش کشور با تأکید بر ورزش قهرمانی، ۱۳۸۳) رساله دکتری خود را با عنوان «تحلیل سیاست خصوصی‌سازی در ورزش کشور با تأکید بر ورزش قهرمانی» انجام داد. وی چنین نتیجه‌گیری کرده است که فقط ده درصد مدیران با ضرورت خصوصی‌سازی در ورزش موافق نیستند و مدیران دارای تحصیلات عالی‌تر، گروه سنی بالاتر، سابقه خدمت بیشتر و مدیریت بالای ۱۰ سال با اجرای سیاست خصوصی‌سازی در ورزش موافقت بیشتری دارند.

مدل مفهومی تحقیق

برای طراحی مدل مفهومی این تحقیق مدل نظری ژوزف پرکوپنکو که در آن به موانعی چون «مقاومت کارکنان و مدیران»، «پیچیدگی های بوروکراتیک» و «ضعف مهارت های مدیریت در اقتصاد بازار» اشاره گردیده و همچنین به مدل ارائه شده از سوی دکتر امیری و همکاران استناد شده است.



روش تحقیق

روش اصلی این پژوهش از نظر ماهیت، توصیفی و از نظر هدف به جهت اینکه می تواند مورد استفاده دستگاه های مسئول در حوزه خصوصی سازی ورزش قرار بگیرد در زمره پژوهش های کاربردی قرار می گیرد.

جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شامل مدیران و کارشناسان وزارت ورزش و جوانان در حوزه های مرتبط بودند. به لحاظ محدودیت افراد؛ تمامی اعضا جامعه آماری مد نظر قرار

گرفتند و به عبارتی نمونه این تحقیق معادل جامعه آماری در نظر گرفته شد. در این تحقیق تعداد ۳۸۶ نفر به پرسشنامه تحقیق پاسخ دادند.

روش گردآوری اطلاعات

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه - محقق ساخته - است که به‌طور مستقیم توسط پاسخگویان - مدیران و کارشناسان وزارت ورزش و جوانان - تکمیل شده است.

روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق ضمن ورود داده‌های پرسشنامه در نرم‌افزار «SPSS» و «MINI TAB» برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از روش تحلیل توصیفی - به‌منظور سنجش فراوانی - و از روش تحلیل استنباطی - آزمون تی تک‌نمونه و آزمون علامت تک‌نمونه و همین‌طور آزمون فریدمن - برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

روایی پرسشنامه تحقیق

نوع بررسی اعتبار این تحقیق؛ روش اعتبار صوری است که به شکل ذیل انجام شد: پرسشنامه این تحقیق محقق ساخته بوده و در مرحله اول، تلاش محقق بر آن بود تا سؤالات متناسب با ابعاد خصوصی سازی ورزش کشور و همچنین متغیرهای تحقیق و شاخص‌های برآمده از نظریه‌ها و مفاهیم به نگارش درآید در این مرحله تعداد ۴۹ سؤال طراحی شد. پس از اعمال نظر صاحب‌نظران پرسشنامه تحقیق با شش سؤال عمومی و سی‌وهشت سؤال بسته و دو سؤال باز نهایی شد.

پایایی پرسشنامه تحقیق

در این تحقیق معیار آلفای کرونباخ در روند نهایی سازی و همبستگی درونی سؤالات پرسشنامه به کار گرفته شد در مرحله اول پرسشنامه تهیه شده در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران حوزه ورزشی قرار گرفت تا پایایی آن مورد سنجش قرار بگیرد. پرسشنامه بین ۱۸ نفر توزیع شد پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های پر شده و یکسان‌سازی جهت سؤالات، آلفای کرونباخ عدد «۰/۵۸۷» را نشان داد که مقدار پایینی بود به همین خاطر برخی سؤالات که حذف آن‌ها به افزایش مقدار آلفای کرونباخ منجر می‌شد، حذف شدند

در این مرحله آلفای کرونباخ مقدار «۰/۷۰۵» که بیانگر عدد مناسبی برای این معیار تلقی می شد به دست آمد.

همچنین پس از توزیع پرسشنامه تصحیح شده بین پاسخگویان - تعداد پاسخگویان ۳۸۶ نفر بودند- و پردازش اطلاعات، دوباره آلفای کرونباخ محاسبه شده و عدد ۰/۷۷۱ را نشان داد.

یافته های تحقیق

بُعد فرهنگی

مقاومت مدیران و کارکنان

برای بررسی متغیر «مقاومت مدیران و کارکنان» سه شاخص «مقاومت در برابر تغییرات حاصل از خصوصی سازی»؛ «ذهنیت منفی کارکنان نسبت به خصوصی سازی به لحاظ کاهش امنیت شغلی»؛ «اعمال فشار برای واگذاری اماکن ورزشی به پیشکسوتان در فضای غیر رقابتی» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که (۸۳٪) پاسخگویان با ترس مدیران و عدم اشراف آن ها نسبت به شرایط اقتصادی پس از خصوصی سازی اماکن ورزشی موافق هستند نتایج حاصله گویای آن است که از منظر پاسخگویان، مدیران اماکن ورزشی دولتی از حضور در عرصه اقتصاد بازار آزاد صنعت ورزش و رقابت واهمه دارند و این ترس موجب می شود تا در برابر خصوصی سازی مقاومت کنند.

بررسی شاخص دوم (ذهنیت منفی کارکنان نسبت به خصوصی سازی به لحاظ کاهش امنیت شغلی) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۸۵٪) پاسخگویان معتقدند کارکنان اماکن ورزشی شغل خود را در خطر می بینند از این رو در برابر خصوصی سازی اماکن ورزشی مقاومت می کنند.

همچنین با بررسی سومین شاخص مشخص شد بالغ بر (۷۱٪) از پاسخگویان معتقد بودند که اماکن ورزشی باید در فضای غیر رقابتی به پیشکسوتان ورزشی و کارکنان بدنه ورزش واگذار شود. این شاخص به نوعی نگرش پاسخگویان را مورد سنجش قرار داده و

می‌توان چنین نتیجه گرفت نگرش پاسخگویان که شامل مدیران و کارکنان وزارت ورزش و جوانان می‌شود بر سر راه خصوصی‌سازی ورزش مانع ایجاد خواهد کرد چرا که این گروه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تصمیم‌ساز خصوصی‌سازی صنعت ورزش محسوب می‌شوند.

در تحقیق کاظمی (۱۳۸۸ ه.ش) نیز «مقاومت کارکنان و مدیران» به‌عنوان مانع خصوصی‌سازی شرکت پست مورد تأیید قرار گرفته است.

فقدان عزم کافی

سطح معنی‌داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از این رو تأثیر فقدان عزم کافی بر روند خصوصی‌سازی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای بررسی متغیر «فقدان عزم کافی» دو شاخص «نبود اعمال تلاش‌های مداوم برای رسیدن به هدف (خصوصی‌سازی)» و «عزم و اراده مسئولان برای خصوصی‌سازی به رفتار آنان جهت می‌دهد» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که (۸۸٪) پاسخگویان موافق آنند که تلاش‌های صورت‌گرفته در زمینه خصوصی‌سازی ورزش غیر مستمر و ناپایدار است.

بررسی شاخص دوم (عزم و اراده مسئولان برای خصوصی‌سازی به رفتار آنان جهت می‌دهد) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۶۵٪) پاسخگویان معتقدند مسئولان هنوز تصمیم جدی برای خصوصی‌سازی اماکن ورزشی نگرفته‌اند و تلاش آن‌ها برای خصوصی‌سازی از منظر پاسخگویان جدی تلقی نشده است. از این رو نبود انگیزه کافی در آن‌ها مانعی در روند خصوصی‌سازی ورزش است.

قره‌خانی و همکاران (۱۳۹۰ ه.ش) در تحقیق خود موانع خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال کشور را بررسی کرده‌اند، در تحقیق آن‌ها علی‌رغم نتایج این تحقیق، فرضیه تأثیر «فقدان عزم و اراده مدیران» بر روند خصوصی‌سازی باشگاه‌های ورزشی رد شده است.

نگرش منفی نخبگان به خصوصی‌سازی

سطح معنی داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان بر لبه ر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است. آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از این رو تأثیر نگرش منفی نخبگان به خصوصی سازی بر روند خصوصی سازی مورد تأیید قرار می گیرد.

برای بررسی متغیر «نگرش منفی نخبگان و مردم به خصوصی سازی» دو شاخص «اعتماد به کارگزاران دولتی با در نظر گرفتن نفع عمومی» و «ناکارایی بخش خصوصی برای اداره صنعت ورزش» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که بالغ بر (۵۹٪) پاسخگویان با مالکیت دولت بر اماکن ورزشی موافقت و به بخش دولتی بیش از بخش خصوصی اعتماد دارند، این شاخص نگرش پاسخگویان را مورد سنجش قرار می دهد از این رو می توان اذعان داشت بیش از نیمی از کارکنان وزارت ورزش و جوانان نسبت به بخش خصوصی دیدی منفی دارند همچنین آن ها معتقدند با واگذاری اماکن ورزشی به بخش خصوصی دیگر دست عامه مردم به این اماکن نخواهد رسید.

بررسی شاخص دوم (ناکارایی بخش خصوصی برای اداره صنعت ورزش) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۵۴٪) پاسخگویان معتقدند با واگذاری اماکن ورزشی به بخش خصوصی اوضاع نسبت به گذشته وخیم تر خواهد شد این شاخص نیز نگرش پاسخگویان را مورد ارزیابی قرار داده و نتایج آن حاکی از آن است که کارکنان وزارت ورزش و جوانان صلاحیت بخش خصوصی در تصدی اماکن ورزشی را پذیرا نیستند.

بعد سازمانی

طراحی نادرست فرایند اجرای خصوصی سازی

سطح معنی داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۲۶) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از این رو تأثیر طراحی نادرست فرایند اجرای خصوصی سازی بر روند خصوصی سازی مورد تأیید قرار می گیرد.

برای بررسی متغیر «طراحی نادرست فرایند اجرای خصوصی سازی» چهار شاخص «صنعت ورزش در اختیار دولت است»؛ «جایگزینی فضای رقابتی در مقابل بازار انحصاری

صنعت ورزش؛ «لزوم بازسازی ساختاری اماکن ورزشی قبل از واگذاری» و «انتقال کامل مالکیت، سهام و مدیریت از بخش دولتی به بخش خصوصی» مورد سنجش قرار گرفته است.

یکی از الزامات طراحی درست فرایند خصوصی سازی انحصارزدایی است نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که بالغ بر (۶۸٪) پاسخگویان صنعت ورزش را در انحصار دولت می دانند این امر ناشی از آن است که دولت اقدامی جهت لغو انحصار دولتی صنعت ورزش و بازنگری در نظام حمایتی از اماکن ورزشی دولتی نکرده است و می توان نتیجه گرفت این رویه مانع خصوصی سازی صنعت ورزش است.

بررسی شاخص دوم (جایگزینی فضای رقابتی در مقابل بازار انحصاری صنعت ورزش) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۷۵٪) پاسخگویان اذعان داشته اند قواعد و اقتصاد رقابتی نتوانسته بر فضای غیر رقابتی غلبه پیدا کند و خریداران تمایل دارند اماکن ورزشی در فضای غیر رقابتی به آن ها واگذار شود از طرفی نگرش پاسخگویان هم مؤید ترجیح فضای غیررقابتی در عرصه واگذاری ها است چنانچه بیش از نیمی از آن ها معتقدند واگذاری ها اماکن ورزشی باید به تشخیص کارکنان وزارت ورزش و جوانان صورت پذیرد.

شاخص سوم بیانگر نگرش پاسخگویان به ضرورت تعیین وضعیت اقلام ساختاری اماکن ورزشی مثل نیروی انسانی، مسائل مالی و فنی قبل از واگذاری است، (۷۰٪) پاسخگویان با این شاخص موافق بوده اند از این رو می توان اذعان داشت بر اساس نگرش پاسخگویان نسبت به این شاخص واگذاری ها با مخاطره کمتری انجام خواهد شد.

شاخص چهارم نگرش پاسخگویان را نسبت به «انتقال کامل مالکیت، سهام و مدیریت از بخش دولتی به بخش خصوصی» را مشخص می کند. بالغ بر (۶۷٪) پاسخگویان معتقدند مدیریت اماکن ورزشی و همچنین بخشی از سهام آن ها باید در اختیار دولت باقی بماند در خصوص این نگرش می توان اذعان داشت بیش از نیمی از پاسخگویان عملاً به خصوصی سازی صنعت ورزش قائل نیستند چرا که جوهر و مفهوم خصوصی سازی این

است که دولت مدیریت و کنترل یک بنگاه را رها ساخته و مالکیت سهام آن را به بخش خصوصی واگذار کند.

در تحقیق هادی فر (۱۳۸۶) نیز «طراحی نادرست فرایند اجرای خصوصی سازی» به عنوان مانع خصوصی سازی شرکت مخابرات مورد تأیید قرار گرفته است.

تشریفات پیچیده اداری

سطح معنی داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از این رو تأثیر تشریفات پیچیده اداری بر روند خصوصی سازی ورزش کشور مورد تأیید قرار می گیرد.

برای بررسی متغیر «تشریفات پیچیده اداری» شاخص «رویه های پیچیده اداری مانع خصوصی سازی صنعت ورزش شده است» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری این شاخص حاکی از آن است که بالغ بر (۸۳٪) پاسخگویان رویه های پیچیده اداری را مانعی در روند خصوصی سازی ورزش قلمداد می کنند رویه های پیچیده اداری می تواند ناشی از محدودیت های قانونی و اداری یا محدود بودن کارکنان ماهر باشد. کاظمی (۱۳۸۸) در مطالعه خود در شرکت پست رابطه پیچیدگی بوروکراتیک و روند کند خصوصی سازی را مورد تأیید قرار داده است.

عدم تعیین اهداف دقیق خصوصی سازی

سطح معنی داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از این رو تأثیر عدم تعیین اهداف دقیق خصوصی سازی بر روند خصوصی سازی کشور مورد تأیید قرار می گیرد.

برای بررسی متغیر «عدم تعیین دقیق اهداف خصوصی سازی» دو شاخص «بجای بهره وری و کارایی انتظار درآمد از خصوصی سازی ورزش به وجود آمده است»؛ «روش های بکار گرفته شده در خصوصی سازی ورزش با گسترش مالکیت عمومی سختی ندارد» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که (۸۶٪) پاسخگویان قائل به این هستند که درآمد حاصل از خصوصی سازی باید برای رفع مشکلات ورزش کشور مثل رد دیون بخش دولتی هزینه شود. این انتظار از نحوه هزینه کرد اعتبارات با اهداف خصوصی سازی (افزایش کارایی و بهره‌وری بنگاه‌های واگذار شده) تناسبی نداشته و مانعی در روند خصوصی سازی از جمله خصوصی سازی ورزش محسوب می‌شود.

بررسی شاخص دوم (روش‌های بکار گرفته شده در خصوصی سازی ورزش با گسترش مالکیت عمومی سنخیتی ندارد) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۶۶٪) پاسخگویان ترجیح می‌دهند واگذاری ورزشگاه‌ها به خریداران عمده صورت پذیرد و بیش از نیمی از آن‌ها با روش‌هایی که منجر به توسعه مالکیت عمومی می‌شود مخالفند.

علی‌زاده (۱۳۸۴ ه.ش) در پژوهش خود با عنوان «خصوصی سازی در عرصه فرهنگ و هنر و فرایند مشارکت مردمی»؛ «عدم تعیین و تصریح اهداف خصوصی سازی» را به عنوان مشکل دولت پیش از اجرای خصوصی سازی مورد تأیید قرار داده است.

بعد سیاسی

رابطه گرای شدید در واگذاری

سطح معنی داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از این رو تأثیر رابطه‌گرایی شدید در واگذاری بر روند خصوصی سازی ورزش کشور مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای بررسی متغیر «رابطه‌گرایی شدید در واگذاری» سه شاخص «مدیریت اماکن ورزشی در دست عده‌ای خاص قرار دارد»؛ «تعیین جزئیات پیچیده برای انتخاب یک شرکت‌کننده و حذف شرکت‌کننده دیگر»؛ «برای تصمیم‌گیری‌های از نوع پشت پرده، روابط غیر رسمی ترجیح دارد» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که بالغ بر (۶۲٪) پاسخگویان اظهار کرده‌اند اماکن ورزشی به طور معمول به معتمدین دولتی واگذار می‌شود، رابطه‌گرایی از این دست و

واگذاری اماکن ورزشی به طرفداران حزبی، اقوام و دوستان به انحصار و مدیریت عده‌ای خاص بر اماکن ورزشی منجر شده و موانع خصوصی سازی واقعی صنعت ورزش می‌شود.

بررسی شاخص دوم (تعیین جزئیات پیچیده برای انتخاب یک شرکت کننده و حذف شرکت کننده دیگر) نیز حاکی از آن است که بالغ بر (۸۴٪) پاسخگویان «اهلیت داشتن» خریداران را مورد تأیید قرار داده‌اند این شاخص می‌تواند با هدف حذف رقبای و انتخاب گزینشی خریداران صورت پذیرد و فضا را برای رابطه‌گرایی فراهم آورد از این رو مانعی در روند خصوصی سازی اماکن ورزشی محسوب می‌شود.

همچنین با بررسی سومین شاخص مشخص شد بالغ بر (۷۵٪) از پاسخگویان اظهار کرده‌اند روابط رسمی و محدودیت سازمانی روند سازمانی را کند کرده است، از نظر آن‌ها واگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های پشت پرده بر روابط رسمی ترجیح دارد و این وضعیت به رابطه‌گرایی منجر شده و مانعی در روند خصوصی سازی ورزش است.

دخالت گروه‌های ذینفع در امر خصوصی سازی

سطح معنی‌داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از این رو تأثیر دخالت گروه‌های ذینفع در امر خصوصی سازی بر روند خصوصی سازی ورزش کشور مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای بررسی متغیر «دخالت گروه‌های ذینفع در امر خصوصی سازی» سه شاخص «دخالت گروه‌های ذینفع و تغییر تصمیمات مراجع حکومتی از طریق رسانه‌های گروهی»؛ «تحریم و مقاومت گروه‌های ذینفع در برابر واگذاری‌ها» و «ملی‌گرایان اقتصادی مخالف خصوصی سازی» مورد سنجش قرار گرفته است.

توسل گروه‌های ذینفع به رسانه‌های گروهی و تبلیغات در بسیاری از موارد قدرت آن‌ها را افزایش داده و شرایط برای تغییر تصمیمات مراجع حکومتی از طریق آن فراهم می‌آید. نتایج آماری شاخص اول حاکی از آن است که بالغ بر (۷۴٪) پاسخگویان اظهار داشته‌اند

گروه‌های ذینفع، تصمیم‌گیران حوزه خصوصی‌سازی ورزش را از طریق رسانه‌های گروهی و تبلیغات تحت فشار قرار می‌دهند.

بررسی شاخص دوم (تحریم و مقاومت گروه‌های ذینفع در برابر واگذاری‌ها) حاکی از آن است که بالغ بر (۶۲٪) پاسخگویان معتقدند این حق خریداران اماکن ورزشی است که در برخی مواقع در برابر نحوه واگذاری‌ها و قیمت آن‌ها مقاومت کرده و آن را تحریم کنند این شاخص نگرش پاسخگویان را مورد سنجش قرار داده و نتایج آن بیانگر آن است که این حربه نفوذ گروه‌های ذینفع از طرف پاسخگویان پذیرفته شده است.

همچنین با بررسی سومین شاخص مشخص شد، ملی‌گرایی اقتصادی در بین پاسخگویان در حد متوسط است، بر اساس نتایج حاصله (۵۲٪) از پاسخگویان تسلط سرمایه‌داری غربی یا نفوذ سرمایه‌داری وابسته به غرب را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. این نتیجه بیانگر آن است که ملی‌گرایی اقتصادی و میزان تنفر آن‌ها از سرمایه‌داری غربی نمی‌تواند مانع جدی در روند خصوصی‌سازی ورزش ایران باشد.

سهیلی (۱۳۸۳ ه.ش) نیز در پژوهش خود با عنوان چالش‌ها و تنگناها، آثار و راه‌کارهای آزادسازی و خصوصی‌سازی در بخش انرژی؛ «تضاد آزادسازی با منافع گروه‌های ذی‌نفوذ» را از جمله محدودیت‌های خصوصی‌سازی بخش انرژی دانسته و آن را تأیید کرده است. هادی‌فر (۱۳۸۶ ه.ش) هم «عدم تعریف و شناخت گروه‌های ذینفع و ذی‌نفوذ» را به‌عنوان مهم‌ترین موانع خصوصی‌سازی و آزادسازی در مخابرات دانسته و آن را تأیید کرده است.

فساد در فرایند خصوصی‌سازی

سطح معنی‌داری آزمون میانگین نظرات پاسخگویان برابر (۰.۰۰۰) بوده که کمتر از (۰.۰۵) است، آزمون میانه نیز مؤید نتایج آزمون میانگین است از این رو تأثیر فساد در فرآیند خصوصی‌سازی بر روند خصوصی‌سازی ورزش کشور مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای بررسی متغیر «فساد در فرایند خصوصی‌سازی» سه شاخص «بخش عمده‌ای از مالکان جدید اماکن ورزشی دارندگان اطلاعات پنهان هستند که یک نوع فساد محسوب

می شود؛ «فساد در فرایند دریافت وام برای خرید سهام اماکن ورزشی» و «نبود شفافیت باعث بروز فساد در فرایند خصوصی سازی است» مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج حاصل از شاخص اول حاکی از آن است که (۴۵٪) پاسخگویان اظهار داشته اند موضوعی به نام اطلاعات پنهان و دسترسی برخی افراد به آن مطرح نبوده و خریداران در شرایط یکسان قرار دارند؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که در فرایند خصوصی سازی ورزش ایران، فساد از نوع دسترسی به اطلاعات پنهان چندان مطرح نیست.

در ادبیات خصوصی سازی پرداخت «وام برای سهام» به فرهنگ دزدسالاری تعبیر شده است، شاخص دوم (فساد در فرایند دریافت وام برای خرید سهام اماکن ورزشی) حکایت از آن دارد که بالغ بر (۷۴٪) پاسخگویان با پرداخت وام به خریداران مخالف هستند، این شاخص بیانگر نگرش کارکنان وزارت ورزش و جوانان است.

بالغ بر (۷۸٪) پاسخگویان با سومین شاخص (نبود شفافیت باعث بروز فساد در فرایند خصوصی سازی است) موافقت؛ پاسخگویان عنوان داشته اند روش های خصوصی سازی دچار ابهام بوده و مراحل آن نیز برای خریداران چندان شفاف نیست. نتایج این شاخص برخلاف دو شاخص قبلی با قطعیت بیشتری فساد در فرایند خصوصی سازی را تأیید می کند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

همان طور که در یافته های تحقیق عنوان شد «عدم تعیین دقیق اهداف خصوصی سازی» مانع روند خصوصی سازی ورزش کشور است. نتایج آزمون فریدمن هم دال بر آن است که این متغیر مهم ترین مانع تلقی می شود. از آنجا که یکی از اهداف اصلی خصوصی سازی گسترش مالکیت عمومی است پیشنهاد می شود واگذاری اماکن ورزشی از طریق بورس صورت پذیرد.

همچنین در یافته های تحقیق عنوان شد «مقاومت کارکنان و مدیران» مانع خصوصی سازی ورزش کشور است. برای کنترل این مانع، پیشنهاد می شود وضعیت

کارکنان اماکن در معرض واگذاری با اقداماتی نظیر بازنشستگی کارکنان قدیمی، بازخرید کارکنان جدیدالورود و واگذاری سهام به کارکنان مورد توجه قرار بگیرد.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که «طراحی نادرست فرایند اجرای خصوصی‌سازی» مانع خصوصی‌سازی ورزش کشور است. یکی از مصادیق طراحی نادرست بی‌توجهی به مسائل ساختاری مانند بلا تکلیفی کارکنان و حل نشدن مسائل فنی و مالی اماکن ورزشی قبل از واگذاری است. از این رو باید ترتیبی اتخاذ شود که هر یک از اماکن ورزشی قبل از واگذاری وضعیت نیروی انسانی و مسائل فنی و مالی خود را حل کند.

پیشنهاد می‌شود ساختار سازمانی مشخص و متقن متولی امر خصوصی‌سازی در وزارت ورزش و جوانان ایجاد شده و اجرای قوانین و مقررات خصوصی‌سازی ورزش در چارچوب روابط رسمی مورد توجه قرار بگیرد.

منابع

۱. امیری و همکاران، م (۱۳۹۲، زمستان)، «تبیین و اولویت‌بندی موانع فراروی خصوصی‌سازی و مشارکت بخش خصوصی در توسعه ورزش»، نشریه مدیریت ورزشی، دوره ۵، شماره ۴، ص ۱۰۶-۸۳.
۲. اوانز، پ (۱۳۸۰)، توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی، مترجم ع. زند باف و ع. مخبر، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. بیردزال، ن و نیس، ج (۱۳۸۹)، بررسی واقعیت آثار توزیعی خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه، مترجم ف. مشتاق صفت، به سفارش سازمان خصوصی‌سازی، تهران: انتشارات فرهنگ دهخدا.
۴. پاکدامن، ر (۱۳۷۴)، جنبه‌های کاربردی خصوصی‌سازی، تهران: انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد.
۵. پرکوپنکو، ژ (۱۳۸۰)، مدیریت خصوصی‌سازی، مترجم د. اکبری و ح. داوری، تهران: نشر آتنا.

۶. دانایی فرد، ح (۱۳۹۲)، چالش های مدیریت دولتی ایران، تهران: ناشر سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
۷. رشیدی، ط (۱۳۹۲)، نظام حقوقی حاکم بر خصوصی سازی در چارچوب اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران.
۸. رضوی، م (۱۳۸۳)، بررسی و تحلیل سیاست خصوصی سازی در ورزش کشور با تأکید بر ورزش قهرمانی، رساله دکتری، دانشگاه تهران، تهران.
۹. زرنندی (۱۳۹۱)، موانع مشارکت بخش خصوصی در ورزش حرفه ای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۱۰. علی زاده (۱۳۸۴). خصوصی سازی در عرصه فرهنگ و هنر و فرآیند مشارکت مردمی، پایان نامه.
۱۱. قره خانی و همکاران، ح (۱۳۸۹)، بررسی چالش ها و موانع خصوصی سازی باشگاه های فوتبال کشور، رساله دکتری دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۲. کاظمی، ا (۱۳۸۸). بررسی موانع خصوصی سازی در شرکت پست جمهوری اسلامی ایران با استفاده از مدل پرکوپنکو، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران.
۱۳. کمیجانی، ا و رحیمی فر، م (۱۳۷۲)، تحلیل بازار بورس اوراق بهادار و کاربرد آن در فرایند خصوصی سازی، مجله اقتصاد مدیریت، پاییز.
۱۴. مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶)، بند ب و ج ماده ۱۷ از فصل پنجم فرآیند واگذاری بنگاه های دولتی، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم، تهران.
۱۵. مجلس شورای اسلامی (۱۸ فروردین ۱۳۸۱)، ماده یک قانون اصلاح موادی از قانون برنامه توسعه اقتصادی، تهران.

۱۶. هادی‌فر، د (۱۳۸۶)، موانع اقتصادی خصوصی‌سازی و آزادسازی در مخابرات، ماهنامه دنیای مخابرات و ارتباطات، شماره ۴۶.
۱۷. الوانی، م (۱۳۹۱)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۸. وایزشکر و همکاران، ا (۱۳۸۶)، محدودیت‌های خصوصی‌سازی، مترجم صفار، م، تهران: نشر رسانش سازمان خصوصی‌سازی.

1. Bailey, R. W. (1987). Use and Misuses of Privatization. New York: The Academy of Political Science.
2. Kay, & Thompson. (1986, March). Privatization A Policy in Search of A Rationale. The Economic Journal, 96, 18- 32.
3. Staphenurst, & Langseth. (1997). The Role of the Public Administration in Fighting Corruption. International Journal of Public Sector Management, 14.

**حکمرانی هوشمند و مدیریت منازعه
جمهوری اسلامی ایران در قبال
ایالات متحده**

قدرت احمدیان

فرشته بهرامی پور

چکیده

جمهوری اسلامی ایران با نظام دینی مبتنی بر اسلام سیاسی، همواره مورد تهاجم سیاست‌های آمریکا قرار گرفته است. هرچند تلاش‌هایی برای بهبود روابط دو طرف انجام شد، اما رویکرد مبتنی بر تقابل در رفتار ایالات متحده نسبت به ایران نهادینه شده است و هدف اصلی آن تغییر رفتار ایران در راستای تأمین منافع ملی خود است. در چنین شرایطی لازم است ایران یک الگوی مناسب برای مدیریت منازعه با سیاست‌های ایالات متحده داشته باشد. سؤال اصلی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه نوع حکمرانی می‌تواند به مدیریت مطلوب منازعه جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده کمک کند؟ در پاسخ به این سؤال در چارچوب حکمرانی هوشمند، این فرضیه به سنجش گذاشته می‌شود که ایران برای مدیریت منازعه خود با آمریکا و با هدف موازنه‌سازی و اقدام مقابله به مثل باید شش مؤلفه همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، توسعه کشور، دیپلماسی عمومی، همگرایی اقتصادی، فناوری و قدرت نظامی را در سیاست‌گذاری خود مورد توجه ویژه قرار دهد.

کلیدواژه: حکمرانی هوشمند، ایران، ایالات متحده، مدیریت منازعه.

بیان مسئله

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر پایه‌های دین اسلام، مناسبات ایران و آمریکا وارد مرحله تنش و منازعه شد. ایران با خروج از بلوک غرب به منافع ایالات متحده در جنوب غرب آسیا ضربه سختی وارد کرد. پس از آن آمریکا با روش‌های مبتنی بر قدرت نرم، سخت و هوشمند سعی داشته است ایران را مهار کند. این کشور در کنار رویکرد تحریم، تهدید و فشارهای اقتصادی و سیاسی خود به مقابله نرم روی آورده و در پی تضعیف بنیادی اعتقادی نظام به‌عنوان یک راهبرد کلیدی برآمد. گاهی نیز به صورت هم‌زمان قدرت سخت و نرم را با یکدیگر علیه ایران به کار گرفتند که در اصطلاح قدرت هوشمند می‌نامند. قدرت هوشمند در واقع هرگونه فشار و تهدید نظامی به همراه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای را شامل می‌شود که جامعه یا گروه خاصی را هدف می‌گیرد و رقیب را به انفعال یا شکست وادار می‌کند. جمهوری اسلامی

ایران به دلیل طرح باورهای دینی و جهت‌گیری‌های استقلال‌طلبانه از اول انقلاب در برابر آمریکا قرار گرفت. این منازعه مستمر بوده و تداوم یافته و در حال تعمیق و گسترش است و نشانه‌ای از این مسئله را می‌توانیم در رویکرد دول غربی نسبت به ایران ببینیم (بازگشت تحریم‌ها). سؤال اصلی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه نوع حکمرانی می‌تواند به مدیریت مطلوب منازعه جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده کمک کند؟ این مقاله بر مبنای مؤلفه‌های قدرت هوشمند سعی در بازسازی یک چارچوب نظری تحت عنوان حکمرانی هوشمند به‌عنوان معیار تجزیه و تحلیل نسبت سؤال و فرضیه مقاله دارد. از این رو مقاله در چند بخش ارائه خواهد شد. بخش اول به چارچوب روشی و نظری مقاله اختصاص پیدا می‌کند که آن‌گونه که گفته شد با تکیه به سامانه نظری قدرت هوشمند به دنبال ارائه یک چارچوب نظری مفهومی تحت عنوان حکمرانی هوشمند خواهیم بود. بخش دوم به استمرار و تعمیق منازعه جمهوری اسلامی ایران و نظام سلطه به‌ویژه جریان‌ات و رویدادهایی که در سال‌های اخیر پس از خروج آمریکا از برجام شکل گرفته است اختصاص خواهد یافت. بخش سوم با عنوان «حکمرانی هوشمند؛ معیار مدیریت منازعه»: الگویی برای مدیریت منازعه جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا به تجزیه و تحلیل ضرورت کاربست حکمرانی هوشمند در سیاست‌گذاری امنیتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته و از این رو سعی می‌شود با تکیه به سامانه نظری مقاله به تبیین الگوی مناسبی برای مدیریت منازعات بین‌المللی بپردازیم.

چارچوب مفهومی: حکمرانی هوشمند

یکی از مفاهیم امروزی رایج در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قدرت هوشمند است. با تعیین عناصر قدرت هوشمند و حکمرانی خوب می‌توانیم مفهوم حکمرانی هوشمند را بسازیم. بر این اساس شاخص‌های قابل سنجش حکمرانی هوشمند که می‌تواند در مواجهه با منازعات بین‌المللی و حتی داخلی کارآمد باشد در مباحث ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد. در عصر حاضر همه کشورها، چه توسعه‌یافته و چه در حال توسعه، به دنبال شکل جدیدی از حاکمیت هستند که با زمان و مسائل آن‌ها سازگار باشد تا بتوانند در رقابت‌های

اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی منافع خود را تأمین کنند و در راستای توسعه پایدار اقدام کنند (Keping, 2018: 1). حکمرانی خوب هشت ویژگی اصلی دارد: مشارکت و ثبات سیاسی، ابراز عقیده، پاسخگویی مؤثر، شفافیت، کارآمدی، عدالت و کنترل فساد، مسئولیت‌پذیری و حاکمیت قانون. در حکمرانی خوب اطمینان داده می‌شود که فساد به حداقل می‌رسد، دیدگاه‌های اقلیت‌ها در نظر گرفته می‌شود، صدای افراد آسیب‌پذیر جامعه در تصمیم‌گیری‌ها شنیده می‌شود و همچنین حاکمیت پاسخگوی نیازهای حال و آینده جامعه است (Sheng, 2017: 1). از سوی دیگر قدرت هوشمند ظرفیت‌های مرکب از قدرت نرم و سخت برای بازیگران ایجاد می‌کند و اهداف آن‌ها به‌طور مؤثر و کارآمد پیش می‌رود. به دلیل تغییر شرایط بین‌المللی و شرایط داخلی دولت‌ها، قدرت هوشمند به یک ضرورت امنیت ملی تبدیل شده است (Wilson, 2008: 110). از ترکیب دو مفهوم فوق می‌توان به مفهوم جدید «حکمرانی هوشمند» رسید. حکمرانی هوشمند اغلب برای توصیف فعالیت‌هایی است که با استفاده از راه‌حل‌های به‌روز نوظهور، همراه با استراتژی‌های نوآورانه برای دستیابی به ساختارهای حکمرانی چابک‌تر و انعطاف‌پذیر و زیرساخت‌های حاکمیتی سرمایه‌گذاری می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد (Pereira & et al, 2018: 10).

برای حکمرانی هوشمند می‌توان شش مؤلفه را در نظر گرفت:

اتحادیه‌ها، مشارکت‌ها و نهادها: این خصیصه امکان حضور دولت‌ها را در برنامه‌های بین‌المللی و مقابله با چالش‌های جهانی را فراهم می‌سازد. خصیصه فوق در واقع برنامه خروج دولت‌ها از انزوا است. بر این مبنا دولت‌ها در نهادهای بین‌المللی حضور مؤثر دارند، با شرکای بین‌المللی اتحادیه‌های بین‌المللی را از نو تقویت می‌کنند و میان دولت‌ها و حقوق بین‌المللی نوعی نزدیکی و هماهنگی ایجاد می‌نمایند. بدیهی است این نهادها دربرگیرنده تمام نهادهای نظامی، اقتصادی و فرهنگی بین‌المللی می‌باشد. بر اساس حکمرانی هوشمند قوانین، هنجارها و نهادها با ایجاد وابستگی متقابل موجب همکاری بیشتر و ایجاد ثبات و امنیت دولت‌ها در سیستم بین‌المللی می‌شود.

توسعه جهانی: این مسئله به توانایی یک دولت در ارتقا توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نسبت به دیگر دولت‌ها برمی‌گردد. لازمه اتخاذ این وجه از حکمرانی هوشمند توسعه داخلی است. توسعه داخلی باید محور اقدامات بین‌المللی باشد؛ به عبارتی می‌توان از طریق نهادهای داخلی چون دانشگاه‌ها، شرکت‌ها، سازمان‌های مذهبی، سازمان‌های غیر دولتی و... در فرآیند خارج از کشور شرکت کنند.

دیپلماسی عمومی: دیپلماسی عمومی در برابر دیپلماسی مخفی قرار دارد. حسب این نوع از دیپلماسی، دیپلمات‌ها بایستی عملکرد شفاف و آشکاری داشته باشند و خود را در معرض رسانه‌ها قرار دهند و رسانه‌ها را با خود همراه داشته باشند. در اینجا دیپلمات‌ها فقط با دولت‌ها گفتگو نمی‌کنند، بلکه از طریق رسانه‌ها با افکار عمومی داخلی و بین‌المللی حرف می‌زنند. بدیهی است در اینجا شبکه‌ای از روابط میان سازمان‌های غیر دولتی و شهروندان و دیپلمات‌ها به وجود می‌آید. دیپلماسی عمومی تنها تبلیغات یک حکومت از اقدامات خود نیست بلکه نگرش، ارزش‌ها و هنجارهایی است که بر آن تمرکز دارد و بر اساس آن عمل می‌کند (Medeiros & Ayres Pinto, 2011: 3-9).

همگرایی اقتصادی: واقعیت دوران جدید، همگرایی اقتصادی جهانی و وابستگی متقابل در حوزه‌های تجارت جهانی است. بر این اساس که امروزه اقتصاد آزاد به یک بعد مهم جهانی شدن تبدیل شده است. باید پذیرفت که حضور در این فرآیند مهم بخش جدی حکمرانی هوشمند یک کشور را تشکیل می‌دهد. همگرایی اقتصادی جهانی به منزله حضور مؤثر در نهادهای اقتصادی بین‌المللی است.

تکنولوژی و نوآوری: مسئله تغییرات اقلیمی و بحران‌های زیست‌محیطی لزوم پرداختن به تکنولوژی و نوآوری‌های تکنولوژیک به‌ویژه در انرژی را به بخش مهمی از قدرت هوشمند تبدیل کرده است. بدیهی است عدم توجه به مسئله انرژی‌های نو، حفظ محیط زیست و نوآوری‌های صنعتی یک ضعف عمده در قدرت هوشمند است (-43 Armitage, Nye, 2007: 60). از سویی در حکمرانی هوشمند می‌توان از طریق استفاده از فناوری‌های نوظهور پایه‌های حاکمیت را محکم کرد؛ به عبارتی با استفاده از فناوری‌های

نوین ارتباطاتی و اطلاعاتی می‌توانند برای بهبود تصمیم‌گیری از طریق همکاری بین ذینفعان مختلف، از جمله دولت‌ها اقدام کنند. در این حالت، ابزارهای مبتنی بر فناوری‌های نوین، می‌تواند عاملی برای افزایش تعامل دولت‌ها باشد (Pereira & et al, 2018: 1).

قدرت نظامی: طیف وسیعی از فناوری‌های نظامی جدید در حال ظهور هستند و پتانسیل دارند نوع جنگ‌ها و تهدیدها را در زمینه‌های مختلف زمینی، دریایی، فضایی و سایبری تغییر دهند. قدرت نظامی نیازمند نوسازی است. اهداف نوسازی عبارت‌اند از: کاهش فاصله قابلیت‌های نظامی، افزایش کیفیت توانایی نظامی و کاهش هزینه‌ها که این امر نیازمند جایگزینی سلاح‌ها و سیستم‌های نظامی با فناوری‌هایی است که توانا تر و تحول-پذیر باشند. نوسازی چیزی بیش از بعد سخت‌افزاری است. در گذشته اغلب قدرت نظامی به صورت سخت‌افزاری و توسط دولت‌ها پیش می‌رفت؛ اما اکنون بخش خصوصی نیز، برای تغییر نحوه طراحی و ساخت تجهیزات نظامی و نحوه مقابله از طریق آن‌ها، به این حوزه ورود کرده است. این بخش به دنبال افزایش فناوری‌های مبتنی بر کارایی هوشمند است. وزارت دفاع کشورها در تلاش هستند با سرمایه‌گذاری در جاهایی مانند جنگ الکترونیک، تجزیه و تحلیل داده‌ها، انرژی فناوری اطلاعات و ارتباطات و شبکه، هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی و ... قدرت نظامی خود را ارتقا ببخشند. زمان نوآوری این سیستم‌ها به مراتب سریع‌تر از ابزارهای نظامی سنتی است (Goure, 2018). در این چارچوب باید بیان کرد که ایران می‌تواند با اعمال حکمرانی هوشمند مبتنی بر پنج مؤلفه فوق، جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود را ارتقا ببخشد و حساسیت‌های ایجادشده توسط ایالات متحده در افکار عمومی جهان علیه خودش را با انجام اقدامات مقابله به مثل از بین ببرد.

استمرار و تعمیق منازعه در مناسبات ایران و غرب

تنش بین ایران و آمریکا از همان اوایل انقلاب اسلامی ایران با به دست گرفتن سفارت آمریکا توسط انقلابیون آغاز شد. در پی بحران کویت (۱۹۹۱-۱۹۹۰ م) ایالات متحده سیاست «مهار دوجانبه» علیه ایران و عراق را اتخاذ کرد که نتیجه مطلوب را به دست نیاورد. ایران مخالف دخالت آمریکا در خاورمیانه و حمایت مستمر آن از رژیم اشغالگر

قدس است و با دو متحد خود یعنی حزب‌الله و حماس به دنبال تضعیف آمریکا و به تبع آن رژیم اشغالگر قدس بوده است. استفاده اصطلاحاتی چون «شیطان بزرگ» توسط ایران علیه آمریکا و اصطلاحاتی چون «بنیادگرایی اسلامی»، «دولت خشن» و «محور شرارت» از سوی ایالات متحده علیه ایران باعث تعمیق تنش بین این دو کشور شد. از این رو آمریکا مواضع خود را از سیاست مهار دو جانبه به سیاست تغییر رژیم در ایران تغییر داد (Hussain, 2015: 32). بعد از انقلاب اسلامی، ایران هرگونه قدرت و کنترل دول خارجی را ظالمانه می‌دانست و تمایلات ضد غربی به‌ویژه ضد آمریکایی از خود نشان داد و شعار «مرگ بر آمریکا» به سرعت فریاد اعتراضی انقلابیون شد. با توجه به نگاه ایران به آمریکا به‌عنوان یک کشور نئوامپریالیستی، تهاجم عراق به ایران را نیز یک نقشه آمریکایی برای از بین بردن تفکر اسلامی و شیعی می‌دانستند. در سال ۱۹۸۷ میلادی، آمریکا به‌طور مستقیم وارد جنگ شده و تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران را افزایش داد (Mc Cain, 2015: 11-13). افزایش برنامه هسته‌ای ایران در ۲۰۰۲ میلادی، به منع دیگر درگیری و تنش بین دو کشور تبدیل شد. ادعای ایرانیان مبنی بر حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای طبق ماده چهارم معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای و موضع ایالات متحده در مورد دستیابی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی برای هر دو غیر قابل اطمینان بوده است و نتوانستند به یکدیگر اعتماد کنند. به همین دلیل ایالات متحده تحریم‌های سنگین و چندجانبه‌ای علیه ایران وضع کرد. هرچند تلاش‌هایی در دوره اصلاحات و سازندگی برای عادی‌سازی روابط دو کشور صورت گرفت اما مواضع ایالات متحده علیه ایران مانع تحقق روابط عادی دو جانبه شد و روابط آن‌ها به‌سوی تشدید «کاهش اعتماد» حرکت کرد. چهار موضوع اصلی که ایده عادی‌سازی روابط ایران و ایالات متحده را تضعیف می‌کند عبارت‌اند از: تفکر انقلابی ایران، برنامه هسته‌ای ایران، حمایت ایران از گروه‌های غیر دولتی منطقه و مخالفت ایران با ساختار امنیتی خاورمیانه مورد نظر ایالات متحده (Hussain, 2015: 33-34). وزارت خارجه ایالات متحده به‌طور مداوم بیان کرده است که: «ایران و متحد اصلی آن حزب‌الله لبنان دارای شبکه گسترده‌ای از نیروها در اروپا، آمریکای لاتین و جاهای دیگر هستند که می‌توانند علیه

نیروها و منافع ایالات متحده در خاورمیانه و خارج از خاورمیانه عمل کنند». مقامات ایرانی بارها گفته‌اند که درگیری مسلحانه را آغاز نمی‌کنند، با این حال دو طرف گفته‌اند در صورت حمله با توسل به زور پاسخ خواهند داد که این رویکرد موجب افزایش پتانسیل تنش بین دو طرف می‌شود. افزایش تعداد نیروهای نظامی آمریکا در منطقه اخیراً تنش‌ها را تشدید کرده است (Katzman, 2019: 1-2). تنش‌ها از ابتدای دولت ترامپ به‌طور پیوسته افزایش یافته است، وی از برجام خارج شد و تحریم‌های شدیدی علیه ایران اعمال کرد و به‌منظور قطع صادرات نفت ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست گروه‌های تروریستی قرار داد. سانام وکیل، پژوهشگر ارشد مسائل خاورمیانه و شمال آفریقا، بیان می‌کند: «عدم درک دولت ترامپ درباره ایران، فقط شعله‌های آتش را برافروخته‌تر می‌کند. ترامپ در دولت خود بارها از ایران به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت بین‌المللی یاد کرده است، اما جزئیات مشخصی درباره تهدید فرضی از ایران ارائه نکرده است. با خروج ایالات متحده از برجام و همچنین عدم کارایی مناسب سایر طرف‌های برجام، ایران در پاسخ به این اقدامات اعلام کرد که به تعهدات خود در قبال توافق هسته‌ای پایان می‌دهد و در راستای کاهش تعهدات برجامی قدم برمی‌دارد» (Specia & Gladstone, 2019). تنش بین ایران و آمریکا با سقوط هواپیمای بدون سرنشین ایالات متحده در تنگه هرمز به اوج خود رسید و پس از آن فعالیت‌های منطقه‌ای ایالات متحده و تحریم‌ها تشدید شد. با پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و آموزش نیروهای هم‌سو با سیاست‌های ایران در خاورمیانه پتانسیل درگیری‌ها همچنان افزایش می‌یابد (https://www.cfr.org, 2019). ایران دارای یک تاریخ طولانی و گران‌مایه است که یک هویت جمعی را تشکیل می‌دهد و فرهنگ امپریالیستی قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی، عمیقاً احساسات ضد امپریالیستی هویت ایرانی را برانگیخت. ایالات متحده با بی‌احترامی به ارزش‌ها و خواسته‌های یک ملت مستقل، تاریخ ایران را فراموش کرد. نئو امپریالیسم ایالات متحده به همراه عدم شناخت و درک از تلاش‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته باعث تقویت پایه ضد آمریکایی نظام ایران شده است. هرچند مذاکرات چند سال اخیر می‌توانست زمینه‌های بی‌اعتمادی

بین دولت‌ها را کاهش دهد اما عمل نکردن دول غربی به تعهدات برجامی خود این فرصت را نیز از بین برد (Mc Cain, 2015: 28-29)؛ به عبارتی باید بیان کرد که اختلاف ایران و آمریکا یک اختلاف بنیادی و ساختاری است که هر روز بر دامنه آن با بهانه‌های مختلف از سوی ایالات متحده افزوده می‌شود. ایالات متحده با اتکا بر سیاست قدرت هوشمند به دنبال تغییر رفتار و نظام سیاسی ایران است که این امر به تعمیق بحران بین دو طرف منجر شده است و تنش‌های بین آن‌ها را در حوادث اخیر منطقه می‌توان مشاهده کرد مانند سقوط هواپیمای بدون سرنشین آمریکا در تنگه هرمز، انفجار تأسیسات نفتی آرامکو، درگیری‌های یمن، ناآرامی‌های سوریه و لبنان. انتظار می‌رود با خروج آمریکا از برجام ما شاهد شرایط تشدید معضل امنیت بین آن‌ها باشیم.

حکمرانی هوشمند الگویی برای مدیریت منازعه جمهوری اسلامی ایران در قبال

ایالات متحده

ایران و اتحادیه‌ها، مشارکت‌ها و نهادها: تعداد دامنه و فعالیت سازمان‌های بین‌المللی و مؤسسات در قرن بیستم میلادی، به میزان قابل توجهی افزایش یافت. سازمان‌های بین‌المللی در سطح منطقه‌ای نیز وسیله‌ای برای همکاری‌های منطقه‌ای به منظور جلوگیری از ناسیونالیسم افراطی در حال شکل‌گیری هستند. از نظر تئوریک، کارکرد اصلی سازمان‌های بین‌المللی صلح و امنیت بین‌الملل است. با در نظر گرفتن اهمیت وسعت و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در فرایندهای جهانی، برای واحدهای سیاسی جهان لازم است برای تضمین منافع ملی و ارتقا اعتبار جهانی خود، با اتخاذ رویکردهای چندجانبه، در سازمان‌های بین‌المللی عضویت پیدا کنند و فعال باشند. سیاست خارجی ایران در قبال سازمان‌های بین‌المللی بسته به وضعیت کشور و دیدگاه دولتمردان همواره بین واگرایی و همگرایی در حال نوسان بوده است. تعامل همگرا با سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند به ارتقا منافع و امنیت ملی ایران کمک کند و علاوه بر آن در زمینه‌های مختلف می‌تواند فرصت‌هایی برای روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران فراهم آورد. سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی از جایگاه والایی در رویکردهای چندجانبه و منطقه‌ای سیاست خارجی ایران

برخورد دارند. ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی که دارد باید موقعیت سازمان‌های بین‌المللی را در سیاست خارجی خود در نظر بگیرد (Karimifard, 2018: 35-37). ایران عضو منشور سازمان ملل متحد و کلیه آژانس‌های تخصصی آن از جمله آژانس انرژی اتمی است. ایران همچنین یکی از بنیان‌گذاران سازمان کنفرانس اسلامی است که باعث تقویت همبستگی بین کشورهای دارای دین اسلام شده است و همچنین از مؤسسان و بنیان‌گذاران اوپک می‌باشد (realiran.org, 2011). تعامل قابل توجه ایران و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل، اتحادیه اروپا، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، دادگاه بین‌المللی جنایی، جنبش عدم تعهد و سازمان همکاری‌های شانگهای در سال‌های اخیر موجب ارتقا جایگاه بین‌المللی ایران شده است؛ اما رویکرد کلی به برخی نهادهای دیگر مانند شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب تحت تأثیر رقابت‌های ایران و عربستان قرار گرفته است. ایالات متحده در سال ۲۰۱۷ میلادی، تاکنون سعی کرد مانع همکاری ایران با آژانس انرژی اتمی شود؛ اما گزارش‌های منتشر شده توسط مدیرکل آژانس تأیید کرد که ایران تعهدات خود در برجام را انجام داده است و در عمل تلاش‌های ترامپ را خنثی کرد (Khoshandam, 2018). در این راستا باید بیان کرد که همان‌طور که آمریکا از نهادهای بین‌المللی چون شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان ملل و ... علیه ایران استفاده می‌کند، ایران نیز باید از تریبون‌ها و ظرفیت‌های این نهادها برای به کرسی نشاندن حرف و عمل خود استفاده کند و مشروعیت خواسته‌های خود را به جهانیان بفهماند تا افکار عمومی که علیه ایران شکل گرفته است شکسته شود و فضای تعاملی ایجاد شود.

ایران و توسعه جهانی

سازمان ملل متحد توضیح می‌دهد که توسعه پایدار مجموعه از روش‌های ایجاد و تداوم توسعه است که به دنبال آن شاهد رفع فقر، ایجاد معیارهای عادلانه زندگی و برآوردن نیازهای اساسی همه مردم هستیم و همچنین باید ترتیباتی برای جلوگیری از برگشت آن‌ها اتخاذ کرد. به همین منظور لازم است رویه‌های سیاسی مناسبی در پیش گرفت، از خسارت به سرمایه طبیعی جلوگیری کرد و در راستای احیای آن اقدام نمود. توسعه پایدار شامل

تجدید رشد، ایجاد تغییر کیفیت در رشد، بهداشت فاضلاب‌ها، بهبود مصرف انرژی، آب، غذا، حفظ تعادل جمعیتی، حفظ بهبود منابع طبیعی، مدیریت خطرات و تجدید فناوری‌ها، ظهور اقتصاد زیست‌محیطی در فرآیند تصمیم‌گیری است (Samari, 2012: 207-208). ایران ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. نیمه‌خشک و دارای تنوع اقلیمی است. رشته کوه البرز در شمال کشور با کوه دماوند، بالاترین قله آن، در ۵۶۷۱ متر از سطح دریا واقع شده است. کوه‌های زاگرس از شمال غربی تا جنوب شرقی امتداد دارند. مناطق میانه و شرقی ایران دارای قله‌های کمتری است. به جز سواحل شمالی و جنوبی که رطوبت زیاد در آن شایع است، رطوبت و بارندگی از شمال به جنوب و همچنین از شرق به غرب پایین‌تر است و کشاورزی جزء عمده‌ترین فعالیت اقتصادی شمال و غرب محسوب می‌شود (https://sustainabledevelopment.un.org, 2006). بر اساس اعلام بانک جهانی، ایران با جمعیتی بیش از ۸۰ میلیون نفر دومین کشور پرجمعیت منطقه پس از مصر، دومین اقتصاد بزرگ در خاورمیانه و آفریقای شمالی است (Specia & Gladstone, 2019). میراث فرهنگی غنی ایران پتانسیل قابل توجهی برای توسعه بخش گردشگری دارد. با تقویت این پتانسیل‌ها ایران می‌تواند هدف ۲۰ میلیون گردشگر خارجی تا سال ۲۰۲۵ میلادی، باشد که این امر نیازمند همکاری بین بخش‌های داخلی و خارجی (یونسکو) است (UNDAF, 2015: 5). حکمرانی هوشمند در ایران با اثر مثبت بر رشد اقتصادی به ثبات سیاسی منجر می‌شود، توجه به محیط زیست در این نوع حکمرانی می‌تواند باعث جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و در نهایت رشد اقتصادی شود و در مرحله بعد باید با فساد برخورد نمایند و به کنترل مؤثر آن اقدام کنند، همچنین لازم است در ایران کیفیت قوانین را بهبود ببخشند تا حاکمیت قانون ترویج پیدا کند که لازمه آن ایجاد زمینه‌های فرهنگی رعایت قانون است. توسعه منابع انسانی در ایران باید بسیار مورد توجه قرار گیرد و زمینه‌های ایجاد فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری مهیا شود همچنین با سیاست‌گذاری مناسب، کارایی در ارگان‌های دولتی و در نهایت موانع کارآفرینان و افراد خلاق آن در جامعه را به حداقل برسانند و رفع شود. در این صورت می‌توان امیدوار بود

که ایران در مسیر توسعه پایدار قرار بگیرد (Mohammadi, 2014: 325). در واقع باید گفت که سیاست خارجی و دیپلماسی ما بازتابی از شرایط داخلی است؛ پس تا زمانی که اقدام جدی در راستای اصلاح ساختارهای داخلی صورت نگیرد، سیاست خارجی ما نیز به دلیل نداشتن قدرت چانه‌زنی مبتنی بر ساختارهای داخلی نمی‌تواند در مسیر درستی قرار گیرد. از این رو لازم است ایران در راستای تقویت سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی، ایجاد فضای گفت‌وگو و تعامل بیشتر، پاسخگویی مؤثر دولت نسبت به خواسته‌های شهروندان، شفافیت در سیستم اقتصادی و سیاسی کشور به‌ویژه در میان مسئولان و... اقدام جدی انجام دهد تا هم ثبات سیاسی کشور ارتقا یابد هم دستگاه سیاست خارجی با پشتوانه مردم قدرت چانه‌زنی خود را افزایش دهد.

ایران و دیپلماسی عمومی

در دنیای امروز، تصور و اعتبار یک کشور در افکار عمومی مهم‌تر است؛ از این رو بسیاری از کشورها تلاش دارند که بر افکار عمومی تأثیر و در شکل‌گیری آن نقش داشته باشد. ایران نیز به دنبال معرفی برنامه‌های اسلامی و صدور الگوی انقلاب اسلامی و جهان و تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانی است؛ اما با توجه به اشتراکات مذهبی، فرهنگی و جغرافیایی، جنوب غرب آسیا در اولویت دیپلماسی ایران قرار دارد. ایران همواره به دنبال مشارکت سیاسی و دیپلماتیک در منطقه بوده است و آن را از طریق دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی خود در کشورهای مختلف منطقه دنبال کرده است. هرچند که ایران باید اصلاحاتی در روند خود ایجاد کند اما بسیاری از پژوهشگران معتقدند که دیپلماسی عمومی ایران در منطقه نسبت به ایالات متحده موفق‌تر عمل کرده است. دیپلماسی عمومی ایالات متحده در منطقه بسیار سازمان‌یافته و تخصیص‌یافته عمل کرده است؛ اما دستاوردهای مطلوبی را به دست نیاورده‌اند، این در حالی است که دیپلماسی ایران فاقد سازمان‌دهی و انسجام است اما وضعیت مطلوب‌تری به دلیل زمینه‌های فرهنگی-اسلامی در جنوب غرب آسیا دارد. هدف اصلی مردم ایران از دیپلماسی عمومی ارائه یک الگوی موفق اسلامی-ایرانی از انقلاب ایران به منطقه و جهان است تا به‌واسطه آن مشخص کند

که ایران به‌عنوان کشوری که فاقد استقلال واقعی بوده و به کشورهای غربی متکی بوده است در جستجوی استقلال واقعی، انقلاب ایران را رقم زده‌اند (Ahadi,2013: 105 & 115 & 107). دیپلماسی عمومی بخش مهمی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. ایران از دیپلماسی عمومی به‌عنوان ابزاری برای قدرت نرم استفاده می‌کند. پدیده جهانی شدن و انقلاب مداوم در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اهمیت دیپلماسی عمومی افزوده است. کارشناسان روابط بین‌الملل معتقدند دیپلماسی عمومی باید در راستای تقویت منافع ملی کشورها به کار گرفته شود. جمهوری اسلامی ایران به‌طور عمده با تمرکز بر پدیده صدور انقلاب، دیپلماسی عمومی را نیز در همین راستا به کار گرفته است؛ اما ظرفیت‌های این ابزار بسیار گسترده‌تر است که ضرورت دارد ایران به همه ابعاد این ظرفیت توجه کند. رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای خطاب به مقامات وزارت خارجه بیان کردند: «جمهوری اسلامی پیام‌ها و ایده‌هایی برای گفتن دارد اما آن‌ها باید به شیوه‌های هنری و مؤثر گفته شود». اصغری رئیس سابق سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران از مقام معظم رهبری روایت می‌کند که به وی دستور داده بودند که از طریق تبلیغ برای تقویت قدرت معنوی ارزش‌های انقلاب تلاش کند. ایراد سخنرانی به زبان عربی در زمان بیداری اسلامی توسط مقام معظم رهبری با مردم منطقه نیز در همین راستا قابل تحلیل است. منابع قدرت نرم در ایران به پنج دسته تقسیم می‌شود:

دانش اسلامی و ارزش‌های شیعه؛

میراث فرهنگ فارسی و شخصیت‌های تاریخی؛

هنرهای فارسی مانند فیلم، موسیقی و صنایع دستی؛

منابع تخصصی؛ مانند باستان‌شناسی حوزه‌های علمیه، مراکز تحقیقاتی و نسخه‌های

خطی؛

منبع رسانه‌ای مانند رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی.

به همین ترتیب افسانه‌های سه منبع دیپلماسی عمومی ایران را مشخص می‌کند: اول،

منابع تمدن قدیمی ایران است که استدلال می‌کند: «ایران دارای آداب و رسوم و سنت‌ها،

هنرها و ... است. خصوصیات ملی که با آن می‌توان آبروی ملی و فرهنگی ایران را تقویت کرد». منبع دوم، تفکر شیعه است. به گفته احدی تشیع هویت جداگانه‌ای به ایران در مقابل سایر کشورهای مسلمان اعطا کرده است. وی پیروان شیعه در سایر کشورها را یک عامل مهم در خدمات عمومی می‌داند و سوم، سیاست‌های ایران مانند سیاست ضد امپریالیستی آن است که ایران خواستار اصلاح این سیاست‌ها است. با استناد به منابع فوق، فیروزآبادی پیشنهاد می‌کند که دیپلماسی عمومی در موارد زیر باید دنبال شود:

تأسیس مراکز مطالعات شیعه و اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان علاقه‌مند به تحصیل در حوزه فرهنگ، تمدن و دین ایران؛
تأسیس مراکزی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تخصصی سراسر جهان برای آموزش زبان و ادبیات فارسی؛

برگزاری جشنواره‌های فرهنگی مانند جشنواره‌های فیلم، موسیقی و نمایشگاه‌های هنری مانند عکس، خوشنویسی و ...؛

ایران باید فعالیت‌های فرهنگی مشترکی همچون کارگاه‌ها، مبادله موزه، تبادل فرهنگی و ... انجام دهد تا حساسیت و سوء ظن نسبت به فعالیت‌های فرهنگی ایران به حداقل برسد؛
به‌طور فعال برنامه‌های علمی - فرهنگی در جهان برگزار کند؛

ایران باید شخصیت‌های شاخص و تاریخی خود را از طریق سازمان‌های فرهنگی جهانی مانند یونسکو به دنیا معرفی کند؛

ایران از فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین استفاده کند؛ مانند ایفای نقش فعال در فضای سایبر، ارائه دوره‌های آموزش آنلاین، ایجاد کانال‌های ماهواره‌ای (Bani Kamal, 2018: 23-30).

ایران و همگرایی اقتصادی

نظام بین‌الملل دستخوش تحولات مهمی شده که منجر به تقویت دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی کشورها شده است. تغییر سیستم بین‌المللی از دوقطبی به چندقطبی و تقویت وابستگی متقابل بین کشورها به‌ویژه در حوزه اقتصادی از مهم‌ترین تحولات سیستم

بین‌الملل پس از جنگ سرد است. یک ویژگی مهم این دوره تأکید بر همکاری‌های بین‌المللی به‌ویژه همکاری‌های اقتصادی است. در دهه‌های اخیر اهمیت مسائل اقتصادی برای ایران مضاعف شده است؛ به‌ویژه پس از تشدید تحریم‌ها، جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های تقویت اقتصاد ملی را اتخاذ کرده است. در همین راستا مقام معظم رهبری سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را در فوریه سال ۲۰۱۴ میلادی، اعلام کردند. ماده ۱۲ این سند به وضوح به دیپلماسی اقتصادی اشاره دارد که مطابق آن استفاده از دیپلماسی اقتصادی برای حمایت از اهداف اقتصادی و کاهش مشکلات اقتصادی باید در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گیرد. در بند ۱۰ آن بر روابط اقتصادی با سایر کشورها تأکید می‌شود این سیاست‌ها بر بهره‌مندی از ظرفیت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای سازمان‌ها، افزایش خدمات مالی خارجی، توسعه زیرساخت‌های ترانزیت، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، برنامه‌ریزی برای تولید ملی مناسب با نیازهای صادرات و ... تأکید دارد. ایران دارای مزایای بسیاری در دیپلماسی اقتصادی خود است؛ موقعیت جغرافیایی مهم ایران در منطقه استراتژیک جنوب غرب آسیا و هم‌مرز بودن آن با خلیج فارس و دریای خزر و ارتباط ژئوپلیتیکی آن با آسیای مرکزی و قفقاز، هم‌مرزی ایران با ۱۵ کشور مختلف، داشتن ۹ درصد از ذخایر نفت و ۱۸ درصد از ذخایر گاز جهان و منابع معدنی فراوان، موقعیت حمل‌ونقل مهم در چهارراهی شرق به غرب و شمال به جنوب (دسترسی به آسیای میانه، قفقاز و روسیه، خلیج فارس و آب‌های بین‌المللی و دریای عمان)، داشتن بازار بزرگ نیروی کار فراوان و جوان و ... این ظرفیت‌ها می‌تواند باعث جذب سرمایه‌گذاران فراوانی شود و راه همکاری اقتصادی ایران با جهان را هموار کند (Amiri, 2016: 54-59). مناطق آزاد تجاری می‌تواند درهای برگشت ایران به اقتصاد بین‌الملل باشد. این مناطق می‌تواند صادرات متنوع نفت و سایر محصولات را ایجاد کند و میزان شغل‌ها را افزایش دهد. از سویی تغییر سیستم بانکی و رفع محدودیت‌های بانکی، تقویت بخش خصوصی، اصلاح قوانین گمرکی، دخالت کمتر دولت در اقتصاد، ایجاد زمینه‌های جذب سرمایه‌گذاری و ... می‌تواند باعث ارتقا جایگاه اقتصادی ایران در شرایط حاضر شود (Ansari & Sadjed, 2014: 102-103). همان‌طور که

اشاره شد اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر معظم انقلاب به‌عنوان الگویی برای پیشرفت اقتصادی ایران مطرح شد. از اوایل انقلاب تاکنون سعی شده مدل‌های اقتصادی که در سایر کشورهای پیشرفته اعمال شده است در ایران نیز پیاده شود؛ اما آنچه در این بین نادیده گرفته شد طراحی مدل بومی اقتصاد ایران است که پژوهشگران حوزه اقتصادی با بررسی الگوی اقتصاد مقاومتی به این نکته اذعان دارند که این الگو بر اساس شرایط بومی کشور تعریف شده است و می‌تواند راه حل برون‌رفت از وضعیت کنونی باشد. از این رو لازم است سیاست‌گذاران در اعمال آن نهایت تلاش خود را انجام دهند.

ایران و تکنولوژی و نوآوری

ایران در حوزه تحقیقات، فناوری و صنعت، پیشرفت‌های چشمگیری داشته است و در مقایسه با سایر کشورهای منطقه، خود را متعهد به توسعه یک سیستم نوآوری ملی پویا کرده و به‌طور پیوسته در حال پیشروی به سمت نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان بوده است و در دوره‌های تحریم عزم خود را برای رسیدن به این هدف تقویت کرد. در حال حاضر ایران باید به دنبال تقویت ظرفیت تولید خود باشد و همکاری‌های بین‌المللی را برای تبادل فناوری، دانش و فعالیت‌های نوآورانه برای رشد اقتصادی و توسعه پایدار تشویق کند. از این رو سیاست توسعه ملی ایران باید با هدف تغییر کشور از یک اقتصاد مبتنی بر منابع طبیعی به سمت اقتصاد مبتنی بر دانش و فناوری تعریف شود. در دهه‌های اخیر رتبه ایران در انتشارات، سطح آموزش عالی، صادرات و زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در سطح جهانی ارتقا یافته، از جمله در حوزه‌های فناوری نانو، بیوتکنولوژی و انرژی تجدیدپذیر. رتبه فارغ‌التحصیلان مهندسی را دارد، زیرساخت‌های مبتنی بر ارتباطات گسترش یافته است و کاربران اینترنت و فضای مجازی به‌شدت در حال افزایش است، اما هنوز برای تسهیل تجارت الکترونیک، دولت الکترونیک و بهبود فناوری اطلاعات و ارتباطات به سرمایه‌گذاری بالاتری نیاز است. ایران باید به‌سرعت بهره‌وری را بهبود بخشد، صنعت را مدرن و تقویت کند، بین سیاست‌های فناوری و سایر زمینه‌های مهم سیاست ملی به‌منظور ایجاد اثرات مثبت اقتصادی انسجام ایجاد کند (UNCTAD, 2015: ix & x). بخش

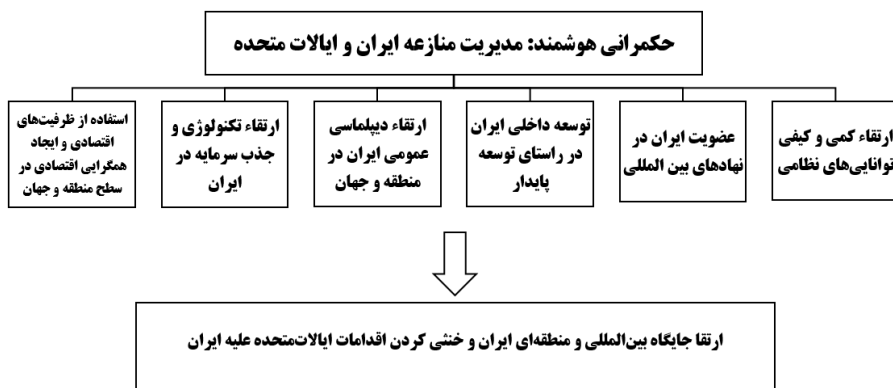
پتروشیمی ایران با دسترسی به مواد اولیه از پتانسیل عظیمی برخوردار است و تقاضای فزاینده در سراسر جهان برای محصولات پتروشیمی ایران وجود دارد. به همین دلیل، این بخش باید گسترش یابد و سرمایه‌گذاری‌های لازم در آن انجام شود؛ اما این بخش در نوآوری سیستم‌ها و تکنولوژی نقایص متعددی دارد. سیستم‌های نوآوری در نفت و گاز و پتروشیمی در اختیار دولت است که برای به‌روز کردن آن‌ها به‌طور مداوم، نیاز است بخش خصوصی وارد این حوزه شود؛ با این کار زمینه سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری از شرکت‌های خارجی ایجاد می‌شود و با رقابت آن‌ها کیفیت تکنولوژی‌ها و تولید ارتقا می‌یابد. از سویی لازم است که بین دانشگاه‌ها و بخش‌های تولید و توزیع ارتباط تنگاتنگ شکل بگیرد تا بخش‌های مذکور از نتایج تحقیقات دانشگاه‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله فناوری استفاده کنند (UNCTAD, 2005: 71-74). در واقع باید گفت که سرمایه و تکنولوژی دو مؤلفه اساسی پیشرفت کشورها است. ایران نیز باید در راستای ارتقا تکنولوژی و جذب سرمایه، اقدامات لازم را انجام دهد که به آن‌ها اشاره شد.

ایران و قدرت نظامی

نیروهای مسلح ایران، شامل نیروی انتظامی، ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که کارکنان آن حدود ۵۲۳ هزار نفر با ۳۵۰ نیروی ذخیره است. بودجه دفاعی ایران در سال ۲۰۱۸ میلادی، بیش از ۱۵/۵ میلیارد پوند بود و حدود چهار و نیم درصد از تولید ناخالص داخلی برای دفاع هزینه می‌شود. نیروهای مسلح ایران در حوزه‌های مختلف هوایی، زمینی، دریایی و سایبری پیشرفت‌های چشمگیر داشته‌اند؛ موشک‌های بالستیک خود را با برد ۲۰۰۰ کیلومتر مانند سجیل توسعه دادند، در نیروی دریایی نشان داده‌اند که قابلیت پرتاب موشک‌های کروز را دارند و در حوزه هوایی نیز در حال ارتقای فناوری هوایی‌ها بدون سرنشین خود هستند (https://www.forces.net, 2019). بر اساس رده-بندی سایت گلوبال فایر پاور در سال ۲۰۱۹ میلادی، قدرت نظامی ایران در رتبه چهاردهم جهان قرار گرفت (https://www.globalfirepower.com, 2019). هرچند ایران در حوزه ارتقا سلاح‌های نظامی و بومی‌سازی آن و افزایش توانایی خود در جنگ نامتقارن موفق

عمل کرده است اما باید به ابعاد مختلف تهدیدها و ضرورت به‌روزرسانی خود برای مقابله با این تهدیدها توجه داشته باشد. نیروی نظامی ایران باید قادر به نوسازی خود باشد، به همین دلیل به یک پایگاه صنعتی سالم و متنوع نیاز دارد تا بتواند فناوری‌های نوظهور و مرتبط با جنگ را توسعه داده و به کار ببرد و یک کشور امن‌تر و مرفه را ایجاد کند، از این رو ضرورت دارد به ابعاد سایبری، پدافند غیر عامل، فناوری‌های اطلاعاتی و به‌طور کلی حوزه‌های نوین توجه بیشتری داشته باشد و به آموزش نیروهای متخصص بپردازد.

مدل مفهومی پژوهش



نتیجه‌گیری

از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران، آمریکا با اعمال فشارهای چندجانبه به بهانه‌های مختلف مانند بنیادگرایی اسلامی، حمایت از تروریسم، برنامه هسته‌ای و ... تحریم‌های بی‌سابقه‌ای را علیه ایران اعمال کرده است و از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های گسترده‌ای که در اختیار دارد افکار عمومی جهان را نسبت به ایران حساس کرده و از ایران یک چهره جنگ‌طلب ساخته است. در چنین شرایطی ایران باید به دنبال خنثی کردن اقدامات ایالات متحده چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی باشد. از این رو پژوهش حاضر با ارائه مدل مفهومی جدیدی تحت عنوان «حکمرانی هوشمند» به دنبال تبیین این مهم بود که ایران می‌تواند در مقابل ایالات متحده اقدام مقابله به مثل انجام دهد و از ابزارهای بین‌المللی و داخلی با هدف خنثی کردن اقدامات آمریکا استفاده کند. از این رو پیشنهاد

شده است: اولاً، ایران با عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حرف و ماهیت واقعی خود را به جهان معرفی کند و از سایر ظرفیت‌های این نهادهای بین‌المللی مانند فرصت‌های اقتصادی و سیاسی استفاده نماید؛ ثانیاً با در نظر گرفتن ظرفیت‌های بالقوه داخلی، ایران آن‌ها را به بالفعل تبدیل کند و شرایط توسعه ایران فراهم شود که این امر قطعاً نیازمند تلاش فراوانی خواهد بود؛ ثالثاً، از موقعیت ژئوپلیتیکی و همسایگی خود با کشورهای اطراف استفاده کرده و همگرایی اقتصادی در این منطقه را افزایش دهد. ایران ظرفیت‌های اقتصادی بالقوه فراوانی دارد که باید از یک سو این ظرفیت‌ها را شناسایی کرده و به دیگران نشان دهد و از سوی دیگر با سیاست‌گذاری مناسب، زمینه جذب فعالان اقتصادی برای استفاده از این ظرفیت‌ها را فراهم کند و محدودیت‌های اقتصادی را به کمترین حد ممکن برساند؛ رابعاً، آنچه که برای ایران بسیار اهمیت دارد استفاده از تکنولوژی‌های به‌روز در تمامی قسمت‌های کشور است اعم از بخش تولیدی، ارتباطی، توزیعی، دولت و ... که سرعت پیشرفت را قطعاً مضاعف خواهد کرد و از سویی با تقویت ساختارهای داخلی، قدرت چانه‌زنی ایران نیز در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش می‌یابد؛ خامساً، همان‌طور که گفته شد ایران از زمینه‌های بسیار خوبی برای اعمال دیپلماسی عمومی از طرف دولت و مردم برخوردار است که لازم است ظرفیت‌های این حوزه شناسایی و به منصفه ظهور برسد از جمله آنکه در حوزه ارتباطات می‌توان به مردم ایران در انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی اعتماد کرد و اجازه داد تا با سایر مردم جهان ارتباط برقرار کنند و چهره واقعی فرهنگ اسلامی - ایرانی به جهان شناسانده شود، سادساً باید جنبه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت نظامی خود را ارتقا ببخشد. با اعمال این نوع حکمرانی می‌توان اقدامات ایالات متحده علیه ایران در منطقه و جهان را خنثی کرد و شرایطی ایجاد کرد تا ایران به‌طور فعال در برنامه‌های مختلف بین‌المللی شرکت کنند که موجب پیشرفت همه‌جانبه ایران خواهد شد.

منابع

1. Ahadi, Afsaneh (2013), "Public Diplomacy in the Middle East: A Comparative Analysis of the U.S. and Iran", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 4, No. 1, pp. 105-128.
2. Amiri, Mehdi (2016), "Economic Diplomacy in Iran Foreign Policy after Nuclear Deal (With An Emphasis on Iran-EU Relations)", *Middle East Political Review*, Vol.5, No.1-2, pp 51-64.
3. Ansari, Sina; Sadjed, Ariane (2014), "Iran and the Global Economy: Petro Populism, Islam and Economic Sanctions", *Journal of International and Global Studies*, Vol 7, Number 2, pp102-103.
4. Armitage, Richard L.& Nye, Joseph (2007), *Csis commission on smart power: A smarter, more secure America*, the Center for strategic and international studies, Washington, D.C.2006
5. Bani Kamal, Abdol Moghset (2018), "Evaluating the Islamic Republic of Iran's Public Diplomacy", *International Journal of Political Studies*, Vol 4, Issue 2, pp 22-39.
6. "Confrontation Between the United States and Iran" (2019), Available at: <https://www.cfr.org>
7. *Energy and Sustainable Development in Iran* (2006), HELIO International, Available at: <https://sustainabledevelopment.un.org>
8. Gouré, Daniel, (2018), "Winning Future Wars: Modernization and a 21st Century Defense Industrial Base", Available at: <https://www.heritage.org>.
9. Hussain, Nazir, (2015)," US-Iran Relations: Issues, Challenges and Prospects", *Policy Perspectives*, vol.12, no.2, pp.29-47.
10. "International Organizations", (2011), Available at: <http://realiran.org>.
11. "Iran: Eight Things To Know About The Country's Military", (2019), Available at: <https://www.forces.net>.
12. Karimifard, Hossein, (2018), "Iran's Foreign Policy Approaches Toward International Organizations", *Journal of World Sociopolitical Studies*, Volume 2, No. 1, pp 35-68.
13. Katzman, Kenneth, (2019), "U.S.-Iran Tensions Escalate", *Congressional Research Service*, pp 1-2.
14. Keping, Yu, (2018), "Governance and Good Governance: A New Framework for Political Analysis", *Soc. Sci*, No 11, pp1-8.
15. Khoshandam, Behzad, (2018), "Iran and International Organizations in 2017", Available at: <http://www.iranreview.org>
16. McCain, Chase, "The History of US-Iran Relations and its Effect on the JCPOA Negotiations" (2015). *Independent Study Project (ISP) Collection*, pp 1-32.

17. Medeiros, Sabrina E.; Ayres Pinto, Danielle J., (2011), "International Reputation and Smart Power: Brazil' strategies lumping together reliability and power projection", Available at: <http://web.isanet.org>.

18. Mohammadi, Roohollah; Bidabad, Bijan; Sherafti, Mahshid, (2014), " Good Governance, Economic Growth and Human Resource Development IN Iran", Indian J.Sci.Res. Vol 5, No 1, pp 321-326.

19. Pereira, G. V., Parycek, P., Falco, E., & Kleinhans, R. (2018). "Smart governance in the context of smart cities: A literature review", Information Polity, forthcoming, pp 1-40.

20. Samari, Milad, (2012), " Sustainable Development in Iran: a Case Study of Implementation of Sustainable Factors in Housing Development in Iran", International Conference on Management and Education Innovation IPEDR, vol.37, pp 207-211.

21. Sheng, Yap Kioe, (2017), "What is Good Governance?", United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific, pp 1-3.

22. Specia, Megan; Gladstone, Rick, " The Tension Between America and Iran, Explained", Available at: <https://www.nytimes.com/2019/05/16/>

23. UNCTAD, Science, (2005), Technology and Innovation Policy Review The Islamic Republic of Iran, United Nations.

24. UNCTAD, (2015), Science, Technology and Innovation Policy Review – Islamic Republic of Iran United, United Nations Publication.

25. United Nations Development Assistance Framework (UNDAF), (2015), "Islamic Republic of Iran", Available at: <https://www.unicef.org>.

26. Wilson, Ernest J., (2008), "Hard Power, Soft Power, Smart Power", SAGE Journals, Vol 616, pp 110-124.

27. "2019 Military Strength Ranking" ((2019), Available at: <https://www.globalfirepower.com/countries-listing.asp>.

تیین مولفه‌های حکمرانی متعالی در اسلام

بهادر زارعی

سیدعباس احمدی

محسن عابدی درچه

چکیده. در این مقاله به تبیین آراء و نظریه‌های اندیشمندان مسلمان پیرامون حکمرانی متعالی در اسلام پرداخته‌ایم. در دنیای کنونی و در گذر از حکمرانی بد به حکمرانی مطلوب شناخت وضعیت ایده‌آل و آرمانی تلاش اکثر جوامع جهانی است. اینکه حکمرانی از آن چه شخص یا گروهی می‌باشد و ویژگی‌های فردی و ایدئولوژیکی زمامدار یا حاکمان چه باید باشد، بحث اساسی محافل حکمرانی است. ویژگی‌ها و مولفه‌های عمده و اساسی حکمرانی‌ها در مطلوبیت و کسب رضایت مردمی از آن‌ها مهم‌ترین مباحث در حکومت‌داری و رسیدن به کمال و سعادت افراد و جوامع است. در همین راستا، با بیان اندیشه سیاسی دانشمندان مسلمان به بحث و تجزیه و تحلیل آن پرداخته‌ایم. در این میان، بیشتر نظریه‌ها از عدالت به عنوان شاخصه اصلی در کنار دیگر ویژگی‌های حکمرانی متعالی صحبت کرده‌اند. رویکرد اصلی حکمرانی متعالی اسلامی کمال مادی و اخروی انسان‌ها بوده و این به دلیل گرایش خدامحوری آن است. از سوی دیگر، اسلام با نگرشی خدامحور، سعادت اخروی را هدف خلقت انسان‌ها و جوامع معرفی می‌نماید. بر همین اساس، از آنجایی که هدف خلقت دنیا، انسان‌ها، جوامع و تشکیل حکومت‌ها نیل به سعادت ابدی است، لذا آشکار شدن ویژگی‌های بهترین نوع حکمرانی برای معرفی آن‌ها و نیز تبعیت مردم از چنین حکومت‌هایی ضروری است.

کلیدواژگان: الگو، حکمرانی، حکمرانی متعالی، اسلام

۱- مقدمه

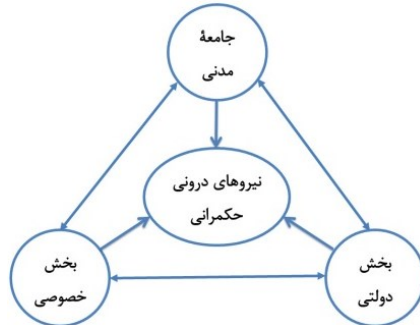
سیاست به معنی کارکرد حکومت یا دولت و مدیریت امور همگانی و فعالیت احزاب سیاسی و تدابیری که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ کند، همواره بر اساس سلسله دیدگاه‌ها و اصولی مورد بررسی قرار می‌گیرد که می‌توان مجموعه آن را اندیشه سیاسی نامید، چنان که بر بنیادهای فلسفی این دیدگاه‌های اصولی نیز فلسفه سیاسی گفته می‌شود (عمیدزنجانی، ۱۳۹۳: ۳۲). از دیدگاه مجتهدزاده، سیاست به معنی «تدبیر» و به کار گرفتن تدبیر در کار کشورداری یا در مدیریت سیاسی اجتماع است. (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۱). درباره مفهوم سیاست، دو دیدگاه

وجود دارد: نخست آن که سیاست یعنی: زورگویی، فریب‌کاری، نیرنگ‌بازی، نقض پیمان‌ها، هتک عفت‌ها، قتل انسان‌ها و یا زیر پا گذاشتن هرگونه اصول بشری، عقاید مذهبی، اخلاق انسانی (مک‌آیور، ۱۳۴۴: ۲۶۴) و استخدام هر وسیله‌ای برای دستیابی به هدف‌های ناپاک، نامشروع و نامقدس (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۲۳) در دیدگاهی دیگر که امام خمینی «ره»؛ در دوره معاصر، در صدر ارائه دهندگان آن قرار دارد، سیاست را به سیاست انبیاء و اولیای الهی و غیر از آن، تقسیم می‌کند (امام خمینی، ۱۳۹۷: ۱۶۰-۱۵۹) در این دیدگاه، سیاست یعنی: «اصلاح امور دین و دنیای مردم» (شیرودی، ۱۳۹۳: ۱۶). به دیگر سخن، با کنار هم نهادن مفهوم اندیشه و معنای سیاست می‌توان اندیشه سیاسی را یک نظام فکری منسجم دانست که حول محور پدیده‌های مرتبط با قدرت و سعادت و مانند آن سامان می‌یابد، یا می‌توان آن را مجموعه‌ای از باورهای سیاسی تلقی کرد که به‌طور مستقیم به دولت و اداره امور جامعه ارتباط دارد. این باورها در یک نظام و منظومه قرار می‌گیرند، به همدیگر پیوند می‌خورند و در هماهنگی با هم، به سر می‌برند. برخی نیز، اندیشه سیاسی را تراوشات فکری بشر دانسته که به مسائل سیاسی معطوف می‌شود مسائلی که در اطراف و در ارتباط با قدرت و سعادت جریان دارند (بلوم، ۱۳۷۳: ۴۳). متناسب با اندیشه سیاسی و ایدئولوژی سیاسی، نوع نظام سیاسی و توزیع قدرت در هر کشوری مبتنی بر باورهای ایدئولوژیکی و ملی آن جامعه بنا نهاده شده است، بر این اساس ابتدا الگوی حکمرانی یا حکمروائی و توزیع قدرت در هر کشوری متناسب با نظام سیاسی حاکم بر آن کشور است. هر چند اصول کلی حاکم بر آن می‌تواند از یک اندیشه، ایدئولوژی و قواعد صحیح و درست سرچشمه بگیرد.

از سوی دیگر، واژه «حکمرانی» واژه جدیدی است که در رابطه با واژه قدیمی «دولت» معنا و مفهوم روشنی ندارد. در فرهنگ لغت آمریکایی «هریتیج» واژه «حکمرانی» به عنوان «فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکمراندن؛ دولت» معنا شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکمراندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان؛ نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی نه تنها تعریف واژه «حکمرانی» وجود ندارد بلکه در نمایه آن نیز چنین واژه‌ای درج نشده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۱۹۳). در یکی از گزارش‌های بانک جهانی درباره آفریقا، حکمرانی به صورت «اعمال قدرت سیاسی به منظور اداره امور یک ملت» معنا شده است (World Bank, 1989: 60). همچنین بانک جهانی «حکمرانی را به عنوان روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی

یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود» تعریف می‌کند، در حالی که بوئینگر حکمرانی را به عنوان «دولت مطلوب جامعه» تعریف می‌کند (Lateef, 1992: 295). حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. از اواخر دهه ۹۰م، نهادهای بین‌المللی سیاست‌گذاری اقتصادی همچون بانک جهانی، برنامه عمران سازمان ملل و تا حدودی صندوق بین‌المللی پول سیاستی به نام حکمرانی خوب را به عنوان کلید معمای توسعه مطرح نمودند. موضوع محوری حکمرانی خوب چگونگی دست‌یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ای مردم‌سالار و برابر خواهانه باشد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۵۹-۲۵۸). واژه حکمرانی خوب نخستین بار توسط ویلیام سون در سال ۱۹۷۹ در ادبیات اقتصادی به کار گرفته شد و از سال ۱۹۸۰ به بعد استفاده این واژه در حوزه‌های دیگر گسترده‌تر شد. اما کاربرد جهانی این واژه به گزارش سالانه بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ باز می‌گردد که این گزارش نیز حکمرانی خوب را از منظر اقتصادی مورد بررسی و ارزیابی قرار داده بود. بانک جهانی در مطالعات سال ۱۹۸۹ دریافت که حکمرانی (شیوه مدیریت کشور یا رابطه شهروندان با حکومت‌کنندگان)، موضوع محوری توسعه به شمار می‌آید. اما امروزه حکمرانی و حکمرانی خوب مفاهیمی هستند که در جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، امور دولتی و به ویژه مدیریت توسعه مطرح و به کار گرفته می‌شوند. حکمرانی خوب گفتمان جدیدی است که با مولفه‌هایی مانند قانونمندی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و کارایی تعریف می‌شود که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. این مفاهیم در کنار مفاهیمی دیگر مانند دموکراسی، جامعه متمدن، مشارکت شهروندان، حقوق بشر و توسعه اجتماعی و پایدار معنی می‌یابند. بنابراین با توجه به موضوعیت یافتن این مفاهیم و ضرورت توجه به آن‌ها به دلیل تغییرات مستمر جوامع و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، تعیین سطوح به‌کارگیری و متولیان جاری‌سازی آن اهمیتی قابل توجه دارد (زارعی، ۱۳۹۸: ۲۵۹؛ شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰: ۳۷). در سه دهه اخیر در جهان شاهد دگرگونی عمده‌ای در نحوه اداره کردن کشور هستیم که تأکید بر اجماع همه نیروهای درونی کشور برای مشارکت در اداره کشور دارد. ساز و کاری که بتواند توانایی‌ها و ایده‌های بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش جامعه مدنی را هم‌افزایی کند و در تعیین هدف، تصمیم‌سازی و اجرای برنامه‌ها در سطح ملی و محلی مشارکت فعال داشته باشد. این فرآیند که «گاورننس» نامیده شده است متکی بر دموکراسی، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، شفافیت،

اثربخشی، کارآمدی، مشارکت و خودگردانی است. این در حالی است که گاورننس محصول یک فرآیند و کنش عناصر مختلف مشارکت بخش دولتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی برای هم‌افزایی نیروهای مثبت برای اداره کردن بهتر امور جامعه در قلمرو مشخصی از فضا است که مبتنی بر اصول دموکراتیک و مکانیزم برنامه‌ریزی از پایین به بالاست تا بهترین تصمیم‌سازی و حداکثر خدمات‌رسانی و رضایت‌مندی عمومی را فراهم کند (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۳-۹۸).



شکل ۱ اجزاء و بخش‌های حکمرانی و حکمروایی خوب؛ ترسیم: نگارندگان

همان‌طور که می‌دانیم، حکمرانی مطلوب حرکت از «وضعیت نامطلوب» به «وضعیت مطلوب» بر اساس «راهبرد ترسیم الگوی حکمرانی مطلوب» می‌باشد (عابدی‌درچه، ۱۳۹۸: ۱۱۵). لذا انتخاب بهترین نوع حکمرانی به تحقق صحیح و سریع این الگو و راهبرد کمک شایانی خواهد نمود. سؤال تحقیق این است که اساساً الگوی نظری حکمرانی متعالی از نظر اسلام چیست؟ و سیر تطوّر تاریخی نظریه‌ها مشتمل بر آراء و اندیشه‌های کدام مراجع و نظام‌های سیاسی حاکم می‌باشد؟ اما مفروضات این تحقیق ابتناء حکمرانی متعالی اسلام بر خدامحوری و نیل به سعادت اخروی انسان با برنامه‌های الهی رسیده از انبیاء، ائمه اطهار و والیان و زمامداران فقیه در جامعه می‌باشد. همچنین فرضیه تحقیق این است که، به نظر می‌رسد نظریه الگوی حکمرانی متعالی که اسلام ارائه می‌دهد، تنها راه رسیدن به کمال مطلوب جوامع خواهد بود.

۲- روش تحقیق

محققان با سیر و جستاری در نظریه‌ها و اندیشه‌های سیاسی دانشمندان مسلمان از ظهور اسلام تا قرن معاصر، با توصیف افکار و آراء آنان در زمینه حکمرانی و انواع آن و نیز جامعه مطلوب و

حکمرانی متعالی، اندیشه‌های این اندیشمندان را از منابع کتابخانه‌ای شامل کتاب‌ها و مقاله‌ها استخراج نموده و به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شده است.

۳- یافته‌های تحقیق

۳-۱- حکومت^۱ و انواع آن

حکومت واژه عربی در زبان فارسی است که ریشه آن «حکم» به مفهوم امر، فرمان و دستور است. بر این پایه، حکومت در حالت مصدری به مفهوم حکم دادن، فرمان دادن، فرمان‌روایی و داوری کردن است و در حالت اسمی به معنای فرمان‌روایی، پادشاهی و داوری است (عمید، ۱۳۸۹). حکومت دستگاه سازمان یافته‌ای است که اعتبار و مشروعیت آن بر مبنای رأی مردم و قوانین الهی، اساسی، حقوقی، مدنی، عرفی و سنتی جوامع متکی است (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۸۳). در فرهنگ فارسی معین حکومت این طور تعریف شده است: «فرمان دادن، امر کردن، فرمانروایی کردن، سلطنت کردن، پادشاهی کردن، داوری کردن، قضاوت کردن» (معین، ۱۳۸۷: ۴۱۶). حکومت بعد عمودی ساختار سیاسی تشکیلاتی قانونی است که بر بنیاد رضایت عمومی مردم در یک گروه انسانی مشخص پای می‌گیرد که «سرزمین» چهره افقی آن شمرده می‌شود. به گفته دیگر، سرزمین سیاسی (کشور) جلوه‌گاه فیزیکی است که بعد عمودیش حکومت خوانده می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۳۳). هر چند تعدادی از نویسندگان چنین اظهار داشته‌اند که حکومت و دولت دو کلمه مترادف هستند، اکثریت افراد صاحب‌نظر چنین عقیده دارند که حکومت یک وسیله و ابزار ضروری دولت است و یا حکومت را می‌توان سازمانی از دولت نامید که به‌طور عادی از سه قسمت یعنی قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه به اضافه تشکیلات اداری تشکیل شده است (قالیباف، ۱۳۹۱: ۴۳). انواع گوناگونی از شکل و ساختار حکومت وجود دارد، اما همان‌طور که لیکاک گفته است برای به وجود آمدن حکومت: «صرف وجود اطاعت از نیروی برتر کافی است. شکل‌های استبدادی یا ستمگری حکومت با فراهم کردن این شرایط، همان وضعیت سیاسی را به وجود می‌آورد که اگر اقتدار حکومت از رضایت عمومی برآمده باشد» (Leacock, 1924: 14). حکومت از دیدگاه ساختار سیاسی بر دو گونه است: حکومت پادشاهی که با نظریه پاندز در زمینه خودبه‌خودی بودن

آن هماهنگی دارد (Pounds & Ball, 1964: 24- 40) و قدیمی تر است و بی گمان باید ریشه اصلی اش را در تاریخ باستان ایران جستجو کرد و حکومت جمهوری که با نظریه راتزل در زمینه اندامی بودن حکومت برابر است (Ratzel, 1969) و ریشه اصلی آن را باید در تاریخ روم باستان جستجو کرد. حکومت‌های پادشاهی یا سنتی و مطلقه است، همانند بیشتر پادشاهی‌های شبه‌جزیره عرب که پادشاه در آن حاکم و تصمیم‌گیرنده اصلی و نهایی است یا مشروطه و دموکراتیک، همانند بیشتر پادشاهی‌های اروپا که پادشاه در آن نقشی سمبولیک دارد و حکومت و حاکمیت در آن متلق به مردم است و اراده مردم برای اداره سرزمین به دولت‌های منتخب که جلوه تشکیلاتی حکومت است منتقل می‌شود. با این حال، اصل تداوم و مشروعیت در هر دو گونه، اصل «وراثت» پادشاهی است. از سوی دیگر، حکومت جمهوری که بر اساس انگیزه اصلی «حاکمیت جمعی» یا «جمهوریت سیاسی» جامعه شکل می‌گیرد، در حکومت فرماندهان (سزار) انتخاب شده از سوی سنا در روم باستان ریشه دارد. شایان توجه است که روم باستان پس از تبدیل نظام پادشاهی خود به نظام انتخابی یاد شده، جمهوریت را، در اقتباس از مشترک‌المنافع ایران باستان، به نظام امپراتوری تبدیل کرد (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۵).

۲-۳- حاکمیت^۱

واژه «حاکمیت» از واژه لاتینی «Superanus»، به معنای «برتر است»، گرفته شده است (رحمت‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۹۰). می‌شود گفت که آن معنا و مفهومی که دانش‌واژه «ارزش» در علم اقتصاد سیاسی دارد دانش‌واژه «حاکمیت» در علم سیاست دارد و همیشه نوعی قدرت یا اقتدار حکومتی یا قانونی از آن در ذهن بوده است (عالم، ۱۳۸۴: ۱۵۳). به عبارت دیگر حاکمیت قدرت عالی دولت و قانون‌گذار و اجراکننده قانون است و بالاتر از آن قدرتی نیست (آشوری، ۱۳۹۱: ۱۲۸). یکی از شرایط احراز حاکمیت ملی، آن است که حکومت توانایی اعمال قدرت مشروع را در سراسر قلمرو داشته باشد؛ به نحوی که نظارت بر تمامی امور صورت گیرد و ضمانت اجرایی لازم نیز برای دستورها، قوانین و احکام فراهم شود؛ به عبارت دیگر حکومتی که نتواند ثبات، امنیت و نظم عمومی را با بهره‌گیری از روش‌های قانونی پیش‌بینی شده برقرار کند و ابزار لازم را برای اجرای تعهدها و احکام صادره فراهم سازد، در حقیقت فاقد قدرت مؤثر است. استمرار چنین

1 Sovereignty

وضع، اضمحلال حکومت را در پی خواهد داشت، هر چند هیئت حاکمه آن از طریق قانونی به قدرت رسیده باشند. چنین حکومتی در اثر عدم توانایی برای رفع نیازها و مشکلات جامعه با بحران مشروعیت مواجه خواهد شد (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۹۰). در مجموع، از میان نظریه‌های گوناگون مربوط به حاکمیت، می‌شود در مورد دو گروه اصلی از باورهای مربوط به ریشه حاکمیت بحث کرد:

(۱) نظریه‌های حاکمیت الهی؛

(۲) نظریه‌های حاکمیت مردم (توکلی‌نیا و شمس‌پویا، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

۱-۲-۳- تنوع‌گرایی^۱ و حکومت الهی (خدای‌محوری)

در نظریه حاکمیت الهی، قدرت ناشی از نیرویی ماوراءالطبیعه است که از سوی خداوند، طبق موازین و احکامی، به مسئولان و مراتب پایین‌تر انتقال می‌یابد (قاضی، ۱۳۷۰: ۲۳۰؛ توکلی‌نیا و شمس‌پویا، ۱۳۹۵: ۱۱۰). این دیدگاه بر مبنای ادیان و کتب مقدس آسمانی و دستورهای دینی متکی است. در مکاتب الهی، اعتقاد و باور پیروان واقعی ادیان بر این است که هر گونه قدرتی تنها از اراده خداوند نشأت می‌گیرد و خداست که از هر عیبی مبرا و از ظاهر و باطن دو عالم آگاه است. از دیدگاه توحیدی، انسان آفریده خداوند (ممکن‌الخطا) و در دستگاه عظیم آفرینش موجودی فناپذیر با آگاهی‌های بسیار محدود است. به اعتقاد پیروان این دیدگاه، انسان در عین حالی که مختار آفریده شده و می‌تواند مسیر رشد و تعالی را انتخاب کند، ولی هرگز قادر نخواهد بودجه‌ای از کمال برسد که واجد شرایط قانون‌گذاری برای زندگی و سعادت دنیوی و اخروی‌اش و جامعه باشد. بنابراین دیدگاه، انسان شایستگی لازم را برای وضع قوانین ندارد، بلکه تمام قدرت و حکومت از مشیت خداوندی است که پس از تعلق گرفتن اراده خداوند بر خلقت انسان، از بین مردم برگزیدگانی را از هبوط آدم OAP به زمین تا بعثت حضرت خاتم‌النبین OumP به پیامبری مبعوث و به آنان رسالت داد تا مردم را به یکتاپرستی و راه صحیح زندگی دعوت کرده، زمینه رستگاری آن‌ها را در دو جهان مهیا کنند. (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۸۸-۱۸۷). طرفداران این نظریه مدعی هستند که تشکیل دولت ناشی از حکمت الهی و اراده خداوندی بوده و متصدیان امور از طرف خداوند مبعوث می‌شوند و از جانب و به نمایندگی او مردم را اداره می‌کنند. این نظریه در ممالک

قدیم مانند مصر، چین، آشور، کلد و حتی در یونان و روم نیز معمول بوده است. در آن دوران فرمانروایان ماهیت خدایی داشته‌اند و خود در زمره خدایان بوده‌اند. مردم مصر و روم، فرعون‌ها و امپراتوران را از خدایان می‌دانسته‌اند. پس از ظهور حضرت مسیح OAPI این نظریه توسعه یافت و از طرف روحانیون مسیحی تقویت شد. در حقیقت روحانیون مسیحی برای پیغمبرانی که فرستاده خداوند هستند، حق حاکمیت قائل شده و معتقد بودند که آن‌ها باید بر مردم حکومت کنند و تعالیم دینی را در اجتماع اجرا نمایند و پس از پیغمبران، وظیفه روحانیون است که اداره امور کشور را در دست گیرند. غالب نویسندگان قرون وسطا مانند سنت آگوستین، دولت را ناشی از خداوند دانسته و مدعی بودند که اداره مملکت بایستی در دست روحانیون و نمایندگان مذهب مسیح باشد. شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در قرن چهارم و پنجم هجری نیز برای دولت منشأ الهی قائل شده و از این نظریه چنین نتیجه گرفته است که مقنن باید از طرف خداوند مبعوث شود (قالیباف، ۱۳۹۱: ۲۱). به اعتقاد پیروان حقیقی ادیان الهی، قدرت خداوند نامحدود و وجود اقدسش از هر نقصی مبراست. از این رو فرستادگانش حامل بهترین قوانین بوده و شایسته‌ترین افراد برای تشکیل حکومت و اداره جامعه هستند. حکومت‌های خدایی بر مبنای توحید، نبوت، معاد و حذف اعتبارهای طبقاتی، قومی و نژادی بنا می‌شوند و کل جامعه انسانی را مورد خطاب خود قرار می‌دهند. حکومت‌های الهی مبارزه با ظلم، فساد و جنایت را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند و آرمان آن‌ها تعالی و سعادت انسان است (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). قرن هفده و هیجده میلادی، دوره‌ایی است که در آن رشد علوم تجربی روی داد و این موضوع باعث بروز روحیه افراطی علم‌گرایی شد. این علم‌گرایی که روش آن، تأکید مفرط بر تجربه بود، اساساً به نفی تدبیر و حاکمیت خدا انجامید و خدا به سان، ساعت‌سازی تصویر شد که جهان را آفرید و آن را به حال خود رها ساخت. به علاوه، در دوره فوق، نظریه حکومت خدا (تئوکراسی) مورد تشکیک جدی و عمیق قرار گرفت و به جای آن، نظریه‌هایی ارائه شد که در آن‌ها، مشروعیت حاکمیت سیاسی- اجتماعی، موکول به رأی مردم گردید و حکومت از بالا به پایین، جای خود را به حکومت دموکراتیک (مردم) و از پایین به بالا داد (شیرودی و جهان‌بین، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

۲-۲-۳- دموکراسی^۱ یا مردم‌سالاری (انسان‌محوری)

دموکراسی از واژه *democratica* یونانی گرفته شده که خود ترکیبی از *demos* به معنی مردم و *kratein* یعنی حکومت کردن است. به این ترتیب، دموکراسی یعنی حکومت کردن به وسیله مردم (قادری، ۱۳۸۰: ۴۳). کارل کوهن در این باره چنین می‌نویسد: «سازوکاری که بتواند برآیند آراء مردم برای اداره امور عمومی یک جامعه را به کرسی بنشانند، دموکراسی گویند. به عبارت ساده‌تر معنای دموکراسی، «حکومت کردن به وسیله مردم برای مردم»، «حکومت بر پایه رضایت»، «فرمانروایی اکثریت»، «حکومت با حقوق برابری برای همه» و «حاکمیت خلق» است (کوهن، ۱۳۷۳: ۲۲). در نظریه حاکمیت مردم، قدرت برآمده از درون قشرهای مردم است که، با حرکتی از پایین به بالا، از قاعده هرم اجتماعی آغاز می‌شود و تا رأس هرم صعود می‌کند (قاضی، ۱۳۷۰: ۲۳۱؛ توکلی‌نیا و شمس‌پویا، ۱۳۹۵: ۱۱۰). از نظر تاریخی، دموکراسی را می‌توان در یونان جستجو کرد، اما افلاطون و ارسطو نظر مساعدی نسبت به آن نداشتند و آن را عوام‌فریبی و شکل فاسد حکومت انبوه مردمی می‌پنداشتند (راش، ۱۳۷۷: ۸۹). دموکراسی لفظی است یونانی و معنی آن حکومت مستقیم و بدون واسطه مردم است. برخی علما، دموکراسی را ترکیبی از دو عنصر آزادی و تساوی دانسته، معتقدند که برای تشخیص حکومت دموکراتیک از غیر آن، باید دید منشأ و منبع غالب تصمیمات جامعه در کجاست (قالیباف، ۱۳۹۱: ۴۸؛ قاسم‌زاده، ۱۳۴۰: ۱۲۳). مردمی بودن حکمرانی بدین معناست که مردم در تعیین سرنوشت خود و مدیریت سیاسی جامعه خود سهیم باشند. دموکراسی عنوانی است که اندیشمندان غربی بر مردمی بودن حکمرانی نهاده‌اند (عابدی‌درچه، ۱۳۹۸: ۱۱۵). دموکراسی آزادی بدون قید و بند است و افراط در آزادی به همه شئون زندگی سرایت می‌کند. جامعه دموکرات نیز، با وجود رواج آزادی و برابر، جامعه‌ای طبقاتی است و علت این امر آزادی بی‌حدومرز است (توکلی‌نیا و شمس‌پویا، ۱۳۹۵: ۱۵). در غرب نخستین گام به سوی دموکراسی در نیمه اول سده هفدهم برداشته شد. عقاید دموکراتیک و جنبش‌های آن از تجلیات مهم، و نه اصلی، انقلاب انگلستان بود. احکام بنیانی کانکتیکت که در ۱۴ ژانویه ۱۶۳۶ به وسیله شهروندان هارتفورد و شهرهای مجاور آن تنظیم شد، نخستین «قانون اساسی مکتوب دموکراسی جدید» بود (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۱۶). اساس حکومت مردم در عصر جدید به گونه‌ای جهانشمول با ظهور دو تحول عمده در قرن هجدهم استوار گشت. نخست تصویب قانون اساسی دولت فدرال آمریکای شمالی در سال ۱۷۸۷ و سپس انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ و صدور اعلامیه حقوق بشر و شهروند و متعاقب آن تصویب قانون اساسی انقلابی

۱۷۹۱ در آن کشور. در واقع انقلاب کبیر فرانسه نظریهٔ مردم‌سالاری را که تا آن زمان جنبهٔ آرمانی و فلسفی داشت در قالب حقوقی شکل داد (غفوری، ۱۳۷۸: ۱۴۷). دموکراسی عبارت است از: آزادی، مساوات، برادری، نظارت مؤثر شهروندان بر امور سیاسی، حکومت مسئول، سیاست علنی و شرافتمندانه، مشاورهٔ آگاهانه و خردمندانه، قدرت و مشارکت مساوی و دیگر فضیلت‌های مدنی (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۱۲). از آنجایی که در جمهوری‌ها، حاکمیت را معمولاً به مردم نسبت می‌دهند (آشوری، ۱۳۹۱: ۱۲۸). در عمل، دموکراسی بیشتر اصلی در نظر گرفته می‌شود که متضمن رضایت عمومی و کنترل از جانب افرادی است که بر آن‌ها حکمرانی می‌شود و ممکن است به شیوه‌های سیاسی گوناگون و شکل‌های مختلف حکومت بیان شود (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۲: ۲۲۳). در واقع، دموکراسی نوعی رژیم سیاسی است که قدرت حکومت در دست مردم است، زیرا آنان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به دنبال انتخابات عمومی مسئولان حکومت را انتخاب می‌کنند. بنابراین در حکومت مردم‌سالاری احزاب متعددی وجود دارد و انتخابات به صورت آزاد صورت می‌گیرد. حکومت مردم‌سالاری بر حسب این‌که مردم نمایندگان خود را انتخاب کنند یا نکنند می‌تواند دموکراسی مستقیم یا مبتنی بر نظام نمایندگی باشد. دموکراسی بر اساس تفکیک قوا (مقننه، مجریه و قضائیه) و احترام به آزادی‌های بنیادین پایه‌گذاری شده است، بنابراین رژیم پارلمانی یا لیبرال نمی‌تواند همیشه معادل دموکراسی باشد. نمایندگان می‌توانند به دنبال انتخابات خاص که در آن حق رأی شهروندان رابطهٔ مستقیم با پرداخت مالیات دارد، انتخاب شوند. چنین انتخاباتی در بعضی از کشورهای اروپایی همچون انگلستان و آلمان در طول قرن نوزدهم منداول بود که تا شروع جنگ بین‌الملل اول ادامه داشت (رضیعی، ۱۳۹۰: ۱۸۹). پیروان این دیدگاه معتقدند که قدرت از درون جامعه ناشی می‌شود. این مکتب قدمت زیادی دارد و به صدها سال قبل از میلاد مسیح بر می‌گردد. قدیمی‌ترین دموکراسی‌ها در کشورهای هند، چین و یونان به وجود آمده است. پژوهشگران، دموکراسی هند و چین را قدیمی‌تر از دموکراسی یونان می‌دانند، ولی به نظر آنان یونانی‌ها در معرفی دموکراسی به سایر جوامع پیشدستی کرده‌اند. تاریخ حکایت از آن دارد که دموکراسی در شکل قدیمی‌اش، استمرار پیدا نکرده است؛ به‌طوری که تا قرن هجدهم به جز در کشورهای ایتالیا و سوئیس در سایر جوامع از بین رفته بود. برابر شواهد تاریخی دموکراسی در کشور انگلستان هم قبل از قرن هجدهم شکل گرفته بود، ولی چون پایهٔ قانونی و رسمی نداشت، مورد تقلید سایر ملل قرار نگرفت (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). حکومت دموکراتیک باید دارای قانون

اساسی خاص خود باشد که در آن آزادی‌های بنیادین و تفکیک قوا تضمین شده و رئیس دولت با رأی‌گیری همگانی انتخاب شود. در صورتی که گروهی از افراد جامعه یا اقلیت‌هایی حق رأی نداشته باشند دموکراسی به معنای واقعی صورت نمی‌پذیرد (رضیعی، ۱۳۹۰: ۱۸۹).

۳-۳- حکمرانی^۱

فرهنگ فارسی معین در تعریف حکمران و حکمفرما واژگان مترادفی نظیر «حاکم، والی، فرمانروا، حکمران» را آورده است (معین، ۱۳۸۷: ۴۱۶). حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (Johnson, 1997:9). حکمرانی در لغت به معنای حکومت، فرمانروایی، راهبری و حکمرانی تعریف شده است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۷۹: ۶۸۹). معادل اصطلاح گاورننس را در زبان فارسی «حکمرانی» و برخی «حکمرانی» بیان کرده‌اند. به نظر می‌رسد که مفهوم حکمرانی در زبان فارسی «حکم روا کردن» و یا «حکم روا داشتن» و معنای حکمرانی، «حکم راندن» است که معادل آن در انگلیسی رولینگ^۲ می‌باشد (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). واژه «حکمرانی» واژه جدیدی است که در رابطه با واژه قدیمی «دولت» معنا و مفهوم روشنی ندارد. در فرهنگ لغت آمریکایی «هریتیج» واژه «حکمرانی» به عنوان «فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکمراندن؛ دولت» معنا شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکمراندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان؛ نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی نه تنها تعریف واژه «حکمرانی» وجود ندارد بلکه در نمایه آن نیز چنین واژه‌ای درج نشده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۱۹۳). زارعی به نقل از مک‌کیم و همکارانش می‌نویسد: «حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان مربوط می‌شود» و تعریف بانک جهانی از حکمرانی را چنین بیان می‌کند: «فرآیندها و نهادهایی که از طریق آن تصمیمات اتخاذ و اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود». همچنین تعریف برنامه عمران سازمان ملل را اینگونه می‌آورد: «اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و اجرایی به منظور اداره امور یک جامعه در تمام سطوح حکمرانی شامل مکانیسم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و گروه‌ها منافع‌شان را منسجم و مشخص می‌کنند، با وظایف‌شان آشنا می‌شوند و

1 Governance

2 Ruling

اختلافاتشان را حل و فصل می‌کنند» و در جایی دیگر، تعریفی دیگر از همین سازمان این چنین بیان می‌کند: «حکمرانی اعمال اقتدار اداری، اقتصادی، سیاسی در راستای مدیریت امور کشور در تمام سطوح بوده و ساز و کارها، فرایندها و مؤسساتی را در بر می‌گیرد طریق آن‌ها شهروندان و گروه‌های جامعه منافع خود را به هم پیوند زده، حقوق خود را پیگیری، تعهدات خود را ادا و اختلافات خود را حل و فصل نمایند». تعریف صندوق بین‌المللی پول را نیز این طور ذکر می‌کند: «با توجه به اهداف صندوق بین‌المللی پول، حکمرانی منحصر به جنبه‌های اقتصادی و ... در دو زمینه بهبود اداره منابع عمومی، حمایت از توسعه و حفاظت از شفافیت و اقتصاد پایدار و محیط قانونمند است که مساعدت‌کننده فعالیت‌های بخش خصوصی کاراست» (زارعی، ۱۳۹۸: ۲۶۰-۲۵۹).

۴-۳- حکمرانی متعالی در اسلام

۴-۳-۱- تطوّر در سیر تفکر حکمرانی متعالی در اسلام

دانشمندان مسلمان نیز با اصالت دادن به حاکمیت خداوند و در طول آن انبیاء الهی و نیز در مذهب شیعه اثنی عشری ائمه اطهار ۱۲ گانه و اعتقاد به حضور امام غائب و مدیریت ایشان بر اوضاع مسلمین و در غیبت او حکومت و امامت نائبان خاص و عام آن‌ها با عنوان ولی فقیه، نظریه‌هایی را در مورد حکمرانی متعالی از دیدگاه اسلام بیان کرده‌اند که برخی از این نظریه‌ها را از آراء فارابی، ماوردی، بوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن خلدون، علامه مجلسی، شیخ فضل‌الله نوری، امام خمینی OwPi ، علامه شهید مرتضی مطهری و امام خامنه‌ای OKPi در جدول زیر مرور می‌نمائیم.

جدول ۱ سیر تاریخی تفکر و متفکران حکمرانی متعالی در اسلام

نظریه	زمان	نظریه پرداز	نظام سیاسی حاکم
هدایت به سمت سعادت، عدالت‌ورزی، امانت‌داری، تأمین رفاه عمومی، مسئولیت‌پذیری	۱۰ هـ. ق تا کنون	ائمه اطهار	امامان شیعه
نخستین فیلسوف نظریه‌پرداز سیاسی مدینه فاضله	۲۵۸ تا ۳۳۸ هـ. ق	ابونصر محمد فارابی	خلافت عباسیان

خلافت عباسیان	ماوردی	۳۶۴ تا ۴۵۰ هـ. ق	نظریه خلافت اهل سنت
خلافت عباسیان	شیخ طوسی	قرن چهارم هـ. ق	تأمین و حفظ مصالح عمومی
خلافت عباسیان	مسکویه	قرن چهارم هـ. ق	حکومت کامله
حکومت‌های مستقل (سامانیان، خوارزمشاهیان، زیاریان، آل بویه)	بوعلی سینا	۳۷۰ تا ۴۲۸ هـ. ق	مدینه آرمانی: تقسیم کار اجتماعی تفاوت و تعاون در بین مردم حاکمیت قوانین الهی
خلافت عباسیان، غزنویان، طاهریان و جنگ‌های صلیبی	خواجه نظام‌الملک طوسی (سنی مذهب)	۵۹۶ تا هـ. ق	اعتدال‌ورزی، امنیت و عدالت
خلافت عباسیان، سلطان سنجر	ابوحامد محمد غزالی (سنی مذهب)	۴۵۰ تا ۵۰۵ هـ. ق	اصلاح جامعه و افراد عدالت و مسالمت
خلافت عباسیان، اسماعیلیان و مغول	خواجه نصیرالدین طوسی	۵۹۸ تا ۶۷۲ هـ. ق	سیاست در چارچوب دیانت عدالت الهی، تعاون و همکاری مردم
-	عبدالرحمن ابن خلدون	۷۳۲ تا ۸۰۸ هـ. ق	نظریه تحول (بادیه‌نشینی، شهرنشینی، انحطاط)
صفویه	محمدبن ابراهیم شیرازی (ملاصدرا)	۸۸۰ تا ۹۵۰ هـ. ق	مدینه فاضله صدرایی (آمیختگی دین و سیاست جهت نیل به خیر حقیقی)
عثمانی	شهید ثانی	۹۱۱ تا ۹۶۶ هـ. ق	لزوم استقرار حکومت عادل
صفویه	شیخ بهائی	۹۵۳ تا ۱۰۳۰ هـ. ق	عدالت و تقوا
صفویه	علامه محمدباقر مجلسی	۱۰۳۷ تا ۱۱۰۱ هـ. ق	عدالت‌ورزی
	فیض کاشانی	قرن یازدهم هـ. ق	عدالت‌ورزی
پهلوی انقلاب اسلامی	امام خمینی OωΠ	۱۲۷۹ تا ۱۳۶۸ هـ. ش	حکومت اسلامی (ولایت فقیه)
	شهید مطهری	۱۲۹۸ تا ۱۳۵۹ هـ. ش	حکومت ایدئولوژیک (ولایت حاکم)

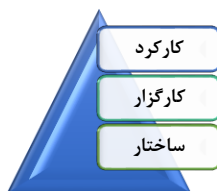
انقلاب اسلامی	امام خامنه‌ای OKP	قرن معاصر	حکمرانی متعالی اسلامی (تمدن نوین اسلامی)
---------------	-------------------	-----------	---

ترسیم: نگارندگان

۴-۳-۲- ویژگی‌ها و مولفه‌های حکمرانی متعالی در اسلام

تأسیس حکومت اسلامی در مدینه، ساختار جدیدی از نظام سیاسی را پدید آورد که پیش از آن وجود نداشت. برخی از ویژگی‌ها و مشخصات این نظام که حداقل تا پایان حیات پیامبر و نیز در حکومت کوتاه علی OAP ادامه یافت (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴: ۳۶-۳۳) عبارت بود از: سیاست‌گذاری برای استحکام پیوندها بین مسلمانان مهاجر و انصار، تصمیم‌گیری درباره نحوه برخورد مسلمانان با یهودیان، تدوین استراتژی لازم برای رفع تهدیدهای قطعی مشرکین مکه و گسترش اسلام در میان ساکنان یثرب و اعراب پیرامون آن و مبارزه با فقر و به این سان، اندیشه جدیدی در نظام سیاسی پیدا شد که وحدت دین و سیاست، طرح و اجرای اخوت بین مهاجر و انصار، انعقاد پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز با یهودیان (وحدت سیاسی) در درون مدینه، از آن جمله بود (بناب، ۱۳۸۵: ۱۵۷)، اما جنگ‌های پیش آمده به وسیله مثلث مشرکان مکه، یهودیان مدینه و بدویان صحرائشین از سال اول هجرت به بعد، مانع از توسعه و تحکیم ویژگی‌های مذکور گردید (شیرودی، ۱۳۹۳: ۲۹). در دوره خلفای سه‌گانه، نظام سیاسی جدیدی شکل گرفت که ویژگی‌های آن با دوره رسول‌الله OAP تفاوت‌های اساسی داشت. از جمله: کم‌توجهی به ارزش‌های دینی و عدم به‌کارگیری شایستگان، کنار نهادن تدریجی مردم از ایفای نقش مؤثر در سرنوشت سیاسی، برتری‌بخشی به اعراب بر اساس نژاد نه تقوا، استوار شدن قدرت سیاسی بر توانمندی‌های قبیله‌ای، تأثیر گرایش و انگیزه‌های غیرالهی در کشورگشایی، توجه به ظاهر و نه باطن اسلام، کم‌شدن پاسخگویی نظام سیاسی، روی‌آوری به ارزش‌های جاهلی، توسعه دوایر و مؤسسات دیوانی، افزایش میل به اشرافی‌گری و تجمل‌خواهی (شیرودی، ۱۳۹۳: ۳۶). اما پس از رحلت پیامبر اکرم OAP و خلافت خلفای سه‌گانه شیعه و سنی اولین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی شکل گرفته کلی و اصلی در اسلام بودند که از آن‌ها فرقه‌ها و نحله‌های متعددی منشعب شدند. شیعیان معتقد به خلافت و ولایت امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب OAP علاوه بر فرقه امامیه که معتقد به دوازده امام معصوم OAP بوده و به اثنی‌عشری معروف هستند، نحله‌های دیگری نظیر زیدیه و اسماعیلیه

از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌روند. از طرف دیگر، اهل سنت نیز به گروه‌ها و جریان‌های متعددی مانند اشاعره، معتزله و خوارج و نیز مرجئه، قدریه، ازارقه و اباضیه تقسیم شدند. تفاوت عمده و مهم در نوع حکمرانی دو گروه شیعه و اهل سنت اعتقاد اهل سنت به وجود خلیفه و تأمین امنیت در رأس شرایط و وظایف حکمرانی مطلوب بوده اما شیعیان معتقد به ولایت امام معصوم OAPI و نایبان عام و خاص آنها تحت عنوان ولی فقیه می‌باشند و عادل بودن ولی فقیه و اجرای عدالت را در رأس امور و وظایف حاکم به عنوان حکمرانی مطلوب می‌دانند. و اما شباهت اساسی و عمده بین شیعه و اهل سنت اعتقاد به وجود حاکم و حکومتی است که با دین رابطه دارد. اعتقاد به ساختار مناسب و کارگزار دارای شرایط مورد نظر اسلام که خروجی این دو باعث کارکرد مطلوب گردد، از ضروریات این نوع حکمرانی است. لذا عناصر اصلی حکمرانی متعالی در نظریه‌های این دو فرقه اصلی در اسلام شامل ساختار، کارگزار و کارکرد است که بدون ایجاد و اصلاح دو عنصر اولی، عنصر سوم بازخورد مناسب و مطلوب را نخواهد داشت. همچنین باید گفت، از اواسط قرن سوم به بعد متفکران و اندیشمندان اسلامی پا به عرصه سیاست و نظریه‌پردازی در حوزه حکمرانی و نوع حکومت‌داری گذاشتند. در این بین اکثر آنها در حیطة شرایط رئیس مدینه، زمامدار، خلیفه، ولی فقیه و وظایف حاکم و جانشینان او نظرات خود را ارائه داده‌اند. در این میان فارابی، بوعلی سینا و خواجه نصیرالدین طوسی، ابن خلدون، علامه مجلسی و ملاصدرا از مهم‌ترین و معروف‌ترین نظریه‌ها را در عرصه حکمرانی متعالی بیان کرده‌اند.



شکل ۲ عناصر اساسی حکمرانی متعالی در اسلام، ترسیم: نگارندگان

امیرالمومنین علی OAPI در سال ۳۸ هجری در مسجد کوفه آنگاه که شعار خوارج «لا حکم الا لله» را شنید در خطبه ۴۰ نهج البلاغه در خصوص ضرورت حکومت می‌فرماید: «سخن حقی است، که از آن اراده باطل شد! آری درست است، فرماندی جز فرمان خدا نیست، ولی این‌ها می‌گویند زمامداری جز برای خدا نیست، در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند، تا مومنان در

سایه حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم هم بهره‌مند شوند، و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله حکومت، بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد (نفی تفکر آپولیتیسیم: لاقیدی و عدم شرکت در مسائل سیاسی)، جاده‌ها امن و امان و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود. نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند. اما در حکومت پاکان، پرهیزکار به خوبی انجام وظیفه می‌کند، ولی در حکومت بدکاران، نااک از آن بهره‌مند می‌شود تا مدت‌ش سرآید و مرگ او فرا رسد (دشتی، ۱۳۸۴: ۶۵). اما اهداف حکومت از نگاه علی OAPI در خطبه ۱۳۱ نهج‌البلاغه تعریف شده که حضرتش در عرصه حکومت خود، آن را عملی نموده است: ۱- احیاء نشانه‌های حق و دین در جامعه؛ ۲- ایجاد اصلاح و ایجاد امنیت برای مردم؛ ۳- اجرای قوانین و مقررات الهی (سلمانی‌کیاسری، ۱۳۸۷: ۵۴). ایشان در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه پس از شکست شورشیان خوارج در سال ۳۸ هجری برای بسیج کردن مردم جهت مبارزه با شامیان در نخیله کوفه، در عبارتی دیگر در بیان حقوق متقابل رهبر و مردم، حق مردم بر رهبر را چنین می‌فرماید: «حق شما بر من آن که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید. و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید، و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و هرگاه فرمان دادم، اطاعت کنید (دشتی، ۱۳۸۴: ۵۹). برخی از وظایف حکومت و رهبر جامعه اسلامی از دیدگاه امیرالمومنین OAPI در نهج‌البلاغه عبارتند از: ۱- جمع‌آوری بیت‌المال؛ ۲- تأمین امنیت ظاهری و معنوی جامعه؛ ۳- مبارزه با دشمنان خارجی و اراذل و اوباشی که نظم، امنیت و آسایش عمومی را بر هم می‌زنند؛ ۴- توجه به اموال عمومی و حفظ و حراست از آن؛ ۵- پرهیز از اسراف و حیف و میل بیت‌المال؛ ۶- احقاق حق ضعیفان از نیرومندان؛ ۷- اقامه حق و قضاوت عادلانه؛ ۸- توجه به دین و پاسداری از آن در برابر تحریف و تفسیر به رأی و سلیقه شخصی؛ ۹- اصلاح و اصلاح‌طلبی به معنای مبارزه با شیوه‌های نادرست حاکمیت و ظلم و تعدی نسبت به مردم؛ ۱۰- هم‌خوانی مقررات و قوانین با دستورات الهی؛ ۱۱- خیرخواهی رهبری نظام دینی برای مردم؛ ۱۲- رعایت عدالت؛ ۱۳- آموزش و پرورش فکر و روح جامعه و تربیت انسان‌های والا مقام (سلمانی‌کیاسری، ۱۳۸۷: ۶۱-۵۶). شیروانی در ترجمه رساله حقوق امام سجاد OAPI در خصوص حق مملوک در ذیل حقوق رعیت می‌نویسد: و اما حق رعیتی که به سبب ملکیت زیردست توسست،

آن است که بدانی او نیز آفریده همان خدای توست و گوشت و خون تو را دارد، و تو فقط مالک و اختیاردار او شده‌ای، نه این که گمان کنی به جای خدا تو خالق او هستی، و یا آن که تو برایش گوش و چشم نهاده باشی، و یا تو روزی رسان او باشی، بلکه تنها خداوند است که این همه را به کفایت خویش انجام داده، و سپس او را بیگار تو ساخته و در خدمت تو قرار داده و تو را امین او قرار داده، و او را به تو سپرده است تا خدا را در مورد او رعایت کنی، و با شیوه‌ای خداپسندانه با او رفتار کنی. پس باید از غذایی که خود می‌خوری به او بخورانی، و از لباسی که خود می‌پوشی به او بپوشانی، و او را به کاری بیش از توانش وادار نسازی، و اگر او را نخواستی خود را از مسئولیت الهی نسبت به او بیرون آوری، و با دیگری عوضش کنی، و آفریده خداوند را شکنجه نکنی (شیروانی، ۱۳۹۰: ۴۹). از سوی دیگر، فارابی سخن از لزوم تأسیس مدینه فاضله می‌کند و از ضرورت تعاون و همکاری در آن یاد می‌نماید تا بدین سان فضیلت تحقق یابد و اهل مدینه به هدف خویش که سعادت است دست یازند. سعادت از نظر فارابی خیر مطلق است و هر آنچه که در راه رسیدن به سعادت به دست آید خیر است در حالی که اهدافی چون ثروت، شهرت و لذت، شر است، زیرا انسان را از سعادت دور می‌کنند (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۵۰). راهی که فارابی برای بیرون رفت از وضعیتی به ظاهر با شکوه ولی از نگاه او نامطلوب، پیش می‌کشد، مدینه‌ای است با هدف استقرار فضیلت و سعادت، از همین رو، نامش را فاضله می‌نهد و در تشریح ضرورت فضیلت و سعادت و پیوند آن با نظام هستی و نظام سیاسی چنین می‌گوید: «هدف از آفرینش انسان رسیدن به سعادت نهایی است. شرط نیل به سعادت، شناخت آن است. انسان به تنهایی نمی‌تواند سعادت را بشناسد بلکه باید آن را از طریق راهنما بشناسد و از طریق حکومت به آن دست یابد» (شیرودی، ۱۳۹۳: ۲۹). در واقع، منظور فارابی از لزوم تمسک به راهنما و ایجاد حکومت، با توجه به خفقان قرن سوم و حکومت عباسیان، گرایش وی به امامان شیعه و تمسک به آنها به عنوان راهنما و برقراری حکومت صالح آنان جهت نیل به سعادت در حکمرانی با فضیلت و سعادت می‌باشد.

فارابی ویژگی‌های حکمرانی متعالی و مطلوب را در چارچوب وظایف حاکم بیان می‌کند. وی سمت رئیس مدینه را برای حاکم و حکمرانان یک جامعه برگزیده و هدف نهایی حکمرانی را نیل به سعادت دانسته و حکمران دارای فضایل اخلاقی را فردی مناسب برای تصدی این جایگاه می‌داند. وی در این خصوص می‌گوید: «یکی از وظایف حاکم در مدینه فاضله، زدودن شر از جامعه است؛ شری که مانع رسیدن به خیر اعلی می‌شود. حاکم همچنین وظیفه دارد خیرات را

رواج دهد تا سعادت سهل الوصول شود. یعنی رئیس مدینه که آگاه به خیر و مصلحت افراد جامعه است وظیفه دارد افراد جامعه را به سعادت رهنمون شود. رئیس مدینه که قرار است انسان‌ها را به سوی سعادت رهبری کند لازم است خود از فضایل اخلاقی اعلی برخوردار باشد. البته مردم هم در نیل به سعادت، صاحب نقش‌اند ولی ایفای چنین نقشی بدون حاکم و حکومت میسر نیست. به دیگر بیان، مردم از طریق رئیس مدینه، نظم و سامان می‌یابند و وظایف خود را از او می‌گیرند (فارابی، ۱۹۹۱: ۶۹). فارابی برای رئیس مدینه دو دسته صفات را بر می‌شمارد: اول صفاتی است که بر اثر ممارست و تعلم حاصل می‌شود و دوم صفات ناشی از استعداد طبیعی و برتری فطری رئیس مدینه بر دیگران. در مجموع، رئیس مدینه باید دارای این صفات باشد: صحت بدن، سرعت انتقال ذهن، حافظه قوی، تیزهوشی، خوش سخنی، دانش دوستی، حریص نبودن در مأکول، مشروب و منکوح، دوست‌دار راستی و اهل آن، بزرگواری و کرامت نفس، دوست‌داری عدالت، بی ارزش بودن پول در نگاه وی، قاطعیت و شجاعت در تصمیم‌گیری، راست‌گویی و راست‌روی، والامنشی، دادگری، دلیری و پرهیز از گناه. اما هر گاه فردی جامع این صفات در جامعه پیدا نشود و دو فرد یا جمعی از افراد واجد صفات مذکور باشند، آنان رهبران جامعه خواهند بود (فارابی، ۱۳۵۸: ۱۶۲-۱۶۱). به نظر فارابی، جانشین یا جانشینان رهبر جامعه علاوه بر صفات رهبر جامعه، باید دارای این صفات نیز باشند: خردمندی، توانایی در وضع قوانین جدید، آگاهی و به‌کارگیری قوانین و آداب رهبر قبلی، مهارت در به‌کارگیری سلاح و مهمات به هنگام جنگ، بصیرت و دوراندیشی در مواجهه با اوضاع جامعه، برخورداری از تجربه و داشتن بیانی روشن و رسا در تحریک مردم به فرمان‌برداری از خود و قوانین جدید. وی وظایف رهبر و جانشین و یا جانشینان او را چنین بیان می‌کند: تعلیم و تربیت اهل مدینه؛ ارشاد و هدایت مردم؛ کنترل اخلاق و ترویج ارزش‌ها در جامعه؛ حفظ مصالح نظام؛ توزیع قدرت؛ تقسیم کار اجتماعی؛ دفع شرارت‌ها و آفات؛ ایجاد امنیت در جامعه؛ به سعادت رساندن جامعه و افراد؛ ایجاد عدالت؛ جنگ و صلح با دشمنان (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۷۶). ماوردی از اندیشمندان شافعی مذهب اهل سنت، در کتاب ادب‌الدین و الدنيا، نظم اجتماعی و سیاسی را لازم دانست و منابع آن را این‌گونه بر شمرد: ۱- دین استوار، ۲- سلطان مقتدر، ۳- عدالت، ۴- قانون، ۵- رفاه، ۶- امید (شیرودی، ۱۳۹۳: ۷۶-۷۵). از سوی دیگر، ابن سینا دیگر اندیشمند شیعه در حوزه حکمرانی برای حکومت وظایفی قائل است و اگر حکومت به این وظایف عمل نکند، خودکامه و جائز است، از جمله این وظایف عبارتند از:

تشکیل سازمان‌ها برای اداره امور مختلف سیاسی و مالی؛ به‌کار واداشتن مردم و جلوگیری از بیکارگردی و مفت‌خواری آنها؛ جمع‌آوری از کارافتادگان و سرپرستی آنان؛ جلوگیری از کارهای زیان‌ده اجتماعی؛ تهیه کالاهای مورد نیاز مردم؛ ممانعت از فریب‌کاری و سوداگری بازرگانان؛ تشویق مردم به کمک و امداد به هم‌نوعان؛ تأسیس سازمان‌هایی برای تعلیم و تربیت دینی مردم؛ تنبیه کردن متخلفین از شرع و قانون؛ سرکوب قیام‌کنندگان علیه دولت (بوعلی سینا، ۱۹۹۸: ۴۰؛ نعمه، ۱۳۶۷: ۱۵۵). وی یکی از مهم‌ترین صفات رهبر سیاسی را عدالت می‌داند. ضرورت عدالت رهبر به آن است که: اگر فرمانروایی به عادل سپرده شود، می‌تواند دیو و دَد را از درونش بیرون راند، و سپس به آسانی می‌تواند کشور را آباد کند و مردم را به نیکی، هدایت و دولتی را به درستی رهبری نماید. وی در تأکید بر ضرورت عدالت می‌گوید: فلسفه هر حکومتی همان فلسفه بعثت انبیاء، همانا اصلاح مدبرانه و سیاست مدارانه دنیای مردم است که تحقق این هدف بزرگ، بدون عدالت و عادل بودن مدیر و رهبر جامعه امکان‌پذیر نیست (شیرودی، ۱۳۹۳: ۸۲). بوعلی در این باره اضافه می‌کند: بایستگی مدیر این است که سنت و عدل در او جمع باشد. پس وظیفه اوست که رعیت را نخست به راه خدا نماید و آنان را به عبادت برانگیزد و از شرشان، دور سازد و با نیروی عدل و داد، حق هر خداوند حقی را محفوظ دارد (بوعلی سینا، ۱۳۷۶: ۴۵۵-۴۴۹). خواجه نصیرالدین طوسی دیگر اندیشمند شیعی وظایف حاکم را به دو دسته کلی و جزئی تقسیم می‌کند. وظایف کلی حاکم عبارتند از: ۱- عدالت، ۲- احسان، ۳- التزام به قوانین. (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۴۱: ۸۰؛ خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۴: ۳۰۵). خواجه ده وظیفه را از وظایف جزئی حاکم بر می‌شمارد که عبارتند از: ۱- برقراری امنیت، ۲- چشم‌پوشی از جاه‌طلبی، ۳- چشم‌پوشی از لذت‌شهووی، ۴- توجه به فقرا و مستمندان، ۵- اتخاذ تدابیر اطلاعاتی و سری، ۶- دقت در اخبار و گزارشات رسیده، ۷- تشویق و تنبیه کارگزاران و مردم، ۸- معاشرت و مشاوره با فضلا و دانشمندان، ۹- استمرار در تدابیر امور (دائماً در فکر تدابیر امور جامعه بودن)، ۱۰- کاستن از کارهای شخصی، حتی کارهای ضروری همچون: خوردن، آشامیدن، خوابیدن و معاشرت با اهل خانه به منظور خدمت بیشتر به مردم (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۳۵: ۳۰۵). همچنین در دیدگاه ابن خلدون، هر یک از حکومت‌های رژیم طبیعی (حکومت پادشاهان)، حکومت عقل (فرمانروایی فلاسفه)، حکومت دینی (حکومت خلفاء)، دارای وظایف مشترکی‌اند. او برای بیان وظایف حکومت‌ها به نامه‌ای که یکی از سرداران مأمون عباسی به پسرش نوشت، استناد می‌کند و وظایف

حکومت را به این شرح بر می‌شمارد: ۱- مراقبت از فقرا، قربانیان سوانح، بیوگان، ایتام و مسلمانان بیمار؛ ۲- محافظت از جامعه در برابر دشمنان؛ ۳- اجرای قوانین؛ ۴- پرهیز از اعمال خشونت نسبت به اشخاص و اموال؛ ۵- بهبود امنیت جاده‌ها. علاوه بر آن، تنظیم و توسعه اقتصاد را از وظایف مهم حکومت می‌داند. برخی از وظایفی که او در این باره بر عهده حکومت می‌نهد عبارتند از: ۱- تضمین معیشت مردم؛ ۲- برقرار کردن انصاف و عدالت در معاملات؛ ۳- جلوگیری از مصادره خودسرانه اموال؛ ۴- ممانعت از کار اجباری؛ ۵- اخذ مستمر مالیات؛ ۶- توسعه وسائل کسب معیشت؛ ۷- رفتار منصفانه با ثروتمندان؛ جهت شکوفایی اقتصادی جامعه و افزایش درآمد حکومت از محل مالیات‌ها؛ ۸- پایین نگاه داشتن مالیات که موجب افزایش انگیزه فعالیت‌های اقتصادی و ازدیاد درآمد مردم و حکومت می‌شود؛ ۹- پرهیز حاکمان از تجارت شخصی، چون ثروت دربار، دولت‌مردان و حاکم، می‌تواند آنقدر وسیع باشد که دیگران را از میدان فعالیت‌های اقتصادی خارج کند (بلک، ۱۳۸۵: ۲۹۰-۲۸۶). اما در دوره حکومت شیعی صفویه علامه محمدباقر مجلسی در رساله‌ای با بیان آداب سلوک حاکم با رعیت و عهدنامه مالک اشتر و نیز نقل نامه امام علی OAPI به عثمان ابن حنیف (والی بصره) به حاکمان ضرورت رعایت ساده‌زیستی، تقوای الهی و یاری مستمندان را گوشزد می‌کند. در نقل نامه امام صادق OAPI به عبدالله نجاشی (والی اهواز) به کارگزاران رفتار عادلانه، پرهیز از ظلم، دادخواهی مظلومان، دوری از حیف و میل و اجتناب از زراندوزی را تأکید می‌ورزد. با نقل نصایح مردی به منصور دوانیقی، از حاکم می‌خواهد از آدم‌کشی، ظلم و جور بپرهیزد و با دانایان، هادیان و علمای دین مشورت نماید. از نگاه علامه مجلسی، عدالت‌ورزی ملوک و أمرا از اعظم مصالح ناس (مردم) است و بر آن بود که اگر حاکمان صالح باشند و به شایستگی رفتار نمایند و در رعایت حقوق رعیت بکوشند، مردم به راه صلاح می‌روند و ملک پادشاه پاینده می‌ماند (شیرودی، ۱۳۹۳: ۱۵۲). آرای سیاسی شیخ فضل‌الله نوری نیز در باب نظام حکومتی بر سه محور قرار دارد: ۱- استقلال همه‌جانبه، ۲- حکومت عدالت، ۳- حاکمیت اسلامیت (ابوالحسنی، ۱۳۸۰: ۶۷-۴۱). امام خمینی OAPI دلایلی را برای اثبات حکومت اسلامی و ولایت فقیه در دو بخش عقلی و نقلی بیان می‌کنند: «به تحقیق لزوم برقراری حکومت برای بسط عدالت و تعلیم و تربیت و رفع ظلم و حفظ مرزها و منع از تجاوز اجانب از واضح‌ترین داورهای عقل است» (امام خمینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۴۶۲). و بسیاری از دلایل

شرعی دیگر از جمله امین و وارث بودن فقها برای انبیاء و امامان OAPI، شرط عدالت و فقاقت حکام و ... که در این مجال نمی‌گنجد.

یکی از محوری‌ترین اندیشه‌های سیاسی امام خمینی OoPI، بحث از عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی در اندیشه امام، دستیابی همه قشرهای مردم به حقوق حقه خویش، ریشه‌کن شدن ظلم و جور، پایان زورگویی و ستم، تحقق رفاه عمومی، پرداخت حقوق مستمندان (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۵: ۲۷۹)، برابری شخص اول مملکت با آخرین فرد مملکت و مانند آن معنا می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۹: ۴۲). از این رو، گستره عدالت اجتماعی، سراسر کشور، همه ارگان‌های حکومتی و تمامی آحاد ملت را در بر می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۷: ۱۰۵). شرط تحقق عدالت اجتماعی عمل به احکام اسلام اعم از حقوقی، سیاسی و مانند آن است (امام خمینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۷۲). زیرا احکام اسلام تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی، ویژگی خاصی قرار نداده است (امام خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۰: ۱۹۷). بنابراین، عدالت را نباید تنها یک حسنه اخلاقی قلمداد کرد، یک اصل اجتماعی بزرگ است (شیرودی، ۱۳۹۳: ۱۹۱). از این رو، می‌توان گفت در آراء و اندیشه‌های دانشمندان مسلمان و به‌ویژه علمای اهل تشیع، عدالت دال مرکزی گفتمان حکمرانی متعالی از دیدگاه اسلام است.

شهید مطهری مقومات حکومت را که هر حکومتی به آنها نیازمند است را به شرح زیر بیان می‌کند:

- ۱- دفاع از جامعه در برابر دشمن، ۲- حفظ امنیت داخلی، ۳- وضع قانون، ۴- قضا و دادگستری، ۵- ارتباط با واحدهای اجتماعی دیگر (امور خارجه). اما تدریجاً که جامعه‌ها تکامل پیدا کرده، یک سلسله کارهای دیگر را هم حکومت‌ها به عهده گرفته‌اند که قبلاً یا وجود نداشته، چون موضوعش وجود نداشته، و یا اگر وجود داشته، ملی بوده و مردم خودشان انجام می‌دادند. این امور مربوط به تأمین نیازها و امکانات اجتماعی است و عبارتند از: ۱- آموزش و پرورش، ۲- فرهنگ و هنر، ۳- مخابرات، ۴- راه، ۵- بازرگانی، ۶- صنایع، ۷- بهداشت، ۸- کشاورزی (مطهری، ۱۳۹۶: ۴۷-۳۸).

همچنین امام خامنه‌ای OKPI در بیانیه بسیار مهم گام دوم انقلاب ضمن معرفی انقلاب پُرشکوه ملت ایران به عنوان بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید آن را تنها انقلابی می‌داند که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که فیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. در ادامه

بیانات ایشان در دو بخش به تشریح و تبیین این بیانیه می‌پردازند. در بخش اول برکات بزرگ انقلاب اسلامی نظیر: ۱- ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران؛ ۲- موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی؛ ۳- به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی، ۴- ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم؛ ۵- سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور؛ ۶- افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه؛ ۷- ایستادگی روزافزون در برابر قُلدران و زورگویان و مستکبران جهان (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷)، را بیان نموده سپس در بخش دوم توصیه‌هایی را برای آرمان بزرگ انقلاب اسلامی یعنی نیل به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) به عنوان مطلوب‌ترین حکمرانی شکل گرفته در طول تاریخ بشریت بیان کردند، این توصیه‌ها عبارتند از: ۱- علم و پژوهش؛ ۲- معنویت و اخلاق؛ ۳- اقتصاد؛ ۴- عدالت و مبارزه با فساد؛ ۵- استقلال و آزادی؛ ۶- عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛ ۷- سبک زندگی (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷). ایشان چهار نوع وظیفه برای حکومت اسلامی بیان می‌نمایند: یک نوع وظیفه آن‌ها نسبت به خودشان و رسیدگی آن‌ها نسبت به اخلاق و رفتار و سلوک فردی خودشان است که این وظیفه هم معادل وظایف اجتماعی، معادل استقرار عدالت و امنیت و تنظیم امور اجتماعی مردم حائز اهمیت است. یک نوع وظایفی که مربوط به معنویات مردم است؛ مثل رشد دادن اخلاق مردم، شکوفا کردن استعدادهای مردم، رسیدگی به تعلیم و تربیت مردم و از این قبیل. قسم سوم آن، وظایفی است که مربوط به اداره امور جامعه است، مثل استقرار عدالت اجتماعی، استقرار امنیت عمومی، تنظیم ارگان‌های لازم برای خدمات عمومی، بالا بردن درآمد عمومی و کیفیت و کمیت بخشیدن به تولید عمومی و ملی در جامعه. و قسم چهارم تنظیم روابط امت اسلام و جامعه اسلامی با جهان. یعنی تنظیم سیاست خارجی و مسئله جنگ و صلح و ایجاد روابط سالم و حفظ قدرت و شأن و حیثیت و آبروی نظام اسلامی و ملت اسلامی در جهان؛ چه در رابطه با ملت‌ها و چه در رابطه با دولت‌ها. و اگر بخواهیم ما امروز یک حکومت اسلامی کامل داشته باشیم و الگو و سرمشق برای دولت‌های دیگر و کشورهای دیگر بشویم، ناگزیریم که این خصوصیات را بدانیم و بشناسیم و عمل کنیم (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۱۳).

تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و به هم ریختن نظام مستضعف و مستکبر، یک تحول عظیمی بود که در این کشور و میان این ملت پیش آمد و نمونه کوچکی از آنچه در زمان ولی عصر پیش خواهد آمد، در مقابل چشم‌ها قرار داد. ما می‌توانیم جامعه دوران ولی عصر را از بطن کنونی جامعه حدس بزنیم. همان‌طوری که امروز، حکومت، حکومت ایدئولوژی اسلامی است، حکومت مکتب است، و در رأس تشکیلات نظام انقلابی جمهوری اسلامی، رهبری قرار دارد که ملاک‌گزینش او علم و تقوا است و احکام و قوانینی که در جامعه به سمت عمل شدن آن‌ها پیش می‌رویم، احکام و قوانین اسلامی است و همان‌طوری که در جامعه امروزی ما یک طبقه مستکبر وجود ندارد و تفاوت‌ها و تمایزهای اجتماعی، مطلقاً در جامعه، به‌صورت قانونی خودنمایی نمی‌کند؛ همین‌طور در یک شکل کامل‌تر، با یک اداره بهتر، با یک قضاوت همه‌جانبه‌تر، در یک دایره وسیع‌تر، در دوران حکومت مهدی موعود OAPI جامعه‌ای به وجود خواهد آمد که محور حرکت در آن جامعه، اسلام و احکام اسلامی است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۷۷). «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادى الصالحون» (انبیاء/ ۱۰۵)، این همان روزگار است؛ روزگاری که بندگان صالح خدا، شایستگان جامعه، امور را به دست می‌گیرند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۷۷). اما در پیش فرض‌های تحقق حکمرانی اسلامی مشخص شد که ولایت اسلامی حکومتی مبتنی بر قانون است، آن هم فقط قانون الهی که برای اجرای احکام و بسط عدالت در سراسر جهان مقرر شده است. پس زمامدار این حکومت ناگزیر باید دو صفت مهم را که اساس ولایت الهی است دارا باشد؛ و ممکن نیست یک حکومت مبتنی بر قانون تحقق یابد، مگر آنکه رهبر و زمامدار آن واجد این دو صفت باشد: ۱- علم به قانون؛ ۲- عدالت (نصرت‌پناه و بخشی، ۱۳۹۷: ۱۹۶). امام خمینی OOP نیز در کتاب حکومت اسلامی (ولایت فقیه) به‌طور مفصل درباره حکمرانی متعالی صحبت می‌نماید. ایشان در خصوص شرایط زمامدار می‌نویسد: «شرایطی که برای زمامدار ضروری است، مستقیماً ناشی از طبیعت طرز حکومت اسلامی است. پس از شرایط عامه، مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارتند از: علم به قانون و عدالت» (امام خمینی، ۱۳۹۷: ۶۶). بر اساس ویژگی‌هایی که از علمای مسلمان و به ویژه اهل تشیع بیان گردید نظریه سیاسی اکثر اندیشمندان بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی با دارا بودن رهبری با صفات و ویژگی‌هایی در تراز این نوع حکومت و حکمرانانی در همان سطح و یا در این مسیر می‌باشد. اما به طور آشکارا و واضح‌تر اندیشمندانی نظیر امام خمینی OOP، شهید مطهری و امام

خامنه‌ای OKI معتقدند که تنها ولی فقیه حق رهبری حکومت اسلامی را داشته و در کنار عقل و تدبیر، علم به قانون (قوانین کلی شریعت و قوانین جزئی قرارداد اجتماعی) و داشتن عدالت از ویژگی‌های عمده و اساسی چنین حکمرانی می‌باشد. در جدول زیر ویژگی‌ها و مولفه‌های حکمرانی متعالی از دیدگاه اسلام مستخرج از قرآن، نهج‌البلاغه و نظریه‌های سیاسی دانشمندان شیعه جمع‌بندی شده است.

جدول ۲ ویژگی‌ها و مولفه‌های حکمرانی متعالی در اسلام

ویژگی‌ها و مولفه‌ها
ایجاد وحدت، همدلی و انسجام ملی بر مبنای استحکام ساخت درونی نظام و تقویت ثبات سیاسی
اجماع درونی در برابر دشمنان جهت اتخاذ سیاست خارجی
تدوین راهبرد مناسب جهت رفع تهدیدهای دشمنان خارجی و گسترش اسلام
تدوین استراتژی برای جنگ و صلح
مبارزه با فقر و انواع فساد (اداری، اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و ...)
عدالت‌ورزی و برابری بین افراد و گروه‌ها در جامعه بر مبنای معیارهای الهی
شفافیت همه‌جانبه (قانون‌گذاری، مالی، سیاسی، قضایی و ...)
پرهیز حاکمان از سلطه‌طلبی، دنیازدگی، لذت‌طلبی، اشرافی‌گری، تجمل‌گرایی، آزادی مطلق، استحاله ارزش‌های دینی، تحزب‌گرایی طبقه‌ای و تعمیق شکاف طبقاتی
انتصاب ولی و رهبر آینده توسط رهبر حاضر (منتصب از جانب خدا) یا خبرگان ملت
کوتاه نمودن و یا حذف بروکراسی و دیوان‌سالاری اداری در جامعه
اعتلاء و اقامه حق، پرهیز از دروغ‌گویی و تقوا پیشگی
پرهیز از گرایش به چپ و راست و استقامت در میانه‌روی (جاده مستقیم الهی)
کنترل اخلاق و ترویج ارزش‌های دینی در جامعه
توزیع قدرت و تقسیم کار اجتماعی
تأمین امنیت و نظم عمومی و مقابله با خشونت‌ها و اخلاص‌گری دشمنان داخلی
برنامه‌ریزی جهت ایفای نقش مؤثر مردم در سرنوشت سیاسی
پاسخگویی حکمرانان در قبال وظایف و مسئولیت‌های هدایت معنوی و مادی جامعه به سمت کمال
تطابق قول و رفتار (تطابق شعارهای اعلامی و رفتارهای اقدامی)
تعلیم و تربیت، ارشاد، هدایت و نظارت بر مردم و جامعه در جهت نیل به سعادت راستین
ارتباط و تعامل بی‌واسطه مردم و حکمرانان
عقل سلیم، حسن تدبیر، حسن تصمیم و کسب فضایل اخلاقی در حکمرانان

حمایت حکمرانان از اقشار فقیر و مستضعف مادی و معنوی در جامعه
وضع قوانین مورد نیاز، حاکمیت قانون، قضاوت و دادگری عادلانه
نهادینه کردن تعاون و همکاری بین مردم و مردم با حکمرانان
تأمین رفاه عمومی و ضروریات زندگی (خوراک، پوشاک، مسکن، سلامتی و ...)
کارآمدی و اثربخشی قوانین، تصمیم‌ها و فعالیت‌های حکمرانان در جهت نیل به پیشرفت مادی و معنوی همراه با عدالت اجتماعی در سه حوزه قانون‌گذاری، اجرا و قضا

ترسیم: نگارندگان

۵- نتیجه‌گیری

واژه حکمرانی به معنای اداره و تنظیم امور جامعه به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان مرتبط می‌شود در واقع، فرآیندها و نهادها و کارگزارانی که تصمیمات مقتضی را اتخاذ و اقتدار حاکمیتی را در یک کشور اعمال می‌کنند به نوعی حکمرانی انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، حکمرانی اعمال اقتدار اداری، اقتصادی، سیاسی در راستای مدیریت امور عمومی کشور در تمام مقیاس‌های بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی است. این اقتدار جنبه‌های مختلفی دارد که بیشتر اقتدار ملی مورد بحث کشورها و حکمرانی‌هاست. اقتدار ملی نیز خود دو وجه دارد: اقتدار بیرونی که مربوط به مقیاس‌های فراملی نظیر بین‌المللی و منطقه‌ای است و اقتدار درونی که مربوط به مقیاس‌های فراملی نظیر ملی، ناحیه‌ای و محلی می‌باشد. به هر حال، نظریه و رویکرد حکمرانی در مکاتب، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی مختلفی مورد بحث و مذاقه قرار گرفته و هر کدام با اهداف، منظورها و ویژگی‌ها و مولفه‌های خاص خود به تشریح و تبیین آن پرداخته‌اند. در این میان دو پارادایم و دیدگاه مهم در عصر کنونی در تقابل با یکدیگر و با رویکردی متفاوت به امر حکمرانی نظر دارند، یکی مکتب دموکراسی و دیگری مکتب تئوکراسی؛ رویکرد اول با محوریت انسان و دیدگاه دوم با خدامحوری به تبیین مباحث خود می‌پردازند. مکتب انسان‌محور غربی در قالب اندیشه سیاسی دموکراسی با هدف داشتن دنیایی خوب، حکمرانی خوب را پیشنهاد می‌کند که در نهایت فراهم کردن رفاه حداکثری در این دنیا بر افراد یک جامعه هدف آن است. اما در حکمرانی متعالی که مدنظر اسلام می‌باشد، خدا محور تمام مباحث و رشد و تعالی مادی و معنوی انسان هدف اصلی در این نوع حکمرانی است. ساختار مناسب، کارگزار شایسته و کارکرد مطلوب

سه عنصر اساسی و عمده این رویکرد بوده، که با دست یافتن به آن‌ها می‌توان حکمرانی مطلوب و متعالی را در جامعه پیاده کرد. در چنین نوع حکمرانی با تشکیل ساختارهای مناسب نظیر رهبری در رأس قوای سه‌گانه و نیروهای مسلح برای تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی کلی حکمرانی، قوه مقننه جهت قانون‌گذاری و نظارت بر حسن اجرای آن، قوه مجریه به منظور ایجاد سازمان‌ها، نهادها، وزارت‌خانه‌ها و دیگر بازوهای اجرایی جهت خدمت‌رسانی و تأمین رفاه عمومی و دیگر امور جاری داخلی و خارجی کشور، قوه قضائیه به منظور پیشگیری از وقوع جرائم و فساد و کنترل و مبارزه با آن، نیروهای مسلح به منظور تأمین امنیت و نظم داخلی و مقابله با دشمنان خارجی از ارکان اساسی ساختار حکمرانی متعالی در اسلام هستند. انتخاب کارگزاران اصلح در انتخابات مردمی نظیر گزینش ریاست قوه مجریه، نمایندگان مجلس، نمایندگان خبرگان رهبری، نمایندگان شوراهای شهر و روستا، نیز از وظایف مهمی است که در کنار مطالبه‌گری و نظارت همگانی به عهده مردم جامعه گذاشته و به نوعی مشارکت سیاسی و مشورت در سرنوشت سیاسی حکمرانی را به نحوی به آنان سپرده است. در صورت برداشتن صحیح دو گام قبلی یعنی تشکیل ساختارهای مناسب و انتخاب کارگزاران شایسته با ویژگی‌های عدالت‌ورزی و برابری بین افراد و گروه‌ها در جامعه بر مبنای معیارهای الهی؛ ایجاد وحدت، همدلی و انسجام ملی بر مبنای استحکام ساخت درونی نظام و تقویت ثبات سیاسی؛ مبارزه با فقر و انواع فساد (اداری، اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و ...)؛ تدوین استراتژی برای جنگ و صلح؛ اجماع درونی در برابر دشمنان جهت اتخاذ سیاست خارجی؛ تدوین راهبرد مناسب جهت رفع تهدیدهای دشمنان خارجی و گسترش اسلام؛ نهادینه کردن اخلاق و معنویت در جامعه؛ رفع تبعیض در همه شئون جامعه؛ کنترل اخلاق و ترویج ارزش‌های دینی در جامعه؛ پرهیز از گرایش به چپ و راست و استقامت در میانه‌روی (جاده مستقیم الهی)؛ وضع قوانین متناسب با اوضاع کشور؛ حاکمیت قانون؛ کارآمدی و اثربخشی قوانین، تصمیم‌ها و فعالیت‌های حکمرانان در جهت نیل به پیشرفت مادی و معنوی همراه با عدالت اجتماعی در سه حوزه قانون‌گذاری، اجرا و قضا؛ تأمین رفاه عمومی و ضروریات زندگی (خوراک، پوشاک، مسکن، سلامتی و ...)؛ نهادینه کردن تعاون و همکاری بین مردم و مردم با حکمرانان؛ برنامه‌ریزی جهت ایفای نقش مؤثر مردم در سرنوشت سیاسی (مشارکت سیاسی مردم)؛ تقسیم کار اجتماعی؛ حمایت از اقشار فقیر و مستضعف؛ اعتلاء و اقامه حق، پرهیز از دروغ‌گویی و تقوا پیشه کردن؛ پاسخگویی حکمرانان در قبال وظایف و

مسئولیت‌های هدایت معنوی و مادی جامعه به سمت کمال، شفافیت همه‌جانبه (قانون‌گذاری، مالی، سیاسی، قضایی و ...): تطابق قول و رفتار (تطابق شعارهای اعلامی و رفتارهای اقدامی)؛ پرهیز حاکمان از سلطه‌طلبی، دنیازدگی، لذت‌طلبی، اشرافی‌گری، تجمل‌گرایی، آزادی مطلق، استحاله ارزش‌های دینی، تحزب‌گرایی طبقه‌ای و تعمیق شکاف طبقاتی و ... بخشی از ویژگی‌ها و مولفه‌های حکمرانی متعالی در اسلام است که خروجی و کارکرد مطلوب، نتیجه شیرینی است از حکمرانی متعالی که کام مردم هر جامعه این چنینی را شیرین خواهد ساخت.

۶- فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۳)، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ دوم، پاییز، قم: انتشارات خوشرو.
- امام خمینی «ره»، روح‌الله (۱۳۹۷)، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی (تقریر بیانات امام خمینی «ره»)، چاپ سی و یکم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره».
- امام خمینی «ره»، روح‌الله (۱۳۶۵)، کتاب البیع، جلد ۱ و ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امام خمینی «ره»، روح‌الله (۱۳۶۱)، صحیفه نور، جلد ۵ و ۹ و ۱۰ و ۱۷، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، شرحی بر بیانیه گام دوم انقلاب، چاپ اول، اسفند، تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱)، ولایت و حکومت، مباحثی در مبانی حکومت الهی و شناخت چهره حاکمان و کارگزاران اسلامی، چاپ اول، ویرایش دوم، تیر، تهران: انتشارات موسسه ایمان جهادی (صهبا).
- آشوری، داریوش (۱۳۹۱)، دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)، چاپ بیست و یکم، تهران: مروارید.
- ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۸۰)، دیده‌بان بیدار: دیدگاه‌ها و مواضع سیاسی و فرهنگی شیخ فضل‌الله نوری، تهران: عبرت.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰)، مبانی سیاست، تهران: انتشارات قدس.
- بلک، آنتونی (۱۳۸۵)، تاریخ اندیشه سیاسی اسلام از عصر پیامبر تا امروز، ترجمه: محمدحسین وقار، تهران: انتشارات اطلاعات.

- بلوم، ویلیام تی (۱۳۷۳)، نظریه‌های نظام سیاسی، ترجمه: احمد تدین، جلد اول، تهران: آران.
- بناب، علی (۱۳۸۵)، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره».
- بوعلی سینا (۱۹۹۸)، اثبات النبوه، بیروت: دارالنشر.
- بوعلی سینا (۱۳۷۶)، الاهیات من کتاب الشفاء، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- توکلی‌نیا، جمیله و محمدکاظم شمس‌پویا (۱۳۹۵)، قدرت و حکمروایی شهری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- تهامی، سیدمجتبی، (۱۳۹۰)، امنیت ملی، داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی، جلد اول، چا پ دوم، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، معاونت فرهنگی (نشر آجا).
- حافظ‌نیا، محمدرضا و مراد کاویانی‌راد، (۱۳۹۲)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، چاپ چهارم، زمستان، تهران: سمت.
- حق‌شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر هزاره، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۳۵)، رساله امامت، تهران: دانشگاه تهران.
- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۴۱)، رسم و آیین پادشاهان قدیم راجع به مالیات و مصارف آن، تهران: دانشگاه تهران.
- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، تهران: خوارزمی.
- دشتی، محمد (۱۳۸۴)، ترجمه نهج‌البلاغه، چاپ بیست و هفتم، بهار، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین (علیه السلام).
- رضیئی، سیدحامد (۱۳۹۰)، شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی، چاپ دوم، تابستان، تهران: سمت.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران: سمت.
- رحمت‌اللهی، حسین (۱۳۸۸)، تحول قدرت: دولت و حاکمیت از سپیده‌دمان تاریخ تا عصر جهانی‌شدن، تهران: نشر میزان.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۸)، حکومت محلی و توسعه ایران، تهران: ستوس.

- زرگری‌نژاد، غلام‌حسین (۱۳۷۴)، رسائل مشروطیت، تهران: کویر.
- سلمان‌کیاسری، محمد (۱۳۸۷)، حکومت و رهبری از منظر نهج‌البلاغه، چاپ دوم، تابستان، قم: انتشارات مسجد مقدّس جمکران.
- شریفیان‌ثانی، مریم (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۸.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۹۳)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام، مجموعه کتاب‌های اندیشه و سیاست (۱)، چاپ دوم، پاییز، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.
- شیروانی، علی (۱۳۹۰)، ترجمه رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، چاپ دوم، تهران: انتشارات اندیشه مولانا.
- شیروودی، مرتضی و اسماعیل جهان‌بین کیاده (۱۳۹۳)، اندیشه‌های سیاسی در غرب از اصلاح دینی تا قرن بیستم، مجموعه کتاب‌های اندیشه و سیاست (۳)، چاپ اول، بهار، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.
- عابدی‌درچه، محسن (۱۳۹۸)، تبیین مولفه‌های الگوی حکمرانی مطلوب اسلامی - ایرانی پیشرفت در نهادینگی تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایران: پیشرفت: الگوی پیشرفت؛ پیشران‌ها، چالش‌ها و الزامات تحقق، ۲۲ و ۲۳ خردادماه، تهران: دانشگاه تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ص ۱۱۵.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۴)، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده نوزدهم)، چاپ هشتم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد. مجموعه الکترونیکی سی دی ۱.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۹۳)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، چاپ نهم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- غفوری، محمد (۱۳۷۸)، نظام‌های حزبی و نظام‌های انتخاباتی، مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، چاپ اول، گردآورنده: دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور، تهران: انتشارات همشهری.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۵۸)، سیاست مدینه، ترجمه: جعفر سبحانی، تهران: انجمن فلسفه ایران.

- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۶۱)، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه: جعفر شهیدی، تهران: طهری.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۹۹۱م)، المله و نصوص اخری، ترجمه: محسن مهدی، بیروت: دارالمشرق.
- قادری، حاتم (۱۳۹۴)، اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، چاپ شانزدهم، زمستان، تهران: سمت.
- قاسم‌زاده، قاسم (۱۳۴۰)، حقوق اساسی، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، تهران: انتشارات دانش‌گاه تهران.
- قالیباف، محمدباقر (۱۳۹۱)، حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایرا ن، چاپ ششم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- کوهن، کارل (۱۳۷۳)، دموکراسی، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: خوارزمی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۲)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، ویراست دوم، چاپ ششم، تابستان، تهران: سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶)، مقدمه‌ای بر حکومت اسلامی، چاپ اول، اردیبهشت تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.
- مک‌آیور، ریمون (۱۳۴۴)، جامعه و حکومت، ترجمه: ابراهیم علی‌کنی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان، (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.
- نصرت‌پناه، محمدصادق و مسعود بخشی (۱۳۹۷)، الگوی جهان‌شمول حکمرانی اسلامی در اندیشه امام خمینی «ره» با تکیه بر نظریه اعتباریات، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- نعمه، عبدالله (۱۳۶۷)، فلاسفه شیعه، ترجمه: جعفر غضبان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش

ش انقلاب اسلامی.

- ویسی، هادی (۱۳۹۲)، درآمدی بر دولت محلی، چاپ اول، تابستان، تهران: سمت.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه: احمد شمس‌ا، چاپ دوم، تهران: روزنه.

- Johnson, I. (1997). Redefining the Concept of Governance.
- Leacock, Stephan. (1924). Elements of Political Science, London: Constable.
- Lateef, k. S. (1992). "Comment on Governance and Development", by Boetniger, Proceedings of the World Bank Annual Conference on Development Economics 1991, Supplement to the world bank Economic Review and Research Observer, The World Bank, Washington D.C.
- Pounds, N.J.G. and S.S. Ball. (1964). "Core Areas and Development of European State System", Annals, Association of American Geographers, Vol. 54.
- Ratzel, F. (1969). "The Laws of the Spatial Growth of State", in R. E. Kasperson and J.V. Minghi (Eds.), The Structure of Political Geography, Chicago: Aldin.
- World Bank, (1989). Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth. A Long-Term Perspective Study, Washington D.C.

**مطالعه و تبیین جایگاه استراتژی
سنگربندی برون مرزی در منظومه
حکمرانی دفاعی - امنیتی جمهوری
اسلامی ایران**

شهره پیرانی

محمدجواد فتحی

چکیده

بین امنیت و حکمرانی خوب پیوندی ناگسستنی برقرار است و از یک منظر مهم‌ترین کارویژه‌ی حکمران خوب تلاش جهت پدیدار ساختن امنیت سرزمینی - مرزی است. جمهوری اسلامی ایران در گستره‌ی بحران‌زا و چالش‌آفرین غرب آسیا قرار دارد و مشخصاً نواحی غربی آن از دیربار در معرض تهدیدات حیاتی بوده است. حکمرانان کنونی ایران علاوه بر استقرار یگان‌های کارآموده‌ی نظامی در مناطق مرزی، اتخاذ یک استراتژی برون‌مرزی به منظور دور نگه داشتن تهدیدات از مرزهای بین‌المللی را اهرمی مناسب می‌پندارند که فقدان آن تأمین و تثبیت امنیت در چنین محیط بحران‌زایی را دشوار می‌سازد. سؤال اصلی پژوهش این است که استراتژی سنگربندی برون‌مرزی در منظومه‌ی حکمرانی دفاعی - امنیتی ایران از چه اهمیت و جایگاهی برخوردار است؟ فرضیه پژوهش این است که استراتژی سنگربندی برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران متشکل از سه لایه‌ی دفاعی در عراق، سوریه و لبنان بوده و در سپهر وجود عناصر قوام‌بخشی نظیر سپاه قدس، حزب‌الله لبنان، اتحاد با کشورهای سوریه و عراق، حشد الشعبی و داوطلبان شیعه همچون فاطمیون و زینبیون، نقش پایه‌ای در موفقیت الگوی حکمرانی دفاعی - امنیتی ایفا می‌کند و در شرایط کنونی عدم وجود چنین راهبردی، امنیت سرزمینی ایران از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی، سازمان‌های تروریستی - تکفیری و گروه‌های نیابتی عربستان و امارات در معرض تهدید قریب و جدی قرار خواهد گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایران با استفاده از بازدارندگی شبکه‌ای، استراتژی سنگربندی برون‌مرزی را عملیاتی ساخته و نتایج مطلوب این الگو در امنیتی سازی برای سرزمین و مرزها منجر به این شده تا در منظومه‌ی حکمرانی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. روش پژوهش کیفی بوده، مسئله اصلی با رویکرد توصیفی - تحلیلی بررسی شده و ابزار گردآوری داده‌ها نیز فیش‌برداری است.

واژگان کلیدی: سنگربندی برون مرزی، ایران، حکمرانی دفاعی و امنیتی، بازدارندگی شبکه-ای، عمق استراتژیک.

مقدمه

مقوله دفاع و امنیت بنیان و اساس زیست فردی، اجتماعی و در مقیاس کلان محرک توسعه و پیشرفت یک کشور است. ترقی واحدهای سیاسی با هر قرائت، تفسیری، گرایش و ایدئولوژی از اسلامی گرفته تا سکولار و لائیک از مسیر عینیت یافتگی و برقراری فضای آرام و باثبات عبور می‌کند. از این نظرگاه مسئله امنیت و مصونیت سرزمینی به میزانی حائز اهمیت است که غالباً مهم‌ترین و برجسته‌ترین کار ویژه حکمران خوب بر روی آن متمرکز است. فقدان امنیت چه در سطح فردی و چه در مقیاس کلان اجتماعی، نوعی گرایش طبیعی یا تحمیلی به انزوا و انحطاط را به وجود می‌آورد. امروزه ضرورت شکل‌گیری سامانه یکپارچه، پیشرفته و هدفمند دفاعی، برجسته‌ترین پیشرانی است که فقدان یا پدیدار شدن به موقع و دقیق آن نقش ارزشمندی در قوام بخشی به پایه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا و چانه زنی گستره جهانی دارد. درخور توجه است که غرب آسیا آوردگاه بحران‌ها، بی‌ثباتی‌ها و چالش‌آفرینی قدرت‌های برون منطقه‌ای است. چنین موارد تهدید زایی با قرارگیری در گرداگرد جغرافیای سرزمینی ایران در ادوار مختلف مخاطرات بالقوه و بالفعل را متبلور ساخته است. تحت چنین شرایطی حساسی تلاش جهت مصون ساختن مرزها و سرزمین کشور، اولین اقدامی است که در دستور کار مطالعاتی و عملیاتی حکمرانان نظام ایران قرار گرفته است. باید توجه داشت که حکمرانان که در حقیقت کانون‌های اصلی فکر و تصمیم‌سازی هستند تأمل جدی در خصوص ماهیت، علل بروز، امکان‌سنجی، چرایی و چگونگی هر کدام از پدیده‌های ضد امنیتی و ضد دفاعی را در اولویت قرار داده و متناسب با هر کدام از آنها الگوی رفتاری ویژه‌ای تجویز می‌کنند. ایران از یک رانت ویژه به نام موقعیت استراتژیک برجسته بهره می‌گیرد، از

سوی دیگر با توجه به اینکه از نواحی غربی با تعدد و تنوع تهدیدات مواجه است، لذا تمرکز حکمرانان آن بیشتر بر محور ایجاد سامانه‌ی دفاعی پیشرفته در این ناحیه متمرکز است. موازن بودن تهدیدات با مرزهای رسمی کشور بزرگ‌ترین تهدیدی است که هم حکمرانان ایران از آن هراس داشته و هم اینکه دشمنان قصد جامه عمل پوشاندن به چنین مسئله‌ای دارند، لذا حکمرانان ایران گزیر و گریزی از بهره‌مندی از یک استراتژیکی هدفمند، واقعی و آزموده شده با هدف دور ساختن تهدیدات از کشور ندارند. سازمان‌دهی مقاله به این صورت است که در فراز اول مبانی نظری پژوهش تشریح می‌گردد، در بخش دوم پیوند میان حکمرانی و امنیت ملی - سرزمینی بررسی می‌شود، سپس ذیل بخش سوم استراتژی سنگربندی برون‌مرزی و دستاوردهای آن بررسی شده، در وهله بعد عناصر قوام بخش به این استراتژی تشریح می‌گردد، در بخش پنجم جایگاه استراتژی مزبور در منظومه حکمرانی دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌شود.

تمهیدات نظری و مفهومی: بازدارندگی شبکه‌ای

بازدارندگی رایج‌ترین سیستمی است که کشورها جهت مقابله با تهدیدات خارجی در چرخه استراتژیک موجود به طراحی آن اقدام می‌کنند. الگوی بازدارندگی، استراتژی‌های امنیتی گوناگونی را بر اساس مؤلفه‌های امنیت ملی کشورها در هر زمان مشخص می‌نمایند. برخی مواقع حوزه‌های استراتژیکی کشور مورد تهدید قرار می‌گیرند و گاه حوزه‌های ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی، بر این اساس با توجه به نوع تهدید، کشورها به دنبال اتخاذ استراتژی متناسب با آن هستند (عباسی و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۳)؛ در شرایط کنونی نظر به اینکه کماکان صلح و ثبات در سیستم بین‌الملل و زیرسیستم‌های منطقه‌ای برقرار نشده است و رقابت‌های زیادی میان قدرت‌های جهانی و بازیگران درون منطقه‌ای برقرار است، هر کدام در تلاش هستند تا با استفاده از اهرم‌های مختلف، اقدام به بازداشتن رقبا از تهاجم علیه موجودیت خود، منافع حیاتی و همچنین متحدان راهبردی کنند.

به لحاظ مفهوم‌شناسی در رابطه با بازدارندگی استراتژیکی همواره باید یک یا چند بازیگر مهاجم وجود داشته باشند و به علاوه کنشگر دیگر آن‌ها را به مثابه تهدید قلمداد کند، سپس با بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی و اتحاد سازی خارجی اقدام به موازنه سازی در راستای بازداشتن تهدید متصور شده یا عینیت یافته نماید (rajmil, 2015:396). به همین خاطر کشورها به‌واسطه‌ی داشتن اهداف متعارض، همیشه در معرض اقدامات نامطلوب رقبا قرار داشته‌اند و این موضوع به ویژه در خصوص همسایگان از ضرورت بیشتری برخوردار بوده است.

بازدارندگی شبکه‌ای یکی از مصادیق بارز نظریه بازدارندگی است. سیستم بازدارندگی شبکه‌ای بر ارتباطات درون‌شبکه‌ای^۱ و بین شبکه‌ای^۲ از جمله ارتباط بین حلقه‌ای^۳ و محور^۴ متمرکز است. در این سیستم هدف حفظ نظم مطلوب خود و جلوگیری از رفتارهای نامطلوب دشمن یا متخاصم هست. در بازدارندگی شبکه‌ای جریان ارتباطات بین حلقه‌ها و محورها برای کنترل دشمن و خنثی‌سازی اقدامات آن‌ها استفاده می‌شود. به عبارتی با تضعیف یا تقویت ارتباطات یا سمت‌گیری آن‌ها به سمت حلقه‌های خاص، در جهت ایجاد بازدارندگی استفاده می‌شود.

در شبکه‌سازی^۵، هدف اساسی پیوند بین حلقه‌های مختلف و به عبارتی واحدها و حوزه‌های استراتژیکی و ژئوپلیتیکی با یکدیگر است، به‌گونه‌ای که در صورت حمله به نقطه‌ای خاص از آن، سایر حلقه‌ها یا نقاط تحت تأثیر قرار گرفته و عکس‌العمل آنان را برانگیزد و از این طریق هزینه دشمن شدیداً افزایش یابد و بدین سبب از حمله منصرف شود. متضرر

1 - Inside Network

2 - Between Network

3 - Between The Ring

4 -Axis

5 - Networking

نمودن دشمن از طریق شبکه‌های کاربردی، ایجاد اختلال در شبکه و در نتیجه درگیر ساختن هم‌زمان دشمن در بحران‌های مختلف، افزایش تعداد طرف‌های درگیر در بحران و افزایش فشارهای بازدارنده بر دشمن، افزایش احتمال ائتلاف و اتحاد علیه دشمن، افزایش احتمال سرایت بحران‌ها از سطح محلی و منطقه‌ای به سایر سطوح افقی از جمله جهانی و در نتیجه بالا بردن هزینه دشمن و بازدارندگی در برابر اعمال نامطلوب آن‌ها (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۹۲)، جزء مهم‌ترین کاربردهای بازدارندگی شبکه‌ای است.

پیوند امنیت ملی و حکمرانی خوب

برقراری امنیت بزرگ‌ترین کار ویژه کارگزاران یک سیستم سیاسی است که شهروندان از آن‌ها انتظار دارند. تابعان یک سیستم سیاسی در وهله اول مطالبه گر امنیت هستند و در سایه آن خواهند توانست امنیت روانی و فیزیکی لازم را کسب نمایند. جهت درک بهتر پیوند امنیت ملی و حکمرانی خوب ابتدا لازم است که این دو مؤلفه به لحاظ مفهومی و اهمیت مورد مذاقه قرار گیرند.

امروزه ارتقاء حکمرانی خوب تقریباً به بخش مهمی از برنامه کشورها مبدل شده است و یک مسئله اجتناب‌ناپذیر است. حکمرانی خوب بر روند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات متمرکز است. خوب بودن سیستم حکمرانی به مفهوم اتخاذ تصمیم‌گیری درست نیست، بلکه در این خصوص بحث می‌کند که بهترین فرایند ممکن برای تصمیم‌گیری و عملیاتی ساختن تصمیمات کدام است. امروزه مطالعه الگوی حکمرانی خوب در ادبیات علوم سیاسی، علوم اداری و مطالعات توسعه بسیار برجسته است. کیفیت حکومت‌ها غالباً با عملکرد نهاد مربوط مورد قضاوت قرار می‌گیرد. اکنون به طور گسترده‌ای پذیرفته شده که دلایل اصلی محرومیت و رنج انسان‌ها فقط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیست، بلکه ریشه آن عمدتاً حکمرانی ضعیف و نامطلوب است. از این نظرگاه یک حکومت خوب مهم‌ترین

عامل در ریشه‌کن کردن بسیاری از مشکلات و تهدیدات در تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی و زیست‌محیطی است و بالعکس (Gisselquist, 2012). مدیریت خوب از سوی مسئولان چه در رابطه با سیاست داخلی و چه خارجی اهمیت به مراتب بیشتر از وجود منافع زیرزمینی و روزمینی دارند. هنگامی که در یک کشور الگوهای حکمرانی و مدیریت نامناسب باشند وجود منابع زیاد و سرزمین حاصلخیز به تنهایی منجر به توسعه‌یافتگی نخواهد شد. در دنیای روابط بین‌الملل کشورهای زیادی وجود دارند که به لحاظ منابع طبیعی تهی می‌باشند و تنها سرمایه‌ وجودی آن‌ها الگوی حکمرانی مناسب و مدیریت مطلوب است.

بر اساس یکی از تعاریف مورد وثوق سازمان ملل متحد در خصوص حکمرانی خوب چنین آمده که: «حکمرانی خوب یکی از ستون پایه‌های تحقق اهدافی نظیر توسعه پایدار، رفاه و صلح است. وضع هیچ‌یک از کشورها به این لحاظ دقیقاً یکسان نیست، اما به طور کلی صرف نظر از اختلافات فرهنگی، حکمرانی خوب حاکمیت قانون، نهادهای مؤثر دولتی، شفافیت و پاسخگویی در مدیریت امور عمومی، احترام به انسان، احترام به حقوق و مشارکت معنادار همه شهروندان در پروسه‌های سیاسی کشورهایشان و تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد را شامل می‌شود» (un document - a/52/1, 1997). همان‌طور که از تعریف فوق استنباط می‌شود حکومت خوب یک اصطلاح چندبعدی است که گام اصلی و اولیه و پیش‌شرط توسعه یک واحد سیاسی است. به طور کلی حکمرانی خوب به معنای هنر حکومت‌داری است که در آن کلیه تصمیمات عمومی و سایر امور به صورت شفاف گرفته شده و اجرا می‌شوند، مقامات دولتی با مسئولیت‌پذیری کارها را انجام می‌دهند و منصوب شدن آن‌ها مبتنی بر شایستگی است، با انجام کار ویژه‌های قانونی، حقوقی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی شکاف بین دولت و مردم برطرف شود. هنگامی که تصمیمات و اقدامات یک دولت مبتنی بر رضایت مردم، مشروعیت و

پاسخگویی به آنها باشد، حکومت از منظر مردم خوب است. حکومت خوب برای تحقق آرزوهای مردم باید تلاش کند. آرزوها باید مبتنی بر حس واقع‌گرایی و پویایی باشند. امروزه، حکومت خوب نه تنها از جایگاه اصلی در گفتمان توسعه برخوردار است، بلکه به عنوان یکی از عناصر مهم در ساختن ملت نیز محسوب می‌شود (Ali,2013:75).

یکی از ابعاد حکمرانی خوب بحث امنیت و ثبات است. امنیت یک مفهوم اساساً بحث‌برانگیز^۱ است. به واسطه اینکه جهان‌بینی افراد، منافع کشورها و خوانش و تصور آنها از پدیده‌ها متفاوت است. به عنوان مثال رخ‌نمایی یک وضعیت برای یک کنشگر به مثابه چالشی عمده و دشواره‌ای امنیتی قلمداد می‌شود، در صورتی که همان وضعیتی برای کنشگر مقابل یک فرصت محسوب می‌شود. به طور کلی برقراری امنیت و ثبات و مقابله با تهدیدات و عوامل بی‌ثبات ساز در کانون سیاست‌گذاری کشورها قرار داشته است. امنیت منحصر به یک بعد خاص و منفرد نبوده و شامل ابعاد مختلف می‌شود. گروه بین‌المللی بحران^۲ امنیت را به ابعادی نظیر امنیت ملی^۳ (آزادی از ترس از درگیری نظامی و مقابله با مخاطرات خارجی)، امنیت جامعه^۴ (رهایی از ترس و خشونت، حاکمیت قانون و نظم و پیاده‌سازی یک سیستم عادلانه و پایدار)، امنیت شخصی^۵ (رهایی از ترس فردی و به تعبیری مصون ماندن درآمد، مسکن، بهداشت و برقراری وضعیت شغلی و فرصت آموزشی؛ آزادی شخصی آزادی در جابجایی، حرف زدن، زندگی با عزت و بدون تبعیض و مشارکت در روند سیاسی) و امنیت محیطی^۶ (آزادی زندگی، کار و سرگرمی) تقسیم می‌کند. (Khan,2010:335)؛

1 - essentially contested

2 - International Crisis Group

3 - National security

4 - Community security

5 - Personal security

6 - Environmental security

امنیت ملی دامنه‌ای بسیار گسترده دارد و رشته‌های مختلف (از جمله جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، تاریخ، اقتصاد و برخی رشته‌ها دیگر) و حوزه‌های تخصصی (نظیر جنگ، بحران، مهمات، طرق انتقال اسلحه، بودجه و غیره) را شامل در بر می‌گیرد. والتر لیپمن^۱ در تعریف امنیت ملی می‌گوید: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد» (Lippman, 1943: 51). آرنولد ولفرز^۲ نیز در این رابطه می‌گوید: «امنیت ملی عدم تهدید نسبت به ارزش‌های اکتسابی^۳ و حیاتی است و هنگامی افزایش پیدا می‌کند که توانایی یک ملت برای بازدارندگی در برابر عناصر مهاجم افزایش پیدا کند و حتی آن را شکست دهند» (Wolfers, 1962: 151).

شهروندان یک کشور به تنهایی قادر به حفظ امنیت خود و هم‌نوعان نیستند بلکه با انتخاب نمایندگانی و تبعیت از آن‌ها خواسته‌های امنیتی خود به آن‌ها برون‌سپاری می‌کنند. در حقیقت نمایندگان مردم همان حکمرانانی هستند که بوسیله مردم بر مسند قدرت قرار گرفته‌اند. یکی از مطالبه‌های پایدار ساکنان یک کشور از نمایندگان خود مصون ماندن از خطر تهاجم عناصر خارجی است که به مناطق جغرافیایی محل زیست آن‌ها چشمداشت دارند. شهروندان در وهله اول مطالبه‌گر فزون‌سازی مقوله امنیت هستند تا اینکه افزون طلبان حوزه رفاه مادی باشند. مردم یک کشور که از رانت سرزمین‌های غنی و دشت‌های حاصلخیز به لحاظ منابع طبیعی بهره می‌گیرند در صورت عدم دفاع حکمرانان از آن‌ها به سرعت و سهولت مورد تهاجم و تسلط مهاجمان قرار خواهند گرفت. در چنین مواقع تهدید زایی حکمرانی خوب پتانسیل خود در معرض محک سنجی قرار می‌دهد. از این منظر مقوله امنیت ملی از الگوی حکمرانی خوب تفکیک‌ناپذیر است و جدایی بین این دو

¹ - Lippman-walter

² - Arnold Wolfers

³ - acquired values

اساساً وجود یک کشور را بی‌معنا می‌سازد. حکمرانی خوب با جلوگیری از ناامن شدن جغرافیای سرزمینی یک کشور و اطمینان خاطر از اینکه عامل خارجی شهروندان و کشور را تهدید نمی‌کند در حقیقت این پنداره را ایجاد می‌کند که در انجام کار ویژه خود موفق بوده است.

اینک آشکار می‌شود که پیوند تفکیک‌ناپذیر بین مقوله حکمرانی خوب و امنیت سرزمینی و مرزی وجود دارد. امنیت پیش‌شرط اساسی فعالیت یک انسان و کشور توسعه‌گرا است. مفهوم امنیت تمام جنبه‌های زندگی را در بر می‌گیرد و حکمرانان لازم است که با هر شرایط ناامن‌کننده که زیست مردم را به خطر اندازد مقابله کنند. دولت‌ها باید محیطی ایمن را فراهم کنند که به مردم امکان دهد اهداف اقتصادی و اجتماعی خود را بدون اضطراب و ترس ناخواسته^۱ دنبال کنند. فقدان امنیت ملی احساس امنیت روانی و حس آزادی را از افراد یک جامعه سلب می‌شود و چنین احتمالی وجود دارد که روند پیشرفت یک کشور متوقف شده یا با کندی پیش رود. لذا گرانیگاه اصلی حکمرانی خوب در وهله اول برقراری امنیت و ثبات است و حاکم در سپهر چنین فضیلتی خواهد توانست سایر کار ویژه‌های خود را جامه عمل بپوشاند. لذا بدون وجود امنیت هیچ حکمرانی موفق نخواهد شد که خود را در درون کشور به عنوان یک نظام موفق به پیروان معرفی کند و در مقیاس منطقه‌ای و برون منطقه‌ای قدرت چانه‌زنی زیادی نخواهد داشت.

استراتژی سنگربندی برون‌مرزی: ضرورت، ماهیت و اهداف

بررسی تاریخ معاصر غرب آسیا نشانگر این است که ناحیه غربی ایران برجسته‌ترین تهدیدها را برای این کشور در پی داشته است. این تهدیدها برای مدتی توسط کشورهای استعمارگر فرانسه و انگلیس پدیدار شده بود که قصد داشتند در ترسیم نقشه خاورمیانه و

¹ - undue anxiety and fear

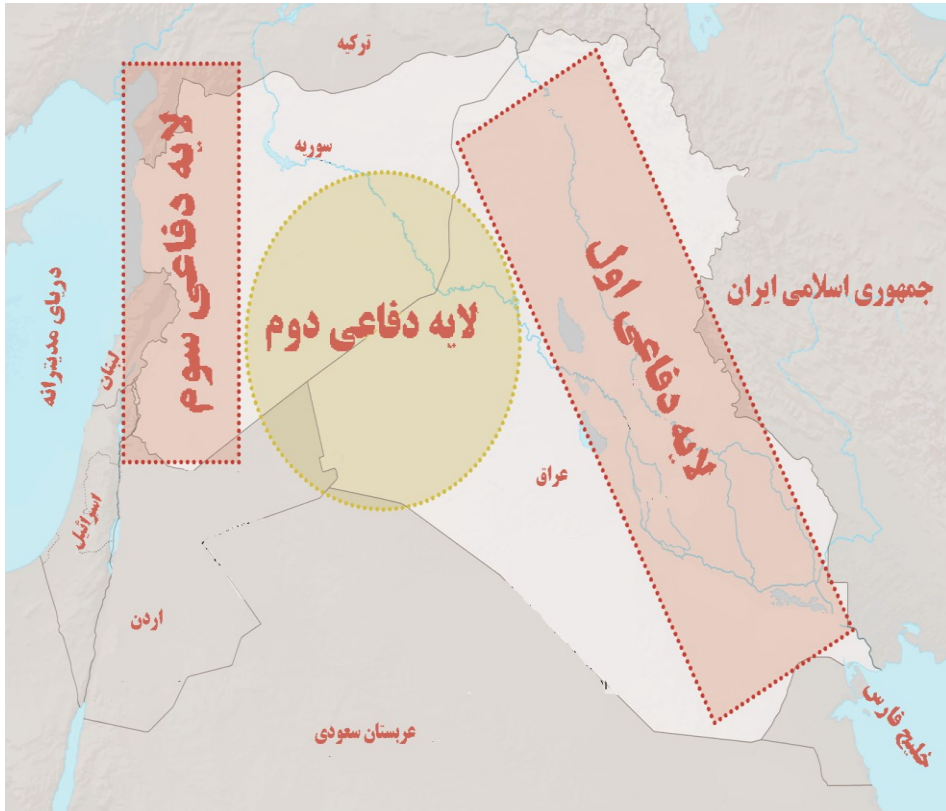
ذیل قرارداد سایکس - پیکو بخش‌هایی از ایران را نیز جدا سازند. از سوی دیگر در دوره رژیم صدام ایران و عراق اختلافات مرزی زیادی با یکدیگر داشتند تا اینکه با تحریک جبهه غربی جهت تهاجم به خاک ایران در یک جنگ فرسایشی مقابل همدیگر قرار گرفتند. پس از سقوط صدام نیز به ترتیب تهدید آمریکا و سپس تروریسم از ناحیه غرب کشور عینیت یافت. به این صورت محیط غربی بستر ساز ناامنی‌های ادواری متعدد و متنوعی برای ایران گشته است.

باید توجه داشت که برخلاف برخی کشورها که از طرف هر دو طرف توسط اقیانوس‌های وسیع محافظت می‌شود و در مرزهای جنوبی و شمالی خود دارای همسایگانی با الگوی روابط دوستانه هستند، ایران از هر طرف در معرض آسیب‌پذیری است. دفاع روی خاک در قیاس با دفاع دریایی به مراتب سخت‌تر است. چرا که حمله به یک کشور از طریق دریا انرژی گسترده‌ای از کنشگر مهاجم خواهد گرفت و اساساً سیالیت و بی‌قراری دریا نیروهای متجاوز را در معرض خطر و شکست قرار می‌دهد. کشور هدف قرار گرفته نیز می‌تواند به نحو بهتری دفاع را از ساحل انجام دهد. منتها ایران مرزهای خاکی گسترده‌ای دارد و دفاع از تمام این مرزها کار سخت و پیچیده‌ای است. این مسئله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که در نظر داشت که ایران از ناحیه مرزهای دریایی در معرض تهدید جدی و قریب نمی‌باشد و به علاوه قادر است که استراتژی دفاع ساحلی را از فواصل زمانی دورتر و با صرف هزینه مالی و تلفات کمتر انجام دهد. منتها این مسئله در خصوص نواحی غربی ایران صدق نمی‌کند و شرایط سرزمینی و ماهیت تهدیدات نیز در قیاس با مخاطرات دفاعی دریایی متفاوت است.

ایران با توجه به وجود چنین تهدیدهایی استراتژی دفاع سه لایه‌ای یا سه سنگری را طرح دیده است. این استراتژی از مرزهای ایران شروع شده و تا شرق مدیترانه امتداد می‌یابد. لایه اول دفاعی از مرزهای ایران شروع شده و تا بخش گسترده‌ای از خاک عراق را در بر می‌-

گیرد؛ لایه دفاعی دوم بخش شرقی خاک عراق و تا حومه‌ی غربی شهر دمشق و مرزهای واقع در بلندهای جولان را شامل می‌شود و لایه‌ی دفاعی سوم متمرکز بر لبنان، فلسطین و سواحل مدیترانه است. به لحاظ اولویت‌سنجی باید گفت که معمولاً حلقه‌ی امنیتی - دفاعی اول بیشترین اهمیت را برای حکمرانان ایران دارد منتها در شرایط کنونی نظر به برقراری امنیت نسبی در حلقه‌ی اول، به نظر می‌رسد که اکنون تمرکز ایران بر روی حلقه‌ی دفاعی دوم است؛ چرا که امروزه سنگر دوم دچار بی‌ثباتی شده است. واقعیت این است که تا قبل از وقوع بحران در حلقه‌ی دفاعی دوم، ارتباط ایران با شرق مدیترانه با سهولت و هزینه‌ی به مراتب کمتر صورت می‌گرفت و ایران آزادی عمل بیشتری جهت نقش‌آفرینی در مسائل شرق مدیترانه داشت (Bartell and Gray, 2012: 136). متنها بحران سوریه حتی حلقه‌ی سوم را تهدید می‌کند؛ زیرا از بین رفتن نفوذ ایران در حلقه‌ی دوم، بدون تردید پایداری نفوذ ایران در حلقه‌ی سوم یا مناطق واقع در شرق مدیترانه و چانه‌زنی در مسائل لبنان را نیز با تردید جدی مواجه خواهد ساخت و نهایتاً با از دست رفتن سنگرهای دفاعی ایران در سوریه و لبنان دشمنان و رقبای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قادر خواهند بود به تدریج به مرزهای ایران نزدیک شوند. نقشه ذیل مؤید استراتژی دفاع سه لایه‌ای یا سه سنگری ایران در منطقه‌ی غربی است.

نقشه ۱، استراتژی دفاع سه لایه‌ای یا سه سنگری



Source: <https://www.lemonde.fr>, 2015

در حقیقت هر کدام از این لایه‌ها حکم یک سنگر دفاعی مستحکم را دارند. ایران قادر خواهد بود سیاست‌های توسعه‌طلبانه دشمنان منطقه‌ای را قبل از نزدیک شدن به سرزمین ایران به وسیله این سنگرهای بازدارنده متوقف سازند. استفاده به موقع و دقیق از لایه‌های دفاعی فوق در بحران‌های اخیر سوریه و عراق جهت جلوگیری از حرکت ماشین جنگی سازمان‌های تروریستی و نیروهای نیابتی محور عبری، عربی و غربی به سمت مرزهای ایران، اهمیت استراتژی سنگربندی برون‌مرزی یا دفاع در عمق را آشکار ساخت. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با خانواده‌های شهدای مدافع حرم در این خصوص بیان می‌دارند که: «امتیاز شهدای شما این است که با دشمنی مبارزه کردند که اگر مبارزه

نمی‌کردند دشمن می‌آمد داخل کشور و اینجا باید با او مبارزه می‌شد. آن دشمنی که در فلان استان عراق یا فلان استان سوریه جلویش گرفته شد، اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما باید با او در کرمانشاه و در همدان و بقیه‌ی استان‌ها می‌جنگیدیم و جلوی او را می‌گرفتیم. در واقع این شهدای عزیز ما رفتند و جان خودشان را در راه دفاع از کشور، ملت، دین، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی فدا کردند» (بیانات رهبری در دیدارهای با خانواده‌های شهدای مدافع حرم، ۱۳۹۷/۱۲/۲۲).

عناصر قوام‌بخش راهبرد سنگربندی برون‌مرزی

طرح و پیاده‌سازی هر ایده‌ی استراتژیکی تابعی از وجود پیشران‌ها و عناصر محرکه‌ای است که در نقش بازیگران کلیدی جهت عملیاتی نمودن ایده‌ها مثر ثمر واقع شوند. ایده‌ها غالباً پیامدهایی در پی دارند، پیامدها نیز مثبت و منفی خواهند بود، در صورتی که حکمرانان علاوه بر ایده‌های مطلوب نیروهای قوام‌بخش و کارآزموده‌ای به منظور پیش‌بری طرح‌های راهبردی داشته باشند غالباً دستاوردها و پیامدها نیز مفید است. ایران نیز به منظور پیاده‌سازی راهبرد سنگربندی برون‌مرزی غالباً مجموعه طرح‌های خردی از جمله شبکه‌سازی نیابتی را در دستور کار قرار داده است. شبکه‌هایی که هر چند در کشورهای دیگر ایفای نقش می‌کنند، منتها در حقیقت ریسمان‌های نگه دارنده انقلاب اسلامی هستند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌دارند که: «اصلاً یکی از ابعاد این انقلاب و به قول معروف عمق استراتژیک انقلاب ما همین است و دشمنان، همین را می‌خواهند از ما بگیرند. مثل این است که انسان خیمه‌ای داشته باشد و ده‌ها ریسمان در ده‌ها سرزمین، با میخ‌های بلند آن را کوبیده باشد. این خیمه به گونه‌ای استوار و پابرجا می‌ماند که هیچ توفانی نمی‌تواند آن را تکان دهد» (بیانات رهبر انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴). مقصود مقام معظم رهبری از این ریسمان‌ها همان عناصر و نیروهای

محرکه‌ی واقع در سنگرهای برون‌مرزی است. به طور کلی عناصر قوام‌بخش استراتژی سنگربندی برون‌مرزی عبارت‌اند از:

سپاه قدس

سپاه قدس شاخه‌ی برون‌مرزی، آماده و رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران است. افراد حاضر در این یگان به واسطه شرکت در دوره‌های عملیات ویژه از تجربه و تبحر بسیاری بالایی در دفاع از منافع برون‌مرزی ایران برخوردار هستند. این گروه در حقیقت کار ویژه اصلی آن ورود به سنگرهای برون‌مرزی ایران در نواحی مختلف منطقه غرب آسیا است. تشکیل این شاخه از سپاه نشان می‌دهد ایران دامنه اهداف خود در را ماورای جغرافیای سرزمینی خود تعریف کرده است. کارزار بحران سوریه و موفقیت‌های کسب شده علیه گروه‌های تروریستی توان بسیار بالای سپاه قدس را نشان داد. نیکولاس هراس^۱ کارشناس مرکز امنیت نوین آمریکا در مقاله‌ای تحت عنوان ستون پنجم عراق: شبکه نیابتی ایران^۲ با اذعان به پتانسیل قابل توجه سپاه قدس می‌گوید: «نیروی قدس اساساً سازمانی است که جنگ‌های نامنظمی^۳ را انجام می‌دهد، غالباً جنگ‌های نامتقارن و عملیات دفاع ملی خارجی^۴ را در هم می‌آمیزد. از این لحاظ با نیروهای ویژه ارتش آمریکا تفاوتی ندارد. عراق و از سال ۲۰۱۱ سوریه عرصه‌های مهمی برای نیروهای قدس است» (Heras, 2017:3).

عده‌ای بر این باور بودند که سپاه قدس به واسطه عدم آشنایی با شرایط جغرافیایی و توپوگرافی سوریه شکست خواهد خورد، منتها باید گفت سپاه قدس به همان میزان که بر سرزمین ایران اشراف دارد، به میزان وسیع‌تر از آن بر فضای سرزمینی غرب آسیا و بالأخص سوریه و لبنان آشنایی اطلاعاتی و عملیاتی دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در

¹ - Nicholas A. Heras

² - Iraq's Fifth Column: Iran's Proxy Network

³ - irregular warfare

⁴ - Foreign Internal Defense (F.I.D.)

دیدار با فرماندگان سپاه در خصوص اهمیت عملیات فرامرزی شاخه سپاه قدس بیان می‌دارند که: «این نگاه وسیع جغرافیای مقاومت را از دست ندهید؛ این نگاه فرامرزی را از دست ندهید. قناعت نکنیم به منطقه‌ی خودمان: ما غُزِیَ قَوْمٍ قَطُّ فِی عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا؛ این حدیث از معصوم (علیه السلام) است که آن کسانی که در خانه نشستند تا به آنها حمله بشود دچار ذلت شدند. این جوری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد که خیلی‌ها متوجه به این نیستند، خیلی‌ها توجه به این ندارند. حالا بعضی‌ها هم توجه دارند و به نفع دشمن حرف میزنند مثلاً میگویند «نه غزه، نه لبنان» - اما خیلی‌ها هم توجه ندارند؛ واقعیت این است. این نگاه به این منطقه‌ی وسیع جغرافیایی که جزو وظایف و جزو مسئولیتهای سپاه است، نگذارید در داخل سپاه تضعیف بشود» (دیدار هزاران نفر از فرماندهان سپاه با رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸/۷/۱۰).

حزب‌الله لبنان

حزب‌الله لبنان با قدرت مانوردهی و پتانسیل ویژه در نبردهای غیر کلاسیک و نامتقارن برجسته‌ترین نیروی رزمی متحد ایران در منطقه است. این گروه با آمادگی، تجربه جنگی و اعتماد به نفسی که در نتیجه پیروزی‌های پیشین در مقابل رژیم صهیونیستی کسب کرده بود اکنون لایه دفاعی سوم را در کرانه‌های دریای مدیترانه در برابر اسرائیل تشکیل داده است. حزب‌الله به دلیل توانایی در حمله به اسرائیل به منافع ایران خدمت می‌کند و بنابراین به عنوان یک عامل بازدارنده در برابر حملات احتمالی این رژیم علیه ایران عمل می‌کند. البته باید توجه داشت که حزب‌الله صرفاً کارت بازی برای ایران نیست. در حقیقت امروز جواهر تاج محور مقاومت اسلامی است (Hashem, 2017:43). جمهوری اسلامی وجود یک

عامل بازدارنده قدرتمند در مرزهای اسرائیل را ضروری می‌داند. برای حزب‌الله نیز حفظ پیوند با ایران بسیار مهم است و در صورت از بین رفتن مسیر مطمئن پیوند با ایران در محاصره اسرائیل و رژیم‌های عربی قرار خواهند گرفت و امکان شکست و تضعیف شدید آن در یک نبرد همه‌جانبه و فرسایشی محتمل است.

باید توجه داشت که حفظ سنگر سوم ایران که حزب‌الله قوام‌بخش آن است بدون حفظ سنگر دوم دشوار می‌گردد. از این نظرگاه سوریه به عنوانی یکی از پیشران‌های مبارزه با اسرائیل سنگر اصلی قوام‌بخش لایه امنیتی سوم است. در صورتی که دولت سوریه سقوط کند حزب‌الله در مرزهای رژیم صهیونیستی با دشواری‌های شدیدی مواجه خواهد شد. با درک چنین تهدیدی حزب‌الله به همراه ایران در بحران سوریه نه تنها از سقوط متحد خود جلوگیری کرده‌اند، بلکه موازنه قوا را نیز به شدت علیه دشمنان تغییر داده‌اند و اکنون سنگر بازدارنده در برابر اسرائیل تقویت شده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب بیان می‌دارند که: «ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است؛ و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۷).

سوریه به عنوان قلب جهان عرب، عمق استراتژیکی^۱ ایران و حلقه واسط محور مقاومت^۲ است و مهم‌ترین و تأثیرگذارترین متحد منطقه‌ای ایران به شمار می‌رود. همانطور که نفوذ ایران در لبنان به این کشور قابلیت تأثیرگذاری بر روی مسائل فلسطین و حمایت از گروه‌های آزادی‌خواه نظیر حماس را می‌دهد، نفوذ ایران در سوریه امکان برقراری ارتباط با حزب‌الله لبنان و شرق مدیترانه را فراهم می‌سازد. سنگر سوریه پشتوانه و قوام‌بخش سنگر واقع در کرانه‌های دریای مدیترانه در برابر رژیم صهیونیستی است. در حقیقت کشور سوریه می‌تواند به عنوان یک ایجاد منطقه حائل^۳ و یا سپر و حفاظ برای سرزمین اصلی ایفای نقش کنند. از سوی دیگر نفوذ بیشتر ایران در سوریه، منجر به گسترش حوزه‌های نفوذ این کشور و وسعت یافتن جغرافیایی درگیری با رقبایی نظیر عربستان و آمریکا خواهد شد و آن‌ها را از تنش‌آفرینی در مناطق پیرامونی ایران همچون عراق، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان در بلندمدت بر حذر خواهد داشت. به همین خاطر مهدی طائب فرمانده قرارگاه عمار در همین رابطه می‌گوید: «سوریه استان ۳۵ ایران است اگر ما آن از دست دهیم. قادر به نگه‌داشتن تهران نخواهیم بود» (Sadjadpour, 2018: 1). تأکید وی روی این مسئله حاکی از اهمیت سوریه جهت دور نگه‌داشتن دشمن از مرزهای بین‌المللی و سرزمین ایران است. در صورتی که ایران تنها متحد خود در منطقه را از دست بدهد، این احتمال وجود دارد که با کاهش چشمگیر و فزاینده نفوذ استراتژیک خود در غرب آسیا مواجه شود (Yan, 2013).

اقدام ایران در راستای جلوگیری از سقوط دولت اسد را از نظرگاه ایجاد بازدارندگی^۴ و نزدیکی به خطوط قرمز^۱ اسرائیل می‌توان تبیین کرد. سقوط اسد منجر به بیشینه‌سازی امنیت

1 - strategic depth

2 - Axis of Resistance

3- Buffer Zone

4 -deterrence

و قدرت اسرائیل می‌گردد؛ و بالعکس قدرتمندی سوریه بیشینه‌سازی امنیت و سطح قدرت ایران را در پی دارد؛ زیرا به همان صورت که اسرائیل درصدد تقویت روابط خود با کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و اقلیم نیمه خودمختار کردستان عراق است و این مسئله را به عنوان ورود به حیاط خلوت ایران دارد، ایران نیز تلاش می‌کند با ورود به حیاط خلوت رژیم اسرائیل نوعی اهرم بازدارنده را در برابر تلاش‌های و اقدامات تحریک‌آمیز این رژیم ایجاد کند. سقوط بشار اسد آینده حزب‌الله را که به عنوان اهرمی بازدارنده نامتقارن^۲ در برابر حمله احتمالی اسرائیل به ایران عمل می‌کند را تهدید می‌کند. حتی می‌تواند اثری دومینووار بر نیروهای طرفدار ایران در دیگر بخش‌های خاورمیانه داشته باشد (Azodi and Arman, 2018) از این نظرگاه سوریه محور ژئوپلیتیکی و سنگر قوام‌بخش مبارزه حزب‌الله علیه اسرائیل است. اگر رژیم سوریه سقوط کند جریان تسلیحات و کمک به مهم‌ترین و نزدیک‌ترین حربه بازدارنده خود با مرزهای رژیم صهیونیستی یعنی حزب‌الله با دشواری‌های شدیدی مواجه خواهد شد (Nader, 2015). علی اکبر ولایتی^۳، مشاور عالی رهبر معظم انقلاب هنگام سفر به سوریه می‌گوید: «سوریه ستون مهم محور مقاومت توصیف است. این محور از تهران آغاز می‌شود و تا بغداد، دمشق، بیروت و فلسطین امتداد می‌یابد. این محور مقاومت در برابر مهاجمین وابسته به اسرائیل و آمریکا است. نیروهای تحت رهبری ایران همچنان رویارویی آمریکا و متحدانش بر روی زمین ادامه خواهند داد و هرچه زمان بیشتر می‌گذرد، احتمال پیروزی جبهه مقاومت افزایش می‌یابد. حضور من برای تقویت دیپلماسی مقاومت است» (Majidiyar, 2018)

تیپ فاطمیون

¹ -red lines

² -asymmetric deterrent

³ - Ali Akbar Velayati

این گروه در ۲۲ اردیبهشت سال ۱۳۹۲ شمسی با حضور ۲۲ نفر در منطقه زینبیه سوریه اعلام موجودیت کرده و امروز نیز بانام لشکر فاطمیون یا لواء فاطمیون شناخته می‌شود. هسته اولیه تیپ فاطمیون از اعضای سپاه محمد (ص) و تیپ ابوذر و همچنین افغانستانی‌های مقیم سوریه بوده‌اند. بنیان‌گذار این گروه علیرضا توسلی ملقب به ابو حامد بود که در ۹ اسفند سال ۱۳۹۳ در منطقه تل قرین در نزدیک مرزهای فلسطین توسط موشک هوایی بدون سرنشین اسرائیل کشته شد. هدف اصلی تشکیل لشکر فاطمیون شناسایی، سامان‌دهی، آموزش و اعزام داوطلبان افغان تبار جهت پیوستن به جبهه‌های دفاع از حرم حضرت زینب (سلام‌الله علیها) بود. لشکر فاطمیون به دلیل رابطه طولانی مدت با جمهوری اسلامی ایران و خطری که از جانب تکفیری‌ها احساس می‌کنند به سوریه اعزام شده‌اند. این گروه به دلیل تجربه جنگی در افغانستان و آشنایی با دوره‌های نبرد چریکی و عملیات نامنظم در طول بحران سوریه نقش‌آفرینی زیادی داشته‌اند و از زمره جنگ‌جویانی می‌باشند که آسیب‌ها و خسارات فراوانی به تروریست‌ها و استحکامات و انبارهای تسلیحاتی آن‌ها وارد ساختند. هم‌اکنون این گروه در مناطق عملیاتی حلب، دمشق، لاذقیه، قلمون و درعا مشغول مبارزه با گروه‌های تروریستی به‌ویژه داعش هستند از این‌رو به‌عنوان یک گروه نیابتی از سوی ایران حمایت می‌شود (Alfoneh,2017:3). سابقه حضور افغان‌ها در ایران و همچنین پیوند نزدیکی که با مقامات نظامی ایران برقرار ساخته‌اند روند جذب داوطلبانه و اعزام آن‌ها به سوریه را تسهیل ساخته است. عمده جمعیت اعزام‌شده به سوریه نیز از بین قشری هست که برای سالیان مدیدی در ایران زندگی کرده‌اند. به همین دلیل این گروه در عرصه مدیریت تحولات سوریه و مبارزات میدانی نقش حائز اهمیتی ایفا کرده‌اند (Clarke And Smyth,2017:3). یکی از اعضای این تیپ می‌گوید: «سوریه خاک وطن ما نیست و فقط عقیده و هدف ما دفاع از حرم حضرت زینب و حضرت رقیه (س) است. ما باید در این راه شهید بدهیم تا آن ثمره

و نتیجه را مشاهده کنیم. تا زمانی که شهید ندهیم به هیچ چیزی دست نخواهیم یافت. شما یک نهال را آب می‌دهید تا درخت شود و ثمره و میوه خوبی را به شما بدهد، در مورد شهیدان هم همین‌طور است؛ ما با خون شهدا به این نهال آب می‌دهیم تا به ما ثمره و نتیجه‌ای را که می‌خواهیم بدهد» (مشرق، ۱۳۹۴). این تیپ در طول بحران سوریه در نبردهای مختلفی حضور یافته و افراد زیادی از آن‌ها نیز مجروح یا شهید شده‌اند. حسین نصرالله رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان ری در همین رابطه می‌گوید: «شهرستان ری ۱۳۰ شهید مدافع حرم تقدیم حریم آل الله کرده است که پس از قم دومین شهرستان در تعداد شهدای مدافع حرم محسوب می‌شود. شش تن از شهدای مدافع حرم شهرستان ری ایرانی و بقیه از اتباع افغانستان و پاکستان هستند که رزمندگان افغانستانی عضو لشکر فاطمیون، پاکستانی‌ها عضو تیپ زینبیون و هم‌وطنان مدافع حرم ایرانی عضو تیپ فاتحین هستند» (نصرالله، ۱۳۹۶).

تیپ زینبیون

زینبیون از دیگر گروه‌های نقش‌آفرین در بحران سوریه هست که به‌منظور محافظت از حضرت زینب کبری (سلام‌الله علیها) و به طرفداری و حمایت از دولت مرکزی سوریه به ایفای نقش پرداخته است. این گروه بیشتر متشکل از پاکستانی‌های مقیم ایران و شیعیان ساکن پاکستان است. در طول نبرد سوریه دو گروه زینبیون و فاطمیون همکاری قابل‌توجهی جهت مقابله با گروه‌های تروریستی داشتند. در همین رابطه در شانزدهمین اجتماع مدافعان حرم با عنوان گرامیداشت شهدای تیپ زینبیون و با شرکت بسیاری از داوطلبان جدید مدافع حرم پاکستانی بیانیه‌ای صادر شد که در بخش‌هایی از آن این‌گونه اشاره شده که: «سربازان پولادین اراده‌ی تیپ زینبیون نیز چون همه مدافعان حرم و حریم اهل بیت (علیهم‌السلام) از جبهه مقاومت در سرزمین‌های اشغالی گرفته تا فرزندان جهاد و مقاومت در بحرین و یمن، با استمداد از امدادهای الهی و با اعتماد به وعده راستین او و با

نیت لیبیک به ندای هل من ناصر حسین زمانشان و خشنودی نائب بر حق ایشان امام خامنه‌ای که چون پدری مهربان و خورشیدی روشن امید و پناهگاه مجاهدان و عدالت‌خواهان سرتاسر جهان هست، در دفاع از آرمان‌ها و مبانی دینی خود به پا خاسته‌اند و تا خشک شدن ریشه‌های کفر و تکفیر و اسلام آمریکائی و رسوایی حامیان و پشتیبانان آن‌ها آرام نخواهند نشست» (خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۵). تیپ زینیون پاکستان به مناسبت نابودی سیطره داعش بر سرزمین‌های اسلامی در پیام تبریکی خطاب به فرمانده نیروی قدس این‌گونه بیان می‌کنند که: «اینک مفتخریم که رزمندگان سلحشور زینیون باتجربه دفاع در مقابل وهابیان، در سرزمین خود پاکستان با لیبیک‌گویی به ولی امر مسلمین جهان و تحت فرماندهی جنابعالی در جبهه مقاومت با آموزه‌های ارزشمند هشت سال دفاع مقدس جانانه از حرم حضرت زینب (س) دفاع نمودند و با پذیرش صحنه‌های خطر و به وجود آوردن حماسه‌های جاودانه، جنگ با داعش را تجربه کرده و بی‌شک آثار این تجارب گران‌سنگ در بدنه این نیروی مقاومت زینیون با درخشندگی به یادگار خواهد ماند» (مشرق، ۱۳۹۶).

انصار الله یمن

شیعیان حوثی یکی از گروه‌های قدرتمند هستند که به تازگی وارد محور مقاومت اسلامی گشته‌اند. هر چند در استراتژی سه لایه‌ای ایران قرار نگرفته‌اند، منتها از این نظر که شکست‌های سنگینی به عربستان به عنوان یکی از رقبای منطقه‌ای ایران وارد ساخته‌اند، کمک زیادی به تقویت هر سه سنگر ایران کرده‌اند. به ویژه آن‌ها اکنون وابستگی زیادی به لحاظ معنوی به ایران پیدا کرده‌اند و حمایت ایران از آن‌ها در طول تجاوز اخیر عربستان در تقویت پیوند آن‌ها با ایران مفید بوده است. محمد عبدالسلام سخنگوی جنبش انصار الله یمن سخنگوی جنبش انصار الله یمن در دیدار با رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌گوید: «ما ولایت شما را امتداد خط پیامبر اسلام (ص) و ولایت امیر المؤمنین (ع) می‌دانیم و مواضع

حیدری و علوی شما در حمایت از مردم مظلوم یمن را ادامه خط امام خمینی (ره) و مایه برکت و بسیار روحیه بخش می‌دانیم» (دیدار سخنگوی جنبش انصار الله یمن و هیئت همراه با رهبر انقلاب، ۲۵/۵/۱۳۹۸).

حشد الشعبی

غافلگیری و ناتوانی شدید نیروهای نظامی، اطلاعاتی، ارتش و پلیس فدرال عراق در برابر ظهور داعش و متعاقب آن سقوط چند شهر راهبردی بهره‌گیری از پتانسیل نیروهای بسیج مردمی را اجتناب‌ناپذیر ساخت. به همین خاطر با همکاری ایران و استقبال گسترده مردم یگان‌هایی به نام حشدالشعبی تشکیل شد. ماه جولای ۲۰۱۴ تاکنون تخمین زده شده که ۶۷ گروه نظامی زیر نظیر نیروهای بسیج مردمی عراق شکل شده که نزدیک به ۴۰ گروه آن‌ها با سپاه قدس ایران در ارتباط هستند. اگر چه بسیاری از تحلیل‌گران بر این اعتقادند که حشدالعشبی عمدتاً توسط نیروهای شیعه تشکیل شده است با این وجود نیروهای زیادی از جماعت اهل تسنن، مسیحیان، یزیدی‌ها و ترکمن‌ها به عضویت حشد الشعبی در آمده‌اند. استقبال نسبت به این گروه در عراق به شدت بالا است تا حدودی که دولت عراق اعلام کرده تا تعداد نیروهای این سامان بین ۱۱۰ تا ۱۲۲ هزار نفر می‌باشد. ۷۰ تا ۹۰ هزار نفر از این نیروها به صورت مستقیم در نبردهای سوریه و عراق درگیر بوده‌اند. شواهد حاکی از این است که ۵۰ هزار نفر از این گروه در سه سازمان بدر، عصائب اهل حق و کتائب حزب‌الله و زیر نظر نیروهای برون‌مرزی ایران آموزش‌های لازم را کسب کرده‌اند. به علاوه موفقیت حشدالشعبی در سرکوب گروه‌های تروریستی منجر به حمایت مقام‌های بلندپایه عراق، مقتدی صدر و عمار حکیم و همچنین آیت‌الله سیستانی شده است (A. Heras, 2017:2). رژیم صهیونیستی با وقوف به ارتباط میان ایران و این گروه الشعبی پس از نابودی داعش در عراق برخی مواضع حشدالشعبی را با حملات هوایی هدف قرار

داده است. این حملات حاکی از این است که اسرائیل سنگرها یا اهرم های بازدارنده ایران از عراق گرفته تا لبنان تهدیدی علیه خود قلمداد می‌کند (nationalinterest,2019).

عراق

دولت عراق پیشران بسیار مهمی است. در صورتی که دولتی ناهمسو با منافع ایران بر قدرت قرار گیرد و مشابه استراتژی دوران صدام در قبال ایران را در پیش بگیرد احتمال جدی در سیاست سنگربندی برون‌مرزی ایجاد می‌شود. در واقع ارتباط بین سنگرها قطع خواهد گردید. این سنگرها هر کدام به مثابه پشتوانه دیگر سنگرها به شمار می‌روند. مسیرهای زمینی ارتباط ایران با سنگر دوم و سوم اکثراً از طریق خاک عراق عبور می‌کند. نقشه ذیل مسیرهای عبور نیروهای ایرانی از خاک عراق و سپس عزیمت به سمت سوریه و لبنان است.

نقشه ۲، مسیر عبور نیروهای ایرانی به سوریه و لبنان



Source: <https://www.csis.org/war-by-proxy/>,2018

دستاوردهای راهبرد سنگربندی برون مرزی

شواهد و اطلاعات ارائه شده میدانی حاکی از این است که استراتژی سنگربندی برون مرزی دستاوردهای مطلبی را در پی داشته است. مهم ترین پیامدهای این استراتژی عبارت اند از:

تقویت امنیت سرزمینی

جمهوری اسلامی ایران در منطقه‌ای قرار گرفته که جنگ، درگیری و ناامنی وجوه بارز آن است و محصور شدن در مرزهای جغرافیایی و عدم قدم نهادن در فراسوی مرزها و مشارکت در پویش امنیتی منطقه، به مثابه این است که منطقه‌ای وسیع در اختیار دشمنان داده شود که در مواقع لزوم تقویت، تجهیز و آماده سازی آن‌ها به منظور حمله محتمل باشد. از این نظرگاه توقف در مرزها سرزمینی در گستره جغرافیایی که گرداگرد آن را بحران قرار گرفته است، نخستین مسئله‌ای است که کنشگران خارجی رقیب و دشمن با مشاهده آن تحریک می‌شوند؛ چرا که جملگی بازیگران تیم ایران تنها باید روی خط دروازه قرار گرفته‌اند و صرفاً جلوی حملات مهاجمان نظیر آمریکا، اسرائیل، تروریسم خواهند ایستاد تا اینکه سنگرهای دیگری در حیاط خلوت مهاجمان احتمالی ایجاد کرده باشد. نکته دیگر اینکه استقرار خاکریز در مرزهای حقیقی اگر چه قادر خواهد بود از ورود عناصر مهاجم جلوگیری کند منتها با توسعه صنعت موشکی و سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف دشمن قادر خواهد بود به واسطه این سلاح‌ها به راحتی مناطق مرزی و حتی شهرهای مرکزی را ناامن سازد. استراتژی سنگربندی برون مرزی توانسته است تا چنین نگرانی‌های امنیتی را رفع کرده و ایران با کاربست موفقیت‌آمیز آن اکنون قادر است دشمنان منطقه‌ای خود را در فرسخ‌های دورتر از سرزمین اصلی متوقف سازد. در واقع حکمرانان ایران به خوبی توانسته‌اند حاشیه امن و منطقه حائل را بین سرزمین خود و تهدیدات چالش آفرین از سوی نواحی غربی برقرار نمایند.

افزایش عمق استراتژیک

عمق استراتژیک^۱ یکی از اصطلاحات امنیتی و نظامی رایج است که در علوم استراتژیک، بحران شناسی و جغرافیای سیاسی مطرح است. به طور کلی این اصطلاح بیشتر ناظر بر میزان فاصله‌ی حقیقی میان میدان جنگ و قلمرو ارضی یک کشور است. در حقیقت هنگامی که گفته می‌شود که یک کشوری دارای عمق استراتژیک است مراد این است که آن کشور قادر است تا صحنه نبرد و مقابله با تهدید را از مرزهای سرزمینی خود به دور کشانده و به تعبیری جنگ را به زمین حریف ببرد تا به واسطه فاصله جغرافیایی که ایجاد کرده از میدان جنگ اصلی و به همان نسبت خسارات، آسیب‌ها و تبعات آن تا حد ممکن مصون باشد. در حقیقت کشورهایی که از این توانایی برخوردارند یک سرمایه و مزیت عظیم استراتژیکی دارند که در کشور ایران از آن تحت عنوان عقبه استراتژیک یاد می‌شود. مسئله عمق بخشی ژئوپلیتیکی یکی از سیاست‌های راهبردی و اولویت‌دار در منظومه الگوی حکمرانی دفاعی - امنیتی ایران بوده که در سپهر استراتژی سنگر سازی برون مرزی توانسته در این خصوص موفقیت‌های زیادی کسب کند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران گسترش عمق استراتژیک است. با توجه به اینکه چهار دهه پیش ایران با عراق به عنوان قدرتمندترین کشور عربی که تقریباً همه همسایگان ایران از آن پشتیبانی می‌کردند، جنگ ویران کننده‌ای را انجام داد و با توجه به غافلگیری رخ داده نتوانست از ورود نیروهای مهاجم به خاک کشور جلوگیری کند، لذا با عبرت‌آموزی از آن و برای تأمین امنیت خود، طرحی را در پیش گرفته که خطوط دفاعی خود را از مرزهای خود دور کند و به طور منظم در تلاش است که عمق استراتژیک خود را افزایش داده است. (OmidSalar, 2016:54).

¹ - strategic depth

روایت سنگربندی برون‌مرزی ایران نه تنها به تلاش بر ضد تروریسم گره خورده است، بلکه مهم‌تر از همه، شامل تلاش ایران برای حفظ عمق استراتژیک^۱ خود در منطقه بود. استراتژی دفاع رو به جلو^۲ - از طریق استفاده از نیروهای نیابتی و حمایت دولت‌های متحد، نه تنها منجر به غلبه ایران بر نگرانی از تنهایی استراتژیک^۳ (Perteghella, 2019:31) شده بلکه عمق استراتژیک ایران را به نحو چشمگیری گسترش و عمق بخشیده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌دارند که: «امروز این اتفاق افتاده است. خیمه‌ای که اینجا سرپاست، ریسمان‌ها و میخ‌های عمیقی که این خیمه در سرزمین اسلامی دارد، در کشورهای دیگر کوبیده شده است. ما در ملت‌های گوناگون عمق استراتژیک داریم» (بیانات در دیدار دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۸۴/۷/۲۴). نقشه ذیل نشان‌دهنده عمق استراتژیک ایران در شرایط کنونی است.

نقشه ۳، عمق استراتژیک ایران

1 - strategic depth

2 - forward defense

3 - strategic loneliness



Source:artishokinteractive,2019

رفع تهدید سازمان‌های تروریستی

جمهوری اسلامی ایران بعد از ظهور داعش در عراق و سوریه بلافاصله سنگرهای دفاعی خود را فعال ساخت. ایران قدرت‌گیری داعش و جبهه النصره را تهدید مستقیمی برای عراق، سوریه، لبنان و مهم‌تر از همه علیه سرزمین خود قلمداد می‌کند. به همین خاطر تروریسم یک دغدغه جدی به شمار می‌رود. سازمان داعش با نوع عملیات‌ها و نبردهای چریکی و پیشروی‌های اولیه‌ای که داشت در حقیقت بسیار خطرناک و تهدیدی قریب به شمار می‌رفت. از آنجا که عراق با ایران از ناحیه غربی و سوریه با عراق از ناحیه غربی پیوستار جمعیتی و مرزی گسترده‌ای دارد و از آنجا که داعش بر بخش‌های بزرگی از دو کشور سوریه و عراق را نیز کنترل کرده بود، لذا این مسئله مرزهای غربی ایران را در معرض

حملات گروه‌های تروریستی قرار می‌داد. باید توجه داشت که اگر سوریه سقوط می‌کرد احتمال سقوط عراق نیز وجود داشت، همین امر داعش را به مرزهای غربی ایران می‌کشاند. باید توجه داشت که در دوره اوج فعالیت داعش هزاران نفر در طول روز به صورت زنده قربانی حملات شیمیایی، گورهای دسته‌جمعی و جوخه‌های مرگ انفرادی قربانی این گروه تروریستی می‌شدند. این مسئله یادآور وحشیگری استثنایی دوران صدام علیه مناطق مرزی، شهرهای تصرف‌شده و بسیاری از اسرای ایرانی بود. لذا مقابله با این گروه تروریستی یک مسئله زندگی و مرگ برای ایرانیان است. عناصر تکفیری داعش بر خلاف سنی‌های معتدل که زیست و فعالیت سایر ادیان را تحمل می‌کنند، فعالیت و حتی حضور شیعیان را بدعت و نفاق آمیز می‌دانند که باید کشته شوند. لازم به ذکر است که از زمان فعالیت داعش تاکنون هر زمان که نیروهای مقابل خود را شکست داده، مردان را قتل عام کرده و زنان و کودکان را به بردگی گرفت. جامعه‌ی ایزدی، مسیحی، کرد و شیعه قبلاً این سرنوشت را متحمل شده بودند. علاوه بر این، این نگرانی به وضوح وجود دارد که اگر داعش اجازه دسترسی به مرزهای غربی کشور خود را داشته باشد، شهرهای بزرگ و مرزی ایران و در وهله بعد سایر شهرهای استراتژیک هدف حملات غافلگیر کننده‌ی کامیون‌ها و سایر حملات تروریستی قرار خواهند گرفت. از این رو شکست دادن داعش یک نگرانی اساسی برای امنیت ملی ایران بود که نسبت به تمامیت ارضی خود احساس نگرانی و آسیب‌پذیری می‌کند. (OmidSalar,2016:54). با این وجود به رغم اینکه داعش موفق شد با طرح‌ریزی صورت گرفته و نفوذ به سرزمین ایران و نهایتاً انجام یک عملیات در مجلس و حرم مطهر امام خمینی (ره) تعدادی از ایرانی‌ها را به شهادت برساند، منتها در غایت امر جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نیروها و عناصر قوام‌بخش خود در سنگرهای برون‌مرزی توانست بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های تحت تسلط این گروه را باز پس

بگیرد. تا جایی که اکنون به طرز قابل توجهی خطر داعش از سرزمین، مرزها و مردم ایران دور شده است.

ایجاد پل زمینی به مدیترانه

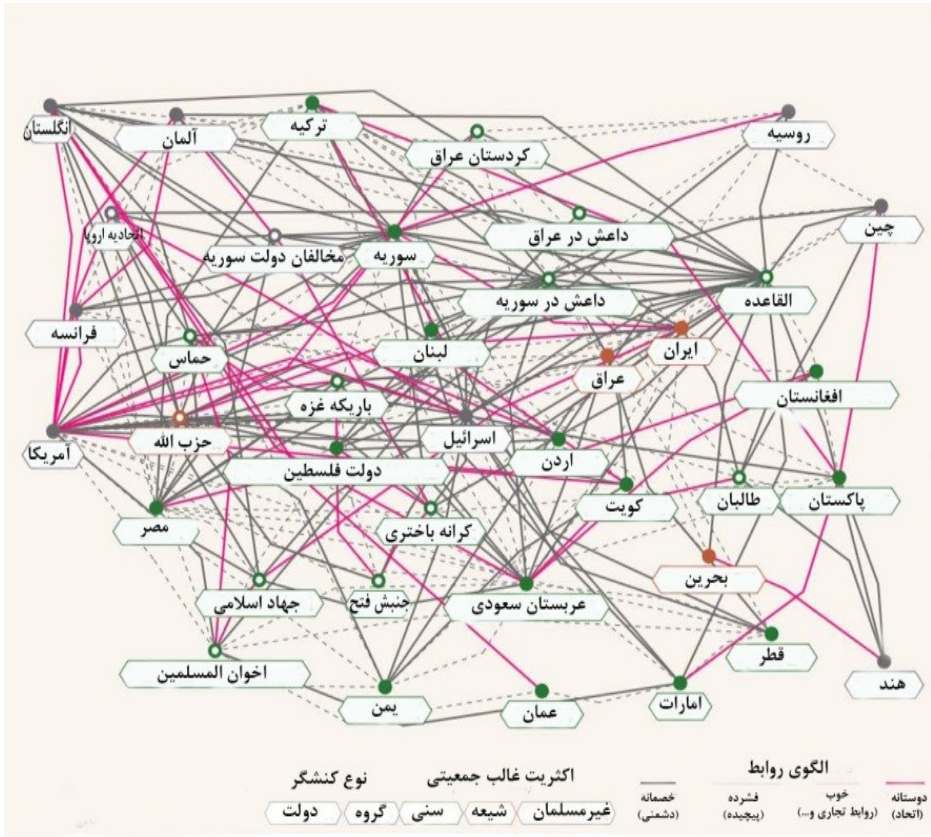
یکی از آرزوهای مهم ایران در خاورمیانه تکمیل یک پل زمینی^۱ یا مسیر زمینی از مرزهای خود تا دریای مدیترانه است. موفقیت ایران در اجرای این پروژه باعث آزادی تقریباً کامل در جابجایی از تهران تا بیروت شده است و جبهه بازدارندگی خود را با اسرائیل از جنوب لبنان تا ارتفاعات جولان گسترش داده است. اهمیت چنین دستاوردی هنگامی برجسته‌تر می‌شود که توجه داشت دایر شدن کریدور یا معبر دسترسی ایران به کرانه‌های مدیترانه شده از زمان امپراتوری پارس که اصلتش به ۲۶ قرن پیش باز می‌گردد تا مقطع زمانی کنونی جلوه خارجی به خود نگرفته است.

جایگاه راهبرد سنگربندی برون‌مرزی در منظومه حکمرانی سیاسی - دفاعی

ایران موفق شده تا به رغم تنوع و تکرر تهدیدات منطقه‌ای و برون منطقه‌ای ناشی از سیاست‌های تقابلی جویانه محور غربی، عبری و عربی‌الگوی موفق‌تری از حکمرانی دفاعی - امنیتی را عملیاتی سازد. شبکه موازنه قوا در منطقه غرب آسیا به شدت پیچیده و دشوار است. هر کشوری قادر به پیشبرد منافع و استراتژی‌های خود در درون این شبکه‌ی در هم تنیده، دیگر ستیز، تهدیدآمیز و به شدت رقابتی نیست. توجه به این شبکه در ارزیابی میزان موفقیت یا شکست استراتژی سنگربندی برون‌مرزی در منظومه سیاست خارجی ایران مهم است. نمودار ذیل نشان دهنده الگوهای روابط در منطقه غرب آسیا است.

نمودار ۱، الگوهای روابط میان کنشگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در غرب آسیا

¹ -land bridge



Source: <http://dovecotstudio.tumblr.com>, 2018

تأمل در شکل فوق در وهله اول پیچیدگی معادله قدرت، رقابت و دشمنی در غرب آسیا را نشان می‌دهد. منتها ایران به پشتوانه استراتژی سنگربندی برون‌مرزی و برخی استراتژی‌های دیگر مغلوب این شبکه پیچیده نشده است. واقعیت مسئله است که کشورهای غربی همواره از سیاست‌های ایران ناراضی بوده و آن را خلاف منافع منطقه‌ای و جهانی خود قلمداد می‌کنند از این رو بارها از تهدید به حمله نظامی علیه ایران با شعارهای تحت عنوان پایان رسمی ایران^۱ نام می‌برند. منتها باید بیان داشت که سیاست سنگربندی برون‌مرزی

^۱ -official end of Iran

ایران و باز کردن جبهه‌های جدیدی به روی این کشورها آن‌ها را در حمله نظامی علیه ایران مردد و ناکام ساخته است؛ به همین خاطر این نسخه الگویی موفق و آزموده شده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در این خصوص بیان می‌دارند که: «عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی اند. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۶).

اکنون گروه‌های نیابتی و هم‌پیمانان دولتی ایران در سطح منطقه غرب آسیا قادر خواهند بود مواضع کشورهای مهاجم را در سطح وسیع مورد تهاجم قرار دهند و حتی در صورت حمله جرقه جنگ‌های طولانی‌مدتی را علیه آنها رقم بزنند. لذا به باور بسیاری از اندیشمندان و سیاست‌گذاران غربی با توجه به اینکه ایران از یک‌سو توانایی‌های نظامی ویژه‌ای کسب کرده است و از سوی دیگر هم‌اکنون بسیاری از اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای خود را به هم‌پیمانان غیردولتی نظیر حزب‌الله لبنان و اسپاری کرده است در نتیجه حمله علیه ایران یک اشتباه برگشت‌ناپذیر^۱ با نامعلوم خواهد بود (Saleh, 2019). به همین خاطر ایران در یک سیاست روبه جلو دشمنان را خارج از فضای سرزمینی خود متوقف ساخته است. از این نظرگاه راهبرد سنگربندی برون‌مرزی با هدف کسب امنیت برای سرزمین اصلی در بحران‌های اخیر سوریه و عراق به محک آزمایش گذارده شده و اهمیت و ضرورت آن در دفع تهدید و خطر گروهک‌های تروریستی روشن گردید. رهبر

¹ -irreversible mistake

معظم انقلاب اسلامی به عنوان یکی از معماران راهبرد سنگربندی برون‌مرزی در این خصوص بیان می‌دارند که: «در خود منطقه‌ی غرب آسیا -در سوریه، در عراق، در جاهای دیگر- این همه هزینه کردند؛ چقدر هزینه کردند که داعش را به وجود آوردند؛ حالا میگویند ما داعش را نابود کردیم؛ شما غلط کردید نابود کردید. شما نابود کردید؟ داعش را جوان‌های سوریه و جوان‌های عراق و جوان‌های ایران نابود کردند، نه شما. اولاً شما داعش را به وجود آوردید، ثانیاً خرج زیادی کردید، سلاح و امکانات و پول بهشان دادید؛ خرج زیادی کردید، امکانات تبلیغی به آنها دادید. اینجا یکی از سران کشورها به من گفت که ما از بالا، از ماهواره می‌بینیم ردیف ماشین‌هایی را که دارند نفت را برای این‌ها می‌برند می‌فروشند و هواپیماهای آمریکایی هم این بالا راه می‌روند و از این‌ها حفاظت می‌کنند؛ حالا حمله که نمی‌کند، یک مواردی حفاظت هم می‌کنند؛ اما خوب همین‌طور که گفتم همت جوانان مؤمن در آن کشورها و در کشور ما داعش را نابود کرد، از بین برد؛ حالا میگویند بکلی از بین نرفتند، خیلی خوب دوباره هم بیایند دوباره همان است؛ ان عَادَتِ الْعَقْرَبُ عُدْنَا لَهَا؛ عقرب را با کفش زد له کرد، گفت اگر دوباره هم بیاید دوباره همین کفش دستم است، باز هم می‌زنم» (بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۱۰/ ۷/ ۱۳۹۸).

لازم به ذکر است که کشورهای غربی به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی و متحدان عربی آن یعنی عربستان و امارات با توجه به اینکه استراتژی سنگربندی برون‌مرزی ایران را ترجمانی از کاهش و تضعیف موقعیت منطقه‌ای خود قلمداد می‌کنند، درصدد ایجاد اخلال در این سنگرها هستند. تا حدی که ناآرامی‌های اخیر در کشور عراق و مشخصاً حمله به مواضع گروه‌های همسو با ایران همچون عصاب اهل حق و سازمان بدر و حشدالشعبی نشان از این دارد که راهبردهایی به منظور مقابله با این سنگرها دارند. تحولات عراق نشئت گرفته از مطالبات مدنی بود منتها کنشگران رقیب و دشمن ایران از مطالبات به عنوان

دستاویزی استفاده کردند. مسئله آنگاه اهمیت پیدا می‌کند که اخیراً فرمانده عصاب اهل حق در عراق که ارتباطی با فساد و ناکارآمدی سیستم اقتصادی و قانونی و مدنی عراق نداشت توسط افراد ناشناس به شهادت رسید. یا همین مسئله در لبنان به عنوان سنگر دفاعی سوم ایران نیز قابل تبیین است. مردم به واسطه نارضایتی از سیاست‌های دولت حول محور افزایش قیمت حامل‌های انرژی اعتراضات مدنی خود را شروع کرده، منتها در اثنای تظاهرات شعارهایی ضد ایرانی ضد حزب‌الله مطرح شده بود. هم‌راستا با آن مدیریت تحولات نیز نه در فضای حقیقی بلکه توسط کانال‌های مجازی در خارج از لبنان اداره می‌شد. حال این مسئله مطرح می‌شود که در صورت فقدان چنین سنگرهای برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران با دشمنان خارجی خود در همسایگی قرار می‌گرفت و بسیار محتمل بود با نفوذ در لایه‌های امنیتی - دفاعی کشور به مانند آنچه در حوادث مجلس و حرم مطهر امام خمینی (ره) رخ داد برخی آسیب‌های انسانی و مادی به کشور وارد سازند منتها اکنون آمریکا و عربستان واقف هستند که در صورت حمله به سرزمین ایران با لایه‌های دفاعی مختلفی از جانب این کشور مواجه می‌شوند. لذا در صورت شروع نبرد، صحنه درگیری در مرزهای دشمنان ایران خواهد بود. از این رو از چنین اقدامی اجتناب می‌کنند (Bodansky, 2019:7). لذا آزمایش موفقیت‌آمیز این راهبرد سنگربندی برون‌مرزی و تقویت عناصر قوام‌بخش در سنگرها در منظومه حکمرانی دفاعی - امنیتی ایران اهمیت حیاتی دارد و پیوسته در تلاش است تا آن را توسعه و تحکیم بخشد.

نتیجه‌گیری

واحدهای سیاسی در تلاش هستند تا با بهره‌گیری از ایده‌های مناسب و کاربست به موقع و دقیق آن، سرزمین خود را از تهدیدات خارجی محتمل و متصور مصون سازند؛ اما تنها تعدادی از کنشگران قادر خواهند بود ایده‌های تدوین‌شده را در عرصه عمل پیاده سازند، تاکنون برخی در این راه موفق شده و عده‌ای نیز هنگام اجرای ایده‌ها شکست‌خورده‌اند.

حکمرانان در تلاش هستند تا ایده‌های امنیتی - دفاعی خود را در نهایت دقت انتخاب کرده و کاربست دهند؛ زیرا واقف هستند که پایه‌ای‌ترین و برجسته‌ترین کار ویژه‌ای که در وهله اول توسط مردم از آن‌ها مطالبه می‌شود امنیت دفاعی - سرزمینی پایدار است... تابعان انتظار دارند تا حکمرانان امنیت پیشینه‌ای را برای آن‌ها پدیدار سازند تا در سایه آرامش، ثبات و هم‌راستا با خدمات عمومی ارائه‌شده توسط دولت فعالیت‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی خود را انجام دهند. الگوی حکمرانی دفاعی جمهوری اسلامی ایران به منظور برقراری امنیت ملی - و مشخصاً در بعد خارجی - راهبردها و تاکتیک‌های زیادی نظیر سنگر سازی برون‌مرزی را به مرحله آزمایش گذارده است. به همین خاطر سؤال اصلی پژوهش این بود که استراتژی سنگربندی برون‌مرزی در منظومه‌ی حکمرانی دفاعی - امنیتی ایران از چه اهمیت و جایگاهی برخوردار است؟ استراتژی سنگربندی برون‌مرزی ایران متشکل از سه لایه‌ی دفاعی در عراق، سوریه و لبنان بوده و حکمرانان این کشور در سپهر نقش‌آفرینی عناصر قوام‌بخشی نظیر سپاه قدس، حزب‌الله لبنان، اتحاد با کشورهای سوریه و عراق، حشد الشعبی و داوطلبان شیعه همچون فاطمیون و زینبیون، سعی در پیاده‌سازی این الگو دارند... هدف مرکزی کلان استراتژی سنگر سازی برون‌مرزی، عقب راندن تهدیدات پیش روی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از شبکه‌های نیابتی تحت حمایت و هدایت است. ایران نیز به مانند دیگر کشورها در تلاش است که از موزان بودن عناصر چالش‌برانگیز با مرزهای رسمی خود جلوگیری کند. الگوی موفق حکمرانی دفاعی - امنیتی ایران در کاربست استراتژی سنگربندی برون‌مرزی منجر به افزایش عمق استراتژیک، امنیت سرزمینی و دایر شدن کریدور یا معبر دسترسی ایران به کرانه‌های مدیترانه شده که از زمان امپراتوری پارس که اصلتش به ۲۶ قرن پیش باز می‌گردد تاکنون رخ نداده است. از سوی دیگر همین راهبرد نقش پایه‌ای در خشتی ساختن

اهداف و طرح‌های تهاجمی آمریکا، رژیم صهیونیستی، سازمان‌های تروریستی - تکفیری و گروه‌های نیابتی عربستان و امارات دارد.

منافع و مآخذ

فارسی

- عباسی، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۵)، الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷، شماره پیاپی ۴۷، صص ۵۹ - ۸۰.

- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: نشر میزان.

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴)، بیانات در دیدار دانشجویان برگزیده و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، (تاریخ دسترسی ۵ / ۸ / ۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۱۵>

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، دیدار سخنگوی جنبش انصارالله یمن و هیئت همراه با رهبر انقلاب، (تاریخ دسترسی ۱۴ / ۷ / ۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۴۳۲۳۶>

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، (تاریخ دسترسی ۲۹ / ۷ / ۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۱۶۷۳>

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، دیدار هزاران نفر از فرماندهان سپاه با رهبر معظم انقلاب اسلامی، (تاریخ دسترسی ۲ / ۸ / ۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۴۳۶۱۵>

- خامنه ای، سید علی (۱۳۷۳)، بیانات رهبر انقلاب اسلامی در خطبه های نماز جمعه، (تاریخ دسترسی ۲۹ / ۷ / ۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۲۴۱۰>

- خامنه ای، سید علی (۱۳۹۷). بیانات رهبری در دیدارهای با خانواده‌های شهدای مدافع حرم، (تاریخ دسترسی ۳ / ۷ / ۱۳۹۸)، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41853>

لاتین

- Khan, Shahedul(2010), Good Governance And National Security, Biiss Journal, Vol. 31, No. 4.
- Rajmil,Daniel(2015),The Middle East; Deterrence And Nuclear Deterrence,Journal Of The Spanish Institute For Strategic Studies,N,6.
- Gisselquist, Rachel(2012), What Does Good Governance Mean?Policy Paper, The United Nations University (Unu).
- Ali, Muhammad(2013), Governance And Good Governance: A Conceptual Perspective, The Dialogue, Volume X Number 1.
- Lippman,Walter(1943), Us Foreign Policy: Shield Of The Republic,Boston: Little Brown.
- Jolfers,Arnold(1962),National Security As An Ambiguous Symbol", Political Science Quarterly (New York), No.67.
- Heras,Nicholas (2017), Iraq's Fifth Column: Iran's Proxy Network, The Middle East Institute, Policy Paper 2017-02
- Perteghella, Annalisa(2019), Iran In Iraq And Syria: Be Careful What You Wish For, Italian Institute For International Political Studies,Policy Paper,Commentary.
- Azodi,Sina And Mahmoudian, Arman (۲۰۱۸), Iran's Alliance With Russia In Syria: Marriage Of Convenience Or Strategic Partnership? Atlanticcouncil,Policy Paper.
- Nader,Alireza (2015), Iran's Goals In Syria, The Rand Corporation,Policy Paper.

- Sadjadpour, Karim (2018), Iran's Unwavering Support To Assad's Syria, Combating Terrorism Center, Syria Special Issue, Volume 6, Issue 8.
- Majidiyar, Ahmad (2018), Top Khamenei Advisor Visiting Syria Says Iranian-Led Forces Will Expel Us From Region, Available At: <https://www.mei.edu/publications/top-khamenei-advisor-visiting-syria-says-iranian-led-forces-will-expel-us-region>.
- Yan, Holly (۲۰۱۳), Syria Allies: Why Russia, Iran And China Are Standing By The Regime, Available At: <https://edition.cnn.com/۲۰۱۳/۰۸/۲۰۱۳/world/meast/syria-iran-china-russia-supporters/index.html>
- Alfoneh, Ali (2008), What Do Structural Changes In The Revolutionary Guards Mean? Aeideas, September 23, Available: <https://www.aei.org/publication/what-do-structural-changes-in-the-revolutionary-guards-mean/>
- Saleh, Alam (2019), Trump Is Right About Iran, Yet Wrong, Available At: <https://www.e-ir.info/2019/07/25/trump-is-right-about-iran-yet-wrong/>
- Omidsalar, Mahmoud (2016), Syrian Conflict: The Iranian Perspective, Available At: <http://www.iranreview.org/content/documents/syrian-conflict-the-iranian-perspective.htm>
- Nationalinterest (2019), Why Iraq Is Ripe For Conflict With Israel, Available At: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/why-iraq-ripe-conflict-israel-75956>
- Bodansky, Yossef (2019), Has Iran Won The War For The Middle East? Available At: <https://oilprice.com/Geopolitics/Middle-East/Has-Iran-Won-The-War-For-The-Middle-East.html>
- United Nation (1997) Un Document - A/52/1, Good Governance, Human Rights And Democratization, Annual Report Of The Un Secretary-General On The Work Of The Organization.